

سلام به همه مهاجرسرایبی های عزیز

می خاستم چند تا سایت معرفی کن برای اینکه قیمت بلیط هواپیما و هتل حدودا دستتون باشه. البته می تونید بصورت آنلاین هم رزرو کنید.

1. www.cheapoair.com

این سایت همونطور که از اسمش معلومه خطوط هوایی ارزون رو براتون پیدا میکنه! البته واسه آنکارا فقط تکیش رو داره. و اگه از دو ماه قبل رزرو کنید حدود 275 دلار میشه. البته برای رزرو مستر کارت یا ویزا کارت میخاد. قیمت هتل ها و چیزهای دیگه هم هست.

2. www.kayak.com و www.booking.com که این سایتها هم مثل بالایی برای قیمت هتل و هواپیماو...

3. www.berimsafar.com این سایت ایرانی هست و شما میتونید با کارتهای شتاب رزرو کنید ولی همه هتل ها رو نداره و بعضی از هتلها هم قیمت رو بالاتر از بقیه جاها می گه.

البته سایت های زیاد دیگه ای هم هست ولی من با اینها بیشتر حال کردم. اگه کسی سایت واطلاعات مفید دیگه داره شیر کنه لطفا



ارسالها: 88
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 2
تشکر: 1355
564 بار تشکر شده در 74 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام خدمت تمامی دوستان خوبم در مهاجرسرا

فکر کنم این اولین سفرنامه آنکارایی بچه های 2012 باشه پس سعی میکنم که همه چی رو دقیق بگم تا دوستان بتونن استفاده کنن بعد از اینکه نتیجه قبولی رو تو سایت دیدم تا به هفته گیج میزدم... اصلا باورم نمیشد... تا اینکه از گجی اومدم بیرون و شروع کردم به جمع کردن مدارکم و روزی که تاریخ مصاحبه مشخص شد (تقریبا 50 روز زودتر) بلیطم رو خریدم فکر کنم حدود 340 تومن با ترکیش و شروع کردم به مذاکره با هتل های مختلف که بعدا به این نتیجه رسیدم که آژانس بهترین گزینه هستنش... و هتل رو از همون آژانسی که بلیط رو گرفته بودم رزرو کردم 7 شب هتل ددمان با ترانسفر 700 تومن... حدود 1 ماه قبل از مصاحبه از دکتر سفارت وقت گرفتم... و بالاخره لحظه موعود یعنی شروع سفر رسید... من چون 2 شبیه مصاحبه داشتم و با توجه به اینکه اینجا شنبه و یکشنبه تعطیل هست چهارشنبه اومدم آنکارا... توی فرودگاه اومده بودن دنبالم تا رسیدم هتل ساعت 7 صبح بود و تا حدود ساعت 10 که اتاقم رو گرفتم توی لابی الاف بودم... بالاخره اتاق رو تحویل گرفتم و به چند ساعتی خوابیدم و شب رو هم رفتم خیابون تونالی به قدمی زدم و شام روهم در مک دونالد خوردم برگشتم و خوابیدم تا صبح سر حال برای رفتن به دکتر آماده باشم... پنجشنبه ساعت 7 صبح بیدار شدم به دوش و به صبحانه مفصل و پیاده راه افتادم به سمت مطب دکتر خیلی راحت اونجا رو پیدا کردم و راس 8:30 که وقت داشتم اونجا بودم ولی منشی دکتر 8:45 اومد... مطب دکتر طبقه چهار هستنش... خلاصه پاسپورت و یک قطعه عکس رو ازم گرفت و گفت برو طبقه 3 منم رفتم اونجا وعکس و پاسم و کیس نامبرم و دادم و برای آزمایش خون و عکس از قفسه سینه 78 لیر پرداخت کردم، برگشتم بالا ساعت شده بود 9:15 منشی دکتر گفت ساعت 10:30 اینجا باش واسه معاینه... حالا حدود یک ساعت وقت داشتم که رفتم استار باکس و به کاپو چینو منشی به سلامتی شما دوستان خوب خوردم و راس 10:30 اونجا بودم با یکم انتظار رفتم تو و چشمم به جمال خانم دکتر اونگان روشن شد... من چون کارت واکسنم کامل بود هیچ واکسنی نخوردم و معاینه انجام شد و سوال های خانم دکتر و جواب های من و در اخر هم معاینه بعدشم که اومدم بیرون منشی ازم 70 دلار بابت ویزیت گرفت و گفت فردا ساعت 2 بیا جوابشو بگیر منم فردا که رفتم بهم گفت عکس قفسه سینت خوب نیست و 3 بار دیگه ازم عکس گرفتن تا بالاخره مورد قبول واقع شد و حدود ساعت 3 من جواب مدیکال رو در قالب یک پاکت برای سفارت و یک سی دی گرفتم که گفت سی دی رو باید با خودت ببری آمریکا... من هم خوشحال و خرم اومدم بیرون و حالا تا دوشنبه که بخوام برم سفارت کار خاصی ندارم بجز خوش گذروندن... جای همتون خالی این سه روز رو با دوستایی که اینجا پیدا کردم کلی خوش گذروندم....

راجع به غذا باید بگم یکم از تهران گرونتره هربار در رستوران بین 15 تا 20 لیر آب میخوره و فست فود هم زیر 10 لیر.. واسه خریدم من هم رفتم خیابون اتاتورک قبل از کیزیلا و هم با مترو رفتم آنکامال بچه هایی که هتل ددمان یا هتل های اطراف هستنید 10 دقیقه پیاده تا میدان کیزیلا و بعدش متروی قرمز رو سوار شنید و ایستگاه آکیورا پیاده شنید (چهارمین ایستگاه بعد از کیزیلا) درست جلوی آنکامال ارزون و سریع و راحت میرسید... دوشنبه صبح یعنی روز مصاحبه صبح ساعت 7:30 دم سفارت بودم و نفر چهارم در صف ورودی. جاتون خالی به بارون شدید هم میومد ولی خدا بیامرزه پدر و مادر صاحب هتل ددمان که چتر در اختیار مسافرای مثل من قرار میده وگرنه معلوم نبود توی این بارون چه بلایی سرم بیاد: دی... خلاصه بعد از اینکه نگهبان محترم اول ترک های محترم تر رو فرستاد داخل نوبت ما شد درب اول و بعدشم درب دوم در نهایت خانمی که اصل مدارک رو گرفت و من حدود ساعت 8:15 وارد سالن اصلی شدم و اول انگشت نگاری بعدشم پرداخت پول 819 دلار و در نهایت مصاحبه با آفیسر ریش قرمز که بسیار راحت بود و واقعا من بیخودی استرس داشتم... از من فقط راجع به کار و سربازی پرسید و همچنین سفر های خارجیم و هیچ سوالی راجع به مدارک مالی نپرسید... من به مانده حساب 40 میلیون تومنی داشتم و 3 تا سند... دی... خلاصه در نهایت گفت پرونده شما کامله و هیچ مشکلی نداره اما باید به سری مراحل اداری طی بشه که بین 4 ال 6 هفته آینده سایت رو چک کن هروقت کیس نامبرتو دیدی بیا ویزا تو بگیر و یک برگه آبی هم بهم داد... این بود از سفر نامه من




ارسالها: 65
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 30
251 بار تشکر شده در 39 پست

سلام دوباره به همه بیخشید که معطل شدید ما تازه امروز ساعت 5 صبح رسیدیم تهران ولی حالا بریم سر اصل مطلب یعنی

سفرنامه

ما ساعت 12 شب به وقت ایران به طرف فرودگاه امام خمینی حرکت کردیم و ساعت 3:30 صبح سوار هواپیما شدیم وقتی به آنکارا رسیدیم و حدود 60 لیر تا هتل بیوک ارشان دادیم وقتی رسیدیم ساعت 7:30 بود که ما رفتیم و صبحانه خوردیم و از هتل یک تاکسی گرفتیم و به سمت مطب دکتر اونگان رفتیم تو مطب دکتر دو تا آسانسور هست که یکی برای طبقات فرد و دیگری برای طبقات زوج بود که رفتیم طبقه ی چهارم و مطب دکتر هم خیلی خلوت بود و پرند پر نمی زد رفتیم پیش منشی دکتر(خیلی با ادب بود) و از ما پرسید که بار اولتون که گفتیم بله و یک عکس از ما گرفت و گفت برین پایین و تست خون و xray رو بدید که بگم هیچ کدوم از این تست ها رو از بچه های زیر 15 سال نمیگیرن و دوباره رفتیم بالا و منتظر موندیم و وقتی منشی دکتر اسم ما رو یکی یکی صدا زد یکی یکی رفتیم تو و سوالات همیشگی رو پرسید سوابق بیماری و چه دارو هایی مصرف می کنی و ... که به هممون دو تا واکسن زد که یکیش آبله مرغون بود از بچه ها هم علاوه بر اون تست سل گرفت که بعد منشی دکتر گفت سه روز دیگه (شنبه) بیاید و جواب رو بگیرد ولی به بچه ها گفت جای تست رو لیف نکشین کیسه نکشین و زخم هم نکنین که ما بعدش رفتیم هتل و تازه اتاقمونو دیدیم (که پیشنهاد میکنم هرگز هرگز به بیوک ارشان نرید چون حتی ساس هم داره) ما اون روز رو استراحت کردیم و فردا صبح رفتیم مقبره آتاتورک که خیلی فشننگ بود بهتون پیشنهاد

میکنم حتما برید که کل روز رو اونجا بودیم و فردا رفتیم مراکز خرید در میدان کیزیلائی که دو روز رو تو این مراکز گذروندیم  و شنبه رفتیم دکتر و دکتر تست بچه ها رو دید و منشی شروع کرد به پرینت کردن مدارک که روی مدارک پزشکی ما که یک سی دی بود که گفت باید به آمریکا تحویل بدین ولی مال بچه ها یک برگه تکمیلی واکسن بود که گفت اون مال خودتونه و ما هم رفتیم خونه و اون روز و یک شنبه رو گشتیم تا دو شنبه یعنی


مصاحبه

ما صبحانه رو خوردیم و به سمت سفارت حرکت کردیم و راس ساعت 8:30 جلوی در سفارت بودیم که بیرون صفی نبود و پاسپورت ها رو گرفتن و رفتیم تو پشت صف دوم که تو محوطه سفارت بود که یکی یکی رفتیم تو که نوبت ما شد و رفتیم که همون خانومی که فارسی بلد بود از ما

1. شناسنامه ها + ترجمه
2. کارت ملی (بدون ترجمه و کپی)
3. مدارک ساپورت مالی (که ما اسپانسر نداشتیم یک سند زمین و دو تا وکالت بلاعزل و یک قولنامه و یک پول تو حساب به مبلغ 15 میلیون
4. سند ازدواج که فقط هم یک کپی خواست
5. آخرین مدرک تحصیلی همسر
6. پاسپورت

که کارت پایان خدمت و آخرین مدرک تحصیلی من هم نخواستن

که این ها رو تحویل این خانوم دادیم و ایشون یک شماره به ما دادن و رفتیم داخل سفارت که خیلی شلوغ بود و ما اون روز تنها کیس لاتاری بودیم بعد از حدود 3 ساعت معطلی باجه شماره هفت ما رو برای انگشت نگاری صدا زد که همه با روالش آشنا هستیو و پس از حدود بیست دقیقه که تا اون موقع صندوق بسته بود باز شد و اسم ما رو برای باجه سه خوند رفتیم و نفری 819 دلار دادیم و دوباره نشستیم نزدیک مصاحبه سفارت خلوت خلوت شده بود که آروم حرف می زد صدا تو همه می شنیدند که باجه شماره شش ما رو صدا زد و رفتیم مصاحبه که یک خانوم بودن که گفت دست راست رو بالا بیارید که ما همون لحظه گفتیم دو سه تا مشکل هست که لطفا برطرف کنید که از ما پرسید چرا این مشکل پیش اومده که ما گفتیم اشتباه تایپی بوده و اون خانوم هم گفت مشکلی نیست و بعد قسم خوردیم و اول سوالشو از همسرمان آغاز کرد

1. تو این شرکت هایی که نوشتی کار میکردی و می کنی چه کاره بودی و اون شرکت چه کار میکرد و یا میکنه
2. همین  و بعد از من پرسید چه کاره هستی که منم گفتم و شرکتی نیست و آزاد هست که یک چند لحظه واستادیم تا این که گفتن به همسر و بیژای شما و بچه ها آماده هست ولی آقا یک سری مراحل اداری دارن که از ما پرسید می خواهید ویزاها رو الان بگیرد یا همه رو با هم می گیرید که ما هم گفتیم همه رو با هم میگیریم و یک برگه آبی دادن و تمام

جواب سوالات دوستان

1. من در ارتش خدمت کردم ولی وقتی کارت پایان خدمت رو نخواستن که همیشه متوجه شد کجا خدمت کردی
2. بله. مال ما کارت ملی هامون تاریخش گذشته بود



امیدوارم همتون موفق باشید و همه ویزاتونو بگیرید

ارسالها: 36

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 1

تشکر: 49

201 بار تشکر شده در 32 پست

 ARazmi

عضو



 سفرنامه من

همانطور که میدونید همسرمان برنده اصلی است و توی شهریور ماه بود که زمان مصاحبه ما اعلام شد؛ 3 نوامبر 2011. خوب اولین کار به چنگ آوردن مدارک تحصیلی از دست دانشگاه محترم بود، هر چند که اصلاً" برای مصاحبه ازم نخواستند! و من زودتر از موعد 4 میلیون ناقابل به دانشگاه دادم تا مدرکم آزاد بشه (کوفتشون بشه). همه مدارک ترجمه و 24 روز قبل مصاحبه با پست DHL برای سفارت فرستادم. بلیط هواپیما رو 40 روز قبل گرفتم ولی باید زودتر میگرفتم تا ارزونتر نموم بشه. شد نفری 417 تومان، پرواز ترکیش 30 اکتبر ساعت 4:30 صبح. و پوچر هتل رو هم از همون اژانس که بلیط رو گرفتم، تهیه کردم؛ 7 شب اتاق دو تخته هتل Best Western 2000 همراه صبحانه شد 740 تومان. ساعت 1 (خیلی زودتر از موعد) فرودگاه بودیم. پرواز سر ساعت حرکت کرد. و ما 6 صبح فرودگاه Ezenboga آنکارا رسیدیم. با یه اتوبوس از فرودگاه در

کمتر از نیم ساعت رسیدیم به شهر (بلیطش نفری 10 لیر بود) از اونجا به تاکسی تا هتل که زیاد فاصله ای هم نداشت (14 لیر شد).

هتل:

هتل در تقاطع خیابان کندی و بستکار واقع شده و به سفارت خیلی نزدیکه. نکته مثبتش صبحانه عالی اونه و نزدیکی به سفارت و مطب دکترو.

دکتر:

بعد از یه خواب، عصر ما رفتیم دنبال مطب دکتر که برای فردا که وقت داریم مشکلی نداشته باشیم ولی چون یکشنبه بود و همه جا تعطیل و مطب دکتر هم تابلویی نداشت. اون شب نتونستیم پیدا کنیم! مطب در تقاطع خیابانهای تونالی، ایران و بلوار آتاتورک و در کنار پارک واقع شده. فردا صبح رفتیم و منشی اصلاً به اون پرینتهایی که گرفته بودیم از وقت دکتر هیچ توجهی نکرد. همینکه ما رفتیم شلوغ شد.

اول طبقه 4، CASE NO و پاسپورت بعد طبقه 5 برای پرونده دوباره طبقه 4 برای معاینه. دکتر اونگان به هر دومون زد و چندتا سوال درباره سابقه جراحی و شرح حال و در آخر معاینه ریه و قلب. گفت فردا ساعت 3 بیاید جواب رو بگیرید. بعدش هم نفری 220 دلار گرفت.

دوباره طبقه 5 برای آزمایش خون و CXR. اینجا هم نفری 47.5 دلار شد. و تمام

فردا هم رفتیم و جواب تو پاکت گرفتم، منشی گفت در پاکت رو باز نکنید و یه سی دی بهش چسبیده بود که گفت اینو به سفارت نمیدید ولی باید با خودتون ببرید آمریکا، عکس CXR هست.

سفارت:

وقت مصاحبه ما پنجشنبه بود، و از شانس ما بارونی. ساعت 7:50 راه افتادیم و 8 دم در سفارت بودیم. کارکنان بیرونی از جمله نگهبانها همه ترک هستند. پاسپورتهای ویزاهای مهاجرتی رو گرفتند و بعد از چند دقیقه صدا کردند. رفتیم تو و گیت چک و وسایل با x-ray. نگهبانهای باحالی بودند، کلی خندیدیم باهاشون.

و دوباره تو سفارت تو صف مهاجرتی ها تا بریم تو مدارک رو بدیم. شناسنامه، کارت ملی، عقدنامه، و آخرین مدرک تحصیلی برنده لاتاری!! رو گرفت و اصلاً دیپلم رو هم نخواست. و شماره داد.

رفتیم تو نشستیم. 3 بار اسم رو میخونن: انگشت نگاری، پول و در آخر مصاحبه. تقریباً 2 ساعت و نیم طول کشید.

مصاحبه:

کل مصاحبه 2-3 دقیقه بیشتر طول نکشید. اول قسم و بعد امضای فرمها جلوی آفیسر. شغل همسرم رو پرسید. نوع فعالیت شرکتی که توش کار میکنه.

اسپانسرتون کیه و نحوه آشنایی.

شغل من و خدمت سربازی و دلیل معافیت.

هر سوالی هم که میکرد به چی تایپ کرد. بعدش هم گفت مدارک تکمیل و یه بررسی نهایی میخواد و برگه آبی رو بهمون داد و گفت تا 2-3 ماه دیگه به سایت سر بزنید وقتی Case No. خودتونو دیدید. یکتون بیاد برای ویزا.

همین



مصاحبه امروز بود و فعلاً "آنکارا" هستیم، این سفرنامه هنوز ادامه دارد و آپدیت میشه.

ارسالها: 106

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 71

371 بار تشکر شده در 89 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به دوستان مهاجرسرا از آنکارا ما هم روز 3 نوامبر رفتیم مصاحبه و برگه آبی رو گرفتیم! خیلی مختصر می نویسم چون اینجا نوشتن، اونم فارسی یکم برام سخته ولی سعی میکنم زیاد سر بزنم و به سوالات شما جواب بدم. بعداً هم سفر نامه رو می نویسم ان شاء ال...

از من در مورد سربازیم سوال کرد که چرا نرفتمی منم گفتم خریدم. در مورد کارم پرسید که توضیح دادم (کارم دولتی). همین از خانمم هم در مورد کارش پرسید که اونم توضیح داد.

بعدش هم گفت که بعد از انجام بررسی و کارهای اداری 1 الی 2 ماه دیگه سایت رو چک کنید و یکتون بیاد ویزاها رو بگیره. در ضمن من اسپانسر دارم و پرینت بانکی (40 میلیون) بردم.

مدارکی هم که از من در آخرین نامه خواستند: اصل شناسنامه و کارت ملی و سند ازدواج و کپی فرم 1040 مالیاتی و کپی پاسپورت آمریکایی اسپانسر و مدارک مالی و پاسپورتهای و عکس

همه رو تقریباً خانمی که فارسی حرف می زنه خواست ولی فرم مالیاتی و کپی پاس اسپانسر رو خودم یادآوری کردم که گفت بده. کارت خرید خدمتو نخواست و من به افسر مصاحبه کننده گفتم اصلش رو آوردم که گفت لازم نیست (ترجمه و کپی اصل رو فرستاده بودم)

در ضمن اینو بگم در جواب یکی از دوستان که گفته بود به کسی مستقیم ویزا ندادند. یک زوج جوان بودند که مستقیم گرفتند (مهاجرسرا نیستند). کار دولتی نداشتند و اسپانسر و پرینت بانکی و سند خونه داده بودند. دیگه بیشتر از این در مورد این دوستان نمیگم شاید راضی نباشن. ان شاء ال.. همین قدرشمن ناراضی نباشند. امیدوارم هر جا که هستند موفق باشن.

اینجا هوا یکم سرد هست اما اصلاً آذیت کننده نیست. از 6 روزی که ما اینجا هستیم فقط صبح روز مصاحبه بارون آمد! که ما هم به فال نیک گرفتیم و خدا رو شکر کردیم به خاطر برکتی که فرستاد.

افسر مصاحبه کننده بسیار خوش برخورد بود و کل مصاحبه بیشتر از 5 دقیقه طول نکشید. یک چیزی هم که من فهمیدم اینه که اگه دیرتر از بقیه شما تونو اعلام کردن و شماره های قبل از شما رفته بودن ولی شما هنوز مونه بودید اصلاً ناراحت نشید و خودتونو دچار استرس نکنید بلکه برعکس

ممکنه بخوان بتون مستقیم ویزا بدن که طول کشیده.

سلام به دوستان مهاجرسرا از آنکارا
ما هم روز 3 نوامبر رفتیم مصاحبه و برگه آبی رو گرفتیم. خیلی مختصر می نویسم چون اینجا نوشتن ، اونم فارسی یکم برام سخته ولی سعی میکنم زیاد سر بزنم و به سوالات شما جواب بدم. بعداً هم سفر نامه رو می نویسم ان شاء ال...
از من در مورد سربازیم سوال کرد که چرا نرفتی منم گفتم خریدم. در مورد کارم پرسید که توضیح دادم (کارم دولتی). همین از خانمم هم در مورد کارش پرسید که اونم توضیح داد.
بعدشم گفتم که بعد از انجام بررسی و کارهای اداری 1 الی 2 ماه دیگه سایت رو چک کنید و یکتون بیاد ویزاها رو بگیره.
در ضمن من اسپانسر دارم و پرینت بانکی (40 میلیون) بردم.
مدارکی هم که از من در آخرین نامه خواستند: اصل شناسنامه و کارت ملی و سند ازدواج و کپی فرم 1040 مالیاتی و کپی پاسپورت آمریکایی اسپانسر و مدارک مالی و پاسپورتها و عکس
همه رو تقریباً خانمی که فارسی حرف می زنه خواست ولی فرم مالیاتی و کپی پاس اسپانسر رو خودم یادآوری کردم که گفت بده. کارت خرید خدمتو خواست و من به افسر مصاحبه کننده گفتم اصلش رو آوردم که گفت لازم نیست (ترجمه و کپی اصل رو فرستاده بودم)
در ضمن اینو بگم در جواب یکی از دوستان که گفته بود به کسی مستقیم ویزا ندادند. یک زوج جوان بودند که مستقیم گرفتند (مهاجرسرا نیستند). کار دولتی نداشتند و اسپانسر و پرینت بانکی و سند خونه داده بودند. دیگه بیشتر از این در مورد این دوستان نمیگم شاید راضی نباشن. ان شاء ال.. همین قدرشمن ناراضی نباشند. امیدوارم هر جا که هستند موفق باشن.
اینجا هوا یکم سرد هست اما اصلاً اذیت کننده نیست. از 6 روزی که ما اینجا هستیم فقط صبح روز مصاحبه بارون آمد! که ما هم به فال نیک گرفتیم و خدا رو شکر کردیم به خاطر برکتی که فرستاد.
افسر مصاحبه کننده بسیار خوش برخورد بود و کل مصاحبه بیشتر از 5 دقیقه طول نکشید. یک چیزی هم که من فهمیدم اینه که اگه دیرتر از بقیه شمارتونو اعلام کردن و شماره های قبل از شما رفته بودن ولی شما هنوز مونه بودید اصلاً ناراحت نشید و خودتونو دچار استرس نکنید بلکه برعکس ممکنه بخوان بتون مستقیم ویزا بدن که طول کشیده.
فعلاً اینو داشته باشید تا بعد ببخشید که پراکنده گویی کردم.

ارسالها: 66
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 1
تشکر: 551
332 بار تشکر شده در 61 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همگی دوستان عزیز
ببخشید که با کمی تاخیر سفرنامه منو مینویسم. راستش من از مهاجرسرا و اعضای خوب اون چیزهای زیادی یاد گرفتم و نمیدونم اگه این سایت نبود چقدر باید وقت و پول هزینه میکردم تا این اطلاعات خوب رو بدست بیارم. به خاطر همین وظیفه خودم میدونم که به سفرنامه کامل با جزئیات بنویسم:
سفر ما به کم متفاوت بود. به خاطر اینکه بیشتر جنبه تفریحی داشت و کم کم داشت یادمون میرفت که واسه چی رفتیم آنکارا.
ما بلیط رفت و برگشت رو حدود یکماه قبل از سفر با پرواز ایران ایر از يك اژانس با قیمت 427 هزار خریدیم. ولی هتل رزرو نکردیم. پرواز قرار بود ساعت 18:25 باشه ولی طبق معمول 3 ساعت تاخیر داشت. برای رفتن به فرودگاه امام بهترین کار اینه که از تاکسی 1833 سرویس بگیرید که قیمت تویوتا کمرب 25000 بود ولی اگه سمند یا پژو میومد 20000 میگیره. حتماً قبل از رفتن به فرودگاه ساعت پرواز رو چک کنید چون بعضی از تاخیرها از قبل اعلام میشه و لازم نیست تو فرودگاه معطل بشید. هواپیمای ما (رفت و برگشت) ایرباس 320 بود و حدود ساعت 12 شب به وقت محلی رسیدیم آنکارا.
سعی کنید پلوتون رو تو فرودگاه چنج نکنید اگه هم مجبور شدید حداکثر تا 50 دلار چنج کنید چون اصلاً به صرفه نیست. تو فرودگاه به ازای 100 دلار 161 لیر گرفتیم ولی توی صرافیهها حداقل 171 لیر گرفتیم ولی روزهای آخر 178 هم گرفتیم.
از فرودگاه با اتوبوسهای هاواش که نفری 10 لیر میگیرن تا ترمینال اولوس رفتیم. از اونجا هم با یه تاکسی تا اوزپلهان رفتیم که تا مسیر خیلی کوتاهی بود.
البته وقتی وارد فرودگاه میشید تور لیدرهای ایرانی توی هر ساعت شبانه روز که پرواز باشه اونجا هستن که با 20 لیر شما رو تا هتلتون میبرن. (پس لازم نیست الکی پول ترانسفر به اژانسها بدید. خودتون خیلی راحت میتونید برید.)

هتل

ما از قبل هتل نگرفته بودیم. با توجه به شناختی که از خودمون داشتیم میدونستیم از هتل فقط به عنوان یه خوابگاه استفاده میکنیم و کلاً زیاد تو هتل نمیومیم. بخاطر همین دنبال یه هتل ارزون بودیم. توی سفرنامه ها هم خونده بودیم که اوزپلهان هتل خوبی هست. ما هم ظهر روز پرواز زنگ زدیم و يك اتاق رزرو کردیم. البته اگه هم زنگ نمیزدیم مشکلی پیش نمیومد. یکی از دوستان در مورد این هتل توضیحات و عکسهای کامل گذاشته که همه چیزش درسته فقط قیمتاش تغییر کرده. این هم لینک توضیحات :

<http://mohajersara.com/attachment.php?aid=110>

هتل اوزپلهان دو سري اتاق داشت. استاندارد (اتاق دابل شبی 54 دلار) و لوکس (اتاق دابل شبی 70 دلار). وقتی میخواهید اتاق استاندارد بگیرید اول اتاقهای خیلی درب و داغون رو نشوتتون میدن ولی چند تا رو ببینید بعد برید سراغ اتاقهای لوکس. ما دو شب اول رو رفتیم لوکس ولی 2 شب آخر رو يك اتاق 54 دلاری گرفتیم که نسبتاً هم تمیز بود. توصیه من اینه که به هیچ وجه هتل بیوک ارشان نرید. من اونجا چند تا هتل رو دیدم که به نظر من اتاقهای 70 دلاری بیوک ارشان از 54 دلاری اوزپلهان هم بدتر بود.

یه هتل خیلی خوب هم پیدا کردم : هتل سیاو (SIYAV). بین هتل ددمان و اوزپلهان هستش. این هم آدرس سایتش: <http://www.siyav.org.tr>

البته کلا ساینس ترکیه. ولی عکس هاش ببینید خوبه. تلفنی هم میتونید با هاشون صحبت کنید انگلیسی شون خوبه مثل اینکه نوساز بود. قیمتهاش هم به ما مفت گفت. اتاق دابل شبی 80 تله (لیره). ما رفتیم اتاقهاشو دیدیم واقعا تمیز بود. به نظرم حتما اونجا برید. اصلا قابل مقایسه با اوزیلهان و بیوک آرشان نبود. فقط نمیدونم چرا اینقدر قیمتش پایین بود. شاید چون تازه باز شده بود. ولی تنها بدیش اینه که پذیرش این هتل اصلا فارسی بلد نبودن. انشالا برای سري بعد که رفتیم آنکارا حتما میریم هتل سیاو. تو پذیرش هتل اوزیلهان يك خانمي هست که مثلا فارسی بلده ولی نه فارسی متوجه میشه و نه انگلیسی ولی پسرهایی که تو پذیرش هستن خیلی مودبن و انگلیسی رو تقریبا خوب حرف میزنن و خوب هم راهنمایی میکنن.

دکتر

صبح که بیدار شدیم پیاده رفتیم مطب دکتر اونگان رو پیدا کردیم. از قبل اینترنتی وقت دکتر گرفته بودیم. حدود 15 دقیقه پیاده روری از هتل. يك فروشگاه لباس سر ورودی هست. طبقه چهارم پرینت نوبت با يك عکس تحویل دادیم و ما رو فرستاد طبقه پنجم برای آزمایش خون و عکس. حتما از نامه دوم 2 تا پرینت داشته باشید. خیلیها راهنما گرفته بودن ولی ما خودمون همه کارها رو انجام دادیم. تقریبا همه راهنماها رو اونجا دیدیم (عباس-مجید-آرین-یوریا و کیان ...) اصلا نیاز به راهنما نیست. ما حتی کارمون از خیلی از افرادی که با راهنما اومدن بودن زودتر راه افتاد. بقیه کارها دقیقا طبق مراحل که بچه های دیگه گفتن پیش رفت. دکتر هم که معاینه کرد چون کارت واکسن داشتیم هیچ واکسنی به ما نزد. 95 دلار بابت آزمایش و عکس دادیم (برای 2 نفر) و 140 دلار هم بابت معاینه اونگان. وقتی کارمون تمام شد منشی دکتر گفت فردا ساعت 3 بریم برای جواب. ما حدود یکساعت زودتر رفتیم ولی مجبور شدیم تا 3 صبر کنیم چون تا قبل از 3 به هیچ کس جواب نمیداد.

مصاحبه

از هتل تا سفارت حدود 8-10 دقیقه پیاده راه بود. صف توریستی ها جدا بود. نگهبان اومد پاسپورتها رو جمع کرد و به نوبت صدا میزد و میرفتیم داخل. همه لباسای خیلی معمولی پوشیده بودن. پس اصلا نگران پوشش خودتون نباشین. وقتی از دومین در وارد شدیم سمت چپ به خانم مدارک لازم رو از ما گرفت. دو تا عکس هم ازمون گرفت که بعد از مصاحبه آفیسر به ما پس داد چون قبلا عکس برای آنکارا پست کرده بودیم. مثل بقیه بچه ها اول باجه 7 واسه اثر انگشت بعد باجه 3 واسه پرداخت پول نفری 819 دلار و آخر هم مصاحبه. کلا مصاحبه فارسی در دوباجه 6 و 5 انجام میشد که باجه 5 همون آقای معروف ریش قرمز بود و باجه 6 به خانم بود. اگه شما هم مثل ما کنجکاو بودید وقتی وارد سالن میشدید بطرف صندلیهای آخر سالن برید که از اونجا بتونید صدای مصاحبه نفرات قبل رو بشنوید. باجه 5 معمولا خیلی سوال پیچ میکرد ولی اون خانم آفیسر کمتر سوال میپرسید. ماهم از شانس بد یا خوبمون با آفیسر آقا مصاحبمون افتاد. پدرمون رو درآورد از بس سوالای چرت پرسید. از کاری که انجام میدیم خیلی پرسید. ولی از کاری که میخواهیم اونجا انجام بدیم یا جایی که میخواهیم زندگی کنیم چیزی نپرسید. اول دو تا برگه داد که من و خانمم امضا کنیم. بعد از من درباره شغل پرسید من هم توضیح دادم. پرسید توی شرکت در کدوم قسمت کار میکنی. بعد شروع کرد به گیر دادن در مورد ازدواجمون. (تاریخ ازدواج ما یکماه زودتر از زمان اعلام نتایج بود ولی نمیدونم چرا بازم اینقدر حساس شده بود). اینکه چطوری باهم آشنا شدید. از خانمم پرسید کجا و چطوری ازت خواستگاری کرد. بعد از من پرسید آیا خانواده خانم با ازدواجتون مخالف بودن و ... البته من فکر میکنم این سوالا بیشتر جنبه روانشناسی داره. ما هم اصلا از قبل آمادگی اینجور سوالا رو نداشتیم. بعد از اون درباره کار خانمم از سوال پرسید. گفت در مورد خدمت اجباریت بگو و اینکه آیا در ارتش بودم؟ من هم گفتم بله و خلاصه توضیح دادم و در آخر هم خندید و گفت: کار مجانی میکردي؟ در آخر هم گفت "من برای روشن شدن وضعیت کار شما امشب يك سري سوال برای شما ایمیل میکنم. سوالها رو جواب بدید و برای من بفرستید. بعد از 4 تا 6 هفته هر وقت توی سایت شمارتون رو دیدید یکی از شما بیاد ویرا."



الان هم حدود 10 روز از مصاحبه میگذره و خبری از ایمیل نیست. فکر کنم بیخیال ما شدن. وقتی هم من در مورد مدارک مالی ازش پرسیدم گفت ما هیچ گونه شکي درباره توانایی مالی شما نداریم و حتی اصل سندى که ترجمه کرده بودیم رو هم ازمون نخواست. نامه بانك هم حدودا نفری 40-30 میلیون داشتیم.

چند تا نکته خیلی مهم:

- 1- ما هیچکدوم از مدارکمون مهر وزارت خارجه و دادگستری نداشت. هیچ مشکلی هم پیش نیومد. الکی بخاطر محکم کاری و این حرفا نرید مهر بزید.
 - 2- من و خانمم مدرکمون فوق لیسانس بود ولی هیچکدوم نه اصل مدرک داشتیم و نه گواهی موقت. فقط مدرک دیپلم و پیش دانشگاهی رو دادیم. البته به سري نامه و مدرک آماده کرده بودیم که اگر آفیسر گیر داد بهش نشون بدیم ولی اون هم سوالی نپرسید.
 - 3- ما هر کدوم 5 سال سابقه کار داشتیم ولی بازم هیچ نامه از سابقه کار و یا بیمه ارائه ندادیم. آفیسر هم چیزی نگفت.
 - 4- فقط مدارکی رو که ازتون خواسته میشه تحویل بدید. اصلا سوال اضافه یا مدارک اضافه تر نشون ندید.
 - 5- ما کپی ترجمه مدارک رو به سفارت فرستادیم و روز مصاحبه هم فقط اصل بعضی از ترجمه ها رو ازمون گرفت.
 - 6- ما اسپانسر نداشتیم. فقط مانده حساب بردیم با سند خونه بدون ارزش گذاری. وقتی نامه بانك میخواستیم بگیریم مسئول بانك گفت که بخاطر تحریم گواهی مانده حساب این بانك رو به هیچ وجه سفارت قبول نمیکنه ولی برای ما مشکلی پیش نیومد. اونها اصلا کاری ندارن که شما از کدوم بانك نامه میگیرین فقط مانده حساب مهمه. گردش حساب هم نمیخواستن.
- به نظر من اگه به هر دلیلی نمیتونید اصل مدارک تحصیلی لیسانس یا نامه اشتغال بکار آماده کنید به خودتون استرس وارد نکنید و فقط مدارک اصلیتون کامل باشه. فقط به فکر لذت بردن از این سفر باشین.

تور لیدر

همونطور که گفتم شما در فرودگاه و مطب با انواع و اقسام این افراد برخورد خواهید داشت که در ازای مبلغ 100 دلار برای هر نفر همه کارهای شمار رو انجام میدن!!! بر طبق نصیحت دوستان مهاجرسرا 100 دلار بی زبون رو گذاشتیم تو جیبمون و همه کارها رو خودمون انجام دادیم. کارها خیلی ساده تر از اونیه هست که بشه فکرشو کرد. اگه چند تا سفرنامه رو بخونید چشم بسته هم میتونید همه کارها رو انجام بدید. وقتی تصمیم دارید که برای زندگی به یه کشور دیگه برید بهتره از همین الان خودتون با اعتماد به نفس کارها رو پیش ببرید. البته اینم بگم که این لیدرها آدمهای بدی نبودن و فقط از این طریق دارن کاسبی میکنن و حتی برای یه سري از افراد سن بالا که برای ویزای خانوادگی اومده بودن خیلی هم مفید بودن چون دیگه لازم نبود برای هرجا که میخوان برن الکی کرایه تاکسی بدن و سردرگم باشن و لیدرها حتی خرید لوازم ضروری رو هم واسشون انجام میدادن.

استانبول

ما روز اول تو هتل با یه زن و شوهر جوان که برای انجام مقدمات تحصیل تو آنکارا اومده بودن آشنا شدیم و این بزرگترین شانس ما تو این سفر بود. چون کلا آدمهای خوب و پایه ای بودن و زبان ترکی رو هم تقریبا بلد بودن. من از قبل از سفر به آنکارا دنبال رفتن به استانبول بودم ولی تو سفرنامه هایی که خوندیم کسی رو ندیدم که رفته باشه. شیدا تور هم که صحبت کردم قیمت خیلی بالایی برای تور استانبول داد که برای دو نفر اصلا به صرفه نبود. در نتیجه دل رو زدیم به دریا و با دوستان جدیدمون تصمیم گرفتیم که بریم استانبول. بعد از 2 شب موندن در هتل و تموم شدن کارای پزشکی، ظهر وسایلمون رو جمع کردیم و اتاق هتل رو تحویل دادیم. (آخه برای اینکه اون روز پول هتل حساب نشه باید تا قبلا ساعت 12 ظهر اتاق رو خالی کرد). بیشتر وسایلی رو تو اتاق مجید (یکی از لیدرها که اغلب تو هتل اوزیلهان بود) گذاشتیم و بعد از اون رفتیم که مثلا زودتر جواب آزمایشات پزشکی رو بگیریم ولی مجبور شدیم تا ساعت 3 صبر کنیم. و از اونجا هم به مترو کیزیلاي برگشتیم و با خط قرمز به طرف آنکامال رفتیم تا شب اونجا سرگرم بودیم. کلا همه چیز تو آنکامال مارک بود و خیلی گرون. بعد دوباره به مترو کیزیلاي رفتیم و با خط مترو سبز به طرف ترمینال رفتیم. ایستگاه آشنی که همون ترمینال

بود پیاده شدید. طبقه سوم اتوبوسهای استانبول هستند که ما بلیط نفری 20 لیر گرفتیم. این رو هم بگم که تو شهر آنکارا آژانسها بلیط استانبول رو میفروشند ولی خوب مطمئنا گرون تر. ساعت 12 شب سوار اتوبوس شدیم و حدود 6:30 رسیدیم استانبول. از ترمینال استانبول تقریبا کارها خیلی راحت تر هست چون از اونجا هم مترو هست و هم اتوبوس به اکثر نقاط شهر و مردم هم خیلی بهتر انگلیسی میفهمن.

ما طبق پیشنهاد دوستمون با اتوبوس به uminonu رفتیم. اونجا منطقه توریستی هست و مسجد سلطان احمد و بازار بزرگ (البته ما وقتی تصمیم گرفتیم بریم بازارش که بخاطر تعطیلات همه مغازه ها بسته بودن واسه همین در مورد قیمتاش و کیفیت اجناسش چیزی نمیتونم بگم.) صبح که رسیدیم استانبول قبل از پیدا کردن هتل پیاده به سمت مسجد رفتیم که واقعا زیبا بود. اینو بگم که هوای استانبول نسبت به آنکارا به کم سرماش کمتر بود. به موزه هم نزدیک مسجد بود که به صف طولانی داشت و بلیطش هم مثل اینکه 20 لیر بود ولی ما نرفتیم. توی همون منطقه به هتل برای يك شب گرفتیم. اتاقهای چند تا هتل رو دیدیم قیمتاش نسبت به کیفیت هتل افتضاح بود. اتاقها در حد ماوراء تصور آدمی کثیف بود. ولی از شانس خویمون هتلی که ما پیدا کردیم نسبت به بقیه تمیزتر بود. اتاق دابل رو شبی 100 لیر گرفتیم. البته هتل تو میدان تقسیم خیلی ارزونتره و چون uminonu به منطقه توریستی هست گرونتر بود. چون ما میخواستیم فقط به شب بمونیم همونجا رو گرفتیم. بعد از ظهر با تراموا به میدان تقسیم و خیابان استقلال رفتیم که خیلی زیبا و دیدنی بود ولی فوق العاده شلوغ. (قیمت بلیط تراموا نفری 2 لیر بود) از میدان تقسیم هم با اتوبوس به مرکز خرید اولیویوم رفتیم که حتما پیشنهاد میکنم که اونجا رو برید. ما اکثر خریدمون رو اونجا انجام دادیم. بازار لباسهایی هست که ظاهرا از مد خارج شدن ولی نسبت به ایران که معمولا چند ماهی از مد عقب تر هست خیلی خوبه. قیمتها هم خیلی مناسب بود. تقریبا به حراج خوب بود. (قبل از اینکه بخواید مسیر رو انتخاب کنید حتما از چند جا به جز راننده تاکسیها بپرسید چون راننده تاکسیها معمولا میگویند هیچ راهی جز تاکسی نیست.) موقع برگشت هم به مسیر تقریبا طولانی رو پیاده اومدیم تا به یه ایستگاه تراموا رسیدیم و از اونجا به هتل برگشتیم. شب ساعت 12 به هتل رسیدیم که خانم من تازه یادش افتاد که گرسنه هست و ما هم تو خیابونای اطراف هتل رفتیم که خرید کنیم. اونجا شبها هم مثل روز شلوغ بود و پر بود از اروپاییهای سرمست که در حال خوشگذرانی و خندیدن بودن. خلاصه تا ساعت يك و دو مشغول قدم زدن بودیم.

صبح روز بعد اول اتاق رو تحویل دادیم و وسایلمون رو تو پذیرش هتل گذاشتیم و با تراموا به ایستگاه کاپاتاش (capatas) که یکی از اسکله های استانبول بود رفتیم. مجموعه جزایر پرنس شامل 5 جزیره است که بزرگترین آنها جزیره بیوک آدا هست. ما هم با کشتی و بلیط نفری 5 لیر به طرف جزیره که فاصله 1:15 داشت رفتیم. تو این جزیره که پیشنهاد میکنم حتما برید هیچگونه وسیله موتوری اجازه رفت و آمد نداره و تنها با درشکه یا دوچرخه میشه جزیره رو گشت. ساعتی برگشت از جزیره حدود 2 و 4 و 6 عصر بود. از اونجا به دوچرخه دو نفره گرفتیم و همه جزیره رو گشتیم. واقعا مناظر قشنگی داشت. بعد از صرف ناهار هم برگشتیم و به سمت بازار بزرگ رفتیم که از شانس ما همه فروشگاهاش بسته بودن. ما هم تصمیم گرفتیم دوباره به اولیویوم بریم. تراموا 24 ساعته نیست فکر میکنم تا ساعت 11 شب بیشتر نباشه. بعد از برداشتن وسایلمون از هتل برای برگشت به ترمینال با تراموا به ایستگاه زیتون بورنو رفتیم و از اونجا با مترو رفتیم ترمینال. بلیط برگشتمون هم نفری 27 لیر شد. هوای استانبول از آنکارا گرمتر بود و توی این فصل سال بر خلاف تصور من خیلی توریست داشت. بعضی از هتلاها هم اصلا جا نداشتن. البته بیشتر اروپایی بودن و کمتر ایرانی.

توی آنکارا خیلی کم کسی پیدا میشه که انگلیسی بلد باشه. تازه اونجا هم جمله رو متوجه نمیشن بنابر این سعی نکنید جمله رو کامل بگید فقط باید کلمه رو جدا بگید. خلاصه باید بتونید خوب پانتومیم بازی کنید. سعی کنید چند تا جمله ترکی یاد بگیرید. يك تجربه: اونجا اگه با کسی برخورد کردید که انگلیسی بلد نبود و شما مجبور بودید چیزی ازش بپرسید اول چند تا کلمه فارسی بیرونید. اونها لغت مشترک با فارسی زیاد دارن مثلا رنگ، آسانسور، پرتقال و... اینطوری احتمال اینکه متوجه بشن 30 درصده ولی اگه انگلیسی حرف بزنید احتمالش يك در میلیون که متوجه بشن. البته خانم من کلا از زبان اشاره استفاده میکرد که خیلی هم مفید بود.

دیدنیهای آنکارا

Donky chance عزیز در مورد دیدنیهای آنکارا کامل توضیح دادن. این هم لینکش:
<http://mohajersara.com/showthread.php?tid=4308>

بهترین جا هم همون مقبره آتاتورک بود که از میدان کیزیلای و یا خیابان آتاتورک با 6 یا 7 لیر میرن و ساعت کاریش هم 9 تا 16 هست.

غذاها

خیابونهای اطراف هتل پر از رستوران هستن. غذاهاشون هم خیلی خوشمزه و با قیمت مناسب هستن. حتما به رستوران HD Iskandar برید و يك اسکندر کباب بزنید. همه جا شعبه داره. حتما غذاهای ترکی رو امتحان کنین چون ذائقه اونجا به ما خیلی نزدیکه. از جمله غذاهای خوشمزه ترکیه: اسکندر کباب-دونر کباب- کمپیر و کباب ترکی هست. فقط پیتزا نخريد چون خیلی پیتزاهاشون بد مزه هست.

در آخر ببخشید که خیلییییییی طولانی شد. فقط خواستم کامل بنویسم. امیدوارم به درد همه بخوره.

ارسالها: 392
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 2
تشکر: 524
1583 بار تشکر شده در 337 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام ، می خوام سفرنامه رو بنویسم اما قبلیش اینو میگویم که هر چیزی که میگویم برداشت شخصی منه نه بیشتر این تضمینی بر درست بودن حرف های من نیست. سعی میکنم الکی مفصل نباشه و در عین حال چیزهایی باشه که کمتر اشاره شده باشه.
آنکارا: شهری که توش دو تا ماشین یک جور نمیبینین!! همیشه همه جا هم ترک ها مقدم هستن از سفارت بگیر تا شهری که توش هیچکس انگلیسی حتی در حد هلو هاو آو یو هم بلد نیست!! بهتره کمی ترکی بلد باشین. اما کلا مردم مهربونی داشت. رستوران کمی متفاوت = کباب 49 و یه رستوران قتادی خوب هم داشت اسمش شبیه الیزه بود.
هتل: من ددمان رو گرفتم و اصلا پشیمون نیستم واقعا جای مناسبی بود اینو به یاد داشته باشین که این هزینه های جزئی کم همشون رو با هم جمع کنین 1 میلیون هم نمیشه پس در خرید لباس و بار رفتن و... صرفه جویی کنین اما سعی کنین جاتون راحت باشه چون مهمتره !!!
نکته : فکر بیوک آرشام رو هم نکنین اصلا .
دکتر: وقت رو اصلا نخواست اما نامه اینترویو رو واسه کیس نامبر خواست.

هر چند دکتر فوق العاده آدم پولکی هست و از صدقه سر ما میلیاردر شده اما به ایرانی به گندی زده که باعث شده همه پول بیشتری بدیم دکتر بهش گفته شما دیوار واکسن زدی؟ اونم گفته نه ازم آزمایش خون گرفتن. دکتر هم گفته پس چرا مهر واکسن زدن؟. دکتر به واکسن آبله مرغون یا همون واریسلا گیر داده... از همه آزمایش آنتی بادی میگیره من که رفتم تازه این اتفاق افتاده بود. من انگلیسی باهاش صحبت کردم گفت: ما شواهدی داریم که نشون میده دارن کلاهدرداری میکنن و من گفتم دکتر رشته من همینه خودم میدونم وقتی تیترا آنتی بادی بالا باشه دیگه واکسن نمیخواد اونم گفت چون به جورایی میدونی و همکاری من باید مطمئن بشم که آنتی بادی داری تو خونت!!!!!! 138 لیر بابت دو نفر!!! وقتی سیتیزن شدم سوش میکنم؛ دی نکته: اصلا راهنما نمیخواد اصلا اصلا!!!! کسای رو دیدم که بهشون تو ایران گفته بودن واکسن نزنن ایران تحریمه قبول ندارن!!! ازشون 900 تومن واسه دکتر گرفته بودن!!!

اگه انگلیسی بلدین تو مطب مشکل ندارین اگه هم نه عیب نداره به اندازه فارسی بلدن فقط اگه مطب شلوغ بود هم همه باعث نشه که گیج شین یا اعصابتون بهم بریزه کلا پروسه ساده ایه!!! نقشه آنکارا تو سایت هست مطب دکتر رو از بلوار آتاتورک برین سراسر است تره کلا چند دقیقه دیرترممکنه بشه!!! اسم لابراتوار دووزن که زیرش لباس عروسی میفروشه؛ دی نکته: بهتره به شب قبل هم برین راه سفارت رو یاد بگیرین هم مطب رو.... این به اعتماد به نفستون کمک میکنه!!!

سفارت: تقاطع خیابان کندی و بلوار آتاتورک قرار داره وقتی از پایین یعنی کندی به سمت سفارت میرین یک در اول هست که با اون کاری ندارین به کم بالاتر بعد از پیچ در اصلی نمایان میشه.

اگه وقتتون 8.30 هست زودتر از 7.45 رفتن بیخودیه چون معمولا 8 میاد نگهبان و پاسارو جمع میکنه در ضمن دو صف جداسر مهاجرتی و غیر مهاجرتی. نترسین هل هم نشین خیلی سادس با یه سوال کوچیک میفهمین کدوم ماله کدومه!!! نکته: اگه رسیدین به صف و دیدین که پاسارو گرفتن واسه اینکه بیشتر معطل نشین میتونین خودتون برین جلو و پاسو بدین به نگهبان فقط بگین گرین کارد.

موبایل هم بردنش آزاده فقط خاموووش!!! قضیه سه تا زنگو پولو و اثر انگشت هم میدونین!! فقط رو اون تابلو دوتا شماره نشون میده که شماره بالایی شماره اون لحظه است و وقتی بعدی اعلام میشه اون میره ردیف دوم!!! قاطی نکنین: دی اصلا هم محیط ترسناکی نداشت فقط قدیمی بود. قبل نوشتن مصاحبه بگم من سربازی س.. بودم و کار کاملا خصوصی و رشته غیر خاص و بعد از لاتاری هم ازدواج کردم. برگه آبی من پرینت شده بود نمیدونم چرا؟ یعنی اسمم روش بود!! یعنی قبلش شروع شده بود. متن مصاحبه:

آفیسر ریش قرمز: سلام با خنده

-سلام با خنده

آ- آیا قسم میخورن....

نه- چند تا اصلاح داریم که باید انجام بدیم

آ- موردی دیگه نیست قسم میخورین؟

-بله قسم میخوریم

اول گفت فلان کارو میکنی؟ که گفتم نه من نماینده دارویی ام (بعد دیدم تو سایت شرکتیم اون مورد هم ذکر شده که ازم پرسیده).

پرسید معاف شدی؟ گفتم دوست داشتم نشد. خندید گفت چرا؟ که منم توضیح دادم. سربازی کجا بودیو چیکار میکردی؟ که گفتم تو آشپزخونه مسئول بهداشت مواد غذایی بودم خندید.

خانم شغل شما چی بود؟ جواب خانمم

آ- شما پروندتون هیچ مشکلی نداره و فقط به پروسه اداری که باید طی بشه طی 1 یا 2 ماه مراجعه کنین!!

-حداکثر دو ماه؟

آ- نمیخوام بگم چون نمیتونم بگم!!!

همین 4 دقیقه هیچ چیز اضافه ای نبود کلی سوال میشد که نپرسید.

این سوال نپرسیدنو به فال نیک میگیرم که سوالایی که نپرسید برآش حل شده بودن.

به نظر((((((من)))))) مصاحبه خیلی فرمالیته ست بیشتر همون اف بی آی چک مهمه.

اینم بگم امسال ایرانیا خیلی بد شدن همه دوری میکردن کسی نم پرس نمیداد. خیلیا بودن عضو اینجا نبودن میگفتن فقط می خونیم. امیدوارم که این سفرنامه مفید باشه.

من راضیم به جای تشکر دعا کنینا!!!

ارسالها: 134

تاریخ عضویت: Jul 2009

رتبه: 8

تشکر: 59

691 بار تشکر شده در 110 پست

 dr4mir

عضو فعال



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همگی

دوستان مصاحبه ما دیروز انجام شد. فعلا خلاصه می کنم و بعدا مفصل توضیح خواهم داد.

برای دوستانی که اطلاع ندارند کیس جدید مربوط به من نیست و برادر خانمم " سینا " برنده هست.

با توجه به تجربه قبلی من تمام مدارك آماده شده بود و توضیحات نحوه مصاحبه و سوالات احتمالی رو برای سینا گفته بودیم. بعد از انجام مدیکال نوبت به مصاحبه رسید.

ای جوانی که بود خوابگهت بستر گرم ، بستری راحت و نرم ،
زن مگیر ارنه شود خوابگهت لای حصیر ، من گرفتم تو نگیر

یا ابوالفضل بچه ها این پسره پررو اومد من دیگه جمع و جور میکنم و میرم تا مخ منو با آهنگ های هچل هفتش داغون نکرده . تا روزی و روزگار دیگه همه
شما رو بخدا میسپرم . دعا یادتون نره و منو از او بی نصیب نکنید . یا علی ، دست حق به همراحتون . دوستار همه شما afshin4749 - ساعت 2.14 روز
2011.11.27



ارسالها: 267
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 4
تشکر: 546
1737 بار تشکر شده در 234 پست

afshin4749
عضو با سابقه
★★★★★

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

خب بچه های خوب من ، با سلامی دوباره خدمت همه شما .

قرار شد که عصر روز 2011.27 رو هم براتون گزارش کنم که موکول شد به سحرگاه روز 2011.28 چون خیلی سرم شلوغ بود وقت نکردم که بنویسم و حالا در خدمت شما هستم . ساعت 15 تصمیم گرفتیم که بریم نهار بخوریم . از اونجایی که صبحانه رو دیر خوردیم ، طبعاً خوردن نهار هم با تاخیر صورت میگیره . حالا کجا بریم ، کجا نریم راه افتادیم به سمت میدان کیزلاک . نرسیده به میدون (که البته خیلی هم با میدون فاصله داره) پل ماشین رویی که دقیقاً در قسمت شمالی همون خیابون و در امتداد حرکت به طرف کیزلاک هستش توجه منو و همسرم رو به خودش جلب کرد این خیابون درست بعد از صرافی معرف قرارداره و نبشش هم په دکه و په تابلوی متحرک هست . البته فکر نکنید که تابلو راه میره ها !!!! نترسید حداقل با ایرانیها کاری نداره چون میدونه اگه کاری داشته باشه و کنجکاوای مردم ما رو برانگیخته کنه ترتیبش دادست ، فقط صفحه ش بالا پایین میره همین و بس . واسه نشونی بود !! نری انگولکش کنی ها !!! . از په خانوم فروشنده توی په مغازه سوال کردم اسم این خیابون چیه ؟ البته به انگلیسی ، هی وای من !!! مشکل شد دوتا حالا اون از من به ترکی پرسید چی میخوای ؟ دوباره تکرار کردم که اسم این خیابون چیه ؟ ایشون اشاره کردن که لباسهای مردانه طبقه پایین هستش !!! ای انصافو شکر بابا مگه شما توی اون مدرسه خراب شده بیست و پنجزار انگلیسی نخوندین ؟ البته فکر نکنید که من خودم خیلی انگلیسیم خوبه ها !!! اگه توی سفارت اینطوری حرف بزنم ریجکت نمی کنن په راست میبرم گوانتانامو !!!! میدونید چرا چون تصور میکنن که په ارزشهاشون توهین میکنم . منم چون میدونم که این بیچاره ها انگلیسیشون خوب نیست هی به شیر مرده لگد میزنم ها !!!! دوباره با یک کلمه انگلیسی گفتم اسم خیابون !!!! اسم ، اسم !! تازه شازده خانوم متوجه شدن که چی میگم ، کلی خندید و گفت مشوته . با گفتن این اسم یاد مشروطه افتادم همین سوال لعنتی باعث شد که همسر بنده هوس خرید جوراب به سرش بزنه !! هی وای من ودیگه بگذریم از مغازه که بیرون اومدم دیدم که په تابلو دقیقاً جلوی چشمم نوشته خیابان مشوته (MESHOTE) البته نمیدونم که درست نوشتن یا نه ولی په هر صورت تلفظش همین بود . خاک تو سرم کنن که اولش این تابلو رو ندیدم !!! واقعاً که په سوال واسه آدم 10 لیر آب بخوره خلیه ها !!!!! . البته بچه ها اینا رو محض خنده و شوخی میگم ها فکر نکنید که بگذریم به سمت جنوب خیابان حرکت کردیم این خیابون دقیقاً منو یاد خیابون گاندی تهران انداخت ، چرا ؟ چون از ابتدای گاندی تا شبکه دوم سیما کاملاً شبیه به هم بودن البته از نظر شکل جغرافیایی و بالا و پائین بودن سطح خیابون ، وگرنه اینجا کجا گاندی کجا . خیلی خیلی جذاب و دیدنی هستش . بگذریم همینطور که در ضلع شرقی خیابون در حرکت بودم ، چشمم به په فست فود بنام ABA افتاد رفتیم اونجا و با هم مشورت کردیم و تصمیم گرفتیم که من و همسرم کباب ترکی بخوریم و دخترم هم همبرگر . جای شما خالی !!! خیلی خوشمزه بود . این فست فود دو قسمتی هستش قسمت پائین اون غذاهای فست فودی محلی طبخ میشه (اینجا همون اسکندر کباب معروف رو داره و با په نوشابه کولا میشه 11 لیر) و طبقه بالای اون فست فودی عمومی . منظورم همون پیتزا - ساندویچی های خودمون هستش . چون چشم انداز طبقه بالا خیلی خوب بود رفتیم بالا و نزدیک به پنجره جنوبی ساختمان نشستیم . همونطور که مشغول خوردن بودم درست در زیر پنجره تابلوی چی رو دیدم ؟؟؟؟ آها

اون چیزی که دنبالش بودم !!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!! بله دوستان عزیز و گرامی فست فودی معروف خودمون یعنی جناب آقای مک دونالد .  ایول در همینجا بود که نطفه نهار فردا هم بسته شد و اگر از آسمون سنگ بباره من باید برم اونجا نهار بخورم . خب اینجا په شانس دیگه هم نصیب بنده حقیر سراپا تقصیر شده و اون این بود که همسر بنده قبلاً در سفر فرانسه طعم گوارای غذاهای مک دونالد رو چشیده بود و داغ نخوردن اون رو هم در سفر دبی خودمون به دلش به یادگار حک کرده بود !!!! ولی بعنوان په برگ برنده نمیخوام روش کنم چون میخوام اونو شگفت زده کنم و خودم رو سوار بر اسب سفید مهربانی و توجه به اون و خواسته های اون فردا بهش نشون بدم . چون همش میگه مک دونالد اینجا کجاست ؟ بگذریم این هم از اون شیوه های جنگی و تاکتیکیهای نظامی من در عرصه زندگیست !!!!! راستی تا یادم نرفته در کنار مک دونالد هم رستوران هابیدی اسکندر قرار داره . خب نهار رو که میل فرمودیم به طرف هتل حرکت کردیم . حالا هوا هم کمی سردتر شده بود و من تصمیم گرفتم که قدمهام رو کمی بلندتر بردارم تا اینکه متوجه شدم دخترم و همسرم از من خیلی عقب موندن . خب اونا خودشون راه رو بلد بودن و من هم همینطور ادامه دادم تا اینکه به هتل رسیدیم و دیگه شرمند بقیه نداره !!! خب حالا دیگه باید از خدمت همه شما مرخص بشم تا روز و روزگاری دیگه که براتون میخوام این سفرنامه افشین خسرو رو ادامه بدم . بطوری که دیگه کسی دنبالش سفرنامه های تاریخی نگرده و په راست بیاد مهاجرسرا . راستی دیگه مخارج نهاری و خریدها رو نمیگم ، چون دیگه بیمزه میشه و تکرارش سفرنامه رو از سکه و اعتبار میندازه . انشالله خودتون تجربه میکنید و حالشم میبرید . به امید دریافت ویزا با دعای خیر شما دوستان عزیزم - ارادتمند همه شما afshin4749. 

سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

دوستان عزیز سلام

بلاخره بعد از يك سال تلاش به آخر خط رسیدم. من امروز بدون ویزا ولی با په دنیا تجربه و خاطرات خوب از آنکارا برگشتم.

قبلا هم اشاره کرده بودم که به احتمال زیاد برگه صورتی، گلبهی یا قرمز را خواهم گرفت و با همین آمادگی عازم شده بودم و متاسفانه همین هم شد.

قصه نوشتن جزئیات سفر رو ندارم چون قبلا اکثر نکات گفته شده و قرار شده همسفر های عزیزم؛ ساشا و افسان سفرنامه کامل رو بنویسند. من در چند پاراگراف شرح قضیه رو می نویسم که برای شما تجربه من در عدم صدور ویزا تکرار نشه.

دوستان، من در زمان ارسال اطلاعات بعد از 10 دوره ثبت نام کاغذی و الکترونیک از طریق فرمهای اینترنتی به امید اینکه در چند هفته آینده این امر صورت می پذیرد بصورت متاهل ثبت نام کردم در حالی که در اوون تاریخ هنوز رسماً عقدی صورت نگرفته بود.

همین اشتباه لعنتی باعث ابطال کیس شد. در حالی که بعداً متوجه شدم که حتی پس از قبولی هم امکان ازدواج هست و موارد زیادی رو دیدم که هر دو زوج ویزا دریافت کردند با وجود اینکه که در زمان ثبت نام مجرد بودند.

متاسفانه من در طول یکسال موفق به ازدواج نشدم. موضوع رو چندین نوبت به KCC اطلاع دادم و برام جواب فرستادن که فرمها قابل قبول است و برای شما زمان مصاحبه تعیین خواهد شد. یکم دلگرم شدم که شاید این اشتباه من رو چشمپوشی کنند ولی افسوس . . .

حالا سفرنامه مختصر بنده:

- من ساعت 5 با ایران ایر پرواز داشتم. با 3 ساعت تاخیر سوار فوکر 100 شدیم که انصافاً مثله هواپیمای اسباب بازیه ولی در مجموع پرواز قابل قبولی داشتیم.

- بعد از 25 دقیقه پرواز با آنکارا رسیدیم. ما ترانسفر داشتیم از جزیره بهشت که منتظر ما بود که بعد از 15 دقیقه سایر مسافرها جمع شدند و به سمت هتل رفتیم.

- از فرودگاه تا شهر تقریباً 40 دقیقه طول می کشید. در ضمن ما ساعت 11 به وقت آنکارا اوجا بودیم و اتوبوسهای HAVAS به تعداد زیاد مشغول سرویس دهی بودند. هتل ما هتل رویال بود (من و سایر بچه های مهاجرسرا که اونجا بودیم راضی بودیم. به نظر من 8 از 10 رو میشه بهش داد). SafeBox، اینترنت رایگان (در اتاق و در لابی)، محل مناسب (تا سفارت 5 و تا دکتر 15 دقیقه پیاده روی، محله تقریباً آرام، امنیت خوب، پرسنل مودب و مهربان که 2 نفر هم انگلیسی صحبت می کنند و صبحانه خوبی هم داره ولی استخر در حال بازسازی است)

- فردای اوون روز با بچه ها رفتیم برای مدیکال. مطب خیلی شلوغ بود. ما مدارک رو تحویل دادیم به نوبت برای عکس قفسه سپنه و آزمایش خون رفتیم. اوون روز استثناء چون شلوغ بود دکتر بعد از آزمایش معاینه و واکسن رو انجام می داد ولی روال کار این است که بعد از آزمایش وقت می گیرید و عصر مراجعه می کنید. یک روز بعد هم جواب رو دریافت خواهید کرد.

توضیه من به دوستان اینکه سعی کنید مدیکال رو خیلی دقیقه 90 انجام ندید چون احتمال تکرار آزمایش وجود داره و ممکنه به وقت سفارت نرسید (مواردی رو دیدم و عکس خود من هم تکرار شد).

در ضمن آزمایش خون تنها شامل تست سیفیلیس (VDRL) و مواد مخدر (VDZE) است و هپاتیت (HBs AB, HBc Ab, HBs Ag) و ایدز (HIV Ab) از پروسه حذف شده است (خیالتان راحت!)

استفاده از قرص کدیین دار پاسخ دراگ تست شما رو مثبت خواهد کرد. اکیدا از خوردن آن قبل از آزمایش خودداری کنید. این موضوع رو خود دکتر اونگان زمان معاینه به من گفت.

و اما مصاحبه

با هزار امید آرزو ساعت 6 بیدار شدم (البته اصلاً اوون شب خوابم نبرد) و ساعت 7:30 سفارت بودیم. تا سفارت 5 دقیقه بیشتر راه نبود. این زمان تا آماده شدن بچه ها برای رفتن صرف شد.

من با ساشا در یک زمان وقت داشتیم. تو مسیر کلی با هم حرف زدیم و خندیدم که به موضوع مصاحبه فکر نکنیم.

ساعت 8 وارد شدیم و بعد از عبور از گیت وارد ساختمان شدیم. از جزئیات این قسمت فقط دو نکته با مزه رو بهتون بگم که اگر اونجا رفتین دقت کنید باعث میشه از استرستون کم بشه:

بعد از گیت بازرسی وارد محوطه حیاط که شدید روبروی شما روی دیوار یک تابلو سیگار کشیدن ممنوع نصب شده در این تابلو دود سیگار بجای اینکه به سمت بالا برود بصورت معکوس پایین می رود.

نکته بعدی اینکه هیچ وقته به لوگوی که در اوون تصویر یک عقاب هست توجه کردید؟ در اوون عکس عقاب پاهاش رو 180 درجه باز کرده. من فکر میکنم به همین دلیل یک آرم بین پاهاش چسبوندن که پشتش معلوم نشه و اسلامی باشه!

خلاصه وارد شدیم. مدارک رو تحویل دادیم و نشستیم تا شماره اعلام بشه.

دوستان از زمانی که مدارک رو تحویل می دید تا زمانی که شماره شما اعلام میشه پروندتون بررسی و رای نهایی آماده میشه و هنگامی که شما مقابل باجه فرا خوانده میشین کار تمام شده است و فقط چند سوال فرمالیته از شما خواهد شد.

(دوستان اگر دلشو رو ندارید از اینجا به بعد رو نخونید. لازم به توضیح است که این اتفاق به صورت نادر تنها در چند مورد انگشت شمار آن هم به علت اشتباهات فاحش رخ داده و در 99% موارد ویزا برای کیس لاتاری صادر خواهد شد. پس نگران نباشید چون خود من هم می دونستم به احتمال زیاد برگه صورتی رو خواهم گرفت)



پای باجه که رفتم به میز جولوی آفیسر نگاه کردم. برگه صورتی رو دیدم که بالاش اسمم نوشته شده بود. نیازی نیست حالم رو براتون بیان کنم.

گفت دستت رو بالا ببر و قسم بخور گفتم من مشکلی دارم در پرونده که می خوام اعلام کنم.

گفت می دونم، قسم بخور بعدش بگو (خواستم بگم تو که می خوای همین برگه رو به من بدی دیگه قسم واسه چی بخورم که یک لحظه متوجه شد که من دارم برگه رو می بینم و اونو گذاشت زیر برگه ها).

قسم که خوردم برایش موضوع رو توضیح دادم و نامه های پرینت شده رو هم بهش دادم. ولی اصلا به حرفای من توجه نمی کرد و فقط داشت مدارك رو نگاه می کرد. در آخر هم گفت :

It's a BIG MISTAKE برگه صورتی از زیر مدارك بیرون آورد و گفت " من باید اینو به شما بدم. این يك قانون است و I'm so sorry "

بهش گفتم شما به من OK داده بودید. چرا قبلا به من اطلاع ندادید که کیس من باطل میشه؟ به برگه زرد رنگ با آرم و نوشته KCC به من نشون داد و گفت KCC از ما خواسته کیس شما رو باطل کنیم. اگر سوالی دارید از KCC بپرسید و Sorry, Sorry

به همین راحتی آرزوه های منو بر باد داد . . .

يك لحظه فشارم افتاد به سختی تونستم خودم رو جمع کنم و روی پام وایسم. و با ساشا به هتل برگشتیم. می خواستم همون روز با پرواز عصر برگردم ولی دوستان خوبم با من بودند و نگذاشتن تو اوون حالتم تنها بمونم. می دونید تمام برنامه هام بهم خورده بود و نقشه ها نقش بر آب شده بود ولی چاره چیست که قسمت این بود.

ولی در طی چند روز بعد در کنار دوستان آنقدر بهمون خوش گذشت که طعم تلخ مصاحبه تعدیل شد.

جاهای دیدنی که دوستانم حتما با جزییات براتون خواهد نوشت رو خلاصه می نویسم.

- مراکز خرید آنکامال و خیابان تونالی

- پارک آبی (در کنار هتل بیوک آنادلو) که در خارج شهر و نزدیک فرودگاه است. ورودی 25 لیر دارد.

- مسجد کجا تپه

- بنا یاد بود و موزه آتاترک با نام Ataturk Anit Kabir

- شهر بازی و پارک و دریاچه مصنوعی کنارش (فکر می کنم گنجلیک پارک اسمش باشه)

راستی برای تماس با ایران از کارت " آسیا کارت " استفاده کنید. (20 دقیقه با ایران می تونید صحبت کنید)

هرچند که خیلی ناراحتم ولی نا امید نیستم و راه های دیگه رو امتحان خواهم کرد.

در آخر از تمام دوستانم در این سایت که در طول مدت این يك سال در کنارشون بودم. و همسفر های عزیزم ساشا و افسان که سفر رو جدای از قسمت عدم صدور ویزا به سفری بیاد ماندنی تبدیل کردند بسیار متشکرم و برای همتون آرزوی بهترین ها رو دارم.

بازهم به اینجا سر خواهم زد و به سوالات دوستان پاسخ خواهم داد.

زنده باد آزادی

امیر - تیرماه 89

این هم متن نامه ای که علت ابطال کیس رو برام توضیح دادن !!!

: *****.Dear Mr

Please be advised that your application for a DV lottery was denied because of your "invalid" entry. In your DV lottery entry, you entered Ms. ***** as your spouse, however, you were not married at that time. This made your application invalid. Although the KCC processed your DV case up to the appointment schedule stage, although they were aware that you were single during the whole processing, at any rate, the final decision is made by a consular officer, who has the sole authority to issue or deny the visa applicants according to their 'status'. Unfortunately, due to the above facts, your application for a DV immigrant visa was denied and it is final.

.We hope this information will be of help to you

,Sincerely

Immigrant Visa Unit

تاریخ دریافت نامه قبولی : Jun-28-2009

کنسولگری : Ankara

تاریخ ارسال فرمهای سری اول : Jul-11-2009

تاریخ کارنت شدن کیس : Jul 2010

تاریخ دریافت نامه دوم : (ایمیل Jun 1، پست Jun 24)

تاریخ مصاحبه : Jul 2010

دریافت VISA : **هرگز**

هزینه ها : 2,000,000 تومان

ارسالها: 267

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 4

تشکر: 546

1737 بار تشکر شده در 234 پست

 afshin4749

عضو با سابقه



با سلام مجدد خدمت همه عزیزانم در ایران و سایر نقاط دنیا ، روزی گذشت و خاطره ای دیگر از سفر برای مصاحبه . راستش امروز به یه دلایلی نتونستم چیزی بنویسم ولی خدا رو شکر الان اینجام تا براتون بنویسم . بریم سر اصل مطلب . راستش ساعت 8.30 صبح برای گرفتن جواب تست سل دخترم به مطب دکتر مراجعه کردیم ، باورتون نمیشه یخ زدم ها چه یخی وقتی حدود 100 قدم از هتل دور شدم خواستم تاکسی بگیرم که دیگه با همسرم کلی صحبت کردیم تا یهو دیدیم دم در مطب دکتر اونگان هستیم . بچه ها علیرغم مطالبی که در باب این پزشک محترم نوشته شده ، باید بگم که اون مرد واقعاً یه انسان فرهیخته و بزرگواریه . اینکه کیسه دوخته و غیره ، اصلاً درست نیست . وقتی جواب تست رو از آزمایشگاه آوردن و به ایشون تحویل دادن ، دخترم رو صدا کرد و به من و همسرم رو کرد و گفت تمام !!! جواب تست خوبه و نیاز به واکسن نداره . بعدش هم رو کرد به اون خانم منشی و گفتن که 70 دلار این خانواده رو بهشون برگردون . بچه ها اگه میخواست نده من چکار میتونستم بکنم ؟ اما این کار رو نکرد . منشی ایشون هم رو به من و همسرم کرد و به ترکی گفت انشاءالله ویزا بگیرید . بچه ها خیلی سخته آدم در مورد شخصی نظر بده میدونید آدم اگه خدایی ناکرده تبلیغ بد بکنه مدیون میشه . راستی بچه ها اگه انشاءالله رسیدم تهران ، چند قطعه عکس از مسیرهایی که به مطب دکتر ختم میشه رو براتون میگذارم ، اطمینان دارم از روی تصاویر خیلی بهتر میتونید نشونبها رو بدست بیارید . این عکسها عبارتند ساختمانهای که آزمایشگاه و مطب دکتر اونگان اونجا هستش ، کتابفروشی و اون مزون لباس ، بزرگراه آتاتورک ، چهار راهی که سفارت آمریکا در اونجا قرار داره ، سفارت آلمان که در ضلع شمالی و کمی پائین تر از مطب دکتر هستش و غیره امیدوارم که به دردتون بخوره . البته بچه حتماً توی گوگل مپ باغی رو که معروفه به باغ ملی ببینید ، اونجا تقریباً تمام سفارتهای کشورهای دنیا هستش . البته اینجا ابزار و ادوات اینو ندارم که عکسها رو براتون لود کنم ولی قول میدم وقتی به ایران رسیدم اینکار رو بکنم . توی مطب دکتر اونگان یه زوج جوون بودن که اونها هم کیس لاتاری بودن و اتفاقاً هم از اعضای مهاجر سرا . این زوج اهل تبریز بودن و خیلی هم خوش برخورد قرار شد که جواب نهایی دخترم رو فردا بگیریم . اون خانوم منشی رو کرد به اون خانم جوون و به ترکی گفت بهشون بگو که فردا ساعت فلان بیان جواب رو برای سفارت بگیرن ، بچه ها خیلی خوبه که آدم آذری هم بلد باشه چون به ارتباط برقرار کردن با ترکهای ترکیه هیچ مشکلی ندارن . به اون خانوم جوون گفتم که شما کی مصاحبه دارید که دیدم با ما همزمان هستن . خیلی جالبه من دونفر از کسانی که در اون روز مصاحبه داشتن و با خودمون میشدن سه تا خانواده رو پیدا کردم . البته یکی هم ترک ترکیه بود و از امیر اومده بود ، خدا میدونه که اون چند خانواده دیگه کیا هستن !!!! در راه برگشت هم رفتیم دفتر هواپیمایی ترکیش و بلیت های برگشتمون رو تأیید نهایی کردیم . دوستان در مسیر بزرگراه آتاتور از سمت شرق به غرب و در سمت جنوب اتوبان 3 تا دفتر هواپیمایی ترکیش وجود داره که لازم نیست حتماً به اونیه که اژانس هواپیمایی درایران بهتون تلفنش رو داده زنگ بزیند کافیه حضوری برید و بلیتون رو تأیید کنید . بعد از ظهر هم رفتیم مک دونالد غذا خوردیم و اما بعدش خیلی خیلی جذابه و اینو دیگه الان نمیگم چون خیلی جا اشغال میکنه و سعی میکنم در پست بعدی براتون بنویسم . آماده باشید که خیلی خیلی جذاب و خواندنیست . باز از لطف شما عزیزانم ممنون و متشکرم . منتظر ادامه سفرنامه این روز باشید . فدای یک به یک شما اعضای خانواده ام - afshin4749

ارسالها: 267

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 4

تشکر: 546

1737 بار تشکر شده در 234 پست

afshin4749

عضو با سابقه



با سلامی گرم حضور همه اعضای خانواده خوشبخت و خوش شانس مهاجرسرا ، تصمیم گرفتم که ادامه گردش و سیر دبروز رو براتون بنویسم . یادم هست که گفتم خیلی جذابه ، اما این زمانی جذابتر میشه که عکسها و کلیپهای مربوط به اون رو وقتی به ایران اومدم براتون آپلود کنم تا از دیدنش لذت ببرید . و اما قضیه چی بود ؟ وقتی از مک دونالد بیرون اومدم که البته جای شما خالی غذای خیلی خیلی خوشمزه ای هم خوردیم متوجه شدیم که این جایی که ما هستیم چیزی شبیه خیابون شانزه لیزه تهران هستش !! البته بازم بگم تفاوت ظاهری خیلی زیادی وجود داره اما تم اون شبیه به شانزه لیزه هستش . این خیابون سرتاسری که اسمش هم یادم رفته به موازات خیابونی هستش که منتهی میشه به میدان کیزلای . اما تقریباً بین این دو خیابون 100 متری فاصله وجود داره . خیابونی شلوغ و به صورت شرقی ، غربی . من بعداً متوجه شدم که اگه این خیابون رو به سمت غرب حرکت کنم دقیقاً به یه چهارراه پائین تر از هتل میرسیم . بگذریم داشتیم مغازه ها و دست فروشها رو نگاه میکردیم که یه دفعه متوجه شدم سه تا دختر خانوم خوش چهره و خندان با چند کیف و بسته کنار خیابون بساط کردن و سازهاشون رو که گیتار بود درآوردن و سه نفره شروع کردن به زدن و خوندن . هم صداهای قشنگی داشتن و همه فیس خوبی برای اینکار . یه جعبه هم برای اینکه مردم بهشون پول بدن جلوی پاهاشون گذاشته بودن ، باورتون نمیشه به سرعت تمام کلی جمعیت اونجا جمع شد و شروع کردن به همخوانی و تشویق و دست زدن . اونا هم کلی آهنگهای درخواستی رو اجرا کردن و کلی ما رو شاد کردن . باورکنید انقدر در کار و هنرشون غرق شده بودیم که یادمون رفت یک ساعت و نیمه که اونجاییم . جالب اینجا بود که هرکدوم به چند ساز مسلط بودن و بنا به آهنگهای درخواستی سازاشون رو عوض میکردن . ناراحت نشید کلیپ هاشون رو دارم ، واگه مدیران عزیز اجازه بدن قطعاً اونا رو آپلود میکنم . و اگر نشد هرکدوم که خواستین درخواست بدین حتماً براتون ایمیل میکنم . بگذریم توی این گیر و دار دو تا جوون اومدن اونجا و شروع کردن به تشویق و دست زدن و یکی از اونا هم رفت جلو و یکی از گیتارها رو برداشت و با اونا هماهنگ کرد و شروع کرد به زدن و خوندن ، بچه ها باورتون نمیشه این پسر چه صدای زیبایی داشت و چقدر با احساس میخوند . وقتی کارشون هم تموم شد همون دوتا جوون نفری 10 لیر به دخترا دادن که من از یان جوان مردیشون خیلی خوشم اومد . واقعاً هیچ پسری و مردی مزاحم این سه تا دختر نشدن و هیچکدوم از رهگذرهای اون خیابون بی احترامی به اونا نکردن . کلی پسر دور و برشون بود اما هیچکدوم از حد خودشون فراتر نرفتن ، تازه شروع کردن به پول جمع کردن و پول اندازی . آدم از این همه حس برابری و نوع دوستی ملت ترک شگفت زده میشه و در دل آرزو میکنه که ای کاش همه مردم جهان روزی با این دید در کنار هم زندگی کنن و اون وقته که دنیا گلستان میشه . یکی از اون دختر خانومها که گیتار و فلوت خوبی هم مینواخت انگلیسی خوبی داشت ، رفتم جلو و از ایشون تشکر کردن و بهشون گفتم شما گروه بسیار شاد و خوبی هستین و به اوم پسر جوون هم گفتم ، آقا شما بسیار خوش صدا و جوانمرد و با معرفتی هستی . ایشون هم با یه تواضع خاصی از من تشکر کرد . خب حالا دیگه واقعاً سرمست و سرحال با همسر و دخترم برگشتیم هتل و تمام شب به یاد اون روز خاطره انگیز بودم . راستی تا یادم نرفته بگم که خیابون مشوته اولین تقاطعش همین خیابون شرقی ، غربی هستش که در قسمت غربی اون انبوهی از کافی شاپها و مکانهای صرف عصرانه هستش که همه هم خوب و تمیزن . خب دیگه تموم شد . امیدوارم از خوندن این قسمت هم لذت برده باشید . موفق ، پیروز و سربلند باشید . بازهم از مدیران محترم تشکر میکنم که اجازه دادن من انقدر فضا اشغال کنم . و از تون میخوام که در صورتی که زیادی مطلب نوشتم حتماً تذکر بفرمایید تا اجرا کنم . مهمترین اصل اینجا قانون هستش . از شما اعضا هم تشکر میکنم که وقت ارزشمند خودتون رو صرف خوندن سفرنامه های روزانه من میکنید .

ارسالها: 267
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 4
تشکر: 546
1737 بار تشکر شده در 234 پست

9
عضو با سابقه
★★★★★

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

بنام خدا ،
سلام بر همه عزیزانم در سایت پربار و موثر و کمیاب مهاجرسرا
خدا نکنه هیچ مسلمونی جوگیر شه !!!! خدانکنه که یکی معتاد بشه !!!! خدا نکنه یکی توی دنیا محتاج بشه !!!! اما..... اما..... اما.....
اما خدا بکنه که همتون مهاجرسرای بشید و به درد مهاجرسرا گرفتار ، یکی نوشته بود که همه فیس بوکی شدن و ما مهاجرسرای
، جدآ که گل گفتی .
خب بچه های عزیز و اما امروز !!!! راستش تصمیم گرفتم که بریم آنکامال . خب مواد و مصالح لازم جهت اجرای نیت :
1- یک جو همت
2- داشتن مقداری پول
روش تهیه :

ابتدا شما به میدان کیزلای عزیمت میکنید و در اونجا مترویی رو می بینید که خیلی هم دیدنش خالی از لطف نیست !!! البته از نظر فروشگاههایی که
اونجا واقع شدن . بعد سوار خط مترویی میشوید که میره به مقبره آتاتورک یک ایستگاه بعد از این ایستگاه یعنی سومین ایستگاه پیاده میشوید و از مترو
تشریف میرید بیرون . آقا به ساختمونهای عظیمی میبینید که کلاه از سرتون می افته . یه پیاده روهای بسیار زیبا با چشم اندازی زیبا از مناظر سنگ و
آجر و خلاصه جونم براتون بگه به سمت ساختمان آنکامال حرکت کردیم . بچه ها یک مرکز تجاری خیلی خیلی بزرگه که بیشترش
فروش پوشاک هستش . انقدر مغازه های بزرگ و شیکه داره که نگو و نپرس . طبقه پایین اون هم نمایندگی سونی و سامسونگ هستش . دیگه بگم
که لوازم التحریر فروشی ، رستوران ، و خیلی چیزای دیگه . اینم بگم که باور کنید اصلاً با یکی دو سه ساعته نمیشه همه اونجا رو گشت و فقط میتونی
نصف و یا شاید کمتر از نصف اونجا رو تماشا کنی . اما قیمتها هی وای من مثل اینه که شما از خزانه تهران برید سلطنت آباد خرید
کنید!!!!!! اصلاً قابل قیاس نیست . ببخشید که گفتم خزانه منظورم توهین نبوده !!! بحث فرهنگی رو هم نمیکم . خدایی ناکرده فکر نکنید که میخوام
اونجا رو بی مقدار جلوه بدم !! این رو هم بگم که من خودم بچه جنوب شهر و اصالتاً روستایی هستم . حالا خیالتون راحت شد خودمون رو لو دادیم ؟
جیگرتون خنک شد که با احساسات یه بیچاره اینطوری بازی کردین ؟ از مطلب که دور نشیم ، بگم که هی وای من چه قیمتهایی !!! سرسام
آور . واسه نمونه بگم که یه گوشی سامسونگ در پیتی دو سیم کارته من از علاءالدین خریدم 146 هزار تومن ، تازه میگفتم که بهم انداختن !!! باور کنید
راست میگم ، همون گوشی با همون مارک و همون خصوصیات!!!!!! 280 هزار تومن . بابا انصافتون خلاصه بگم برای ما اصلاً صرف
نداره که اینجا لوازم الکترونیک بخریم . لب تاپ اینجا ، با کمترین مشخصات و ویژگیها زیر 1,350 هزار تومن پیدا نمیکنی . پوشاک هم بعضی جاهای آنکارا
مناسبه و صرف داره که بیاری تهران و یا شهرستان بفروشی ولی سایر چیزها خیر اصلاً نمیشه . یه جایی پیدا کردیم که لب تاپ با قیمتی مناسب
میداد ، که البته مشخصاتش هم خوب بود ولی به یه چیزی اصلاً دقت نکردیم و اون کیبردش بود که کلاً ترکی بود پس نتیجه میگیریم که خرید اینجور
چیزها کاملاً غیر منطقی و غیر ممکنه . آقا معمولی ترین کفش بدون ست در آنکامال 295 لیره سوت کشیدسرم ها !!!!!!! ولی خب
جنسش هم در نظر بگیرید توپ توپ !!! خیلی شیک و زیبا . خدا وکیلی من اینطور کفش و لباسی در تهران ندیدم . اینم بگم که عمرآ اجناسی رو که به
اسم ترک در تهران میفروشن ترک باشن ... تومنی دوزار تفاوت داره ها !!! خب بگذریم از اونجا با خستگی فراوان به سمت هتل حرکت کردیم و جای
شما خالی سرراه یه غذای کامل محلی به قیمت 25 لیر خریدیم و بردیم هتل و خوردیم ... جاتون خالی امیدوارم قسمت شما هم به خیر و سلامتی
باشه . امروز هم به پایان رسید . از همه شما تشکر میکنم که در طول این مدت منو تنها نگذاشتید . فرقی نمیکنه که مدیر باشید یا به عضو معمولی .
دست بوس همه شما هستم . بدرد تا درودی دیگر .
ارادتمند شما - afshin4749

ارسالها: 11
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 5
116 بار تشکر شده در 9 پست

aram7x
عضو
★★★

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

باسلام خدمت همه دوستهای عزیز
من همراه همسرم جزو برنده های 2012 هستیم، ما قبلاً هم در آنکارا بودیم و چون ترکی بلدیم و اینجا فامیل داریم نسبتاً اکثر جاها رو میشناسیم ، من
می خواستم کل مراحل کار رو بعد از مصاحبه بنویسم اما گفتم شاید این مطالب بدرد بچه هایی که با ما همسفر هستن بخوره یک سری تجربه های
شخصی رو براتون مینویسم:
1- نحوه آمدن به آنکارا با خطوط هاپی داخلی با هزینه کم این قسمت رو براتون توی سفر به ترکیه مینویسم

2-مراکز خرید ، شیک و گران قیمت که من و خانمم رفتیم
Kent park-Jepa-Aramada-Ankamal

کنت پارک و جپا بهم چسبیدن و پر از مارکهای معروف و گران قیمت هستند آدرس: اسکی شهر یولو
آرامادا هم نزدیک این مراکز فقط یک ایستگاه باهم فاصله دارن
آنکامال در کونیا یولو یک مرکز خرید که نسبتاً از بالایی ها ارزون تره

3-مراکز خرید ارزون و شیک OUTLET ها
Forum Ankara آدرس: اتلیک
Optimum آدرس: اریامان یولو
A-City آدرس: ایستانبول یولو

جهت دسترسی به همه این مراکز میتونین از مرکز شهر کیزیل آی Kizil Ay با اتوبوس یا دولموش برین
انواع اتوبوس: EGO یا کارتتی که باید برای سوار شدن یک کارت بخرین 2 و 5 و 10 لیر
و مزایایی داره اولن که کمی ارزون تره و در طول مسیر دز طول 60 دقیقه اگه دو تا اتوبوس عوض کنین رایگان حساب میشه و یکی دیگه اینکه توی مسیر
مترو هم قابل استفاده است.
اتوبوس پولی یا دولمش به نرخ 2 لیر

مراکز توریستی و دیدنی رو هم در قسمت بعد می نویسم

اگه نیازه اطلاعات بیشتر داشتن پیغام بدین با تشکر

ارسالها: 11
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 5
116 بار تشکر شده در 9 پست

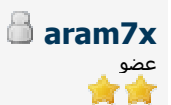


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

تجربه معاینه در آنکارا

با سلام
جهت دسترسی به مطب دکتر از میدان کیزیل آی Kizilay میتونید از تاکسی یا اتوبوس EGO یا کارتتی استفاده کنین.
ما توسط اتوبوس رفتیم، قبل از سوار شدن کارت اتوبوس خریده بودیم و باید سوار اتوبوس قاضی عثمان پاشا Gazi Osman Pasha یا G O P می شدیم
، دومین ایستگاه کولو پارک Kulu Park همون پارک قو خودمون پیاده شدیم از کنار پارک حدود 50 متره سمت میدان کیزیل آی برگشتیم واحد 237 مطب
دکتر بود.
ما هم مثل همه ایرانیها قبل از سفر تمام واکسنها رو در ایران تزریق کرده بودیم و اونها رو در کیلینک پاستور تأیید کرده بودیم و از طریق اینترنت وقت دکتر
گرفته بودیم.
ولی یکی از واکسنها (دیفتری و کزاز) نوبت دومش دو روز قبل از وقت دکتر بود و از اوجایی که توی سایت دکتر نوشته 30 روز قبل هیچ تزریقی نداشته
باشین ما هم تزریق نکردیم.
با آسانسور رفتیم طبقه 4 وارد مطب دکتر شدیم بعد از صحبت با منشی و دادن مدارک برای عکسامون ابراد گرفت که زمینه عکس باید سفید باشه و
بهمون گفت برین ورودی ساختمان و عکس بندازین ، 20 TL دادیم برای دو سری عکس !
خلاصه برگشتیم مطب و این سری منشی مدارک رو گرفت، ولی وقت قبلی مهم نبود مدارک: عکس، پرنیت نامه KCC ، پاسپورت و کارت واکسن ، سپس منو
پیش دکتر راهنمایی کرد اول با دکتر ترکی صحبت کردم بعدش یهو کانال رو عوض کرد و انگلیسی صحبت کرد در کل خیلی مرد خوش برخوردی بود!!!
شغل، وزن، قد و اینکه ابله گرفتم رو پرسید و بعد از یک معاینه سطحی یک واکسن ناقابل تزریق کرد و ازم خداحافظی کرد و برگشتم سالن انتظار
و دقیقاً همین مراحل برای خانوم تکرار شد!!!
و خانوم منشی 300 دلار برای دو نفر ازمون پول گرفت وقتی ازش در مورد هزینه پرسیدم فهمیدم نوبت دوم واکسنی که در ایران زده بودیم رو دکتر
زدن!!!
به ما گفت فردا ساعت 3 برای نتیجه بیاین و یک برگ همراه پاسپورت ها داد و گفت برای ادامه مراحل برین طبقه بالا!!!
در طبقه بالا بعد از دادن پاسپورت و کاغذ دکتر و کیس نامبر نشستیم تو نوبت تا اسامون رو صدا کردن و برای دو نفر 95 دلار پول گرفتن بعد اول رفتیم
نمونه خون گرفتن سپس ایکس ری و از اونجا اومدیم خونه!!!!
ساعت 4 فرداش رفتم جوابها رو گرفتم که گفت CD رو با خودتون ببرین آمریکا و پاکت رو به سفارت تحویل بدین!
و این بود معاینه ما.....

ارسالها: 11
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 5
116 بار تشکر شده در 9 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

تجربه مصاحبه

طبق ایمیل ارسالی جهت مصاحبه ، ساعت 8:15 رسیدیم درب سفارت اشتباه نکتم گیت 2، دو تا صف بود ، قسمت ویزای مهاجرتی سمت چپ خلوت بود و بعد از رد شدن پاسپورت ها رو به نگهبان دم در دادیم تا از روی لیست اسم هامون رو چک کته سپس اسامون رو صدا زد و وارد صف درب ورودی شدیم، بعد وارد شدیم موبایل رو تحویل داده و شماره گرفتیم و وارد حیاط سفارت شدیم اونجا هم یک صف بود بعد از اینکه نوبت ما شد وارد سالن کوچکی شدیم، سمت چپ یک خانومی نشسته بو و از ما مدارک خواست(البته 2 روز قبل مصاحبه یک ایمیل برای مدارک ارسال شده بود) ، 2 قطعه عکس - آخرین مدرک تحصیلی ، شناسنامه ، کارت ملی ، سند اردواج، پاسپورت و مدارک مالی که گفتیم ما قبلاً پست کرده بودیم و زبان مصاحبه رو پرسید که ما فارسی رو انتخاب کردیم ، به شماره به ما داد و گفت در سالن با این شماره میرین برای انگشت نگاری و پرداخت پول و مصاحبه!!! خلاصه شماره ما روی مانیتور برای باجه 7 ظاهر شد و رفتیم انگشت نگاری!!! سپس اسامون رو برای باجه 3 صدا کردن که برای پرداخت پول بود!!

بعد منتظر مصاحبه موندیم!!

تا اینکه نوبت ما شد !!!باجه پنج برای مصاحبه !!!

وقتی رسیدیم یک صبح بخیر جانانه از طرف آفیسر ، یک مرد جوان خوش برخورد که از ما خواست قسم بخوریم !!! از اونجایی که ما یک اشتباه در فرم ها داشتیم و اون تاریخ تولد بود و تاریخ تولد خانومم در پاسپورت قبلی و جدیدش 1 روز فرق داشت که این مساله رو به آفیسر گفتیم با خنده گفت این در ایران طبیعی است!!! چند روز مشکلی نداره فقط ترجمه ها باید مطابق اون باشه که همینطور هم بود، سپس سوگند خوردیم!!!

سوالات خیلی ساده از روی فرمها راجع به کار ، معافیت من ، کار خانومم و بقیه کپ دوستانه بود!!! سپس برگ آبی رو برداشت روش یک چیزی نوشت و به ما گفت پاسپورتها باید برای ویزا بمونه و یک کارت به ما داد و گفت اوتو به یو پی اس در سالن اول بدین تا ویزا ها رو به آدرستون بیاره!!! رفتیم پیش باجه یو پی اس و 34 لیر دادیم و آدرس محل اقامتمون رو و یک فیش به ما داد و گفت 3 روزه ویزاها به آدرس میاد.

بعد از برگشتن از سفارت ، به آدرس اینترنتی روی فیش یو پی اس بود و از طریق اون بسته رو پیگیری میکردیم که فرداش ساعت 1 بدستمون رسید، پاسپورتها همراه با 2 تا پاکت، مدارک اضافی هم جداگانه گذاشته شده بود.

امیدوارم همه ویزاشون به این سرعت به دستتون برسه!!!

ارسالها: 267

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 4

تشکر: 546

1737 بار تشکر شده در 234 پست

 **afshin4749**

عضو با سابقه



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

دوستان عزیزم ، همانطور که قبلاً بهتون قول داده بودم که اگه به ایران برگردم عکسهایي رو که از محل قرار گرفتن مطب دکتر اونگان و تهیه کردم براتون آپلود کنم رو براتون توې سایت گذاشتم . امیدوارم از روی نشونه هایی که توي عکس مي بینید ، کمی بهتون کمک بشه . البته به علت محدودیتهای موجود که خودتون هم میدونید !!!!!!! نمیتونستم دقیقتر عکس تهیه کنم . موفق باشید .

<http://afshin4749.persiangu.com/image/asn1.JPG>

<http://afshin4749.persiangu.com/image/asn2.JPG>

<http://afshin4749.persiangu.com/image/asn3.JPG>

<http://afshin4749.persiangu.com/image/asn4.JPG>

<http://afshin4749.persiangu.com/image/asn5.JPG>

<http://afshin4749.persiangu.com/image/asn6.JPG>

<http://afshin4749.persiangu.com/image/asn7.JPG>

<http://afshin4749.persiangu.com/image/asn9.JPG>

<http://afshin4749.persiangu.com/image/asn10.JPG>

تاریخ ورود به آمریکا : 2012/03/11

ارسالها: 267

تاریخ عضویت: Jul 2011

 **afshin4749**

عضو با سابقه



رتبه: 4
تشکر: 546
1737 بار تشکر شده در 234 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

AMI4SAL(Dec-05-2011 09:05 PM) **نوشته است:** اگر می شه لطف کن یک چند تا عکس از هتل ددمان هم بگذار ممنون

[quote/]

سلام دوست خوبم ، طبق دستورات و فرمایشات شما عزیز مهربان ، که با الطافتون منو شرمند خودتون کردین ، اطاعت امر کردم و براتون عکسهایی از نمایی خود هتل و مراکز اطراف اون که از پنجره اطاقمون گرفتم رو براتون آپلود کردم . امیدوارم که مفید واقع بشه . انشاءالله الطاف ایزد منان نصیبمون بشه و همه با هم کلیر بشیم . موفق باشید .

- <http://afshin4749.persiangig.com/image/asn11.JPG>
- <http://afshin4749.persiangig.com/image/asn12.JPG>
- <http://afshin4749.persiangig.com/image/asn13.JPG>
- <http://afshin4749.persiangig.com/image/asn14.JPG>

توضیح برخی از تصاویر :

تصویر دوم : از پنجره های شمالی هتل ، و در جهت غرب بیمارستانی را ملاحظه میکنید که يك دکه و ایستگاه بانکی در پائین آن قرار دارد .
تصویر سوم : در قسمت راست تصویر بخشی از بلواری را ملاحظه میکنید که آگه اونو به طرف پائین (شمال) ادامه بدین به بلوار آتاتورک برخورد میکنید و پس از رسیدن به بلوار به سمت غرب (چپ) بپیچید ، باغ سفارتهها و در امتداد اون به مطب دکتر خواهید رسید .
راستی در قسمت روبروی عکس سوم که به تابلوی سفید بزرگ داره ، به تابلویی رو ملاحظه میکنید به نام طهران تراول . در اون ساختمان به خدمات ترجمه و امور سفارتهای هم هست که آگه کار ترجمه داشتید میتونید به اون مراجعه کنید !! البته آگه نیاز داشتین



ارسالها: 189
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 2
تشکر: 153
1128 بار تشکر شده در 186 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

ali72(Dec-06-2011 02:47 PM) **نوشته است:**

dr4mir(Dec-06-2011 01:22 PM) **نوشته است:** دوستان عزیزم سفرنامه با جزییات رو با کمک همسرم براتون نوشتم و برای اینکه اینجا فضای زیاد اشغال نکنه بصورت پی دی اف قرار دادم.

در ضمن بزودی همین جزییات رو همراه با عکس از مناطق در ویلاگ آپ خواهم کرد.

با آروزی موفقیت برای همه دوستان

سفرنامه آنکارا با فرمت PDF از سایت Upload.ir

با تبریک به شما و همه قبول شدگان، قسمتی از سفرنامه شما نظرم راجلب کرد مربوط به آن شخص به اسم دکتر در آنکارا که کاسبی راه انداخته به همراه تیمش که به عقیده من مراجعه به دکان آن شخص بغیر از کوچک شدن شخصیت و خورد شدن چیزی عاید ما نخواهد شد من شخصا برای معاینه پزشکی به استانبول مراجعه میکنم گویا پرستیز بالایی دارد و کمتر ایرانی به آنجا رفته وهم استانبول جاهای دیدنی داره وبه صرفه است و مسیریش تا آنکارا با اتوبوس 6ساعت است و برابرم خیلی جالبه به عنوان توریست این تجربه را کسب کنم و بیشتر قدر خودم وهویت ایرانیم را بدانم.
متأسفانه تا اینجا 99 درصد کسانی که به نزد این دکتر آنکارا مراجعه داشتند دلخور بودند و اصلا بنظرم این دکتر برای بعضی ها مشکل ایجاد میکنه مخصوصا در گزارشاتش.

با سلام خدمت اساتید

این میتونه یک پیش درآمد برای سفرنامه ما هم محسوب بشه. البته میخواستم نگویم دارم و همراه با سفرنامه بنویسم ولی چون دیدم بحثش باز شده الان مینویسم.

من و همسرم امروز رفتیم بیمارستان آمریکایی در استانبول.

از همون لحظه ورود به بیمارستان با برخورد خیلی مودبانه و توام با لبخند نگرهبانان مواجه شدیم. خیلی قشنگ راهنمایمون کردند به قسمت چک آپ. رفتیم اونجا و سه تا خانوم نشسته بودن پشت میز و نقشی شبیه به منشی رو بازی میکردند. رفتیم پیش یکی از اونا و گفتیم که از طریق ایمیل برای امروز رانددو داریم و پرینت ایمیل رو هم نشونش دادم که اصلا نگاه نکرد و پاسپورتمون رو خواست و اسممون رو از کامپیوتر جلوش چک کرد. و بعدش با یک لبخند بهمون گفت که با چه زبونی راحتترین که ما هم گفتیم ترکی(آخه همونطور که میدونید ما در استانبول دانشجو هستیم) بعد نفری دوتا فرم

بهمون داد که پر کنیم و نفری دو تا عکس و برگه مصاحبه رو ازمون خواست. بعد گفت منتظر باشین تا صداتون کنیم. بعد از چند لحظه یه خانوم خنده روی دیگه اومد و ما رو برد تو یک اتاق و قد و وزن و فشار و نمونه خون ازمون گرفت. بعد گفت دوباره برین تو سالن منتظر باشین. بعد از چند لحظه دیگه دوباره یک خانوم خنده روی دیگه اومد و ما رو برد پیش دکتر. دکتر هم سوالاتی درباره سوابق عمل و بیماریها و آلرژیها پرسید و ما هم همه چی رو گفتیم. در مورد آبله هم گفتیم که من تو بچگی گرفتم ولی همسرم نگرفته و اون هم قبول کرد. بعد گفت که نفری یک واکسن آنفلوآنزا باید بزیند و اونیه که آبله نگرفته باید واکسن اون رو هم بزنه و ما هم گفتیم باشه. بعد چند تا معاینه جزئی کرد و گفت که برین تو سالن منتظر باشین. بعد از چند لحظه دوباره ما رو بردن و واکسن هامون رو زدن و بعد اومدیم صندوق و حساب رو پرداخت کردیم. بعد هم نفری یه برگه داد و گفت برین طیفه منفی یک و ایکس ری رو انجام بدین و بعدش میتونین برین و فردا عصر بیان و نتایج رو بگیرین. ما هم رفتیم و بعد از ایکس ری برگشتیم خونه.

و اما نکات آموزنده اینیه که فکر نکنین اونجا خلوت بود و همه بیکار بودن و کار ما رو دنبال میکردن. اتفاقاً خیلی هم شلوغ بود و از کشورهای مختلفی هم اونجا بودن از جمله خود آمریکا. ولی هر کس کار خودش رو به موقع انجام میداد و هیچ فرقی بین ما و آمریکاییها نبود. برخوردشون که واقعا حرف نداشت و قبل از هر صحبتی ازتون میپرسیدن که به چه زبونی راحتترین و با همون زبون باهاتون صحبت میکنن. و اما اصل مطلب که مربوط به هزینه میشه: برای ما دو نفر کل هزینه 600 لیره شد. یعنی 450000 تومن. یعنی نفری 225000 تومن. راستی تو فاکتوری که بهمون دادن قیمت واکسن آبله رو 74 لیر زده که تقریباً میشه 55000 تومن. با این حساب 70 دلاری که آنکارا میگیرن تقریباً دوبرابر قیمت استانبول هستش. و مخارج بیخودی برای آدم نمیتراشن و ملاک رو حرف خود شما قرار میدن و بهتون اعتماد دارن. این بود انشاء من.

ارسالها: 189
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 2
تشکر: 153
1128 بار تشکر شده در 186 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

ali72(Dec-06-2011 08:09 PM) **نوشته است:** خیلی عالی بود بهتون تبریک میگم انشاءالله من اومدم استانبول راهنمایی کنید راستی این بیمارستان با خیابان لاللی اگر اشتباه تایپ نکردم چقدر فاصله داره؟
و کلا فکر کنم هزینه معاینه در این بیمارستان به مراتب ارزانتر از اون دکتر آنکارا است درسته؟

اول اینکه برای گرفتن وقت معاینه از همین الان اقدام کنید چون امروز من دیدم که برای آخرهای دسامبر وقت میدادن. البته شاید موضوع چیز دیگه ای بوده و من اشتباهی متوجه شدم ولی خودم شنیدم که بعد از کلی بحث با یک نفر براش برای 27 دسامبر رزرو کرد تا اگه کسی کنسل کرد جاش بنویسه. به هر حال زودتر رانندگی ضرری نداره. ما یک ماه پیش اقدام کرده بودیم و حتی روزمون رو هم خودمون انتخاب کردیم. در مورد لاللی (laleli) هم باید بگم که اسم خیابان نیست و اسم به منطقه هستش و همسایه آکسارای. این دو تا محله مقر ایرانیهای استانبول هستk و از هر سه نفر یکیشون ایرانیه. البته منطقه زیاد خوبی به حساب نیامد. اگه تونستی هتل رو در میدان تاکسیم (تقسیم) بگیر تا کارت راحتتر بشه و به همه جا دسترسی آسون داشته باشی. از لاللی باید با اتوبوس برین به تاکسیم (30 دقیقه بدون ترافیک) و از اونجا سوار مترو میشی و یک ایستگاه اونورتر پیاده میشی (ایستگاه عثمان بی) (5 دقیقه). بعد 15 دقیقه پیاده تا بیمارستان راه داری. هزینه خودمون رو هم که نوشتیم. خودتون میتونین مقایسه کنین.

ارسالها: 268
تاریخ عضویت: Sep 2011
رتبه: 0
تشکر: 152
647 بار تشکر شده در 217 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام
من خیلی خوب بلد نیستم بنویسم ولی به جای سفر نامه ، نکاتی رو که بهش برخوردم میگم براتون.
از ثبت نام شروع کنم:
اولین بارمون بود و وقتی ثبت نام کردم متوجه شدم اسم و فامیلم رو یکی نوشتیم و کیس خودم عملاً باطل شد، تنها امیدم به کیس همسرم بود که خدا رو شکر برنده شد.
با مهاجرتسرا بعد فرستادن فرمها آشنا شدم که ایکاش این طور نبود .
سفر به آنکارا:
برای سفر پرواز ترکیش رو خودم رزرو کردم و خیلی قیمتش مناسب شد و هتل رو هم از جزیره بهشت گرفتم.
بعداً دیدم هیچ ارزونی بی علت نیست و پرواز ایرلاین آنادولوجت بود(زیر مجموعه ترکیش و بسیار فضای کوچیک)
هتل ددمان خوب و تمیز بود ولی صبحانش در حد 5* نبود.
آژانس تهران تراول خوبه ولی از اونجا بهتر اونجا زیاده که همه ایرانیین ولی کارمند پوریا(مصطفی) ترک بود و خیلی خوب فارسی حرف نمیزد.

هوا:
عالی و آفتابی

مدیکال:
خیلی خوب بود، واقعاً دنیا ، دنیا انرژی هاست. من ارادت خاصی به پزشک ها دارم و این در مورد آقای دکتر اونگان هم صدق میکنه و همین تفکر مثبت و

البته کارت واکسن کامل که به مدد مادر عزیزم که تمام کارت واکسن ها از بچگی تا الان رو نگه داشته بود، نه واکسن اضافه خوردم و نه حتی تست آنتی بادی دادم و جمعاً \$117.5 هزینه شد. و لی بقیه مثل همسر هم آزمایش رو میدادن. و در کل ایشون یک پزشک بودن نه تاجر...

مصاحبه:

روز مصاحبه ما اتفاقی خاصی افتاد ، از جمله اینکه اون آفیسر خانم متاسفانه نبود و آقای آفیسر تنها مصاحبه میکرد.

یه اتفاق اورژانسی هم افتاد که یه ربع همه چی به تعویق افتاد و در کل زمان برای همه تو روز ما خیلی کم بود

قبل از ما هر که مصاحبه داشت سربازی رفته بودن و بهشون آبی داد به یه کیس مهاجرت خانوادگی هم به نقص کوچیک مدرک زد که کپی شناسنامه همسر اسپانسر رو بعداً بیارین.

نوبت رسید به ما....ما واقعاً نفهمیدیم که اصلاً تا حالا به پروندمون نگاه کرده بود یا نه...اون سوتیم که فکر میکردم بزرگترین سوتی قرنه!!!!!! اصلاً بزرگ نبود همون اشتباه در درج تاریخ عروسی به جای عقد...خیلی راحت درستش کرد. و بعد قسم خوردیم ،همسر من سربازی معاف شده ولی نمیدونم چرا ارزش پرسش همون جا که کار میکنی سربازی میری؟ که همسر من توضیح داد من معاف شدم به خاطر تک فرزندی گفت آها...کارتشو آوردی؟ که من همون جا نشونش دادم و گفتم تو مدارک هست

بعد راجع به شغل من پرسید که خيالش راحت شد اصلاً حساس و تکنیکی نیست و بعد به همسر من گفت من زیاد متوجه کار شما نشدم که همسر من خیلی کم برایش توضیح داد و گفت که خوب من باید بیشتر بدونم و الان وقت ندارم ، پس شب برات سوالاتم رو ایمیل میکنم که جواب بدی و ما یکی از بدشانسترین ها بودیم که به دلیل ذیق وقت ، برگه آبی گرفتیم (اسممون هم تایپ نشده بود و همون وقت دستی نوشت) و من با دلی اندوهگین بدون اینکه حرف دیگه ای بزنیم یا حتی سعی کنیم توضیح بدیم اومدیم بیرون که سریع برسیم به چک اوت هتل.

من در کل 8 کیس لاتاری دیدم ، که روز مصاحبه خودمون که همه آبی گرفتن، البته یه خانوم تنها اول صف بود که کس دیگه ای گفتن ایشون هم لاتاری بودن و همون اول گرفتن ولی من متوجه نشدم

قبل ما هم یه خانم و آقای مسن بودن که آقا برنده اصلی بود و خوب کلیز خوردن و همش از مهاجرسرا حرف میزدن و فکر کنم از اعضا بودن و همین طور خانواده دیگه ای با یک بچه کوچیک که آنها هم آبی گرفتن.

تو مدیکال هم یه خانواده 4 نفری بودن که میگفت مهاجرسرایبی نیستن ولی مطمئنم آشنا بود چون تا گفتم بدون مکس گفت نه عضو نیستیم ولی یه کیس بود که واقعا آشنا نبودن و جقدر از لحاظ مالی این عدم اطلاعات به ضررشون شده بود.

به دختر تنها هم بود که مهاجرسرایبی نبود

به زن و شوهر هم بودن که با کسی هم کلام نشدن.

از اعضای فعال مهرآفرین عزیز و خواهرشون رو تو هتل دیدم که خدا رو شکر خواهرشون روز قبل از ما با آفیسر خانوم مصاحبه کرده بود و یه ضرب گرفتن یه زوج جوون هم از خوانندگان مهاجرسرا بودن که آقا کلیز خورد و خانوم ایشون هم یک ضرب گرفت(با خانوم مصاحبه کرده بودن)

این هم شبه سفرنامه ما

برامون دعا کنید، خیلی دوست دارم مثبت فکر کنم ولی سخته....راستی افسر وقتی برگه آبیو داد به حجم زیاد پرونده های ایرانی اشاره کرد و به طبع به طولانی شدن روند کلیز به همین دلیل

از اسپانسر و تمکن مالی هیچی نخواست و نرسید و کلاً هیچ چیز غیر از اینها نپرسید.....و همین من رو نگران میکنه .

ارسالها: 122
تاریخ عضویت: Sep 2011
رتبه: 0
تشکر: 107
194 بار تشکر شده در 88 پست

 **Mehrafarin**
عضو فعال


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همه

اول می خوام از همه بچه های مهاجرسرا تشکر کنم چون پاسخهاشون واقعا به ما کمک کرد و باعث شد ما اونجا مشکل خاصی نداشته باشیم. سفر من و خواهرم موفقیت آمیز بود. و ایشون یکضرب ویزا گرفتند. نمی خوام تکرار مکررات بکنم روند کلی مثل بقیه بود

مدیکال خیلی خوب بود. خواهرم واکسن هاش کامل بود فقط چون قبلاً آبله مرغان گرفته بودند در تهران آزمایش آنتی بادی داد که نشون می داد مصون هست. ولی دکتر اونگان به آزمایش های آنتی بادی ایران اعتمادی ندارند و خودشان دوباره آزمایش آنتی بادی انجام دادند (70 لیره) که تایید شد و خواهرم هیچ واکسنی نخوردند. تمام کسانی که در بچگی آبله مرغان گرفته بودند و شفاها به دکتر اینو اعلام کردند و یا اینکه در تهران آزمایش آنتی بادی داده بودند و برگه را آورده بودند آزمایش آنتی بادی را دوباره در ترکیه انجام دادند. در کل باید بگم دکتر اصلاً بی انصاف نبودند و اینطور نبود که الکی واکسن بزنند (برای ما که اینطور بود). فردای مدیکال هم جواب آماده بود.

مصاحبه هم خوب بود.ما در فرمها چندتا اشتباه داشتیم و به همین دلیل فرمهای تصحیح شده رو با خودمون برده بودیم البته خانم آفیسر یه کم عجول و بداخلاق بود و وقتی خواهرم قبل از قسم گفتن که فرمها چندتا اشتباه داره با کمی تندى فرمهای قبلی رو که به کی سی سی فرستاده بودیم رو به خواهرم دادن و گفتن "خیلی خب درستش کن". بعد خواهرم قسمتی از اشتباهات رو درفرم درست کرد و وقتی خواست بقیه را درست کنه خانم آفیسر با تندى گفت " اصلاً اون رو بده به من" و فرمهای تصحیح شده جدید رو که همراه آورده بود و داشت از روی اون اشتباهات فرم قبلی درست می کرد رو ارزش گرفت. و چندین سوال و جواب در مورد کارش و محل کارش و فعالیت هاش و اینکه چرا می خواد بره امریکا. در مورد کارش ارزش پرسید که واقعا کارت اینه؟ و خواهرم پاسخشو دادند. و در آخر آفیسر گفت "شما ویزاتو گرفتى". در کل به نظر میومد پرونده خواهرم از قبل بررسی شده و جواب مصاحبه قبلاً معلوم شده بود و ارتباط چندانی به آفیسر نداشت. فردای مصاحبه هم پاسپورت و مدارک رو به آدرس هتل فرستادند.

شخصاً دو کیس لاتاری دیگه رو هم دیدم که همراه با خواهرم مصاحبه داشتند. یکی از آنها زن و شوهر مسن بسیار مهربون بودند که به دلیل اینکه هر دو کار دولتی داشتند اف بی ای چک خوردند. یکی دیگه زن و شوهر جوانی که اونها هم اف بی ای چک خوردند (البته مصاحبه این زوج اون روز انجام نشد چون اونها مدارکشونو به موقع به سفارت نفرستاده بودند به همین دلیل آفیسر باهاشون مصاحبه نکرد و به فردای آن روز موکول شد)
sima s عزیز به همراه همسرشون روز بعد مصاحبه داشتند و برگه آبی گرفتند . ولی مطمئن هستم که به زودی کلیز می شن. اینو برای روحیه دادن نمی گم واقعا مطمئنم چون پروندشون مورد خاصی نداره و فقط یک سری روند اداری باید طی بشه
آقای دیگری هم از مهاجر سرا دیدم که وقتی ما کارهای مدیکال را انجام می دادیم مصاحبشون انجام شده بود و خوشبختانه برگه آبی گرفتند .

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان . امروز رسیدیم مشهد
این هم از سفرنامه من . البته بیشتر نکات رو میگم .

1- پرواز :

پرواز مشهد - استانبول - آنکارا با پرواز ترکیش نفری 580 هزار تومان

2- هتل :

هتل ریکسوس Grand Rixos .

6 شب 1700 لیره با صبحانه . اینترنت واسه یه هفته 100 لیره . ترانسفر از فرودگاه به هتل و بالعکس 200 لیره (البته با ماشین لوکس) -
جمعا : 2000 لیره

پنج ستاره و بسیار بسیار لوکس .

همه چیز عالی . صبحانه غیر قابل وصف . تو اتاق جکوزی . و
سیستم گرمایشی عالی .

روبروی سفارت آمریکا . مسافت تا سفارت : پیاده کمتر از 5 دقیقه - مسافت تا مطب دکتر : پیاده 10 دقیقه

اگر مشکل مالی ندارین این هتل رو بهتون پیشنهاد میکنم . اگر پشیمون شدیدن همه مسولیتهاش با من

3- تست پزشکی :

هزینه : برای 2 نفر 315 دلار (حدودا)

من به واکسن ابله مرغون خوردم و خانمم هیچ واکسنی نخورد (من ابله مرغون نگرفته بودم ولی خانمم تو بچگی گرفته بود و تست آنتی بادی داد .
منشی : خیلی مودب و خوش اخلاق و سعی میکنه باهاتون خوب باشه ، مگه اینکه خودتون باهاتون بد رفتار کنین

دکتر : به نظر من آدم منطقی بود و خوش اخلاق مگه اینکه خودتون
ما نیازی به لیدر نداشتیم چون مشکل زبان نداشتیم.

در کل اگر زبان بلد نیستین بهتره از این لیدرها بگیرین چون من دیدم کسانی رو که توقع داشتن منشی فارسی رو مثل بلبل بفهمه و در نهایت هم اونا و
هم منشی عصبی میشدن. یه خانمی هم بدلیل ندانستن زبان داشت همه مراحل رو اشتباه میرفت. پس حداقل لیدر ها میتونن به عنوان مترجم
واستون کار کنن.

4 - مصاحبه :

ساعت 7:45 دقیقه جلوی سفارت - نگاهان ها اصلا بی ادب نیستن و خیلی محترم هستن

ساعت 8:40 دقیقه انگشت نگاری

ساعت 11 پایان مصاحبه

در مورد مصاحبه : زبان مصاحبه انگلیسی بود و با یه آقای جوون عینکی ریشدار . خیلی باحال و خوش گذشت .
خانمم برنده اصلی بود . کل مصاحبه 2 دقیقه و به هیچ چیزمون هم گیر نداد. (البته آیتم مبهمی هم تو پروندمون نبود)
اسپانسر نداشتیم و سه تا حساب داشتیم که دوتاش ماله 2 سال پیش بود و یکیش مال 1 سال پیش . واریز پول هم همون موقع افتتاح حساب بود .
جمعا مبلغ 58 میلیون تومان . اصلا هیچ صحبتی ازش نکرد. من هم چون تو شرکت خارجی کار میکنم خودش شروع کرد از مشخصات شرکتیم صحبت
کردن و فقط من تایید کردم.

سوال ها :

خانمم :

1- شغل ؟

خودم :

1- کارت تو سرپازی چی بود ؟ (ارتش)

2- در مورد شرکت محل کارم فقط اون حرف زد و من تایید کردم . (اطلاعات اون بیشتر از من بود !!!!)

نتیجه : برگه آبی .

آفیسر گفت پروندتون مشکلی نداره و همه چیز عالیله ولی نیاز به طی مراحل اداری داره.

آفیسر گفت بین 1 تا 2 ماه دیگه بیاین واسه ویزا . موقع خداحافظی هم گفت از هفته دیگه سایت رو چک کنین !!!!

در کل تصمیمات از قبل گرفته شده و تو اون 2 دقیقه فرقی نمیکنه . مگر اینکه دروغ بگین و آفیسر شک کنه . کل زمان FBI چک به نظر آفیسر بستگی
داره .

مشخصات کلی ما :

برنده اصلی : خانمم

رشته تحصیلی : لیسانس شیمی

شرکت محل کار : خصوصی

سفر خارجه : 2 بار

نفر دوم : خودم

رشته تحصیلی : مهندسی شیمی

ارسالها: 32
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 1
تشکر: 86
184 بار تشکر شده در 30 پست

ali1981

عضو



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

خوب، بالاخره نوبت ما شد تا دینمون رو به مهاجر سرا ادا کنیم. سفرنامه ما کمی متفاوته از این نظر که ما از مرز زمینی سرو (ارومیه) رد شدیم و در آنکارا به جای رفتن به هتل در منزل یکی از اقوام ساکن بودیم.

1- رفت: ما صبح ساعت 8 به وقت ایران و 6:30 به وقت ترکیه از مرز رد شدیم و با تاکسی به سمت شهر وان راه افتادیم. پس از طی یک مسیر 3 ساعته و عبور از شهر زلزله زده وان ساعت 10 فرودگاه بودیم و بدبختانه بلیطمون برای ساعت 16:45 بود. دمای سالن فرودگاه 2 درجه زیر سفر بود و مردم برای اینکه یخ نزنند هوای بیرون رو که آفتابی بود ترجیح می دادند 😊 شانس آوردیم که بلیطمون این بود و بعد از کمی سریش بازی بالاخره تونستیم ساعت 11:30 به سمت آنکارا پرواز کنیم. پرواز 1 ساعت و 20 دقیقه طول کشید. اتوبوس های هاواش جلوی فرودگاه منتظر هستن و با پرداخت 10 لیر شما رو تا اولوس می رسوند.

****نکته کنکوری:** اتوبوس های شهرداری یا همون خط واحد های خودمون هم 20 قدم جلوتر از هاواش ها ایستگاه دارند و با پرداخت پنج و نیم لیر تا میدان کیزیلای میرن یعنی هم با صرفه تر و هم نزدیک هتل هایی که معمولا ایرانی ها میرن.

هزینه رفت برای ما شد: 22000 تومان عوارض خروج برای 2 نفر + 60 لیر تاکسی تا مرز+ 240000 هزار تومان پرواز از وان تا آنکارا.

2- دکنر: صبح ساعت 9 وقت دکنر داشتیم. دکنر اونگان آدم مودب، خوش برخورد و محترمی هستش (به نظر بنده) و کلی با هم گپ زدیم. 195 دلار برای معاینه و واکسن دیفتیری و کراز برای خانمم. 95 دلار برای آزمایش و باز هم نکته کنکوری ** 135 لیر برای آزمایش تیترانتی بادی آبله مرغان که اگر نگرفتیم واکسنشو بزیم با اینکه هر دومون گرفته بودیم و من اثرش رو رو بدنم دارم دکنر اعتماد نمیکنه و آزمایشو می نویسه پس بحث بی خود نکنین چون این 135 لیر جریمه دروغی هستش که یکی از هموطن های عزیز گفتن پس با لبخند بپردازید. فردای اون روز طبق وعده خانم منشی که پا به ماه هم هستن، ساعت 17:30 برای گرفتن جواب رفتیم که آماده بود و گرفتیم.

3- ولگردی و خرید: به مواردی که بچه ها تو سفر نامه های دیگه ذکر کردن، مرکز خرید 365 رو هم اضافه کنید. (محله چانکایا هستش و کافیه به تاکسی بگید " اوچ یوز آتمیش بش آلیش وریش مرکزی" از کیزیلای 13 لیر می گیره و شما رو می رسونه دم درش. تمام مارک ها اونجا هستن و قیمت ها از آنکمال کمی مناسب تره. کوچه های ضلع شرقی میدان کیزیلای رو برای ولگردی و خوردن و نوشیدن توصیه می کنم. برای خرید لباس به فروشگاه های LCWAIKIKI و DEFAC TO و COLIN`S برید. جنس هاشون خوبه و قیمت ها مناسب.

4- سفارت: سفارت در ضلع غربی بلوار آتاترک و 200 متر پایین تر از میدان کیزیلای قرار داره یعنی پیاده می تونید برید بی خود پول ندین به این تاکسی ها ولی نه اگه پول تو جیبتون سنگینی می کنه و دوست دارین خرجش کنید و به من هیچ ربطی نداره، هر جایی تاکسی گرفتن به راننده بگید "آمریکان بویوک انلچیلیغی". بی خود زور نزنید کسی تو آنکارا یک کلمه انگلیسی بلد نیست. 😊 اگر ترکی بلد نیستین کمی زبان اشاره تمرین کنید بیشتر کارتون راه میفته.

کل روند سفارت و مصاحبه فرمالیته هستش و قبلا برگتون حاضره، دعوتتون کردن دو دقیقه صورت ماهتون رو ببیند پس زیادی جوش نزنید و استرس نداشته باشید.

آفیسر: سللا!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!م خوبید؟
ما: مرسی، خوبیم
آفیسر: آیا قسم می خورید تمام گفته ها و نوشته هاتون درسته؟
ما: بله
آفیسر: شغلتون چیه؟ راستی به یزشک حیوانات فارسی چی میگن؟
ما: (با خنده) دامپزشک
آفیسر: شما تو خدمت سربازی کردید؟ (با شک پرسید و دقیقا به منظور یه دستی زدن)
من: نه من بودم
آفیسر: دقیقا چی کار می کردید؟
من: توضیح در حد یک جمله
آفیسر: شروع کرد به شوخی و چند تا سوال در حد این که شما طرح دارید بعد از فارغ التحصیلی و
آفیسر: شما هیچ مشکلی ندارید و پروندتون کامله فقط یه پروسه اداری دارید. بعد از یک هفته سایت و چک کنید و تا یک الی دو ماه دیگه هر وقت اسمتون اومد یکیتون بیاد برای ویزا.
روبروی در سفارت یکی به بنگاهی زده به نام آژانس بیژن. خدماتشو که ارائه میده زده رو شیشه. حتما بخونید و به حال ایرانی های مهاجر و سطح تواناییهاشون غبطه بخورید. آها داشت یادم می رفتش..... اگر جوابی حال ما هستید برگه آبی گرفتیم که از اول رو میز بود.

5- برگشت: برعکس رفت 😊 یعنی رفتن به فرودگاه، پرواز آنکارا- وان، تاکسی از وان تا مرز و مهر ورود و روز از نو، روزی از نو.

6- خلاصه کیس: توی لیست احسان عزیز همش رو می تونید پیدا کنید. 😊

هر سوالی عارض شد به قول خارجی ها 🗣️ Do Not Hesitate
و نهایتا از تمام دوستان مهاجر سرایی و بانیان این سایت ممنونم و برای همتون ویزای یک ضرب و کلیرنس کوتاه مسئلت دارم.



از الی الی عزیز هم ممنونم که تنها عضو مهاجر سرایی بود که نگران ماست

ارسالها: 1
تاریخ عضویت: Sep 2011
رتبه: 0
تشکر: 0
30 بار تشکر شده در 1 پست

alfrede110

عضو
☆☆☆

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به تمامی دوستان خوب مهاجرسرا

من تا به الان فقط مصرف کننده سایت مهاجرسرا بودم...اونم به این دلیل که همه چیز اینجا گفته شده بود و من چیز جدیدی برای اضافه کردن نداشتم...ولی تجربیات دوستان به من خیلی کمک کرد...و من با خودم عهد بستم که بعد از بازگشت از مصاحبه سفرنامه خودمون رو بنویسم:

من و همسر هفته پیش مصاحبه داشتیم که به لطف خدا و کمک شما دوستان ویزا یکضرب گرفتیم... برنده اصلی همسر بود و اینو بگم که به قول دوستان مصاحبه خیلی راحت تر از اونیه هست که فکرش رو میکنید، اگر فرم هاتون مشکل خاصی نداشته باشه...

همسر: مهندس عمران - سرپازی معاف - مسافرت خارجی نداشت - شرکت خصوصی

خودم: خانه دار - یک مسافرت خارجی

ما برای یک هفته هتل ددمان رو رزو کردیم و با پرواز ایران ایر از تهران به آنکارا رفتیم...فردای روزی که رسیدیم رفتیم دکتر که از ما حتی نپرسید که آبله مرغان گرفتید یا نه و 2 تا واکسن زد یکی نوبت دوم دیفتیری کزاز و دیگری آبله مرغان...و منشی گفت فردا ساعت 3 بیاید جوابتون رو بگیرید... ما چون تا روز مصاحبه کلی وقت داشتیم آنکارا رو حسابی گشتیم و چون به فیلم علاقمندیم 4 بار سینما رفتیم که 2 بارش 3 بعدی بود که تجربه جالبی بود...4 روز رو بدون فکر کردن به مصاحبه از فرصت استفاده کردیم تا رسیدیم به روز قبل از مصاحبه که فکر کردیم زیاد خودمون رو خسته نکنیم و اون روز



رو فقط سینما رفتیم و غذا هم گیاهی خوردیم که به وقت مسموم نشیم... روز مصاحبه هم سعی کردیم خونسردیمون رو حفظ کنیم تا اینکه نوبت به ما رسید و یک خانوم خیلی مودب و خوش بر خورد مصاحبه رو انجام داد که فکر کنم 2 دقیقه شد...از من که فقط پرسید چیکار میکنید و از همسر هم در مورد کار و سرپازیش پرسید...ما مصاحبه فارسی رو انتخاب کرده بودیم که بعدش وسطا از همسر پرسید انگلیسیش خوبه؟ و کمی هم انگلیسی صحبت کرد...در آخر گفت همه چیز خوبه و کارت سفید رو درآورد و گفت برید ups ... به امید اینکه قسمت همه شما دوستای خوب بشه (:)

در ضمن ما اسپانسر نداشتیم ولی 2 تا تمکن مالی 40 و 20 میلیونی که به دلار مبلغش نوشته شده بود و یک سند خونه به همراه ارزش گذاری و یک سند ماشین بردیم...

البته ما هزینه های ترجمه زیاد دادیم چون هر چی دستمون رسیده بود رو ترجمه کردیم که شاید خیلی هاش نیازی نبود...فکر کنم هزینه ارزشگذاری هم بی مورد بود چون دوستان با همون تمکن مالی کارشون راه افتاده بود

نکته: ما به توصیه دوستان مهاجرسرای هتل ددمان رو انتخاب کردیم که هتل خوبی بود مخصوصا اینکه اینترنت رایگان بود و ما دیگه سیم کارت نگرفتیم و از طریق اینترنت با خانواده در ارتباط بودیم و قبل از اینکه از هتل بیرون بریم آدرس جایی که مد نظرمون بود رو از روی گوگل مپ چک میکردیم و تقریبا برای پیدا کردن آدرس ها راحت بودیم...همه جا رو هم با مترو یا پیاده میرفتیم و از تاکسی استفاده نکردیم

توصیه: دوستانی که تو فصل سرد مصاحبه دارن مواظب سلامتیشتون باشن خدای نکرده قبل از مصاحبه سرما نخورن...در آنکارا آب میوه فروشی های خوبی هست که میوه تازه رو جلو چشمتون آب میگیره و ما چون اونجا به میوه دسترسی نداشتیم سعی میکردیم روزی یک لیوان آب میوه بخوریم مخصوصا آب سیب که ضد ویروس هست...

ارسالها: 82
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 1
تشکر: 61
344 بار تشکر شده در 69 پست



tenesi

عضو فعال

☆☆☆



سلام به همه
با تشکر از شما دوستان عزیز مهاجرسرا که بدون شک بدون راهنمایی شما موفق به اخذ برگ آبی نمی‌شدم. بر حسب وظیفه خاطرات پروسه لاناری 2012 خودم رو براتون می‌نویسم تا دین خودم را به شما عزیزان ادا کرده باشم. سعی می‌کنم از روز اول بصورت خلاصه بنویسم تا برسیم به روز مصاحبه ، کلیه ، دریافت ویزا ، ورود به آمریکا و دریافت گرین کارت و رفت و آمد و آغاز زندگی در آمریکا ...

ثبت نام:

من و همسر که قبلاً چند بار برای دریافت ویزای توریستی آمریکا از طریق دبی اقدام کرده بودیم و موفق نشده بودیم ، در آخرین ساعات روز آخر ثبت نام، بصورت جداگانه در سایت و در عین ناامیدی ثبت نام کردیم.
بعد از ثبت نام پاسپورت همسرم گم شد و مجدداً بعد از طی مراحل قانونی درخواست پاسپورت جدید کردیم. در پاسپورت جدید همسرم، اسم به جور دیگه نوشته شده بود(به جای Y حرف I نوشته شده بود). بعد از دریافت پاسپورت جدید پاسپورت قبلی پیدا شد. بعداً در روز مصاحبه پاسپورت قدیم رو با خودمون بردیم و قبل از قسم خوردن توضیح دادیم که جریان از چه قراره و چرا اسم روز ثبت نام با اسم توک پاسپورت همخوانی نداره. مشکلی هم پیش نیومد.

من هم مثل بقیه روز 15 جولای در نهایت ناباوری متوجه شدم که قبول شدم.
بعد از چند روز جستجو در اینترنت با مهاجرسرا آشنا شدیم و حسابی آن را مطالعه کردیم. بعد از تهیه فرم ها و دریافت راهنمایی ها از مهاجرسرا ، فرم ها رو تکمیل و با پست TNT با 69.000 تومان به KCC ارسال کردیم و منتظر کارنت شدن شدیم. بعد از 15 روز ایمیل زدیم که بپرسیم مدارک ما به KCC رسیده یا نه اما چون بار اول دیر جواب دادن به بار دیگه به فاصله یک هفته ایمیل زدیم(کلاً 2 بار). یک بار ایمیل اومد که بله مدارک رسیده، به بار دیگه ایمیل اومد که نه مدارک شما نرسیده!!! فهمیدیم قاطی کردن(زیاد مهم نبود)
تو این فاصله تمام خاطرات مصاحبه دوستان 2011 رو به صورت یک جزوه آماده و چاپ کردم و در اوقات فراغت به همراه همسرم مطالعه می کردیم و نکته یادداشت می کردیم. این کار خیلی کمک کرد که با جو مصاحبه آشنا بشیم به جوری که انگار 100 بار رفتیم مصاحبه و روز مصاحبه اصلاً استرس نداشتیم. هر روز هم به مهاجرسرا سر میزدیم و از تجربه ها و سوال و جواب ها چیزهای جدیدتری یاد می گرفتیم.
بعد از کارنت شدن یک ایمیل دریافت کردیم که باید وارد سایت بشیم تا روز مصاحبه رو بفهمیم.
روز مصاحبه مشخص شده بود.

برای ترجمه مدارک اقدام کردیم. هرچی داشتیم رو دادیم برای ترجمه رسمی(با مهر تأیید دادگستری).
تقریباً یک ماه مونده به روز مصاحبه رفتیم انستیتوی استور و همه واکسن های لازم رو زدیم و کارت واکسن بین المللی گرفتیم.
وقت دکتر هم برای 2 روز قبل از مصاحبه گرفتیم. یکی برای خودم و یکی برای همسرم.
موقع پست کردن مدارک متوجه شدیم چندتا از ترجمه ها مشکل دارند. البته چیزهای مهمی نبود. ترجمه گواهی اشتغال بکار همسرم و ترجمه سند ماشینه و اشتباه در تایپ و تاریخ و ... بودن.

دوباره دادیم برای ترجمه ولی از اونجایی که فرصت زیادی نداشتیم این بار بدون مهر تأیید دادگستری.
راجع به اینکه بالاخره تأیید دادگستری لازمه یا نه باید بگم فکر نمی کنم تأیید دادگستری لازم باشه چون خیلی ها هم بدون تأیید دادگستری ویزا هم گرفتن. تا حالا روز مصاحبه به کسی نگفتن آفرین حالا که مدارک به تأیید دادگستری رسیده قبوله یا چون فلان مدرک به تأیید دادگستری نرسیده مورد قبول نیست!!! بازهم خودتون تحقیق کنید و بعد تصمیم بگیرید. اما اگر شما هم مثل من آدم نگران و دلوایسی هستید، اگر فرصت دارید و هزینه براتون اهمیت نداره، ترجمه ها رو به تأیید دادگستری هم برسونید که روز مصاحبه خیالتون راحت باشه.

خلاصه مدارک رو با آرامکس فرستادیم. مامور آرامکس میاد دم در خونه با ترازو وزن میکنه، حساب میکنه که چقدر میشه و رسید میده. مدارک سری دوم ما شد 80.000 تومان. با رسیدی که داد هرروز تو سایت چک می کردیم که الان بسته های ما کجاست. بعد از 3 یا 4 روز رسیده بود.
بلیط و هتل هم از آژانسی که دیگه همتون میشناسین (جزیره ...) تهیه کردیم.یک هفته هتل بیوک آرشان با ایران ایر شد نفری 733 هزار تومان.
ما نمی تونستیم 3 روز بمونیم آنکارا و مجبور شدیم 7 روز بمونیم. چون ما روز یکشنبه صبح پرواز داشتیم و روز چهارشنبه صبح مصاحبه. از اونجایی که پروازهای ایران ایر ، هم رفت و هم برگشت ، صبح بود ما نمی تونستیم چهارشنبه صبح برگردیم(مصاحبه رو از دست میدادیم خوب !!!) . ولی اگر کسی با 3 روز موندن (یکشنبه صبح تا چهارشنبه صبح) یا 4 روز موندن (چهارشنبه صبح تا یکشنبه صبح) کارش انجام میشه بهتره 3 یا 4 روزه بلیط بگیره و اگر روز مصاحبه یک ضرب ویزا گرفتن بلیط برگشت رو به تعویق بندازه(حواستون به روزه های تعطیلی مطب و سفارت باشه و موارد پیش بینی نشده هم از قبیل تکرار شدن آزمایش و ... رو در نظر بگیرید)

در سایت سفارت ترکیه کیس نامبر ما خیلی دیر اعلام شد. کم کم داشتیم نگران میشدیم. اما بی مورد بود چون تاریخ و ساعت مصاحبه رو دریافت کرده بودیم و حتی اگه کیس نامبرمون هم در سایت اعلام نمیشد روز مشخص شده می رفتیم سفارت.
چند روز قبل از مسافرت هم ارز مسافری خریدیم. نفری 2 هزار دلار. با خودمون دلار بردیم.

چند روز قبل از پرواز از آژانس هواپیمایی زنگ زدن که ساعت پرواز به صبح زود تغییر کرده. قبلاً ساعت پرواز هم رفت و هم برگشت بعدازظهر بود که خیلی بهتر بود چون بعد از تغییر ساعت پرواز ما یکشنبه صبح پرواز ما یکشنبه صبح زود یک روز تعطیل رسیدم آنکارا و عملاً یک روزمون هدر رفت و از طرف دیگه تصمیم داشتیم اگر چهارشنبه صبح روز مصاحبه یکضرب ویزا نگرفتیم همون چهارشنبه بلیط رو عوض کنیم و عصر برگردیم ایران. پرواز ایران ایر مسیر آنکارا - تهران و بالعکس صندلی خالی زیاد داره و مطمئن بودم که حتماً جا گیر میاد که برگردیم. که با عوض شدن ساعت های پرواز این امر میسر نشد و به توفیق اجباری حاصل شد که بعد از مصاحبه با خیال راحت چند روزی در آنکارا بگردیم.

چند روز قبل از سفر به ایمیل از سفارت اومد که مدارک شما به دست ما رسید. روز مصاحبه مدارک فلان و فلان همراحتون باشه(همون چیزهای همیشگی و صحبتی از کیس پاسپورت اسپانسر هم نبود)
این نامه رو هم پرینت کردیم و همراه خودمون بردیم.

مسافرت به آنکارا (یکشنبه):

پرواز ایران ایر (ایران ایر یکشنبه ها و چهارشنبه ها به آنکارا پرواز رفت و برگشت داره و شما یک بار به رایگان می تونید تاریخ پرواز خود را عوض کنید، یا عقب بندازید یا جلو). به همین دلیل من ایران ایر رو ترجیح دادم.

هتل (مسافرخانه):

بیوک آرشان: اتاق ها، سرویس ها خیلی خیلی معمولی. واقعاً در حد یک مسافرخانه. واقعاً نقطه ضعف سفر ما همین مسافرخانه بود. البته نمیخوام تو دل کسانی رو که اینجارو برای اقامت چند روزه انتخاب کردن خالی کنم اما از الان بگم اصلاً انتظار یک هتل نداشته باشید. فکر کنید تو میدان راه آهن یا میدان توپ خونه تهران رفتن مسافرخونه.

هواي آنکارا واقعاً سرده. هردوی ما حسابی سرما خوردیم. از آنجا که ما روز یکشنبه وارد آنکارا شدیم، به سراغ مطب دکتر رفتیم تا برای فردا پیدا کردنش مشکلی نداشته باشیم. خیلی راحت پیدا کردیم و در راه برگشت هم سفارت رو پیدا کردیم. حدود 20 دقیقه پیاده روی بود تا هتل(مسافرخانه) بیوک آرشان.

هم همراه اول آتن میده، هم ایرانسل. اما علاوه بر هزینه رومینگ حتی وقتی با شما تماس بگیرن خیلی زیاد هزینه برای شما داره. من به خط اعتباری ایرانسل با خودم برده بودم. وقتی رسیدم هتل زنگ زدیم تهران گفتیم: "سلام. خوبید؟ ما رسیدیم هتل. حالا بعداً بهتون زنگ میزنم" بعدش اعتبارمو چک کردیم نزدیک 3 هزار تومن ارزش کم شده بود. دیگه حالا خودتون هزینه موبایل رو در نظر بگیرید. بهتره به سیم کارت از ترکیه بخريد تا از ایران با شما

وقت دکتر (دوشنبه):

2 شنبه ساعت 9 و 9:05 صبح وقت دکتر داشتیم (یکی برای خودم و یکی برای همسر) که منشی هم راس ساعت 9 آمد درو باز کرد. منشی دکتر دست و پا شکسته و فقط در حدی که منظورشو بفهمونه فارسی حرف میزنه. البته اگه ترکی گفت هم اصلاً نگران نباشید. چیز زیاد مهمی هم نمیکه. یا داره میگه برو بشین یا میگه منتظر باش یا ... از این جور چیزها دیگه. مثل اینکه وقت دکتر اصلاً مهم نبود چون منشی به ما گفت: !، وقت دارید؟!؟! انگار تا اون روز یکی با تعیین وقت قبلی نرفته بود!!! اما شما حتماً وقت بگیرید که به وقت به بهونه نداشتن وقت دکتر کارتون به مشکلی بر نخوره.

در ابتدا مدارک لازم برای روز مدیکال رو تحویل منشی دادیم و برای 2 نفرمون 90 دلار (نفری 45 دلار) پرداخت کردیم. منشی گفت منتظر باشید تا صداتون کنم. بعد از آزمایش خون و عکس قفسه سینه و معاینه به تشخیص دکتر مجدداً از ما نمونه خون گرفته شد که کلاً بابت این آزمایشات و عکس ها کلاً 164 لیر دیگه پرداخت کردیم. چون همه واکسن هارو در تهران در انستیتوی باستانور زده بودیم، دکتر هیچ واکسنی به ما نزد. فقط موقع معاینه (که هرکدام جداگانه معاینه شدیم) سوالاتی از قبیل سن، سابقه بیماری، قد، وزن، سابقه عمل جراحی و ... پرسید. مثل اینکه اگه قد و وزنتون رو ندونید به پولی هم بابت اون ازتون میگیرن که شما رو وزن کنند و سانت بزنن!!! طبق اطلاعات مندرج در سایت دکتر هزینه ها اینجوریه:

معاینات : نفری 70 دلار ، تست خون : نفری 60 دلار ، عکس قفسه سینه : 45 دلار ، واکسیناسیون : نفری از 5 دلار تا 220 دلار (بستگی به نوع واکسن داره)

یه چیز دیگه این که زیاد دنبال اینکه بفهمید بالاخره هزینه دکتر چقدر میشه نباشید. انگار حساب کتاب نداره ، از هرکی به مبلغی گرفتن، البته حتماً به سن و سال و تعداد و نوع آزمایش ها بستگی داره. همنطور که میبینید هزینه هایی که ما پرداخت کردیم با هزینه های توی سایت همخوانی نداره !!! دکتر که فارسی صحبت میکنه به آدم جدی و خشکه. البته ما یکم باهوش شوخی کردیم و خندشو دیدم. بهش گفتیم همه میگن شما خیلی بد اخلاقی. خندید و گفت نه بابا کی میگه؟ گفتیم همه میگن. جواب داد چون کار من خیلی زیاده. ما هم گفتیم برای شما که بد نمیشه، پول بیشتری گیرتون میاد که این دفعه حسابی زد زیرخنده.

کل معاینه و آزمایشات و عکس قفسه سینه در طبقه 3 و 4 انجام میشه. بعد از این مراحل قبض به ما دادند و خانم منشی گفت فردا (سه شنبه) تا ساعت 5 بعد از ظهر جوابتون حاضره. فرداش ساعت 3 رفتیم و جواب آزمایش ها را گرفتیم که اتفاقاً خیلی هم خلوت بود مطب. نفری 2 پاکت که یکی جواب آزمایش ها بود و دیگری سی دی که هیچکدومو نباید باز کنید تحویل میدن و پاکتی که حاوی جواب مدیکال هست رو در بسته روز مصاحبه تحویل سفارت بدید. مثل اینکه سی دی هم باید همون جوری باز نشده با خودمون ببریم آمریکا. مراحل روز مدیکال واقعاً ساده و راحت و احتیاجی به صرف هزینه برای همراه داشتن مترجم و ... نیست.

روز مصاحبه (چهارشنبه):

ساعت 7:30 صبح دم در سفارت بودیم. قبل از ساعت 8 کارکنان مودب سفارت مراجعین رو به 2 صف جداگانه 1-مهاجرتی و 2-کیس های دیگر تقسیم کردن. بیشتر نفرات صف ها رو خود ترک ها تشکیل میدن.

ساعت 8 بعد از بازرسی بدنی و تحویل موبایل وارد سفارت شدیم. در ابتدا خانومی که فارسی صحبت می کرد مدارک رو از ما گرفت و یک شماره به ما داد. دقت کنید هرچی میگه رو بهش بدید و چیز اضافه ندید(این مطلب رو روی دیوار هم نوشته بود). رفتیم نشستیم که شمارمون اعلام بشه برای انگشت نگاری.

بر خلاف آنچه از قبل در سفرنامه ها خوانده بودم وقتی شماره ما اعلام شد از انگشت نگاری خبری نبود!!! خانومی به زبان انگلیسی سوالی راجع به کار من (برنده لاتاری) پرسید(چند سال سابقه کار دارید؟) من گفتم مصاحبه من قراره به زبان فارسی باشه، چرا شما انگلیسی صحبت می کنید؟؟؟ در جواب گفت: این فقط یک سواله و مصاحبه شما تا چند لحظه دیگه به زبان فارسی خواهد بود. من هم جواب سوالشو دادم و سرش رو به نشونه OK تگون داد و گفت بفرمائید بنشینید و منتظر اعلام شماره باشید.

مشخص بود که این خانوم محتویات مدارکی رو که در ابتدای ورود به سفارت تحویل دادیم و مدارکی که قبلاً پست کرده بودیم رو داره طبقه بندی و مرتب و منظم و به ترتیب میکنه و در کامپیوتر مواردی رو وارد میکنه (یه همچین چیزی). به هرحال مهم به نظر نمی رسید.

خلاصه دوباره رفتیم نشستیم و منتظر اعلام شماره برای انگشت نگاری شدیم. شماره ما اعلام شد و رفتیم برای انگشت نگاری. طریقه صحیح انگشت نگاری روی دیوار نمایش داده شده. خیلی راحت انجام شد.

رفتیم نشستیم منتظر اعلام شماره برای پرداخت پول شدیم. شماره ما اعلام شد و رفتیم برای پرداخت پول. اگه گفتید نفری چقدر؟ بله درست حدس زدید، نفری 819 دلار (-); رفتیم نشستیم و منتظر اعلام شماره برای مصاحبه شدیم.

شماره ما اعلام شد و رفتیم برای مصاحبه. همون آفیسر ریش حنایی معروف و خندان و مودب و سرشار از انرژی مثبت. مطمئن باشید همون لحظه همه استرسی که احتمالاً خواهید داشت رو با برخورد خوب و مناسبتش از بین میره.

آفیسر ضمن خوش آمدگویی به ما گفت: پرونده شما کامله و این فقط یک پروسه و تشریفات اداریه که باید انجام بشه. پرسید آیا قسم میخورید فرم ها را با صداقت پر کردید و الان با صداقت جواب خواهید داد؟ ما گفتیم قبل از قسم چند نکته هست که باید توضیح بدیم. همون مشکل اسم همسر در پاسپورت فعلی و پاسپورت در زمان ثبت نام و چند مشکل در ترجمه مدارک که توضیح دادیم.

آفیسر لبخندی زد و گفت: این چیزها اصلاً مهم نیست و به هرحال خیلی متشکرم و ممنونم از صداقت شما. شاید هم مهم بود و منتظر بود ببینه ما توضیح میدیم یا نه. یه جورایی خیلی حال کرد با این موضوع که ما اشتباهات رو قبل از قسم توضیح دادیم. انگار از این آزمایش سربلند بیرون اومدیم. بعدش قسم خوردیم (آقا به خدا ما راست می گیم)

دوباره آفیسر گفت مدارک شما تکمیله اما این سوال ها رو از روی کنجکاوی خودم و خارج از روند مصاحبه می پرسم (شاید شگرتش این بود!!!) از شغل من (برنده لاتاری) و اینکه کی و کجا و در چه سمتی کار می کردم پرسید. البته خودش کاملاً به شغل من آشنا و مسلط بود و سوالاتش رو صریح و مستقیم نپرسید. اینجوری می پرسید: تو فلان قسمت فلان کار هم میکنید؟ یا فلان قسمت زیر نظر فلان قسمته؟ مگه تو ایران فلان کار هم می کنید؟

من هم جواب دادم و آفیسر هم گفت بسیار عالی، شما باعث افتخار ما هستید!!! (شغل من دولتی بود) بعد از همسر پرسید، اما این بار خیلی ساده و راحت: شما خانوم شغلتون چیه؟ چیکار می کنید؟ همسر هم جواب داد. آفیسر هم گفت: آفرین آفرین آفرین (دقیقاً 3 بار گفت) واقعاً عالیه و خیلی شغلتون و تجربتون به درد میخوره (شغل همسر خصوصی بود)

آفیسر برگ آبی رو داشت پر میکرد که همسر که خیلی ذوق زده شده بود بلند گفت هورااا ، آفیسر هم همراه با خوشحالی ما خوشحالی می کرد و می خندید و دوباره گفت همه مدارکتون کامله و فقط یک پروسه اداریه و باید طی بشه. از یک هفته دیگه سایت ترکی (سایت انگلیسی) رو چک کنید و

هروقت کیس نامبر شما در سایت ترکی (سایت انگلیسی) اعلام شد یکی از شما بیاد ویزاها رو بگیره. سایت انگلیسی به مقدار دیرتر از سایت ترکی سفارت آیدیت میشه. (عاشقان منتظر سایت ترکی رو مدام چک کنند !!!) به نظر من قبلاً راجع به ما تصمیم گیری شده بود و مشخص بود برگ آبی خواهیم گرفت. چون تو دستش اصلاً برگ رنگ دیگه ای نبود. در طی مصاحبه چند دقیقه ای و کوتاه ما آفیسر مدام مطالبی رو از توی کامپیوترش میخوند و گاهی چیزی تایپ می کرد. در نهایت ساعت 10 صبح کار ما تموم شد و از سفارت اومدیم بیرون. به چیز دیگه اینکه روزی که ما سفارت بودیم و منتظر بودیم که شماره هارو اعلام کنند نمیدونم چی شد که یهو همه رو از سفارت بیرون کردند و با کپسول های آتش نشانی اینور اونور می رفتن و با بیسیم هاشون حرف میزدن!!! نمیدونم جایی آتیش گرفته بود، جایی زلزله اومده بود، مانور بود، خشم شب بود، خشم روز بود، بمب گذاری بود، حمله انتحاری بود، حمله تروریستی بود، چی بود ما که نفهمیدیم ولی خیلی نگران شدیم که ای بابا حالا چرا از شناس بد ما درست روزی که ما اومدیم سفارت اینجوری شد! اما بعد از چند دقیقه دوباره همه رو به داخل سفارت راهنمایی کردن و کلی هم عذرخواهی کردن. مخصوصاً از ایرانی ها!!!

توضیحات تکمیلی:

ما اسپانسر داشتیم (فامیل درجه یک). اسپانسر ما فرم I-134 رو در 2 نسخه (یکی برای خودم و یکی برای همسر) تهیه کرده بود و گواهی امضاء کرده بود و همراه با کپی مدارک مالیاتی 3 سال گذشته خودش برامون فرستاده بود. اسپانسر ما شاغل بود و تو مدارک مالیاتی 3 سال گذشته اسم خودش و همسرش هم بود. تو بند 11 فرم I-134 چیزی شبیه به این نوشته بود (البته مبلغ ها رو اینجا حذف میکنم) ROOM AND BOARD, TRAVEL EXPENSES, POCKET MONEY AS NEEDED UP TO MAX \$..... MONTHLY I HAVE GROSS RENTAL INCOME FROM VARIOUS RENTAL PROPERTIES FOR A TOTAL OF \$..... پایین فرم I-134 به تاریخ نوشته شده که در فرم ما این تاریخ مال 7 ماه قبل از روزی بود که اسپانسر اونهارو پر کرده بود. فکر نمیکنم این تاریخ ، تاریخ انقضاء فرم باشه. ولی شما برای احتیاط در آخرین روزها این فرم رو تهیه کنید که تاریخش خیلی قدیمی نباشه. کپی پاسپورت اسپانسر از ما خواسته نشد (ما هم همراهمون نبود). اصلاً کوچکترین صحبتی از اسپانسر و مدارک اون (فرم I-134 و فرم های مالیاتی 3 سال گذشته) که قبلاً فرستاده بودیم نشد. برندگان لاتاری در صورت داشتن اسپانسر احتیاج به فرم I-134 دارند. فرم I-864 مربوط به نوع دیگری از مهاجرت به آمریکاست نه لاتاری. اسپانسر باید فرم I-134 رو تکمیل ، پرینت و امضاء کنه و اصل فرم امضاء شده رو براتون پست کنه و شما هم اصل فرم امضاء شده رو به همراه سایر مدارکتون پست کنید به سفارت.

فرم های مالیاتی 1040 و/یا W2 برای 3 سال اخیر (2009 - 2010 - 2011) . من نمیدونم مالیات سال 2012 رو چه زمانی پرداخت می کنید . اگر پرداخت کردند باید 2012 - 2011 - 2010 رو برای شما ارسال کنند. دقیق نمی دونم اما گویا یکی از این فرم ها مربوط به کارفرماست و یکی مربوط به کارمند. در این صورت اسپانسر شما اگر فقط کارفرما یا اگر فقط کارمند باشد ، یک مدل از این فرم ها را در اختیار خواهد داشت و برای شما ارسال خواهد کرد (نگران نباشید چون خود اسپانسر میدونه باید کدوم فرم را بفرسته برای شما). اسپانسر این فرم ها رو اسکن و برای شما ایمیل کنه و شما اینجای پرنیت بگیرید و به همراه سایر مدارکتون پست کنید به سفارت. از برخی هم کپی پاسپورت اسپانسر خواسته شده. بهتره اسپانسر پاسپورتشو (حتی اگر شده فقط صفحه اول) اسکن و برای شما ایمیل کنه و شما اینجای پرنیت بگیرید و به همراه سایر مدارکتون پست کنید به سفارت. گواهی تمکن مالی برای خودم یک 25 میلیون تومان و یک 12 میلیون تومان و برای همسر هم 20 میلیون تومان (تاریخ افتتاح حساب ها قدیمی بود) (فقط موجودی گرفته بودیم نه گردش ماهانه و سه ماهه و سالانه و این جور چیزا). راجع به مسائل مالی هم صحبتی نشد. سند ملک و ماشین هم ترجمه کرده بودیم و فرستاده بودیم. راجع به این هم صحبتی نشد. هیچ صحبتی از سایر مدارک و ترجمه ها از قبیل کارت پایان خدمت و سایر مدارک تحصیلی و ... نشد. اصل ترجمه ها و اصل گواهی های تمکن مالی رو قبلاً با پست آرامکس فرستاده بودیم و اصل مدارک رو همراهمون برده بودیم. بیشتر ترجمه های ما به تأیید دادگستری هم رسیده بود (برای یک سری از مدارک فرصت کافی نداشتیم که به تأیید دادگستری برسونیم) کل سوال های مصاحبه 2 سوال راجع به شغل من و شغل همسر بود و هیچ سوال دیگری مطرح نشد. من 2 سفر و همسر 4 سفر خارج از کشور داشتیم. قبلاً شینگن هم گرفته بودیم. قبل از سفر به آنکارا هم من هم همسر مجدداً در لاتاری 2013 ثبت نام کردیم تا اگر به هر دلیلی (نرسیدن به پرواز ، رد شدن در مصاحبه و ... و یا هر دلیل دیگه) امسال موفق نشدیم دوباره برای سال دیگه شناس خودمون رو امتحان کنیم. روز مصاحبه هم مشکلی در این مورد پیش نیومد. پس کسانی که مثل ما دوباره ثبت نام کردند نگران نباشند.

برگ آبی رو که من دریافت کردم هم رو اینجا (روی صفحه) و اینجا (پشت صفحه) آپلود کردم تا ببینید این برگ آبی که میگن چه شکلیه و چه رنگیه!!! اتفاقاً تو این برگه همه مدارک لازم برای روز مصاحبه رو نوشته که موقع جمع و جور کردن مدارک و ترجمه و ارسال اونها خیلی بهتون کمک میکنه. برای اطمینان بیشتر لیست مدارک رو مینویسم:

- 1- گذرنامه 2- عکسهای مناسب (دو عکس تمام رخ) لطفاً اسم کامل خود را پشت هر عکس به انگلیسی بنویسید 3- معاینه پزشکی: لطفاً عکس رادیولوژی را نفرستید 4- شناسنامه/کارت ملی (اصل) 5- فتوکپی کامل از تمام صفحات (شناسنامه/کارت ملی) 6- ترجمه انگلیسی (شناسنامه/کارت ملی) 7- سند ازدواج (اصل) 8- فتوکپی کامل از تمام صفحات (سند ازدواج) 9- ترجمه انگلیسی (سند ازدواج) 10- سند طلاق یا گواهی فوت (اصل) 11- فتوکپی کامل از تمام صفحات (سند طلاق یا گواهی فوت) 12- ترجمه انگلیسی (سند طلاق یا گواهی فوت) 13- مدرک دیپلم/مدرک پیش دانشگاهی/لیسانس (اصل) 14- فتوکپی کامل از تمام صفحات (مدرک دیپلم/مدرک پیش دانشگاهی/لیسانس) 15- ترجمه انگلیسی (مدرک دیپلم/مدرک پیش دانشگاهی/لیسانس) 16- ضمانت مالی (فرم آی-864) ، (آی-134) باید اصل مدرک فرستاده شود. فاکس یا کپی این مدرک قابل قبول نمیشد (از شخص درخواست کننده) 17- ضمانت مالی (فرم آی-864) ، (آی-134) باید اصل مدرک فرستاده شود. فاکس یا کپی این مدرک قابل قبول نمیشد (از ضامن دوم) 18- فتوکپی گذرنامه آمریکا و یا گرین کارت از شخص درخواست کننده/ضامن 19- قرارداد بین ضامن و عضو خانواده (آی-864) بین ... و باید اصل مدرک فرستاده شود. فاکس و یا فتوکپی این مدرک قبول نمی باشد. 20- فرمهای مالیاتی 1040 و W2 سال یا سالهای ... (از شخص درخواست کننده) 21- فرمهای مالیاتی 1040 و W2 سال یا سالهای ... (از ضامن دوم) 22- اظهارنامه ای با امضای شخص درخواست کننده که در آن دلیل عدم پرداخت مالیات از طرف ایشان به دولت آمریکا در سال یا سالهای ... توضیح داده شده باشد. 23- مدرکی برای ثبوت سکونت شخص درخواست کننده در آمریکا 24- مدرکی در رابطه با اجازه اقامت قانونی و دائمی درخواست کننده ، بلیط هواپیما که نشان دهنده تاریخ آخرین خروج شخص درخواست کننده از آمریکا باشد ، فتوکپی پاسپورت و فتوکپی کارت سبز (گرین کارت) شخص درخواست کننده 25- مدارک نشان دهنده ارتباط بین شما و همسرتان مثلاً عکس ، پست الکترونیکی ، قبض تلفن 26- آدرس در آمریکا 27- غیره همونطور که مبینید برخی از موارد بالا مورد نیاز نیست.

توصیه:

دقت کنید که در ایران مترجم ها خیلی در ترجمه ها اشکال دارند. مخصوصاً در تاریخ ها. حتماً قبل از ارسال خیلی دقیق و کامل خودتون بارها و بارها بررسی کنید که اگر اشکالی داشت فرصت برای اصلاحش داشته باشید. به نظر من بهتره ترجمه ها به تأیید دادگستری برسه هرچند ممکنه برخی از دوستان با نظر من مخالف باشند. شخصاً در آنکارا شخصی رو دیدم که به گفته خودش 2 ماهه تو آنکارا مونده و مشککش فقط یک اشتباه در ترجمه

مدارک بوده. اونهم در تاریخ. پس قبل از ارسال مدارک خیلی دقت کنید تا مدارک درست ترجمه شده باشند و چیزی از قلم نیافتاده باشه تا روز مصاحبه نگرانی نداشته باشید. اگر بعد از ارسال هم متوجه شدید که اشتباهی داشته نگران نباشید، دوباره ترجمه کنید و اگر فرصت ارسال دارید دوباره بفرستید یا اگر فرصت ندارید با خود ببرید سفارت و قبل از قسم برای آفیسر توضیح بدید. مطمئن باشید مشکلی پیش نخواهد آمد.
در کل اصلاً استرس نداشته باشید. پروسه واقعاً ساده و راحت. دوباره تأکید می کنم فقط و فقط هنگام ارسال مدارک دقت کنید مدارکتون کامل و صحیح باشه. به نظر من حالا که شانس به ما رو کرده بهتره خودمون این شانس رو از دست ندیم. حرفم اینکه که دست پر برید برای روز مصاحبه و بهونه ای برای مردود شدن یا طولانی شدن مدت کلرنس دست سفارت ندید. مثلاً ممکنه واقعاً ترجمه مدارک مهر تأیید دادگستری لازم نداشته باشه ولی اگر این مهر رو نداشته باشه تا روز مصاحبه نگران خواهید بود که نکنه باید به تأیید دادگستری میرسوندم؟؟؟ چون یکی میگه لازمه کلی هم سند و مدرک برای حرفش میاره یکی دیگه میگه نه لازم نیست اونم کلی سند و مدرک برای حرفش میاره!!! یا ممکنه واقعاً احتیاجی به ترجمه سند ملک نباشه اما تا روز مصاحبه نگران خواهید بود که نکنه گواهی تمکن مالی من کم باشه؟؟؟ یا مسائلی از این قبیل.

کلیر، دریافت ویزا، سفر به آمریکا، دریافت گرین کارت:

دوستان عزیز کیس نامبر ما روز 13 ژانویه(23دی) بعد از 37 روز در سایت اعلام شد و ما کلیر شدیم.

روز 18 ژانویه(28دی) من تنها رفتم ترکیه.

19 ژانویه، بعد از ظهر رفتم سفارت و پاسپورت ها را تحویل دادم.

2 روز بعد، 21 ژانویه(1بهمن) در هتل پاسپورت های ویزا خورده رو تحویل دادم.

22 ژانویه(2بهمن) هم برگشتم ایران.

بلیت رفت و برگشت آمریکا(لس آنجلس) هم KLM گرفتیم نفری 1.610.000 تومان (تهران-آمستردام-لس آنجلس)
1 اسفند 1390(20فوریه2012) هم رفتیم آمریکا(لس آنجلس).

پیشنهاد میکنم با پرداخت هزینه اضافی (یا در بعضی از شرکت های هواپیمایی به رایگان) صندلی خوبی در هواپیما در پروازهای خود به مقصد آمریکا یا از مبدأ آمریکا، انتخاب کنید. چون طول پرواز(ساعت پرواز) این سفر طولانیه، بهتره جای راحتی در کابین هواپیما انتخاب کنید.

برای اطلاعات بیشتر به سایت SeatGuru مراجعه کنید. در این سایت بعد از انتخاب شرکت هواپیمایی مورد نظر، انواع هواپیماها رو به همراه اطلاعات کافی در مورد آن نوع هواپیما نمایش میدهند. با استفاده از اطلاعاتی که در این سایت پیدا خواهید کرد، تا چند روز قبل از پرواز میتونید با پرداخت هزینه اضافه (یا در بعضی از شرکت های هواپیمایی به رایگان) از طریق سایت شرکت هواپیمایی یا آژانس هواپیمایی که براتون بلیط گرفته صندلی و حتی غذای مورد علاقه تون رو سفارش بدید. البته پیشنهاد می کنم این کار رو زودتر انجام بدید چون صندلی های خوب، خیلی زود رزرو می شوند.
از اونجایی که اکثر هواپیماهای مسیر آمریکا (در قسمت اکونومی) 3-4-3 (3 صندلی سمت راست، 4 صندلی وسط، 3 صندلی سمت چپ) دارند به نظر من، اگر تنها هستید بهترین موقعیت صندلی، صندلی راهرو (Aisle) هاست. چون میتونید کمی پاتون رو در راهرو دراز کنید. البته ممکنه هر چند ساعت نفر کنارتون شمارو برای استفاده از سرویس بهداشتی بیدار کنه! اگر 2 نفری هستید بهترین موقعیت ردیف وسط هواپیما(4 صندلی) به سمت یکی از راهرو هاست. اینجوری نفر سوم برای استفاده از سرویس بهداشتی مسلماناً شمارو بیدار نمیکند و سمت دیگه رد میشه. البته در انتهای هواپیما نیز ردیف های 2 صندلی وجود داره (2-2-2) که چون به راهروی پهن تری دسترسی دارید حسن به حساب میاد و از طرفی چون به سرویس های بهداشتی انتهای هواپیما نزدیک هستید عیب به حساب میاد. بهترین ردیف ها هم ردیف های نزدیک به قسمت بیزینس کلاسه. البته دقت کنید زیاد به سرویس های بهداشتی نزدیک نباشید چون صدای باز و بسته شدن درب ها و یا حتی سیفون، ممکنه شمارو اذیت کنه.

فرم های مورد نیاز(تمامی این فرم ها در صورت لزوم به رایگان به شما ارائه داده خواهد شد و هدف از این قسمت آشنایی شما با این فرم ها و نحوه تکمیل آنهاست، پیشنهاد می شود آنها را با دقت مطالعه کرده تا هنگام تکمیل و تحویل دادن آنها به مشکلی مواجه نشوید):

قبل از هر چیز بگم به محض ورود شما به آمریکا، در فرودگاه قسمت گیت Immigration راهنمای فارسی زبان به درخواست شما برای راهنمایی و توضیحات در مورد تکمیل فرم ها و بقیه مسائل در اختیار شما خواهد بود. فقط ممکنه برای رسیدن این مامور فارسی زبان کمی معطل شوید(شاید چند ساعت). پس اگر حتی کمی به زبان انگلیسی آشنایی دارید و به شرطی که تکمیل کردن فرم ها را قبلاً تمرین و مرور کرده باشید احتیاجی به کمک مامور فارسی زبان نخواهید داشت. بازهم اگر نگران هستید در کمال خونسردی و آرامش منتظر مامور فارسی زبان بمانید.

دریافت نمونه فرم CBP Traveler Entry Forms - Form 6059B I94 I94W از سایت اصلی یا اینجا

دریافت فرم I-94 Arrival/Departure Record از سایت اصلی یا اینجا

اشخاصی که قصد ورود به آمریکا را دارند باید این فرم را تکمیل کنند. این فرم توسط اداره مهاجرت آمریکا به هنگام ورود به تمام افرادی که ملیت غیر آمریکایی دارند، داده می شود. به احتمال زیاد این فرم(آبی رنگ) به همراه فرم گمرک در هواپیما به شما داده خواهد شد. (گویا فرم دیگری هم در هواپیما پخش میشه که مربوطه به گرین کارتی ها و ویزاهای مهاجرتی نیست) چیز خاصی نیست. یک سری اطلاعات شامل: نام و نام خانوادگی، تاریخ تولد، تعداد نفرات همراه شخص برنده، آدرس آمریکا، تبعه کدام کشور، شماره گذرنامه، کشور مبدأ، ...، شماره پرواز، سفرتان تجاری است؟، چیزهایی که همراه دارید: سبزیجات و گیاه و میوه و ... هست یا نه؟ حیوانات و موجودات خانگی همراه دارید؟ بیماری و ... دارید یا نه؟ مبلغ همراهتان بیش از \$10000 هست یا خیر؟ (اگر هست حتما بنویسید، مالیات هم نداره)، ارزش اشیاء با ارزشی که همراه دارید؟ (تا \$800 مشکلی ندارد) <== برگرفته از پست

دوست عزیز aarshidaaa

فرم I-94 مهمترین مدرک نشان دهنده ورود قانونی شما به این کشور و شرط لازم برای ادامه اقامت شما و گرفتن کارت Social Security می باشد. حتماً آن را با دقت کامل و مطابق با سایر مدارک قانونی خود تکمیل نمایید.

دریافت فرم FinCen Form 105 از سایت اصلی یا اینجا

فرم گمرک

دریافت فرم Change of address - Form AR-11 از سایت اصلی یا اینجا

اشخاصی که قصد تغییر آدرس(محل اقامت شما در آمریکا که کارت Social Security و گرین کارت به آن ارسال خواهد شد) را دارند باید این فرم را تکمیل کنند. در ضمن می توانند از طریق این سایت بصورت آنلاین اقدام به تغییر آدرس نمایند.

دریافت فرم Application for a Social Security Card - Form ss-5 از سایت اصلی یا اینجا

اشخاص برای دریافت کارت Social Security باید این فرم را تکمیل کنند. این فرم در فرودگاه (هنگام اولین ورود به آمریکا) تحویل داده خواهد شد که باید آن را تکمیل و تحویل دهید. پیشنهاد می شود بعد از چند روز به یکی از دفاتر Social Security (یه چیزی مثل پلیس + 10 یا دفاتر بیمه تأمین اجتماعی در ایران) در نزدیکی محل اقامتتان بروید و از فعال شدن پروسه صدور کارت Social Security مطمئن شوید. گویا باید برای دریافت Social Security و گرین کارت که همزمان به آدرس محل اقامت شما در آمریکا ارسال خواهد شد، بین 20 تا 40 روز منتظر بمانید.
در برخی موارد این فرم در فرودگاه تکمیل نمیشه و شما باید فردای روز ورود به آمریکا به مراکز Social Security برید و فرم را تکمیل و ارائه دهید.

دریافت فرم I-131, Application for Travel Document از سایت اصلی و توضیحات و راهنمای فرم از اینجا

برای بازکردن و مطالعه این فایل ها به برنامه Adobe Reader نسخه 8 به بالا نیاز دارید. دوستانی که توضیح تکمیلی در مورد این فرم ها و کاربرد آنها و محل هایی که به آنها نیاز است ، دارند لطفاً با پیغام خصوصی به من اعلام کنند تا در همین پست اضافه کنم تا منبع کاملی برای استفاده سایر عزیزان باشد. لطفاً موارد از قلم افتاده را با پیغام خصوصی یادآوری کنید.

بعد از ورود به آمریکا و انجام دادن کارهای مقدماتی برای دریافت کارت و ... و همچنین دریافت کردن نامه های ولکام و ... از طریق پست ، منتظر رسیدن کارت شدیم و در این فاصله از طریق سایت USCIS و قسمت Case Status با استفاده از Receipt Number که توسط نامه ها در اختیارمون بود ، وضعیت پرونده و پروسه را چک می کردیم. یک بار هم حضوری مراجعه کردیم ، چون به نظرمون پروسه ما طولانی شده بود ، که گفتند پرونده داره مسیر نرمالشو طی می کنه و اصلاً دیر نشده.

در نهایت روز 26 فروردین 1391 (14 آبریل 2012) ، بعد از حدود 56 روز بعد از رسیدن به خاک آمریکا ، گرین کارت به دستمون رسید و چند روز بعد هم به ایران برگشتیم.

دوباره 8 مرداد 1391 (30 جولای 2012) و این بار با پرواز امارات با قیمت نفری 1.880.200 تومان (تهران-دبی-لس آنجلس) و مجدداً برای تقریباً 2 ماه دیگر راهی آمریکا شدیم و قبل از اون توسط بستگانمان در آمریکا یک سوئیت (استودیو) برای این 2 ماه اجاره کردیم. گویا از این جور سوئیت ها زیاده. یک خانواده که در کنار منزل اصلیشون ، یک سوئیت برای اجاره دادن دارن که حتی ممکنه برخی از امکانات مشترک باشه. چون از حدود 1 ماه قبل بلیت گرفته بودیم ، با اینکه میدونستم به ما ارز مسافرتی تعلق نمیگیره ، برای اطمینان بیشتر به بانک مراجعه کردم (اون موقع هنوز ارز مسافرتی حذف نشده بود) که گفتند شما چون گرین کارت دارید نمیتونید ارز مسافرتی بگیرید. اگر هم بگی گرین کارت ندارم ، به شرطی که ویزاتون هنوز معتبر باشه (که مال ما دیگه نبود) ارز مسافرتی به شما تعلق میگیره. به هر حال دیگه این قضیه مهم نیست چون دقیقاً چند روز قبل از سفر دوم ما به آمریکا (اویل مرداد 1391) ارز مسافرتی حذف شد !

منتظر تجربه های جدید من باشید ...

خواهش:

لطفاً نقل قول نکنید به علت طولانی بودن این پست

اگر سوالی داشتید بصورت پیغام خصوصی بپرسید که من در همین پست ویرایش و اضافه کنم . اینجوری صفحات تایپک بیخودی زیاد نمیشه.

به امید موفقیت برای تک تک شما عزیزان

AMERICAN EMBASSY ANKARA

.Atatürk Blvd 110

Kavaklıdere, 06100 Ankara - TURKEY

Phone: (90-312) 455-5555

Fax: (90-312) 467-0019

e-mail: webmaster_ankara@state.gov

ارسالها: 189

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 2

تشکر: 153

1128 بار تشکر شده در 186 پست

 roghiyeh

عضو فعال



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام خدمت تمامی اساتید

بالاخره نوبت ما شد که سفرنامه بنویسم

فکر کنم قبلاً قسمت مربوط به مدیکال رو نوشته باشم. پس اینجا بقیشو مینویسم

اول لازم میدونم برای بعضی از کلمات مترادف ملموس ترکی رو براتون معرفی کنم:

1- کلیر خوردن یا رفتن تو مراحل اداری = به کما رفتن

2- آمدن جواب کلیر = به هوش آمدن و رفتن تو بخش

3- کلیر خوردن در ماههای آخر = مرگ مغزی شدن. چون احتمال به هوش اومدن خیلی کمه و فقط باید دعا کرد. ویا اعضای بدن (فتوکپی فرمهایی که تا حالا پر کردی) رو به نیازمندان اهدا کردن.

4- آمدن جواب کلیر در ماههای آخر = معجزه

خوب از هر چه بگذریم سخن دوست خوشتر است

من و همسر ساعت دوازده شب با اتوبوس از استانبول به سمت آنکارا حرکت کردیم و ساعت پنج صبح در ترمینال آشتی آنکارا بودیم. چون خیلی زود

بود و مترو هم ساعت شش صبح شروع به کار میکرد تصمیم گرفتیم همونجا به صبحونه ای بخوریم و به این ترتیب ساعت شد پنج و نیم. نیم ساعت

هم جلوی کرکره های مترو منتظر شدیم و ساعت شش سوار مترو شدیم. ساعت شش و پانزده دقیقه در میدان کزل آک از مترو پیاده شدیم و چون

خیلی زود بود و هوا هم هنوز تاریک بود تصمیم گرفتیم پیاده و خیلی آهسته بسمت سفارت حرکت کنیم. هر چقدر که آهسته رفتیم باز هم یک ربع مونده به هفت جلوی سفارت بودیم. یک دفعه چشممون به یک شیرینی فروشی رو بروی سفارت افتاد که باز بود و چون هوا هم خنک بود رفتیم اون تو و سفارش دو تا چایی با شیرینی دادیم و تا هفت و نیم اون تو نشستیم. بعدش اومدیم بیرون و رفتیم جلوی در سفارت. اونجا دوتا ردیف بود. یکی مال مهاجرها و دیگری توریست ها. در صف مهاجرها ما نفر اول بودیم ولی صف توریستها نسبتا شلوغ بود و اکثرا هم ترک بودند. نکته قابل توجهی که من در سفرنامه های قبلی خوانده بودم اینه که بعضی ها نوشته بودن که اونجا پارتنی بازی میشه و ترکها رو زودتر میفرستن تو. در صورتی که اصلا اینطور نیست. هر کسی توی برگش به ساعت مشخص برای مصاحبه داره. مال مهاجرها از ساعت هشت و نیم شروع میشه و مال توریستها از ساعت هفت و نیم و به فاصله پانزده دقیقه ای. بعد از ما یک مادر و دختر ایرانی و یک دختر خانوم ایرانی هم اومدن. البته دو تا خانواده ایرانی دیگه هم بودن. بعدش نگهبان اومد و پاسپورتها رو جمع کرد و برد داخل تا با لیستش چک کنه و خیلی زود اومد و به ترتیب پاسپورتها رو پس داد و به داخل راهنمایی کرد. بعدش مرحله رد شدن از دستگاه و تحویل موبایل ها بود. بعد رفتیم داخل یک حیاط کوچیک و دوباره منتظر شدیم تا ساعت هشت و نیم بشه و رامون بدن تو. بعد رفتیم تو و با یک خانوم که واستاده بود تا اصل مدارک رو بگیره روبرو شدیم. از ما پاسپورتها و مدارک پزشکی و اصل سند ازدواج و گواهی مالی و آخرین مدرک تحصیلی برنده و شناسنامه و کارت ملی و نفری دو قطعه عکس رو خواست و ما هم تقدیم کردیم. (پایان خدمت رو نخواست و ما هم چیزی نگفتیم) نکته: ما مدارکمون رو بصورت تفکیکی و منظم داخل اون پوشه های پلاستیکی که توشون تفکیک شده هست گذاشته بودیم و این کارمون رو خیلی راحت کرد. بعد به شماره بهمون داد و گفت برین و بشینین ما هم گفتیم چشم.

اول شمارمون برای باجه شماره هفت اعلام شد و رفتیم پیش یه خانوم خیلی بامزه و خنده رو و انگشت نگاری کردیم. نکته: موج مثبت از سر و روی این خانوم میبازه و اصلا بهش نمیداد که در طول عمرش حتی یک بار هم کسی رو ناراحت کرده باشه. بعدش دوباره نشستیم و اینبار شمارمون رو برای پرداخت پول صدا زدن و رفتیم پرداخت کردیم. بعدش هم برای مصاحبه. و اما مصاحبیبیبیبیبیبیبیبیبیبیبیه.....

تا رسیدیم جلوی باجه با یه صحنه رو برو شدیم که نمیدونستم ناراحت بشم یا خوشحال. میدونید چی دیدم؟ این چه سوالیه. خوب معلومه که نمیدونین چون اون موقع اونجا نبودین. بگذریم. دیدیم که خیلی قشنگ اصل مدارک ما رو (شناسنامه و مدرک تحصیلی و ...) گذاشته جلوی شیشه که بهمون پس بده. خوب حالا شاید فکر کنین که این خیلی عادی و چرا من اینو گفتم. ولی شاید وقتی بدونین که پاسپورتها مون هم بین اون مدارک بود یکم قضیه فرق کنه و این یعنی حداقل کما رو داریم. چون اونایی که قراره یک ضرب بگیرن پاسپورتشون رو پس نمیدن و با یو پی اس برایشون میفرستن. بعدش هم قبل از اینکه چیزی پرسه داشت با برگ آبی ور میرفت و این یعنی صد در صد کما.

و اما سوالاتی که کرد و حتی به جوابشون توجه هم نمیکرد اینا بودن: آیا الان در ترکیه دانشجوی هستین و ما گفتیم بله. چه رشته ای و ماهم جواب دادیم. بعدش از خانوم پرسید در ایران چه کاره بودی و بعد از من همین سوال رو کرد. راستی قبل از این سوالها با همدیگه قسم خوردیم. بعدش هم فرمها رو داد امضا کردیم و برگ آبی رو تقدیم کرد و گفت که وقتی شمارتون رو تو سایت دیدین بیاین و ویزاتون رو بگیرین و به این ترتیب ما هم رفتیم تو کما. بعد به دفعه گفت آها شما در استانبول زندگی میکنید و نیازی نیست که حضوری بیاین و یک برگه سبز رنگ هم ضمیمه برگ آبی کرد و گفت میتونین پاسپورتهاون رو با یو پی اس بفرستین. در اون برگ سبز رنگ هم دقیقا همون چیزهایی رو نوشته که تو برگ آبی هست. تنها فرقیشون اینه که برگ آبی فارسی و انگلیسیه و برگ سبز ترکی و انگلیسی.

و اما نکات آموزنده:

- 1- نویسنده این سفرنامه و کامنتهای قبلی آقا هستش نه خانوم. رقیه اسم همسر منه که برنده اصلیه و چون اعصاب معصاب نداره من بجاش مینویسم.
- 2- فاصله استانبول و آنکارا بین هفت تا پنج ساعته و این بستگی داره که کجا سوار اتوبوس بشین. چون استانبول خیلی بزرگه.
- 3- تکلیف همه قبل از مصاحبه معلومه و این فقط به مرحله تشریفاتیه. البته میتونین در مصاحبه سرنوشت مثبتتون رو منفی کنین. مثلا تو سالن بلند شین و علیه آمریکا شعار بدین و ... اما برعکس این موضوع امکان نداره
- 4- آنکارا خیلی سردتر از استانبوله

در پایان از همه اعضای محترم تقاضا دارم که برای بهوش اومدن ما و تمامی به کما رفتگان دعا کنن.

 aarshidaaa

عضو فعال



ارسالها: 87

تاریخ عضویت: Sep 2011

رتبه: 2

تشکر: 23

292 بار تشکر شده در 79 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

دروود به همه دوستان مهاجرسرای

اول لازم می دونم از مدیران این سایت و دوستانی که زحمت می کشن تا به دیگران صادقانه کمک کنند تشکر کنم. چون این سایت و پاسخهای دوستان کمک بسیار زیادی به من کرد و امیدوارم من هم بتوانم سهم خودم را در کمک به دیگران ایفا کنم تا این زنجیره عشق باقی بماند.

به مدتی بود که به دلایلی نتونستم به مهاجرسرا سر بزیم ولی الان با دست پر برگشتم.

اما بگم از داستانهایی مربوط به مصاحبه:

حدود 2 ماه قبل به واسطه یکی از دوستانی که برنده 2010 بود با شخصی آشنا شدم که فعالیتش در آنکارا و مربوط به کارهای مهاجرتی بود و در آنکارا کمک خیلی زیادی به ما کرد.

به پیشنهاد ایشان بلیط ایران ایر تهیه کرده بودم که البته بهتر از ترکیش بود. فاصله صندلی ها. نوع پذیرایی. و ساعت پرواز خیلی بهتر بود.

چهارشنبه ساعت 18:45 پرواز بود و ما برای اینکه بتونیم در ردیفهای جلو جا بگیریم تا بچه دچار گوش درد نشه حدود ساعت 16 فرودگاه بودیم. پرواز بدون تاخیر انجام شد و خیلی خوب بود بعد از 2 ساعت و 20 دقیقه در ساعت 17:30 به وقت محلی رسیدیم. خانم مرادی طبق قرار قبلی منتظر بود و به آپارتمانمان که هماهنگ کرده بودند رفتیم. روز 5شنبه ساعت 9 صبح رفتیم به طرف مطب دکتر اونکان ، 105 لیر بابت تشکیل پرونده و 280 \$ بابت عکس سینه ، معاینه ، و 1 واکسن آبله و 58 \$ بابت آزمایش تست آبله و در کل کار 3 نفرمان حدود 500 تومان خودمان هزینه برداشت. تمام کارها تا ساعت 12 تمام شد و روز بعد یعنی جمعه بعد از ظهر 3 تا پاکت و 2 تا

چند تا نکته که در مورد مدیکال پزشکی ممکنه به درد دوستان بخوره:
من چون قبلا بیماری آبله را داشتم احتیاجی به واکسن آبله نداشتم و در پاسپورت بعد از آزمایش مربوطه در کارت واکسنم زدند که واکسن آبله تزریق شده تا آنجا دوباره کاری نشه ولی ظاهرا چند وقت پیش خانمی به آنکارا رفته بودند و اعلام کردند که من در ایران واکسن آبله نزدنم ولی در کارت واکسن قید شده که واکسن زدم. به همین خاطر از حدود 1 ماه قبل به این طرف دکتر اونگان به کارتهای واکسن پاسپورت خیلی اعتماد نداره و برای کسانیکه واکسن آبله در کارتهایشان قید شده، یک آزمایش می نویسه که هم زمان بره و هم \$58 خرج الکیه.

پس اگر واکسن آبله باید بزیند و هنوز این کار را نکردید، اجازه بدید این واکسن را در ترکیه بزیند. هم ارزاترره (چون اینجا انحصاری شده و قیمتش خیلی گرون شده) و هم کیفیتش بالاتره و هم اینکه اگر اینجا بزیند در آنجا باید به هزینه اضافه بابت تست آبله بدید که زمان کارتتان را هم بیشتر می کنه.

نکنه دیگه اینکه من به بچه 1 ساله دارم و شنیده بودم که ممکنه دکتر تست سل بگیره و اگر اینطور باشه 3 روز زمان می بره. به خاطر همین 1 هفته زودتر رفتم ولی آنجا تست سل انجام نشد.

قابل توجه کسانیکه فرزند دارند، تست سل بین سنین 2 تا 15 سال انجام می شه و این را در برنامه ریزی سفرتان لحاظ کنید تا دچار مشکل نشوید.

ما از روز جمعه تا 4 شنبه بیکار بودیم و از آنجا که آنکارا جای دیدنی خاصی نداره، در این چند روز فقط به مقبره آنا ترک (که اصلا ترک نبوده) رفتم. قلعه آنکارای قدیم را دیدیم و به آبشار مصنوعی که جدیدا ساخته شده. یه کمی هم گشت و گذار در مراکز خرید و ...، به طور کلی آنکارا جای خاصی برای رفتن نداره مخصوصا در فصل سرما

از نظر قیمت هم به ندرت چیزی پیدا می کردیم که از ایران ارزاتر باشه، چون ترکیه و به خصوص آنکارا شهر گرانی هستش. یه نکته دیگه، دوستان، اگه به بارها یا جاهاییکه نوشته شده کازینو رفتید (که البته این ها نمی دونند کازینو چیه چون به بارها و دیسکوها می کن کازینو) و یه دفعه بابت یه لیوان نوشیدنی یه فاکتور 500 دلاری بهتون دادن اصلا ناراحت نشید و خیلی آرام این پول زور را بدید و بیاید بیرون وگرنه با چند تا غول بیابونی مواجه می شید و هم کنک می خورید و هم مجبور می شید این پول را پرداخت کنید. (مخصوصا اینکه دادگاههای آنجا اصلا از غیر ترک دفاع نمی کنه و باید 100 هزار دلار خرج کنید تا دادگاه تشکیل بشه و بعدش هم رای به ضد شما صادر می شه) پس اگه به کمی تحمل کنید و فیدش را بزیند بهتره، اگه نه که... ما بلایي را که به سر په ایرانی اومده بود تعریف کردیم.

و اما روز فشنگ مصاحبه فرا رسید. البته قبلش حال عجیبی داشتیم. روز چهارشنبه (دیروز) 8 راه افتادیم و قبل از 8:30 جلوی سفارت بودیم.

اول پاسها را گرفتند و اسامی را چک کردند، از همان ابتدا، صف گرین کارتی ها و ویزاها جدا بود. وارد سفارت که شدیم به اتاقی رسیدیم و دستاگاه X-RAY بود و بعد از کنترل پاسپورت، در يك محوطه منتظر بودیم. کیس به کیس به باجه ای رسیدیم که يك خانم با زبان فارسی به ما خوش آمد گفت. و مدارک ما را خواست:

پاسپورت، پاکتهای پزشکی، آخرین مدرک تحصیلی شخص برنده، نفعی 2 قطعه عکس (حتما اسم را پشت عکسها مطابق پاسپورت بنویسید)، اصل شناسنامه، اصل کارت ملی، اصل عقد نامه، و مدارک مالی یا اسپانسر را تحویل دادیم. (دقت کنید در عکسها حتما باید گوشه معلوم باشد) و از ما پرسیدند که مصاحبه فارسی می خواهید یا انگلیسی. ما مصاحبه فارسی را انتخاب کردیم که یه وقت در صحبت کردن انگلیسی اگه چیزی را متوجه نشیم یا نتونیم منظورمان را برسونیم دچار مشکل نشیم. به نوبت به ما دادند و در سالن انتظار منتظر شدیم.

مرتب اول شماره ما را خواندند و به پشت باجه رفتیم. یه آقای چند سوال از ما پرسید مثل اینکه غیر از تهران جای دیگری سکونت داشتید؟ یا اینکه اعلام کردید در فلان محل 2 سال کار می کردید از چه سالی تا چه سالی بوده و ... و این اطلاعات را در فرمهایی که فرستاده بودیم نوشتند. مرتبه دوم برای انگشت نگاری شماره ما را اعلام کردند و بعد از آن برای واریز وجه ویزا به صندوق خوانده شدیم. در مرحله آخر هم برای مصاحبه که يك خانمی که فارسی صحبت می کردند. ابتدا سوگند خوردیم (امیدوارم کسانی که نخوردند به زودی بخورند...) و بعد به خاطر به سري روال اداري يه کارت آبي گرفتيم و برگشتيم. و قرار شد تا 1 الي 2 ماه آینده به سایت سر بزینم و هر وقت کیس نامبر مان را دیدیم برای دریافت ویزا بریم. و گفتند کار ما تمام شده و هیچ مشکلی نیست و بعدا یکی از ما (من یا همسرم) بریم تا 3 تا ویزا را دریافت کنیم و خداییش از آنچه که فکر می کردم خیلی راحتتر بود.

اگر کمکی از بنده ساخته باشه با کمال میل در خدمتم.

به امید موفقیت همه دوستان

شاد باشید.

ارسالها: 14

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 32

75 بار تشکر شده در 10 پست

 noura amini

عضو



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام من از روز مصاحبه میگم:

ساعت 8:15 پشت در سفارت بودم تقریبا 8:20 نگاهیان پاسپورتارو جمع کرد رفتم داخل از گیت اول رد شدم و ساعت 9:30 بود که شمارمو گرفتم و وارد سالن و منتظر اعلام شدم که اول انگشت نگاری بعد پرداخت پول و بعد مصاحبه... آفیسری که از من سوال میپرسید خانم بود... خیلیم خوب سلام و احوال پرسى میکنه.. بعد گفت دست راستتو بالا بیاار و هرچی من میگم بعدش تکرار کن منم همین کارو کردم بعدش در مورد سنم تحصیلات و کی فارغ التحصیل شدم پرسید و بعدش پرسید آیا فامیل در امریکا دارم خب من نداشتم و گفتم نه گفت برای چی گرین کارت میخوای گفتم برای ادامه تحصیل دوباره پرسید مگه تو کشور خودت نمیتونی ادامه تحصیل بدی گفتم گرایش من که میخوام بخونم ایران نداره و همین و گفت شما ویزاتونو میگیرین و تقریبا 2 روز بعدش فرستادن هتل و 17 لیر هم هزینه پست میشه... باید بگم اکثر سوالاتی که میپرسن مربوط به اطلاعاتی هست که توی فرم های اولیه براشون فرستادیم... و اینکه من مجرد بودم... سربازی نرفتم چون خانم بودم... رشته تحصیلی مهندسی صنایع مقطع کارشناسی... هم اسپانسر داشتم هم حساب بانکی 28 میلیونی... شاغل هم نبودم... اصل ترجمه تمام مدارکو براشون فرستادم و روز مصاحبه از مدارک تحصیلی اصل آخرین مدرکو خواستن و اصل شناسنامه و کارت ملی و مدارک مالی و اسپانسر

در مورد دکتر هم باید بگم که واکسن آبله مرغانو به همه میزنه از من که هیچ سوالی نپرسید حتی وقتی ازش پرسیدم واکسن چیه جواب نداد و کار خودشو کرد که همیشه 70 دلار و 70 دلار هم ویزیت هست و 47.5 دلار هم برای عکس قفسه سینه

ارسالها: 39

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 34

124 بار تشکر شده در 31 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام بچه ها

امروز صبح مصاحبه داشتم. برگه آبی گرفتم. گفت یه پروسه اداری مونده حدود دو ماه. بعدش بیا ویزاتو بگیر.

به جای سفرنامه مفصل لازم می دونم یه جاش یک سری نکات لازم که شاید به کار دوستان بیاد رو اشاره کنم:

- 1- تفاوت قیمت هتل بیوک ارشان با مثلاً ددمان برای شش شب دویست تومنه. به نظر من تفاوت کیفیت دو هتل در حدی هست که بی خیال پس انداز شین و ددمان رو بگیرین.
- 2- من مدارکمو که فرستاده بودم سفارت، ایمیل زده بودم و پرسیده بودم که چیزی کم هست یا نه. و اونها هم موارد رو اشاره کردند. نکته مهم اینه که توی خط آخر ایمیلشون نوشته بودند: "مدارک مالی بیشتر و یا اسپانسر". این موضوع منو قبل از مصاحبه خیلی نگران کرده بود. من یک نفر هستم و 27000 دلار موجوی حساب (بدون گردش) برده بودم. تنها کاری که تونستم بکنم سند ماشینمو (که وقت ترجمه هم نشد برایش) با خودم بردم و همون اول که مدارکو می گرفت تحویل دادم. همش احتمال می دادن نقص مدرک مالی بخورم. موفق مصاحبه هیچ چیزی از مدارک مالی و کاستیهایش نگفت. به خیر گذشت برای من. ولی در کل اگر می تونین اسپانسر جور کنین به نظر من ارزششو داره که ریسک نشه و نگرانی هم نداشته باشین. هر چیز مالی دارین ترجمه کنین ببرین تا بعداً پشیمون نشین.
- 3- من یه جایی تو فرمهام رو که اون سری اول فرستاده بودم خالی((N/A گذاشته بودم. شب قبل از مصاحبه به خاطر اون دوستمون که اسم پسرشونو ننوشته بود و منجر به رد شدنشون شد خیلی دلشوره داشتم. نکته مهم اینه که اگه کلاً نسبت به اطلاعاتی که پر کردین شکی دارین و یا اشتباهی انجام دادین وقتی که میگه دستتو ببر بالا و قسم بخور بگین: "قبلیش می خوام یه چیزی روتوضیح بدم" و توضیحتونو قبل از قسم خوردن بدین تا یهو باعث نشه که کیستون مردود شه. من که توضیحمو دادم گفت نه مشکلی نیست. حواستون باشه که هول نشین و زود قسم بخورین!
- 4- وقتی رفتم پشت باجه مصاحبه یهو استرسم حذف شد. نمی دونم چرا. شما هم این حسو داشته باشین حتماً.
- 5- سوالاتی که کرد ازم: اول) در مورد کارم پرسید. (توی یه شرکت نیمه دولتی کار می کنم). من هم گفتم مهندس فلان هستم و کارای مهندسی می کنم و یه شرکت سدسازی و اینا. پرسید: "شرکته یا سازمان" فکر کنم می خواست ببینه دولتی یا نه. من هم درستشو گفتم که شرکت مهندسی مشاوره. برای اطمینان هم جاهایی که احتمال می دادم ندونه اصطلاح انگلیسیشو هم می گفتم. گفت باشه و یه چیزایی تایپ کرد. در کل هم فارسیش خوب بود.
- 6- سوال دوم) گفت چرا تولدت ایران نیست؟ من هم گفتم پدرم برای دکترا رفته بود. بعدش هم گفتم پدر و مادرم ایرانی هستن و ایران زندگی می کنیم. بعدش ازم مدرک تولد فرانسه رو خواست که من هم بهش دادم و گفت باشه.
- 7- سوال سوم) گفت سربازی رفتی. گفتم آره. گفت باشه. گفتم: دم در کارت خدمتمو نگرفتن ازم. می خواین نشونتون بدم؟ گفت: نه نیازی نیست (با مهربونی و ادب)
- 8- بعدش برگه آبی رو برداشت و گفت: پرونده شما مشکلی نداره. فقط یه پروسه اداری داره. دو ماه دیگه سایتو چک کنین. اسمتون که اومد بیابین برای ویزا.
- 9- توضیح اضافه هم ندین. روده درازی نکنین. یه جورایی جواب خلاصه می خواد. البته بستگی به موضوعتون هم داره. خودتون بسنجین جو رو.
- 10- خوش برخورد و خندان باشین. تشکر آخر هم یادتون نره! اولش هم صبح به خیر. کلاً نشون بدین که مودب هستین.
- 11- موفق باشین و ممنون از کمک های هم دوستان.



ارسالها: 134

تاریخ عضویت: Jul 2009

رتبه: 8

تشکر: 59

691 بار تشکر شده در 110 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

adambarfi(Dec-26-2011 05:07 AM) **نوشته است:** سلام

دوستایی که هتل ددمان بودند ممنون میشم به ستوالاتم جواب بدن.
 از هتل تا فرودگاه با تاکسی چقدر میشه؟ از هتل تا سفارت؟ از هتل تا دکترا؟
 تو هتل جایی برای بازی بچه ها هست؟
 گرمایش اتاقها خوبه؟
 چه وسایلی تو اتاق هست؟ مثل سشوار چای ساز؟

اگر کسی با بچه بوده پیشنهاد خاصی داره؟
بی نهایت ممنون.

هتل روبروی بیمارستان آکای و در خیابان بوکلوم هست. فاصله تا فرودگاه بدون ترافیک حدود 45 دقیقه هست و تاکسی ها با تاکسیمتر در ماه نوامبر حدود 70 لیر محاسبه می کردند.

از هتل تا سفارت پیاده حدود 15 دقیقه و تا دکتر حدود 20-25 دقیقه راه هست. هتل 5 ستاره هست از لحاظ تهویه هیچ مشکلی نداره و اتاقهای استاندارد بسیار تمیز و شیک هستند.

تلویزیون ال سی دی، سیف باکس، یخچال، سشوار دیواری (نصب شده داخل سرویس بهداشتی) هست. داخل اتاق از اینترنت رایگان هم می تونید استفاده کنید.

اما تا اونجایی که من دیدم فضای بازی برای بچه ها نداره و چون هوا سرد هست از پارک های بیرون هم زیاد نمیشه استفاده کرد. (در فصل جاری) تنها ضعفی که ما از هتل دیدم و قبلا هم اشاره کردم شلوغی لابی و هتل هست چون مرتباً تو سالن اجتماعات هتل سمینار و همایش برگزار میشه ولی ریسپشن و کارمندان بسیار مودبی داره که به انگلیسی هم مسلط هستند.

اگر باز هم سوالی بود. بفرمایید.



ارسالها: 161
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 2
تشکر: 518
461 بار تشکر شده در 128 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام بچه ها
اینم سفر نامه الی

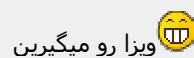


چه کنم که عاشقش شش شش شش مهاجر سرام ...
و تونستم منتظر شم تا جواب فارسی نویس رو بدین! و فارسی تایپ کردم. (ولی اونو یکی به من بگه چه جوری تو خود مهاجر سرا فینگلیش بنویسم! واقعا با تایپ فارسی مشکل دارم)

بخشید که دارم با تاخیر سفرنامه مینویسم. اول اینکه در فرودگاه ایران خیلی صف وحشتناکی بود برای چک چمدانها! تا حالا این طوری ندیده بودم اونجا رو! شاید چون موقع زانویه بوده اینطوری بود! وقت کافی رو در نظر بگیرین تا مثل من استرس نگیرین!
هتل من ددمان بود که همون طور که دوستان هم گفتن به نظر من در حد ۵ ستاره نبود اصلاً. ولی اتاقش بهتر از لابییش بود.
یه چیزی که یادم نره بگم اگه رفتین ددمان، برای رسیدن به دکتر و سفارت به بلوار آتاتورک رسیدین باید سمت چپ برین. من صبحی که رسیدم وقت دکتر داشتم و از ترکها آدرس پرسیدم و چون فکر می کردم نزدیکه می خواستم پیادف برفتم ولی نامردا، اشتباهی به سمت میدون کیزلای گفتن برم و کلی تو اون سرما الکی راه رفتم. آخرشم..... شانسی یه پسر شیرازه که اونم واسه مصاحبه آنکارا بود دید دارم از تاکسی می پرسم راهنماییم کرد. (خدا خیرش بده!) و دکتر زیادم به هتل نزدیک نیست با تاکسی برید .
راستی اینکه، من نمیدونم چرا! همش تصورم از سفارت این بود که حد اقل یه حیات بزرگ میبینم ولی بعد از صفی که وایمیسین، همش تو یه فضای بسته هستین، و جایی هم که مصاحبه و انگشت نگاری میشین مثل بانکه، که صندلیهای انتظار جهت مخالف باجه ها چیده شده باشه. از حاشیه که بگذریم میرسیم به خود مصاحبه:

من ۸ صبح دم سفارت بودم، به ترتیب که تو صاف وایمیسین نوبت میگیرین، پس دیر نرین.
من مدارک رو کامل فرستاده بودم که خوشبختانه با اینکه سفارت گفت ایمیل زده بود مدارکم نرسیده دستتون رسیده بود، تمام ترجمه هام تائید داشت و موجودی حساب سپرده حدود ۵۰ تا ۲ تا سند که یکیش ارزیابی شده بود. و اصل ارزیابی رو هم موقع تحویل اصل مدارک دادم که اتفاقاً افسسر دقیق نگاه کرد و نگه داشته پیش خودش. و در آخر با پاکت نارنجیه پس داد. راستی اسپانسر هم داشتم.
سوالاتی که کرد:

راجه به شغل ام، که گفتم معمارم، و گفت کجا کار میکنی، که گفتم الان هیچ جا ، واسه خودم کار می کنم، و نسبت با اسپانسر رو پرسید که گفتم پسر عمومه، و گفت تبریک میگم، شما مشکلی واسه ویزا ندارین ، با اینکه رو برگها اولش برگ آبی رو دیده بودم ، که البته نمیدونم همون برگ آبی معروف بود یا نه، یا کارت سفید دراورد و روش یه چیزی نوشت و گفت آدرس هتل رو بده تا که یو.پ.س ویزاتو بیاره.
در مورد مسافرت بگم به نظرم هیچ ربطی نداره اگه توریستی رفته باشین و نگران نباشین. چون خونده بودم بعضی از بچه ها گفتن بعضی جاها رفتنش بده و تاثیر منفی داره، من چین ، روسیه، تونس، اروپا و برزیل رفته بودم و هیچ سوالی نکرد.



به همین سادگی..... به همین خوشمزگی ویزا رو میگیرین

بچه ها من معجزه خدارو دیدم.... واسه من یکی که تو زندگیم همون قبولی لاتری تو شرایط روحی اتفاق افتاد که بهم خیلی خیلی کمک بزرگی کرد.... پس همه ی مایی که این شانس بزرگ رو خدا بهمون داده بیان همین جا یه بار بهش " سپاس " بگیم و از لطفش قدر دانی کنیم.





واسه همه دوستان گل مهاجر سرا آرزوی ویزای عاجل می کنم.

سوالی، کمکی بود در خدمتم.
به رستوران هم رفتم که نزدیک هتل بود و استیک اش رو دوست داشتم و جای همتون رو خالی کردم. تو به خیابونیه که کافه و رستوران زیاده. میگم
اسمشو دوست داشتین برین:
LeMan kultur
address: konur Sokak No : 8/A-B tel: 4174105

به امید اینکه بچه های 2012 موفق و شاد در آمریکا دور هم جمع بشیم..... (البته اگه من اونجا بچه بازی در نیارم و تحمل کنم، بمونم!!! 😊)

ارسالها: 3
تاریخ عضویت: Oct 2011
رتبه: 0
تشکر: 75
24 بار تشکر شده در 2 پست

 mary200
عضو


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان، منم خوشبختانه بدون کلیزنس ویزا رو دریافت کردم. الان تهرانم و بعد 9 روز سفر سفرنامه رو می نویسم.

بلیط:

تهران-آنکارا Turkish(anadolujet)
استانبول-تهران Turkish

400 تومن - اگر دو ماه زودتر می گرفتم ارزون تر میشد. نمایندگی ترکیش هم در برج سایه هست.

هتل:

1- چهار روز آنکارا: هتل بست وسترن 485 تومن اتاق سه نفره--> نزدیک سفارت و دکتر است. در اتاق چای ساز داشت(ظاهرا ددمان نداره). صبحانش عالی بود. فقط کمی اتاق بوی سیگار میداد و اتاق نورش کم بود. چون آنکارا سرده هیتر همراه داشته باشید. البته هتل سرد نبود ولی اگر سرماییه هستید یه فکری بکنید. یه فلاسک و قند و چای و 2 تا کنسرو هم بد نیست همراه ببرید.

2- پنج روز استانبول

دکتر:

روز قبل مدیکال آنکارا رسیدم.

هیچ واکسنی نخوردم.

جمعا 45 + 70 دلار برای مدیکال پرداخت کرده بودم.

آزمایش آبله مرغون در پاستور شمیران داده بودم که جوابش مثبت بود.

هیاتیت(3 نوبت) و کزاز و آنفلانزا رو در پاستور زده بودم.

MMR رو در بیمارستان مهراد زدم که هزینهش 30 تومن شده بود ولی فکر کنم در پاستور شمیران با قیمت کمی تزیق می کردن. قد و وزن رو برای مدیکال بدونید.

2 تا عکس، پاسپورت و برگه ی تعیین وقت سفارت و وقت دکتر رو همراه ببرید(کیس نامبر را بدانید)

وقتی که عکس قفسه سینه می گیرید. اگر مایل باشید می تونید لباس مخصوص عکس را به طور مجانی بگیرید و بدون لباس نباشید! ولی اونا خودشون نمیدن!!!

روز بعد ساعت 3 بعد ظهر جواب دکتر رو گرفتم. منشی دکتر دو تا پاکت می دهد:

1-جواب معاینات دکتر که باید روز مصاحبه با خودتون به سفارت ببرید.

2-عکس قفسه سینه: که لازم نیست روز مصاحبه به سفارت ببرید و باید به آمریکا ببرید.

مصاحبه:

برای ورود به سفارت کپی برگه وقت سفارت و پاسپورت همراهتون باشه.

من همه ی مدارک رو 1 ماه قبل فرستاده بودم. فقط اصل کارت ملی و شناسنامه و پاسپورت و جواب دکتر رو روز مصاحبه گرفتم. اسپانسر هم نداشتم و فقط حساب بانکی بود و سند خونه. حساب بانکی مهم بود و سند خونه اصلا مهم نبود! فکر می کنم حساب بانکی خیلی راحت تر از جمع آوری مدارک اسپانسر و قانع کردم طرف برای اسپانسر شدن هستش.

روز مصاحبه به شماره دادن بعد 3 بار شماره رو خوندن:

1- انگشت نگاری

2-پرداخت پول \$819

3-مصاحبه

سوالات مصاحبه: پروژه ارشدت راجع به چی؟ کی می خوای دفاع کنی؟ کی می خوای بری آمریکا؟ چه طوری می خوای پولت رو ترانسفر کنی؟ مصاحبه خیلی آسون بود و من اصلا استرس نداشتم. در نهایت افسر بهم گفت که برو UPS و پول رو پرداخت کن. من اصلا نفهمیدم که ویزا گرفتم!!

دوباره برگشتم از افسر سوال کردم که باید وبسایت رو چک کنم؟! اونم گفت: نه شما ویزا گرفتید!!! 😊

:UPS

17 لیر پرداخت کردم و آدرس هتل استانبول را برای دریافت ویزا و پاسپورت دادم. من 11:30 از سفارت خارج شدم!

جاهای دیدنی آنکارا:

قلعه آنکارا، مسجد goja tappe که کنارش کلی کیوتر هست! (پیاده میشه رفت)، مزار آتاتورک مرکز خرید آنکارا: ankamall که خیلی بزرگ و اکثر مارک ها رو داره و البته گرانه. طبقه بالای آنکامال کلی رستوران هست. از میدان کیزیلاک مترو به آنکامال داره. درضمن اطراف کیزیلاک هم فروشگاه زیاده.

عصر روز مصاحبه ساعت 5 از آنکارا به استانبول هوایی رفتم ولی به نظرم اتوبوس ارزان تر و راحت تر بود. یک مسئله این بود که من پاسپورت نداشتم (سفارت برای صدور ویزا گرفته بود) و با بدبختی بسیار سوار هواپیما شدم!! پس اکیداً توصیه میشه که زمینی برید 😊

ساعت 8 شب روز مصاحبه استانبول بودم. فرداش رفتیم چند تا مسجد در اطراف هتل و top gappi رو دیدیم. روز بعد در هتل منتظر شدم که مدارک رو دریافت کنم. ساعت 2 مدارک رو آورد. (پس فردای روز مصاحبه) استانبول هواش خیلی بهتر از آنکارا یخ بندون بود! از تهران گرم تر بود. البته گاهی بارون میومد. بهتره چتر همراه داشته باشید.

مراکز خرید استانبول:

جواهر، olivium، خیابون استکلال، merter هم بود که ما نرفتیم. راستی اکثر مراکز خرید بزرگ برای فروشگاه هاشون نقشه دارن، بنابراین اگر دنبال فروشگاه یا مارک خاصی هستید، حتماً از این نقشه ها استفاده کنید چون وقت همیشه همه رو نگاه کرد! اکثر ترک ها انگلیسی بلد نیستن. اگر قیمت می خواید بگید: فیاتی! (fee) استانبول کلی مسجد و قصر برای دیدن داره.

گشت دریایی 2 ساعته (10 لیر) رو از دست ندید که واقعاً عالیه. چون تو شهر بیشتر از طریق مترو جا به جا می شید، به نظرم کارت ترن بگیرید که هی نرید ژتون بخردید یا اینکه تعداد زیادی ژتون بخردید که همراهتون باشه.

غذاها:

اسکندرکباب (خیلی خوشمزه 10 لیر)، کمپیر، مک دونالد، berger king، دونر کباب

ترانسفر فرودگاه:

1- آنکارا: فرودگاه اتاتورک به هتل 70 لیر با تاکسی (یک سری اتوبوس به نام هاواش هم هست که من در آنکارا استفاده نکردم ولی می دونم کیزیلاک میره و از اونجا با تاکسی راحت میشه رفت هتل. اگر تعدادتون کمه و دنبال صرفه جویی هستید، اتوبوس به صرفه تره)
2- استانبول: هم استفاده از اتوبوس هاواش و ترن برای ترانسفر فرودگاهی مقرون به صرفه است. (برای برگشت از هتل به فرودگاه اتاتورک استانبول ما که 3 نفر بودیم با 12 لیر رفتیم فرودگاه: باید برید تا ایستگاه متروی zeytinburnu ی خط آبی، بعد وارد خط قرمز مترو بشید و 5 ایستگاه بعد به فرودگاه می رسید.)

صرافی:

مثل اینکه به ترکی صرافی dovis میشه! \$100=180 لیر 100'000 تومان=90 لیر در تهران هم ما لیر را 900 تومن خریده بودیم.

در نهایت از همه ی مهاجرسرابی ها تشکر می کنم. امیدوارم هر چه زودتر همه ویزا بگیرن.

ارسالها: 391
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 6
تشکر: 851
1837 بار تشکر شده در 364 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام به همه دوستان از آنکارا برفی و سرد! این سفرنامه نیست، فقط سریع چند نکته را بگم میترسم بدن یادم بره:

۱- مدیکال بسیار راحت است، اصلاً نگران نباشید. واکسن مننژیت همانطور که بعضی از دوستان هم اشاره کرده بودن لازم نیست. دکتر انگان بسیار مؤدب، خوش برخورد و جدی است. من و همسر واکسن آبله مرغان نزده بودیم چون قبلاً گرفته بودیم. ما هیچ واکسن اضافه نخوردیم ولی پسر سه تا واکسن خورد: آبله مرغان که خودم به دکتر گفتم که پسر نه واکسن زده و نه گرفته، pneumococ که ندیده بودم دوستان در این سایت به آن اشاره کنند و H influenza B (این با آنفلونزا فرق دارد، پسر آنفلونزا را زده بود و قبول کرد)، من که اصلاً از تزریق این واکسن ها به پسر ناراحت نیستم چون همگی به نفع پسر است. در ضمن این واکسن ها برای ورود به مدرسه در آمریکا لازم است.

۲- آنکارا این روزها بسیار سرد و برفی است لطفاً مجهز وارد شوید! جای خاصی برای رفتن ندارد. فقط همون دور و بر تونلی هیلی، و مال شاپ karum بد نیست. در ضمن اگر می خواهید یک اسکندر کباب خوب بخورید بروید خیابان تهران، روبروی سفارت ایران یک کوچه سرازیری است، یک رستوران به اسم حاجی عارف بیگ که غذاش و پذیرایی خوب است. درست بغل دست آن هم white house است که غذا دریایی و پستا دارد.

آها تا یادم نرفته! دمن بد نیست ولی باید یک ستاره از آن کم کرد. سالن ورزش خیلی کوچک، استخر در حد یک حوض اونم با آب سرد که اصلاً نمی شه بری توش. لابی کوچک است ولی اطاقش خوب. سیستم گرمایی عالی. جنس شامپو و conditioner آن هم خوب نیست (با خودتون بیاورید). صبحانه بد نیست. در کمال ناباوری بر خلاف هتل های پنج ستاره همه جای دنیا هیچ خبری از کتری برقی و وسایل چایی و قهوه در اتاق نیست. اگر مثل ما اهل چایی هستید کتری برقی مسافرتی خود را فراموش نکنید وگرنه مثل ما مجبور میشوید بیرون چایی بخورید که اصلاً مثل چایی در اتاق نمی شه. کاشکی یکی اینو با من گفته بود

فعلاً تا بعد، التماس دعا از همه دوستان. لطفاً انرژی مثبت هایتان را بفرستید!

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام به دوستان مهاجرسرای گلم می خواهم نکات مهم کیس و سفر بهتون بگم انشاءالله به درد دوستانم بخوره
اول اینکه ترجمه هارو مهر دادگستری و وزارت خارجه زدم فقط به خاطر محکم کاری
من کارت معافیتمو گم کرده بودم تا الانم که از مصاحبه برگشتم کارتم نیومده
دادم دارالترجمه کپی کار تو ترجمه عادی کردن یعنی حتی مهر مترجم رسمی هم نخورده بود ، ترجمه روی سربرگ خود دارالترجمه بود
با این حال خدارو شکر به مشکلی بر نخوردم

مدارکمو با پست آرامکس فرستادم 18 روز قبل از مصاحبه 3 روزه رسید 29.500 تومان
هیچ مدرک اضافی به سفارت نفرستادم هر چی مدارک کمتری ازت داشته باشن کمتر میتونند نکته مبهم تو پروندت گیر بیان
گواهی پیش دانشگاهی و دیپلمو با اینکه ترجمه کرده بودم نفرستادم روز مصاحبه هم فقط اصل لیسانسو خواستند
با ماشین خودمون به فرودگاه رفتیم گذاشتیم تو پارکینگ فرودگاه ، هزینشم حدودا شبی 6 هزار تومان میشه کلا راحت ترین و البته کم هزینه ترم بود .
از اونجا که ما یکم بیخیالیم از پرواز جا موندیم همون تو فرودگاه بلیط پرواز استانبول که برای 2 ساعت بعد بودو گرفتیم از استانبولم به آنکارا به خاطر
همین به وقت دکتر که یک ماه قبل گرفته بودم نرسیدم و فراداش رفتم مشکلیم نبود پس زیاد خودتونو سر این وقت دکتر اذیت نکنید .
سر موضوع واکسن من یک ماه قبل پاستور رفته بودم واکسن آبله مرغان زدم ولی الکی زدم چون 2 مرحله ای هست و دومیشم
تو آنکارا خوردم به واکسن کزازم زد کلا جمع هزینه دکتر 180 دلار شد .

به نظر من که هم آقای دکتر هم منشی ایشان آدمای بدی نبودن بهتره که ندیده کسی قضاوت نکنه .
هتلهم هتل میداس بود یه هتل 4 ستاره واقعی ، اتاق دو تخته شبی 103 دلار بود . فاصله تا سفارت پیاده 5 دقیقه و تا مطب 10 دقیقه
اینم آدرس سایتش : <http://www.hotelmidas.com>

حتما یه سر تو سایتش برید ،
یه هتل خوب و نوساز و تمیز با صبحانه واقعا کامل سرویس دهیشونم عالی بود سرعت اینترنتش عالی بود فقط از شب دوم به بعد آنتن وایلسش کم
بود که گفتیم اومدن با کابل وصل کردن به یه سوکت لن که تو همه اتاقاشم هست.
سفارتم اگه تو فصل سرما هستی مثل من ، خوب لباس گرم بپوشد چون حدود 1 ساعت و نیم باید تو سرما باستید .
بعد از دادن اصل مدارک و گرفتن شماره اول شمارم افتاد باجه 6 که مدارک اسپانسر از من خواست منم گفتم اسپانسر فرستاده
بعد گفت فرم مالیاتیشون نیست منم گفتم اسپانسر زیره یک سال اونجا داره کار میکنه هنوز فرم مالیاتی 1 سالش نیومده
البته اسپانسر یه تاییدیه از بانک به جای فرم مالیاتی فرستاده بود ولی من چیزی نگفتم و اونم گفت نمیشه باید یه اسپانسر دیگه جور کنی
منم یه گواهی حساب بانکی به مبلغ 30 میلیون تومان که نرخ دلار تووش زده بود 980/10، دادم بهش بعد یه نگاه الکی بهش کرد و گفت چند دلار میشه
منم گفتم حدود 30 هزار دلار ، دیگه صداشو در نیوردم که دلار الان 1800 تومان اونم قبول کرد.
خود مصاحبه هم با آفیسر خانم بود خیلی خوش برخورد بود ، البته اون آفیسر آقا خیلی خیلی خوش برخورد تره با همه شوخی میکرد.
اول گفت قسم بخور : منم گفتم یه اشتباه دارم اسم پدرم تو فرمها با یه m تو مدارک و پاسپرتم با دوتا m آفیسرم گفت همین گفتم بله که
حتی درستش نکرد بعد قسم خوردم که آفیسر بر خلاف باقی اصلا به من نگاه نمیکرد سرش جای دیگه بود .
بعد پرسید کجا کار میکنی من گفتم تو فلان شرکت تو تهران
بعد گفت خدمت کردی گفتم نه معاف شدم پرسید به چه علت منم گفتم ، بعد خندید گفت به خاطر این موضوع تو ایران معاف میکنند من خندیدم گفتم
بله (معافیت من کفالته)
بعد گفت آمریکا کسی داری گفتم خواهرم اونجاست میرم پیش خواهرم بعد گفت چند وقته رفته و چی جوری رفته منم جوابشو دادم
بعد شروع کرد به تایپ کردن و بعدش تبریک گفتو بعد گفت برو یو پی اس آدرس بده
اگه بد نوشتم دیگه ببخشید چون نوشتن من اصلا خوب نیست
سوالاتی بود در خدمتم .
به امید موفقیت برای همه بچه ها .

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام منو از آنکارا ۱۰- درجه زیر صفر ، هتل ددمان پذیرا باشید.



آلایین و لحظه به لحظه می‌خوام براتون این لحظاتو شرح بدم، شاید براتون جالب باشه و به کم متفاوت!

منو همسرم از شیراز با پرواز ترکیش امدیم آنکارا، بامداد شنبه ۲۸/۰۱/۲۰۱۲، ساعت ۳.۴۵ پرواز داشتیم و با به کم تاخیر ساعت ۱۰ صبح به وقت محلی اینجا که ۵/۱ ساعت از ایران عقب تر هست رسیدیم آنکارا. با به انسان شریف که، اومد دنبالمون اول رفتیم مطب دکتر. محیط و پرسنل و دکترش واقعا بینظیر بودن، کیف کردم، بسیار خلوت بود، ما هر دو تامون واکسن هامونو تو شیراز و در مرکز بهداشت والفجر به صورت رایگان زدیم، که شامل: کزاز و دیفتری ۲ نوبت، سرخک و سرخچه و اوریون ۱ نوبت، هیپاتیت ب ۲ نوبت، آنفلانزا ۱ نوبت، مننژیت ۱ نوبت بود و نهایتاً کارت زرد بین‌المللی گرفتیم. به چیز خیلی خیلی مهم که شاید واسه کسی پیش نیومده بود! من دقیقا ۲ هفته قبل از سفرمون واکسن سرخک و سرخچه و اوریون زدم، همون طور که میدونید این واکسن ویروس زنده ضعیف شده هست، من تو بچگی هم اورین نگرفته بودم، چشمتون روز بد نبینه، دقیقا ۵ روز قبل از سفر و ۲ هفته بعد از تزریق واکسن، من اوریون گرفتم همراه با تب و لرز شدید که ۲۰ بار تصمیم گرفتیم وقت سفارتو عقب بندازیم! ولی این کارو نکردیم و با توکل به خدا حال من تو این ۵ روز رو به بهبود رفت تا الان که کاملا خوب شدم، لطفا لطفا اگه این واکسنو قبل از ۱ ماه مونده به سفرتون نزدیک و تو بچگی هم نگرفتید بذارید اینجا بنزید، انقدر تو این مدت درد کشیدیم و استرس، دوست ندارم هیچ کدومتون تجربش کنید. کل پروسه مدیکال ما ۱۰ دقیقه هم نشد! لطفا لطفا خیلی خوش رو باشید و خنده از لباتون حتی ۱ لحظه هم نیفته. شاید همین باعث شد که ما کارمون خیلی زود و بدون حتی خوردن ۱ واکسن با هزینه \$۲۲۵ برای ۲ نفر به پایان برسه. دوباره با همون آقای مهربون که براتون گفتم رفتیم که دنبال هتل بگردیم چون بهمون گفت بود اینجا ارزون تر از قیمتی هست که از ایران بگیریم و فکر کنم که همین جور هم بود، واقعیتش اینکه ما چند تا هتل (بست وسترن ۲۰۰۰، ازبیلهان، آنکارا پلاس) رو قبل از ددمن دیدیم، به نظر من هر ۲ بسیار دخمه بودن که حتی نمی‌شد توش نفس کشید! سیستم گرمایشی هم که قرونش! مثلا تو ازبیلهان فقط چند ساعت از روز روشن میکردن! اونم تو این سرما! به هر حال به نظر من اسم هیچ کدوم از اینا هتل نبود! آخرین هتل ددمن بود که عالی به نظر میومد، دابل شبی \$۱۱۰، و دابل لوکس شبی \$۱۲۰، که چون معمولیشو نداشت، ما لوکسشو گرفتیم، فقط سیستم گرمیشیو بگم که عالی! اتاقمون هم بزرگ و نور گیر و دل بازه، اینترنت با سرعت عالی و رایگان داره، رسپشن و گارسون و خدمه‌اش هم مثل بلبل انگلیسی صحبت می‌کنن، هنوز صبحانه و چیز دیگشو تجربه نکردیم 😊 کیفیت اون رو هم خدمتون عرض خواهم کرد 😊

اگه کسی تو هتل ددمن هست لطفا پیغام بده که ببینیم همدیگرو خوشحال میشیم. لطفا دوستان گلم، منتظر بقیه داستان پر خانوم باشید. همتونو دوست داریم، به دنیا.

ارسالها: 149
تاریخ عضویت: Oct 2010
رتبه: 1
تشکر: 202
409 بار تشکر شده در 103 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سفر نامه
در روز هیجدهم از سنه 2012 به شهر آنکارا رسیدیم، شهری است بر هامون نهاده با هوای بسیار سرد و برفی که اگر 5 دقیقه در بیرون ماندی یخ زندی
با سلام خدمت دوستان
ما با پرواز ترکیش ایر ساعت 4:30 حرکت کردیم وساعت 6 صبح به وقت محلی وارد فرودگاه آنکارا شدیم تا 8 صبح تو فرودگاه نشستیم سپس با اتوبوس هاواش به ایستگاه اولوس رفتیم واز اونجا به تاکسی گرفتیم برای هتل اوزیلهان که قبلا با تلفن رزو کرده بودم چمدانهامونو تحویل رزرواسیون دادیم گفتم باید دکتر بریم بعدا میایم اتاق میگیریم گفتن باشه حالا به جای بخورید ما هم رفتیم به صبحانه مفصل تو هتل خوردیم ساعت 10:30 به مطب دکتر رفتیم البته با تاکسی اول طبقه چهارم بعد طبقه پنجم دوباره طبقه چهارم خانم دیدم گفت برید ساعت 4 بیایید برا معاینه برای رفتن به مطب به تاکسیهاحتما بگید بلوار آتاتورک نمره 237 چون اگه لابراتوار دوزن بگید اونجا به جای دیگه میبرن البته ساختمان دکتر هم لابراتوار دوزن است ولی همه اون یکی رو که تو جاده تونس هست میشناسند خلاصه برگشتیم هتل و چند تا اتاق دیدیم یکی رو پسندیدم هر چند که زیاد تعریفی نداشت وضمنای خیلی هم سرد نبود واینجوری نبود که چند ساعت رادیاتورها روشن کنند بعد خاموش کنن البته اگه هتل اوزیلهان رفتید اول صبح حموم نرید که آبش سرده چون همه میرن، پس از کمی استراحت زدیم بیرون وساعت 4 به مطب رفتیم برخلاف گفته ها دکتر اونگان خیلی آدم خوش برخورد وبا شخصیتی بودند از من تحصیلاتم پرسید ، وزن وقدمو گرفت تمام هیچ واکسنی هم نزد و خانمم هم همینطور و اما بچه ما که هیچوقت از واکسن نمیترسید تا آمبولو دید چنان دادو هواری کشید که دکتر فرار کرد البته چون تا به حال به غیر از واکسن هیچ آمبولی نزده و همش از بازو بوده از آمبول تست میترسید خلاصه سه بار این مرحله تکرار شد دکتر گفت نمیخواه پاشید برید از اتاق دکتر اومدیم بیرون خانم دیدم(منشی دکتر) رفت تو اومد گفت برید جمعه ساعت 4 اینجا باشید جوابتونو بگیرد داشتیم میومدیم بیرون منم خیلی عصبانی بودم به دخترم گفتم هیچی برات نمیخرم گفت باشه برگردیم بنزیم(البته بعد از کلی چک وچونه)
دوباره برگشتیم منم چون پولشو داده بودم سریع برگشتم پیش دکتر قضیه رو گفتم دکتر هم در عرض چند ثانیه به تست سل و یه واکسن به دخترم زد فکر کنم جفتشون خالی بودن اینم بگم وقت گرفتن اصلا مهم نیست چون اصلا از ما نپرسید هر چند که من برا ساعت 9 گرفته بودم که 10:30 به مطب رفتیم و اما روز مصاحبه همونطوریکه که دوستان گفتن دو تا صف هست یکی برا ترکها یکی هم برابراینها ما 8:30 مصاحبه داشتیم که همون 8:30 از هتل حرکت کردیم دست بر قضا حتی یک لیر هم پول تو جیبم نبود که مجبور شدیم پیاده بریم هوا هم خیلی سرد بود هر چند که از اوزیلهان تا سفارت راهی نیست 10 نفری قبل ما بودند که مامور سفارت تا بچه رو دید گفت بیایید تو وارد اتاق بازرسی شدیم موبایل ودوربین رو تحویل دادیم وارد حیاط شدیم باز یه صف دیگه که بازهم بچه به داد ما رسید رفتیم تو مدارک تحویل دادیم من هیچ مدرک و یا ترجمه ای نفرستاده بودم فقط کپی فرستاده بودم پرسیدن مصاحبه فارسی یا شه یا انگلیسی که ما هم لهجه شیرین فارسی را انتخاب کردیم یه شماره دادن رفتیم تو نشستیم هر چند که از نظر سرما دست کمی از بیرون نداشت وکلی هم اسباب بازی برا بچه ها که دختر من تا آخر مصاحبه فقط بازی میکرد شمارهمون اعلام شد اول انگشتنگاری بعد پرداخت وجه سپس باجه 6 مصاحبه بعد از چاق سلامتی و قسم خوردن از من پرسید کارت چیه گفتم همونیه که تو فرمها نوشتم گفت کجا کار میکنی گفتم تو دفتر خودم گفت چرا آدرس دفترتو نوشتی گفتم بده برات بنویسم فرمو داد نوشتم تمام البته راست میگفت بنده خدا من فقط یه برگه ضمیمه فرمها کرده بودم و نوشتم که من ازوزارت مسکن وشهر سازی پروانه کار دارم وشغلم آزاده و هیچ چیز دیگه ای نوشته بودم از خانمم پرسید کارت چیه گفت خانه دارم تمام ، هیچ سوال دیگه ای ردوبدل نشدو فکر کنم اصلا بچه مارو ندید بعد یه فرم آبی گفت تا 6 هفته دیگه بروسایت اگه شمارتونو دیدی یکی بیاد ویزاها رو بگیره کلا 3 دقیقه نشد

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام به همه دوستان همانطور که قبلا گفته بودم می خواهم سفرنامه ام رو بعد از 9 روز که از مصاحبه گذشته براتون بنویسم . مصاحبه من و همسر من روز 25 ژانویه بود که به 20 ژانویه تغییر کرد و من ایمیل سفارت روز دوشنبه ساعت 3 بعدازظهر دیدم . این ایمیل از من می خواست که روز جمعه همان هفته در سفارت باشیم نمی دونید که چقدر به من استرس وارد شد چون من بلیط ها رو از 2 ماه قبل از پرواز برای دو نفر مان از ترکیش به قیمت 705000 تومان گرفته بودم و حالا باید در کمتر از 24 ساعت اون رو تغییر میدادم ایمیل سفارت روز دوشنبه 16 ژانویه بعدازظهر ارسال شده بود و من اون رو ساعت 3 بعدازظهر باز کردم با توجه به 2 روز فرصت برای گرفتن مدارک پزشکی ما میبایست روز چهارشنبه صبح آنکارا میبودیم در حالی که با تهران هم حدود 650 کیلومتر فاصله داشتیم فرصت هیچ فکری نبود میبایست سریعاً تصمیم می گرفتیم بدون اتلاف وقت با آژانسی که بلیط رو صادر کرده بود تماس گرفتیم و آنها نهایت همکاری رو کردند و من بلیط رفت رو برای روز چهارشنبه ساعت 4.5 صبح گرفتیم البته 245000 تومان از بابت تغییر زمان بلیط از من گرفتند و مسیر برگشت هم با دو پرواز از آنکارا به استانبول و از استانبول به تهران تغییر کرد . ما با ماشین خودمان روز سه شنبه بعداز 6 ساعت رانندگی به تهران رسیدیم و بعداز یه استراحت چند ساعته به فرودگاه امام رفتیم که با پر بودن پارکینگ ها مواجه شدیم و بعد از کلی دور زدن در پارکینگ شماره سه فرودگاه که رو باز است و باید با اتوبوس به فرودگاه رسید پارک کردیم. وقتی که بالاخره در هواپیمای آناتولی ترکیه بودیم نفس راحتی کشیدیم رسیدن ما به این پرواز بسیار شانسی بود و شانس با ما بود. در فرودگاه آنکارا عجله ای نداشتیم چون قصد داشتیم مستقیم به مطب دکتر اونگان البته بدون وقت قبلی بنابراین در دستشویی فرودگاه من اصلاح کردم و بعد به دنبال پیدا کردن اتوبوس های فرودگاه (هاواش) که درست بعداز خروجی اصلی سالن سمت راست ایستگاه داشتند هوا چند درجه زیر صفر بود دو نفر ما 20 لیر و از ترمینال به مطب دکتر هم 10 لیر پرداخت کردیم ما ساعت 8:45 دم درب دکتر بودیم که مطب ساعت 9 باز شد . خلاصه در مطب دکتر من دو واکسن و همسر من یک واکسن دریافت کردیم که آبله مرغان از آنجمله که مجموعاً 530 دلار برای دو نفرمان حساب کردند . ما با چمدان به مطب رفته بودیم و هنوز هتل هم پیدا نکرده بودیم با توجه به اینکه بیشتر هتل های آنکار در محدوده میدان گیزیلای است ما در خیابان انقلاب این میدان هتلی بنام First با چونه شبی 100 لیر (55 دلار) پیدا کردیم این هتل اتاق های گرم و تمیزی داشت البته با صحنه معمولی که رفتار پرسنل آن هم خوب بود روز مصاحبه با تاکسی 7 لیره سفارت رفتیم ما کت شلوار پالتو پوشیدیم من مدارک رو با DHL قبلا به سفارت فرستاده بودم ، و مدارک اسپانسر رو هم همان روز مصاحبه ارائه کردم و آنها هم چیزی نگفتند و در آنجا فقط اصل مدارک رو از ما گرفتند سوالات بسیار ساده بود شغل همسر و من نوع رسمی بودن شغل همسر که برنده اصلی بود و محل خدمت من در نهایت ایشان گفتند که مدارک ما کامل بوده و برای کارهای اداری باید 1.5 تا 2 ماه دیگه به سایت سفارت مراجعه کنیم و ما برگه آبی رو ساعت 10 صبح گرفتیم . خوب فکر کنم تا اینجا کافی باشه . اگه سوالی باشه در اولین فرصت جواب خواهم داد.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان خویم. فکر کنم که هرچی را که بدرد بخور بوده در سفرنامه دو قسمتیم نوشتیم. الان تو لابی هتل هستم و بیکار. چند نکته اضافه میگذارم شاید به درد بخورد:

۱- از من اصل مدارک تحویلیم را نخواستند.

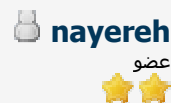
۲- هنگام پرداخت پول اول پول ما را اشتباهی حساب کرده بود (برای چهار نفر حساب کرده بود)، حواستان باشد هل نشید هرچی خواست بهش پول بدهید

۳- غذا: به نظر من البته: در ترکیه حیف است که سراغ mac donald ، برگر کینگ و اینچور فست فودهای زنجیره بروید. اینا به درد مسافرت های اروپایی و مالزی، چین،... می خورد. غذاهای ترکیه خوشمزه هستند و قیمتشان هم مناسب است. دتر کباب، اسکندر کباب، کباب ترکیه را فرموش نکنید. اگر به lazita بروید بعدش هر چه دلتان خواست چای هم میتونید همونجا بخورید. (free) قیمت یک ساندویچ عالی با کلی مخلفات و نوشابه می شه ده لیر که فکر نکنم خیلی گرون باشه. اگر هم از خوردن ساندویچ خسته شدید بروید سراغ سیگتی و سوپ و لازانیا که اون هم برای یک خانواده سه نفری با سالاد و نوشیدنی می شه حدوداً ۶۰ تا ۷۰ لیر.

خريد: در کل من که تو این سفر اصلاً حس خرید نداشتم تو این برف و یخبندان . ولی قابل توجه کسانی که بچه دارند و مثل من مجبورند هر دفعه که بچه لباس میپوشه و در میاره یک راست بره تو ماشین لباسشویی: تشريف ببريد LC waikiki. من قبلان جنس لباساشو امتحان کردم، خیل خوب با مدل های متنوع و خیلی خوش قیمت، دیگه برای لباس بچه هیچ جا نروید (باز هم به نظر بنده)،

لباسهای مارک مثل zara, mango, marks and spenser را میتونید در خیابان tunali hilmi پیدا کنید و برندهای ترکیه را در kyzlay می بینید. (هر دو به ددمان و اکثر هتل ها نزدیک است و پیاده می شه رفت)

ارسالها: 12
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 17
55 بار تشکر شده در 7 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام
ما هم الان آنکارا هستیم. هتل ددمان. (کتری برقی نداره واقعا!!!!) .
صب خیلی زودتر از وقتمون رفتیم دکتر. خوشبختانه خلوت بود و کار مامان و بابای منو تقریباً زود انجام دادن.
فقط مادرم به واکسن زدن.
اینجا انگلیسی اصلاً به صورت جمله نمی فهمم. فقط بعضی کلمات رو می دونم. فارسی باهاشون حرف بزیم بهتره انگار.
ما دیروز داشتیم وسوسه می شدیم که از راهنماها کمک بگیریم برای اینکه خیلی سخت اومدیم. هوا برقی بود و پروازمون خیلی سخت رسید. ما چون تو استانبول باید ترانسفر می شدیم نزدیک بود پرواز به آنکارا از دست بدیم که با کلی بدو بدو رسیدیم بهش. اما تو پرواز ما به عالمه آدم جا موندن.
امروز تو مطب دیدیم بعضی هاشونو که چون وقتشونو برا دیروز گرفته بودن به کم کارشون طول می کشید.
ضمناً ما از این میدونه که نزدیک هتله تا دکتر رو با تاکسی رفتیم. شد 5 لیر. پدر من نمی تونستن این راهو پیاده بیان و تاکسی گزینه خوبی بود.
تو مطب هیچ مشکلی نبود. حتی فارسی هم بلدن اخلاقشونم بد نیس فقط جدی هستن. ضمناً سعی نکنید بهشون حالی کنید که بیشتر از اونا می فهمید. بذارید خیلی روتین کارتو بکنن. کاملاً به نوبت کار همه رو راه انداختن. ترک و راهنما دار و راهنما ندار هم نداشت. حتی ما که 1 ساعت و نیم از وقتمون زودتر رفته بودیم هم تو نوبت معمولی کارمونو انجام دادن.
ما احتمالاً می خوایم بریم قونیه. از این آژانسای اینجا پرسیدیم شنبه ها مراسم سماع هم هست اونجا که ساعت 10 اینا تموم می شه.
یا باید با تور بریم قونیه که هزینهش 85 دلاره نفری یا با اتوبوس ها که رفت و برگشت نفری 50 لیره. مساله اینجاست که آخرین اتوبوس انگار ساعت 10 برمی گرده و ممکنه آدم نرسه تا آخر مراسم سماع رو ببینه.
فعلاً همین.



ضمناً مرسی بازم از همه که اینقد اینجا اطلاعات می دارن که دیگران از وسوسه هاشون نجات یابند

راستی! اگه کسی خودش رفته قونیه می شه به من کمی اطلاعات بده؟

ارسالها: 267
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 4
تشکر: 546
1737 بار تشکر شده در 234 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سفرنامه دریافت ویزا :

بخش اول :

با عرض سلام خدمت همه دوستان گل مهاجرسرایي ، امیدوارم که همه شما در روند پیشرفت کاریتون موفق و پیروز باشید . در ابتدا از همه شما عذر خواهی میکنم که سفرنامه دریافت ویزا رو با تاخیر فراوان ارائه کردم . اما بالاخره نوشتم . میدونید که خیلی این روزها گرفتارم و مجبورم هم به کارهای اداریم برسم ، هم به کارهای مهاجرتی . بگذریم بریم سر اصل مطلب یعنی سفرنامه. راستش من در تاریخ 22 ژانویه برابر با دوم بهمن ماه 1390 و دقیقاً در روز تولدم عازم بلاد ترک شدم . با دنیای التهاب و نگرانی . اما بودن دوستانی مثل Mohnazi,omidoooooooooo و سرآخر لاکي لوک عزیز ، کلی از نگرانیهام برطرف شد . یادش بخیر تیم خیلی خوبی بودیم . تنها مشکل موجود این بود که پروازهامون با هم متفاوت بود . اما به هر شکلی که تصور کنید مهم این بود که تو آنکارا با هم بودیم . خب تقریباً پرواز ما با حدوداً دوساعت تاخیر از فرودگاه امام به سمت آنکارا پرید . توی اون پرواز لاکي لوک عزیز به همراه همسر محترمشون با من همراه بودن . خب طبیعیه که با دو ساعت تاخیر انتظار میرفت چه ساعتی توی فرودگاه آنکارا باشیم . بعد از رسیدن به مقصد من به همراه لیدر به سمت هتل اوزیلهان حرکت کردم ، که وقتی رسیدم اونجا و اتاق رو تحویل گرفتم ، جاتون خالی برق از سه فازم پرید . عجب هتل مزخرفی !!!!! . اصلاً انتظار نداشتم من فکر میکردم که اوزیلهان هتل نسبتاً خوبی هستش ولی افسوس !!!! . بگذریم مراد تحمل برای گرفتارم ویزا بود . اگر انصافاً بخوایم نظر بدیم هتل بیوک آرشان بسیار قانونمندتر ، شیکتر و تمیزتر از اوزیلهان بود . شاید هم چون قبلاً ددمان بودم انتظارم فراتر از اینها بود . روز یکشنبه به علت تعطیلی سفارت مجبور بودم که به جورایی خودم رو سرگرم کنم . برای همین با لاکي لوک و همسرشون رفتیم تا مطب دکتر اونگان و سایر مراکزی رو که لازم بود به اونجا مراجعه کنن رو از نزدیک نشون بدم . شکر خدا این کار هم انجام شد و بعد از ظهر اون روز هم با هم بیرون رفتیم و کلی گشتیم . بگذریم از اینکه نهار رو هم توی ABA PIKNIK نوش جان کردم که البته کیفیت خوبی هم نداشت ولی خب صرفه جویی بود دیگه !!!! . شب omidoooooooooo به هتل من اومد و قرار شد با Mohnazi هماهنگیهای لازم برای فردای روز مراجعه به سفارت رو انجام بدیم . بالاخره روز مراجعه به سفارت فرا رسید . تقریباً ساعت 12 جلوی در سفارت بودیم و صف بسیار طولانی رو هم تجربه کردیم بازم مثل روز مصاحبه صفها دو

قسمت بود ، اونايي که توريستي بودن و اونايي که مهاجرتي بودن . جالب بود اونجا با يه آقايي آشنا شدیم که اسمش علي بود و خيلي خيلي هم بچه باحال و با محبتي بود . البته از بچه هاي لاتاري نبود بلکه کيس خانوادگي بود که جمعاً به قول خودش 23 سال انتظار کشيده بود و خوشبختانه روزي هم که ويزاي ما اومد ، ايشون هم موفق به اخذ ويزا شد و گرفتش . و در سفر برگشت هم با هم بوديم . بگذريم بالاخره نوبت ما شد و وارد سفارت شدیم . چشمتون روز بد نيينه چه سرمايي سوزاني و قبلش هم که برف اومده بود زمين حسابي يخ بسته بود . اينم بگم که شهرداري آنکارا اصلاً به فکر مردم نيست اولاً که تمام سطح پياده رو ها از سنگ صافي بود که وقتي برف ميآمد و يا يخ مي بست با پيست اسكي ديزين تفاوتي نداشت . جالب بود که مردم هم انگار خيلي راحت روي اون حرکت ميکردن ولي ما هي واي من ده دفعه نزديک بود به زمين بخورم . بعد از عبور از گيت امنيتي که همچين هم با امنيت نبود ، وارد محوطه اصلي سفارت شدیم يادش بخير اون دوستمون که در 2011 بعثت به اشتباه غير عمد برگه قرمز گرفته بود و خاطراتش رو تعريف ميکرد ، هنوز هم دود اون سيگار رو به يائين بود و اون تابلوي لوگو عقاب هم به همون شکلي بود که قبلاً وصف شده بود . با midoooooo و Mehrnazi هم به ياد اون دوستمون کلي خنديدم . سرانجام وارد ورودي اصلي شدیم و پيش اون خانوم فارسي زبون رفتيم و برگه آبي به همراه پاسپورتها رو تحويل داديم . ايشون هم ما رو به باجه يو پي اس هدايت کرد و اول Mehrnazi بعد midoooooo به يو پي اس پول پرداخت کردن و بعد رفتن بيرون و من هم بعد از اونا . قصه تازه از اينجا شروع شد . چه قصه اي ؟ قصه التهاب ، ترس ، دلشوره و اضطراب اينکه آيا يو پي اس برامون پاسها رو مياره يا مجدداً برگه آبي رو با يه سري درخواست تکميل مدارک . راستش رو بخوايد خيلي اتفاق افتاده بود که کساني در برگه آبيشون هيچ نقص مدرکي نبود ولي در اون روزها بجاي پاس اون برگه بهشون عودت داده شده بود تا تکميل پرونده کنن . باور کنيد که خيلي سخت بود خيلي . با اين همه به سمت هتلهاي محل اقامتمون حرکت کرديم و من اين احساس رو داشتم که به امانتي رو به صاحبش رسوندم . خب از هم جدا شدیم و تازه فهميدم چقدر نگرانم . به سمت هتل عزيمت کردم . دوست خويم لاکي لوک هم فردي همون روز مصاحبه داشت که برنده اصلي خانمشون بودن که خوشبختانه يکضرب ويزا گرفتن و خود ايشون به پرسه اداري برخورد کردن . شب بود ديگه کم کم هوا داشت سرد تر و سرد تر ميشد که ادامه اين موضوع باشه براي بعد .

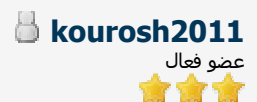
دوستان خويم فقط همين رو بگم که اون لحظات هيچ وقت از يادم نميره فعلاً همه شما رو بخدا ميسپرم تا بخش بعدي . ارادتمند شما afshin4749



ارسالها: 121
تاريخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 164
430 بار تشکر شده در 98 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به دوستان و همسفرهاي خويم
با تاخير سفر نامه مون رو مي نويسم
ما روي 27 ژانويه مصاحبه داشتيم تقريباً 1 هفته مونده بهمون ايميل اومد که زمان مصاحبه به 24 تغيير کرده اگه ميتونيد بيايد کانفرم کنيد در غير اينصورت مصاحبه براي سه ماه بعد ميوفته به سفارت ايميل زدیم که مي تويم بيايم ولي مدارک بزشکيمون آماده نمیشه که گفتند اشکالي نداره. ما هتل ددمان رو رزرو کرده بوديم در مجموع هتل خوبي بود . برا مراجعه به دکتر چون هوا سرد بود و بچه کوچيک داشتيم سوار تاکسي شدیم و گفتيم دوزان لابراتوري که اشتباها به يه شعبه ديگه ما رو برد بس حتما اگه خواستيد با تاکسي برید آدرس دقيق بدید راحت اينه که بگيد تو آتاتورک کنار بارک گوگولو مي خوايد بياده بشيد.
جونم براتون بگه کارهاي بزشکي خيلي راحت بود من و دخترم ابله مرغان نگرفته بوديم که واکسنشو زدیم دخترم به واکسن آنفو لانزا هم زد و به همسر من با اينکه آزمایش آنتي بادي داشت گفت يا بايد واکسن بزني يا دوباره آزمایش بدی که اونم واکسن رو زد در مجموع 4 تا واکسن خوردیم و کل هزينه شد 595 دلار بي زبون .
ولي خوب همونطور که گفته بودم دکتر و بقيه همکاراش آدماي خوبي بودند و ما هيچ حس بدی نداشتيم(بر خلاف تمام تبليغات توي مهاجر سرا)
روز مصاحبه هم جلوي سفارت دو تا صف بود يه صف ويزاي مهاجرتي و ديگري ويزاي توريستي(ترك و غير ترك جدا نبودند) همه با صف به داخل راهنمايي شدند.
سعي کنيد تا حد امان كيف و وسايل اضافي با خودتون نبريد چون اونجا خود اين وسايل دست و پا گيره. مثل همه اول انگشت نگاري بعد پرداخت هزينه و باجه 6 براي مصاحبه از همسر من که برنده اصلي بود برسيد شغل بعد از من سنوال کرد شغلتي چيه و بعد گفت شما که مهندسيد و چرا مي خوايد برید ما هم جواب داديمم به خاطر دخترمون و داشتن آینده بهتر آخر سر هم گفت به ايميل ميفرستيم که جواب بدید بعد از 1-2 ماه سايتو چک کنيد و تشريف بياريد ويزا خوشگله رو بگيريد.
دخترم هم گفت فقط يك لحظه بينم كافيه.
نكات
1- ما شغلمون خصوصي بود و لي هر دو مون برق خونديم
2- اسبانسر نداشتيم حساب بانكي در حد 40 ميليون سند خونه و ماشين بدون ارزش گذاري
3- سربازي معاف
4- توي ددمان ما کتري برقي خواستيم و بهمون خيلي راحت دادند
5- اگه بچه زير 4 سال داريد حتما غذاي خونگي براش ببريد چون با مشکل مواجه ميشيد
6- براي خريد با نرخ لير خيلي جاي جولان وجود ندارد براي لباس بچه نسبتاً خويه من خيلي براي لباس بچه گشتم به نظرم waiki lc از همه بهتر بود.
از همه دوستان مهاجر سرا بي نهايت ممنونم از دوستاي خويمون lucky look همسفرهاي عزيزمون ممنون که سفر خيلي خوبي با اونها داشتيم.
از همه دوستان براي فرج و گشايش ويزامون التماس دعا داريم.



ارسالها: 59
تاريخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 3
تشکر: 836
215 بار تشکر شده در 56 پست

با تشکر از همه عزیزانی که با اطلاعات دقیقشون باعث شدن ما سفر بدون استرسی رو به آنکارا برای مصاحبه داشته باشیم ما هفته پیش مصاحبه داشتیم به خاطر دختر 5 ساله ام مجبور بودیم که پنج روز زودتر از مصاحبه آنکارا باشیم کارهای واکسن رو در انستیتو پاستور تجریش انجام دادیم و هتل هیتلون رو رزرو کرده بودیم که با توجه به سردی فوق العاده شدید هوا راضی بودیم و استخر آب گرم داشت. دوستان آدرس مطب دکتر اونگان به ترکی رو حتما داشته باشند چون تاکسی ها و کارکنان هتل ها اصلا اون مطب و اون آقای دکتر رو نمیشناسن. کارهای مطب به راحتی انجام شد. دکتر اونگان رو فردی خونگرم که به کارش وارد بود دیدم. منشی دکتر هم بخوبی راهنمایی میکرد اگر مشکلی برای مراجعه کننده پیش میومد مترجم فارسی زبان داشتند که راهنمایی میکرد. یه خانم مسن رو با توجه به عکس مشکوک ریه کشت از ترشحات گلو سه نوبت داده بودند که مترجم ایشون رو راهنمایی کرد. هر چند منشی دکتر فارسی دست و پا شکسته متوجه میشه.

هزینه های ما:

عکس ریه و آزمایشات من و همسر 90 دلار عکس ریه دخترم به خاطر نتیجه تست بالای ده میلیمتر 70 دلار که با هزینه ویزیت کلا حدود 600 دلار شد.

یک سوپرمارکت بزرگ در خیابان نزدیک هتل هست که قیمت هاش مناسبه و مرغ بریان رو حدود هفت لیر حساب میکرد و فروشگاه وای کی کی و بنتون تخفیف های خوبی داشتند که هردو نزدیک هتل بودند. خیابان تونالی هیلمی خیابان پر رفت و آمد و سرزنده ای بود و کافی شاپ و رستوران ها و فست فود زیاد داشت.



ما از تورهای خرید استفاده نکردیم و خودمون با تاکسی تا آنکا مال رفتیم که هزینه رفت بیست لیر و برگشت تا هتل هیتلون هم بیست لیر شد بازار بزرگ و معروفی هست که همه برندها با تخفیف های خوبی اونجا بود.

صبح ساعت هشت و نیم مصاحبه بود که حدود هشت و ده دقیقه با توجه به سردی هوا دم سفارت بودیم پاسپرت ها رو جلوی سفارت گرفتند و به ترتیب به داخل راهنمایی کردن که داخل هم یک راهرو بود که باز هوای آزاد بود و تو سرما باید مدارک رو تحویل یک خانم که به زبان فارسی و ترکی و انگلیسی مسلط بود میدادیم بعد بایک شماره به سالن اصلی مصاحبه راهنمایی شدیم که خیلی خیلی سرد بود در واقع هیچ سیستم گرمایشی نداشت (ساختمان وسالن به نظر فرسوده میومد و احتمالا یکی از دلایل تعمیرات ساختمان سفارت در یکی دو ماه آینده همین فرسودگی و خرابی سیستم گرمایشیون باید باشه) ولی خودشون اونطرف دیوار جاشون گرم بود و یکی یکی برای انگشت نگاری و قسم و مصاحبه صدا میکردند. کلا هشت پنجره بود که پنجره هشتم در واقع یک درب بود و در پنجره سوم یک آقا مصاحبه میکرد و در پنجره هفتم یک خانم و بقیه پنجره ها خالی بود مصاحبه ما با خانم بود و سوال ها همون سوال های همیشگی بود شغل و سربازی و که من برگه آبی رو گرفتم و اومدیم در کل راهنمایی های شما عزیزان باعث شد سفر راحت و بی استرسی داشته باشیم

باز هم از همتون متشکرم

شاد و سلامت باشید

ارسالها: 42
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 0
تشکر: 40
105 بار تشکر شده در 26 پست

 **hamid_reza**
عضو


دوستان عزیز سلام

نوبتی هم باشه نوبت من شد که سفرنامه ام رو بنویسم . جمع ما سه نفر بود . من و خانمم و بچه 2.5 ساله ام . خدا رو شکر امسال جزو برنده های لاتاری بودیم . قضایای قبلیش نیازی به تعریف نداره . شرایط کاری من یه جوریه بود که نمی تونستم زیاد مرخصی بگیرم . پروازهای تهران آنکارا هم واسه من ایده آل نبود . به ناچار تهران استانبول رو انتخاب کردم . یک نگرانی داشتم اونم وقت دکتر تست ها بود که دو تا گزینه بیشتر جلوی راهم نبود . یکی دکتر اونگان توی آنکارا و دیگری بیمارستان آمریکایی در استانبول . از دکتر اونگان توی مهاجر سرا خیلی تبلیغ بد شده بود از طرفی هم هیشکی اطلاعات کاملی راجع به بیمارستان آمریکایی در استانبول نداشت . دل رو زدم به دریا و بیمارستان آمریکایی رو انتخاب کردم . حدود 15 روز قبل از سفرمون رزگ زیم اونجا . واسه 31 ژانویه ساعت 1 بعد از ظهر نوبت دادن . این تاریخ واسه تست PPD برای بچه که باید 72 ساعت بگذره کافی نبود و از طرفی هم 3 فوریه توی آنکارا مصاحبه داشتیم . موضوع رو باهاشون در میون گذاشتیم . گفتن توی ایران آزش تست بگیرن و جوابش رو بیارن . (شاخ در آوردیم) . واسه تاکید بیشتر ازشون پرسیدم جوابهای ایران رو قبول می کنین ؟ گفتنش بله . از این صحبتش خیلی خوشحال شدم و خیالم راحت شد . دو سه روز قبل از رفتنمون رفتیم آزمایشگاه . به آمبول کوچولو تزریق کرد زیر پوست بچه و گفت برین دو روز دیگه بیاین . وقتی واسه جواب برگشتیم بهش گفتیم برای کجا می خوایم و اونم زحمت کشید و اسم و فامیل بچه رو بصورت لاتین برامون نوشت . با پرواز ماهان رفتیم استانبول . هوا برفی بود . فردای اونروز ساعت یک رفتیم بیمارستان آمریکایی توی نیشانتاشی استانبول . عجب بیمارستانی بود. طبقه دوم قسمت CHECK UP . پاسپورت ها رو دادیم همراه با دو قطعه عکس . گفت منتظر باشین صداتون می زیم . چند دقیقه بعد واسه آزمایش خون صدامون زد . فقط از من و خانومم . از بچه فقط قد و وزن گرفت . گفت بشینین تا دوباره صداتون کنم . حدود نیم ساعت بعد رفتیم پیش دکتر . خیلی خوش اخلاق بود . چند تا سنوال از همون سنوالهائی که تو ایران می پرسن ازمون پرسید . (سابقه جراحی دارین ؟ به چیزی حساسیت دارین ؟ و ...) بعدش گوشه رو گذاشت رو قلمون و خلاص . ما کارت واکسنمون رو بین المللی کرده بودیم . گفتش نیازی نبود . اگه همون کارت واکسن بچگیتون رو می آوردین و فقط تاریخ هاش رو میلادی می کردین کفایت می کرد . بچه ما واکسن ابله مرغان زده بود با یه واکسن دیگه . فقط واسه اون نوشت که تزریق بشه . رفتیم بخش بچه ها . از بهشت هم خوشگل تر بود . ما کجا و اونا کجا . از پس که تمیز و خوشگل بود . فکر کنم اسباب بازی فروشی بود . بعد از تزریق واکسن دوباره برگشتیم بالا . بعدش از من و خانومم عکس قفسه سینه گرفتن از پسرمون رو هم همون تست PPD که اینجا گرفته بودیم قبول کردن . کل کار ما در حدود یک ساعت طول کشید جمع کل هزینه هامون در حدود 600 دلار شد . با احتساب دو تا واکسنی که پسرمون خورد . جواب آزمایشات رو هم فرداش توی سه تا پاکت در بسته بهمون دادن . مصاحبه ما روز جمعه بود . ظهر پنج شنبه از استانبول با اتوبوس رفتیم آنکارا . حدود 6 ساعت راه بود . هتل ددمان رو واسه یک شب رزرو کرده بودیم . رفتیم هتل و فرداش ساعت 7.40 رفتیم دم سفارت . نه خبری از صف بود و نه چیزی . اسممون رو از توی لیست چک کرد و رفتیم داخل . مدارک رو تحویل دادیم و رفتیم انگشت نگاری پشت همون باجه ای که مدارک رو تحویل دادیم . رفتیم داخل و منتظر موندیم شماره مون رو اعلام کنن . بالاخره شماره 406 رو اعلام کردن . رفتیم باجه برای پرداخت پول . ما روی 819 دلار حساب کرده بودیم که نفری 440 دلار ازمون گرفتن . اینم از شناس ما . گفتش دو سه روزه اینجوری شده . 1320 دلار دادیم و منتظر موندیم . دوباره شماره 406 خودنمائی کرد . رفتیم پیش اون آقای خوش اخلاقه . (ریش قرمزه) با آدم خوب رابطه برقرار می کرد . کل مصاحبه ما 4 دقیقه طول کشید . اول سوگند خوردیم و بعدش پرسید واسه

چی می خواین برین ؟ ما هم گفتیم واسه آینده بچه مون . من 170 میلیون موجودی حساب برده بودم که گفت از کجا آوردی و گفتم بهم ارث رسیده . منو راهنمایی کرد برای انتقال پول از طریق امارات آگه برام مشکلی پیش اومد به چه شماره ای توی آمریکا تماس بگیرم . سربازی رو هم خریده بودم . بهمون برگه آبی داد و گفتش یکی دو ما دیگه به سری کار اداری هستش که انجام میدیم . بعد یکی از اعضاء خانواده بیاد و انشاء الله ویزاها رو بگیره . اصل مدارک رو بهمون داد . ازش خداحافظی کردیم و اومدیم هتل . هتل رو تحویل دادیم و به راست اومدیم اتوگاز(ترمینال) و با اتوبوس برگشتیم استانبول . شب هتل بودیم . ساعت 1 بعدازظهر شنبه هم برگشتیم تهران . اینم از سفرنامه من . بخشین دیر شد . توی راه بودم . از من می شنونین استانبول رو برای کارهاتون انتخاب کنین . هم بیمارستانش خلوت و راحت . سخت گیری و کلک مثل دکتر اونگان نداره . یک ساعت توی استانبول بودن به همه آنکارا می ازره . کلی خرید کردیم . خوش گذشت . جای همه خالی . روی این پیشنهاد فکر کنین . اتوبوسهات از استانبول به آنکارا خیلی راحت هستن . تلویزیون دارن . با اینکه ما بچه کوچولو داشتیم اما اصلا بهمون سخت نگذشت . تجربه خیلی خیلی خوبی بود . به امید موفقیت همتون . در پایان از همه مهاجر سرانی ها چه اوئائی که منو کمک کردن و راهنمایی کردن و چه اوئائی که عضو هستن و به فکر حل مشکل هم وطنائی خودشون هستن تشکر می کنم . دست تک تک تون رو می بوسم

 Lucky Luke

عضو فعال



ارسالها: 56

تاریخ عضویت: Jan 2012

رتبه: 0

تشکر: 409

246 بار تشکر شده در 46 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همه دوستان خوب مهاجرسرا، اول از همه عذرخواهی میکنم بابت تاخیردر نوشتن سفرنامه آنکارا که علت اصلی وجود ویروس و تروجان بود که اجازه ورود به سایت رو به من نمیداد. همین الان هم که دارم این پست رو میفرستم، بدلیل ویروس و ترکیدن سیستم، 2 بار کامل ویندوزم رو عوض کردم تا سفرنامه رو بذارم، بازم میگن فردین مرده!!
همه بچه ها قبل ازحماش کشیدن و سفرنامه نوشتن، من فقط نکاتی رو که به نظرم مفید میرسید اشاره میکنم:

(۱ پرواز: ما با پرواز ترکیش رفتیم، خوب بود فقط به علت بدی هوا ۲ ساعت تاخیر داشت.هزینه بلیت نفری ۲۴۰،۰۰۰ تومان (ما دو نفر بودیم).
(۲ ترانسفر از فرودگاه: چون هوا کمی سرد بود و ما خسته بودیم، تاکسی گرفتیم که شد ۶۵ لیر، ولی همونطور که بچه ها گفتن میشه از اتوبوسهای شرکت havas استفاده کرد. یک نکته اینکه اگه بتونید از ترانسفرهای فرودگاهی تورها استفاده کنید از نظره هزینه بهتره مثلا عباس که دنبال بچه ها اومده بود حدوده ۲۰ لیر گرفته بود که به نظرم می ارزید.

(۳ هتل: ما چون هتل رو از ۲ ماه قبل رزرو کرده بودیم واقعا به نفعمون شد ، چون الان با بالا رفتن دلار هزینه هتل خیلی بیشتر میشه. هتل ما هتل Segmen بود.واقعا از اون راضی بودیم،برای هتل خیلی search کرده بودیم و خدا رو شکر خیلی راضی بودیم،هتل ۳ ستاره plus هست با صبحانه ،اتاق دوبل اون شبی \$۷۰ بود که با دلار ۲ ماه پیش حدوده شبی ۸۶،۰۰۰ تومان شد.هتل سگمان به اندازه هتل ددمان شیک نبود ولی اولاً یک ساختمان با ددمان فاصله داشت و ثانیاً نسبتاً شیک و ساده و خیلی تمیز بود و از همه مهمتر بسیار گرم،به حدی که ما گاهی برای خنک شدن پنجره رو باز میکردیم . هم شوفاژ داشت و هم اسپیلیت که شبها شوفاژ روشن میکردند و اصلاً در این زمینه خست به خرج نمیدادند و اگه میخواستیم اسپیلیت هم کار میکرد.دوستامون که همزمان با ما در هتل ددمان بودن برای ۲ نفر شبی ۱۴۰،۰۰۰ تومان پرداخت کرده بودند. صبحانه هتل تقریباً کامل بود. اتاق ها خیلی تمیز بود.پرسنال خیلی مودب بودند البته انگلیسی اصلاً متوجه نمیشدند جز یک خانوم و یک آقا که در رسییشن بودند.فاصله هتل تا سفارت حدود ۵ الی ۷ دقیقه بود و با مطب dr اونگان حدود ۱۰ دقیقه.اگه اهل پیاده روی باشین به میدان کیزیلای هم خیلی نزدیکه.ما به آژانس های زیادی زنگ زدیم هیچ کدوم با هتل سگمان کار نمیکردند برای همین اسم آژانس را مینویسم که بچه ها به دردرس نیفتند ، قصدم تبلیغ نیست.ما این هتل رو از طریق آژانس شن سفید و خانم برهان رزرو کردیم البته هتل در سایت booking.com ثبت شده بود. سرعت اینترنتش هم واقعا خوب بود با اینکه ما طبقه ۵ بودیم و ما کلی فیلم دانلود کردیم.

آدرس هتل : 13 Buklum ، Kavaklidere Sokak No ، شماره تلفنش: 4175374 - 0312 و سایت آن: <http://www.segmenotel.com> .
در آنکارا با دوستی آشنا شدیم که هتل جدیدی رو به ما معرفی کرد که رفتیم دیدیم خیلی مناسب و خوب بود همون یک خیابون با هتل ما فاصله داشت به اسم هتل Siyav که من با جستجو در اینترنت فکر کنم آدرس سایت اون این باشه: <http://www.siyavotel.com> به نظرم که خیلی خوب بود و تازه پارسال ساخته شده .

(۴ خرید: برای خرید های عادی حدود ۵ دقیقه در امتداد هتل ددمان و بعد از خیابان Akay و رستوران شبهای تهران و کنار مسجد کجا تپه یک سوپر بود که قیمت اجناسش خیلی خوب بود به نام Soykan که به نظرم جای مناسبی برای خریدهای روزمره بود. ما همه پاساژ هائی را که بچه ها گفته بودند رفتیم و دیدیم از جمله انکامال Ankamal و تمام پاساژ های خیابان تونالی Tunali ولی بهتون توصیه میکنم حتما برای خرید لباس همه وقتتون رو دور و بر میدان کیزیلای بگذرونید چون هم خیلی خیلی بزرگه و پر است از مغازه های مارکدار ترک و بهترین تخفیف ها رو هم داشت. یک مرکز خرید خیلی بزرگ (یا به قول خودشون الیش ورش) نیش میدان کیزیلای هست که خیلی خوب و کامل بود. آنکا مال برای دیدن خوب بود ولی نسبتاً گرون بود. البته همه مغازه ها حراج بودن ولی بخاطر بی ارزش شدن پول ما واقعا قیمت ها هنوز بالا بود ، به نظرم در مقایسه با اروپا خیلی هنوز گرون بودند.
در میدان کیزیلای پر بود از مارکهای معروف ترک ولی از همه بهتر این مارکها بودن LC WAIKIKI ، SevenHill ، Rodi Mood ،Collins,Defacto،که هم قیمتهاشون خیلی خوب بود و هم کیفیت اجناسشون.

(5 دکتر اونگان: حدود یک هفته قبل از سفر ما ، سفارت به ما ایمیل زد که مصاحبتون ۲ روز جلو افتاده و من و خانومم خیلی اضطراب کشیدیم که اگه جواب آزمایشات حاضر نشه و به نقص مدرک بخوریم چه میشه.... خیالتون رو راحت کنم اصلاً هیچ مشکلی پیش نیومد.ما روز یکشنبه به آنکارا رسیدیم، روز دوشنبه صبح وقت دکتر اونگان گرفته بودیم ولی صبح زود رفتیم یعنی قبل از ۸:۳۰،نفره دوم بودیم و اتفاقاً قبل از ما آدم برفی و خانواد محترمشون بودند.وقتی منشی دکتر اومد اصلاً به وقت ها ای که گرفته بودیم توجه نکرد و همه کارها رو طبق صف انجام داد.منشی خیلی خانم مهربونی بود البته توی کارش جدی بود،خیلی سریع همه کارها رو انجام داد،انگلیسی نمیفهمید،ولی فارسی خوب میفهمید.

خلاصه به نظر من اگر سنتون بالا نیست که بخواین پله ها رو بالا و پایین برید اصلاً هیچ نیازی به لیدر ندارید،اینو جدی میگم اول اینکه همه کارها روال مشخصی دارد و خودتون حتما میتونید انجام بدید ، به هیچ عنوان کار سختی نیست.توی لابراتوار که همه فارسی دست و پا شکسته بلد بودن و لیدر ها فقط الکی سعی میکردند نشون بدن که خیلی کار مفیدی دارن انجام میدن.ثانیا هر جا برید ایرانی فراوونه و میشه از هم دیگه کمک گرفت.
درباره دکتر همین قدر بگم که از اونوی که فکر میکردم خیلی با کلاس تر و gentleman تر بود.با همه خیلی خوب برخورد میکرد و اولش حتما شغل و تحصیلات رو میپرسه و خصوصاً وقتی فهمید من پزشکم خیلی تحویل گرفت و به ما هیچ واکنشی نزد و ما همون \$۱۴۰ رو دادیم. چند نکته: جواب آزمایشات ما هم فردا بعد از ظهر ساعت ۲ هزار شد.لیخنه فراموش نشه، خیلی مهمه و روی منشی و دکتر هم خیلی تاثیر داره و دیگه اینکه سعی کنید پول دکتر و آزمایشگاه رو به لیر بدین تا \$ هاتون براتون بمونه چون حتما بعداً به کارتون میاد.

(6 مصاحبه: صبح روز سه شنبه ما ساعت ۷:۳۰ در دستای خوبمون آدم برفی و خانوادشون هم پیاده رفتیم.ساعته ۸ دم در سفارت بودیم.بعد از صف

های نه چندان طولانی و هوای سرد بیرون وارد سالن شدیم. خانومی که همه میگفتن کنار شیشه و روبروی قسمت UPS هست بسیار بسیار خانوم خوبیه و واقعا مهربون که هیچ وقت محبت هاشون رو فراموش نمیکنیم. فکر کنم ایرانی باشن چون فارسی عالی صحبت میکنند. همه نکات رو بچه ها تعریف کردند فقط یک تجربه جالب اینکه شماره ما ۴۰۸ بود و تقریبا همه شماره ها رو خوندن به جز ما. حتی تا شماره ۴۱۲ همه کارهاشون انجام شد و از سفارت خارج شدن ولی هنوز شماره ما رو برای انگشت نگاری هم نخونده بودن. دوستامون همه تعجب کرده بودند و حتی همسر هم کمی نگران شده بود ولی باورتون همیشه من فکر میکنم یک حکمتی داشته و اینکه اونها تمام مدت ما رو تحت نظر داشتن. برای همین پیشنهاد میکنم خونسردیتون رو حتما حفظ کنین و خیلی آرام بشینید و خودتون رو برای یک مصاحبه راحت آماده کنین. هیچ کسی نمیدونه پشت اون شیشه ها و دوربینها چی میگذاره ولی خانوم من یک ضرب ویزا گرفت البته شرایطش کمی از بقیه راحت تر بود چون بقیه یا شغلها دولتی یا رشته های حساس داشتن. پس به خدا توکل کنید و آرام باشید و لبخند فراموش نشه. بعد که ما رو صدا کردن در ظرف کمتر از ۶ دقیقه همه کارها (هر 3 مرحله) انجام شد. خانومی که بچه ها قبلا نوشته بودن از ما مصاحبه farsi کرد ولی آفیسر معروف ریش قرمز، گیشه بغلی بود. من و خانوم هر دو به زبان انگلیسی مسلطیم ولی طبق نظر بچه ها ما ترجیح دادیم مصاحبه فارسی باشه تاخدا نکرده سوء برداشت اتفاق نیفته. از ما خواست دستمان رو بالا ببریم و قسم بخوریم که ما چند تا اصلاحی داشتیم در مورد دیکته اسم مادرم که گفت هیچ مشکلی نیست و بعد از قسم شغل خانوم رو پرسید و فهمید که کار دولتی نداشته. ما چون سفر اروپا زیاد داشتیم نگران بودیم ولی اصلا هیچ مشکلی پیش نیومد. بعد از خانوم پرسید کسی رو در آمریکا داره و اون هم گفت بله و توضیح داد. در آخر پرسید مدارکتون کامله و ما میتونیم ویزاتون رو بدیم میخواید با همسرتون بگیرید یا نه؟ و ما هم گفتیم آگه ممکنه ویزای ایشون رو صادر کنید. از من هم شغل رو پرسید و اینکه سرپازی رفته و کجا؟ که من نیروی زمینی ارتش بودم. و در آخر گفت که مدارکتون کامله فقط برای پروسه اداری باید ۱ تا ۲ ماه منتظر باشین و هر هفته سایت رو چک کنین. نمیتونم بهتون بگم که چقدر راحت بود و چقدر برخورد پرسنل سفارت مودبانه بود. فردای روز مصاحبه که رفتیم مدارک مدیکال رو ببریم اشتباهی برگه آبی من رو که تنها رسید من بود به سفارت تحویل دادیم. خیلی اضطراب کشیدیم و دوندگی کردیم تا اینکه اون خانم مهربون ایرانی در سفارت به ما اطمینان داد که همه مدارکی رو که به درد سفارت نخوره براتون با UPS میفرستند و همین کار رو هم کردن و ۵ شنبه ساعت ۱ ظهر با UPS اومد.

چند نکته: به خدا توکل کنید، حتما لبخند بزنید، خونسرد باشد، مدارکتون رو دسته بندی کنید که راحت تر بتونید تحویل دهید. هر چیزی رو که به نظرتون در فرمهای قبلی مشکلی داره حتما قبل از قسم به officer بگویید.

(V) غذاها: غذاهای ترکها واقعا خوشمزه است. دونه کباب رو که همه جا دارند، یک رستوران زنجیره ای هست به نام HD eskandar که واقعا اسکندر کباب اون خوشمزه است و قیمتش هم مناسبه که در خیابان مشروطیت قرار داره، این خیابون نرسیده به میدان کبزیلای هست و قبل اون یک پل عابر پیاده بزرگ هست و یک مغازه بزرگ collins هم سرش قرار دارد. اگر وارد خود خیابان مشروطیت شوید و حدود ۵ دقیقه پیاده روی کنید بعد از پل عابر پیاده بعدی دست چپ رستوران منقل Mangal رو میبینید که غذاش و سرویسش فوق العاده است و حتما برید و اونجا غذا بخورید، قیمتش به نسبت فست فود ها واقعا میارزد. چند نکته: به نظرم بد نیست همراهتون چند تا تن ماهی و چند تا از این غذاهای آماده مانده ببرید حتما به کارتون میاد. در ضمن حتما آگه میتونید از این کتری های برقی که آب رو جوش میارن و کوچیک هستن همراهتون باشه چون تا جایی که من شنیدم اکثر هتل ها ندارن و آگه اهل چای و نسکافه باشید باید هی برید کافه هتل چای بخورید. در ضمن میشه کنسروها و بقیه چیزا رو هم توش گرم کرد (از: تجربیات مارکوپولو). اگر غذای ایرانی دوست دارید هتل ددمان را ادامه بدید رستوران شهبای تهران هست که غذاش خیلی خوب بود ولی یکم گرون بود.

(A) جاهای تفریحی: آنکارا چندان جای دیدنی ندارد، مقبره آتاترک که در منطقه Anitkabir هست. قلعه آنکارا هم جز جاهای تاریخی هست. بهتون حتما

توصیه میکنم قونیه (Konya) مقبره مولانا برید، هم میشه با اتوبوس رفت که حدود ۲.۵ طول میکشه و حدود ۲۰ لیر میشه و هم میشه با قطار اکسپرس رفت که ۱.۵ ساعت میشه و رفت و برگشت نفری ۴۰ لیر که فکر میکنم واقعا ارزشش رو داره. باید برید Gar که همون ایستگاه راه آهن میشه، ما با تاکسی رفتیم و ۱۵ لیر دادیم ولی میتونید برید میدان کبزیلای و با اتوبوس حدود ۲ لیر میشه. روزهای شنبه هم رقص سماع هست که خفن دیدنیه. ما چون اهل پیاده روی بودیم همه آنکارا رو پیاده رفتیم ولی از میدان کبزیلای کلی اتوبوس به جاهای مختلف شهر میره در همون میدان مترو هم هست. اگر هوا سرد نباشه، آگه میتونین اکثر جاها رو پیاده برید چون مسیر هاش به هم نزدیکه.

ما بر حسب تجربه هر جا میریم پول همون کشور رو میبریم و اینجا هم همین کار رو کردیم و کلا به نفعمون شد. سعی کنید حتما هتلتون اینترنت داشته باشه چون خیلی لازمه و ایمیل هاتون رو مرتب چک کنید چون ممکنه از سفارت ایمیل بزنن.

برای برگشت به فرودگاه هم ما با اکیب آدم برفی دو خانواده یک ون گرفتیم که خیلی شانسی جور شد و واقعا هم خوب گرفت و شد خانواده ای 30 لیر. در هر صورت آگه ترانسفر فرودگاه رو از عباس بگیرید فکر کنم میارزد.

در انتها باید از همه بچه های مهاجر سرا تشکر کنم. خدا خیلی به ما لطف داشت و ما اونجا دوستای خیلی خیلی خوبی پیدا کردیم. از جمله afshin 4749 که واقعا ما رو شرمند کرد و تمام جاهای رو که باید میرفتیم پیاده در هوای سرد آنکارا به ما نشون داد، همینطور Omidoo که خیلی خیلی پسر خوبیه و به ما روحیه داد. این دو دوست واقعا در تمام شرایطی که ما استرس داشتیم به ما روحیه میدادن و مثل برادر نگران کارهای ما بودن. در کنار این دوستان ما اصلا استرس و غربت رو حس نکردیم و نمیتونم بگم چه لحظه های خوبی رو تجربه کردیم. امیدوارم در تمام مراحل زندگی موافق باشن. همینطور خانواده دوست خویمون آدم برفی که واقعا در کنارشون به ما خوش گذشت. به امید ویزا گرفتن همه بچه های مهاجرسرا.

ارسالها: 125

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 503

380 بار تشکر شده در 103 پست

 **emrah66**

عضو فعال



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام بچه ها من ویزای یکضرب گرفتم

مرد مجرد بدون اسپانسر سن 24 تمکن مالی 28 میلیون تومان+وکالت بلاعزل خونه بابام سرپازی معاف لیسانس مهندسی -بیکار.سوالات بسیار ساده چرا میری آمریکا مگه کشور خوب نیست؟ کجای آمریکا میخای بری؟

چند بار لاتاری شرکت کردی؟ بار اولم بود!

چرا سرپازی معاف شدی؟

کلی هم معذرت خواهی بخاطر اینکه نفر آخر بودم. فردای مصاحبه ups پاسپورت و مدارک رو آورد.

این قضیه \$ 420 و \$ 440 بچه ها چیه؟؟ والا ما 1 فوریه مصاحبه داشتیم و \$819 گرفتیم!!! نمیدونم چرا همه کسای که پول با تخفیف دادن برگه آبی گرفتن! راستی کسی هست یکضرب گرفته باشه با مبلغ 420 یا 440 دلار؟؟؟؟؟؟

هتل 4 ستاره MARINEM شب 3 255 لیر یک اتاق که تختشم خیلی بزرگ و عالی بود با چونه زدن دوستم (که ترکی استانبولی مسلط بود) برای من گرفت. آدرس Bayindir 2 sokak No:35 06420 kizilay -ankara

tel:+90 312 431 5980 اصلا به قیمت های روی تابلو پذیرش اهمیت ندید حتما چونه بزنید تا سفارت من 15 دقیقه پیاده میرفتم.

من بیمارستان آمریکایی رفتم بدون واکسن هزینه شد 332.5 لیر

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام
من اواخر ژانویه مصاحبه داشتم موفق شدم ویزا را بگیرم 10 شب ترکیه بودم که یک هفته در استانبول بودم کارمیدیکالم با سرعت و به راحتی انجام شد اما در رادیولوژی بیمارستان یک مشکلی در عکس رخ داد که بدون هزینه مجدد عکسبرداری انجام شد اکثر کارمندان بیمارستان به زبان انگلیسی تسلط کافی داشتند من تمام واکسنها را در پاستور تزریق کرده بودم و واکسن اضافی والکی به من نزدند سطح این بیمارستان بسیار بالا بود و واقعا مثل بیمارستانهای آمریکایی که در فیلم نشون میدن.

مصاحبه من خیلی آسون بود ساعت 10/30 صبح نوبت من شد بدون مشکل سوالهایی که پرسید:

- 1- چند بار لتاری شرکت کردی؟
- 2- در آمریکا فامیل داری؟

همین بعدش یوپی اس و خداحافظ شما.

فقط متأسفانه ویزا من توسط یوپی اس فراداش حاضر نشد و پس فردای مصاحبه دریافت کردم. عکسهای من توسط سفارت پس داده شد! در ضمن اسپانسر نداشتم.

موجودی بانکی 17 میلیون تومان برده بودم.

از سایت مهاجر سرآمنونم امیدوارم این سایت بابت ارائه خدماتش پولی بشه تا من از خجالت خدمات عالی این سایت دریام.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام و تشکر از همه کسانی که در این سایت زحمت کشیده و با صرف وقت تجربیات خود را در اختیار دیگران قرار میدهند. از بابت تاخیر در نوشتن سفرنامه معذرت می خوام
پرواز به آنکارا با هواپیمای ترکیش بدون مشکل و تاخیر انجام شد. ساعت 6 صبح یکشنبه 29 ژانویه وارد فرودگاه اوزنقان آنکارا شدیم. پس از دریافت وسایل از فرودگاه خارج شده در سمت راست ایستگاه اتوبوس به سمت مرکز شهر وجود دارد دوستان توجه کنند دو نوع اتوبوس وجود دارد. خط 442 که مانند اتوبوس های شهری خودمان است که فکر کنم هر نفر 4 لیر و تا میدان کیزلای و خیابان آتاتورک می رود. اتوبوس نوع دوم مانند اتوبوس های بین شهری (HAWAS) است که کرایه آن هر نفر 10 لیر است و تا اولوس میرود که نزدیک مترو میباشد. ما عجله کردیم با نوع دوم رفتیم.
هتل- من از ایران هتل اوزیلهان را رزرو کرده بودم. 4 نفر هر شب 100 \$ با صبحانه. اتاق خوب و تمیز بود. اینترنت و ایر لس رایگان. صبحانه بد نبود. اتاق گرم و در مرکز شهر به سفارت و مطب دکتر هم نزدیک بود.

معاینه پزشکی- روز دوشنبه صبح ساعت 9.30 نوبت داشتیم با اتوبوس از ایستگاه روبروی خیابان AKAY CD سوار اتوبوس خط شماره 413 شدیم و ایستگاه بعد پیاده شدیم. (پارک kugulu). دقیقا انطرف خیابان یک پارک کوچک وجود داره که از دکه های سوال کنید راهنمایی می کنند. طبقه 4 رفتیم و به خانم منشی خودمان را معرفی کردیم. مدارک را گرفت و به طبقه 5 رفته و با پرداخت 47 دلار برای هر نفر عکس و نمونه خون دادیم (3*47) مجددا خدمت خانم منشی امدم. من پیش آقای دکتر و همسر و پسر من پیش خانم دکتر رفتیم. هر 3 نفر واکسن آبله مرغان و نوبت دوم TD را نوش جان کردیم. سوالی هم نکرد که قبلا آبله گرفتید یا نه. دخترم هم پیش خانم دکتر رفت. من هم به عنوان مترجم حضور داشتم. واکسن آبله و نوبت دوم MMR را نوش جان کرد و بابت واکسن و معاینه هم حدود 770 \$ (برای 4 نفر) ناقابل تقدیم دکتر شد. دخترم چون 14 ساله بود تست سل داد و صبح پنجشنبه برای جواب تست رفتیم که با مشاهده دکتر از محل تزریق و اندازه گیری با متر عکس قفسه سینه 35 \$) هم اضافه فرمودند که اضطراب ما را گرفت ولی پس از دریافت جواب خیالمون راحت شد. جواب آزمایشات خودمان هم بعد از ظهر پنجشنبه آماده شد.

مصاحبه- صبح جمعه سوم فوریه ساعت 8 صبح به سمت سفارت با تاکسی حرکت کردیم کمی برف آمده بود و زمین یخ زده بود

به راننده تاکسی گفتم برو سفارت US که داشت اشتب می رفت که دوباره گفتم American Embassy
خوشبختانه درب را به علت سردی هوا زودتر باز کرده بودند و با تحویل پاس به نگهبان و دیدن اسامی وارد سفارت شدیم. باجه اول مدارک اصلی شامل شناسنامه. کارت ملی. مدارک پزشکی. عکس و.... را تحویل دادیم و شماره گرفتیم وارد سالن شده و انگشت نگاری کردیم. سپس به داخل سالن رفته و منتظر اعلام شماره شدیم. پس از حدود 1 ساعت روی منبوتر شمارهها را اعلام نمود که باجه 1 بود که باید پول پرداخت می شد باجه شماره 3 و 8 نیز شروع به کار کردند. شماره 3 آقای جوان خوشرو و باجه 8 خانم بودند. از روز قبل مبلغ پرداختی 440 \$ شده بود و همه خوشحال شدند. در ضمن دوستان عزیز مهاجرسرا - آرمان بالا. کوپول و عظیمی و چند تا دیگه از دوستان را زیارت کردیم که بسیار خوشحال شدند. یکی یکی صدا می زدند و باجه 1 هم فکر کنم کیس های خانوادگی را صدا میزد.

همه را صدا زدند بجز ما که بالاخره شماره ما هم اعلام شد. به باجه 3 رفتیم و پس از کمی خوش و بش درخواست کرد که قسم بخوریم که قبل از آن تغییر آدرس را تذکر دادم و پس از امضا فرم های ارسالی از پسر که 20 سال دارد تعهد گرفت که تا قبل از دریافت ویزا ازدواج نکرده و پس از ورود به آمریکا به دفتر پست مراجعه و برای خدمت داوطلبانه سربازی ثبت نام کند. سپس به من گفت خوب سربازی هم که در سپاه بودید؟ گفتم بله. زمان جنگ؟ بله. کدام منطقه؟ خوزستان. شغل شما ملی است؟ گفتم قبلا بوده الان خصوصی شده. و چند سوال دیگه در مورد شغل و در ضمن من دیپلم نظام جدید داشتم و فوق دیپلم هم داشتم که ریز نمرات را خواست و قرار شد ایمیل کنم. سابقه کار هم ارسال کرده بودم که قرار شد بیشتر بررسی شود. از پسر سوال کرد کدام دانشگاه و چه رشته ای درس می خونه؟

از همسر هم سوال کرد که شغل شما چیه که جواب داد خانه دار هستم. از دخترم هم سوالی نکرد. سپس برگه آبی و گفت سایت را چک کنید و ریز نمرات را هم سرعیا ایمیل کن و تمام. لازم به یاد آوری است که در این روز فقط 3 کیس ویزا یکضرب گرفتند که همگی از باجه 8 که خانم مصاحبه می کرد. یک آقای مجرد - یک خانم مجرد - و یک زوج جوان و بقیه که حدودا 15 کیس بودند همگی آبی گرفتند.

مراکز خرید- مرکز خرید در متروی کیزلای (فروشگاه گزر) -آنکامال فروشگاه های WALKIKI LC - مسجد کجا تپه - در زیر این مسجد فروشگاه بزرگی هست که قیمت اجناس آن مناسب و خوبه همچنین می تونید مرغ بریان و الویه بخیرید و نوش جان کنید.مسجد کجا تپه نزدیک هتل ددمان و اوزیلهان است و پیاده هم می تونید برید.آنکامال هم از ایستگاه متروی کیزلای سوار و ایستگاه Ancopora پیاده شوید.در آنکامال نیز رستوران های فراوانی وجود داره که قیمت اش مناسبه. به نظر من فروشگاه های WALKIKI LC برای خرید مناسبه و خودتان را خسته نکنید.کفش هم از FLO در آنکامال بخیرید . مراکز دیدنی - موزه آتاتورک بسیار دیدنی و زیباست حتما برید.مسجد کجا تپه نیز دیدنی است.میدان اولوس نیز دیدنی است و مراکز خرید نیز وجود دارد اگه خواستید در اولوس نهار نوش جان کنید سراغ کبابستان را بگیرید قلعه اولوس نیز از مراکز دیدنی است.که ما نرفتمیم .(به علت سردی هوا ما جای دیگری نتوتستیم بریم.)

مطلب مهم - اگه چای خور قهاری هستید حتما کتری برقی با خودتان ببرید .چون هر فلاکس آب جوش 2 لیتر اگه در زمستان تشریف بردید مقداری غذای آماده و با کنسرو همراحتون ببرید .چون ممکنه هوا سرد باشه و یا حوصله رفتن به بیرون را نداشته باشید.سیم کارت خریدم کارت تلفن خریدم 5 لیتر که چند بار به ایران زنگ زدم.از اتوبوس استفاده کنید به تمام مسیرها و 2 لیتر کرایه . امیدوارم که با بیان ناقص خودم توانسته باشم گوشه ای از وظیفه خودم به مهاجر سرا را ادا کرده باشم.به امید موفقیت همه دوستان .

ارسالها: 304
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 7
تشکر: 1153
1868 بار تشکر شده در 286 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سفرنامه

دوستان عزیز من سفرنامه ام را بصورت متفاوتی مینویسم من میخواهم نکات مهمی که لازم هست دوستان بدانند اعلام کنم

هتل

۱-با توجه به افزایش مراجعین هم میهنان ایرانی کرایه تاکسی از فرودگاه تا هتل ها هفتاد لیتر شده هست و بنده علیرغم چانه زنی نتوانستم از این مبلغ کمتر بدهم قابل توجه دوستانی که با خانواده میروند با توجه به کرایه های اتوبوس چهار یا ده لیتری که دوستان اشاره میفرمایند به صرفه نیست با اتوبوس بروید چون اتوبوس تا کیزیلای میرود بعد اونهم باید در سرمای شدید پیاده روی کنید یا اینکه تا هتل ها تاکسی بگیرید که جمع بزنید خیلی تفاوت با تاکسی نمیکند

۲-هتل ما میداس بود که يك هتل چهار ستاره واقعي همراه با صبحانه و البته کتری برقی و اینترنت بسیار پرسرعت است من براي اتاق دبل با يك تخت اکسترا شبی ۱۱۱ دلار دادم و نه شب اقامت شد حدودا هزار دلار

۳-هتل را از سایت <http://www.hrs.com> رزرو کنید کردیت کارت هم لازم نیست

۴-فاصله هتل تا سفارت پنج دقیقه و تا مطب دکتر ده دقیقه بود

دکتر اونگان

۱- صبح اول وقت به مطب بروید چون منشی سر حال هست ولي بعدا که شلوغ میشود و مخصوصا همه ماها که ذوق زده هستیم با هم صحبت میکنیم قاطی میکند

۲-اولش رادیوگرافی دارید که میروید طبقه بالا و براي هر نفر ۴۷.۵ دلار هزینه دارد از بچه ها در مرحله اول گرافی نمیخواهند

۳-هم منشی دکتر و هم رادیولوژی لیتر ترکیه هم میپذیرند و نرخ تبدیل هم منصفانه حساب میکنند(بین ۱۰۷۵ تا ۱۰۸)

۴-راستش برخلاف گفته برخی دوستان من از اونگان و کلا مجموعه اش خیلی خوشم نیومد هر چند دکتر احترام به من گذاشت ولي بعد از معاینه پسر من و انجام تست توبرکولین يك واکسن انقولانزا هم به هر سه ما زد ولي منشی حساب دو واکسن و يك تست براي پسر من کرد به او گفتم که يك واکسن زده شده ولي گفت نه دو تا بوده که قاط زد دکتر صدا کرد من از دکتر پرسیدم دکتر جان شما يك واکسن زدید ولي دکتر تو چشم نگاه کرد و گفت نه دو تا زدم لازم به ذکر است بنده کنار پسر من بودم و از علم طب اطلاعات کامل دارم و خواستم پیگیری کنم که به اشارتی از همسر کوتاه آمده و سرمو انداختم پایین و ۵۲۰ دلار پرداخت نمودم

۵-تست توبرکولین اگر بیش از يك سانتیمتر باشد فرزندان براي عکس سینه خواهد رفت که البته براي ما اتفاق نیوفتاد و اگر هم عکس مشکوک باشد براي فرزند جواب معاینه داده نخواهد شد وگفته خواهد شد سه ماه دارو خورده مراجعه مجدد کند ولي نگران نباشید یکی از دوستان این بلا سرش اومد و نقص مدرک خورد و مقرر شد بعد از کلیرنس معاینه فنی کودک را بیاورد

۶-همه کارهای مدیکال را خودتان میتوانید انجام دهید و از دادن پول به چند نفر که اونجا خودشونو دکتر و مهندس و وکیل معرفی میکنند بپرهیزید

مصاحبه

۱- من برگه آبی را همون اول در پرونده خود دیدم

۲-آفیسر خانم بسیار خوب و مودب و باکلاسی بود که همون اول با سلام و خوشامد گویی بسیار گرم بسیاری از استرس ها را کم میکند قبلاز هر چیز من اصلاحیه داشتم که گفتم و با توجه به اینکه قبلا هم این اصلاحیه را ایمیل زده بودم احساس کردم خیلی برآش مهم نبود

من کارت واکسن کودکیم رو بردم پیش خانوم طاهر نژاد و چون کامل بود ایشون فقط آنفولانزا و دیفتری کزاز بهم زدن بقیه رو هم تاریخ واقعی رو برام زدن. دیفتری کزاز هم رایگانه، کلا تو برگه واکسنم اینها درج شده بود:
DT/DTP, Td, MMR, Rubella(MR), Hepatitis B, Influnza, BCG
دست خانوم دکتر طاهر نژاد درد نکنه خیلی خانوم متین، با حوصله و واقعا کمک بزرگی هستند البته من ابله گرفته بودم و خانوم دکتر نه از من تست گرفتن نه واکسن زدند که مجبور شدم برم آزمایشگاه پاتوبیولوژی مرکزی بالا تر از پارک وی که معتبرترین آزمایشگاه ایرانه اگه اشتباه نکنم، اونجا تست آنتی بادی دادم که کلا هزینهش 12000 تومن شد که بهشون گفتم برای سفارت می خام لطفا انگلیسی بنویسید و مهر کنید. تو آنکارا به خانوم من رو معاینه کرد که فکر کنم خانوم اونگان بود خوشبختانه هیچ واکسنی بهم نزد با اینکه تاریخ های درج شده تو کارتم 1992، 2002، حتی 1988 داشت. پس شایعات درباره اونگان هم غلطه !!!

بلیط هواپیما :

من مصاحبه جمعه بود و با ترکیش اودمدم، اگر با پرواز مستقیم میومدم باید یکشنبه میومدم و شنبه میرفتم ولی من با پرواز غیر مستقیم اودمدم که 100 تومن گرون تر بود ولی از اون طرف سه شنبه اودمدم و شنبه برگشتم، یعنی 2 روز کمتر تو آنکارای سرد می موندم و 2 روز هزینه هتل نمی دادم که نه تنها 100 تومن اضافه بلیط رو می پوشوند بلکه بیش از 150 تومن هم به نفعم می شد ! هواپیمای هم خیلی خوب بود جای باز برای صندلی ها و هر صندلی یک LCD که فیلم و موزیک و بازی و ... داشت مثل امارات که من از ترکیش انتظار نداشتم.

پرواز و رزرو هتل و مدیکال :

از شانس من هوا تو استانبول افتتاح بود و پرواز من تاخیر 4 ساعته داشت و با اینکه پرواز دوم من به آنکارا 4 ساعت دیر تر از زمان نشست پرواز اول به صورت نرمال فاصله داشت من به پرواز دوم نرسیدم و با پرواز بعدیش رفتم. چمدون هام گم شد ! که من با مراجعه به دفتر ترکیش و پر کردن یک فرم و دادن آدرس هتل ددمان به سمت هتل رفتم. تو فرودگاه با چند نفر ترک آشنا شدم که اونا لطف کردن و منو تا هتل رساندن. من تصمیم داشتم شخصا هتل رو از خودشون بگیرم که کار بسیار آستباهی کردم، ددمان اتاق تموم کرده بود !!! تازه خیلی گرون تر هم میداد (کلا همه هتل ها گرون تر بودن) حالا فکرشو بکنین چمدون های من هم قرار بود بیاد هتل ددمان ! اعصابم خورد شده بود میخواستم کلم رو گاز بگیرم !!! تو اون سرما، آواره بدون ساک، تصورش رو بکن من از ساعت 1 شب به وقت تهران که رفتم فرودگاه امام تا 1:30 ظهر به وقت آنکارا یک لباس دائم تنم بود !! حالا ساعت 2 شده و من برای ساعت 11 صبح وقت دکتر داشتم، بدو بدو رفتم، از چند تا ترک آدرس پرسیدم که دست اونا هم درد نکنه منو تا مطب رساندن !!!!! کلا این ترکا خیلی بهم حال دادن ! منشی دکتر با یکمی غر قبول کرد منو و دکتر هم که هیچ آمپولی بهم نزد، صورتم هم که خیلی داغون بود گفتم نکنه فکر کنه من معتادم ! گفتم الان 36 ساعته نخوابیدم و... که کارم تموم شد گفت حالا ووقت داری 36 ساعت بخوابی، منم اودمدم بیرون. بعد تموم شدن کار گفت فردا نتایج آماده هست.

از دکتر رفتم به آژانس روی بروی هتل ددمان و آنکارا پلازا رو شبی 75 دلار رزرو کردم و واقعا!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!! هتل عالی بود، اول از همه که نو ساز بود، بعدش چای ساز با مقدار نا محدود چای، قهوه، آب معدنی، سونا و جکوزی، صبحانه واقعا خوبو از همه مهم تر مدیریت خوب جوری که وقتی فهمید ما می خوام شب رو به جشن کوچیک بگیریم، کل سالن اجتماعات رو در بست داد به ما !!! به نظر من که خیلی از ددمان بهتر بود. البته با گفته هایی که از ددمان شنیدم مقایسه کردم.

تو هتل هم با یه سری بچه های لاتاری آشنا شدم و یک اکیپ 12 نفره شدیم که باعث شد سفر به من خوش بگذره.

مصاحبه :

اول اینکه از ما 440 دلار گرفتن ! من چیزی درباره زبان مصاحبه بهشون نگفتم، چون دیدم با همه فارسی مصاحبه می کنن ولی با من انگلیسی مصاحبه کرد که منم انگلیسی حرف زدم. اشتباه من این بود که مدارک مالی زیادی بهشون دادم، اول ازم پرسید کار میکنی که گفتم نه، بعد گفت پس اینهمه مالو اموال رو از کجا آوردی که منم گفتم. بعد به سوالی پرسید که کلا RESET شدم !!! گفت تو با این تحصیلات تو این دانشگاه و این مال و اموال اصلا لازم نیست بیای آمریکا !!! همینجا زندگی خوبی داری !!!! منم تته پته شروع کردم از اینکه بابا تو ایران کی به تحصیل نگاه میکنه و ... تا اینکه یه لحظه تنها کلمه ای که به ذهنم رسید شایسته سالاری بود !! حالا من چمدونم به انگلیسی شایسته سالاری چی میشه !!! خلاصه بعد از کلی من ازش اجازه گرفتم فارسی این کلمه رو بگم.

خلاصه در آخر آفیسر بهم برگه آبی داد ولی حرفی از فرم 9 سوالی نزد، ولی الان که دارم این سفر نامه رو می نویسم 1 هفته هست که فرم رو برام فرستادن و من هم جواب دادم و اونا هم تو یک ایمیل دیگه گفتم جواباتو گرفتیم، مرسی و بقیه روند اداری بر اساس این اطلاعات انجام میشه.

اینم از سفر عجیب غریب من، ولی خاطرات جالبی برام شد. اگه سوالی دارین من در خدمتم



عضو فعال



ارسالها: 64

تاریخ عضویت: Oct 2010

رتبه: 1

تشکر: 1735

560 بار تشکر شده در 60 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا



سلام

خب بالاخره سفرنامه ام رو نوشتم تقریباً 10 ماه سال گذشته بود که عضو مهاجرسرا شدم، میخواستم برای قرعه کشی 2012 ثبت نام کنم و داشتم درباره نحوه ی صحیح پر کردن فرم ثبت نام تحقیق میکردمبه کمک مهاجر سرا ثبت نام کردم بدون کوچکترین ایراد و اشتباهی از اون موقع همیشه به مهاجرسرا سر میزدم و پست های بچه های 2011 رو میخواندم.....لذت بخش ترین قسمت ، سفرنامه ها بود که من مشتری پروپاقرص اش بودم.....مدام با خودم فکر میکردم یعنی میشه سال آینده منم همین مسیر رو طی کنم؟ به این نکته هم اشاره کنم که چندین و چند سال بود که میخواستم برای لاتری ثبت نام کنم ولی چون مشکل سربازی داشتم به خودم این اجازه رو

نمیدادم ولی امسال که احتمال میدادم معاف بشم ثبت نام کردم و
دور اول نتایج قرعه کشی اعلام شد ولی اسم من نبود : (بعداً متوجه شدیم که نتایج باطل شده و قراره دوباره قرعه کشی بشه و
اما نکته ی جالب اینه که وقتی من برای بار دوم سایت لاتری رو چک کردم 2 ماه بود که نتایج جدید رو اعلام کرده بودن 🙄 خلاصه اینکه 2 ماه دیر متوجه شدم که برنده شدم.
از همون روز استرس شروع شد...نکنه دیر شده باشه.....نکنه دیگه کیس من به جریان نیوفته و هزار تا فکر و خیال دیگه

خیلی سریع البته با حداکثر دقت فرم ها رو پر کردم و به همراه 2 قطعه عکس برای KCC ارسال کردم، برای فرستادن DHL رو انتخاب کردم و 75000 تومن هم هزینه اش شد (اینجا میتونید مراحل ی که بسته طی کرده تا به مقصد برسه رو ببینید)
یک هفته ی بعد هم به KCC ایمیل زدم و از رسیدن فرم ها مطمئن شدم

چون کیس نامبرم پایین بود خیلی زود کارت شده بودم ولی چون من دیر متوجه شده بودم و فرم ها رو ارسال نکرده بودم با وجود کارت بودن ، نوبت مصاحبه بهم نداده بودن
ولی به مدت که از ارسال فرم ها گذشت KCC بهم ایمیل داد و تاریخ مصاحبه ام مشخص شد.....این ایمیل واقعاً برام خوشحال کننده بود چون فهمیدم که کیس ام به جزایان افتاده

شروع کردم به آماده کردن مدارک مورد نیاز:
شناسنامه ، کارت ملی ، مدرک دیپلم ، پیش دانشگاهی و کارت معافی سربازی رو دادم برای ترجمه که تقریباً 55000 تومن شد و خود دارالترجمه تایید دادگستری رو هم گرفته بود
بعد نوبت کارت واکسن بین المللی شد..... مرکز هلال احمر داخل خیابان سعادت آباد (اصفهان) کارت واکسن ارائه میکنه
من واکسن هیپاتیت ب رو زده بودم ولی گفتن یک یادآور باید بزنی
برای سربازی هم دیفتری گزار و مننژیت رو هم زده بودم ولی مننژیت رو قبول نکردن و گفتن این مننژیت با اون مننژیت فرق داره (راست و دروغش پای خودشون)
انفولانزا و یادآور هیپاتیت ب و مننژیت رو در هلال احمر بهم تزریق کردن و کارت رو مهرکردن
ضمناً چون اونجا مهر دیفتری گزار رو ندارن باید به درمانگاه ملا هادی سبزواری میرفتم تا کارت رو مهر کنن
برای واکسن mmm هم به دکتر افق داخل خیابون آمادگاه مراجعه کردم
در نهایت کارت کامل شد (اینجا میتونید تصویر کارت واکسن من رو ببینید)

نوبت به تهیه مدارک مالی رسید:
به حساب نسبتاً قدیمی تو بانک پاسارگار داشتم
25 میلیون به حسابم انتقال دادم و از بانک درخواست گواهی حساب کردم
درخواست باید به صورت کتبی و با دست خط خودتون باشه ، در خواست من به این شکل بود: گواهی بانکی لاتین شامل مانده ی حساب ، تاریخ افتتاح حساب ، معادل دلاری موجودی
مسئول بانک گفت 1 هفته طول میکشه ولی 3 روزه آماده شد..... 5000 تومن هم هزینه بابت اش از من گرفتن!! (اینجا میتونید تصویر گواهی بانک رو ببینید)
عموماً هم فرم های اسپانسر رو برام پر کردن و با فرم ها مالیاتی و کپی پاسپورت شون و ... رو برام ارسال کردن

مدارک کامل شده بودن و تقریباً 20 روز قبل از مصاحبه با DHL ارسالشون کردم برای سفارت ، هزینه هم 55000 تومن شد (اینجا میتونید مراحل ی که بسته طی کرده تا به مقصد برسه رو ببینید)
مدارک شامل :ترجمه ها + کپی از تمام صفحات پاسپورت + کپی گواهی حساب مهمور به مهر بانک(ترجیح دادم اصلش رو روز مصاحبه بهشون بدم) + 2 قطعه عکس جدید + فرمهای مخصوص سفارت

تهیه بلیط:

روزی که من مصاحبه داشتم بدبختانه وسط امتحانات پایان ترم دانشگاه بود
به همین خاطر پرواز مستقیم تهران-انکارا به برنامه ی من نمیخورد....مجبور شدم با پرواز غیر مستقیم برم آنکار تهران-استانبول-آنکارا با ترکیش به همین مناسبت بجای 350 ، 600 تومن هزینه ی بلیطم شد
دوستانی که مثل من به هر دلیلی با تاریخ مصاحبه شون مشکل دارن و نمیتونن با پرواز های مستقیم برن آنکارا میتونن از همین روش استفاده کنن(ترکیش از تهران به استانبول هر روز پرواز داره و استانبول به آنکارا هم هر یکی دو ساعت) فقط 2 تا ایراد داره: اول هزینه ، دوم هم خستگی در عوض اینطوری هر روز هفته که بخواید میتونید از تهران برین آنکارا

جهت اطلاع دوستان برنامه پرواز های مستقیم تهران-انکارا به اینصورت هستش: (تا اطلاع ثانوی)
ترکیش رفت: چهارشنبه-پنجشنبه-یکشنبه برگشت:سه شنبه-چهارشنبه-شنبه
ایران ایر رفت و برگشت: دوشنبه و پنج شنبه

هتل:

هتل های زیادی رو بررسی کردم...از هیلتن و هیوستن گرفته تا سورملی و ددمان و آنکارا پلازا و.....
با آژانس جزیره بهشت تهران تماس گرفتم که اتاق 2 نفره هتل هیلتن رو شبی 117 دلار قیمت دادن ولی چون گفتن اصلاً تخفیف نمیدیم ما هم منصرف شدیم
در نهایت یکی از آژانس های اصفهان برامون هتل سورملی (surmeli hotel)رو به قیمت شبی 90 دلار گرفت (اتاق دابل)

خانواده ام هم به همراه من میامدن آنکارا البته در ادامه هم میرفتن استانبول که من به دلیل امتحانات لعنتی مجبور بودم برگردم ایران) :
از فرودگاه تا هتل 65 لیر کرایه تاکسی شد.....به شدت هم برف میبارید
تقریباً ساعت 11 صبح رسیدیم هتل ولی بدون مشکل ما رو پذیرفتن بدون هزینه ی اضافی (بعضاً هتل ها برای یرلی چک-این هزینه اضافه میگیرن) اتاق هامون رو تحویل دادن

هتل خوب ، تر تمیز و ساکتی بود کارکنان هم انگلیسی بلد نبودن طبق معمول البته بجز رسپشن که اونها هم فقط کمی اونم دست و پا شکسته اتاق های نسبتاً بزرگ و تمیز ، ایرکاندیشن با امکان تنظیم درجه حرارت هر اتاق به صورت مجزا ، سشوار داخل دستشویی موجود بود.....کتری برقی نبود ، سیف باکس هم هرچقدر من گشتم پیدا نکردم + صبحانه خوب و کامل ، اینترنت بیسیم و مجانی طبقه ی پایین هم بیزنس سنتر داشتن با 2 تا کامپیوتر و پرینتر که مجانی میتونستیم استفاده کنیم خلاصه به نظرم با این قیمت هتل خیلی خوبی بود

هتل تقریباً 2 دقیقاً پیاده تا ایستگاه مترو (ایستگاه **Sihhiye**) فاصله داره که خیلی خوبه خیابون های اطراف هم پر از رستوران ها و فروشگاه های مختلف هستش

مدیکال:

برای همون روزی که میرسیمد انکارا وقت گرفته بودم از دکتر ساعت 11:30 از هتل اومدم بیرون و سوار تاکسی شدم و روی یک تیکه کاغذ نوشتم **Kugulu park** و به راننده نشون دادم مطب دکتر (نقشه) تقریباً نزدیک پارک قوه هستش در صورتی که با تاکسی میرید بهترین روش اینکه اول با تاکسی برید پارک قو و پیاده بشین و خودتون مطب رو پیدا کنید

میتونید هم به راننده بگید **DUZEN LAB** ولی مشکل اینه که بعضی از راننده ها لابراتوار دوزن رو بلد نیستن بالاخره لابراتوار دوزن رو پیدا کردم و رفتم طبقه 4 ام اونجا خانم منشی رو زیارت کردم.....همزمان به سه زیون فارسی و ترکی و انگلیسی صحبت میکنه،



نکته ی جالب اینکه به سختی همیشه تشخیص داد که الان داره فارسی صحبت میکنه یا انگلیسی یا شایدم ترکی 😊 پاسپورت و 1 عکس پشت نویسی شده و پرینت نویسی که گرفته بودم و پرینت نامه ی قبولی که تاریخ مصاحبه رو هم شامل میشد رو دادم بهش روی یک کاغذ به چیزایی نوشت و داد بهم و گفت برو طبقه 5ام

رفتم طبقه 5ام و اونجا پاسپورت و نامه ی قبولی و 1 عکس + 47.5 دلار ازم گرفت آزمایشگاه خیلی خلوت بود.....همون موقع صدام زد و نمونه خون گرفتن بعد هم بلافاصله عکس از قفسه ی سینه و تمام برگشتم طبقه ی 4ام خانم منشی بهم گفت بعد از ظهر ساعت 6 بیا برای معاینه ی دکتر



این مرحله خیلی سریع انجام شد کلاً شاید 5 دقیقه هم طول نکشید 😊 خیلی خسته بودم از دیشب که اصفهان تا تهران رو رانندگی کرده بودم و بعد هم پرواز تهران-استانبول و بعدش هم استانبول-انکارا + معطلی های داخل فرودگاه و بین پرواز ها و

سوار تاکسی شدم و برگشتم هتل..... تقریباً 10 لیر همیشه فاصله ی مطب دکتر تا هتل سورملی

رفتم بیرون ناهار خوردیم و برگشتم هتل و از خستگی بیهوش شدم

ساعت 6 دوباره رفتم مطب دکتر برای معاینه.....حدوداً نیم ساعت طول کشید تا نوبت من بشه.....اون روز هم خود دکتر اونگان بود هم خانم اش با وجود اینکه بچگی آبله مرغون گرفته بودم ولی تصمیم داشتم که اگه دکتر ازم پرسید بهش بگم تا حالا نگرفتم که واکسنش رو بهم بزنه چون وقت اینکه تست آنتی بادی بدم رو نداشتم

منشی صدام زد و کارت واکسنم رو گرفت و راهنماییم کرد به سمت اتاق آقای دکتر اونگان....وارد اتاق شدم و نشستم روی صندلی و سلام کردم



یهو شروع کرد به چیزای به ترکی گفتن که من شدیداً متعجب شدم بعد گفت آهان شما ایرانی هستین سوالاتش رو شروع کرد:میزان تحصیلات؟ رشته ی تحصیلی؟ قد؟ وزن؟ بیماری مادر زادی؟ سیگار؟ الکل؟ عمل جراحی؟ و

حالا اون هی به فارسی سوال میپرسید منم هی به انگلیسی جواب میدادم ، تا آخر هم مکالمه مون به همین شکل بود بعد گفت برو روی تخترفتم روی تخت و دکتر با گوشی ضربان قلبم رو چک کرد و بعد هم گفت نفس عمیق بکش و هیچ واکسنی هم بهم نزد و تمام

هیچ سوالی هم درباره ی آبله مرغون نپرسید منم چیزی نگفتم.....کلاً 2-3 دقیقه طول کشید این مرحله

بعد برگشتم پیش منشی و 70 دلار ازم گرفت و گفت فردا ساعت 3 بیا نتایج رو بگیر

فردا هم رفتم و نتایج که داخل 1 پاکت بود به همراه 1 سیدی رو گرفتم

خانم منشی گفت پاکت رو تحویل سفارت میدی و سیدی رو میری آمریکا تو فرودگاه تحویل میدی

مصاحبه:

مثل اکثر دوستان منم صبح ساعت 8:30 وقت مصاحبه داشتم

رفتم صبحانه خوردم و لباس پوشیدم و مدارکم رو چک کردم و ساعت 7:15 بود از هتل اومدم بیرون

سوار تاکسی شدم و روی کاغذ نوشتم **Amerikan Buyukelcilig** و دادم به راننده و منو برد صاف جلوی در سفارت پیاده کرد و 10 لیر هم گرفت 1 نکته ای رو بگم که خیابون های انکارا اکثراً یکطرفه هستن بنابراین اگه یکمی مسیر طولانی شد فکر نکنید که راننده داره شما رو دور شهر میچرخونه که بیشتر کرایه بگیره

درب ورودی سفارت ، داخل خیابان پاریس هستش(نقشه)

دو تا صف اونجا بود و چند نفری هم زودتر از من رسیده بودن ، رفتم داخل صف گرین کارتیی ها و منتظر شدم.....هوا هم خیلی سرد بود

تقریباً ساعت 8 بود که نهبانان اومدن و پاسپورت ها رو جمع کردن و بردن داخل چک کردن.....بعد برگشتن و پاسپورتها رو تحویل دادن و مراجعین رو چند نفر چند نفر به داخل سفارت هدایت میکردن ضمناً من که پارتی بازی ندیدم ، همه رو به همون ترتیبی که تو صف ایستاده بودن میفرستادن داخل

داخل سفارت دوباره 1 صف درست میشد و به ترتیب افراد وارد اتاق بعدی میشدن که کیف و کت و کاپشن ها رو چک میکردن و اگر وسیله ی الکترونیکی داشتیم میگرفتن

از این اتاق که خارج میشدیم 1 حیاط کوچیک بود که اونجا هم دوباره صف بود

حالا یکی یکی افراد وارد سالن میشدن و اون خانمی که فارسی خوب بلده اصل مدارک رو میگرفت و نوبت میداد

بالاخره نوبت من شد و وارد سالن شدم و همون خانم که فارسی بلده اصل پاسپورت ، اصل شناسنامه ، اصل کارت ملی ، اصل گواهی بانک ، اصل آخرین مدرک تحصیلی(پیش دانشگاهی) رو ازم گرفت و گفت 2 تا عکس که من گفتم قبلاً فرستادن بعد هم پرسید فارسی یا انگلیسی که من فارسی رو انتخاب کردم

بهم نوبت داد و وارد سالن اصلی شدم

همون سالنی که شبیه به بانکه با 1 سری صندلی که پشت به باجه ها قرار دارن

شماره ها به ترتیب اعلام میشدن ولی وقتی باید شماره من اعلام میشد یهو شماره ی بعد از من اعلام شد ، از اونجایی که تو سفرنامه ی دوستان

خونده بودم که شماره ها به ترتیب اعلام نمیشن زیاد نگران نشدم
چند دقیقه گذشت ، همینطوری سرم رو برگردوندم که دیدم یکی از آفیسر ها یک خانمی (از مصاحبه شوندهگان) رو صدا زده و داره از پشت شیشه بهش
1 پاسپورت رو نشون میده ،

یکمی دقت کردم دیدم انگار عکس روی پاسپورت خیلی آشناس 😊 بیشتر دقت کردم دیدم بعـله پاسپورت منه.....سریع بلند شدم و رفتم پشت
باجه ، آفیسر هم کلی خوشحال شده بود که صاحب پاسپورت رو پیدا کرده، حالا هی از پشت شیشه یه چیزی میگفت ، یا میکروفن یا اسپیکر خاموش
بود و من صدایش رو نمیشنیدمبالاخره با مکافات متوجه شدم که میگه نامبر؟نامبر؟.....من پیش خودم فکر میکردم که کدوم نامبر رو میخواد این؟
نامبر نداشتیم آخه من هرچی بوده قبلاً براتون فرستادم یهو دوزاریم افتاد که منظورش همون شماره ای هست که دم در اون خانم بهم داده ، کاغذ ای
که شماره روش نوشته شده بود رو از زیر شیشه دادم بهش و گفت برو بشین تا صدات کنیم.....نمیدونم چرا اون موقع اصلاً استرس نداشتیم
رفتم نشستم و منتظر شدم.....این دفعه از بلندگو اسمم رو خوندن باید میرفتم برای انگشت نگاری اونجا 1 خانم خیـلی خیلی پر انرژی بود
ازم پرسید که انگلیسی بلدی گفتم اره بعد برام توضیح داد که چطوری انگشتها رو روی اسکنر قرار بدم.....انگشت نگاری تمام شد و اون خانم گفت
معذرت میخوام اگه اسمتون رو درست نگفتم و توضیح داد که 1 مشکلی برای شماره ی من پیش اومده ظاهراً شماره ی من رو کم کرده بودن ، بعد
هم شماره ام رو از زیر شیشه بهم پس داد و گفت منتظر باش

اینبار دیگه با موفقیت شماره ی من روی مانیتور اعلام شد و رفتم و 820 دلار بی زبون رو تحویل دادم و 1 دلار بهم پس دادن
کمی منتظر شدم تا شماره ام برای مصاحبه اعلام شد.....رفتم دم باجه ، آفیسر خانم جوانی بود.....سلام کردم اونم سلام کرد و صبح بخیر گفت...گفت
دست راستت رو ببر بالا و تکرار کن هرآنچه در این مصاحبه میگویم و در فرمها گفته ام حقیقت دارد (نقل به مضمون)
1 نکته ای رو بگم ، درسته که بین شما و آفیسر شیشه هست ولی نیازی نیست که داد بکشید ، جلوی شما میکروفون و اسپیکر وجود داره و به
راحتی هم شما صدای آفیسر رو میشنوید و هم آفیسر صدای شما رو
بعد از اینکه قسم خوردم فرمهایی که قبلاً ارسال کرده بودم رو از زیر شیشه بهم داد و گفت امضاء کن...امضا کردم
بعد پرسید شما در چه رشته ای درس میخوانید؟ جواب دادم ولی متوجه نشد انگلیسی گفتم بعد گفت اوکی
پرسید کدوم دانشگاه میرید؟ جواب دادم
بعد پرسید شما در آمریکا فامیل دارید؟ گفتم بله عمو ام اونجا هستن
پرسید شما تو اون فرم(همون فرم مخصوص سفارت) به ما آدرس آمریکا دادین؟ منم گفتم بله آدرس آمریکا دادم
گفت برای چی میخوای بری آمریکا؟ گفتم میخوام برم درس رو ادامه بدم، کار کنم، زندگی کنم.....جمله ام تموم نشده بود که گفت کدوم دانشگاه؟کدوم
دانشگاه؟ کمی تعجب کردم چون اصلاً احتمال نمیدادم ازم همچین سوالی بشه
گفتم هنوز نمیدونم ولی قطعاً میرم ایالت جورجیا پیش عموم
بعد شروع کرد هی فرم ها رو ورق زدن و تایپ کردن تو کامپیوترش

بعد گفت خب شما مدارکتون کامله ولی 1 پروسه ی اداره دارین که باید طی بشه.....بدجوری ضدحال خوردم 😞 چون واقعاً انتظار ویزای 1ضرب
داشتم

سریازی معاف شده بودم....سفر خارجی نداشتیم.... رشته ی دانشگاهیه غیرحساس....هیچوقت شاغل نبودم
راستی اینم بگم که آفیسر درباره ی اسپانسر هیچ سوالی نپرسید منم ترجیح دادم چیزی نگم..... ولی شاید اگه فرمهای اسپانسر رو تحویل داده بودم

بهم ویزای 1ضرب میدادن ، شاید نمیدادن 😊
خلاصه برگه آبی رو بهم داد.....اینقدر شدت ضد حال زیاد بود که متوجه نشدم این برگه آبی رو از داخل پرونده ام دراورد یا از جای دیگه

به هر صورت منم به صف منتظران کلیرنس پیوستم 😞
و چند روز پیش هم بالاخره بعد از 74 روز (البته اگر تعطیلی سفارت رو در نظر بگیریم 49 روز) کلیر شدم

چند نکته:

- 1-دوستانی که برای مصاحبه تشریف میبرید حتماً به تعطیلیها دقت کنید که دچار مشکل نشید(اینجا)
- 2 همواره سمت راست صفحه ویزای مهاجرتیه سایت سفارت رو مطالعه کنید که از آخرین اخبار مطلع باشید (اینجا)
- 3-برای ارتباط با سفارت از این ایمیل استفاده کنید: **CA-Ankara@state.gov**
- 4-بلیط مترو 1.75 لیر هست....مسیر حرکت مترو رو اینجا میتونید ببینید
- 5-سفارت فقط روزهای دوشنبه تا پنج شنبه باز هست(یعنی جمعه ، شنبه و یکشنبه تعطیل هستن)
- 6-مطب دکتر یکشنبه ها تعطیله و شنبه ها هم فقط تا ظهر باز هستن
- 7-ups فقط یکشنبه ها تعطیل هستش (اینو 100% مطمئن نیستم)
- 8- طبقه ی آخر فرودگاه آنکارا یک صرافی هست چسبیده به دفتر ایران ایر البته برای چنج کردن 4% کمسیون میگیره
- 9- داخل بانک ها میتونید به راحتی دلار رو با لیر چنج کنید فقط پاسپورت نیاز هست که به نظر من امنیت اش از صرافی ها بیشتره ضمن اینکه اینطور که
من دقت کردم بانک با ریت بهتری نسبت به صرافی چنج میکنه
- 10-برای اطلاع از مراکز خرید ، سفرنامه ی خانم های مهاجرسرا یا سفرنامه ی آقایان متاهل رو مطالعه کنید 😊

دوستان سوالی داشتین همینجا یا پیام خصوصی در خدمتون هستم

////////////////

همینجا میخوام از باعث و بانی این سایت ، تمامی مدیران ، همکاران و تمامی کاربران عزیز از صمیم قلب تشکر کنم....امیدوارم که همیشه سلامت و
موفق باشید

ارسالها: 431
تاریخ عضویت: May 2010
رتبه: 4
تشکر: 448
2315 بار تشکر شده در 391 پست

 **hoseyn**
عضو با سابقه


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام به همه دوستان!

من از آنکارا براتون می نویسم.
چون حافظه ام ضعیفه مجبورم داغ داغ بنویسم که چیزی از دست نره.

1- فرودگاه امام

- اوضاع پارکینگ ماشا... است. یعنی دیگه ماشین را در پارکینگ روباز 3 که جدیدا گسترش داده اند و تقریبا نزدیک حسن آباد میشه(!) گذاشتم.
- اگه در خصوص 1 رداخت هزینه های ارز توی شعب سطح شهر اذیت شدید، باید بگم که عوضش گرفتن دلار توی سالن ترانزیت عالی بود. اصلن باور نکردنی. زیرزمین سمتی که نمازخانه هست، شعب بانک مرتبط با تمام قوا ارز را می دادند. من ساعت 3 نصفه شب گرفتم. دمشون گرم. ضمنا قبل از ضرب مهر خروجی در شعبه بانک فرودگاه میشد ریال 1 رداخت و حواله گرفت و برد توی سالن ترانزیت و دلار را گرفت.
- هیچ کاری به میزان ارز همراه ندارند. حتی اگه اشتباه نکنم تابلوی کدایی 5000 دلار هم نبود!
- پرواز ایران ایر با ایرباس 320 و راس ساعت مقرر پرید. فقط صندلی ها تنگ، صبحانه معمولی ولی هوا 1 ما دست دوم جدیدا از نمی دونم کدوم کشور آمریکای لاتین خریداری شده.
- البته بگم که دیگه این ساعت (5 صبح) پرواز نمی گیرم. یک شب آدم از بین میره. الان توی هیروتم و دارم این خزعبلات را قلمی می کنم. اگه ایراد داره اغماض بفرمایید.

2- آنکارا

- اینها الان یک ساعت و نیم از ما عقبن و بنابراین ما ساعت 6 رسیدیم فرودگاه حسن بقا و با هاواش اومدیم havas terminal پیاده شدیم و تا هتل تاکسی گرفتیم.
- هتل *3 نزدیک میدان اولوس با یک ایمیل گرفتم شبی 51 یورو به اسم asalhotel.com که رنگ خیلی بالایی توی بوکینگ دات کام داشت. صبح تقریبا 8 رسیدیم هتل و با اینکه میدونستم اتاق نمی دهند رفتیم و ...
- گفتن 9 اتاق آماده است. و ما هم که می خواستیم بریم دکتر، گفتیم خوب چمدونها باشه ما خودمون میریم. که اصرار کردند برای صبحانه و ما هم صبحانه بد هواپیما را جبران کردیم.

3- مدیکال

- با اتوبوی EGO و 3 و نیم لیر کرایه برای 2 نفر (بچه ها مجانی) اومدیم کوگولو پارک خدمت دکتر.
- طبقه 4 دفتر دکتر. منشی خوش برخورد. مطب تقریبا خلوت. ما را فرستاد طبقه 5 برای آزمایش و عکس سینه.
- آزمایشگاه و عکس 90 دلار برای 2 نفر (بچه ها لازم نیست)
- آقای دکتر تشریف نداشتند. همسرشون ما را به انگلیسی معاینه کردند. کارت واکسن مان کامل بود. برای آبله هم ربون ریختیم و هر سه بدون واکسن 210 دلار.
- البته برای تست سل 60 دلار حساب کرد که بدلیل تعطیل بودن یکشنبه و اینکه دکتر باید روز سوم جاش را ببینه، قرار شد فردا 4 بعداز ظهر بریم و الخ...
- افرادی که با لیدر اومده بودند، چندان اولویتی نداشتند. شاید هم بدلیل خلوتی نمی شد حس کرد!
- از مطب تا میدان اولوس به دوازده و نیم لیره آمدیم و الان در حال موت هستیم...

باقی بقایتان
تا بعد.....

ارسالها: 431
تاریخ عضویت: May 2010
رتبه: 4
تشکر: 448
2315 بار تشکر شده در 391 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

مدتی این مثنوی تاخیر شد!
امروز از قونیه برگشتیم و به خاطر همین نتونستم شرح ماوقع روز جمعه در مطب دکتر اونگان را بگم که ادامه بند 3 سفرنامه است.

روز جمعه 4 بعداز ظهر رفتیم مطب دکتر برای تست سل دخترم. غلغله بود. فکرش را هم نمی کردم. طفلی دخترم می دونست خبرایی هست و لذا داشت از نگرانی پس می افتاد. نهایتا خانم دکتر یک تست سل زیر پوستی و یک واکسن آنفلونزا بهش زد و اشکش را درآورد! ما خودمون زده بودیم توی پاستور ولی برای دخترم نزدیک و فراموش شد و ...

4- قونیه

اولش با شیدا تور هماهنگ کردیم ولی زنگ زد هتل و معذرت خواهی که یک سری کنسل کردند و به حد نساب نرسیدیم و ... که خوب ما هم شنبه به نیت دیدن سماع، بعد از میل صبحانه راه افتادیم و رفتیم ایستگاه قطار آنکارا که بهش میگن Gar که تقریبا نزدیک ایستگاه مترو Ulus میشه. میخواستیم با قطار سریع السیر بریم که مسافت حدود 380 کیلومتری را 2 ساعته طی میکنه و 5 دفعه در روز حرکت داره. با این خیال خوش که بلیط میگیریم و ... ولی گفتن که ظرفیت 10 صبح تکمیل و 2 و نیم را گرفتیم (هر مسیر 20 لیر برای بزرگسال و 12.5 لیر برای بچه ها) و برگشت هم آخرین قطار که 9 از قونیه راه می افته و 11 میرسه آنکارا.
خلاصه رفتیم و حدود ساعت 5 رسیدیم مقبره مولانا و دیدیم که ای وای تعطیل داره میشه و هیچ جوهره راه نمی دادند -این دومین ضد حال- . گفتیم خوب قسمت نبوده بریم مرکز فرهنگی مولانا (mevlana cultur merkezi) برای دیدن سماع. فهمیدیم که سماع ساعت 9 شروع میشه همزمان با زمانی که ما باید سوار قطار برگشت بشیم- این سومیش-.
دوستان پس دقت کنند که با قطار که بهترین و ارزانترین وسیله است، همیشه یک روزه رفت قونیه. ضمنا جمعه ها هم سماع هست و ساعت 8 شب شروع میشه.
روبروی مرکز فرهنگی Hilton Garden Inn هتل داره و ما هم که همه چیز را باخته بودیم گفتیم علی ا... و رفتیم یک اتاق گرفتیم با چک و چونه به 195 لیر برای اون شب. بعد که رفتیم توش دیدم می ارزیده. سریع پریدم ایستگاه قطار تا بلیط را برای فردا عوض کنم که گفت با 10 صبح یا 9 شب راه میده. خیلی ستم بود. چون می خواستیم اون شب بریم سماع و فردا تا ظهر هم زیارت مقبره مولانا ضمن اینکه نمی خواستیم تا آخر شب هم علاف بشیم.

خلاصه با رییس ایستگاه که جوان بود و انگلیسی می دانست همه را کله هم ریختیم و تونست برامون توی دو جای جداگانه جا بگیره ساعت 2 و نیم. شب رفتیم سماع و جای همه خالی که چه شور و حرارتی داشت در یک سالن با گنجایش حدود 3000 نفر که مدور و استوانه است و اولش یک بابایی اومد مثل استاد دانشگاهها و مثلا مولوی شناس و مخ مون را نیم ساعت تیلیت کرد و زور زد که مولانا را ترک جا بزنه و بعدش هم چند بیت غلط غولوط خوند و معنی و تفسیر کرد و درباره فلسفه سماع داد سخن داد و سماع هم با زمزمه اشعار فارسی مولانا و آیات قران بسیا باصفا بود و بهتر میشد اگه درست می خوندد و یا اینکه خودشون می دونستند چی دارند می خوندد و فرداش هم مقبره مولانا که دیگه هرچه گویم عشق را شرح و بیان چون به عشق ایم خجل باشم از آن فقط یک نکته اینکه شبهای قونیه هوا خیلی کثیفه و دلیلش هم استفاده از ذغال سنگ برای گرمایش در طول شبیه که آدم توی محیط باز بوی دود میگیره! ولی نکته جالب اینکه روی تمام سقفها آبگرمکن خورشیدی هست و لذا در طول روز از شر دود راحتید و هوا عالی.

بخشید که طولانی شد. ولی چون در تجربیات سالهای قبل این موارد را ندیده بودم گفتم قونیه را مفصل بگم افرادی مثل ما که بدون تور می رند این بلاهایی که سر ما اومد سرشون نیاد....

یا هو...

ارسالها: 431
تاریخ عضویت: May 2010
رتبه: 4
تشکر: 448
2315 بار تشکر شده در 391 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

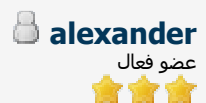
و اینم بخش آخر داستان ...

5- مصاحبه

- ما 8:30 دم در بودیم و چند نفر مهاجرتی غیر لاتاری که زودتر ازما اومده بودند هنوز منتظر.
- اول تمام ترکهای توریستی و ... را بردند تو، تا ساعت 9:30 توی سرما ما را منتظر نگه داشتند.
- قبل از اینکه ما بریم تو، یک خانم و آقای ایرانی با کیس لاتاری با قیافه مغموم اومدند بیرون و گفتند: " آفیسر گفته باید اصل مدارک را 15 روز قبل می فرستادید نه فقط ترجمه ها، لذا مدارک را گرفتند و گفتند برید فردا بیاید" (!!!!!!!)
- من هرچی فکر کردم این قضیه قابل فهم نبود، چون کوربرها اصل مدرک قبول نمی کنند. با خودم گفتم حتما یک ایراد دیگه ای بوده و این دوستان متوجه نشدند. یا مثلا سرشون شلوع بوده و این بندگان خدا را پیچوندند تا کمی وقت بخرند و ... به هر حال کمی نگرانمون کرد.
- بالاخره افتیم تو و همون فضایی که دوستان باها به خوبی شرح داده بودند. اول خانمی که اصل مدارک را میگیره و شماره میده (روبروی UPS) بعد سالن انتظار که من نمی دونم اگه تعمیر و بازسازی شده اش اینه، قبلا چی بوده!
- شماره ما را 4 بار صدا زدند (!) که یکی اش واقعا الکی بود. یعنی یک خانمی که خیلی گیج می زد، گفت ترجمه شناسنامه ندادید که گفتیم فرستادیم و دیدیم توی بسته ارسالی هست و ایشون غاطی کرده و چند تا چیز دیگه که هر دفعه بهش نشون دادیم. کپی های پاسپورت و چندتا چیز دیگه را بهمون پس داد و ... بسته هم 2 هفته زودتر بهشون رسیده بود ولی در جواب ایمیل ما هیچی دال بر تایید رسیدن نگفته بودند!
- بعد از چند دقیقه انگشت نگاری
- بعدش 3*440 دلار هزینه
- نهایتا دیگه سالن تقریبا خالی شده بود که صدا زد برای مصاحبه. باید بگم ویزاهای توریستی ترکها را مثل برق راه می انداختند. مصاحبه ما که مصاحبه نمی شد بهش گفت. یک آقای جوون آمریکایی خوش تیپ با کله ماشین شده با ماشین 4 و ریشی که با مزه آنکارا شده و بسیار خوش اخلاق و مودب.
- اول قسم خوردیم.
- بعد به خانمم که برنده اصلی هست گفت: شما توی یک شرکت کار می کردید که توی کار سیگنالینگ قطارها بوده (دقیقا با هرچی مشکل داشت توی رومون گفت) خانمم توضیح داد و یک چیزهایی تایپ شد و
- بعد رو کرد به من که "شما سربازی 3پاه بودی. که چی؟" دقیقا با همین لحن!!! منظورش فکر کنم این بود که چیکار می کردی؟ منم درباره اجباری بودن سربازی و کارم توی معاونت مهندسی و ... خلاصه گفتم و اون تایپ مرد باز. بعد ادامه داد که توی یک شرکتی کار می کنی که درباره نیروگاه فعاله. گفتم بابا سد و نیروگاه برقاییه یک وقت فکر نکنه نیروگاه اتمی!!!!
- خلاصه همین گیرها را شفاف سازی کرد و تمام. نه حرفی از خصوصی و غیر خصوصی زد. نه حرفی از فرم 9 سوالی. فقط برگ آبی که از همون اولم توی پرونده دیده بودیمش و گفت 1 تا 2 ماه دیگهسایت را چک کنید و یکتیون بیاد ویزا را بگیره.
- خیلی رفع تکلیفی بود و آدم مشکوک میشه نکنه، سرکاریم و ... ولی خدا بزرگه و ما هم مثل بقیه دوستان منتظرالکلیر شدیم. البته تصور من این بود که خانم و دخترم ویزا میگیرن ولی اون هم اشتباه بود و

به هرحال داستان ما هم به این شکل به پیچ حساسش رسید و وارد یک مرحله سخت تر شد. امیدوارم که همه تون چه قبلیا و چه بعدیا با موفقیت این مرحله از زندگی و بقیه مراحلش را پشت سر بگذارید و عاقبت به خیر باشید.

ارسالها: 192
تاریخ عضویت: Oct 2011
رتبه: 2
تشکر: 800
989 بار تشکر شده در 177 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان
ما امروز بالاخره رسیدیم خونه ولی دست خالی + استرس پر کردن فرم 9 سوالی
هنوز که فرم را نفرستادند که نمی دونم طبیعیه یا نه؟ لطفا راهنمایی کنید
هتل ما ریکسوس بود که انصافا هم هتل خیلی خوبی بود.

مدیکال ما فکر کنم رکورد شکست 710 دلار برای 3 نفر . در صورتی که ما همه واکسنها را زده بودیم. به غیر از آبله مرغون
مصاحبه:

ما 7:45 رسیدیم و اولین کیس مهاجرتی بودیم مصاحبمون با همون آقای جوون ریش دار خیلی مودب بود. بعد از قسم از من پرسید دانشجویام؟ که من
جواب دادم نه

2- پرسید در چه زمینه ای از رشتت کار کردی؟ موضوع رسالت چی بوده؟ در آمریکا هم می خوای در همین زمینه کار کنی؟ گفتم بله
الان کار می کنی؟ که گفتم نه یعنی اصلا تا حالا من کار نکردم همین برام جالبه که چرا گفت فرم 9 سوالی می فرسته با وجود خانه دار بودن
از شوهرم علت معافیتش را پرسید
و خصوصی یا دولتی بودنش را که خوب کارش خصوصی بود
همین برگه آبی و قرار فرستادن فرم
خانم و آقایی هم با 2 تا بچه بودند که بعدا فهمیدم قرمز گرفتند ولی نمی دونم چرا؟

ارسالها: 22
تاریخ عضویت: Jan 2012
رتبه: 0
تشکر: 15
97 بار تشکر شده در 13 پست

 **tehran_iran**
عضو


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

(Apr-17-2012 07:09 AM) **کامیلا نوشته است:** _۴_ پیدا کردن یک پانسیون فوق العاده شیک و تمیز تنها با پرداخت شبی ۶۰ لیر. (اتاق دو تخت)

ممکنه لطفا اسم پانسیون و آدرسش رو بگید؟
ضمنا در مورد امکاناتش از جمله اینترنت و صبحانه و هم لطفا توضیح مختصری بگید.
ممنونم.

اینترنت تووووپ داره. اینجا وقتی با اتوبوس های بین شهری هم سفر کنی اینترنت پر سرعت داری. البته با اون قیمت های بالای سرویس حمل و نقلشون
باید هم اینطور باشه. ما تو ایران برای سفر به شهرستانمون که 300 کیلومتر با تهران فاصله داره 6000 تومن کرایه میدیم. اینجا برای اومدن به شهری با
همون فاصله 30 لیر دادیم!!!! بگذریم...

ادرس و بسایت پانسیون رو میدم خودتون همه جزئیات رو بخونید. 5 دقیقه پیاده تا کیزیلای. تازه یک ماهه که باز شده. شیک و تمیز و ارزون. فعلا داره مشتری
جذب میکنه. یکی از دوستان ما که ماه پیش رفته بود به ما معرفی کرد که کلی دعاش کردیم. شما هم ما رو دعا کنید!!!

<http://www.deepshostelankara.com>

دختر مهربونی مدیرشه که انگلیسی خوب حرف میزنه. اسمش شیدا هست. بر وزن پیدا!!!!
توی فیس بوک هم میتونید ادش کنید و کامنت های مسافرن قبلی رو بخونید. [size/]

ارسالها: 22
تاریخ عضویت: Jan 2012
رتبه: 0
تشکر: 15
97 بار تشکر شده در 13 پست

 **tehran_iran**
عضو


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

['quote='tehran_iran' pid='161698' dateline='1334644371']
['pid='161680' dateline='1334635772'='quote']
۴ پیدا کردن یک پانسیون فوق العاده شیک و تمیز تنها با پرداخت شبی ۶۰ لیر. (اتاق دو تخت)

ممکنه لطفا اسم پانسیون و آدرسش رو بگید؟
ضمنا در مورد امکاناتش از جمله اینترنت و صبحانه و هم لطفا توضیح مختصری بگید.
ممنونم.

دوستان در مورد فاصله پانسیون تا مطب و سفارت پرسیدند.
5 دقیقه تا کیزیلای پیاده میان و با اتوبوس هایی که زیر پل عابر برقی کنار گلروشی ها هست بلوار اتاتورکرو مستقیم میرید. 1.75 لیر هم بلیط
میخرید!! جلوی پارک قو پیاده شید. خود ترک ها هم میگن پارک قو! پس نگران ترجمه نباشید. مطب دکتر اون طرف پارکه!! ادرس دادیم کشته منو!

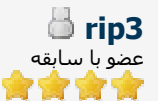


ارسالها: 82
تاریخ عضویت: Jul 2010
رتبه: 6
تشکر: 55
511 بار تشکر شده در 118 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

dr.sami(Apr-24-2012 12:34 PM) نوشته است: دوستان این پانسیون اطافاش خیلی محدوده من از 1 ماه ونیم قبلش خواستم رزرو کنم گفت 2 تخته جا نداریم

به جز این پانسیون یک پانسیون دیگر هم در اطراف کیزلای هست به اسم Ankara Han hostel که اتاق های اختصاصی با حمام هم دارد. البته من تا حالا آنجا نرفته ام ولی نباید جای بدی باشد.
به لینک زیر هم نگاهی بیندازید.
<http://mohajersara.com/thread-4308-post-...#pid163928>



ارسالها: 621
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 6
تشکر: 4498
3451 بار تشکر شده در 577 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

چقدر اینجا شبیه بحث سفر به ترکیه و ... شده 😊

از ابتدای پروسه لاتاری تا بحال به آب خوش از گلوم پایین نرفته . هیچکدوم از کارام بصورت عادی تموم نشده، همشون یا دقیقه 90 بودن یا با جنگ روانی و تنش خیلی زیاد تموم شده. اونم از ارز مسافرتی که شد 400 دلار (***) سفر به آنکارا هم بی نصیب نموند.
خودمم الان نمیدونم چطور آنکارا و توی هتل هستم. اول قرار بود خانوادگی بیایم که خانواده بعد از دو سه روز برن استانبول، همه کارامونو کردیم ، یک روز مونده به سفر نظر خانواده عوض میشه همه کارای من گره میخوره. طبق قانون دقیقه 90ام ووچر هتلتم که تغییر کرده بود و جریمه هم خورده بودم در لحظات آخر به دستم رسید . حتی سوار هواپیما شدنم هم دقیقه 90 شد و آخرین نفر سوار شدم 😊 (خدا عاقبتمو بخیر کنه)

والا از این سوگنامه که بگذریم الان بیوک ارشان هستم، همونطور که میدونید هتل تر و تمیزی نیست. ولی رسپشنش فارسی بلده (ارزش اینو وقتی اومدید آنکارا میفهمید) و پسر خوبیه. جایی که قرار گرفته رو خیلی دوست دارم. چند تا کافه ی توپ این پایین خیابون هست که یکیشون بوی کیکاش کل خیابونو و رداشته حتما توی این چند روزه واسه صبحونه بهشون سر میزنم.



سر خیابون یه سوپرمارکت پیدا کردم که اعداد انگلیسی رو میفهمید
هرچه تلاش کردم نقشه پیدا نکردم و البته به هیچکدوم از این برادران آنکارایی نتونستم بفهمونم که Map چی هست. از رسپشن هتل پرسیدم گفت 2 تا خیابون بالاتر چندتا کتابفروشی هست میتونی بخری.

اولین کاری که اینجا میکنید وقتی رسیدید توی خیابونا یه کم بتابید و چندتا از این سوپرمارکتای بزرگشونو برید توش و اجناسشونو رصد کنید تا قیمت مواد خوراکی دستتون بیاد . (چون توی سوپرمارکتای بزرگ قیمتارو مینویسن بالاش) تا اگه جایی خواستید چیزی بخرید تلکتون نکنند.

در مورد تلفن هم اگه ایرانسل دارید همون فرودگاه یه 20 تومن شارژش کنید و با *111*# رومینگشو فعال کنید. به ایران زنگ نزنید دقیقه ای 4000 تومن میشه. بزارید بهتون زنگ بززن (دقیقه ای 700 براتون میفته) . هر اس ام اسی که بدید 500 تومن و هر اس ام اسی که بگیرید 150 تومن.

در کل من که فکر نکنم زیاد بهم زنگ بززن که نگران هزینش باشم.

راستی هوای آنکارا فوق العادست، ما که با تی شرت بودیم . یه نسیم خیلی خنک میوزه

و اینکه در مورد اینکه توی فرودگاه کارت سربازی آقایون رو میبیند یا نه، باید خدمتون عرض کنم که از هر 10 نفر کارت سربازی 8 نفر رو میدیدن . پس

حتما همراهتون باشه

فعلا تا بعد

 mohsen66

عضو



ارسالها: 24

تاریخ عضویت: Jan 2011

رتبه: 0

تشکر: 171

62 بار تشکر شده در 20 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

من انکارام می‌دونید که سفارت تا ۲۰ اپریل جواب ایرانی ها رو نمی ده جنتا قیمت گرفتم

۱- هتل التیت ۵۰ دلار

۲- grane midyat hotel ۵۰ دلار

۳- hotel metropol ۵۰ دلار

۴- hotel ergn ۳۳ دلار

۵- dedeman ۱۴۰ دلار

۶- apart hotel best روبروی سفارت ۸۰ دلار برای ۱۰ روز

همه قیمتها برای یک نفر

ارسالها: 246

تاریخ عضویت: Dec 2011

رتبه: 1

تشکر: 2813

1431 بار تشکر شده در 234 پست

 کامیلا

عضو فعال



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

در مورد تلفن هم آگه ایرانسل دارید همون فرودگاه یه 20 تومن شارژش کنید و با *111*# رومینگشو فعال کنید. به ایران زنگ نزدیکه ای 4000 تومن میشه. بزارید بهتون زنگ بززن (دقیقه ای 700 براتون میفته) . هر اس ام اسی که بدید 500 تومن و هر اس ام اسی که بگیرید 150 تومن.

rip3 عزیز امیدوارم موفق باشید. یک سوال داشتم. آیا میتونید یه زحمتی بکشید و در مورد vodafon اطلاعاتی گیر بیارید. اخیه ما تقریبا 2 سال پیش سیم کارتش رو گرفتیم ولی نمیدونم الان هم میتونم ازش استفاده کنم یا نه؟ سوال دوم من ترانسفر از فرودگاه بود. آیا خودتون تاکسی گرفتین؟ تا مطب دکتر تقریبا میدونین چقدر میشه؟ ممنونم.

ارسالها: 621

تاریخ عضویت: Aug 2011

رتبه: 6

تشکر: 4498

3451 بار تشکر شده در 577 پست

 rip3

عضو با سابقه



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان

امروز ساعت 9 مطب دکتر اونگان بودم. وقتی وارد ساختمان شدید 2 تا آسائسنسور هست که سمت راستی طبقات زوج میره. برید طبقه 4. پاسپورت و 2 قطعه عکس و پرینت کیس نامبر و پرینت تاریخ مصاحبه همراهتون باشه. (من فکر میکردم کیس نامبر توی پرینت صفحه اول تاریخ مصاحبه هست واسه همین پرینت کیس نامبر رو نبرده بودم. که منشی مهربون دکتر اونگان با تلفن کرد و از یکی چندتا سوال پرسید در مورد کیس نامبرم و بم گفت اشکال نداره) رفتم معاینه پیش خانم دکتر اونگان تمام سوالات رو بش گفتم نه. آبله مرغان (chiken pox) رو پرسید گفتم گرفتم. گفت جاشو میتونی نشونم بدی منم گفتم آره توی بدنم هست. اصن به نامه آنتی بادی آزمایشگاهم احتیاجی نداشت. من واکسنامو خیلی زود زده بودهم. مثلا سری اول رو اکتبر 2011 زده بودم و سری دوم دوماه فاصله داشت. در کل خیلی تاریخاش تخیلی بود. اما یه دونه واکسن بهم زد؛ نمیدونم چی بود فقط میدونم آبله مرغان نبود. هزینه معاینه و واکسنم شد 120 دلار.

هزینه آزمایشگاه شد 47.5 دلار . کلا هم منشی های آزمایشگاه و هم منشی دکتر و هم آقای دکتری که بردمون برای ایکس ری فوق العاده خوش برخورد و با حوصله بودن. حداقل با من که اینطور بودن. همش لبخند میزدن

در مورد هزینه مطب دکتر اونگان فکر میکنم نوع پوشش تاثیر گذار باشه توی واکسنای که میخوریم . اینکه چه نوع واکسنی میزنه و آیا واقعا میزنه یا نه نمیدونم چی بگم چون خانم دکتر به جوری ایستاد که انگار میخواست من نبینم چه واکسنی میزنه و اصلا سرنگ رو پر میکنه یا نه. یه آقا و خانم با کارت واکسن کامل پاستور هزینه معاینه و واکسن هرکدومشون شد 200 و خورده ای دلار. من یه تیبی زده بودم که هر ایرانی از ایرانی بودن خودش خجالت بکشه

در کل یه نکته حیاتی بهترتون میگم : برای دکتر اونگان و خانمش اصلا افه نیاید و نگید که سر در میارید ، بزارید فکر کنه هیچی از واکسن و دکتر و اینا نمیفهمید.

راستی توی مطب با هیچکس صحبت نکنید، توی مطب دوربین وجود داره که از سفارت داخل مطب رو میبینند. دو نفر ایرانی داشتن با هم صحبت میکردن منشی کاریشون نداشت اما بعد اومدن نشستن کنار هم منشی گفت باهم تماس نداشته باشین از سفارت میبینتون.

کامیلا نوشته است: در مورد تلفن هم اگه ایراسل دارید همون فرودگاه یه 20 تومن شارژش کنید و با *111*# رومینگشو فعال کنید. به ایران زنگ نزنید دقیقه ای 4000 تومن میشه. بزارید بهترتون زنگ بزنین (دقیقه ای 700 براتون میفته) . هر اس ام اسی که بدید 500 تومن و هر اس ام اسی که بگیرید 150 تومن.

rip3 عزیز امیدوارم موفق باشید. یک سوال داشتم. آیا میتونید یه زحمتی بکشید و در مورد vodafon اطلاعاتی گیر بیارید. اخیه ما تقریباً 2 سال پیش سیم کارت رو گرفتیم ولی نمیدونم الان هم میتونم ازش استفاده کنم یا نه؟ سوال دوم من ترانسفر از فرودگاه بود. آیا خودتون تاکسی گرفتن؟ تا مطب دکتر تقریباً میدونین چقدر میشه؟ ممنونم.



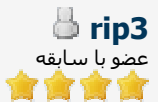
در مورد وودافن چشم اگه این ترکا انگلیسی متوجه شدن ازشون میپرسم

در مورد ترانسفر از فرودگاه تا هتل ما از آژانس ایران ترانسفر به هتل و بالعکس هماهنگ کردیم دو نفر 40 هزار تومن. حواستون باشه نفری 40 هزار میگرن اما شما قبول نکنید . چون اون ماشین چه با یه نفر چه با چند نفر میره تا هتل

در مورد مطب دکتر هتل بیوک ارشان فکر کنم دورترین هتل تا اونجا باشه که ما 20 دقیقه ای رسیدیم. پس خیالتون راحت اصلا به تاکسی احتیاج ندارید.

در مورد تاکسی ها هم خدمتتون عرض کنم که تاکسی متر دارن اما اگه بی انصاف باشن میتونن مسیر پیچ در پیچ برن تا کرایتون زیاد شه

ارسالها: 621
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 6
تشکر: 4498
3451 بار تشکر شده در 577 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

بهترین هتل برای خانواده ازبیلهان دابل 54 دلار و سینگل 36 دلار. به آژانس پول ندید. منم نظرم عوض شد. خودتون بیان حساب کنید هتل خوب برای مجردا بیوک ارشان (به دلیل نزدیکی به بارها و کافه های این کوچه .)

ارسالها: 85
تاریخ عضویت: Oct 2011
رتبه: 0
تشکر: 105
608 بار تشکر شده در 78 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام بلاخره نوبت سفرنامه من رسیده و اتفاقی عجیب که فکر نمیکنم برای کسی افتاده باشه ولی میتونه تجربه خوبی برای دوستان باشه ساعت ۵ پرواز داشتیم با ترکیش ساعت ۲ فرودگاه بودیم ماشین رو در پارکینگ ۱ پارک کردیم شبی ۵۰۰۰ تومان پرواز سره ساعت انجام شد و ساعت ۶:۳۰ به وقت آنکارا رسیدیم ترکیه پروازه بدی نبود و هواپیما متوسط بود ولی خوبیش این بود که سره وقت رسید چون ما ساعت ۱۰ همون روز وقت دکتر داشتیم از فرودگاه ۲ راه هست برای رفتن به مرکز شهر تاکسی که حدوده ۷۰ یا ۸۰ لیر هزینه داره ، اتوبوس که ۲ نوع داره ، هاواس که نفری ۱۰ لیر هزینه، اگو که نفری ۵ لیره ، هر دو اتوبوس شما رو به

ترمینال میبرند و از اونجا میتوند تاکسی بگیرد و با پرداخته ۱۵ لیر به هتلهای نزدیکه سفارت برسید
ما از تهران هتل الیت پالس رو به توصیه یکی از دوستان مهاجر سرا با ایمیل و تلفن شنبی ۱۰۰ دلار برای اتاق ۳ تخته رزرو کردیم و هیچ بولی پرداخت
نکردیم وقتی رسیدیم هتل باید میرفتیم وقته دکتر داشتیم پس چمدونها رو تحوله هتل دادیم و رفتیم به سمت مطبه دکتر
مطبه دکتر رو راحت پیدا کردیم بهترین آدرس برای مطب اینه که آدرس کوگولا پارک رو بپرسد مطبه در طبقه ۴ ساختمونی هست که کناره پارکه و
آزمایشگاه هم همونجاست

سره وقته رسیدیم مطب منشی دکتر پاسپورت و عکس آزمون خواست و اصلاً نپرسید وقت گرفتید یا نه ؟ ما رو برای آزمایش و عکس فرستاد طبقه ۳
حدوده ۹۸ دلار برای ۲ نفر هزینه شد بعد دوباره رفتیم طبقه ۴ و منتظر شدیم ، تمامه کسانی که اونجا بودند ایرانی بودند بجز ۲ نفر بقیه کیسه مطبه
دکتر رو راحت پیدا کردیم بهترین آدرس برای مطب اینه که آدرس کوگولا پارک رو بپرسد مطبه در طبقه ۴ ساختمونی هست که کناره پارکه و آزمایشگاه
هم همونجاست

سره وقته رسیدیم مطب منشی دکتر پاسپورت و عکس آزمون خواست و اصلاً نپرسید وقت گرفتید یا نه ؟ ما رو برای آزمایش و عکس فرستاد طبقه ۳
حدوده ۹۸ دلار برای ۲ نفر هزینه شد بعد دوباره رفتیم طبقه ۴ و منتظر شدیم ، تمامه کسانی که اونجا بودند ایرانی بودند بجز ۲ نفر بقیه کیسه لاتاری
بودند ، جالب بود که هر کی میرفت پیش خانوم دکتر یک یا ۲ تا واکسن نوشه جان میکرد با اینکه واکسیناسیون کاملی داشتند و ما هر کی میومد بیرون
ازش سؤال میکردیم چند تا واکسن نوش کردی که منشی دکتر اعتراض کرد و گفت نباید راجع به این چیزها سوال کنید، جالبه که یک پزشک رفت و به
اون ۲ تا واکسن زد، خلاصه خانوم دکتر خوب دوکونی باز کرده بود ، به همه میگفت که واکسنهاشون به روز نیست ، خلاصه نوبت من شد من باهانش
انگیلسی صحبت کردم ، البته ازتون میپرسه ولی اگه زبونتون خوب نیست فارسی صحبت کنید و به سوالهانش به دقت گوش کنید ، از شغلم پرسد که
گفتم همکار هستم، ولی میدونستم به همکاری هم رحم نمیکنه ، ما واکسیناسیونمون کامل بود ، هر چی گشت ایرادی نداد بعد راجع به ابله مرغان
پرسید که گفتم در بچگی گرفتم و چن در کارته واکسنمون تیر آنتی بادی وارسیلا یا همون ابله مرغان بالا بود چیزی نگفت معاینه کرد و من ادمم بیرون
و بعد خانومم رفت پیشش و وقتی برگشت دیدم بهش یک واکسن زد البته اول نفهمیدم چه واکسنی بهش زد .

دوستان من چون تاییه فارسی ندارم نوشتن برام سخته پس اجازه بدید قسمتهای جالب رو بعدن بنویسم



ارسالها: 85
تاریخ عضویت: Oct 2011
رتبه: 0
تشکر: 105
608 بار تشکر شده در 78 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

و حالا ادامه داستان
حالا نوبت دخترم بود ، برای اینکه واکسن اضافه نخوره من باهانش رفتم تو ، برای بچه های ۱۴-۲ سال تست سل میگیرند ، ابتدا از واکسنهانش پرسید و
دید که کامله ، بعد از ابله پرسید که گفتم چند ساله پیش گرفته و در کارت واکسن هم تیر آنتی بادی بالاست ، خلاصه تست سل رو گرفت ، معاینه کرد و
گفت که ۴ روزه بعد دوباره مطب باشیم .
از دکتر در باره واکسنی که به خانومم زد پرسیدم و گفت که من از خانوم شما در باره ابله پرسیدم و اون گفت نگرفته ، من گفتم که در کارته واکسنش
تیره آنتی بادی رو نوشته و معلومه که گرفته ، خلاصه عذر خواهی کرد و من هم ادامه ندادم ، (دکتر چند بیماری رو ازتون میپرسه که آیا داشتن یا نه و
اشاره به میکنه که همون ابله مرغان است و خیلیها میگن نه ، اون وقته که یک واکسن میزنه ، البته باید راستش رو بگید چون اگه شک کنه آزمایش میده
، پس به سوالهاتش دقت کنید و الکی نه نگید ،
خلاصه ۲۱۰ دلار ناقابل پرداخت کردیم و رفتیم به سمت هتل

ارسالها: 71
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 32
277 بار تشکر شده در 52 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

«من اتاق لوکس گرفتم از اوزیلهان که تفاوت قیمتش خیلی کمه با اتاق عادی، بسیار تمیز و راحت بود، محیط هتل خیلی صمیمی و دلنشین هست،
اینترنت رایگان هم داره، فقط باید کدش رو بگیرین.»

<http://www.ozilhanhotel.com>

Address : Akay Caddesi No:9-06640-Bakanliklar-ANKARA/TURKEY
Tel: 0(312)4170044

اگه ممکنه آدرس سایت این هتل اوزیلهان رو برام می ذاری؟ ممنون

1346

عضو فعال



ارسالها: 85

تاریخ عضویت: Oct 2011

رتبه: 0

تشکر: 105

608 بار تشکر شده در 78 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

Us1346(Apr-29-2012 02:16 AM) **نوشته است:** و حالا ادامه داستان
حالا نوبت دخترم بود ، برای اینکه واکسن اضافه نخوره من باهاش رفتم تو ، برای بچه های ۱۴-۲ سال تست سل میگیرند ، ابتدا از واکسنهش پرسید و دید که کامله ، بعد از ابله پرسید که گفتم چند ساله پیش گرفته و در کارت واکسن هم تیترا آنتی بادی بالاست ، خلاصه تست سل رو گرفت ، معاینه کرد و گفت که ۴ روزه بعد دوباره مطب باشیم .
از دکتر در باره واکسنی که به خانومم زد پرسیدم و گفت که من از خانوم شما در باره ابله پرسیدم و اون گفت نگرفته ، من گفتم که در کارته واکسنش تیترا آنتی بادی رو نوشته و معلومه که گرفته ، خلاصه عذر خواهی کرد و من هم ادامه ندادم ، (دکتر چند بیماری رو ازتون میپرسه که آیا داشتند یا نه و اشاره به میکنه که همون ابله مرغان است و خیلیها میگن نه ، اون وقته که یک واکسن میزنه ، البته باید راستش رو بگید چون آگه شک کنه آزمایش میده ، پس به سوالاتش دقت کنید و الکی نه نگید ، خلاصه ۲۱۰ دلار ناقابل پرداخت کردیم و رفتیم به سمت هتل

وقتی رسیدیم هتل ، اتاقمون رو تحویل دادند ، یک اتاقه تاریک در زیر زمین که در اصل دوبله بود و یک تخت الکی اضافه گذاشته بودند ، من عصبانی شدم که این چه اتاقی است و این انی نیست که من میخواستم ، البته اتاق تمیز بود ولی ۱۰۰ دلار ارزش نداشت ، گفتند فعلا باشید بعدن عوض میکنیم و ما که خیلی خسته بودیم قبول کردیم ، باد از چند ساعت استراحت دوباره ازشون خواستیم که اتاق رو عوض کنند ، ولی گفتند که فعلا اتاق خالی ندارند ، من کلی عصبانی شدم و آنها هم کلی عذر خواهی کردن ، تصمیم گرفتم برم یک هتل دیگه ، به چند تا هتلهای اطراف سر زدم و قیمت ها و اتاقشون رو دیدم ، آنکارا پلازا ۴ ستاره ۳ تخته شبی ۱۳۰ دلار ، ددما ۵ ستاره ۱۴۰ دلار ، بست وسترن ۴ ستاره ۱۲۰ دلار ، ازیلهان ۲ ستاره ۶۶ دلار که اصلا جالب نبود ، هتل بست ۴ ستاره ۱۱۰ دلار که خوب نبود. تا اینکه سره راهم به هتل gold رسیدم که ۲ ستاره بود ، اتاقهش رو که دیدم ، خیلی خوشم اومد ، اتاقهای شیک و تمیز در حده ۴ ستاره ، واقعن عالی ، تصمیم گرفتم بپام این هتل ، سریع برگشتم که واسایلمون رو جمع کنیم ، گفتند که باید پوله یک شب رو پرداخت کنید بعدن میتونید برید ، خلاصه هر چی گفتم اثر نداشت و تصمیم گرفتم فردا بریم هتل گلد ، الان در هتل گلد هستیم ، اتاقه ۳ تخته شیک و تمیز با اینترنت رایگان ، صبحانه عالی ، پرسنل مهربان و مودب ، ساکت و آرام ، نزدیک ۱۵ دقیقه تا مطبه دکتر ، ۱۰ دقیقه تا سفارت ، نزدیک مراکز خرید کیزلای . در ضمن اتاقه ما بالکن هم داره . زیاد با هتل آنکارا پلازا ۴ ستاره فرقی نداره ، سرویسه حمام و دستشویس عالی است . من خیلی به هتل و تمیزش دقت میکنم ، اینجا واقعن مناسبه خانوادست .

ارسالها: 621

تاریخ عضویت: Aug 2011

رتبه: 6

تشکر: 4498

3451 بار تشکر شده در 577 پست

rip3

عضو با سابقه



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان

بالاخره نوبت منم شد تا سفرنامه و مصاحبه رو بنویسم . منم برخلاف انتظار به جمع منتظران پیوستم .

ساعت 7:30 جلوی سفارت بودم با یکی دیگه از بچه های ایرانی . جلوی درب سفارت صف ایرانی و ترک و گرین کارت و لاتاری همه باهم قاطی ایستاده بودیم ، (امروز اصلا شلوغ نبود . کلا فکر کنم 30 نفر بودیم) . یه خانمی میومد 5 تا پاسپورت رو میگرفت میبرد داخل از توی لیستش چک میکرد و روی اسممون با مازیک هایلایت میکرد (که یعنی اومدیم برای مصاحبه) برمیگشت و پاسپورت رو بهمون میداد و میفرستادمون داخل . و دوباره 5 تا پاسپورت نفرای بعد رو میگرفت .

داخل یه صف دیگه هست که باید پشت یه اتاقک بایستی تا نوبتمون شه و بریم داخل تا از گیت امنیتی رد بشیم .
بعد از اون یه صف دیگه داخل حیاط کوچک سفارت تشکیل میشه که دوباره نوبت به نوبت باید بریم داخل و اونجا همون خانم فکر کنم هندی ازم پاسپورت + 2قطعه عکس + شناسنامه + کارت ملی + آخرین مدرک تحصیلی + برگه تمکن مالی + پاکت معاینه پزشکی رو گرفت (سی دی و اون برگه واکسنا که دکتر اونگان بهتون میده بهش ندید) . ازم پرسید مصاحبه فارسی یا انگلیسی ؟ گفتم انگلیسی و بهم یه برگه داد که شماره روش نوشته بود .

رفتیم داخل سالن انتظار . دفعه اول 330 دلار (حتما 30 دلار رو داشته باشید و مثل من 400 دلار ندید که صندوقش خالی شه 🙄) . دفعه دوم انگشت نگاری و دفعه سوم مصاحبه بود.

آفیسر همون پسر مو فرمزی بود که معرف همتون هست. گفت باید قبل از مصاحبه واسم سوگند بخوری ، تا بهش گفتم ببخشید فقط ... سریع خندید و گفت میدونم میخوای تصحیح کنی. فرمامو بهم داد گفت هرجاشو میخوای اصلاح کن و امضا کن.

بعد گفت کارت چیه ؟ یکی دوتا شوخی هم این بین کرد. گفتم خصوصیه

گفت چرا سریازی معاف شدی ؟ بهش توضیح دادم.

بعد مدارکمو پس داد و در کمال ناباوری گفت مدارکت کامله ولی فقط باید به پروسه اداری رو طی کنه.

**

چند تا نکته :

1) باید توی حسابتون بین 20000 تا 25000 دلار باشه. (نقل قول مستقیم از آفیسر)

2) این 25000 دلار باید به دلار آزاد حساب کنید. چون دیگه مثل قدیم نیست. آفیسر داشت به یکی از بچه های ایرانی میگفت که من میدونم که توی ایران برای تهیه دلار باید با قیمت غیر رسمی اقدام کنید و نه قیمتی که بانکها اعلام میکنند و ماهم این 25000 تا رو به قیمت واقعی حساب میکنیم.

3) اصلا نگران مصاحبه نباشید حتی اگه استرس هم داشته باشید آفیسر انقدر راحت و خوش برخورد که فکر میکنید دارید با به رفیق قدیمی گپ میزنید.

* در مورد آنکارا

توی پاساژ کیزیلای فکر کنم طبقه سوم یا چهارم به فروشگاه هست مربوط به تیم گالاتاسرای . اونجا تی شرتای قشنگی با آرم گالاتاسرای داره که 19 لیر میشه و خیلی قشنگه. فقط حواستون باشه توی آنکارا نبوشید چون اینجا همه طرفدار فنرباغچه ان.

* اگر خانواده اید به جز اوزیلهان جای دیگه نرید. یولتون خرج هتلا 5 ستاره نکنید . اوزیلهان فوق العاده تمیزه.

* اگر مجردید بیوک ارشان انتخاب خوبیه، بهترین بارها و کافه ها با موسیقی زنده توی خیابونیه که بیوک ارشان هست و تا 2 و 3 نصفه شب توی اتاقتون از صدای موسیقی این بارها لذت میبرید

قیمت مک دونالد هم 12 BigMac لیر بود که.

کی اف سی 14 لیر بود

ایشالله مصاحبه خوبی داشته باشید.

ارسالها: 85
تاریخ عضویت: Oct 2011
رتبه: 0
تشکر: 105
608 بار تشکر شده در 78 پست

 **Us1346**
عضو فعال


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

حالا داستان عجیبی که برام اتفاق افتاد
بعداز ظهر روزی که دنبال هتل میگشتم ،گفتم بد نیست آدرس سفارت رو هم یاد بگیرم ،خلاصه از خیابان هتل مسیری رو که فکر میکردم به سفارت میرسه رو طی کردم و از هر کی میپرسیدم یک چیزی میگفت ،
خلاصه بعد از گشتن بلاخره رسیدم دم در سفارت ، Ygate ، همون محله مصاحبه ،
داشتم اسمم کوچه سفارت رو یادداشت میکردم و محل رو برآورد میکردم که دیدم یک پلیس به طرفم آمد و به ترکی داره از من سوالاتی میکنه ،از لحن حرف زدنش فهمیدم که میپرسه اینجا چیکار میکنم و دارم چی یادداشت میکنم .بعد دفرچم رو نگاه کرد و هی به ترکی سوال میکرد ،منم که هر چی میگفتم نمیفهمید ،وقتی چشمش به نقشه ای که از گوگل مپ در دفترچه ام ،از محل طراحی کرده بودم افتاد ،شکش پیشتر شد .بعد از مدتی یک خانوم پلیس که انگلیسی خوب بلد بود ،آمد و من بهش توضیحات لازم رو دادم ،ولی ازم خواست که به دفتر نگهبانی سفارت بیام ،به محض اینکه پاسپورتم رو دیدند و فهمیدند که ایرانیم ،شکشون چند برابر شد ،از تمومه صفحات پاسپورتم و دفترچه کپی گرفتند . انجا تمومه وسایلم رو گشتند و از سیستم XRAY هم رد شدم ،خلاصه بازم سوال و جواب ،و هی میگفتند اون نقشه چی است؟منم که کاملا خون سرد بودم به تمومه سوالاتشون جواب دادم ،و هر چی میگفتم که من چند روز دیگه برای مصاحبه وقت دارم و امدم تا اینجا رو یاد بگیرم ،قبول نمیکردند .آخر سر به اون خانوم پلیسه گفتم که شما به چی شک دارید؟گفت که ما فقط دارم بررسی میکنیم و شما نگران نباشد .دوربینهایی ما شما رو رصد میکردند که دارید اینجا رو زیر نظر میگیرد و یادداشت برمیدارد .خلاصه ازش خواستم برای اثباته حرفام ،با من بیان هتل تا مدارکم رو نشون بدم تا ثابت بشه که من برای آشنائی به محله سفارت برای روز مصاحبه اینجام .گفتم که اون نقشه از روی گوگل مپ کشیدم و آدرس مطب دکتر ،هتل محله اقامتم و سفارت در اون هست.پلیس هائی که اونجا بودند هی بهم میگفتند دیگه بی VISA ،و میخواستند منو اذیت کنند ،ولی اون خانوم پلیس که سرپرست اونجا بود به من میگفت که نگران نباش،در نهایت خانوم پلیس .حرفام رو قبول کرد و گفت که برام مدارکم رو بیارم ،وسایلم رو بجز پاسپورت بهم دادند ،بعدش هم پاسپورت رو هم بهم

دادند. منم بدو رفتم هتل و مدارک رو برداشتم و رفتم اونجا ،همه مدارک رو نشون دادم ،فقط از نامه دوم کپی برداشتند و بعد از چند دقیقه بهم گفتند ،مشکلی نیست و همه چیز براشون روشن شده، و بهم گفتند که میتونم برم. حالا دوستان خیلی نگرانم که برای ویزا مشکلی پیش بیاد ،و یا وقتی برمیگردم ایران ،برام مساله بشه . به نظر شما وقته مصاحبه ،به افسر پرونده بگم چی شده ؟و یا اگه خودش سوال پرسید بگم ؟ خلاصه بعد جوری پریشونم .منتظره نظرات دوستان هستم . من ۲ روز دیگه مصاحبه دارم .ضمن امروز مدیکال و CD ها رو از مطب دکتر گرفتم .ولی خیلی نگرانم .!!!!!!

ارسالها: 109
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 3
تشکر: 100
943 بار تشکر شده در 104 پست

 ETnakhausetelefonien
عضو فعال
☆☆☆☆

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام
سفرنامه ما هم شروع شد.
امروز ۱۲ اردیبهشت صبح دقیقا همزمان با اعلام نتایج لاتاری امسال ساعت ۶ با پرواز ترکیش وارد استانبول شدیم.
هوا خیلی خوبه. یعنی ۶ صبحش هم خوبه.
مدیکالمون رو هم برای همین امروز ظهر هماهنگ کردم بیمارستان امریکایی ها.
هتلمون golden park تو میدون تقسیم ه. هنوز بهمون اتاق ندادن که اتاقشو بینم چقدر تمیزه. ولی لابییش که اوکیه. اسما پنج ستارس ولی اپنی که می بینم چهاره. بیمارستان امریکایی ها خیلی به هتل نزدیکه تقریبا ۲ کیلومتر فاصله داره.
فعلا که همه خوابن همه جا هم امن و امانه.
اپدیت بعدیم هم ایشاله شب بعد از انجام مدیکال.

ارسالها: 109
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 3
تشکر: 100
943 بار تشکر شده در 104 پست

 ETnakhausetelefonien
عضو فعال
☆☆☆☆

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام
اولا در پاسخ به اون دوستمون باید بگم ما دو صفحه ای رو فرستادیم اما مطمینم به صفحه ای هم درسته. چون تو سایت خود سفارت هیچ اثری از فرم دو صفحه ای نیست. خاصیتش فقط اعلام سفرهاست. به نظرم اون دوستایی که سفرهای خارجی زیادی ندارن همون به صفحه ای رو بر کنن. بهرحال خود آنکارا اون فرمو فقط خواسته.

اما ادامه سفرنامه
درباره اتاقمون بگم که خیلی تمیزه و اوکیه.
ساعت ۱۱ رفتیم بیمارستان امریکایی ها. بیمارستان که چه عرض کنم شبیه هتل هیلتون بود.
به عمرم بیمارستان به این شیک و تمیزی ندیده بودم.
یه عالمه امکانات و دم و دستگاه و یه عالمه کارمندی که هیچکدوم انگلیسی بلد نبودن. خلاصه گرمون در اومد تا چکاپمون تموم شد. مدتش حدود ۲ ساعت شد و مراحل چکاپ به شرح ذیل بود:
ازمایش چشم
اندازه گیری قد و وزن
اندازه گیری فشارخون
خون گرفتن برای تست سفلیس(اینطوری که خودشون می گفتن)
عکس رادیولوژی قفسه سینه
معاینه توسط پزشک متخصص داخلی
سوالات مهم پزشک شامل موارد زیر بود:
جراحی داشتید و مسایل مربوط به اونها؟
ابله مرغان و سرخک گرفتید؟
سیگار می کشید؟
مشروب می خورید؟
سابقه بیماری خاص دارید؟
دکتر همه واکسن های ما رو قبول کرد و نهایتا گفتن فردا ساعت ۴ عصر برای گرفتن جوابها مراجعه کنین.
نهایتا قرار شد فردا ۴ عصر بریم جواب رو بگیریم.
اما
دوستان همه چی عالی مرتب و منظم بود. هیچ واکسنی هم بهمون نزدن اما تهش هزینه ما دو نفر رو در نهایت ۶۶۵ لیر یا حدود ۳۸۰ دلار اعلام کردن که خوب تقدیم کردیم.

ضمنا یادآوری می کنم که افای دکتر کاملا فارسی بلدن. یهو ضایع نکنین یه چیزی که نباید رو بگین. ابدیت بعدی بعد از رسیدن به انکارا. ان شالله یکشنبه عصر. سوالی بود در خدمتم. ارادتمند

s1346

عضو فعال



ارسالها: 85

تاریخ عضویت: Oct 2011

رتبه: 0

تشکر: 105

608 بار تشکر شده در 78 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در انکارا

و اما ادامه سفر نامه..... روز مصاحبه ساعت 7.30 دم در سفارت بودیم. هیچ صفی نبود ولی شلوغ بود. اکثرا ترکها بودند. تا اینکه خانمی اومد و گفت که باید دو صف بشید و اونوقت دو صف شد. صف ویزای مهاجرت که اکثرا ایرانیها بودند و صف ویزای توریستی که همه ترک بودند. کم کم صف ما هم شلوغ شد. اکثرا برندگان لاتاری بودند و دو سه نفر کیسهای دیگه. اول ترکها رو فرستادند تو و ما همچنان منتظر. در این هنگام یکی از دوستان که تازه اومده بود به بقیه گفت که من دیروز مصاحبه داشتم ولی چون یک سری کپی از سند ازدواج فرستاده بودم به من گفتند امروز پیام ما هم که مثل او بودیم فوری رفتیم تا از سندمان کپی بگیریم. خوشبختانه روبروی سفارت یک دکه بود که کپی داشت و من و دو سه تا از دوستان دقیقه نود تونستیم کپی بگیریم. پس دقت کنید حتما 2 سری کپی از سند ازدواجتان بفرستید تا بهانه ای نباشد. البته بعضی ظاهرا یک سری فرستاده بودند و مشکلی نبود. ساعت 8.30 ما رو کم کم فرستادند داخل. اول بازرسی و بعد داخل حیاط یک صف دیگه. بعد داخل سالن شدیم. پاسپورتها و اصل مدارک رو ازم گرفت و کپیهای دوم سند ازدواج رو هم ازم گرفت. ضمنا 2 قطعه عکس هم ازم خواست (با اینکه قبلا فرستاده بودم) و بهم یک شماره داد و رفتیم داخل سالن. تا حدود 2 ساعت فقط شمارههای ترکها رو اعلام میکردند ولی کم کم شمارههای کیسهای لاتاری را اعلام کردند. بلاخره شماره ما اعلام شد. دفعه اول انگشت نگاری. دفعه دوم پرداخت 990 دلار برای 3 نفر و دفعه آخر مصاحبه. مصاحبه ما فارسی بود و با اون آقای ریش قرمز معروف بود که با لیخند با ما احوالپرسی کرد. ترجیح دادم راجع به مشکلی که داشتم صحبتی نکنم تا اولاً بی اهمیت باشه و دوما حساسیتش رو زیاد نکنم. اول از ما خواست که دست راستمان رو بالا ببریم و قسم بخوریم و بعد به من گفت که شما یک قسمت از فرمها رو که برایمان فرستادی و باید تیک میزدی رو یاد رفت تیک بزنی و اون قسمت رو بهم نشان دادو من که مشغول مطالعه اون قسمت شدم گفت نه رو تیک بزنی میدونم یاد رفت. و بعد فرمها رو داد امضا کردیم. خودش بهم گفت که خوب شغلته اینه و حتما میخای در آمریکا هم همین شغل رو ادامه بدی و سربازیت رو هم نیروی هوایی بودی و در همین زمینه فعالیت میکردی و بعد یک چیزائی تایپ کرد. (اصلا از من چیزی نپرسید) از خانمم در باره شغلش پرسید و اون هم توضیح داد. و بعد هم گفت که خوب پرونده شما کامله و مشکلی نیست. فقط یک سری کارهای اداری است که باید انجام بشه و از یکی دو ماه بعد سایت رو چک کنید اگر شمارهتان رو دیدید یکتون بیاد برای گرفتن ویزا و برکه آبی رو به همراه بقیه مدارک و رسید پول پرداختی و عکسها بهمون تحویل داد. من به شوخی بهش گفتم تا سپتامبر چیزی نمونده. اون گفت که اینروزها خیلی سرمان شلوغه و کارهای اداری هم زمان میبره. نکته مهم اینکه اصلا از مدارک مالی من حرفی نزد و اصلا هم نپرسید چرا میخای بری آمریکا. از اقامت کانادای من هم سوالی نکرد و کلا خیلی از من سوال نپرسید در حالی که از کسائی که قبل ما نوبتشان بود خیلی سوال راجع به کارشان و مدارک مالیشان و علت سفر به آمریکا و اینکه اونجا چیکار میخان بکنند و کجا میخان زندگی بکنند پرسید. حالا نمیدونم اینکه از من زیاد سوال نپرسید خوبه یا بد؟! اما وضعیت ما به این صورت بود: شغل من و همسر کملا خصوصی. سربازی من نیروی هوایی و بعد از اتمام دانشگاه. که موقع سربازی در همون تخصص فعالیت داشتم. مدارک مالی شامل: یک حساب بانکی به اسم خودم با گردش مالی بالا و موجودی حدود 60 میلیون تومان بدون برینت گردش مالی (تاریخ افتتاح حساب- موجودی- معادل ارزی- گردش مالی در نامه بانک مشخص بود) حساب بانکی به اسم همسر به مبلغ 25 میلیون تومان. حساب بانکی کانادائی به اسم خودم به مبلغ 18000 دلار یک سند مغازه به اسم خودم بدون ارزش گذاری. سند یک قطعه زمین در شهرستان به اسم خودم بدون ارزشگذاری. سند خودروی شخصی به اسم خودم.

اصل مدارکی که به سفارت ارائه دادم شامل:

اصل شناسنامه ها و کارت ملی

اصل سند ازدواج

اصل کارت پایان خدمت

اصل دیپلم

اصل مدرک دانشگاهی

اصل گواهی اشتغال به کار

اصل سند مالی و اتومبیل

پاسپورتها

دو قطعه عکس برای هر نفر (آخر سر بهم برگردوندند)

آنروز تمام کیسهای لاتاری برگه آبی گرفتند. حتی دو تا خانم مجرد که فکر میکردم یکضرب ویزا بگیرند.

روز قبل هم ظاهرها همه بجز یک آقای مجرد آبی گرفتند. یکی از خانمها که مجرد بود و دو تا اسپانسر قوی و موجودی حساب بالا داشت هم آبی گرفته بود و خیلی ناراحت بود.
 آقائی بود که با همسرش و فرزند خردسالش بدون هیچ سند مالی و سربازی سپاه آبی گرفته بود و آفیسر ارزش خواسته بود که مدارک مالیش رو بعدا برایش بفرسته.
 اینهم سفرنامه من. البته امیدوارم که پایان آن نباشه و با کلیر شدن بتونم بازم برای دوستانم بنویسم.
 لازم است از همه دوستان خوب خصوصا مدیران این سایت تشکر کنم که با راهنماییها و کامنتهای صحیح راهگشای مشکلات و سوالات بقیه هستند و امیدوارم تونسته باشم دینم رو هر چند کوچک به مهاجرسرا ادا کرده باشم.
 باز هم امیدوارم همه منتظران که من هم جزیی از اونها شدم هر چه زودتر از این انتظار رهایی یابند و خبرهای خوبی از همه دوستان بشنویم.
 و اما یک نصیحت.....
 زندگی شیرینتر از آن است که بخواهیم آنرا با استرس و انتظار مضطربانه تلخ کنیم. رویای زندگی در آمریکا بسیار شیرین است ولی برای کسی که از آن برای خود بهشت برین میسازد در واقعیت خیلی زود و در عمل به جهنم تبدیل میشود. پس به مهاجرت عاقلانه فکر کنید و آگاهانه سفر کنید چون سختتر از آن است که پس اگر حتی کلیر نشدیم فکر نکنیم که دنیا از ما روی برگردانده چرا که زندگی زمانی زیباست که ما آنرا زیبا کنیم نه جایی که زندگی میکنیم.
 بدرود دوستان

 **maryam_m**

عضو




ارسالها: 11
 تاریخ عضویت: Sep 2011
 رتبه: 0
 تشکر: 4
 46 بار تشکر شده در 6 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با درود و صد درود خدمت دوستان مهاجر سرایی عزیز می دونم سفرنامه ها شاید تکراری شدند ولی الان که در راه ایالات متحده هستیم گفتیم دین خودمون رو به این سایت خوب ادا کنیم.
 مصاحبه:

ما بهمن ماه و در اوج سرما واسه مصاحبه رفتیم. مصاحبه هم همونطور بود که بقیه دوستان گفته بوند.
 بد نیست اگه دوستان مدارکشون رو از قبل تو پوشه های مختلف طبقه بندی کنند و بعد تو کیف بذارن. مثلا مدارک مالی جدا، مدارک شناسایی و ... 2 نسخه سند ازدواج واسه اونا لازمه. از ما پرسید شغلتون چیه، که ما همونطور که تو فرم ها نوشته بودیم گفتیم self employed هستیم. یه سرک سوال هم پرسید درباره اینکه اونجا آشنا دارید؟ کجا میخواید برید؟ اسپانسر تون کیه؟ ما ویزامون رو تکضرب گرفتیم . فرم های سفارت که قبل از مصاحبه میفرستید خیلی مهمه.




راستی در تمام طول مصاحبه لیخند فراموش نشه  هتل:

هتل آنکاراپلازا رو واسه 1 هفته از ایران رزرو کردیم. هتل خوبی بود تنها مشکلیش این بود که یه سری لیبیایی اومده بودند اونجا که همه از دستشون شکای و ناراحت بودند. فاصله هتل تا سفارت پیاده حدود 10 دقیقه بود. در کل موقعیت مناسب با پرسنل خوب داشت.
 بلیط:

ما از شیراز با ترکیش رفتیم. موقع برگشت، بلیط آنکارا به استانبول را در ترکیه بدون جریمه عوض کردیم چون پرواز داخلی بود. طوریکه تونستیم یه صبح تا شب استانبول رو بگردیم. البته بیش از اینکه استانبول رو ببینیم رفتیم جزیره بیوک آدا رو دیدیم که بسیار دیدنی بود. شما میتونید از فرودگاه با مترو به سمت شهر حرکت کنید بعد ایستگاه آخر پیاده شید یه مسیر نسبتا کوتاه تا ایستگاه تراموا رو باید پیاده برید. بگید میخواین برین بیوک آدا بختون میگن کدوم ایستگاه پیاده شین، حدود 1 تا 1/5 ساعت تو راهید تا به جزیره برسید. اگر تونستید با خودتون ساندویچ ببرید چون غذای اونجا خیلی بد و تا حدودی گرونه.



به امید اینکه دوستان دیگه هم بی دردسر ویزاشون رو بگیرن 

 **ETnakhausetelefonien**

عضو فعال



ارسالها: 109
 تاریخ عضویت: Aug 2011
 رتبه: 3
 تشکر: 100
 943 بار تشکر شده در 104 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام

دوستان عزیز. متوجه یه چند تا موضوع شدم البته برای اونهایی که مصاحبه رفتن مهم نیست اما برای اونهایی که هنوز نرفتن احتمالا مهمه.
 من مدارکم رو توی یه زونکن فرستاده بودم آنکارا. موقع پرداخت پول صندوقدار زونکنم رو بهم پس داد. جالب بود که صندوقدار بهم پس داد. اونجا خیلی بهش توجه نکردم اما دیشب که کنترلیش کردم متوجه موارد زیر شدم.
 اولاً همه کپی ها رو - همشونو - پس دادن. تنها کپی هایی که از توی زونکن برداشتن کپی سندهای ملکیم بود که اونم به نوبه خودش جالب بود.
 موضوع دوم این بود که ترجمه ها رو همه رو برداشتن یعنی هم ترجمه دیپلممو هم ترجمه لیسانس و هم ترجمه فوق لیسانس و سایر مدارک. اما ترجمه کارت ملیم رو بر نداشتن. با توجه به اینکه اصل کارت ملیم رو تو تشکیل پرونده توی سفارت هم ازم نگرفتن و کلا هم کسی نخواستش فکر کنم دیگه به کارت ملی اهمیت نمی دن. چون احتمالا می دونن که اعتباراشون تموم شده دولت هم به این راحتیها تمدیدشون نمی کنه. برا همین دیگه کاریش ندارن.

موضوع سوم که احتمالا از همه مهمتره اینه که من تو مدارکم فرم contact رو فرستادم. همون فرم يك صفحه ای انتهای اون فایل pdf سفارت رو. اما بعد از اون توی زونکن یه فرم دیگه اضافه کردم بعنوان background information. در واقع صفحه دوم فرم قدیمی رو براشون در قالب یه فرم جدید توی اکسل

درست کردم و فرستادم. دیشب تو زونکن دیدم که فرم contact خودم و خانم هر دوتا توی زونکنه اما این فرم دومی که خودم درست کرده بودم رو (صفحه دوم فرم قدیمی) رو هم مال منو هم مال خانمو برداشتن. با توجه به اینکه خودشون این صفحه دوما از فایل pdf سفارت حذف کردن، این مساله از همه مسائل جالب تره که چرا این فرمو برداشتن. بهرحال چون بحث های زیادی قبلا در ارتباط با فرم دو صفحه ای و يك صفحه ای تو تاپیک های مختلف شده گفتم بدونید که احتمالا از فرم دو صفحه ای بدشون نمیداد هر چند مطمئنم يك صفحه ای هم اوکیه. بهرحال فرم رسمي سفارت الان فرم يك صفحه ایه. ضمنا دوستان علاقه مند به سفرنامه نگاران نباشن. این دو سه تا پست اخيرم هیچکدوم سفرنامه نیست. هنوز انکارام و تاپیک با گوشی یه کمی سخته ایشاله تهران انجام وظیفه می کنم. مفصل.

 **maz1359**

عضو فعال



ارسالها: 102

تاریخ عضویت: Dec 2011

رتبه: 1

تشکر: 80

335 بار تشکر شده در 72 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان عزیز. ما دوشنبه مصاحبه داشتیم. با پرواز ترکیش 5 صبح 10 می (پنجشنبه) اومدیم آنکارا. بر عکس اون چیزی که فکر میکردم اصلا پرواز خوبی نبود (صد رحمت به هواپیما های داخلی). تقریبا ساعت 7 به وقت آنکارا رسیدیم و تا با ترانسفر اومدیم هتل تقریبا 10 صبح بود. ما هتل tufad prestige را انتخاب کردیم. هتل سه ستاره ولی خیلی تمیز و به همراه شام اتاق 2 تخته 82 دلار شد. پیاده از هتل تا مطب دکتر 10 دقیقه و تا سفارت 15 دقیقه راه هست. صبح همون روز برای ساعت 11 وقت دکتر داشتیم. ساعت 10:30 رفتیم کلینیک و از ما تست خون و X-RAY گرفتن به همراه 95 دلار (برای دو نفر) نا قابل و گفتن دوباره ساعت 5 بعد ظهر بیایم که خانوم دکتر معاینه کنه. ما هم از اونجایی که خیلی حرف گوش کن بودیم رأس ساعت رفتیم اونجا تا بعد از نیم ساعت خانوم دکتر ما رو راه بده تو اتاقش. بعد شروع کرد به پرسیدن، بیماری حاد داشتی؟ اعتیاد؟ آسم؟ آبله مرغان؟ اوربون همه رو ردیف میکنه و شما بجز آبله مرغان همه رو بگین نه و بگین که 4 یا 5 سال پیش گرفتین. وگرنه واکسن رو نوش جان میکنین. ما که گرفته بودیم قبلا و حتی جواب آزمایش و تاییدیه از انیستیتو پاستور هم داشتیم. خلاصه دکتر معاینش تموم شد و 140 دلار (دو نفر) دیگه هم گرفت و گفت فردا رأس ساعت 3 برای گرفتن جواب اونجا باشیم. و ما هم همینکارو کردیم. صبح دوشنبه شد و ما که ساعت 8 وقت مصاحبه داشتیم رأس 7:30 جلوی درب سفارت بودیم. اونجا 2 تا صف بود. یکی مهاجرتی و اون یکی توریستی. ساعت 7:45 دقیقه بود که شروع کردن به جمع آوری پاسپورت های توریستی ها و بعدش یکی یکی صداشون کردن و رفتن داخل. بعد نوبت ما شد، حدود ساعت 8:20 بود که رفتیم داخل سفارت. خانومی که فارسی بلد بود اصل مدارکو از ما گرفت و یک شماره بهمون داد. داخل سالن نشستیم تا تابلو شماره ما رو نشون بده. اعلام شماره ها هیچ حساب و کتابی نداره. کلا سه بار شماره ما اعلام شد. بار اول انگشت نگاری، دوم پرداخت پول و سوم مصاحبه، که در مجموع تا ساعت 11:30 طول کشید. مصاحبه خیلی ساده بود. آفیسر خانومی بود که مسلط به زبان فارسی بود ولی هر سوالی که ما جواب میدادیم با یک آقایی که اون هم فارسی بلد بود و پشت سرش نشسته بود مشورت میکرد. همون اول گفت که قسم بخورم که همه اون چیزایی که تو فرمها نوشتیم درستست و بعدش هم فرمها رو امضا کردیم. پرسید چه کاره ام و کجا ها کار کردم. از همسر هم همین سوالات را پرسید. از نسبت فامیلی اسپانسر پرسید و در نهایت گفت مدارک شما مشکلی نداره فقط یک سری مراحل اداری هست که باید طی بشه. یک برگه آبی قشنگ داد بهمونو گفت از یک ماه دیگه سایت رو چک کنم. دوستان آگه سوالی دارند پیغام خصوصی بزارن من در خدمتتون هستم.

 **ozone**

عضو



ارسالها: 31

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 411

146 بار تشکر شده در 24 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام

و حالا نوبت من شد سفرنامه بنویسم .

من و همسر ۴ شنبه مصاحبه داشتیم و یکضرب گرفتیم.

مشخصات ما توی جدول هست ولی من باز اینجا مینویسم :

من خانه دار هستم رشته تحصیلم : مواد ، با ۵ سفر خارجی (برنده اصلی من هستم)

همسر شغل خصوصی با مدرک پیش دانشگاهی و سربازی معاف و ۶ سفر خارجی

ما مدارکمونو ۱۸ روز قبل از مصاحبه با ارامکس فرستادیم آنکارا که ۱۴ روز قبل رسیده بود،

پرواز رو ترکیش گرفتیم نفری ۲۹۰ و هتل رو خودمون تلفنی رزرو کردیم شبی ۷۵ دلار ، به اسم :

آنکارا گلد هتل ، خیلی هتل خوب شیک و تمیزی هست به پیشنهاد یکی از بچه های مهاجرسرا

این هتلو گرفتیم که واقعا عالی بود.

روز یکشنبه پرواز داشتیم به آنکارا ۲شنبه رفتیم مدیکال اول آزمایش خون ،

عکس قفسه سینه ، نفری ۴۷.۵ دلار. بعد از ظهر رفتیم مطب دکتر سوالایی که پرسید:

آیا بیماری داری؟ آیا جراحی داشتی؟ آیا سیگار می‌کشی؟ قد و وزن؟ از همسرم راجع به تحصیلات پرسید .

و بعدش هم به معاینه ساده. به من و همسرم واکسن نزد. ما توی کارتمون ۳ نوبت هیاتیت

۲ نوبت ام آر، آنفلوآنزا، ۲ نوبت هم دیفتری- کزاز داشتیم آبله مرغان رو گرفته بودیم و تیتروش

توی کارتمون بود مال من ۵۵۰۰ و تیتز همسرم ۲۸۰۰ بود. نفری ۷۰ دلار هزینه معاینه دادیم ،

در ضمن نوبت دوم ام آر رو ۲۵ روز قبل از مدیکال زده بودیم که هیچ مشکلی پیش نیومد.

۳شنبه جواب مدیکال رو گرفتیم. ۳شنبه از سفارت آنکارا ایمیل گرفتیم راجع به مدارک لازم شامل :

شناسنامه، عقدنامه ، ۶۶۰ دلار که نوشته بود پول خورد نداریم ، مدرک تحصیلی

و کپی از پاسپورت اسپانسر. ما این آخری رو نداشتیم به اسپانسر خبر دادیم و برامون

ایمیل زد من صبح روز مصاحبه به رسیشن هتل گفتم تا برامون پرینت بگیره .

۴شنبه روز مصاحبه بود ما ۷:۴۵ اونجا بودیم ، لاین سمت راستی، نگهبان پاسپورت هارو

گرفت بعدش صدا زد اول بازرسی ، عبور از محوطه ، سپس به خانومی که فارسی بلد بود

مدارک رو ازمون گرفت شامل : شناسنامه، عقدنامه ، عکس، مدارک اسپانسر، آخرین

مدرک تحصیلی برنده و یه شماره داد. ۶ زوج لاتاری قبل از ما بودند ۵ تاشون آبی گرفتند

و یکیشون چون مدارک نفرستاده بودند قرار شد روز بعدی بیان. ما نفر آخر بودیم.

مراحل را هم حتما میدونید اول انگشت نگاری سپس ۶۶۰ دلار و بعدش مصاحبه

شماره مارو ۱۲:۱۵ واسه مصاحبه اعلام کردند، یه خانم جوونی بود، اول گفت

قسم بخورید بعدش امضا .

سوالها :

از من : شغلتون چیه ؟ خانه دار رشته تحصیلی ؟ مواد

از همسرم : شغلتون چیه ؟ توی یه شرکت خصوصی مدیر فروش هستم

آیا تا بحال آمریکا بودید؟ خیر

می‌خواهید اونجا چیکار کنید؟ زندگی کار اگه بشه تحصیل

اسپانسر با شما چه نسبتی داره ؟ دوست خانوادگی

از همسرم پرسید شما سربازی رفتید ؟ معاف شدم

می‌شه کارتونو ببینم ؟ نشونش دادیم

کجای آمریکا می‌خواهید برید؟ ما جواب دادیم

آیا اونجا فامیل دارید؟ بله

بعدش پرسید راجع به سفر خارجی؟ ما چند تا سفر به اروپا داشتیم توضیح دادیم

بعدش گفت همه چیز درسته و ما رو فرستاد یو پی اس و ویزای یکضرب.

امیدوارم این سفرنامه مفید بوده باشه هر پرسشی باشه در خدمتم.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همه دوستان مهاجرسرا
از اونجایی که از سفرنامه دوستان عزیز خیلی استفاده کردم، وظیفه میدونم که زودتر سفرناممو بنویسم.
مصاحبه ما 24 می بود که ما به خاطر بچه هامون 1 هفته زودتر رفتیم. از ایران با عباس آقا هماهنگ کردیم برای هتل و
پروازمون با ترکیش بود که بد نبود. هتل ددمان بودیم که خیلی عالی بود. هم از نظر اتاق و صبحانه و هم از نظر مکان هتل که جای کلیدی قرار داره و به همه جا نزدیکه. البته همه جا با پیاده روی از 5 تا 15 دقیقه. بین بلوار آتاتورک و خیابان تونالی.

روز مدیکال طبق معمول اول آزمایش خون و عکس قفسه سینه. هزینه هر نفر 47.5 دلار
در معاینه از بیماریهای خاص و سابقه جراحی پرسید که فقط آبله مرغانو گفتم گرفتم و بهم هیچ واکنسی نزد. ولی همسرمن نگفت که گرفته و واکسن خورد. بعد قد و وزن که حتما بدونین قد و وزنتونو وگرنه خودش اندازه میگیره و هزینه داره. من قد و وزن همه اعضای خانواده رو از ایران گرفتم 😊
بعد معاینه بچه ها و تست سل و 1 واکسن که نمیدونم چی بود و بعد هم گریه و زاری بچه ها و پرداخت 580 دلار دیگه. نتیجه ها رو هم خود عباس آقا برامون گرفت. در ضمن بعد از مدیکال حتما برین پارک فو کنار مطب دکتر که خیلی قشنگه.

روز سفارت ساعت 7:45 پشت در بودیم که چون ما رو با کالسکه و بچه ها دید سریع پاسمونو گرفت و رفتیم داخل. اول وارد یه محوطه شدیم که همون در تق تقی بود که برای هر خانواده باز میشد برای عبور از گیت. بعد از گیت دوباره در برای هر خانواده باز میشد تا اون خانمی که خیلی خوب فارسی حرف میزنه (چون پدرش ایرانیه) ازتون اصل ترجمه ها و مدارکو بگیره و بهتون به شماره بده. و این بار وارد سالن مصاحبه میشین که چند ردیف صندلی داره و پشت این صندلیها باجه های مصاحبه و انگشت نگاری هست. روبروی صندلی ها هم یک تلویزیون هست که مراحل مصاحبه رو تصویری نشون میده و همینطور عکسهای زیبا از ایالات مختلف آمریکا. یه میز کوچک با چند تکه لگو هم وسط این سالن هست برای بازی بچه ها که خیلی به درد ما خورد. با هر صدای دینگ دینگ باید حواستونو جمع کنین که شمارتون کی اعلام میشه. اولین بار برای انگشت نگاری فقط از بزرگترها. دومین بار برای پرداخت هزینه مصاحبه که نفری 330 دلار و حتما پول خرد همراهتون باشه. و سومین بار برای مصاحبه.

مصاحبه ما با اون آقای جوونی بود که ریش داره. خیلی مودب و مهربون و خوش برخورد. بعد از سلام و احوالپرسی گفت بچه ها میتونن برن بازی کنن. بعد هم گفت با هم دست راستمونو میبریم بالا تا قسم بخوریم که من گفتم چند تا اصلاح دارم. یکی اینکه همسرمن توی پاسپورت امضای ایرانیشو کرده بود، دوم اینکه اسم من در فرمهای اول با پاسپورتم فرق میکرد و سوم آدرس اقامت در آمریکا بود که با خوشرویی برامون اصلاح کرد. بعد دست راستمون بردیم بالا و سوگند خوردیم که هر چی تو فرما نوشتیم درست. البته موقع قسم خوردن اینقدر دستهای من میلرزید که خود آفیسر خندش گرفته بود. بعد از قسم از من (برنده اصلی) درباره شغل پرسید که کجا کار میکنی؟ شرکتی که توش کار میکنی چیکار میکنه؟ تو در اون شرکت چیکار میکنی؟ که من جواب دادم که کام هم خصوصی بود و گفت خیلی عالی.

بعد از همسرمن درباره شغلش پرسید که کجا و چیکار میکنی؟ که ایشونم جواب داد که کارش هم خصوصی.
بعد به همسرمن گفت که سربازی ارتش بودی؟ بله. چیکار میکردی؟ منشی بودم. منشی بودی یعنی دقیقا چیکار میکردی؟ کارتابل مدیرمو مرتب میکردم و وقتهای ملاقاتو تنظیم میکردم و

بعد آفیسر گفت که مدارکتون کامله فقط یه پروسه اداری دارین و از 1 تا 2 ماه دیگه سایتو چک کنین و بکیتون برای دریافت ویزا بیاد. و خداحافظی روزی که ما مصاحبه داشتیم به جز 2 دختر خانم مجرد و تنها که یکضرب ویزا گرفتن، همه برگ آبی گرفتن. حتی یه آقای بودن که سربازی هم معاف بودن ولی برگ آبی داد بهشون. در کل روز پر استرسی بود ولی سخت نبود. و همه چیز از قبل معلوم بود. و همون طور که دوستان دیگه هم گفتن ما هم برگه آبی رو روی میز آفیسر دیدیم. فقط اگه تو ارسال مدارک دقت کنین که همه چیزو کامل و مرتب بفرستین و روز مصاحبه هم همراهتون باشه دیگه مشکلی نیست و خودتونم آرامش دارین.

روزهای دیگه هم حسابی به گشت و گذار سپری شد. و تو این سفر دوستهای خیلی خوبی پیدا کردیم که واقعا باعث خاطره های خوشی تو این سفر برای ما شدن که آشنایی با این عزیزانو مدیون مهاجرسرا هستیم. مصاحبمون هم با هم بود و امیدوارم همه دوستای عزیز که اونروز با هم مصاحبه داشتیم زود کلیر بشن. جناب آقای کریمی و خانم مهربونشون، جناب آقای وحدتی عزیز و همسرشون و بقیه دوستان.
ما همراه خانواده آقای کریمی با تور لیدرمون یک روز کامل مقبره آتاتورک، قلعه آنکارا، فروشگاه دنیای پوشاک و آنکامال رفتیم که خیلی عالی بود و خیلی بهمون خوش گذشت. بقیه روزها هم خیابان تونالی، بلوار آتاتورک و آنکامال رفتیم. که به نظر من این 3جا بهترین جا برای خرید بودن. جنسهای خوب

ولی نه ارزون 😊
تونالی و آتاتورک که به هتلمون نزدیک بود و پیاده میرفتیم. برای آنکامال هم سوار متروی قرمز بشین. بلیط رفت و برگشت برای هر نفر بزرگسال 3.5 لیر و برای بچه ها رایگان. اگه از ایستگاه کیزیلای سوار بشین چهارمین ایستگاه میشه Akkupro که اونجا پیاده میشین. و روبروی ایستگاه فروشگاه آنکامالو میبینین. ما که اونجا کلی کیف کردیم.

یه روز هم بچه ها رو بردیم گیچلیک پارک (پارک جوانان). باز هم باید سوار متروی قرمز بشین و ایستگاه دوم یعنی اولوس ulus پیاده شین. این پارک به غیر از فضای سبز زیباش وسایل شهر بازی داره که بعضیاش خیلی وحشتناک بود ولی ما بازیهای بچه گانشو برای بچه هامون گرفتیم که اونروز حسابی بهشون خوش گذشت.

نمایندگیهای LC WAIKIKI که همه جا شعبه هاشو میبینین هم خیلی خوبه و انصافا ما خیلی چیزای خوبی ازش خریدیم مخصوصا برای بچه ها. در ضمن اگه عطر با قیمت مناسب بگیرین حتما برین فروشگاههای Zara که هم تو آنکامال هست و هم بلوار آتاتورک. هم خوشبو هم ارزون.
غذاهاشونم خیلی خوشمزه هست. حتما HD Iskender برین که تخصص اسکندر کبابه و خیلی خوشمزه. پایین تر از هتل ددمان بعد از رستوران شبهای تهران، یه رستورانه که کومپیر و سوپ و سالاد و شنیسل و.... داره و خیلی خوبه. منقل کبابم برین که غذاش خیلی خوبه ولی قبیلش به قیمتها هم توجه داشته باشین که گروه. مثل نایب تهران. اول پیراشکی گوشت بعد غذا و بعد سماور ذغالی برای چای. البته ما 4 پرس غذا سفارش دادیم که شد 120 لیر!!!!

به غیر از مراکز خرید همش تو پارک فو بودیم که کنار مطب دکتره. واقعا پارک قشنگیه. پر از کبوتر که وقتی براشون دونه میریزین همشون میان دورتون. همچنین فو و اردک و که بچه های ما خیلی اونجارو دوست داشتن. در ضمن روز آخر که ما رفته بودیم به این پارک یه گروه اومدن اونجا برنامه موسیقی اجرا کردن. موسیقی سنتی سرخپوستها و لباسهای محلی که خیلی جالب بود و همه دورشون جمع شده بودن و تشویقشون میکردن. اختتامیه جالبی بود.

خلاصه به ما که تو این 10 روز واقعا خوش گذشت و به غیر از ماجرای ویزا که چه بدن و چه ندن، ایشالا از گزینه های اصلی مسافرتها بعدیمون، حتما ترکیه خواهد بود. یه کشور خیلی قشنگ با مناظر طبیعی زیبا، مردم مهربون، خوش تیپ و خوش لباس، مردم خیلی فهیم، آروم، مهربون. خوش به حال اونایی که تازه برای مصاحبه میخوان برن. ایشالا که حسابی بهشون خوش بگذره.

در ضمن ما چون بچه کوچیک داشتیم خیلی از سرویسهای که عباس آقا داد راضی بودیم. خیلی مرد خوب و حلال خوری هست و خیلی به ما کمک

کرد. از آقای کریمی خیلی ممنونم که ایشونو به ما معرفی کردن. هر کس شمارشو خواست پیام خصوصی بده. امیدوارم با این سفرنامه تونسته باشم کمکی به دوستان عزیز مهاجرسرایي کرده باشم. ببخشید دیگه هرچی یادم اومد نوشتم. اگر کسی هر سوالی داشت یا کمکی میخواست با کمال میل در خدمتم. با آرزوی ویزا (نمیگم همه به ضرب، چون نشدنیه) برای همه ، همچنین خودم.

ارسالها: 135
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 375
853 بار تشکر شده در 123 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

خب بچه ها اینم قسمت دوم که سرشار از هیجان بود
ما ساعت ۲ راه افتادیم به سمت فرودگاه و ساعت ۲:۴۰ دقیقه دم در فرودگاه امام بودیم
مرفتیم کارت پرواز رو گرفتیم اومدیم بریم قسمت چک پاس دیدیم اووووووووووو صاف رو نگاه
خلاصه اومدیم ایستادیم توی صف حالا استرس که به وقت رسیدم به بازرسی نگاه مشمولی نمیتونی رد بشی بعد از ۱ ساعت ایستادن در صف
رسیدیم به گیت که به سلامت رد شدیم
اومدیم ارزهای بانکی رو هم گرفتیم و رفتیم سوار هواپیما شدیم که بعد از ۲:۳۰ تو فرودگاه آنکارا نشست
بعد از چک کردن پاس ها در ترکیه ما به هتل سگمن اومدیم
هتل خوب تمیز و دارای امکانات کافی
تا وسایلامون رو گذاشتیم رفتیم به سمت دکتر
ما ساعت ۹ اونجا بودیم که واقعا کارمون زود تمام شد ،حتما زود برید
ابتدا ۴۷.۵ گرفتن بعد آزمایش خون و ایکس ری رو انجام دادم و بعد رفتم به طبقه پایین منشی اسم میخوند میرفتیم داخل
دکتر راجع به عمل کردن ، بیماری خاصی داشتن پرسید و سیگار کشیدن که گفتم هیچ کدوم
خلاصه به واکسن به ما زد گفت موفق باشد اومدیم بیرون حساب کنیم میگه ۲۷۰\$ یکی میخواست منو بگیره خد!!!!!!!!!!!! (فدا سرم)
نمیدونم واقعا چرا خلاصه بگذریم یکم گشتیم رفتیم KFC غذا خوردیم جاتون خالی بعدشم اومدیم هتل
الانم دارم از خستگی بیهوش میشم
من فعلا میرم



راستی از مطب دکتر مخفیانه ۱ عکس گرفتم بعد حتما میذارم



پس تا قسمت بعد

ارسالها: 135
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 375
853 بار تشکر شده در 123 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

بچه ها سلام اینم قسمت ۲
امروز رفتیم آنکارا گردی ، راستی یادم رفت بگم ۲ تا دوست عزیز دیگه هم با من هستن که کیس لاتاری هم هستن.
رفتیم امروز با هم مقبره اتاتورک که واقعا جای بسار زیبایی حتما برید بینید همراه با موزه اش رو
خلاصه رفتیم کلی گشتیم از اونجا هم رفتیم قلعه آنکارا که آنکارا از اونجا نمای خیلی خوبی داره فقط خیلی پله داره
از اونجا هم رفتیم ۳تا مرکز خرید که اولیش اسمش یادم نمیداد دقیق ولی دومیش yiem اگه اشتباه نکنم سومي هم که ankamall بود که خیلی خیلی
معرکه بود ، ما وقتی رسیدیم ankamall اینقدر گرسنه بودیم که ابتدا رفتیم بالاترین طبقه که همه ی نمایندگی های خوراکی هرچی بگید اونجا بود ، ما
رفتیم اسکندر کباب (اسمش Hd eakandar) که من خیلی دوست داشتم این رو هم حتما امتحان کنید بگم که ankamall خیلی بزرگه و ۲ ساعته
نمیتونید تماشا کنید
خلاصه بعد از کلی خرید و اینجور چیزا اومدیم هتل یکم استراحت کردیم راستی بسته جواب مدیکال رو هم گرفتیم که به جعبه بسته که به کاغذ و cd
روشه
بعد از استراحت طرفای ساعت ۹ رفتیم به سمت سفارت پیاده ، به نگاهی از دور انداختیم و رفتیم به سمت شام
الانم که برگشتم هتل دارم سفرنامه رو مینویسم
اینم از روز دوم در آنکارا
تا بعد ...

ارسالها: 94
تاریخ عضویت: Oct 2011
رتبه: 1
تشکر: 555
811 بار تشکر شده در 93 پست



drpouya (Jun-02-2012 06:21 PM) نوشته است:

alexander (Jun-01-2012 06:05 PM) نوشته است:

gulu (Jun-01-2012 05:42 PM) نوشته است:

Hamed112 (Jun-01-2012 05:25 PM) نوشته است:

ehsan1095 (Jun-01-2012 05:21 PM) نوشته است: بله این به چیز معمولیه. خواهرم که با دکتر که صحبت کردند گفته که برای اینه که ادامه واکسیناسیون را برای دوره های بعد در آمریکا ادامه دهید. همچنین اون کاغذها و سی دی ها برای خودتون می باشد و نباید به سفارت تحویل دهید

افا به دنیا ممنون راستی دیروز سه نفر قرمز گرفتن به علت دروغ نا خواسته.

شما اونا روتو هتل دیدید یا تو مطب ؟؟؟ مهاجر سرایی بودن ؟ حتماً علتشو پرسیدید چي بود ؟سه تا جدا جدا بودن یا اعضاي په خانواده بودن ؟

من از یک کیس که دیروز قرمز گرفته خبر دارم . آفیسر گفته شما موقع ثبت نام اولیه اسم یکی از بچه هاتون را وارد نکردید در صورتی که ایشون گفتند بچه های من اصلاً دو قلو هستند به هر حال آفیسر قبول نکرده البته ایشون خودشون ثبت نام اولیه را انجام ندادند و انگار یکی از این دفتر مهاجرتی ها تو شیراز انجام داده بوده . امیدوارم مشکلتشون حل شه

در خصوص این فرد بعید می دانم مشکلتشون برای رد شدن این باشه ببینید اگر مغایرتی در فرمها باشه یعنی فرمهای اول ثبت نامی و فرمهای بعدی 230 و 122 که شخص خودش تکمیل و امضا می کند در واقع در آن فرمها اطلاعات آپدیت میشه و اگر مشکل حادی باشه همون موقع یعنی قبل از مصاحبه به اصطلاح کیس نامبر ایشان را باطل می کنند و دیگر به مصاحبه دعوتشون نمی کنند. می گویند کیس کنسل شده ولی اینمورد کیس کنسل نشده یعنی اتفاقی بعد از اون افتاده که مهمتر بوده است. یعنی در KCC در آمریکا اطلاعات ورودی اولیه را دارند و بررسی بررسی می شود و بعد اطلاعاتی که شخص با امضای واقعی می فرستد را با هم تطبیق می دهند و اگر نکته ای باشد که منتهی به رد شدن بشود دیگر از وی برای دعوت به سفارت و مصاحبه اقدامی صورت نمی پذیرد. چون ورود اطلاعات اولیه آزاد است و می تواند توسط هر کسی در هر جایی از دنیا انجام شود ولی بعد اطلاعات با امضای واقعی شخص ارسال می شود و اعتبار بیشتری دارد. مواردی هم در مهاجر سرا ذکر شده و بوده که اشکال در فرم اولیه اینترنتی بوده و قابل رفع شدن است ولی این مورد فکر می کنم یک دلیل دیگری پشت قضیه بوده است. هر چند در جاهای مختلف حتی در مهاجرسرا گفته شده وقتی اواخر دوره است (2012) به هر چیزی گیر می دهند که گرین کارت های محدود را کمتر توزیع کنند ولی اینمورد باز به نظر من و با توجه به بحثهای بسیار زیادی که در مهاجرسرا هست باید علت دیگری داشته باشه. منم امیدوارم مشکلتش حل شه. موفق باشید.

معتقدم که هیچ کس از کیس کس دیگری مطلع نیست. اما اثبات صحبتهای بالا نیاز به منبع دارد و اگر تا حالا حتی یک مورد کیس اینطوری باطل شده بود آوازه اش همه جا پیچیده بود.

ویزای لاتاری دارای آشنایی بسیار باز میباشد و اگر کسی اطلاعات ناقص بفرستد باز میتواند در هنگام مصاحبه همه مدارک را با خود و در دستان خود به سفارت ببرد و موضوع ابطال کیس منتفی است.

تمام مراحل آن نیز خود اظهاری است و با قسم خوردن حرف طرف را قبول میکنند که البته اگر دروغی گفته شود کیس هر کسی تا سیتیزن شدن 5 سال ادامه دارد و امضای طرف را مبنی بر این در پای فرمیش میگیرند که در هر مرحله ای که اثبات گردد که...

خیر این یک دلیل کاملاً روتین و تکراری میباشد که اگر یکی از اعضای خانواده در ثبت نام اولیه از قلم افتاده باشد آنها هرگز نامه ای مبنی بر این موضوع به شخص نخواهند نوشت و او را از این امر آگاه نخواهند نمود و بلکه برعکس اگر شخص برنده نامه بدهد که آیا کیس من مشکلی دارد یا نه ؟ پاسخ میاید که مشخص نمیشد و در تاریخ مصاحبه توسط آفیسر معلوم میگردد.

"و اگر نکته ای باشد که منتهی به رد شدن بشود دیگر از وی برای دعوت به سفارت و مصاحبه اقدامی صورت نمی پذیرد."

مثلاً" چه نکته ای؟ میشود مثال آن را بیاورید؟ مشخصاً" هر کس که کانفرمیشن نامبر را دارد صاحب کیس است و KCC نمیتواند بنا به دلایلی که از روی گمان میباشد کیسی را ابطال

نماید و بناچار باید تا زمان مصاحبه صبر کند و این موضوع نیز احترام به حقوق افراد است دال بر راستگویی آنها، مگر خلافش ثابت گردد. آنها اگر اختلافی در کیس مشاهده نمایند

موضوع را دال بر راستگویی افراد میگذارند و میگویند شما اطلاعات درست را در فرمها بنویس و ارسال کن و کیس را باطل نمیکند.

ابطال کیس موضوعی میباشد که تنها توسط سازمانی بسیار امنیتی... صورت میگیرد و فراتر از قدرت تصمیم گیری KCC و یا کنسولگری میباشد. تازه آن نیز ابطال نیست و معلق

میگردد و مثلاً" برای 350 روز بررسی نمیشود تا دوره لاتاری تمام شود.

و هرگز اطلاعات فرد مورد نظر و یا حدس و گمان آنها در مورد او ، حتی برای خود آن شخص نیز افشا نمیگردد، حتی اگر این فرد بدترین فحشها را نیز به آنها ابراز نماید.

اگر کیس را باطل کنند باید دلیل بیاورند. بنابر این ابطال کیس با سطر بالا که عرض کردم در تضاد خواهد بود.

موضوع این شخص همین هست و این موضوعی تکراری هست.

دلیل اینکه در این موارد بلافاصله کیس ریجکت میگردد بر من نامعلوم است.

این مورد که یکی از بچه ها از قلم افتاده است باعث ارسال برگه قرمز فوری و بلادرنگ به شخص متقاضی میگردد و قبلاً" نیز بارها اتفاق افتاده است.

موضوع این شخص نیز چیزی غیر از این بنظر نمیرسد.

ارسالها: 135

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 375

853 بار تشکر شده در 123 پست

edge

عضو فعال



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همه ی دوستان میریم که داشته باشیم قسمت ۲ رو
خب ساعت ۸:۳۰ بود که بیدار شدیم و تا رفتیم صبحانه خوردیم و اومدیم پایین ساعت ۹:۴۰ بود که با دوست عزیزمون و خانومشون ساعت ۱۰:۳۰ قرار گذاشتیم دوباره بریم ANKA mall چون اون روز واقعا وقت کم آوردیم گفتیم با مترو بریم که ۲ نفرمون ۸لیر میشد ولی تاکسی رو انتخاب کردیم که هم راحت تر و هم سریع تر که از دم هتل تا اونجا ۱۵ لیر شد
خلاصه بعد از کلي گشتن و دیدن وقت ناهار شد ، رفتیم ناهار خوردیم همون طبقه اخر Anka mall که زیاد خوب نبود ، بچه ها سعی کنید از رستوران های معروف غذا بگیریید چون غذا های دیگشون معمولا با ما جور در نمیاید
خلاصه غذا خوردیم و اومدیم هتل استراحت کردیم تا عصر و عصر هم پیاده رفتیم خیابان kizilay رو دیدیم که اونم پر از فروشگاه البته مرکز خرید kizilay رو گذاشتیم واسه فردا چون خیلی بزرگ بود وقت کم بود
خلاصه رفتیم به سمت شام ، رفتیم pizza hut خوب بود ولی پیتزای خودمون چیز دیگست
الانم توک هتل هستم
پس تا فردا و قسمت بعد

ارسالها: 621

تاریخ عضویت: Aug 2011

رتبه: 6

تشکر: 4498

3451 بار تشکر شده در 577 پست

rip3

عضو با سابقه



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

drpouya(Jun-03-2012 07:57 AM) **نوشته است:** در مورد هتل‌های آنکارا یا تورهای مسافرتی اون کجا میشه اطلاعات کسب کرد؟ میشه لینک بدید؟ شاید من نمی توئم لینکهایش رو پیدا کنم؟ ممنون میشم.

هتل‌های سه ستاره:

اوزیلهان ***

گولد هتل ***

هتل بویوک ارشان ***

هتل سیمن (seğmen) ***

هتل الیت ***

هتل‌های چهار ستاره:

ایوب اوغلو ****

دیوان ****

رمادا ****

هاستون ****

Best ****

نوا پالاس ****

آلدینو ****

تونالی ****

میداس ****

آنکارا هیلتون واقع در نزدیکی کیزیلای ****

هتل ددمان آنکارا (Dedeman) ****

هتل‌های پنج ستاره:

آنکارا هیلتون واقع در کاواکلیدره (نزدیک سفارت آمریکا) ****

گرند ریکسوس ****

شرایتون ****

کراون پلازا (از سفارت دوره ولی چسبیده به مرکز خرید آنکامال و ایستگاه مترو) ****

مگا رزیدنس ****

هتل‌هایی که ستاره بندی نشده اند (Unrated hotels) البته به این معنی نیست که هتل‌های خوبی نیستن، میتونید عکس‌هاشون رو از سایتشون ببینید:

اوتتور

الیت پالاس

ارسال‌ها: 135

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 375

854 بار تشکر شده در 123 پست

edge

عضو فعال



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همه ی دوستان عزیزم edge کوچولوی شما (رامین) همونیه که برگه ی قرمز گرفت البته قرمز نیست صورتیه حالا نمیدونم فرق داره یا نه

من ساعت ۸ در سفارت بودم دوستان و اول توریستی سپس ما گرین کارتی ها حالم خرابه ناجور بیخشید زیاد کامل نمینویسم

من شماره ی ۴۰۵ رو داشتم بعد از این که رفتیم توی سالن نشستیم بعد از چند دقیقه شماره ی من برای باجه ۱۱ خوانده شد رفتم مدارک رو تحویل دادم و به نگاه کرد و گفت دیپلم کو گفتم من الان سال سوم هستم و تا اواسط سپتامبر دیپلم ایران رو براتون میارم گفت میدونی برا رفتن به دانشگاه پیش دانشگاهی هم میخواد گفتم اره خب من الان دارم تحصیل میکنم بعد گفت برو بشین رفتم نشستم بعد چند دقیقه دوباره شمارم ظاهر شد و رفتیم از دو دست انگشت نگاری کرد و بعدش هم (دوباره چند دقیقه بعد) واسه \$۲۳۰ رفتم، که گفت بشین منتظر

تقریباً ۲۰ دقیقه منتظر بودم که واسه مصحبه فرا خونده شدم یه سلام کوچولو و گفت آماده ی واسه قسم، گفتم فقط یه چیز من سابقه کار هم دارم فقط چون part time و پارت تایم توی ایران جزو سابقه حساب نمیشه توی فرم ها نوشتیم گفت اصلا مشکلی نیست

گفت سوگند میخوری تمام حرف هایی که توی فرم ها زدی راسته؟ منم گفتم بله

بعد گفت رامین تو خیلی کیست خاصه تو اولین نفری هستی که من مصاحبه میکنم زیر ۱۸ سال واقعا خودت خودت رو ثبت نام کردی؟ گفتم بله، گفت
 افرین چه خوب
 گفت رامین میدونی که قانون واسه لاتاری ۱۲ ساله ولی تو این رو نداری ولی ساقه کار میتونه چیز خوبی باشه بده بینمش تحویلش دادم و رفت پای
 کامپیوتر کلی گشت که دیدم یک دفعه به برگه صورتی در آورد شروع کرد به نوشتن من قلمم به تیش اوفتاد
 گفت رامین سابقه کارت جزو اون لیستی نیست که ما نوشته بودیم متاسفانه همیشه بعد گفتم من حتی با چند تا دانشگاه های امریکا مکاتبه داشتم
 مثل barry, tomas گفت واقعا گفتم اره گفت همیشه بینم، منم بهش تحویل دادم
 نگاه کرد گفت خیلی خوبه ولی اینا پذیرش نیست
 رامین نمیدونم شرایط ایران چطوره که به طوری توی دوره ی خاص کوتاهی دیپلم رو بگیري و به خاطر این که هزینه ات زیاد نشه اسکن بگیري برای ما
 بفرستی یا اینکه از دانشگاه برای شروع یک دوره ۲ ساله پذیرش بگیري، منم گفتم حتما، گفت تا آخر سپتامر مهلت داری
 منم گفتم حتما
 خلاصه اینم از داستان edge کوچولو
 نمیدونم صورتی و قرمز بکیه
 آگه بکیه چطور پس فرصت به من داده؟
 حالا چطور من این مدارک رو جور کنم
 یعنی میشه؟
 بچه ها عاشق همتونم
 ممنونم بابت همه چیز، دوست دارم زیاد

ارسالها: 189
 تاریخ عضویت: Jul 2011
 رتبه: 2
 تشکر: 153
 1128 بار تشکر شده در 186 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

funnybluesolea(Jun-05-2012 12:45 PM) **نوشته است:**

roghiyeh(Jun-05-2012 11:48 AM) **نوشته است:**

roghiyeh(Jun-05-2012 10:52 AM) **کامیلا نوشته است:** بچه ها من چند روز بود نبودم و الان که صحبت برگه قرمز شده از استرس دارم میمیرم.
 ما آگه خدا بخواد جمعه عازم استانبول و از اونجا آنکارا هستیم.
 برای من و همسر دعا کنید.

من و همسر هم استانبول هستیم. آگه کمکی خواستین در خدمتیم.

roghiyeh عزیز

با توجه به اینکه شما استانبول بودید و کارهای مدیکال رو اونجا انجام دادین و از اونجا عازم آنکارا برای مصاحبه شدید، آگه می شه به مختصر از استانبول
 بگو، آیا با اتوبوس می شه رفت American hospital؟ من میرم Bahcesehir فکر کنم تا بیمارستان خیلی راه باشه درسته؟
 لطفا از اتوبوسهای بین شهری هم بگو که چجوری می شه بلیط رزرو کرد و چند مدل بلیط وجود داره؟ فاصله ترمینال تو آنکارا با سفارت چقدره؟
 آیا قطار سریع السیر هم به مقصد آنکارا هست؟ آخرین خبری که داشتم این بوده که این قطار موقتا کار نمی کنه تا آنکارا.
 ببخشید به خاطر سوالهای زیاد

سلام

باید عرض کنم که در استانبول چند تا جا داریم که به باهجه شهر معروفه ولی در هر صورت شما برای اینکه برید به بیمارستان باید به میدان تاکسیم
 برید. در اونجا باید سوار مترو بشید و در اولین ایستگاه که اسمش عثمان بی هستش باید پیاده بشید. از ایستگاه عثمان بی تا بیمارستان حدود 15 دقیقه
 پیاده راه هستش. چون بیمارستان داخل کوچه و خیابان فرعی هستش نمیتونین مستقیم با اتوبوس برین اونجا. رزرو اتوبوس رو هم بهتره از دفاتر فروش
 داخل شهر انجام بدید. در همه جای شهر دفاتر مربوط به شرکت مترو رو میتونید ببینید. از نزدیکترین دفتر به هتلتون بلیط رو تهیه کنید. هر دفتری که بلیط
 رو ازش میخرین موظفه شما رو بیره تا محل اتوبوس. مثلا آگه بلیتتون ساعت دوازده شب هستش بهتره میگه که یازده شب جلوی همون دفتر حاضر
 بشین تا با سرویس شما رو برین ترمینال پیش اتوبوستون. یادتون باشه حتما قبل از خرید بلیط پرسین که این سرویس رو میده یا نه. هزینه بلیط اتوبوس
 از استانبول تا آنکارا از 30 لیر هستش تا 45 لیر. بستگی به اتوبوسش داره. ولی ارزونترین اتوبوسش هم از بهترین اتوبوسای ایران بهتره. فاصله بین
 استانبول تا آنکارا حدود 5-6 ساعت هستش. برای اینکه تو آنکارا الاف نشین سعی کنین بلیط اتوبوس رو برای آخر وقت یعنی ساعت حدودا یک شب
 بگیرید. صبح اول وقت میرسین آنکارا. وقتی از اتوبوس پیاده شدین باید برین داخل سالن ترمینال و ورودی مترو رو پیدا کنید. ایستگاه داخل ترمینال آشتی
 نام داره و اولین ایستگاه حرکت مترو هستش. پس نگران اشتباه سوار شدن نباشید. از هر جا که سوار بشین به طرف مسیر درست خواهد رفت. حدود ده
 دقیقه بعد در ایستگاه کزل آک پیاده میشین. دقیقا یادم نیست چندمین ایستگاه میشه. ولی جای نگرانی نیست چون هم با بلندگو ایستگاهها رو اعلام
 میکنه و هم بالای در مترو نقشه ایستگاهها رو زده و راحت میتونین بفهمین در کدوم ایستگاه هستین. وقتی در کزل آک از مترو پیاده شدین تا سفارت
 حدود بیست دقیقه پیاده راه هستش. ولی پیشنهاد میکنم اگر بلد نیستین با تاکسی برین. حدود 10-15 لیر میشه. راستی بلیط اتوبوس رو رفت و برگشت
 نگیرین چون معلوم نیست کارتون کی تموم میشه. در تانی از آنکارا به استانبول در هر ساعت دهها اتوبوس حرکت میکنه. هر لحظه به ترمینال برین دهها
 نفر در حال گشتن دنبال مسافر برای استانبول هستن. در ضمن پیشنهاد میکنم صبحانه رو نزدیک سفارت بخورین. دقیقا رویروی در ورودی که همه صف
 میکشن حدود 80 متر جلوتر برین. به سرپایینی هستش. سمت راست به مغازه تو مایه های کافه هستش که کیک و چای و انواع شیرینی
 و... میفروشه. فکر کنم همه مشتریاش هم کسانی هستن که قراره مصاحبه بشن و زودتر اومدن جلوی سفارت. ما با اینکه به بار تو ترمینال آشتی
 صبحانه خورده بودیم ولی چون خیلی زود رسیده بودیم اونجا برای اینکه اون وسط آویزون نمونیم مجبور شدیم به پرس دیگه اونجا بزنینم. تو عمرم به اون
 آهستگی چیزی نخورده بودم. آخه باید حدود دو ساعت وقت تلف میکردیم.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان عزیز و ارجمند - وقت شما بخیر

ببینید دوستان عزیز من خودم در تهران هستم و در آنجا کاره ای نیستم و این قضیه را مدیریت میکردم. کیس خواهرم و شوهر خواهرم میباشد و برنده اصلی شوهر خواهرم میباشد. ولی همه تیریکهای شما را محترمانه قبول و به آنها نیز منتقل کرده ام و آنها نیز اولاً همه شما را خیلی دوست دارند و نیز سلام میرسانند تشکر مخصوص برای همه ابراز احساسات شما دوستان عزیز و محبوب کرده اند ولی با اطمینان قاطع میگویم که تا این

لحظه از زندگیم هیچوقت چنین خبر خوبی و چنین حالت خوبی را تجربه نکرده بودم. و قدر و اندازه خوشحالی من بسیار زیاد و غیر قابل توصیف است لذا از شرح آن صرف نظر میکنم و به فرصتی دیگر موکول میکنم. آنقدر من با این تلفن تا حالا با هتل ددمان و اتاق خواهرم و شوهرش صحبت کرده ام که حدس میزنم تلفنهایمان سوخته باشد... و هنوز سیر نشده ام و تازه آنها رفته اند که کمی دراز بکشند و نه بخواهند. این را بگویم که تا حالا در زندگیم خبری و یا اتفاقی که بتواند مرا تا این اندازه خوشحال کند هرگز نداشته ام. در حدود 30 دقیقه تمام از طریق تلفن با صدای بلند به آنها تیریک میگفتم و هنوز شیرینی آن به کام من میباشد و فکر نمیکنم حالا حالا ها تمام شود. ببینید باید جای من باشید تا بتوانید تصور کنید که من چه میگویم. برای ما این یک هدف مسلم بود و کاری به قبل و بعدش نداریم و اگر برای اینها مشکلی پیش میآید من خیلی ناراحت میشدم. و اثر بدی بر من میداشت ولی خوشبختانه به نحو بسیار مطلوبی پیش رفت که امیدوارم برای شما و همه اینگونه باشد. شاید برای دیگران تا این اندازه مهم نباشد و لی صادقانه بگویم برای من بینهایت و تا آخرین درجه ممکن مهم بود که این موفقیت حاصل شود.

با اجازه از شما دوستان محترم، میخواهم طوری بنویسم که اینطور بنظر برسد که خودم آنجا بودم چون من در ارتباط کامل و لحظه به لحظه با آنها میباشم و همه چیز آنجا را دیگر میدانم مثل این است که خودم آنجا بودم و با کسب اجازه از شوهر خواهرم اقدام به این ارسال کردم.

برنده اصلی: من بودم

تعداد نفرات: 2 نفر

کیس نامبر: xxxxxx5

تاریخ مصاحبه: June 08:30/05

روئیت قبولی در سایت: July 15

سفارت: آنکارا

هتل: ددمان

فرمهای ارسالی: (هیچ چیز اضافه ای ارسال نگردید، سابقه کار و دیپلم خانم. گواهی انجام کار خودم و خانمم، دو سند ملکی، ترجمه شد و همراه برده

شد ولی با فرمها ارسال نشد.) زیرا بر اساس فایل Instruction سفارت هر چه خواسته بودند را فرستادم.

روز سه شنبه ساعت 1:00 از خانه به سمت فرودگاه رفتیم. کمی سرد شده بود ولی ما خیلی ریلکس بودیم. محل خانه در حال ساخت پل میباشد و کمی دلوپس بودم که سیر و سفر نتونه آدرس رو پیدا کنه ولی آنها خیلی حرفه ای هستند و نگرانی بی دلیل بود.

اصولاً من میدونستم که سفر کمی طولانی هستش و بدلیل حساسیت تمام تلاشم را (غیر مستقیم) میکردم که همه چیز روتین و بی دردسر باشه تا هیچ استرسی به خودم و همسفرم وارد نیاد چون قرار بود که یک ساعت و نیم در هواپیما باشیم و همه سعی من این بود که همه چیز آروم باشه.

راننده مودب بود و وقتی توی کوچه رسید اصلاً بوق نمیزد و همینطور منتظر بود. رفتیم...

به فرودگاه که رسیدیم خلوت بود و ما از قبل ارزها را گرفته بودیم و عملاً به جز گرفتن کارت پرواز هیچ کاری نداشتیم. نشستیم و جای خوردیم تا وقت بگذره. بعدش کارت پرواز گرفتیم. این اولین سفر خارجی ما بود.

بعد از ساعتی رفتیم به سمت گیت خروجی.

آفیسر پاسپورت ما را گرفت کمی نگاه کرد و به صورت هردو تامون نظری کرد و تقریباً داشت بهمون تحویل میداد که یکدفعه گفت راستی شما پاسپورتتان را امضا نکردید و امضا کنید. ما هم امضا کردیم و رفتیم نشستیم...

زمان میگذشت و به 5 نزدیک میشدیم و بعد سفارش چای و نسکافه هم دادم تا دیگه توپ توپ... گذاشتم رو میز که نسکافه کمی سرد بشه. دیگه داشتیم آماده میشدیم که بریم.

نسکافه رو بلند کردم که بخورم و قبل از خوردن، پاسپورت رو هم برداشتم که ببینم مهر خروج چه شکلیه؟ اما!!!

پاسپورت من توسط خانم و پاسپورت خانم توسط من امضا شده بود. !!!

آفیسر اشتباهی مال من رو داده بود به اون و مال اون رو داده بود بمن.

وقتی مراجعه کردیم هم خودش کمی شرمنده شده بود و خیلی هم مودب بود و گفت موردی نداره و توضیح بدین.

خلاصه همراه با همین موضوع سوار هواپیما شدیم. روز قبل از سفر خانم من یک دوربین کانه خوب خریده بود.

سه شنبه ساعت 5 بامداد پرواز کردیم و وقتی به هتل ددمان رفتیم حدود 2 ساعت منتظر شدیم تا Time In ما شد و داخل شدیم. خیلی تمیز و اصولاً هیچ نقصی نداشت و ما با خودمون کتری هم آورده بودیم. قبل از هر چیز بگم که حتی بدون در نظر گرفتن مصاحبه، ما خاطره بسیار خوبی از مسافرت به شهر آنکارا داریم که هیچوقت فراموش نخواهیم کرد.

کارهای مدیکال رو روز چهارشنبه انجام دادیم و فقط خانم به واکسن mmr خورد. کل هزینه مدیکال حدود 170 دلار شد. ما اصلا" نگران این موضوع نبودیم. و خودمون رو برای بیشتر از این آماده کرده بودیم. ضمنا" ما از دکتر اونگان خیلی راضی هستیم چون خیلی مهربان و خوش برخورد بود. و با ما خوش و بش میکرد.

مصاحبه ما روز سه شنبه بود و ما عملا" در انتهای روز 5 شنبه کاملا" بیکار شدیم و بجز بررسی چند کاغذ غیر مهم کاری نبود. به همین جهت راه افتادیم برای گردش و در همین هتل هم با خیلی ها آشنا شدیم و یک خانم مودب هم که تورلیدر بود به شدت از ما مراقبت میکرد و ما اصلا" حوصله مان سر نمیرفت. رفته رفته فهمیدیم که آنکارا چقدر زیبا و فشنگه و حال و هوای آنجا حسابی برامون دلچسب بود طوری که اصلا" متوجه نمیشدیم زمان چطوری میگذره... از چند جای خوب دیدن کردیم و مخصوصا" Ankamall رو خیلی خوشمون آمد.

مدارک و مشخصات:

شغل : 100% خصوصی

سربازی: معافیت

دیپلم 12 ساله

سفر خارجی: نداشتیم

راستش انتظار ویزای یک ضرب را داشتم ولی در این موارد هیچ تضمینی وجود ندارد.

نمیدانم چرا از بدو ورود به آنکارا هر چه میگذشت ما ریلکس تر میشدیم و حتی بعضی وقتها یادمان میرفت که برای چه موضوعی انجا هستیم.

در نهایت آرامش به روز سه شنبه رسیدیم.

ساعت 8:10 در سفارت بودیم. دو صف وجود داشت که یکی متعلق به لاتاری بود. نگهبان پاسپورتها را گرفت و از روی آنها صدا میکرد. ما چهارمین بودیم. رفتیم داخل که باز هم دو صف موجود بود.

از یک در وارد شدیم و یک در باز را دیدیم که یک خانم فارسی زبان خیلی مودب مدارک را میخواست و یکی یکی میگفت و میدادم.

پاسپورت

شناسنامه

آیا ترجمه سربازی را فرستادید و یا همراهتان است؟ فرستادیم. خوب است.

کارت ملی

مدرک تحصیلی

قباله ازدواج

عکس

نامه تمکن مالی ؟ فرستادیم. خوب است

برایش موضوع امضا و پاسپورت را توضیح دادم. بعد از نگاه کردن گفت که موردی نیست و به آفیسر بگویید.

در حدود 100 نفر در سالن بود.

یک شماره داد و ما رفتیم داخل و نشستیم و زوم کردیم روی همان مانیتور چند دقیقه بعدش شماره ما خوانده شد و ما رفتیم برای

انگشت نگاری. بعدش نشستیم و 20 دقیقه بعدش شماره ما اعلام شد و رفتیم و 660 دلار را دادیم و نشستیم.

این بار طول کشید و 2 ساعت و نیم بعدش نوبت ما شد و شماره ما برای مصاحبه اعلام شد.

یک خانم بسیار خوش برخورد فارسی زبان و مودب آفیسر ما بود. ما استرس نداشتیم و فقط کمی انتظار کشیده بودیم و کلا خیلی

ریلکس بودیم ولی این آفیسر طوری برخورد میکرد که اگر کسی اضطراب هم داشته باشد ریلکس میشود.

بعد از سلام و احوالپرسی و خوشامد گویی گفت که قسم میخورید که هرچه میگویید راست و حقیقت است.

موضوع پاسپورت را گفتم. میکرفن را خاموش کرد و با یک همکار مرد که در پشت سرش قرار داشت در حدود کمتر از 10 ثانیه مشورت کرد.

البته صدای آنها آهسته میآمد و بکلی قطع نبود. از لحن نگاه کردن آن آقا به پاسپورتمان و اشاره با سرش به سمت بالا بر ما معلوم شد

که بیخود نگران بودیم. سپس آفیسر گفت که اصلا" موردی در کار نیست و دست راستان را بالا ببرید و هرچه که من میگویم تکرار کنید.

وقتی ما قسم میخوریم به لبهای ما نگاه میکرد بیند که این کار را انجام میدهیم یا نه.

آفیسر در تمام لحظاتی که در حین مصاحبه بود لبخند بر لب داشت و با لبخند پرسش را میپرسید.

رو به من

چکار میکنید؟ شغل را گفتم (در فرمها به خصوصی بودن اشاره کرده بودم) به همین جهت نرسید.

چند سال است که در این شغل هستید؟ 17 سال

قبل از آن هم کاری میکردید؟ خیر

مدرک شما دیپلم است؟ بله

شما معاف شدید؟ بله

چرا معاف شدید؟ معافیت زمان صلح بوده و بدلیل نیروی مازاد، (البته روی کارت معافیت هم اینو قید کرده بودند)

آیا در آنجا کسی را دارید؟ بله (مشخصات آن شخص در فرم نوشته شده بود)

آیا تا کنون به آمریکا رفته اید؟ خیر

رو به همسرم کرد و شغلش را پرسید... سپس خیلی با انگیزه و لبخند گفت: okkkkkky

رو بمن:

میخواهید آنجا چکار کنید؟ جواب: زندگی و کار

آیا میخواهید در همین شغل در آنجا باشید؟ بله اگر توانستیم حتما" سپس خیلی با انگیزه و لبخند گفت: okkkkkky

پرونده شما هیچ مشکلی ندارد و من به شما کارت UPS را میدهم تا به (با دست نشان میداد) آنجا ببرید و پاسپورتتان را برای شما

میاورند.


تشکر کردیم و خداحافظی. و به سمت هتل برگشتیم و ضمنا" خیلی خیلی خوشحال بودیم و در سالن که به سمت UPS میرفتیم چند

نفر به ما تبریک گفتند. که متوجه نمیشدم صدا از کدام طرف میآید چون حال خیلی خوبی داشتم.

جوابگوی پرسشهای شما عزیزان نیز هستیم. (اگر ممکن است در پاسخ مطلب را به چند سطر مختصر کنید تا فضای صفحات کم شود - متشکرم)

ارادتمند همه شما دوستهای خوب و با آرزوی موفقیت برای شما

SAHER

بچه ها ببخشید من بلد نیستم خوب بنویسم و اگه بد بود خلاصه ببخشید!!!! ولی هدفم از نوشتن جزئیات کاملاین بود که تمام این خرف هایی که زده میشه همش الکیه . . . اگه روز مصاحبه آفیسر را خوب قانع کنید ، همان جا درجا ویزا میگیرید . . . ظاهراً ابهاماتی در رابطه با کیس ما بوجود اومده بود برایشون ، که قرار بود مارو ریجکت کنن ولی ما با توضیحاتمون تمام آنها را برطرف کردیم . . . در پایان از تمام دوستان گل ، مدیران سایت و همه کسانی که من را در این مدت کمک کردن کمال تشکر را دارم و از همین جا ارادتمو اعلام میکنم و خداوند بزرگ را هم بخاطر این همه لطفش شاکرم ، اگر سنوآلی بود در خدمت دوستان گل هستم . . . مخلص همه عزیزان هم هستیم . و در پایان از دوست عزیز SHAZEN هم تشکر میکنم که با ارسال یک پیغام خصوصی دیروز کلی بما روحیه داد 



ارسالها: 51
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 165
489 بار تشکر شده در 51 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان

ما امروز (6 جون) ساعت 9 وقت مصاحبه داشتیم. دیشب مجدداً تمام مدارک را با همسرم چک کردیم تا کم و کسری نداشته باشیم . صبح هم ساعت شش از خواب بیدار شدیم و رفتیم پایین صبحانه خوردیم و راس ساعت هشت با تاکسی از هتل ددمان به محل سفارت رفتیم حدوداً ده دقیقه با ترافیک طول کشید و کرایه تاکسی هم پنج لیر شد.

جلوی سفارت بسیار خلوت بود و ما به فاصله چند دقیقه از وقتی که پاسپورتهامون توسط نگهبانی چک شد وارد سفارت شدیم. ابتدا مثل فرودگاه کیفهاتون رو دستگاہ میگذارند و بعد خودتون هم از داخل دستگاہ عبور میکنید.

چون ما با بچه بودیم کالسکه هم برده بودیم . برای اطمینان از اینکه تو کالسکه چیزی نیست یه چیزی مثل یه تیکه کاغذ رو به مقداری مواد آغشته کرد و به کل دور و اطراف کالسکه نزدیک کرد .

خلاصه بعد از این مرحله وارد یه حیاط کوچیک شدیم و همون در تق تق معروف صدا میکرد و همه به نوبت وارد میشدند و آنجا یک خانم ایرانی اصل مدارک رو میگرفت . کل مدارکی که از ما خواست (شناسنامه ها- سند ازدواج - پاسپورتها- آخرین مدرک تحصیلی برنده - عکس و تمکن مالی و ترجمه ها که گفتم قبلاً فرستادیم) نه اصل کارت پایان خدمت رو خواست و نه کارت ملی ها !!

بعد یه شماره داد و وارد سالن شدیم و تقریباً همه صندلیها پر بود ما بچه رو از همون اول بغل اسباب بازیها گذاشتیم و تا آخرش با یه بچه دیگه بازی میکرد و اصلاً اذیت نکرد در ضمن هوای داخل سالن آنقدرها هم که میگفتن سرد نبود و به نظرم خیلی نرمال بود (شاید مردم اعتراض کردن درجه شو کم کردن !!)

شماره ما سه بار خوانده شد . اول برای انگشت نگاری دوم برای پرداخت دلار (ما 990 دلار برای سه نفر دادیم) و بعداً برای مصاحبه

یه خانم جوان که خیلی خوب فارسی حرف میزد با ما مصاحبه کرد و بسیار ریلکس و خندان بود

اول گفت قسم بخورید که گفتم دو تا اشتباه کوچولو داریم که داد و درست کردیم بعد دست راستمون رو بالا بردیم و او قسم خورد و ما فقط گفتیم "بله"!!! و سپس فرمها رو امضا کردیم.

از من و همسرم فقط سه تا سؤال کرد:

- 1- شغلتون چیه ؟ چند وقته تو این کار هستین ؟ یه توضیح مختصر از نوع فعالیتی که میکنیم
- 2- تو آمریکا فامیل دارید؟
- 3- سربازی چیکاره بودی؟

فقط و فقط همین بعدش هم برگه آبی رو درآورد و گفت که پرونده شما کامله فقط یه سری مراحل اداری داره که 3 الی 4 هفته دیگه سایت رو چک کنید و یک نفرتون بیاد ویزاها رو بگیره.

من خودم کارم خصوصی هست و سربازی ارتش بودم و لیسانس زبان خانمم هم که برنده اصلی هست لیسانس زبان و خانه دار ما حساب بانکی بالا با اسپانسر قوی داشتیم و فکر میکردم که حداقل خانمم و دخترم ویزای یک ضرب بگیرن اما خوب نشد و ما راضی هستیم به رضای خدا !

ترکها بدون استثنا مستقیم میرفتن یو پی اس و ایرانیها هم با برگه آبی به سمت درب خروجی!!!!!!!!!!!!!!



ارسالها: 51
تاریخ عضویت: Jul 2011



رتبه: 0
تشکر: 165
489 بار تشکر شده در 51 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان

ما امروز (6 جون) ساعت 9 وقت مصاحبه داشتیم. دیشب مجدداً تمام مدارک را با همسرم چک کردیم تا کم و کسری نداشته باشیم . صبح هم ساعت شش از خواب بیدار شدیم و رفتیم پایین صبحانه خوردیم و راس ساعت هشت با تاکسی از هتل ددمان به محل سفارت رفتیم حدوداً ده دقیقه با ترافیک طول کشید و کرایه تاکسی هم پنج لیر شد.

جلوی سفارت بسیار خلوت بود و ما به فاصله چند دقیقه از وقتی که پاسپورتها مون توسط نگهبانی چک شد وارد سفارت شدیم. ابتدا مثل فرودگاه کیفهاتون رو دستگاہ میگزارند و بعد خودتون هم از داخل دستگاہ عبور میکنید.

چون ما با بچه بودیم کالسکه هم برده بودیم . برای اطمینان از اینکه تو کالسکه چیزی نیست یه چیزی مثل یه تیکه کاغذ رو به مقداری مواد آغشته کرد و به کل دور و اطراف کالسکه نزدیک کرد .

خلاصه بعد از این مرحله وارد یه حیاط کوچیک شدیم و همون در تق تق معروف صدا میکرد و همه به نوبت وارد میشدند و آنجا یک خانم ایرانی اصل مدارک رو میگرفت . کل مدارکی که از ما خواست (شناسنامه ها- سند ازدواج - پاسپورتها- آخرین مدرک تحصیلی برنده - عکس و تمکن مالی و ترجمه ها که گفتیم قبلاً فرستادیم) نه اصل کارت پایان خدمت رو خواست و نه کارت ملی ها !!

بعد یه شماره داد و وارد سالن شدیم و تقریباً همه صندلیها پر بود ما بچه رو از همون اول بغل اسباب بازیها گذاشتیم و تا آخرش با یه بچه دیگه بازی میکرد و اصلاً اذیت نکرد در ضمن هوای داخل سالن آنقدرها هم که میگفتن سرد نبود و به نظرم خیلی نرمال بود (شاید مردم اعتراض کردن درجه شو کم کردن !!)

شماره ما سه بار خوانده شد . اول برای انگشت نگاری دوم برای پرداخت دلار (ما 990 دلار برای سه نفر دادیم) و بعداً برای مصاحبه

یه خانم جوان که خیلی خوب فارسی حرف میزد با ما مصاحبه کرد و بسیار ریلکس و خندان بود

اول گفت قسم بخورید که گفتیم دو تا اشتباه کوچولو داریم که داد و درست کردیم بعد دست راستمون رو بالا بردیم و او قسم خورد و ما فقط گفتیم "بله" !!! و سپس فرمها رو امضا کردیم.

از من و همسرم فقط سه تا سؤال کرد:

- 1- شغلتون چیه ؟ چند وقته تو این کار هستین ؟ یه توضیح مختصر از نوع فعالیتی که میکنیم
- 2- تو آمریکا فامیل دارید؟
- 3- سربازی چیکاره بودی؟

فقط و فقط همین بعدش هم برگه آبی رو درآورد و گفت که پرونده شما کامله فقط یه سری مراحل اداری داره که 3 الی 4 هفته دیگه سایت رو چک کنید و یک نفرتون بیاد ویزاها رو بگیره.

من خودم کارم خصوصی هست و سربازی ارتش بودم و لیسانس زبان خانمم هم که برنده اصلی هست لیسانس زبان و خانه دار ما حساب بانکی بالا با اسپانسر قوی داشتیم و فکر میکردم که حداقل خانمم و دخترم ویزای یک ضرب بگیرن اما خوب نشد و ما راضی هستیم به رضای خدا !

ترکها بدون استثنا مستقیم میرفتن یو پی اس و ایرانیها هم با برگه آبی به سمت درب خروجی !!!!!!!!!!!!!!!



نادره
عضو



ارسالها: 43
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 0
تشکر: 29
299 بار تشکر شده در 40 پست

سفر به ترکیه برای مصاحبه: تور، هتل، بلیط و ...

سلام - حالا نوبت من رسید تا سفرنامه ام را برایتان بنویسم . زمانیکه من کارت شدن کیس را تو ی اینترنت دیدم اولین کاری که کردم بلیط هواپیما رزرو کردم . قیمت بلیط خیلی مناسب بود 350 دلار با پرواز ترکیش . از آنجائیکه بلیط غیر قابل برگشت بود حدود 1 هفته گرفتم تا اگر خدا خواست و به ما ویزا دادند مشکل بلیط را نداشته باشیم لذا از آنجائیکه ما یک پسر کوچولو داریم و روز 5 شنبه هم ما مصاحبه داشتیم با ریسک بالا روز یکشنبه آمدیم آنکارا . توی فرودگاه یکی از دوستان همسرم را دیدیم که آنها هم برای گرفتن گرین کارت آمده بودند ولی کار هاشون را عباس انجام داده بود . ما هتل رزرو نکرده بودیم ولی من تصمیم داشتم بریم ددمان یا هتلی در حد آن که توی همین سایت از یکی از بچه ها شنیده بودم که هتل no19 botique هتل خیلی خوبی است ، توی فرودگاه عباس آقا را دیدم و گفت بیائید من برمتون شهر و تا آنجا تصمیم بگیرد کجا برید . به ددمان که رسیدیم گفت اینجا نرید پول اضافه است بیائید من هتل بهتری می برمتون و ما را برد هتل سگمان . هتل خوبی بود توی مرکز شهر هست و همه ایرانی های منتظر مصاحبه آنجا هستند ولی من از هتل خیلی راضی نبودم . روز اول به استراحت و یک دور اطراف هتل گذشت . روز دوم پسر و همسر ساعت 11:50 وقت دکتر

داشتند ولی ما صبح خیلی زود رفتیم . (آخه من نتونستم بودهام صبح اول وقت ، وقت بگیرم و مال خودم هم برداش بود ولی وقتی رفتیم بدون اینکه وقتمون را ببینم اول ما را فرستاد آزمایش خون ، بعد عکس و آخر سر هم دکتر . خود آقای دکتر ما را دید و کلی با من گپ زد که چرا میخواهی بری و برای چی اقدام کردی آخر هم یک واکسن به من زد ، پسر هم یک تست روی دستش زد که گفت چرا اینقدر دیر آمدید من هم گفتم که چون نمی تونستم زودتر پیام گفت قول نمی دهم ولی چهارشنبه بعد از ظهر بیائید جواب را بگیرید . خوب حالا آزاد بودیم . من به هتل No.19 از قبل ایمیل زدم که جا دارید یا نه و قیمتتون چقدر است جواب داد 65 یورو با 15 درصد تخفیف و با همسرم تصمیمی گرفتیم بریم هتل را ببینیم . هتل خیلی خوبی است ولی فقط از مرکز شهر دور است ولی ما آمدیم توی همین هتل و از نقل انتقال خودمان هم خیلی راضی هستیم . سه شنبه و چهارشنبه را به گردش گذراندیم و امروز صبح زود بعد از یک شب بیخوابی رفتیم سفارت . صبح زود بود صاف کم بود و به همین خاطر زود ما را راه دادند توی سفارت . همانطور که بقیه گفته بودند اول صاف تحویل مدارک از ما اصل شناسنامه من ، مدرک تحصیلی ، سند ازدواج ، مدارک مالی از قبیل حساب بانکی ، سند و... را گرفت و ایمیل زده بودند که اصل شناسنامه کانادائی پسر ما را هم با خودمون ببریم (چون پسر من کانادا به دنیا آمده بود) همه را دادیم رفتیم تو پول شد و آخر سر هم بهد از حدود 2 ساعت رفتیم برای مرحله سوم . افسر پسر خیلی خوش برخوردی بود . گفت قسم بخورید که من گفتم میخواستم امضاء ام را چک کنم . گفت امضاء مهم نیست و قسم بخور ما هم قسم خوردیم . فرم ها داد دوباره امضاء کردیم و یکی دو تا سوال خیلی ساده از من کرد . مثل اینکه کارت چیه و کجا کار میکنی و از همسر هم همینطور . راستی موقع انگشت نگاری 3 تا کلاسور من را بهم برگرداند که فکر کنم کمتر از 1/3 مدارکی که توش بود را برداشته بودند و بقیه را گفت لازم نداریم برید . (پول اضافه برای ترجمه ندهید همونی را که خواسته فقط بهشون تحویل بدهید .)

بعد هم برگه آبی داد و گفت پروسه شما کامل است فقط برای یکسری کار های اداری 4 تا 6 هفته صبر کنید و به این سایت مراجعه کنید . حالا هم بقیه مدت باقیمانده را با تور میخواهیم بریم انتالیا و بعد برمی گردیم و میایم ایران . امیدوارم به دردتون بخورد

ارسالها: 2
تاریخ عضویت: Jun 2012
رتبه: 0
تشکر: 2
38 بار تشکر شده در 2 پست

gc2012gc
عضو
☆☆

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همه. بالاخره نوبت ما هم شد سفرنامه بنویسیم. من عضو فعال نبودم ولی کمال استفاده از این سایت خوب رو داشتم و امیدوارم با نوشتن سفر نامه دینمو ادا کنم. سفر نامه ما هم مانند دیگران است خلاصه می نویسم فقط نکات مهم رو توضیح میدم. یکشنبه با ترکیش رسیدیم آنکارا (من و همسرم برنده همسر) دوشنبه دکتر سه شنبه جواب دکتر و چهار شنبه روز مصاحبه پنجشنبه برگشت با برگه آبی.

نکته اول : برای کارای پزشکی اصلا نیازی به لیدر ندارین به راحتی تمام کار هارو خودتون می تونین انجام بدین حتی اگه انگلیسی یا ترکی بلد نیستین . جواب تست آنتی بادی ابله رو با کارت واکسن به پزشک بدین و همونو قبول می کنه بدون تزریق اضافی . دکتر هم انگلیسی بلده و هم فارسی پس هیچ مشکلی ندارید.

نکته دوم: ما ساعت 7:15 دم در سفارت بودیم و جر نفرات اول رفتیم تو و حدود 11 اومدیم بیرون اگه دیر برسین اتقاقی نمی افته فقط انگشت نگاری میشین و هزینه 330 دلار و میدین و میگن برین ساعت 1:30 بیاین ولی به هر حال مصاحبه میشید.

نکته سوم : ما اسپانسر نداشتیم 2 تا حساب سپرده بلند مدت بردیم یکی به نام همسرم یکی بنام خودم مجموعا 65 ملیون . اینو گفتم که نگران اسپانسر و سند خو نه و ماشین و ارزش گذاری ملک و این جور چیزا نباشین. بعضی ها فکر می کنن که اگه پول زیاد بذارن بهتره یا ویزا به ضرب می گیرن که کاملا اشتباه است . الکی خودتونو اذیت نکنین برای اونها همین نفری 30 ملیون کافیه.

نکته چهارم: اصلا استرس نداشته باشین افسر کاملا محترم به شما حرف میزنه و چند تا سواله معمولی مانند کارت چیه؟ کجا می خوایی بری و تا حالا آمریکا بودی؟ و از آقایون در مورد سربازی که کجا بودین و چه کار می کردین؟ البته جواب تمام سوالارو قبلا تو فرما نوشتین !! اگه سربازی رفتین منتظر برگ آبی باشین اگه معاف شدین ویا خانم هستین و کارتتون خصوصی هست و شغل معمولی دارین ویا بیکار هستین اونوقت انتظار برگ سفید داشته باشین (همه چیز از قبل معلومه . همون موقع که رفتیم پول رو بدیم برگه آبی تو پروند رو دیدیم .)

نکته پنجم : مهمترین قسمت ماجرا

وقتی اسم ما تو لاتاری در اومد از طریق همین سایت فهمیدیم که برای اینکه ویزا به شما تعلق بگیره باید دیپلم 12 سال داشته باشه فرد برنده . خب متاسفانه همسر من نداشتن یعنی پیش نداشتن. البته سابقه کار در حد 8 سال داشتن ولی واقعیت اینه که من تا حالا کسی رو ندیدم که با سابقه کار ویزا بگیره انقد اما اگر داره قسمت سابقه کار که عملا غیر ممکن است. اون موقع که اسم همسرم در اومد توی سایت چند نفری بودن که می گفتن میشه 6 ماهه پیش گرفت از طریق آموزش راه دور. ما هم شال و کلاه کردیم رفتیم آموزش پرورش و با هزار بد بختی راهنمایی کردن به یکی از این آموزش راه دور ها . آسوتترینش پیش انسانی می شد که همونو انتخاب کردیم و بهمن ماه پیش دستمون بود . البته برگ موقتش (هنوز هم اصلش نیومده) شانس که آوردیم کیس ما بالا بود و وقت کافی داشتیم برا پیش (45000)

خلاصه اگه پیش ندارین امیدتونو ار دست ندین . تو همشهری پر است از این آموزشگاهها که برای بزرگسال آموزش راه دور پیش میدن. البته قانون ها هی عوض میشه ولی شدنی هست. این بزرگترین کمکی بود که این سایت مهاجر سرا برامون انجام داد و من بی نهایت سپاسگزارم از مدیران این سایت . و تمام کسانی که تجربیاتشونو می نویسن فکر میکنم javad_2 بودن پارسال که تجربیشونو در این مورد نوشتن . هر جا که هستن امیدوارم موفق باشن دعای خیر ما پشتشون هست همیشه. این رو نوشتم برا اونها که تازه اسمشون تو 2013 در اومده و همچین مشکلی دارن زیاد رو سابقه کار حساب نکنن و برن دنبال پیش.

بعد هم گفت که ما براتون به فرم 9 سوالی می فرستیم شما جواب بدین و با CV برامون بفرستین. من بهشون گفتم که CV رو قبلا فرستادم گفت می خوام نسخه الکترونیکشو داشته باشیم!!
و گفت زودتر از یک ماه چک نکنید!!
خداحافظ من دیگه برم برای lunch time.
ما هم برگشتیم.

هر سوالی بود من در خدمتم.

ارسالها: 155
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 2
تشکر: 539
910 بار تشکر شده در 127 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام
من سفرنامه ام رو توی تاپیک سوالات مطرح شده گذاشته بودم چون اون موقع این تاپیک سفرنامه رو پیدا نکردم. زحمت دوستان مدیر رو کم کرده و اینجا هم شرح ماوقع رو کپی می کنم.

شهر - آب و هوا :
من تازه از آنکارا برگشتم... شهری که به نظر من بسیار تمیز و خوب بود... با هوایی فوق العاده..... چقدر مردم اون شهر آزاد و راحت زندگی می کنند... هوای اونجا واقعا متغیره... ولی شما با خودتون چتر ببرین چون اونجا بارون بارید روزها + شب ها هوا خیلی مطبوع هستش فقط صبح ها کمی سرده که اون هم برای کسانی که گرمایی هستن خیلی دلچسبه ولی برای من و امثال من که حساسی سرمایی هستیم خوب نبود و من با خودم ژاکت برده بودم و صبح ها که می رفتیم بیرون می پوشیدم. ولی روزا همون طور که گفتم خیلی خیلی خوب و عالی.

آزمایشات پزشکی:
روز 3شنبه وقت دکتر داشتیم... با وجودیکه همه واکسن ها رو زده بودم و آبله مرغان هم بچگی گرفته بودم ولی با اجازتون آقای دکتر دو واکسن آبله مرغان + نوبت دوم MMR رو به ما زدند.

قبل از زدن واکسن ها اول از من آزمایش خون گرفتند و همچنین عکس قفسه سینه.... یادتون باشه که موقع گرفتن عکس نفستون رو حبس کنین والا دوباره ازتون عکس می گیرن و این یعنی پول اضافی. خانوم ها باید همه لباسای بالاتنه رو در بیارند بدون گردن بند و یه روپوش تمیز می پوشن ولی به آقایون روپوشی داده نمیشه

وقتی نوبت معاینه رسید... خود آقای دکتر اومد توی اتاق و بعد از شنیدن صدای قلب و پرسیدن قد + وزن ، پرسید که چه داروهایی مصرف می کنم که من هم گفتم قرص آهن بعدشم که واکسن ها رو مرحمت فرمودند و خلاصه از اتاق اومدیم بیرون و منشی دکتر گفتن که فردا ساعت 3 بعدازظهر جواب آزمایش آماده هستش. یادتون نره که قد + وزنتون رو بدونید تا پول بیخودی به جناب دکترن دین

خرید:
من شخصا از قیمت های فروشگاه های توی آنکارا تعجب کردم چون واقعا گرون بودن ولی خود فروشگاه خیلی بزرگ و زیباست و در واقع خریدی از اونجا به جر فروشگاه LC WALKIKI نکردم این فروشگاه همه جای شهر شعبه داره و من از اونجا چندتا تی شرت و یه شلوار جین خریدم. پس یادتون باشه اگه دوست دارین جنس خوب بخرین و پول الکی ندین، یه راست برین سراغ اون فروشگاه ...

غذا:
از لبنیات ترکیه غافل نشید که بی نهایت خوشمزه هستن... اونجا عجیب اشتهاهای من باز شده بود و خلاصه جای شما خالی دونر + پیتزا + جوجه رو نوش جان کردیم... به به بازم دلم خواست

هتل:
هتل ما ددمان بود ولی باید بگم به جز صبحانه مفصل و خوبی که داشت از سرویس دهی شون به هیچ وجه راضی نبودم.... ناسلامتی هتل 5 ستاره بود! ولی یه خمیر دندان توی اتاق نداشت! ولی بازم جاتون خالی عجب صبحانه ای! ماه بود. ماه از شیر مرغ تا جون آدمیزاد

و سرانجام مصاحبه:
صبح روز 5 شنبه ساعت 8:30 از هتل به سمت سفارت پیاده حرکت کردیم.... وقت مصاحبه ما 9 صبح بود وقتی رسیدیم اونجا یه 20 نفری توی صف بودن و ما حدودا ساعت 8:45 اونجا بودیم.... به جز یه خانوم و آقای ترک که برای ویزای توریستی اومده بودن بقیه برندگان لاتاری یا متقاضی ویزای دانشجویی بودن. وقتی رسیدیم پاسپورتها رو به افسر نگاهان دم در تحویل دادیم.
یه 10 دقیقه ای ایستادیم تا بالاخره افسر نگاهان دم در که یه آدم هیکلکی بود اسم های ما رو صدا زد و ما از در سفارت رد شدیم و رفتیم داخل، پشت یه در دیگه ایستادیم تا اینکه نوبتی هر کسی رو می فرستاد توی ساختمون.

ما هم دوتایی (همسری + من) وارد ساختمون شدیم اونجا از دستگاه X-ray کیفهامون رو رد کردیم و اگه موبایل یا دوربین همراهمون بود ازمون همون جا می گرفتن. ما هم که موبایلی یا دوربینی نبرده بودیم خلاصه اینکه از اون در هم رد شدیم.

جونم واستون بگه که همچین که خوشحال و خندون داشتیم می رفتیم داخل دیدیم که بازم یه صف دیگه و یه در دیگه !
سرتون رو درد نیارم از اون در هم رد شدیم و یه خانوم خیلی مودب و مهربون مدارکمون رو گرفت (دو قطعه عکس + آخرین مدرک تحصیلی فرد برنده + عقدنامه + شناسنامه ها + اصل مدارک مالی فرد برنده + همراه + نتیجه آزمایشات پزشکی که روز قبل ساعت 3 بعدازظهر از منشی دکتر اونگان به

صورت پلمپ شده تحویل گرفته بودیم) بعدشم پرسید که می‌خواهیم مصاحمون با چه زبانی باشه که ما هم زبان فارسی رو انتخاب کردیم آخرشم به شماره بهمون داد و گفت که با این شماره برای کارهای انگشت نگاری + پرداخت پول + مصاحبه نوبت ما کنترل میشه. ما هم شماره رو گرفتیم و توی سالن نسبتا بزرگی رفتیم نشستیم. اونجا همه کسایی که اون روز وقت مصاحبشون بود اومده بودن و از روی Board ای که روبروشون بود و روی اون بورد شماره رو اعلام می‌کردن می‌رفتن جلوی باجه‌ها. وقتی شماره ما رو روی بورد اعلام کردن اول رفتیم برای انگشت نگاری. اول چهار انگشت دست چپ. بعدش چهار انگشت دست راست و آخرشم هر دو شصت رو با یه دستگاه اثر انگشت مون رو ثبت کردن و دوباره رفتیم نشستیم.

بعد از یه 10 دقیقه ای دوباره شماره ما روی بورد اعلام شد و ما رفتیم برای پرداخت پول. آخ که این مرحله رو من یکی دوست نداشتم. نفری 330 دلار پول بی زبون رو دو دستی تقدیم کردیم و با لیخند (توصیه اکید دوستان قبلی) رفتیم سرچامون نشستیم.

یه نیم ساعتی گذشت تا اینکه وقت مصاحبه ما روی بورد اعلام شد. پاشدیم رفتیم جلوی باجه 6 که دیدم اون آقاهه که دوستان مهاجرسرای به اسم آقای موقرمز می‌شناسنش، اون طرف باجه هست. با خوشرویی سلام کرد و ما هم همین‌طور! از ما خواست که قسم بخوریم ولی ما بهش گفتیم که شماره تلفن ما تغییر کرده و باید توی فرم هامون اصلاحش کنیم. اون هم فرم‌های 230 + 122 رو به ما داد و ما هم شماره درست رو توشون یادداشت کردیم. بعدشم با بلند کردن دست راستمون هر دو باهم قسم خوردیم.

بلافاصله از من در مورد شغل پرسید و من هم مختصر و مفید بهش جواب دادم. در مورد شغل همسرم هم همین‌طور سوال کرد و اون هم بهش جواب داد و در آخر هم از همسرم خواست که بگه سربازیش کجا بوده و اونجا چیکار می‌کرده که همسرم هم گفت که سپاه بوده و اونجا نگهبانی می‌داده. آخه همسرم من قبل از اینکه بره دانشگاه سربازی رفته و بعدش دانشگاه قبول شده و این رو برایش توضیح داد.

و در نهایت هم به ما گفت که باید یک سری مراحل اداری انجام بشه و به زمان حدودا 4 تا 6 هفته احتیاج هستش. بنابراین یه «برگه آبی» بهمون داد با یه آدرس سایت که گفت توش نتیجه رو چک کنیم. بعدشم خداحافظی کردیم و اومدیم بیرون. در مجموع 5 دقیقه بیشتر نشد. لازمه بگم اون روز فقط 2 خانواده برگه سفید گرفتن که هر دوی اونها مرد خانواده سربازی معاف شده بود (عجیب این امریکاییها به سربازی ما حساس اند) و بقیه بلا استثنا برگه آبی گرفتن.

دوستان استنباط من شخصا مثل خیلی دوستای دیگه مهاجرسرای که از مصاحبه برگشتن اینه که قبل از مصاحبه نتیجه معلوم هستش ولی مصاحبه فقط برای روبرو شدن با فرد برنده + همراه هست و اینکه چطور فردیه و چه شخصیتی داره. همین! والا خودتون فکر کنید اگه قرار بود بعد از مصاحبه جواب معلوم میشد و همه چیز به مصاحبه بستگی داشت، به نظرتون کم کم نیم ساعت نباید زمان می‌داشتن؟ البته یه موضوع دیگه ای هم هست اگه هول بشه طرف یا جواب اشتباهی بده خوب اون موقع هست که نتیجه به مصاحبه بستگی پیدا میکنه ولی در مواردی که شما آروم به سوالات اون جواب می‌دین و هیچ دروغی هم در کار نیست و مدارک ارسالی مشکلی نداره معنیش این نیست که از قبل همه چیز مشخص شده؟

بهر حال از صمیم قلبم آرزو می‌کنم همه شما دوستان گلم که همین روزا مصاحبه دارین، نتیجه اون چیزی بشه که دلتون می‌خواد یعنی ویزای یه ضرب.....

به عنوان یه عضو این سایت خوب فقط می‌تونم بگم که اصلا نگران نباشید و استرس مصاحبه رو نداشته باشید. توکل بر خدا کنید خدا بهتون کمک می‌کنه... ببخشید که طولانی شد و سرتون رو درد آوردم

به امید موفقیت برای تک تک شما

ارسالها: 56
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 0
تشکر: 1193
312 بار تشکر شده در 53 پست

 **behzad7**
عضو فعال


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با درود خدمت دوستان عزیزمهاجر سرا
سفرنامه من چند روزی دیر شد بابت این دیرکرد عذر خواهی می‌کنم. من به نکاتی که در سفرم به نظرم مهم می‌بود رو خدمتون عرض می‌کنم چون سفرنامه من هم بسیار شبیه دیگر دوستان می‌باشد و فقط نکاتی رو که فکر می‌کنم برای دوستان مفید می‌باشد رو خدمت دوستان عرض می‌کنم. پیشاپیش بخاطر غلط‌های املائی و گرامری معذرت خواهی میکنم به بزرگی خودتن ببخشید.

- 1- تاریخ سفر من سی و یک می با پروواز ترکیش بود. صف ورود به داخل سالن بسیار شلوغ بود دوستان توجه کنند حتما 3 ساعت قبل در فرودگاه حضور داشته باشند.
- 2- برای دریافت ارز اگر حواله بانک ملی داشته باشی خلوت تر خواهد بود. در حالیکه در بانک ملت فرودگاه صف طولانی به وجود آمده بود.
- 3- پرواز ترکیش با 30 دقیق تاخیر پریر اما راس 6:30 به وقت آنکارا به زمین نشست. از فرودگاه می‌توانید به راحتی با اتو بوسهای هاواش به میدان کیزلای بیابید. البته چون من همون روز وقت دکتر داشتم قبلا ترانسفر گرفته بودم به مقصد هتل بیوک ارشان
- 4- هتل بیوک ارشان انقدر ها هم که بچه‌های مهاجر سرا می‌گویند هتل بدی نیست. فارسی صحبت کردن پرسنل هتل با توجه این که مردم ترکیه انگلیسی نمی‌دانند اکثرا مذبت بزرگه. البته با همون پول بیوک ارشان می‌توانید هتلهای مناسب تری را رزو نمایید که البته ممکن است با سفارت، دکتر و میدان خرید کیزلای کمی فاصله بیشتری داشته باشد
- 5- من وسایلی رو در هتل گذاشتم و به مقصد مطب دکتر حرکت کردم. از رزیشن درخواست کردم که طبقه اول به من اتاق بدهد. (چون اینترنت وایرلس در طبقات بالاتر هتل بیوک ارشان سرعت پایینی دارد)
- 6- اگر داری اسمارت فون هستی حتما از گوگل مپ و جی پی اس موبایل جهت پیدا کردن مکانهای مورد نظر استفاده کنید. جی پی اس موبایل به من بسیار کمک کرد و باعث شد تقریبا از هیچ کس هیچ آدرسی رو نپرسم و به راحتی بهترین مسیر به مقصد مورد نظر (با زمان تخمینی رسیدن به مقصد

اتوبوس شروع به حرکت کردیم (حدود 10 دقیقه پیاده روی) تا رسیدیم به خیابون آکای (به خیابون سربالایی) چند تا بلوک بعد همیشه اوزیلهان. ما که رفتیم اتاق خالی نداشت توی به اصطلاح لابی نشستیم گفت ساعت 12 اتاق خالی مشه حالا ساعت 8 خورده ای!!! به آقای تور لیدر هم اونجا بود که داشت به به خانواده ایرانی میگفت 300 دلار میگیرم و کارای مدیکال رو براتون ردیف میکنم خیلی هم زبون باز بود. واقعا از هم وطن بعیده اینجوری هم وطنش رو تیغ بزنه.

خلاصه ما اومدیم بیرون که به گشت بزیم اتفاقی به هتل دیگه پیدا کردیم که خیلی از اوزیلهان شیک تر بود. همین طوری رفتیم تو قیمت بگیریم گفت شبی 120 لیر. ما داشتیم برمینگشتیم که رییس اومد حساب کتاب کرد گفت نهایت تا شبی 100 لیر بهتون میدم تقریباً شبی 52 دلار حالا اوزیلهان گفته بود شبی 54 تا. اتاق خوب و دنجی بهمون داد. ما هم پریدیم اوزیلهان به به بونه وسایلمون رو از پذیرش گرفتیم و اومدیم اینجا. نتیجه اینکه حتماً چونه بزید. اگه خواستید بیاید اینجا اسمتش etab bulvar hotel و تلفنش 03124183737. از خیابون اوزیلهان که بیاید توی آتاتورک بعد به سمت کیزلای که کم پیاده بیاید خیابون olgunlar که سرش به مجسه فلزی معدن کار رو میبینید که این همون کوچه این هتله و دو طرفش کتاب فروشیه. فقط توی اتاق دمپایی و خمیر دندان ندارن با خودتون بیارید. air conditioner هم داره و کلا ما راضی هستیم.

برای خرید هم اینجا فعلاً فستیواله و همه مغازه ها تخفیف 50% زدن ما دو روز رو میداریم و مغازه ها رو شناسایی میکنیم و روز آخر خرید میکنیم. تا الان خیابون مشروطیت رو گشتیم و مسجد کجاتیه هم رفتیم. خیابون مشروطیت خوب میتونید خرید کنید قیمتش خوبه. مسجد کجا تپه به مجتمع خرید داره که هم میوه و سبزی، هم پوشاکی، هم الکتریکی و لوازم منزل، هم خوراکی، نون، نوشیدنی خلاصه همه چی داره. خیابون مشروطیت تا نصفه بعد خیابون mithatpasha به سمت بالا که بیاید مسجد رو میبینید. ما امروز محل مطب و سفارت رو هم شناسایی کردیم. فردا وقت دکتر داریم. تا بعد...

ارسال: #1265

ارسالها: 76
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 293
289 بار تشکر شده در 63 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

خب نوبتی هم که باشه رسید به نوشتن سفرنامه خودم در آنکارا می دونم خیلی چیزها تکراری می باشه اما چون خودم رو به جورایی مدیون این قسمت میدونم سفر نامه خودم رو می نویسم

روز پنج شنبه 31 می با یک پرواز ترکیش که تقریباً 2 ماه قبل باقیمت مناسب تری رزرو کرده بودم (4200 تومن در حالی که نزدیکای مصاحبه به 700 یا 800 تومان رسیده بود) راهی آنکارا شدم هوا بسیار ملس بارونهای مثل روزهای اول بهار حس خوبی به من میداد (-) همان روز وقت مدیکال گرفته بودم و خیلی از اینکه زمین گرد هست و من 2 ساعت اختلاف ساعت با آنکارا داشتیم خوشحال بودم چون ساعت مدیکال ساعت 11 بود و من وقت کافی برای رفتن به هتل و آماده شدن برای وقت دکنترم داشتم دفعه اول از من 47 دلار گرفت و گفت برم و ساعت 5 دوباره برگردم ترجیح دادم همون اطراف رو بگردم تا دوباره به هتل برگردم ساعت 5 دکنتر من رو معاینه کرد و فوری بهم واکسن زد و بابت این معاینه 170 دلار پرداخت کردم

روز دوشنبه مصاحبه داشتم و یکی از دوستانم در استانبول از من دعوت کرد که به آنجا برم با مترو خودم رو به محل رفتن اتوبوس ها رسوندم و با 6 ساعت راه با اتوبوس (30 لیر) به استانبول رسیدم از اینکه آنجا رفتم خیلی خوشحالم دوستم برام حسابی سنگ تموم گذاشت کشتی سواری رفتن به مسجدهای قدیمی و فروشگاههای ارزون قیمت برای خرید همه چی عالی بود...

شب قبل مصاحبه برگشتم به هتل البته بگم که وسایل و چمدونم در هتل ماند ولی بابت نگهداری وسایلم هیچ مبلغی از من درخواست نکردند (-) وقتی شب خسته به هتل برسی و به دوش هم بگیري مگه می شه صبح زود از خواب پا بشی! ساعت مصاحبه ام ساعت 9 بود من ساعت 8 دم در سفارت بودم ولی باز مثل اینکه دیر بود! تو رو خدا هر چه قدر می تونید زودتر برید دم در این سفارت زنبیل بزارید تا رسیدید فوری پاسپورت خودتون رو تحویل درب سفارت بدید تا بلایی که سر من امد سر شما ها نیاد... باورتون شاید نشه من ساعت 8 رفتم سفارت ساعت 6 بعد ظهر وقتی سالن خالی خالی شده بود من مونده بودم و مصاحبه کننده و همه به من به جوری نگاه می کردند انگار من خواسته بودم اونا تا ساعت 6 اضافه کار بکنند ولی خانم خیلی مهربون بود نگاهی به من کرد و گفت خیلی ممنون خیلی زحمت کشیدید که از صبح تا این ساعت منتظر مصاحبه موندید من هم با لبخند قشنگ گفتم خواهش می کنم شما خسته نباشید شما بیشتر از ما ها زحمت کشیدید (تو دلم می خواستم خفه اش بکنم از صبح ساعت 6 تا 6 بعد ظهر برای یک مصاحبه 10 دقیقه ای من رو اونجا کاشته بودند) ممنون... خوشحال شد

بعد گفت دست راستت بالا ببر برای قسم خوردن گفتم من می خوام آدرس گرین کارتمو عوض بکنم گفت اشکالی نداره آدرس رو عوض کردم گفت تا حالا آمریکا سفر کردی گفتم با خنده نه! گفت اگه بری آمریکا کجا می خوای بمونی گفتم می خوام برم پیش اسپانسر کالیفرنیا گفت بله.. گفت به مقدار موجودی هم در بانک دارید گفتم بله کاملاً درست هست و بعد گفت شما مشغول به کار هستید گفتم بله در یک شرکت خصوصی تولید کننده تجهیزات پزشکی کار می کنم. انگار کلمه تجهیزات برایش غریب امد گفت تجهیزات! و من به اینگلیسی گفتم مدیکال ایکویمنت گفت پس پس... تجهیزات بعد گفت خانم ساناز حقیقی مدارک شما کامل می باشه آدرس هتل رو به پست اینجا بدید تا طرف 2 یا 3 روز ویزا رو براتون پست بشه برگشتم دیدم سالن خالی خالی هست و هیچ کس نمونده بود تا بهم تبریک بگه همه وقتی برگشون رو می گرفتند خوشحال بودند می خندیدند ولی روی صورت من به چشم سرخ بود که نمی دونست سرنوشت داره برایش چه چیزی طلب می کنه

به امید موفقیت همه دوستانم باید اسم خیلی ها رو اینجا بنویسم و صمیمانه ازشون تشکر بکنم آقای frozen mind, vroom عزیز که ali.naroei و خیلی دیگر از دوستان که بی هیچ منت راهنمای من بودند تشکر می کنم ویزای من روز دوم توسط یک پیرمرد خیلی با مزه به دستم رسید و باز رفتم استانبول و با دوستانی که آنجا داشتم به خوشی گذروندم

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام خدمت دوستان گل ، به نکته ای را میخواستم بگویم ، من در آنکارا در به خوابگاه تازه تاسیس بنام Deeps Hostel اقامت داشتم که محیطی خیلی گرم و صمیمی داشت . . . من اونجا رو بعد از ورودم به آنکارا پیدا کردم و زمانی که رفتم اونجا ، سعادت آشنایی با یکی از دوستان گل که عضو مهاجر سرا هم هستند را پیدا کردم . اون دوست عزیز از اولین کسانی بودن که رفته بودن اونجا و جالبه که تمام اطلاعات خوابگاه را در مهاجرسرا گذاشته بودن که من بعداً فهمیدم . . . اون دوست عزیز زمانی که من رسیده بودم تشریف آورده بودن ویزاشونو بگیرن (کلیر شده بودن) و من هم تازه اومده بودم تا بریم دنبال کارا ... و خدا رو شکر که ظاهراً خوابگاهه خوش یومنه . . . ولی هدف از این همه مقدمه چینی این بود که در طول اقامت ما در آنجا ، اینقدر محیط صمیمی و گرم بود که واقعاً انگار چند ساله همدیگرو میشناسیم و علی الخصوص با صاحب مجموعه که دختری هست بنام شیدا . . . ظاهراً دوستان زیادی از مهاجرسرا اینجا را پیدا کردن و بنا به شرایط خوبی که داره تلفنی و یا از طریق ایمیل اقدام به رزرو کردن تخت و اتاق کردن و متأسفانه در تاریخ مورد نظر اصلاً مراجعه نکردن . . . من خودم شاهد عینی بودم و میدیدم که چند نفر در روز مراجعه میکردند و به علت این که اتاق ها یا پر بودن و یا از قبل رزرو شده بودن به آنها جواب رد میدادن . . . شیدا توی سیستم کامپیوترش بمن نشون داد که حداقل 6 نفر از ایران اقدام به گرفتن جا کرده بودن ، ولی متأسفانه نیومده بودن . . . حتی اسم تک تک افراد هم میدونم . . .!!!! و از این قضیه خیلی ناراحت بودن و به من گفتن که حتماً به دوستان گوشزد کنین که این کار درست نیست!!!! و اگر رزروشونو کنسل میکنن ، حداقل بما اطلاع بدن که ما ضرر نکنیم گفت من میدونم که شما از ایران مشکل دارین بخاطر پرداخت پول بابت پیش پرداخت ، به همین خاطر روی حرف شما اعتماد میکنم!!!! ولی این اعتماد داره به ضرره ما تمام میشه . . .!!!!

دوستان خدایی این حرکت اصلاً شایسته نیست و ضرر زدن به کسی دیگه محسوب میشه که فکر کنم سوازی از گناهش که آدم مرتکب میشه باعث میشه در کار دیگه دوستانی که واقعاً میخوان رزرو کنن اختلال ایجاد بشه . . .! به من گفت که دیگه من روی رزرو ایرانی ها حساب باز نمیکنم . . . حالا دوستانی که رفتن اونجا میتونن این قضیه را بپرسن و پی به صحتش ببرن . . .!!!! از ماست که بر ماست . . . نمیخوام به دوستان خدایی نکرده توهین کنم و کلاً در جایگاهی هم نیستم که کسی را نصیحت کنم . . . ولی دقت کنین که اکثر مسافرهاى این خوابگاه جوان ها هستن و اکثراً کسانی هستند که برای اخذ ویزا اومدن آنکارا (منظورم ایرانی هاست) ... با این طرز تفکری که این دوستان دارن ، نمیدونم در ادامه مسیر چطوری میخوان موفق باشن . . . نکته جالب این بود که اولاً کاملاً مهاجر سرا را میشناخت (فکر کنم دوست عزیزمون براشون توضیح داده بود) و جالبه که دقیقاً به تاپیک سفرنامه هم اشاره کرد و به من گفت که در سایت برای دوستان بنویس که " دوست دارن تلفنی و یا از طریق ایمیل اتاق رزرو کنن و زمانی که رسیدن اینجا ما بهشون بگیم جا نداریم . . .!!!! " (به نظر من باز در این حالت فرد ضرر نمیکنه و میتونه بره جای دیگه را بگیره ، خب البته اعصاب خوردیش زیاده) . . . ببخشید اگه پر رویی کردم و زیاد نوشتم ولی بخدا چون بهش قول داده بودم که حتماً مینویسم ، نوشتم . . . 😊

موفق و پایدار باشین . 😊

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

schaghayegh(Jun-10-2012 10:07 PM) **نوشته است:** در سفر نامه ها خیلی خوب میشه که از این فرمت استفاده کنیم تا به کلیه سوالات دوستان پاسخ داده بشه:
1- پروازي که ارزش استفاده کردید و قیمتش.
2- هتل و قیمتش

پیرو پست شما؛
وقت نشد در مورد هتلی که بودم بنویسم. حالا که پست شما رو دیدم یادم افتاد.
من هتل سورملی بودم. ظاهرن هتل 5 ستاره است. هتل خیلی خوبی بود. از مزایاش این بود که ایستگاه مترو خیلی بهش نزدیک بود. دو مشکل داشت، یکی سرویس دهی شون خوب نبود، دوم اینکه سرعت اینترنتش پایین بود و مدام قطع می شد.
به مورد خیلی اعصاب خردکن هم برام پیش اومد. قرار بود ویزا رو بفرستن به آدرس هتل، من فردای روز مصاحبه نشستم هتل منتظر ویزا. از تو سایت ups هم چک می کردم. دیدم زده دو بار آوردن دم هتل کسی نبوده تحویل بگیره!
منم رفتم با رسیدن هتل صحبت کردم که من تمام مدت تو اتاقم بودم و این مامور ups اومده ولی کسی به من خبر نداده. اونا هم گفتن نه ما چند بار زنگ زدیم اتافتون کسی نبوده! خلاصه من هی می گفتم والا من تو اتاق بودم. اونا باور نمی کردن.
بالاخره پس فردای روز مصاحبه خودم پا شدم رفتم دم دفتر ups (که خوشبختانه خیلی به هتل نزدیک بود) و ویزام رو گرفتم.

ارسالها: 621
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 6
تشکر: 4498
3451 بار تشکر شده در 577 پست

 **rip3**
عضو با سابقه
☆☆☆☆

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام
اینم سفرنامه دوم من

3:35 بامداد دوشنبه با پرواز ترکیش ایرباس 330 (خداییش عجب هواپیمایی بود) اول رفتیم استانبول و از اونجا هم با یه پرواز دیگه اومدیم سمت آنکارا که ساعت 8:30 رسیدیم آنکارا . با اتوبوسای 422 یا 442 بود فکر کنم اومدیم تا کیزیلای و از اونجا پیاده رفتیم تا هتل اوزیلهان که بهمون گفت اتاق خالی نداره . رفتیم هتل گولد که گفت شبی 140 لیر و بعدم رفتیم هتل الیت اونم میگفت شبی هفتاد دلار. خلاصه اینکه عطای این هتلاک در پیت رو به لغایشون سپردیم و اومدیم هتل Best که دقیقا روبروی سفارته . اتاق دابل شبی 110 دلار بود که با کلی التماس و خواهش کردش شبی 100 دلار همه چیزش خوبه ، تمیزه ، لابی فوق العاده خلوت و آرومی داره، نزدیکترین هتل به سفارته (دقیقا روبروی سفارته) و توی این هوای گرم آنکارا باید حواستون به تهویه هتل ها هم باشه وگرنه خیلی اذیت میشید که هتل Best تهویه خوبی داره و اتاق خنکه.
از هتل که بگذریم، ساعت 12 رفتیم دم سفارت چندتا خانواده نشسته بودن . تا ساعت 12:45 جمعیت فوق العاده زیادی جلوی سفارت صف بسته بودن. که اول کسایی که صبح نوبت داشتن و مصاحبشون موکول شده بود به ساعت 1 ظهر رو راه دادن داخل. بعد هم برگه آبی که تعدادمون خیلی خیلی زیاد بود
دیگه اتفاق خاصی نیفتاد ، برگه آبی و پاس رو دادیم، پول یو پی اس هم دادیم و اومدیم بیرون.

آنکارا خیلی گرمه

ارسالها: 55
تاریخ عضویت: Apr 2012
رتبه: 0
تشکر: 298
335 بار تشکر شده در 54 پست


 **mirman**
عضو فعال
☆☆☆☆



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان ما امروز مصاحبه داشتیم و برگه آبی گرفتیم.
ما یه بچه 4 ماهه داشتیم که بعدا به دنیا اومد اول شمارمونو خوندن که اصل فرم بچه را بدیم بعد انگشت نگاری و سپس پرداخت پول.بقیه مطالب تکراریه.اما چند نکته
1-به هیچ عنوان 100 دلار خرج نکنید بابت اینکه کاراتونو کسی دیگه انجام بده مثل آب خوردن انجام میشه و حضور خودتون کافیه این سوناستفاده از نا آشنا بودنما به این شهره 1 روز که اینجا باشید همه چی دستتون میاد.
2-مردم آنکارا فوق العاده خونگرم و با نشاط اند و با حوصله با دم برخورد می کنند ما بچه کوچک داشتیم هر جا که می خواستیم کالسکه بچه را با دست از پله یا جایی بالا ببریم چند نفر از مردم بدو برا کمک می اومدند و گرچه زبان همو نمی فهمیدیم ولی برا آدرس دادن از همه طریقی برای توجه ما استفاده میکردند مخصوصا وقتی متوجه میشدند که ما ایرانی هستیم.ایرانی ها اینجا خیلی احترام دارند.من تو تبریز خودمون هم نصف این حوصله و احترام را به غیر ترک زبان ندیدم(با یوزش از تبریزی های عزیز.
3-از غذاهای ترکی لذت ببرید مخصوصا غذاهای گوشتی را خوب درست میکنند.قیمتش هم معمولا از 4 تا 12 لیره
4-من نام خانوادگیمو 8 سال پیش عوض کردم اما نه تو فرمها ک KCC چیزی نوشتم و نه چیزی پرسیدند بنابر این دوستانی که این مشکل را داشتند نگران نباشند.
5-هوای آنکارا این روزا خیلی متغیره پنج شنبه که ما رسیدیم هوا سرد ابری و بارانی و این دو روز خیلی گرم شده .
اگه چیزی به ذهنم اومد در ادامه مینویسم .

ارسالها: 28
تاریخ عضویت: Oct 2011
رتبه: 0
تشکر: 75
141 بار تشکر شده در 26 پست

 **capricorn**
عضو
☆☆

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام خدمت دوستان گرامی من تا جایی که بشه میخوام یه سفرنامه کامل بنویسم تا کسانی که وقت می‌دارن و مطالعه می‌کنن دید باز و درست‌تری داشته باشن. من خودم چون بالای 21 سالم متناسفانه کیس لاتاری شامل من نشد ولی مامان و بابام برای مصاحبه دعوت شدن و منم توریستی رفتم ترکیه و خوش گذروندیم.
اول باید بگم که اگه می‌خواین ارز دولتی بگیری بعد که بلیط رو گرفتین فکر کنم از یه بانک باید حواله بگیرید و بعد با اون تو فرودگاه ارز بگیرید همینجوری ارز نمی‌دن.

ما دوشنبه صبح رسیدیم آنکارا و رفتیم هتل سوییس که هتل 5 ستاره و خیلی خوبه فقط تنها ایرادش این بود که از مرکز شهر فاصله داشت ولی صبحونه عالی و استخر محشری داشت اینترنتش متاسفانه پولی بود و از در هتل که تو میومدی همه وسایل از زیر دستگاه باید رد می شد و چک می کردن ولی گیر ندادن که چیزی توی اتاق نبرید. پرسنلش مؤدب انگلیسی هم بلدن و کار آدم راه میوفته البته fluent نیستن. این هتل تو سایت tripadvisor شماره 3 شده بود و کامنتای خوبی نوشته بودن دربارهش در کل باید بگم چون آنکارا شهر توریستی نیست هتلهاش در حد هتل های شهرها و کشورهای دیگه شاید نباشه ولی تمیز و مرتبه. در شهر هم توریست نمی بینید همه ترک هستند و گاهای ایرانی هایی که برای کارهای سفارت آنکارا هستند.

در مورد خرید در آنکارا به این نکته توجه داشته باشین که از اون موقعی آنکارا اون صفرهای قشنگ اضافی رو از پولش برداشت ارزش پولشون بالا اومده و هر لیر حدود 1000 تومن یا کمی بیشتره و این عامل ممکنه کمی گمراه کننده باشه مثلا به بستنی خیلی معمولی که 2 لیره یعنی بیشتر از 2000 تومنه. در آنکارا قیمت همه چی واقعا بالاست، پوشاک تقریبا از 100 لیر به بالاست حتی اجناسی که در ایران مشابهش هست در آنکارا حدود دو برابر قیمتشونه. پاساژهای بزرگ و مارک دار هم که صحبتش رو نکنید، جالبیش اینه که این قیمتای بالا با تخفیف های 50% بودن بنابراین فکر نمی کنم خرید در آنکارا گزینه مناسبی باشه. برای حمل و نقل به جز تاکسی که همشون تاکسی متر دارن دو نوع اتوبوس هست که یکی کارتیبه و یکی پولی فکر کنم حدود نغری دو لیر باشه پولیا و مقصدشون رو نوشته روش البته ما چون نفهمیدیم آخر کدوم پولیه و کدوم کارتی آخر هم سوار هیچکدوم نشدیم، به وسایل نقلیه ای هم مثل مینی بوس دارن که فکر کنم اسمشون Dolmus باشه اونا هم مسیروارو نوشته و گویا از تاکسی ارزون ترن. آنکامل هم که خیلی ها نوشته بودن جای خوبه اصلا نزدیک Kizilay نیست و خیلی دوره مگر با مترو برین که ما بی خیال شدیم چون با این وضع قیمت خریدی هم نداشتیم از اونجا. در مورد زبان همانطور که همه اشاره کردن اینا کاملا تعطیل تشریف دارن باور کنید اکثرا در حد عدد هم بلد بودن و آخر با دست نشون می دادن ما هم چون ترکی هیچی بلد نبودیم اولش انگلیسی می گفتیم بعد طرف هنگ می کرد و این موقع بود که زبان شیرین اشاره به کمک میومد! فارسی بگین به مراتب کار بیشتر راه میوفته چون عجیب لغات مشترک زیاده انگلیسی هم اگه خواستین صحبت کنید جمله کامل نگید که گیج می شن ولی کلمه جواب می ده مثلا اگه sim card خواستین فقط با اشاره به موبایلتون بگین sim card! عجیبه ولی نمی موبین و بالاخره کارتون راه میوفته. رستورانها و کافی شاپها اکثرا تو فضای باز هستن و غذا خوردن خیلی لذت بخش می شه، اسکندر کباب هم حتما امتحان کنید که واقعا عالی (ولی خیلی چربه) چند لایه گوشت لذیذ. از خیابون های خویش هم یکی Tunali که خیابون پشت مطب اونگانه یکی هم که همون kizilay شلوغ و خوبه پر از فروشگاهه به تقاطع هم وساطاش هست که با اینکه ما وسط هفته رفتیم ولی هم حسابی شلوغ بود هم آهنگ می زدن و خیلی خوب بود. به جز این خیابون ها مکان تفریحی خاصی فکر نکنم داشته باشه پارکاشم خوبه، پارک قو کنار مطبه به پارک کوچیکه که پله می خوره و می ره پایین ولی قشنگه و همه ظهرها میان می شینن و گپ می زنن بچه ها هم به کبوترها دونه می دن و باهاشون عکس می گیرن به روزم که ما رفتیم اونجا، دکه دکه چیده بودن و بدلیجات و نقره و از این چیزا می فروختن امتدادش هم که می خوره به خیابون Tunali. به تفریح دیگم سینماست که کلا دو تا سینمای بزرگ داره که فیلمای D3 هم می داره یکیش همون آنکامله یکی دیگه هم که کشف کردیم جایه به نام Panora چون به هتل ما این نزدیک تر بود ما رفتیم اونجا، جاشم باکلاس بود و به نظر میومد بالا شهرشون باشه چون آدما و ماشینا باکلاس تر بودن! به پاساژ شیک حدود 2 طبقه بالای زمینه که به طبقه زیرزمینش وسایل خونه و طبقه 2- هم به SuperMarket واقعا بزرگ بود و از هر چیزی صدا تا مدل مختلف بود. مغازه های دو طبقه بالااش تماما مارکدارن، انتهای طبقه دوم به Food Court بزرگ داشت به جرات می شه گفت هر شعبه رستوران زنجیره ای که فکر کنید از KFC, BurgerKing, McDonald گرفته تا رستورانها و غذای ترکی رو داشت و تنوع خیلی زیاد بود. انتهای food court هم سینما بود که حدود 12 تا سالن داره و چندتا از فیلم های هالیوودی در سانس های مختلف اکران می شن بلیطش حدود 12-11 لیره. ولی مسیر مترو نمی خوره و باید یا با تاکسی یا اتوبوس اگه خطش رو بلد باشین برین. در کل آنکارا مثل تهرانه فقط هوش تمیزتره و فرهنگسازي شده. موقعی که ما اونجا بودیم هوا گرم بود البته در حد تهران نه حدود 24-26 درجه ولی شباش سرد می شه به کم. از 8 jun تا حدود یک ماه هم shopping festival هستش.

و اما کارهای مصاحبه:

همون دوشنبه که رسیدیم ساعت 10 مامان بابام وقت داشتن و رفتن مطب و اول اینکه منشی اصلا به وقتی که گرفته بودن کاری نداشته و فقط 2 قطعه عکس گرفته و شماره کیس رو پرسیده. البته اونجا پر دلال بوده و هی سعی می کردن کار کسانی که ازشون پول گرفتن رو جلو بندازن. بعد از آزمایش خون و عکس قفسه سینته، طبقه پایین خانم اونگان بوده و قد و وزن پرسیده و بعد شروع کرده به سری سوالات در مورد بیماری ها رو تند تند پرسیدن که فلان بیماری رو گرفتی وسطش سریع پرسیده chicken pox که مامانم اینا حواسشون بوده و گفتن گرفتیم و واکسن نخوردن. بعد از معاینه هم از به درجه پرونده رو به منشی ها داد و گفت که فردا بعد از ظهر بیاین جواب رو بگیرین.

مصاحبه

مصاحبه june6 بود. روز مصاحبه حدود به ربع به 8 نگهبان میاد و می گه green card lottery پاس هارو می گیره و اسم هارو می خونه می رن تو. تو حیاط که صف بسته بودن دو تا باجه که کنار حیاط بوده اول شروع می کنه به گرفتن مدارک که مسئولش هم به خانم مسن بوده ولی مدارک به نفرو می گیره و می ره و بقیه می رن تو به اون خانم ایرانیه مدارک رو تحویل می دن که گویا با بد اخلاقی می گه فقط مدارکی که می گم رو بدین. خلاصه می رن تو می شینن منتظر، شماره میاد رو تلویزیون می رن پیش به خانم می گه اصل برگه های اسپانسر که بابام می گه اون که ما فرستاده بودیم اصلش بوده و اونم قبول می کنه خلاصه بعد از انگشت نگاری و پول نوبت مصاحبه می رسه که مصاحبه کننده به خانم جوان خوشرو بوده و با اینکه زبان انگلیسی رو انتخاب کرده بودن ولی با بابام انگلیسی و با مامانم فارسی مصاحبه کرد. سوالات از مامانم (برنده اصلی): شغل؟ تا حالا کار کردید؟ تا حالا آمریکا رفتید؟ همین. از بابام: شغل؟ (اصلا نپرسیده دولتیه یا خصوصی) فوق لیسانس داری؟ در مورد تزت توضیح بده. درباره معافی سربازیش پرسیده و آخرم گفته بچه هارو چرا نیارودین که بابام گفته چون بالای 21 سالن، تمام مدت هم با روی خویش و خندون بوده مصاحبه کننده و زیادم به جوابها دقت نمی کرده و خیلی فرمالیته بوده آخرشم برگه آبی رو داده و گفته که مدارک شما کامله و حدود 4 هفته دیگه بکیتون بیاد ویزارو بگیره. اون روز همه آبی گرفته بودن (حدود 3-4 خانواده بودن) به جز به زن و شوهر جوون که سفید گرفتن. به همین سادگی اول اینکه برگه آبی رو بابام رو پرونده دیده بود و قضیه خیلی فرمالیته بوده و زیاد به جوابها توجه نمی کرده. در مورد لباس هم که خیلی ها برایشون سواله باجه های مصاحبه طوری هستند که فقط سر و گردن معلومه و مصاحبه کننده اصلا نمی بینه چی پوشیدین که بر اون اساس بخواد تصمیم بگیره و کلا تصمیم ها از قبل گرفته می شه و همانطور که همه نوشته بودن هیچ استرسی نداشته باشین چون وقتی برنده شدین حکم اینه که ویزا بگیرین با هر شرایطی مگر اینکه مشکوک بشن یا دروغی بشنون یا مورد های خیلی استثنایی!

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام خدمت همه دوستای گل . . . خب خداروشکر هر چی بیشتر میگذره و بیشتر به آنالیز مصاحبه های دوستان میپردازیم . . . این حقیقت برای همه بیشتر محرض میشه که همه چیز سوای از این که کیس ها با هم فرق داره و شرایط افراد در تصمیم گیری موثر هست ، دست افسر هست و به روز مصاحبه بستگی داره .. من الان دیگه با خیال راحت این مطلبو با دوستان به اشتراک میذارم . . . من بطور اتفاقی با یه اقای از ایالت کالیفرنیا آشنا شدم که در زمان کارمندی در سفارت کار میکرد و در حال حاضر باز نشسته شده . . . من قضیه خودمو (جریان ویزا گرفتن در سفارت با اون شرایط) براش

تعریف کردم و گفتم بنظر من افسر تصمیم میگیره برای دادن ویزا ...!!! بعد اون فرد که اسمش روبرتو بود گفت مگه شما اینو نمیدونستین؟؟؟ 😊 بعد یه توضیح مختصر داد که تمام کیس های صدور ویزا قبل از تاریخ مصاحبه سیستمی میشن و فایل شما تکمیل میشه ، در روز مصاحبه افسر باید تصمیم بگیره که به شما ویزا بدن یا نند . . . !!! و جالبه که من براش از استرسم گفته بودم !!! بعد به من گفت که استرس برای چی داشتین؟؟؟ شما که لاتاری برنده شدین و ویزاتونو هم میگیرین دیگه مشکلی ندارین . و گفت اصلاً کیس لاتاری هر کی برنده بشه ویزا میگیره مگر به چند دلیل یکی که قوانین را رعایت نکنه (راستش دیگه روم نشد پیرسم کدام قوانین را !!!) دوم اینکه افسر پی به اطلاعات نادرست یا اشتباه بیره و یا اسم شخص در بلک لیست باشه و سوم اینکه برنامه لاتاری بسته بشه ...!!! بعد من بهش گفتم چرا بعضی ها که مشکل دارن مثلاً در زمان ثبت نام اشتباه کردن ولی براش تاریخ مصاحبه میدن و حتی این همه هزینه میکنه جالبه پول ویزا را هم ازش میگیرن !!! بعد ریجکتش میکنن . . . برام توضیح داد که سفارت این حق را برای فرد قائل میشه که بیاد و توضیح بده و اگر افسر را بتونه متقاعد کنه ، ویزاشو میگیره !!! بعد به من گفت که خیلی امکان این حالت ها ضعیفه !!! بعد من هم زود زدم تو پرش و گفتم که من 2 تا کیس در این دوره از لاتاری حداقل از ایران میدونم که ریجکت شدن . . . وقتی براش توضیح دادم ، به من گفت این ها کیس هایی هستن که برای سفارت خیلی مهمه و متقاعد کردن افسر کار راحتی نیست ... برای اون دوستان که اسم یکی از بچه هاشونو نوشته بودن توضیح داد که خیلی ها هستن که بعد از قبول شدن فرزندی را به اعضای کیس خودشون اضافه میکنن و از خانواده اون فرزند پول میگیرن . . . و در رابطه با اون دوستان که اشتباهی سهمیه استرالیا خورده بود گفت که در این حالت هم خیلی سخت میشه افسر را متقاعد کرد و این کار سوء استفاده از سهمیه کشور دیگه ای هست و حق یکنفر را در آن کشور ضایع کرده . . . کلاً این چیزایی بود که به من گفت و من اون موقع به اشتراک نداشتم ، گفتم الان تا من اینو بگم خیلی شاید بخوان بحث بکنن که من نتونم جواب بدم ولی الان که دیدم خدارو شکر بچه ها هم



به این نتیجه رسیدن با خودم گفتم بهتره که بگم . . . 😊
تمام صحبت های بالا را به نقل از یه انسان آمریکایی حدود 65 سال گفتم که مدعی بود کارمند بازنشسته هست و قبلاً در سفارت کار میکرده . . . !!! و هیچ مدرک دیگه ای هم برای صحت گفته هایش ندارم .
موفق باشین .

ارسالها: 232
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 2
تشکر: 906
1389 بار تشکر شده در 194 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان،
بالاخره نوبت مصاحبه من هم رسید و برگه آبی گرفتم. توی مدتی که تو سالن بودم فقط یک دختر مجرد ایرانی موفق به دریافت ویزا تک ضرب شد.
اگر بخوام سفرنامه بنویسم با توجه به اطلاعاتی که دوستان دادند واقعا چیزی برای گفتن نیست که بخوام با شما درمیون بگذارم. فقط یک سفرنامه کوتاه مینویسم و نکاتی که به نظرم جالب میومد.
آنکارا شهری هست مثل تهران تقریباً. البته به بزرگی تهران نیست. ولی شهر زیبایی هست. حداقل قسمتی از شهر که من بودم (اطراف سفارت) زیبا بود و پر از مراکز خرید، رستوران و بار بود.
روز اول که اومدم هوا سرد و بارونی بود (18 خرداد) اما از روز بعد هوا آفتابی شد و این چند روز هوا فوق العاده گرم بود. هیچ احتیاجی به لباس زمستانی و کاپشن نداشتم. با اینکه لباس گرم محض اطمینان آورده بودم.
من در هتل الیت اتاق گرفته بودم. هتل خوبی هست. کارکنان مودب هستن . انگلیسی خیلی کم بلد هستن. بااینکه کمی قدیمی و نامنظم هست اما در کل
هتل خوبی بود. اگر شما هتل رزرو نکردین و مستقیم به آنکارا تشریف میارین اصلاً جای نگرانی نیست چون چیزی که اینجا پر هست هتل و اتاق خالیه. شاید من بیشتر از ده تا هتل در منطقه اطراف سفارت آمریکا دیدم. پس اصلاً نگران رزرو هتل نباشید.
پرواز خوب بود (ترکیش). با اینکه من از هواپیما و پرواز بدم میاد اما اذیت نشدم. فرودگاه آنکارا فرودگاه کوچکی هست. و در عرض چند دقیقه به در خروجی میرسین. در مقابل در هم انواع و اقسام تاکسی و مینی ون منتظر شما هستن تا به مقصد برسونتون. فقط پادتون باشه آدرس هتل و نقشه اون رو قبلاً آماده کرده باشین تا به راننده بگین که کجا میخواین پیاده بشین.
در مورد خود شهر نمیتونم چیز خاصی بگم. خودتون از هتل بیرون بیاین و بگردین. خیلی چیزها میبینین و یاد میگیرین. در مورد غذا شما به هیچ وجه گرسنه نمیمونین چون اطراف هتل (اطراف سفارت) پر هست از بار و رستوران های بین المللی و ترکی. توصیه میکنم حتما غذاهای ترکها رو امتحان کنین. بر خلاف چیزی که شنیده بودم (به جز کباب ترکی که هنوز آزمایشش نکردم) اکثر غذاهای ترکی فوق العاده خوشمزه هستن. به خصوص غذاهایی که شامل انواع کباب و کمی هم برنج در کنار بشقاب هست.
قیمت غذا خوب هست و تقریباً برابر تهران هست. اسکندر کباب رو حتما امتحان کنید. اسکندر کباب برش های نازک گوشت هست که بر روی نان قرار میگیره و اون رو چرب و خوشمزه میکنه. البته من اسکندر کباب رو در رستوران های اچ دی اسکندر خوردم در مورد کیفیتش در بقیه رستورانها چیزی نمیدونم. قسمت زیادی از غذاهای ترکی با گوشت قرمز تهیه میشه و اگر مثل من عاشق گوشت قرمز باشین حتما لذت زیادی میبرین. سعی کنین به رستورانهای مختلف سر بزنین و غذاهای مختلفشون رو امتحان کنین. اگر شکمو باشین تفریح جالبی براتون میشه.
این چند روز فستیوال خرید بود. تمام مغازه های پوشاک و تزئینات تخفیفهای قابل توجهی داده بودن. فکر کنم تا 2 هفته دیگه این فستیوال کامکان بر پا باشه. من با 170 هزار تومان 2 دست شلوار، 2 تیشرت و 3 پیراهن خریدم. تو تهران قیمت این مجموعه کمتر از 300 هزار تومان میشد. خلاصه فستیوال خوبی هست. تمام مال ها و فروشگاهها حراج کرده اند. کافی هست تو گوگل مپ دنبال چند تا مال بگردین تا جاشون رو پیدا کنین. اگر حتماً به قصد هوا خوری و قدم زدن هم بیرون بیاین مطمئنن به چند تاشون بر میخورین.
در مورد مدیکال و سفارت هم واقعا فکر نکنم چیزی لازم به گفتن باشه. همه چیز به سادگی مثل آب خوردن انجام میشه. اکثر کارمندان فارسی بلد

هستند حتی اگر نخواهید انگلیسی صحبت کنید. هزینه مدیکال من تقریباً 150 دلار شد. این چند روز تعداد متقاضیان ویزا بسیار زیاد بود. چه ترک و چه ایرانی و چه سایر ملیتها... برای همین مدیکال و مصاحبه در دو مرحله صبح و بعد از ظهر انجام شد. یعنی به قسمت مدیکال رو صبح انجام دادن و قسمت ملاقات دکتر اونگان به بعد از ظهر موکول شد. در مورد سفارت هم صبح انگشت نگاری و پرداخت پول بود و مصاحبه رو ساعت 2:30 دادم. مواظب باشید به دام کار چاق کنهای وطنی نیفتین. اینها در قبال دریافت مقادیر کلانی پول به شما وعده میدهند که کارتون رو انجام میدن. ولی اگر بدونین که مدیکال و سفارت کارش چقدر راحت انجام میشه یک پاپاسی هم به اینها نمیدین. از دم فرودگاه که سوار تاکسی میشنی این آدمها وجود دارن تا تو خود شهر. خلاصه از من به شما نصیحت که کار خودتون رو خودتون انجام بدین. واقعا خیلی آسونه. کافیه به لپ تاپ یا یک تلفن هوشمند داشنه باشن که گوگل مپ داشته باشه. تمام راهها و مسیرها رو پیدا میکنین. نهایتاً اگر اینها رو نداشتین به نقشه آنکارا بخیرین که خیلی به درد میخوره.

مدیکال خیلی راحت هست. چیزی ندارم بگم. اما در مورد سفارت،

تا اونجایی که من برداشت کردم وضعیت شما تا قبل از مصاحبه تقریباً مشخص شده. پس استرس این رو نداشته باشین که با یک توضیح بهتر و بیشتر میتونین سفید بگیرین. توی پرونده من فقط یک برگه بود و اون هم برگه آبی بود. خیلی کم پیش میاد که آفیسر نظرش برگرده و به جای آبی سفید بده. انرژی منفی نمیخوام بدم. اما به تیر برگه آبی برین. چون به احتمال زیاد آبی میگیرن. مگر اینکه دختر زیر 25 سال باشین و کار خاصی انجام نداده باشین... دی. آفیسرها خوش برخورد هستند و موقع جواب دادن به سوالاتشون هیچ ترس و اضطرابی نخواهید داشت. کار سفارت این چند روز خیلی طول میکشه. من ساعت 3 بیرون آمدم ولی نصف سالن منتظر بودند. پس فکر کنم تا ساعت 4 حداقل سفارت باز باشه و کارها انجام بشه. در ضمن بر خلاف گفته برخی دوستان اینجوری نبود که اول کار ترکها رو انجام بدن و سپس کار ایرانیها رو. اول صبح تعداد زیادی کیس توریستی و دانشجویی بود که اکثراً ترک بودن. کار اونها انجام شد و در بعد از ظهر نوبت کیسهای مهاجرتی بود. به ازای هر 2-3 نفر ترکی که صدا میکردن یک کیس ایرانی هم صدا میکردن ولی همونطور که گفتم اینجوری نبود که اول کار ترکها رو انجام بدن و بعد کار ایرانیها رو. شمارهها رو هم کاملاً رندوم میخواندن. یعنی من تو ذهنم هیچ الگویی نتونستم پیدا کنم که بر اساس اون شمارهها خونده بشن.

لب کلام اینکه از رسیشن هتل میتونین اطلاعات بگیرن به علاوه اینکه ترکها هم مودب و مهمان نواز هستن و تو خیابون راهنماییتون میکنن. حتماً به گوشه هوشمند که نقشه آنکارا رو به صورت آنلاین داشته باشه برین که خیلی به درد میخوره. هوا گرمه. تیشرت کتان و شلوار کوتاه بیارین و گزنه



کباب میشین. کارها به آسونی و مثل آب خوردن انجام میشه. هیچ جای نگرانی نیست.

ارسالها: 80

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 312

740 بار تشکر شده در 77 پست



\$

عضو فعال



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

روز سوم در آنکارا

سلام، ما امروز رو برای خرید گذاشتیم. رفتیم خیابون تونالی. از سمت هتل اتب بلوار که به سمت مطب اونگان میریم نرسیده به مطب خیابون جان اف کندی هست. این خیابون رو که تا بالا برید میخوره به وسط تونالی. ما خیابون تونالی رو به سمت چپ رفتیم به مغازه بزرگ پیدا کردیم که تخفیف خیلی خوبی خورده بود کمی ازش خرید کردیم. یه پارک توی این خیابون بود که توش دست فروشها بودن و سرش هم به خاطر فستیوال خرید آنکارا یه گروه موسیقی میزد و میخوند بعدش هم آکروبات بازی و ... که ما دیگه وایستادیم. کل مغازههای مارک حراج بودن اونهایی که مارک پوشن خوب اینجا خرید میکنن. ساعت 3 با پاسپورتها رفتیم مطب اونگان (انتهای خیابون تونالی میرسه به مطب دکتر) و یه پوشه برای سفارت، یه سی دی برای آمریکا و یه برگه از نتیجه آزمایشها برای خودمون داد و برگشتیم هتل. شب رفتیم طرفای خیابون مشروطیت که دستفروشها اومده بودن (9 تا 12 شب اونجان) کمی خرید کردیم. به قول دوستمون هادی لباسهای خوبی میشه با قیمتهای پایین خرید.

راستی انقدر که بچهها از اسکندر کباب تعریف کردند ما هم رفتیم اچ دی اسکندر و سفارش دادیم ولی نه من و نه همسرم خوشمون نیومد!!! به نظر من خیلی چرب و چیلی بود و روش یه جور روغن داغ هم اگه بخواید میریزه. همه داشتن با لذت میخوردن فقط ما دوست نداشتیم!!! پس کاملاً ذائقه ایه یعنی اگه گوشت خور باشید دوست خواهید داشت.

ارسالها: 402

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 3

تشکر: 575

3926 بار تشکر شده در 392 پست



gulu

عضو با سابقه



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

این سفرنامه دو تا از دوستان هست که در تایپیک سفر به ترکیه گذاشته بودن :

amirh

دبروز، 06:38 PM ارسال: #948

ارسالها: 34

تاریخ عضویت: Sep 2011

رتبه: 0 تشکر: 14

108 بار تشکر شده در 29 پست

RE: سفر به ترکیه برای مصاحبه: تور، هتل، بلیط و ...
سلام به همه دوستان. می‌خواستم به تجربه‌ای از سفر خودم براتون بذارم. امیدوارم که بهتون کمک کنه.

معاینه پزشکی:

صبح روزی که برام مشخص شده بود برای دکتر رفتم و پاسپورتمو گرفتم و ۵۰ دلار بابت عکس قفسه سینه و تست خون گرفتن از من. همون موقع این کاررو انجام میدان و میگم برای معاینه دکتر عصر تشریف بیارین. دکترم به چندتا سوال عادی میپرسه و آگه وکسان هاپی که باید ایران میزدین نزده باشین بهتون می‌زنه. بعدشم میگن که برین و ۲ روز بد جوابش آماده‌ست.

روز مصاحبه :

اول از همه به همه دوستان خوب مهاجر سرایی باید بگم که این مصاحبه یکی از آسون‌ترین و راحت‌ترین مصاحبه‌های زندگی‌تون به خدا. اصلا استرس بی‌خود نداشته باشین.

روز مصاحبه ساعت ۹ دم داره سفارت بودم بده ۱۰ دقیقه پاسپورتمو گرفتم و بعدش صدام زدن که برم تو. بعدش توی صاف وایسادم که باید مدارکمو تحویل میدادم. اصل آخرین مدرک تحصیلی، مدارک بانک، شناسنامه و کارت ملی

بعدش به شماره به شما میدان که دقیقا مثل شماره بانک. باید برین بشینین تا نیتون برسه. به تابلو هست که شماره‌هارو اونجا می‌نویسن. کلا ۳ مرحله کار درین اونجا. به بر شماره‌رو علم می‌کنن که به امضا ازتون بگیرن، ۲ باره علم می‌کنن برای انگشت نگاری و بار آخرم برای مصاحبه.

به خدا اینو جدی میگم یکی از آسون‌ترین مرحله هاش همین مصاحبه هست. بازم میگم اصلا استرس نداشته باشین

آفیسر چندتا سوال ریج کار از من پرسید و اینکه اونجا کسیو دارم یا نه و اینکه می‌خوام برم اونجا چیکار کنم. همین

بعدشم به برگه آبی خوشگل بهم داد و گفت که ۳ یا ۴ هفته دیگه چک کنین آگه شمارتون بود بی‌آن برای ویزا.

البته به نکته که واسه من جالب بود این بود که وقتی رفتم برای مصاحبه برگه ابیو دیدم که اونجاست و اسمم روش بود. یعنی فک می‌کنم اینا از قبل همه چیزو می‌دونن.

آگه بازم کسی از دوستان فک می‌کنه من می‌تونم بهش کمک کنم خوشحال میشم این کارو بکنم.

در خدمتتون هستم

شما هم دعا کنین که من زودتر کلر بشم

ارسال‌ها: 402
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 3
تشکر: 575
3926 بار تشکر شده در 392 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

این سفرنامه دو تا از دوستان هست که در تایپیک سفر به ترکیه گذاشته بودن :

amirh

دیروز, 06:38 PM ارسال: #948

ارسال‌ها: 34

تاریخ عضویت: Sep 2011

رتبه: 0 تشکر: 14

108 بار تشکر شده در 29 پست

RE: سفر به ترکیه برای مصاحبه: تور، هتل، بلیط و ...
سلام به همه دوستان. می‌خواستم به تجربه‌ای از سفر خودم براتون بذارم. امیدوارم که بهتون کمک کنه.

معاینه پزشکی:

صبح روزی که برام مشخص شده بود برای دکتر رفتم و پاسپورتمو گرفتم و ۵۰ دلار بابت عکس قفسه سینه و تست خون گرفتن از من. همون موقع این کاررو انجام میدان و میگم برای معاینه دکتر عصر تشریف بیارین. دکترم به چندتا سوال عادی میپرسه و آگه وکسان هاپی که باید ایران میزدین نزده باشین بهتون می‌زنه. بعدشم میگن که برین و ۲ روز بد جوابش آماده‌ست.

روز مصاحبه :

اول از همه به همه دوستای خوب مهاجر سرایی باید بگم که این مصاحبه یکی از آسونترین و راحتترین مصاحبه‌های زندگی‌تون به خدا، اصلا استرس بی‌خود نداشته باشین.

روز مصاحبه ساعت ۹ دم داره سفارت بودم بده ۱۰ دقیقه پاسپورتمو گرفتم و بعدش صدام زدن که برم تو. بعدش توی صاف و ایسادم که باید مدارکمو تحویل میدادم. اصل آخرین مدرک تحصیلی، مدارک بانک، شناسنامه و کارت ملی

بعدش به شماره به شما میدان که دقیقا مثل شماره بانک، باید برین بشینین تا نیتون برسه. به تابلو هست که شماره‌هارو اونجا می‌نویسن. کلا ۳ مرحله کار درین اونجا، به بر شماره رو علم می‌کنن که به امضا ازتون بگیرن، ۲ باره علم می‌کنن برای انگشت نگاری و بار آخرم برای مصاحبه.

به خدا اینو جدی میگم یکی از آسونترین مرحله هاش همین مصاحبه هست. بازم میگم اصلا استرس نداشته باشین

آیسر چندتا سوال ریج کار از من پرسید و اینکه اونجا کسیو دارم یا نه و اینکه می‌خوام برم اونجا چیکار کنم. همین

بعدشم به برگه آبی خوشگل بهم داد و گفت که ۳ یا ۴ هفته دیگه چک کنین اگه شمارتون بود بیان برای ویزا.

البته به نکته که واسه من جالب بود این بود که وقتی رفتم برای مصاحبه برگه ابیو دیدم که اونجاست و اسمم روش بود. یعنی فک می‌کنم اینا از قبل همه چیزو می‌دونن.

اگه بازم کسی از دوستان فک می‌کنه من می‌تونم بهش کمک کنم خوشحال میشم این کارو بکنم.

در خدمتون هستم

شما هم دعا کنین که من زودتر کلر بشم

AS00053xxx2012

تاریخ رویت قبولی : فراموش کردم

تاریخ ارسال فرمها : فراموش کردم

کنسولگری : آنکارا

تاریخ مصاحبه : June 05

تاریخ دریافت ویزا :

هزینه ها : 20000 عکس + 60000 ارسال فرمها با DHL + واکسن 60000

ارسال: #949
behrooz ramezani

ارسالها: 27

تاریخ عضویت: Dec 2011

رتبه: 0 تشکر: 75



113 بار تشکر شده در 25 پست

RE: سفر به ترکیه برای مصاحبه: تور، هتل، بلیط و ...

سلام دوستان عزیزم. خدا خواست و حالا نوبت من شد تا سفرنامه خودم رو بنویسم. البته امیدوارم به درد کسی بخوره. بعد از اینکه نامه دوم رو با ایمیل دریافت کردم فوراً بلیط و هتل رو رزرو کردیم. هتل اوزیلهان و پرواز هم ترکیش. مطالب گفتنی رو بچه‌ها گفتن پس سعی میکنم مطالب کمی مهمتر رو بگم. اول اینکه ما ساعت 11.5 وقت دکتر داشتیم اما ساعت 9.5 رفتیم و کارها رو انجام دادیم و ساعت 11 تمام شد و منشی گفت همین امروز ساعت 3 بیا برای ادامه آزمایش‌ها، البته دکتر عزیز هم بیخودی چند تا آمپول تزریق کرد و آزمایش خون رو هم گفت دوباره بگیر تا پول بیشتری گیر من بیاد ما هم گفتیم چشم و خلاصه برای دو نفر و یک بچه 8 ماهه جمعا 825000 پول دادیم. 100 دلار اول و 300 دلار وسط کار و 125 لیر هم برای آزمایش دوم. خلاصه فردا ساعت 3 هم رفتیم و نتیجه آزمایش رو گرفتیم. دکتر و منشی هم کمی فارسی بلد بودن و انگلیسی هم تا حدودی. البته دکتر انگلیسی می‌فهمید. ما روز پنجشنبه 7 June مصاحبه داشتیم. نکته مهم اینکه زمان مصاحبه مهم نیست اگه شما زود تر برید منظورم در همون روزه زود تر کارتون راه میفته. پس ساعت 8 اونجا باشین. چند مرحله داره. اول تحویل پاسپورت‌ها به افسر. دوم صدا کردن افسر و بازرسی سوم در صف بودن جهت تحویل اصل مدارک چهارم بعد از تحویل مدارک شماره به شما میدن و میرید در یک سالن و در کنار بقیه می‌شینید. دیدید تا اینجا ترسی نداشت. حالا بقیه ماجرا. مثل بانک خودمون شماره‌ها رو در موبیتور می‌بینید اول میرید انگشت نگاری که انگشت‌های مبارک رو روی یک صفحه می‌گذارید و تمام و دوباره میشینید و بعد که دوباره شماره شما اعلام شد میرید و نفری 330 دلار تقدیم میکنید و لبخند هم میزنید. به من گفت 990 دلار دادم اما فهمید گفت 100 چوب دیگه رد کن بینم با. ما هم 100 تا دیگه اومدیم بالا. بعد دوباره میشینید. این بار که شماره رو اعلام کرد میرید جهت مصاحبه. دو یا چند سوال ساده می‌پرسه بعد هم اگه برگه سفید داد که تمامه و من نمیدونم باید چی کار کنید اما اگه مثل ما برگه آبی داد یعنی تو سایت چک کنید هر وقت شماره شما اومد بیایید و ویزا خوشگله رو بگیرید. این هم از سفر نامه ما. اما چند نکته مهم و ضروری. اول اینکه وقتی رسیدید معمولاً میرید در دستشویی جهت بعضی کارها. اما بعد از اتمام کار ناگهان دنیا براتون تیره و تار میشه. اگه مرد باشید بر پدر و مادر بعضی‌ها.... و اگه خانم باشید میگید وای خدا مرگم. کاش می‌مردم و این روزها رو نمیدیدم و اگر بچه باشید داد می‌زنید ماما!!!!!! پس کو شیر آبش. بله دوستان شیر آب ندارند و باید با دستمال کاغذی..... فکر کن. اما ما که فرمون برای این روزها خوب کار میکنه چاره‌ای اندیشیدیم. در دستشویی‌های هتل حمام هم همون جاست و دوش‌های حمام شلنگ بلندی دارن و شما میتونید سر شلنگ رو باز کنید و براحتی تا توالت فرنگی میرسه و بقیه ماجرا. امیدوارم کارایی داشته باشه. نکته دوم ترک‌ها کلا و جمیعا زبان انگلیسی بلد نیستند. حتی 1 کلمه. شوخی نمیکنم‌ها میرید میبینید. ازشون پرسید از 1 تا 5 بشمرن به انگلیسی.

اگه تونستن.
 نکته سوم هتل ها خمیر دندان ندارن. اتو هم ندارن اما سشوار دارن و برق اونها هم مثل مال ماست. ناهار هم نمیدن.
 نکته چهارم اجناس مارکدار و خوب رو هم فراون در فروشگاه ها ميبينيد با قيمت مناسب که اين بخش رو اگه کسی سوال داشت بايد با خانمم مشورت کنه. ماشا... تخصص گرفتن تو LC waikiki. Mango, beneton, koton...&
 نکته اما قبل آخر: از هتل اوزيلهان تا دکتر پياده 20 دقيقه تا سفارت 7 دقيقه راه است. و با تاکسی تا فرودگاه 35 تا 40 دقيقه. خاک به سر 30 كيلومتر دورتره.
 نکته آخر: وای چه همه نکته گفتم. اگه کسی سوال ديگه داشت ما در خدمتيم. سوال داشتيم جواب دادن حالا سوال کنيد جواب بدم. به اين ميگن روحيه مشارکتی.

ارسالها: 755
 تاريخ عضويت: Jul 2011
 رتبه: 10
 تشکر: 20248
 5477 بار تشکر شده در 665 پست

 **SH1A2R3**
 شایرا


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

Serendipity (Jun-11-2012 08:57 PM) **نوشته است:**

SH1A2R3 (Jun-11-2012 12:16 PM) **نوشته است:** دوست من ميشه ادرس دفتر يو پي اس رو برامون بزارين؟



KORKUT REİS MAH.LALE SOK.NO:13/B MALTEPE
 Telefon: 0312 232 44 75

در واقع محله maltepe، خيابون lale، شماره 13

برای tracking هم از اين آدرس ميتوينين استفاده کنين: <http://www.ups.com.tr/Default.aspx>

ميشه بفرمايين ساعت چند بريم دفتر مرکزی خوبه؟

ارسالها: 621
 تاريخ عضويت: Aug 2011
 رتبه: 6
 تشکر: 4498
 3451 بار تشکر شده در 577 پست

 **rip3**
 عضو با سابقه


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

امروز به دختر خانوم که توی هتل ماست و عضو مهاجر سرا نيست يکضرب گرفت.
 مجرد، دانشجوي کارشناسی . موجودی 30 ميليون .

يه آقا پسر دانشجو هم يکضرب گرفت. شرايط ايشونو نميدونم.

بچه هايی که دارن ميان آنکارا هتل Best هم مد نظرشون باشه. دقيقا روبروي سفارته.

- 4 ستاره

- تميز

- همه پرسنل انگليسی کاملا بلدن و خیلی مودب و خوش برخوردن

- صبحانه خوبي داره

- اينترنت مجاني در اتاق و لابی . تمام طبقات اينترنت فوله و اصلا ضعيف نيست.

- اتاق سينگل شبی 90 دلار

- اتاق دابل 110 دلار

* چونه هم بزويد اتاقو ارزونتر ميده . من و يکی از دوستان اتاق دابل ميخواستيم، گفت شبی 110 دلار، کلی چونه زدیم و گفتیم کل خيابونارو واسه پيدا کردن به هتل خوب پياده اومديم و ديگه خیلی خسته ايم، اتاق دابل رو شبی 100 دلار حساب کرد.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

روز چهارم در آنکارا

سلام دوستانای خوبم. ما امروز صبح رفتیم مقبره آتاتورک اینجا بهش میگن " آیت کبیر" اگه خواستین از کسی بپرسین، برای رفتن به مقبره باید بریم میدون کیزلای، مترو خط سبز رو سوار بشیم ایستگاه مال تپه پیاده بشیم. بعد به مقدار حدود یک ربع پیاده روی کردیم تا رسیدیم به ورودی. بعد به سری مینی بوس هست بهش میگن شاتل مجانی میبره تا ورودی مقبره. به نظر من خیلی خوب بود ارزش رفتن داره. نه مقبره نه موزه هزینه ای نداره. برگشتنی رفتیم آنکامال ساعت 1 ظهر اونجا بودیم. برای اینکه بریم آنکامال باید متروی خط قرمز رو سوار بشیم از ایستگاه کیزلای میشه 4 ایستگاه بعد یعنی ایستگاه آکپورا باید پیاده بشیم در خروجی مترو درست روبروی آنکامال هستش. به کم خرید کردیم بعد رفتیم طبقه آخر آنکامال نهار خوردیم. همه فست فودهای معروف اونجا شعبه دارند. از سینمای سه بعدی هم برای فیلم اورجینال بلیط گرفتیم شد نفری 5/13 لیر. به مانیتور بزرگ بالای قسمت فروش بلیط هست که سانس فیلم ها و مشخصاتشون رو مینویسه. ساعت 9 شب به زور از اونجا اومدیم بیرون.

چند نکته: برای رفتن به دستشویی از مراکز خرید یا تفریحی استفاده کنید سایر جاها نفری 1 لیر میگیرن آنکامال رو حتما در روزهای اول و ابتدای برنامه تون قرار بدید چون به روز واقعا کمه! ما از ساعت 1 تا 9 شب به غیر از 2 ساعت فیلم و نهار بقیه رو تند تند توی مغازه ها میدویدیم ولی باز هم 1 طبقه رو اصلاً نتونستیم ببینیم. به خصوص الان که فستیواله قیمت ها واقعا واقعا کمه و حیفه از دست بدید. شبی که فرداش مصاحبه دارید زود بیاید هتل نه مثل ما!!!

برامون دعا کنید دوستان فردا مصاحبه داریم.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان ، من دوباره اومدم !!! 😊 هر کاری میکنم که زیاد حرف نزنم نمیشه . . . انگار منو شکنجه میدن وقتی پست های دوستان را میبینم و نتونم بنویسم 😊 اچه به جنوبه گفتن در زمانی که اسیر بودی چطوری عراقی ها شکنجرتون میدادن . . برگشت گفت " ولک دست و پای مارو میستن ، بعدش نوار بندری میداشتن 😊 😊"

چند تا نکته میخواستم بگم گفتم شاید برای شما که هنوز مصاحبه نرفتین بدترتون بخوره ... روز مصاحبه ترجیحاً طوری برین که فقط مدارک را با خودتون ببرید و زیاد با خودتون کیف و ساک حمل نکنین . اگه امکانش هست خانم ها در کیفشون به مقدار خوراکی و نوشیدنی هم برین بد نیست (خیلی کمک میکنه) . شما وقتی وارد سالن سفارت میشین سمت چپ به خانمی نشسته که مدارک را تحویل میگیره و بعد از دریافت شماره وارد به سالن دیگه که اصل مطلب هست میشین (برای مصاحبه و باقی قضایا) در همان سالنی که مدارک میدین 2 تا دستشویی موجوده که اگر مثل من مشکل اجرایی پیدا کردین میتونین تشریف برین اونجا . !! موقع پرداخت پول به شما رسید نمیدن نگران این قضیه نباشین و آخر در زمان مصاحبه بهتون میدن (انشالله با برگه UPS رسید پولتونو دریافت میکنین) . دقیقاً دستگاه اعلام شماره ها مثل بانک میمونه ولی با این فرق که فقط به بوق میزنه و شماره را نمیخونه . باجه هایی که تشریف میبرین برای مصاحبه ، آفیسر از کمر به بالا را کلاً میبینه !!! پس برای خوش تیپ شدن ، زیاد خودتونو اذیت نکنین و با هر لباس و

کفشکی که احساس راحتی میکنین تشریف برین (روز مصاحبه ما آفیسر ما (الهی من قریونش برم 😊) به لباس بلند گل منگولی پوشیده بود که فکر کنم راحت باب سلیقه مادر بزرگ خدا بیامرمز باشه !!! (خدا رفتگان شما را هم رحمت کنه) . بازم تاکید میکنم اگه برگه آبی را دیدین زیاد فکرتون خراب نشه ، تو همه پرونده ها هست . در زمانی که مدارک را تحویل میدین حواستون جمع باشه که هر چی خواست را بهش تحویل بدین و مثل من چیزی یادتون نره که خیلی الافی داره . به نظر من از قبل این مدارک را حاضر کنید کنار هم باشه که اشتباه نشه (سند ازدواج ، شناسنامه ، پاسپورت ، اصل مدرک فرد برنده و عکس و اگر گواهی تمکن یا اسپانسر دارین فقط همین و کارت ملی و سرباز هم نمیگیره ، نگین غربت یادش رفت) و اگر پاسپورتتون مثل ما دارای جلد یا کاور باشه ، بهتون میگه کاور را دربیارین ، پس بهتره از قبل بدون کاور باشه (من اومدم با عجله کاور پاسپورت عیال را دربیارم ، که گوشش بخورده دفورمه شد 😊) و کلاً میدونین دیگه ... همون جا بود که عیال گرام از بازوی مبارک بنده به نیشگون جانانه گرفت 😊) پس بهتره که تا دست و پای خودتون را از دست ندادین کاورشو در بیارین 😊 .

کلاً اگه چند تا اشتباه تایی دارین ، زیاد حساسیت بخرج ندین و به نظر من اصلاً چیزی نگین . به نظر من از لحاظ روانی خیلی تاثیر میذاره وقتی میری مصاحبه ، چیزی برای تغییر نداشته باشی !!! (ولی این نظر شخصی من بود و اصلاً هم بهش اعتباری نیست 😊) سعی کنین با کس هم صحبت بشین که زیاد دنبال موشکافی کردن فرم های ارسالی نباشه (یادتون هست قبل از امتحان ها حالا چه تو مدرسه و یا دانشگاه بچه های بودن که مثلاً میگفتن اینجارو خوندی ، نمیدونم اونجارو خوندی و کلی ایجاد استرس میکردن . . . هر چی بوده دیگه تموم شده و بهتره فکر جور کردن 17 لیر باشین که باید به UPS بدین . . . راستی آدرس دقیق هتلتون را با خودتون برین . . . (من نبرده بودم و از روی اسم hostel کارمند UPS برام آدرس دقیق از اینترنت پیدا کرد .) ما وقتمون برای ساعت 9 صبح بود ولی ما 7:30 اونجا بودیم و ما تا ساعت فکر کنیم 12:30 سفارت بودیم . جالبه که به به پسر که مصاحبه آن ساعت 8 صبح بود ، به برگه سفید دادن ، گفتن برو بعد از ظهر بیا ... !! از اینطور مسائل زیاد پیش اومده و فکر نکنین قضیه خاصی اتفاق افتاده . . . ببخشید زیاد شد ولی بازم اگه نکته ای یادم اومد براتون مینویسم ... راستی در تمام مراحل خنده یادتون نره اونم از نوع ملیحش ... 😊

مخلص دوستان گل هم هستیم .

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان

شکر خدا من هم امروز ویزاهامون رو از ups تحویل گرفتم. سه شنبه تحویل داده بودم. دو روز طول کشید. کلیرنس ۲۲ روز طول کشید. اما ۵ روز بعد تو وب سایت اسمم اپدیت شد. هوا خیلی گرمه. آنکارا تا ۱۵ روز دیگه حراج. دوستانی که برای بیکاپ ویزا میان عجله کنن که از حراج به بهره ای برن. از سینمای آنکارا و شاپینگش فعلا خیلی استفاده کردم. تقریباً هر روز اونجام. سینماش که عالیه خریدش هم بد نیست. مترو از kizzlay سوار میشم خط قرمز و akkopru پیاده میشم جلوی آنکارا. برای اونایی که بچه دارن هم جای خوبیه. به شهرسازی کوچولو داره. هتل osegmen که هتل نسبتاً خوبیه. راضیم ازش. بلیط از ترکیش گرفتم ۵۰+ و اتاق single هتل رو عباس برام گرفته شبی ۵۰ دلار. ادم خوب و با تجربه ایه. فارسیشم عالیه. کلا برای دوستانی که علاقه مندند به نفر تو کارا کمکشون کنه ادم بسیار مفیدیه. مثلاً چون با پستی ups دوست بود لازم نبود هر روز هتل بشینم منتظر ups. به موبایل طرف زنگ می زد و ارزش می پرسید کجاست و کی میاد. وقتم هدر نرفت. من مدیکال استانبول بودم اما شنیدم تو مدیکال هم اینجا کار از دستش بر میاد. برا گرفتن جواب یا وقت گرفتن اولیه. البته بهرحال همه این کارهارو براحتی می تونین خودتون تنهایی هم انجام بدین. شاید برا سن بالا ها و بچه دارها یا اونایی که زبانشون خیلی ضعیفه مفید باشه. شمارشو تو سفر اول ازش گرفته بودم. ارادتمند

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

من به کارت تلفن الو کارت دارم ازش زیاد استفاده نکردم. حیفه بندازم. میزارم اینجا هرکس دوست داشت استفاده کنه

اول زنگ می زنی به 08112454500

بعد ازتون میخواد تا pin code رو وارد کنید. که باید این رو بزنی : 337129234

بعدش هم شماره تلفن مورد نظرتون رو همراه با 00 اولش شماره گیری کنید.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان

من میخوام سفرنامه ام رو قدری متفاوت بنویسم. یعنی در چند مرحله

مرحله اول: یک هفته قبل از پرواز درست هفته دیگه این موقع من آماده پروازم. شنبه میرم دنبال دلار دولتی. من 400 نقد رو به 1000\$ نسیم ترجیح میدم.

کل اصل مدارک بطور جدا-مدارک جهت مطب دکتر جدا-کپی ترجمه ها جداگانه آماده هست. جمدونامون هم نیمه آماده. برای این هفته کلی کار دارم چون تا یک هفته نیستم باید ویزیت مریضهامو جلوتر بندازم که اون یه هفته با خیال راحتتری برم. درست شبی که دارم میرم تا خرخره باید مریض ببینم. ولی با انرژی سوپر میبینمشون.

من که دارم از خوشحالی بال در میارم. جالبه که هر چه نزدیکتر میشه با کامنتهایی که دوستان مصاحبه رفته میزارن استرس کمتری میشه.

کلی برنامه ریزی کردیم که بهمون خوش بگذره.
چون مسئول تدارکات سفرها منم پس این مسئولیت هم گردن منه که بدون نقص آماده سفر سرنوشت ساز بشیم.
فعلا تا اینجاش داشته باشین تا مرحله بعدی....



ehsan1095

عضو فعال



ارسالها: 132
تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 2

تشکر: 150

1382 بار تشکر شده در 127 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام

احسان قرار بود بنویسه و نوشت لذا من شوهر خواهر با اندک تجربه در تایپ مینویسم.

1- ما برای همه افراد خانواده کارت زرد واکسیناسیون گرفتیم و دکتر قبول نمود.

2- وقت پزشکی را به راحتی از سایت دکتر با توجه به زمان مورد نیاز برای آماده شدن جواب از یک ماه قبل گرفتیم.

3- در هتل ددمان یک سویت برای 3 نفر بزرگ و 2 کودک به بهای شبی 170 دلار از طریق رابط(لیلا خانم) گرفتیم ترانسفر هم نفری 10 دلار شد.

4- اسپانسر داشتیم ولی ارایه نمودیم حساب بانکی 160م بهمهرا 2 سند آپارتمان بدون ارزش گذاری (تعداد case : چهار نفر)

5- ترجمه ها با مهر وزارت خارجه و دادگستری

6- خروج از کشور را 3 روز قبل از مسافرت در اداره گذرنامه چک کردیم.

7- 1.5 ماه قبل از مصاحبه مدارک را بدون دریافت نامه از سفارت با DHL پست و هرگز نامه ای از سفارت دریافت نکردیم.

8- روز مصاحبه باران می آمد چتر از هتل گرفتیم 7:40 با تاکسی ظرف 5 دقیقه رسیدیم 5لیر شد.

9- وقتی وارد سفارت شدیم خانمی که بعد از چک ورودی مدارک را تحویل میگیرد بعد از پاسپورت، مدارک مدیکال را از ما خواست دیدیم ای دل غافل هتل

جا مونده به ایشون گفتم میتونم برم هتل بیاورم؟ گفت باشد همسر و فرزندان در سالن انتظار بشینند منم رفتم آوردم و همراه بقیه مدارک تحویلش

دادم.

10- مصاحبه کوتاهی داشتیم قبل از قسم گفتیم چند تاریخ اشتباه داریم که قبلاً به KCC ایمیل زدیم فرما را جهت اصلاح بهمون داد که توسط خودشان

با خودکار قرمز اصلاح شده بود لذا بهش برگردوندیم سپس قسم خوردیم فرما را دوباره بهمون داد تا امضا کنیم به نوبت از هر دو ما خیلی کوتاه در مورد

شغلمون پرسید انگار جواب ها را از قبل میدانست همینطور که ما جواب میدادیم با کامپیوترش به چیزایی را تایپ میکرد(خدا میداند) یک برگه آبی

برداشت و گفت سیر اداری دارید بعد از 1 تا 2 ماه سایت را چک کنید case numberتون را دیدید 1 نفرتون برگردد و ویزاها را بگیرد. و اینطور شد که ما هم

به صف منتظرین پیوستیم

nima3131

عضو



ارسالها: 19

تاریخ عضویت: Sep 2011

رتبه: 0

تشکر: 7

271 بار تشکر شده در 19 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام، اولین باره که میخام اینجا پیامو بذارم و دوستان رو در جریان بگذارم. خیلی از مطالب این گفتگوها استفاده کردم، امیدوارم بقیه هم از این مطالب استفاده کنن. هنوز وقت مصاحبه من نرسیده، امروز جمعه 26 خرداده، مصاحبه 30 خرداده.

با پرواز ایران ایر اومدم آنکارا. بلیطمو اوایل اردیبهشت خریدم. هزینه بلیط 389000 تومن شد. ساعت حرکت 5 صبح بود. 2 ساعت قبل از پرواز توی فرودگاه

امام خمینی بودم ولی بعد از 5 کارای معمول فرودگاهی! تموم شد. توصیه میکنم دوستانی که پروازشون پنج شنبه هستش 2:30 - 3 ساعت قبل توی

فرودگاه باشن. آخه پنج شنبه ها چند تا پرواز 747 داره یعنی تعداد مسافرا خیلی زیاده و کارا خیلی بیشتر از حالت عادی طول میکشه.

دوستان عزیز حتما حتما از بانک ملی یا ملت (دقیقا نمیدونم) قبل از اینکه برین فرودگاه حواله تهیه کنین، وگرنه بدون اون حواله ها توی فرودگاه نمیتونین

ارز دولتی بگیرین. عوارض خروج از کشور هم 55 هزار تومنه.

در ضمن، قیمت دلار آزاد توی فرودگاه بیشتر از صرافی های بیرونه. دزد بازاره دیگه! هرچی میتونین، بیرون از فرودگاه دلار آزاد خریداری کنین.

وقتی رسیدین فرودگاه آنکارا، از خروجی فرودگاه که در اومدین بیرون، یه سری تاکسی و اتوبوس HAVAS هست. اتوبوس HAVAS تا مترو ULUS میره

ولی یکسری اتوبوس های دیگه هم هست که روش نوشته EGO، از خروجی که میان بیرون، سمت راست، 200-300 متر که برین، اتوبوس های EGO

اونجا می ایستن. من که رفتم، 10 دقیقه منتظر موندم تا اتوبوس اومد. این اتوبوس که شماره خطش 442 (اگه اشتباه نکنم) تا Kizilay شمارو میاره. که

توی خود بلوار آتاتورک، کرایش هم 5 لیر هستش. این اتوبوس شما رو از سمت جنوب، وارد 4راه کیزیلای میکنه. یعنی وقتی از اتوبوس پیاده میشین،

باید برگردین پائین تا به مطب دکتر برسین.

روی تابلوی مطب دکتر هم نوشته laboratory.Duzen... درست کنار پارک Kugulu هستش، پس باید دنبال پارک Kugulu بگردین.

دیروز رفتم اونجا، تست خون و عکس از قفسه سینه گرفت، بعدش هم تست فیزیکیال. البته خود آقای دکتر رو من ندیدم، یک خانومه بجای دکتر مونگان

بود. 2تا هم واکسن بهم زد، در صورتی که من این واکسن ها رو از قبل تو پاستور زده بودم: MMR, Td, Hepatit B I & II, influenza

واسه تست خون و عکس از قفسه سینه چهل و هفت و نیم دلار گرفت. واسه اون 2تا واکسن هم 200 دلار.

در مورد محل اقامت بگم:

از اونجا که میخاستم یک سفر دانشجویی! داشته باشم، دنبال جای گرون نرفتم. دنبال هاستل میگشتم. از قبل Deeps Hostel رو توی اینترنت پیدا

کرده بودم. توی مسیر سراع چند تا هتل هم رفته بودم. میرفتم قیمت میپرسیدم، میومدم بیرون و حین بیرون اومدن، یارو میگفت بیا بهت تخفیف میدم.

کلا روش خوبیه واسه تخفیف گرفتن!

به هر حال، اومدم Deeps Hostel از لحاظ تمیزی من قبولش دارم. به نظرم واقعا خوبه. شبی 40 لیر میشه (لیری 1000 تومن حساب کنین). مسئولش

گفت صبحانه هم به شما میدم. بعدش که گفتم صبحانه خودم دارم، گفت 5 لیر کم میشه از اون 40 لیر. کلا شبی 35 لیر در میاد که تقریباً میشه شبی

19-20 دلار. که با توجه به قیمت هتل ها واقعا مناسبه. اینترنت و ایرلس هم داره.

ولی کولر نداره. مسئولش گفت اتاقای زیرزمین خنکه. من هم اتاق زیر زمین رو گرفتم. خیلی عالی و اصلا هم مشکلی با گرما پیدا نکردم. بخاطر بدقولی ایرانیای عزیز که اینترنتی رزرو میکردن و نمومدن، دیگه اینترنتی رزرو نمیکنه. توی پست یکی از دوستانمون تو مهاجر سرا در مورد ناراضیتی مسئول اینجا از بدقولی ایرانیها شنیده بودم. متاسفانه اسم این دوستانمون به خاطر ندارم ولی فکر کنم اسمشون امین بوده. من هم اینترنتی رزرو کردم، یعنی فقط تو سایتش در خواست رزرو دادم و گفتم در مورد ناراضیتتون میدونم و اگر نخوام پیام حتما بهتون خبر میدم. جوابی به درخواستم داده نشد تا اینکه رسیدم اینجا و متوجه شدم وقتی تو راه انکارا بودم برام میل زده بود که براتون رزرو کردم! دستش درد نکنه. از دوست خویم آقا امین که سفارش ما رو کرده بود هم خیلی خیلی ممنونم! آخه توی میلی که کانفرمیشن رزروم بوده، نوشته شده بود که آقا امین سفارشمو کرده بود! تو بلوار آتاتورک راحت میشه با اتوبوس به سمت شمال و جنوب خیابان رفت. کرایه هاش هم در حد یک و نیم- دو لیر هستش. به مطلب دیگه، از ایران، مقدار کمتری لیر بخیرین، مثلا من 50 لیر گرفتم. چون اینجا پرداخت هزینه هتل، دکتر و سفارت به دلار میتونه باشه، ولی باقیمانده پولتون رو به لیر میدن.

در مورد خط تلفن

اینجا که برسین، اگه همراه اول داشته باشین، این اس ام اس براتون میاد:

"همراه اول مقدمات را در ترکیه گرمی میدارد. کاهش 60 درصدی هزینه های تماس. نرخ هر دقیقه رومینگ AVEA: به ایران 2300 تومان، داخل ترکیه 700 تومان، از ایران 400 تومان و پیامک ارسالی 400 تومان. روشن کردن گوشی و دریافت پیامک مجانیست. همواره اول با رومینگ همراه اول." اینم در مورد تلفن و هزینه های استفاده از همراه اول در آنکارا

در مورد غذا:

اینجا آب معدنی cc250 نیم لیر هستش. به آب معدنی 5 لیتری + به آب معدنی 1 لیتری خریدم شد 3 لیر! ساندویچ سوسیسی و اینجور غذا ها در حد 8-10 لیر هستش و غذاهای خوشمزهش در حد 15-25 لیر.

اگر اطلاعات دیگری بدست بیارم، باز هم اینجا میذارم.

ارسالها: 131
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 1
تشکر: 237
947 بار تشکر شده در 128 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

در ادامه سفرنامه براتون بگم که امروز ساعت 3 رفته جوازامایشاتم را گرفتم. برای رفتن به مطب دکتر از کنار بلوار اتاتور بگیرد و به سمت جنوب برید. میدان کیزلای رو شمال در نظر بگیرید. اونوقت مطب دکتر همیشه سمت چپ. نزدیک یک چهار راه است. از کنار سفارت امریکا و المان هم میگذرین. برای رفتن به انکا مال بهترین راه مترو هست. به میدان کیزلای برید و وارد مترو بشین. کرایه تک سفره 3.5 لیر هست. هر لیر رو 1000 در نظر بگیرید که راحت قیمت همه چیزه پول ایران براتون در بیاد. هر دلار 1.8 لیر است. برای سادگی لیر 1000 تومنی بهترینه. خلاصه سوار مترو که شدین درست 4 ایستگاه بعد باید پیاده بشین. درست کنار انکا مال سر در میارید. نیازی نیست دنبالش بگردین. سینمای سه بعدی خوبی هم در طبقه سوم داره که فیلمی که من رفتم 18 لیر بلیطش بود. کیفیتش عالی بود ولی چون دوبله ترکی بود خوب نبود. راستی ایفسم ایستگاهش یک چیزی شبیه ایکوور بود.



اگر در هتل ددمان هستین و اینترنت در اتاقتون ضعیف بود به لابی بیاین. هم از اینترنت بهتر استفاده کنین هم از صدای پیانو لذت ببرین

ارسالها: 80
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 312
740 بار تشکر شده در 77 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

روز چهارم در آنکارا

سلام. امروز ما مصاحبه داشتیم.

نکات قبل از مصاحبه: شب قبلش من بیخواب شده بودم تا ساعت 2 داشتم مدارک رو چک میکردم و سوالات احتمالی رو بررسی میکردم. این **سوالات مصاحبه** رو از سفرنامه هایی که توی مهاجرسرا بود جمع آورگی کردم و جواباشو با خودمون تمرین کردیم:

پروژه تحصیلی تون چی بوده؟

در مورد رشته تحصیلی تون توضیح بده؟ آیا تصمیم دارید تو رشته تحصیلی خودتون مشغول به کار بشید؟

در مورد کارتون توضیح بده؟ دولتی یا خصوصی؟

سربازی کجا بودی؟ چکار میکردی؟

کی میخواهی بری آمریکا؟ تو آمریکا میخواهی چه کاره باشی؟ چرا میخواهی بروی آمریکا؟ کسی رو اونجا داری؟ کدوم ایالت میخواهی بروی؟ چرا؟

تمکن مالی تون رو از کجا آوردید؟

چطور میخواهید پولتان را به آمریکا منتقل کنید؟

این نکات رو هم جمع کردم: موقع صحبت کردن راست بایستید و روی باجه خم نشوید، به شیشه نجسبید، وسط حرف همدیگه نپزید، اگر در مورد چیزی میخواهید توضیح دهید سوال کنید آیا نیاز به توضیح بیشتر هست؟ بعد سوال کمی مکث کنید و سپس جواب بدید، لبخند بزنید، با آرامش مدرکی رو که ازتون میخواند بهش بدید و پوشه مدارکتون رو جلوی آفیسر خالی نکنید، زود قسم نخورید اول مواردی که اشتباه شده رو ذکر کنید، در سالن سفارت صحبت های از قبیل غر زدن یا 30 آ س ی نداشته باشید

در مورد نوع لباس پوشیدن: تا جایی که ما دقت کردیم هم با لباسهای راحت اومده بودند، تاپ، جین، بلوز دامن کوتاه، با جوراب، بی جوراب، تی شرت، کت و شلوار و کراوات خلاصه همه جور. بیشتر تیپ های معمولی و تی شرتی و 3 نفر کراوات داشتند. خانم ها هم فقط من کت و شلوار پوشیده بودم بقیه با لباس های راحت اومده بودند. اینکه کدومش بهتره رو نفهمیدم. ولی فکر میکنم با لباسی برید که خودتون اعتماد به نفس داشته باشید و به خودتون احساس خوبی بده، اگه خودتون این حس رو داشته باشید هم احساس خوبی خواهند داشت.

رفتن به سفارت:

مصاحبه ما ساعت 9 بود ما 8 از هتل اومدیم بیرون مستقیم در جهت مطب دکتر اونگان حرکت کردیم، خیابون روبروی خیابون جان اف کندی رو رفتیم داخل پیچیدیم سمت چپ، در سفارت پیدااست. پاسپورت ها رو تحویل مامور دادیم رفتیم تو صف کنار خیابون وایسادیم. *ترجیحا حدود ساعت 7:30 دم در سفارت باشید چون مصاحبه به وقت مصاحبه ربطی نداره هر کسی زودتر بره زودتر کارش انجام میشه** به صف کنار دیواره که برای ترکهاست. ساعت 9:30 صدامون زد رفتیم جلوی در دوم کیف ها رو گذاشتیم توی دستگاه و خودمون رد شدیم. من تو کیفم ادکلن داشتم که گفت در بیار بزنی دستت بو کن، منم اشتباهی اسپری کردم تو صورت ماموره که عین فتر پرید هوا، فکر کرده ب م ب ا ت می زدم بهش! از این در رفتیم جلوی دیگه ای توی صف ایستادیم همون در تق تقیه. قبل از اینکه در تق کنه حتی اگر باز بود نرین تو شاکمی میشه. نیم ساعت بعد رفتیم تو به خانمی که فارسی خوب حرف میزنه گفت اصل شناسنامه، سند ازدواج و مدرک تحصیلی **فرد برنده** من مشخصا ازش پرسیدم مدرک من رو هم میخواد و اونم واضح گفت نه. مدارک دیگه رو هم گفت بدید که ما گفتیم پست کردیم گفت اگه پست کردید لازم نیست. پرسید مصاحبه فارسی یا انگلیسی ما هم گفتیم فارسی. به شماره بهمون داد گفت این برای هردوتونه هر وقت افتاد برید به باجه.

توی سالن نشستیم. سالن سرده اگر سرمای هسیند با خودتون حتما به چیزی برید من خیلی اذیت شدم. هم سرده هم آدم استرس داره اونوقت همش باید رفت بیرون در IWC!

سالن مصاحبه مثل سالن بانکه فقط صندلی ها پشت به باجه هاست. اگر جلوی باجه 5 و 6 بشنید میتونید مصاحبه بقیه رو گوش کنید. 5 تا کیس لاتاری شناسایی کردم. به دختر خانم که مجرد و دانشجو بود به ضرب گرفت، بهش گفته بود کی میخواد خرج زندگی تو بده گفته بود پدرم. به خانواده 2 نفره آقا کارمند، 2 خانواده 3 نفره آقایون شغل آزاد، 2 خانواده 2 نفره شغل خصوصی همه برگه آبی گرفتیم.

مصاحبه:

ما نزدیک ساعت 2 نوبتون شد. البته شماره ها هیچ ترتیبی نداره ولی اون گروهی که باهم اومده بودیم تو سالن تقریبا به همون ترتیب خوانده شد. بار اول که شمارمون افتاد رفتیم واسه انگشت نگاری. اثر انگشت من نمی افتاد بهم به ژل داد زدم و بعد انگشت نگاری کرد. فارسی میگه که چکار کنید. بار دوم رفتیم باجه 4 برای پرداخت نفری 330 دلار. بهمون فیشش رو داد و گفت میخواهید منتظر باشید یا برید عصر بیاید ما هم گفتیم منتظر میمونیم. بار سوم دیگه نوبت مصاحبه بود.

باجه 6 به آقای جوون مصاحبه میکرد خوب فارسی بلد نبود و میپرسید اگر انگلیسی بلد هستید انگلیسی بپرسد. از چند نفری با اینکه مصاحبه فارسی خواسته بودند انگلیسی سوال جواب کرد. ما باجه 5 افتادیم که به دختر 25-6 ساله بود خیلی خوب فارسی حرف میزد. گفت باید از شما سوگند بگیرم ما هم گفتیم چند تا اشتباه داریم و برگه ها رو داد اصلاح کردیم. بقیه اشتباهات هم که با نامه به KCC اطلاع داده بودیم گفت نیازی نیست دوباره اصلاح بشه. بعد دست راست رو بردیم بالا و سوگند خوردیم و بعد فرمهامون رو داد که امضا کردیم.

سوالات:

از همسر: شغل شما چیه؟ میشه بیشتر توضیح بدید که چکار میکنید؟

دولتی است یا خصوصی؟ جواب: خصوصی

از همسر: سربازی کجا بودی و اونجا چه کاری انجام میدادی؟

از من: شغل شما چیه؟ کمی توضیح بدید.

از همسر: آمریکا میخواهید کجا برید؟ کسی رو اونجا دارید؟ جواب: نه

از همسر: پس برای چی این ایالت رو انتخاب کردید؟ جواب: چون بر اساس سرچی که کردیم از لحاظ کاری برامون مناسبه.

از همسر: هزینه زندگی تون توی آمریکا رو چطور تامین میکنید؟ جواب: کار میکنیم و به مقداری هم با خودمون میبریم. راستی ما برای همسر ما برنده اصلی بود به مانده حساب 43 تومنی و برای من به مانده حساب 30 تومنی برده بودیم که هیچ سوالی در موردش نپرسید.

بعد به برگه آبی بهمون داد که دور اسم سایت خط کشیده بود و چیز دیگه توش نوشته بود. گفت کیستون به نظر کامله فقط به سری مراحل باید طی

بشه سایت رو چک کنید هر وقت کدتون اومد یک نفرتون بیاد برای گرفتن ویزا. اصل تمام مدارک رو پس داد. کپی پاسپورت رو هم داد ولی بقیه مدارک رو نگه داشت.

ما با لیخند خداحافظی کردیم و اومدیم.

ارسالها: 94

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 618

702 بار تشکر شده در 86 پست

smk2

عضو فعال



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

بخشید من اشتباهی این متن را در جای دیگر هم ارسال کردم

با عرض سلام

بلاخره ما هم مصاحبه شدیم ومراحل کاري انرا انجام دادیم

در تاریخ 7جوتن پرواز با ایران ایر ساعت 5 صبح بعدازرسیدن به انکارا با تاکسی تا هتل ازبلهان با 65 لیر رفتیم چون صبح زودبود هنوز اتاقها آماده نشدهبودند که با هماهنگی وسایل رادر اتاق رسپشن گذاشتیم وبه دنبال کارهای مدیکال رفتیم تقریبا 20 دقیقه راه بود من وهمسر ازمایش خون

وعکس قفسه سینه انداختیم ولی ازبچه ها هیچ تستی نگرفت هزینه ها هم طبق معمول نا مشخص است ودر ضمن به ماگفت بعدازظهر ساعت 4

برگردید وماهم بعداز کمی گشت وگذار درشهر به هتل رفتیم واتاق خود را تحویل گرفتیم يك سوئیت 4 تخته در قسمت استاندارد به مبلغ 80 دلار شبی

در کل از هتل وکارکنان ان راضي بودیم خیلی باهتلهاي 4 ستاره فرق ندارد

در ضمن يك اقاي با نام مجید در این هتل است که همکاری با دوستان رادارد .

بعداز ظهر هم باز به دکتر رفتیم ومرحله معاینه برای همه اعضاي خانواده انجام شد ودوباره از همه افراد خانواده آزمایش خون گرفتند وبراي بچه هاي من

نیز هم کشت سل انجام شد وهم واکسن زدند .

ودوروز بعدنیز برای دیدن بچه ها دوباره به مطب رفتیم وگفتند روز دوشنبه جهت گرفتن جواب به مطب مرجعه شود

و در ضمن در طول اقامت ما در انکارا فستیوال فروش آغاز شده بود وماهم استاده لازم رابردیم .

روز مصاحبه نیز زود رفتیم و همه کارها طبق روال انجام شد و مصاحبه هم سوال خاصی نپرسید و فقط گفت من متقاعد شدم شما می توانید در آمریکا یک زندگی تشکیل دهید و مدارک شما کامل است و از سه هفته دیگر در سایت شماره خود را چک کنید و هر زمان آماده بود یک نفر برای گرفتن تشریف بیاورد کافی است در کل خوب بود و ما از سفر خودمان راضی هستیم و خدا را شکر می کنم . هر سوالی باشد آماده پاسخ گوئی هستم



ارسالها: 131
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 1
تشکر: 237
947 بار تشکر شده در 128 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

در ادامه سفرنامه باید بگویم که اگر هر ساعتی رسیدین منتظر وقت دکتر نشین. اونها اصلا کاریبه ساعتی که زروو کردید ندارن. شروع به کارشون از ساعت 9 است ولی کمی زودتر هم برید مشکلی پیش نیاید. پس تا رسیدین فوری برید کارهاتون رو انجام بدین چون از صدقه سری ما ایرانیها سرشون خیلی شلوغه. برای سفارت هم امروز رفتیم یک سری زدم. سفارت بر خود بلوار اتاتورکه و درش توی یک کوچه فرعی. توجه داشته باشید که سفارت چند تا در داره و محلی که باید مدارک رو تحویل بدین درب 4 (گیت 4) است. یک کیوسک نگهبانی هم کنارشه. میشه صلح غربی سفارت. آدرس یک پارک بزرگ رو هم گرفتم. امروز عصر میرم. اگر خوب بود ادرس و اسمش رو براتون مینویسم که شما استفاده کنید



ارسالها: 246
تاریخ عضویت: Dec 2011
رتبه: 1
تشکر: 2813
1431 بار تشکر شده در 234 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام و عرض ادب خدمت تمامی اعضای سایت بنده نیز به نوبه خود مرحله پر استرس مصاحبه رو گذراندم و از اونجایی که شخصیت بسیار نکته سنج و ریزبینی دارم سعی کردم در سفرنامه ام همه جزئیات رو مطرح کنم و امیدوارم به درد دوستان بخوره. قبل از سفر: به محض کارنت شدن کیس نامبرم هر روز از صفحه ای که نامه اول رو هم دریافت کرده بودم پیگیر نام هدموم شدم. ضمنا با توجه به تاخیر اپدیت شدن نامه بنده هم به KCC و هم به سفارت ایمیل زدم. البته قبل از ایمیل با سفارت تماس گرفتم ولی هربار به سخنگوی اتوماتیک وصل میشد و یکبار هم که موفق شدم تماس بگیرم بهم گفتند که باید در ساعت معینی زنگ میزدیم بین 4:30 تا 5:30 تماس می گرفتیم. بعد از این به سفارت از طریق ایمیل موجود در سایت خود سفارت ایمیلی زدم و زمان مصاحبه ام رو جویا شدم و بهم جواب امد که خودشان ایمیل خواهند زد. نتیجه اینکه مثل من خودتون رو اذیت نکنید به محض آماده شده نامه دوم و اپدیت شدن صفحه شامل نامه دوم، خودشون ایمیل میزنند که برید و اون صفحه رو چک کنید. با آمدن نامه دوم و مشخص شدن زمان مصاحبه ام که 12 جون بود سریرا از طریق سایت دکتر اونگان تعطیلات رسمی ترکیه رو در اوردم تا بینم که بلیط رو چه زمانی بگیرم. 12 جون روز سه شنبه میشد و اینبار هم فکر این که چه روز بیاید برم تا به کارهای مدیکال برسم و از طرفی زیادی در آنکارا نمانم ذهنم رو درگیر کرد. به منشی دکتر اونگان زنگ زدم و به اپراتور گفتم منشی اونگان رو وصل کنه. بهش گفتم که مصاحبه ام سه شنبه هست و بچه هم نداریم و اینکه اگه شنبه بیام کافی و جواب داد بله. بنابراین همون روز بلافاصله 50 روز قبل از روز پرواز از ترکیش بلیط ها رو تهیه کردیم. چون ما در شهرستانیم پرواز مستقیم به آنکارا نبود و مجبورا برای صبح جمعه ساعت 5:30 اقدام به خرید بلیط کردیم اول استانبول و با 2 ساعت فاصله استانبول به آنکارا. هر نفر 282500 تومان تموم شد. در این مدت کارهای نهایی کارت واکسن رو انجام دادیم. کارت واکسن: کارتم رو از انستیتو پاستور تهران گرفتم. قبل از رفتن تمام واکسن ها رو در شهرستان تزریق کرده بودم هپاتیت رو 2 مرحله زده بودم و به مرحله سومش یک ماه و نیم مانده بود که از هلال احمر پرسیدم گفتند همیشه زودتر تزریق کنم و من وهمسرم هر دو یک ماه و نیم زودتر دور سوم هپاتیت رو زدیم. واکسن mmr رو تلفنی از پاستور پرسیده بودم و گفته بودند برای من که 30 سالمه یکبار باید بزنم و ما هم رفتیم به مرکز بهداشت و رایگان mmr و dt رو تزریق کردیم دقیقا یک ماه مانده به وقت دکتر. همون روز رفتیم مننژیت رو هم در هلال احمر تزریق کردیم نفری 36000 تومان. هپاتیت هم نفری 7500 تومان داده بودیم. رفتیم تست انتی بادی هم دادیم که مال من مثبت ولی مال همسرم منفی در اومد با اینکه ایشون هم ابله مرغان گرفته بودند و جاش هم کاملا معلوم بود. نفری 16500 با دفترچه بیمه. خلاصه همه چی رو جمع کردیم رفتیم پاستور تهران و ساعت 10 دقیقه به 8 با مترو رسیدیم اونجا. خیلی خلوت بود و اولین نفر ساعت 8:05 دقیقه به محض اومدن دکتر رفتیم داخل. ایشون ما رو به اتاق دیگری فرستادند که برای کارت بین المللی 10000 تومان و ویزیت هم حدودا 3700 تومان دادیم و کارت رو گرفتیم. ضمنا انفلوانزا رو هم تزریق کرده بودیم درست یک ماه مانده به مصاحبه 13500 تومان. البته حتما پاسپورت رو باید موقع دریافت کارت واکسن بین المللی همراه داشته باشید. لیستی برای سفر تهیه کردم که چند صفحه بود. در یک صفحه لیست مدارک در صفحه بعد لیست داروهای لازم و در صفحه ای لیست وسایل شخصی رو نوشتم تا چیزی فراموشم نشه. هتل از اونجایی که بچه هم نداریم و میخواستیم با هزینه کمتر سفر آنکارا رو تموم کنیم deepshostel رو در نظر گرفتیم و زنگ زدیم قیمت پرسیدم گفتن 70 لیره

هر شب براي اتاق دابل، مشکل اين بود که اتاق ها حمام نداشتند و حمام مشترك بود که همسر بنده اعتراض کردند که نميشه، (ضمنا من اين هاستل رو رزرو نکرده بودم وگرنه حتما بايد کنسلسش کنيد اگه نظرتون عوض بشه)
خلاصه از سفرنامه يکي از دوستان با منطقه ulus در انکارا آشنا شدم و از اينترنت چند تا هتل پيدا کردم و از suna هتل قيمت کردم که 70 لير گفت البته با حمام داخل اتاق و صبحانه، و گفت اتاق خالي دارند و نيازي به رزرو نيست.
کار اخرمون هم تهيه دلار و ليره بود که طبق حساب و کتابها موند مقدارش رو تعيين کرده بوديم.
زياد سرتون رو به درد نيارم و ميرم به روز پرواز . ساعت 4:30 در فرودگاه بوديم و کارت پرواز رو گرفتيم و ارز هم چون ما امسال گرفته بوديم ديگه بهمون ندادند.

دقيقا سر ساعت 5:30 هوايما حرکت کرد بدون ذره اي تاخير، صبحانه رو داخل هوايما خورديم و حدودا دو ساعت و نيم بعد در استانبول بوديم. تا ما بيايم خروجي مون رو پيدا کنيم که از هر کي هم سوال ميکرديم کسي درست و حسابي راهنماييمون نميکرد زمان پرواز دوم فرا رسيد و سوار شديم و با 3 دقيقه تاخير پرواز کرديم به سمت انکارا، حدود 11:15 در انکارا از هوايما پياده شديم البته به وقت انکارا، حساب کرديم بينيم ايا ميشه همون روز برسيم و بريم به دنگر که گفتيم بريم اگه رسيديم که هيچ نرسيديم هم نهايتش اينه که جاي مطب رو ياد ميگيريم، لازم به ذکره که ما براي شنبه وقت داشتيم و جمعه رفتيم به سمت مطب.

در خروجي فرودگاه انکارا سمت راست پياده حرکت کرديم اول اتوبوس هاي havas (هاواش) بودند بعد تاکسي ها بعد هم اتوبوس ego که به 442 معروفه از هر کي بپرسين هم ميگن کجا واپسادن، سوار ego شديم و نرفي 5/5 لير داديم گفتيم ميخوايم بريم کولوپارک، و اون هم گفت بايد در کيزيلاي پياده بشيم و ماهم گفتيم بهمون بگه چون نميشناسيم، به محض پياده شدن از اتوبوس رفتيم خيابان مقابل و تاکسي به سمت لابرانوار دوزن (duzan) گرفتيم که 3 دقيقه اي رسيديم و 7 لير شد. با چمدان ها رفتيم مطب ديديم درش بسته است ولي يکي اونجا بود که گفت رفتن سيگار بکسن و تا 10 دقيقه ميان، همسر رفت پايين دنبالش و ديدم منشي رو آورده، منشي پرسيده بود وقت قبلي دارين که همسر هم گفته بود خانمم گرفته و اصلا ديگه از من نخواست، لازمه تاکيد کنم ما 12:15 رسيديم ولي بلافاصله منشي ما رو فرستاد طبقه 3 ازمايش و عکس از قفسه سينه شد 95 دلار که پرداخت کرديم اومديم پيش منشي که گفت بريد ساعت 5:30 براي معاينه بيايد و کارت واکسن و پاس هم همراهتون باشه، ضمنا همون اول از ما پاس ها و 2 تا عکس هم گرفت.

ساعت 5:30 که رسيديم به مطب، اول همسر و بعد من رفتم داخل، در ابتدا يك نگاه خيلي اجمالي به کارت واکسنم انداخت و هيچي نپرسيد، بعد رو ي تخت دراز کشيديم و صداي قلب و بعد هم پشت رو معاينه کرد و با انگشتش هم ضربه خيلي ارومي به دو طرف شکم و واسلام، حواسم بود که اگه بره سراغ واکسن بگم من ابله مرغان گرفتم که اصلا نرفت سراغ واکسن و به محض تموم شدن معاينه هم بهم گفت تمام يعني تمام شد، خوشحال شدم که واکسن نخوردم، بعد هم روي صندلي نشستم و چند تا سوال پرسيد فد و وزن که دقيقا با ذکر رقم اعشارش گفتم، چون شنيدم بودم اگه خودش اندازه بگيره پول بابتش ميگيره، بعد در مورد سيگار و بيماري خاص سوال کرد و همچنين پرسيد ايا در بدنم نشان يا علامت خاصي دارم که به همه جواب نه دادم، البته با من ترکي حرف ميزد، اومديم که هزينه رو پرداخت کنيم گفت 140 دلار دو نفر ولي کارتتون تموم نشده بريد طبقه پايين و دوباره خون بديد تا ثابت بشه راست ميگيد که ابله مرغان گرفتيد، ما هم با ناراحتي رفتيم خون داديم که من اونجا از خانمه پرسيدم ايا ازمايش من رو قبول نداريد که واضح گفت چون در پاستور روي برگه واکسن کلمه positive v رو نوشته بايد اينجا تست بديد، براي هر نفر 62/7 لير پرداخت کرديم و گفتند دوشنبه ساعت 3 بيايد و جواب رو بگيريد، که معلوم شد من نيازي به واکسن ندارم ولي براي همسر 70 دلار گرفتند و ابله مرغان رو زدند، بلافاصله هم جوارها رو داخل پاکت بهمون دادن که يك کپي با يك cd و نتيجه ازمايش ابله مرغان هم با منگنه به پاکت وصل شده بود که اونها مال خودمون بودند و cd رو بايد در اولين ورود به امريکا تحويل بديم.

هتل:

بعد از تمام شدن کارمون در روز اول در مطب که چمدان ها هم همراهمون بودند سوار اتوبوس شديم (چند قدم پائين تر از مطب دکتر) به ulus رفتيم، از ميدان هيکل (heykal) که رد شديد پر از هتل هست ما شروع کرديم به پرس و جو از هتل ها که شبي 90 لير گفتند، نهايتا وارد هتل تاج شدم و پرسيدم چقدر ميشه که گفت 90 لير گفتم 5 شب تا 7 شب قراره بمونيم و تخفيف بده که با 70 لير موافقت کرد، هتل 2 ستاره با صبحانه که صبحانه شامل چاي و تخم مرغ و سوسيس و کالباس و دو نوع زيتون و گوجه و خيار و دو نوع پنير و شکلات صبحانه و کره و مربا، ضمنا ما هر روز فلاکسمون رو همون جا پر ميکرديم با آب جوش و در اتاق چايي داشتيم، بيرون چايي خيلي گرونه مخصوصا اگه در يك جاي درست و حسابي بخورين مال ما يکبار شد 3/5 لير که واقعا گرونه.

روز مصاحبه ساعت 6:45 بيدار شديم و رفتيم به چايي خورديم و من هم از استرس هيچي نخوردم فقط به لقمه درست کردم و گذاشتم در کيفم و با اتوبوس به سمت سفارت راهي شديم که روز قبلش محلش رو شناسايي کرده بوديم، اتوبوس درست در چند قدمي خيابان سفارت نگه ميداره، چند قدم پياده رفتيم و يك در بزرگ ديديم که طبق گفته دوستان ميدونستم اون در نيست و با کمي جلوتر رفتن تقريبا يك پيچي هست که تا ميپيچد ميبيند بله مردم صف واپسادن، خودمون رو رسونديم اونجا و در سف سمت راست ايستاديم که مال اقامتي ها بود و سف سمت چپ مال توريستي ها، قبل از ما يك افسر خانم پاسها رو جمع کرده بود و به عده رو داخل فرستاده بود، البته ما 8:30 دم در سفارت رسيديم، هر چند دقيقه افسره ميويد و ويزاهاي توريستي که همگي ترك بودند رو ميفرستاد داخل حدودا ساعت 9 پاسهاي ما رو جمع کرد و بعد از 5 دقيقه با خوندن اسمها ما رو به داخل هدايت کرد، در کيفم موبایل داشتم که گرفتن و بهم يك شماره دادن، در حياط که جلوتر ميرفتيم يك اتاق چسبيده به سالن مصاحبه بود که با هر بار شدن در يك نفر ميرفت داخل و يك خانم ارزش مدارک اصلي رو ميگرفت، از ما شناسنامه ها و پاس ها و اخيرين مدرک و 2 تا عکس و سند ازدواج رو گرفت و داخل پاکن بزرگي گذاشت و پرسيد فارسي يا انگليسي و ما فارسي رو انتخاب کرديم، رفتيم داخل سالن ديديم پره، به زور دو تا صندلي گير آورديم و نشستيم، تا ساعت 11:30 از شماره ما خبري نبود تا اينکه اولين بار در ظاهر شد و رفتيم براي انگشت نگاري، لازمه بگم حتما به تلوزيوني که اونجا هست دقت داشته باشيد چون مثلا انگشت نگاري رو به صورت يك فيلم نشون ميده، بعد از چند لحظه دوباره شماره اعلام شد و 660 دلار رو پرداخت کرديم و اومديم نشستيم تا اينکه بار سوم شماره ظاهر شد و رفتيم براي مصاحبه، اول قسم که من يك اشتباه در فرمها داشتم و گفتم داد اصلاح کردن بعد گفت سوگند ميخوريد هرچي که نوشتي و الان ميخواهيد بگيد همگي واقعيته و ما گفتيم بله.

سوالها عبارت بودن از:

تا حالا امريکا رفتين؟ خير

شاغل هستين؟ بله کجا؟....

شغلتون چي بود؟.... من تدریس هم داشتم در دانشگاه.

دقيقا بگو چي تدریس کردي؟.....

همه رو نام ببر؟.....

تخصصتون چيه؟.....

قبلا هم کار کرديد؟ بله

کجا؟ شغلتون چي بوده؟.....

در امريکا ميخواهيد با مدرک مهندسي برق کار کنيد؟ خير ميخواوم پرستار بشم.

چه خوب.

از همسر هم خيلي مختصر:

شغلتون چيه؟..... (خصوصيه)

سربازي کجا بودين و چيکار ميکردين؟

امريکا ميخواين چيکار کنين؟

کجا ميرين؟ پيش فاميلمون

و نهايتا گفت مدارک شما کامله و فقط يك سري کارهاي ادارتيون مونده بعد از 4 هفته سايتمون رو چک کنين و هر وقت شمارتون اعلام شد يکيتون

میتونه بیاد و پاسها و این برگه ابی رو بپاره و ویزا ها رو بگیره. چند نکته مهم: آخرین مدرک من فوق لیسانس بود و چون وام داشتم اصل مدرکم رو نداشتم و فقط گواهی موقت رو داشتم که همون رو دادم ترجمه که مهر مترجم نزدند و فقط مهر دارالترجمه زدند و من برای محکم کاری ریزنماتم رو هم دادم ترجمه البته با مهر مترجم رسمی که اصلا در حین مصاحبه صحبتی از مدرکم نکرد و حتی اصل ریزنمره رو هم نخواست.

من اسپانسر نداشتم و دو تا گواهی بانکی به فاصله 4 روز از هم از بانک پاسارگار داشتیم یکی به مبلغ 27000 دلار و یکی به مبلغ 22000 دلار که میترسیدم بگه چرا با فاصله اینها رو از بانک گرفتین که حتی یک کلمه هم راجع بهش چیزی نپرسید. ضمنا یک سند آپارتمان هم ترجمه کرده بودیم و فرستاده بودیم که من کلا موقع دادن اصل مدارک وقتی ازم مدارک مالی خواست گفتم قبلا فرستادیم و یادم رفت اصل سند رو بدم که باز از من افسر اصل سند رو نخواست.

دوستانی که به فکر این هستن چي ببوشن دقت کنن اصلا مهم نیست. همهی جور ادمی بود. خود افسرها که مال ما هر سه شون خانم بودن اصلا رسمی نبوشیده بودن. یکیشون یک پیراهن استین حلقه ای با یقه گرد باز و یکیشون هم یک بلوز خیلی معمولی و اون یکی هم یک تاپ با یک بلوز استین بلند نخي پوشیده بود. مراجعه کننده ها هم خانمها از تاپ و شلوار گرفته تا پیراهن تابستانی و کوتاه از بالایی زانو(نه دیگه کوتاهتر) و اقایون هم از کت و شلوار و کراوات گرفته تا اسپورت (تیشرت با شلوار لی یا کتان) بودن که کت و شلوار واقعا خیلی کم بود مخصوصا تو این گرما. ضمنا حسابی خرید کردم از نوع ارزونش ولی دیگه انگشتم بی حس شد. دوباره براتون مینویسم. تقدیمی ناقابل در مقابل محبت دوستان همسفرم.

ضمنا ما برگشت رو هم زمینی اومدیم اگه سوالی بود در خدمتم. همچنین بعد از رسیدن ایمیل اومد که رزومه هم میخوان و به نصف روزی هم برای اون وقت گذاشتم و فرستادم.

ارسالها: 109
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 3
تشکر: 100
943 بار تشکر شده در 104 پست

 ETnakhausetelefonien
عضو فعال
☆☆☆☆

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام
آخرین سفرنامه من دوستان. به نظرم از این به بعد بریم به ۲۰۱۲ی ها کمک کنیم. خودمون دیگه فقط باید به تاپیک های کلیرنس و تجربه سفر به امریکا سر بزیم. ایشاله هر روز خبری خوبی از تاپیک کلیرنس بشنویم.
حمل و نقل فرودگاه:
۱- ترانسفر با هماهنگی عباس لیدر یا سایر لیدرها که باید از تهران هماهنگ بشه حدودا نفری ۲۰ تا ۳۰ لیر
۲- استفاده از تاکسی که تا کیزیلاي ۷۰ لیر میشه جلوی در ترمینال سوار میکنن
۳- اتوبوس havas که جلوی ترمینال سوار می کنه و تا ترمینال خودش که نزدیک کیزیلاي هستش میره. قیمتش نفری ۱۰ لیره. از اونجا باید به تاکسی بگیرد و بین ۱۲ تا ۱۵ لیر بدید برید هتلهای اطراف کیزیلاي.
۴ اتوبوس ego که از در ترمینال اومدید بیرون ۲۰۰ متر پیاده روی داره قیمتش هم نفری ۰.۵ لیره و تا خود کیزیلاي میره. فقط جابجایی بار باهاش به کمی سخت تر از هاواش ه.
حمل و نقل شهری :
کیزیلاي محل تقاطع دو خط مترو آنکاراس که خط قرمز اسمش metro و خط سبز اسمش hankaray. بلیط دو سفره رفت و برگشت نفری ۲.۵ لیره. البته بلیطهای ۵ و ۱۰ سفره هم داره که خیلی ارزونتر نمیفته. تا ۱۲ شب رو مطمینم کار می کنه.
برای رفتن به آنکامال خط قرمز روسوار شین و ایستگاه چهارم که اسمش aakkopru جلوی در آنکامال پیاده شین. کیزیلاي اولین ایستگاه خط قرمز و مشکلی تو جهت بندی پیدا نمی کنین.
برای رفتن به مقبره اتاتورک خط سبز رو سوار شین. از کیزیلاي خط سبز رو در دو جهت میشه سوار شد. در جهت asti سوار شین و ایستگاه سوم که اسمش standogan پیاده شین. از اونجا ۳۰۰ متر پیاده راه. جهت رو سوال کنین. سر راسته.
کرایه تاکسی آنکامال و مقبره اتاتورک از کیزیلاي حدود ۲۰ لیره.
کرایه اوت لت acityavr حدود ۴۰ تا ۵۰ لیره. پیشنهاد می کنم تا آنکامال رو با مترو برید بعد برای acityavr تاکسی بگیرید.
خرید:
مالهای معروف یکیش همون چهارراه کیزیلاي بنام kizilay avr
یکیش hankamall که از بقیه بزرگتره
یکیش هم acityavr که اوت لت و به کمی ارزونتر. فقط اگه خرید زیاد دارید برید اونجا چون کرایش ارزون بودنش رو بی ارزش می کنه.
خرید عادی هم که حوالی کیزیلاي تا دلتون بخواد هست.
خریدهایی کم مهم نیست اما اگه بالای ۱۰۰ لیر خرید می کنید رسید tax free رو حتما بخواید.
غذا:
غذاهای بین المللی مثل mcdonalds kfc burger king pizzahut هستند که بین نفری ۵ تا ۱۵ لیر میفتن.
رستورانهای ترک هم معروفان اینان
HD iskender
ATA iskender
ABBA PIKNIK
همشون ارزون و حالت فست فود دارن ولی غذاهای ترک رو می دن مثل لهمجون پیده و اسکندر قیمت هم حدود نفری ۵ تا ۱۵ لیر
رستوران معروف منقل هم نزدیک سفارته و همین غذاها رو میده فقط گرونتره و غذاش هم به کمی بیشتره.
یه چند تا رستوران دیگه هم هست که بیشتر کوفته می ده اما غذاهای ترکی دیگه هم داره.
Dede kofteh
Kefcheh
...
تو اسکندرها من HD iskender رو از بقیه بیشتر دوست داشتم.
دوهر هم همه جا هست. باز HD donner رو از بقیه بهتر و تر و تمیزتر دیدم. البته کلا خیلی بهم نزدیکن.
جاهای دیدنی:

سینمای انکمال خیلی خوبه. به سالن imax داره که عالیه. اکثر فیلماشم هم انگلیسی داره هم ترکی. فقط بگید "اورجینال" خود بلیط فروش میفهمه. قیمت بلیطها بین ۱۴ تا ۱۷ لیره. تو سالن imax بهترین جا صندلیهای 13z تا 16z و k13 تا k16ه. تو سالن های عادی صندلیهای 9z تا 12z چون کوچیکترن. K هم بد نیست. مقبره اتاتورک رو حتما برین قشنگه. فقط حتما قبل از ۹ صبح راه بیفتین. چون پیاده روی داره هم بیرونش برای رسیدن بهش هم توش کلا نزدیکه ۷۰۰ تا ۸۰۰ متر پیاده روی داره دیرتر برین گرم میشه. ۴.۵ هم تعطیله نمی تونین غروب برین. اب حتما همرا تون برین. همه چیش هم اونجا مجانیه Aqua park رو اگه وقت داشتین برین. اگه چند نفرین چون کرایه تاکسیش زیاده. ورودیش هم نفری ۲۷ لیره. قلعه رو توصیه نمی کنم باز اگه فرصت کردین برین. با ازروی سفری خوب برای همتون ارادتمند



ارسالها: 101
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 0
تشکر: 207
488 بار تشکر شده در 90 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

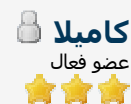
سلام دوستان

سفر ما به آنکارا چهارشنبه پیش تمام شد (13جون) و من در آنکارا دسترسی درست حسابی به اینترنت نداشتم و به همین علت سفرنامه مختصر بود. الان می تونم نکاتی رو اضافه کنم.

ماکلا 9 روز در آنکارا بودیم (طوری برنامه ریزی کرده بودیم که اگه یک ضرب بهمون بدن 3 روز کاری بعد مصاحبه آنکارا باشیم). ما چون خانوادگی رفته بودیم یک آپارتمان اجاره کردیم 130 لیر هر شب برای 5 نفر. آپارتمان 3 خوابه بود با 2 تا سرویس بهداشتی و موقعیت بسیار عالی چون تا سفارت 5 دقیقه پیاده بود و تا دکتر 10 دقیقه. ایرادی که داشت این بود که زیاد تمیز نبود! ولی من و همسرم که خیلی حساس نیستیم راحت کنار اومدیم ولی همسفرمون یکم اذیت شدن. در ضمن نکته مهمی که باعث شد این سفر برای ما نسبتا بدون استرس و راحت بگذره این بود که یکی از فامیلاهای همسرم ساکن آنکارا بود و همسر ترک داشت. اینه که ما وسیله نقلیه داشتیم و یک بلد شهر. دیگه مشکلی در این مورد نداشتم. فردای روزی که رسیدیم وقت دکتر داشتیم. صبح با آشنامون رفتیم دکتر. پاسپورتارو دادیم و منتظر موندیم. اول همسرم رو صدا زد و بعد 10 دقیقه منو. دکتر گفت برای معاینه آماده بشم و همینطور راجع به تحصیلاتم و سلامتم سوال می پرسید. تا اینکه با گوشی اومد و گفت متاسفانه نمی تونه هیچ آزمایش خونی رو از ایران قبول کنه (ما آزمایش آنتی بادی برده بودیم!) منم که با اعتماد به نفس (!) بهش گفته بودم ترکی صحبت می کنم فکر کردم می گه که ایرانی الکی بره آزمایشو پر می کنن بدون اینکه خون بگیرن (البته شایدم همینو گفت؟!!) منم جای آزمایش ایرانو نشون دادم وگفتم که اینطور نیست و ایشون گفتن که حالا چیکار کنیم آزمایش بگیریم یا نه؟! منم گفتم هر طور راحتین!! خیلی بهش برخورد و من دیدم که گل کاشتم و با کلی منت کشی معذرت خواستم!! ولی به هر حال ایشون آزمایش آنتی بادی رو گرفت که خوشبختانه مثبت شد. ولی هیچ واکسنی نخوردم. جالبه که از همسرم که همین شرایطو داشت آزمایش آنتی بادی نگرفت فقط به واکسن نوبت دوم کزاز زد. به هر حال از من به شما نصیحت که ایران تست آنتی بادی ندین یا اینکه با دکتر کل کل نکنین!!

بقیه مراحل به خیر گذشت (خونگیری و اشعه ایکس) و گفت که فردا بیاین برای جواب. همسرم رفت (چون بنده مشغول خرید بودم!!) البته پاسپورت منو برده بود و گزارش منو بهش دادن ولی از خودش دوباره عکس قفسه سینه گرفتن و روز بعدش مجبور شد دوباره بره جوابشو بگیره.

ادامه دارد (بیخشید چون الان باید برم)...



ارسالها: 246
تاریخ عضویت: Dec 2011
رتبه: 1
تشکر: 2813
1431 بار تشکر شده در 234 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

و اما باقیمانده سفرنامه
همونطور که گفتم ما اصلا برای برگشت بلیط نگرفته بودیم و تصمیم داشتیم زمینی برگردیم. از شهرستان قیمت کرده بودم بلیط اتوبوس برای آنکارا رو 80000 تومان گفته بودند .
من شب قبل از مصاحبه تقریبا تمام بارهام رو جمع و جور کردم تا اگه برگه ابي گرفتم هتل رو به موقع بتونم تحویل بدم. همون شب هم از رسیشن پرسیدیم و گفت تا 12 باید اتاق رو خالی کنید و ما هم تا 2 ازشون مهلت گرفتیم.
مصاحبه ما روز سه شنبه حدود ساعت 12:30 نمود شد و از قبل که محل تهیه بلیط رو یاد گرفته بودیم بدو رفتیم تا برای همون روز بلیط رو بخریم .
ادرس دفتر: از کوچه سفارت که وارد خیابان اصلی میشید از سمت راست به طرف پائین پیاده بیاید يك تابلوي بزرگ که با فارسي نوشته دلارا همونجا از پله ها برید پایین.

به ما گفت بلیط انکارا ندارند و پر شده. البته این دفتر مال اتوبوس های مترو هست. کارتش رو دارم خواستین شمارش رو میدم. و یک آقای ایرانی اونجا مسئول بود و گفت دانشجویها یک ماشین درستی گرفتن که الان داره از استانبول خالی میاد تا انکارا بچه ها رو سوار کنه و گفت آگه جا بود ساعت 5 حرکت میکنه و از شانس ما جا هم بود در اولین ردیف و خلاصه گفتن ساعت 4 جلوی zihilhan باشید. اقا ما چنان با عجله البته با اتوبوس به هتل خودمون در ulus برگشتیم و ساعت یه ربع به 2 اتاق رو هم خالی کردیم و در لابی کمی نشستیم و نهایتا اومدیم پیش رسیشن و قیمت تاکسی پرسیدیم گفت نهایتا 12 یا 13 لیر میشه تا اوزایلهان. ما هم به تاکسی 13/5 لیر دادیم و خودمون رو به اتوبوس رسوندیم. هر نفر 140 لیر پول اتوبوس شد که من اولش فکر کردم زیاد گرفته ولی از دانشجویها که مرتب رفت و آمد دارن پرسیدم گفتن نرخ همینه.

ما ساعت 5:15 از انکارا به وقت ترکیه حرکت کردیم و فرداش حدودا ساعت 1 ظهر به مرز بازرگان رسیدیم. در مرز حدود 3 ساعت معطل شدیم چون راننده در ماشینش بار غیر مجاز داشت.

بعد هم در بازرگان در شهریار چلو بخاری خوردیم که واقعا بعد از غذاهای ترکیه خیلی چسبید. دو نفر با 2 دوغ 17000 تومان. (جاتون خالی) ما هم که پیشمون مدارک سفارت و برگه ابی بود ترس سه راهی خوبی وجودم رو فرا گرفت. به اونجا که رسیدیم راننده همه پاس ها رو جمع کرد و به مامور اطلاعات داد. بعد از مدتی چند نفر رو پیاده کردن که از بعضی ها فقط سوال و جواب پرسیدن و چمدان بعضی ها رو دوباره باز کردن. خلاصه همون طور که دوستان هم توصیه کردن آگه در باستون ویزا باشه حتما هوایی برگردین.

ما در راه برای هر نفر بازا یکبار دستشویی رفتن 1 لیر پرداخت میکردیم. و همچنین از خونه با خودمون کنسرو مرغ برده بودیم که برای شام خوردیم فقط سه بسته کوچک نان گرفتیم در راه که 1.5 لیر شد. یکبار هم موقع صبحانه فلاکسمون رو پر کردیم با آب جوش و 2 لیر دادیم در حالیکه هر عدد چای 1 لیر بود و با خودمون قند و چای کیسه ای داشتیم.

بالاخره ساعت 10 شب به تبریز رسیدیم و از اونجا هم اتوبوس به سمت تهران رفت. (اتوبوس مال انکارا-تهران بود). داخل اتوبوس هم آب معدنی از اون کوچولوها به اندازه کافی بود و تا تبریز اقا بز و برقص بود. (جاتون خالی) (ما که نه دانشجویهای ترکیه)

دوستان من مدارکم رو در 4 پوشه آماده کرده بودم

1- پوشه حاوی مدارک دکتر (شامل کارت واکسنها و نامه دوم و تست انتی بادی و پرینت وقت دکتر، عکس 2 عدد)

2- پوشه حاوی مدارک سفارت (شامل شناسنامه ها-کارت ملی ها که اصلا نخواستند-کارت پایان خدمت که نخواستند- سند ازدواج - آخرین مدرک- سند منزل و کپی گواهی های بانکی که قبلا اصلشون رو فرستاده بودم - در انکارا هم پاکت میدیال رو هم داخلش گذاشتم-عکس 2 عدد)

3- پوشه حاوی مدارک اصل اضافی که هرچی مدرک داشتیم گذاشتم.

4- پوشه حاوی کپی ها که دو قسمت بود کپی از تمام ترجمه ها و کپی از تمام مدارکی که داشتیم.

ضمنا دوستان توجه کنند که در اخر مصاحبه افسر هر مدرکی که اضافی باشه پس میده و ما با اینکه 2 سری ترجمه و دو سری کپی سند ازدواج رو فرستاده بودیم هیچی پس نداد یعنی اینکه سند ازدواج 2 سری نیازه.

همچنین عکسهایی که پست کرده بودیم با عکسهایی که با خود برده بودیم یکی بودن که عکسها مون رو هم پس داد. خرید

من از اونجایی که اهل وسایل مارکدار نیستم به انکامل نرفتم. یه پاساژی نزدیک کولو پارک بود به نام karum که یکشنبه ها از 12 باز میکنه هم وسایل مارکدار داشت و هم بعضی اجناس که قیمتش خوب بود.

ما از ulus بیشتر خرید کردیم کهخ بعدا دیدیم خود مردم انکارا هم برای اینکه ارزون بگیرن میرن اونجا. ضمنا ما به پارک جوانان genclik park (گنچلیک پارک) هم رفتیم که نزدیک ulus بود و پای پیاده رفتیم که رقص نور و آتش بازی داشتن اون شب. یه بستنی قیفی هم 2 لیر شد. همونجا هم لونا پارک هست که باید ورودی بدید.

ما از اونجا دو شب مرغ درسته کنتاکی خریدیم و بردیم در هتل خوردیم 8.5 لیر که آگه داخل رستوران میخوردیم 15 لیر میشد. البته بلغور هم داشت که ترکها مثل برنج میخورنش.

ما با توجه به فستیوال خرید هم در پارک کولو و هم در میدان هیکل اولوس شاهد کنسرت های خیابانی بودیم که خیلی خوش گذشت. ضمنا برنامه فستیوال در روزنامه هاشون چاپ میشه. میتونید بخونید و هر کدام رو دوست داشتن برین.

ضمنا روزی که مصاحبه ما بود یک زوج دیگه هم برگه ابی گرفتن و فقط یک زوج قبل از ما حدود ساعت 11 کارشون تموم شد و رفتن ups که فکر کنم جناب کهکشان بودن که پیش هم نشسته بودیم.

بچه ها دفتر ups فقط یک میز در گوشه سمت راست سالن هست که بالاش تابلو زده ups. خوش به حال کسانی که رفتن اونجا.

تمام چیزهایی که به ذهنم میرسید رو نوشتم.

موفق باشید و دعا کنین تا زودتر کلیر بشیم.

ارسالها: 32

تاریخ عضویت: Aug 2011

رتبه: 0

تشکر: 22

205 بار تشکر شده در 30 پست

 **Mostafa Kianoush**

عضو



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در انکارا

سلام به همگی. سفرنامه رو با اجازتون روز به روز با پیشرفت کارم مینویسم. دیروز دوشنبه اومدم انکارا. با پرواز ساعت 5:30 ماهان. حدود یه ربع به هفت رسیدیم فرودگاه Esenboga و تا کارامون انجام شد حدود 7:20 اومدم دم در سمت راست سوار اتوبوس EGO 144 شدم. 5.5 لیر دادم و رفتم مستقیم مطب دکتر. مطب از این مسیر که گفتم ده دقیقه نرسیده به میدان کیزیلای سمت راست دقیقا کنار پارک کوكولو هست. البته برای من که بار اول بود کمی گیج شدم و به زحمت با راننده هماهنگ کردم و پیداش کردم. دممش گرم خوب همکاری کرد هر چند فقط از انگلیسی OK بلد بود. تا سوار شدیم و راه افتاد تقریبا 1.5 ساعت طول کشید تا برسیم. ترافیک اول مسیر شلوغ بود. حدودای 10 دیگه مطب بودم. مطب خیلی خیلی شلوغ بود. من که حتی نوبت هم نگرفته بودم با وسایلم رفتم مستقیم طبقه 4 پاس رو دادم و یه برگه گرفتم رفتم طبقه 5 واسه اسکن سینه و آزمایش خون. پاس و نامه مصاحبه رو با نامه منشی دادم به پذیرش و تو نوبت رفتم. حدود ساعت 11:30 نوبتم شد. 47 دلار دادم واسه این مرحله. بعد از پایان کار برگشتم طبقه 4 واسه واکسن. پاس و کارت واکس زرد پاستورو دادم باز رفتم تو نوبت. حدود 12:30 نوبتم شد و رفتم پیش خانم دکتر. سریع واکسنامو یادداشت کرد. هیچ بحثی باهاش نکردم mmm نوبت 2 و واریسلا زد. (mmm تهران نردم چون فرصت 30 روزه رو نداشتم) آبله مرعون هم گرفتم بهش هم گفتم ولی وقت تست آنتی بادی نداشتم ترسیدم به چهارشنبه که مصاحبه س نرسیم. درضمن قیمت تزریق و تست چندان فرقی نمیکنه. اینجا هم 200 دلار پیاده شدم که جمعا 250 دلار کارای مدیکالم خرج برداشت. گفت فردا ساعت 3 بیا واسه جواب. پیاده اومدم هتل اتپ بلوار (از مطب به سمت میدان کیزیلای حدود 20 دقیقه البته با سرعت لاکشستی من. سمت راست تو خیابون آکای. یه بازارچه کتاب روبروی هتله. هتل خوبییه. امکاناتش هم کافیه. گفتم

سینگل میخوام چند لیره؟ خواس به دلار بگه گفتم نه لیر؟ گفت 120 لیره گفتم تخفیف رو کاغذ نوشت 80 تا مشتریای تو لابی نشنون. به اتاق دبل دادن واسه خودم تنها. گفتم من پول اضافی و اینا ندارم بدم ها گفت اوکی مال خودت تنها پول به نفر هم بده. دو تخت تو اتاق هست به دبل با به تخت به نفره معمولی. سرویس تمیز و کابین دوش و تلویزیون کابلی lcd و تلفن و اینترنت و یخچال و همه چی دیگه) حالا به چیزی بگم بخندیم. انقدر خسته بودم گرفتم خوابیدم. به دقه بیدار شدم پرده رو کنار زدم دیدم گرگ و میشه گفتم غروبه نگاه به ساعت کردم دیدم 5:30 گفتم دیدی چی شد خواب مرگ رفتم نرسیدم برم جوابمو بگیرم. بدو با تاکسی رفتم مطب دیدم چهارفله س. همه جا هم تعطیله. پرنده پر نمیزد تو خیابون. تازه فهمیدم 5:30 صبحه. واقعا گیج بودم حدود 2 ساعت فرق صبح و عصر نفهمیدم. اینم از آثار خواب بعد از 3 روز بی خوابیه دیگه..... امروز ساعت 3 میرم واسه جواب مدیکال. ببینیم خدا چی میخواد از این به بعد.....



ارسالها: 71
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 2
تشکر: 1121
422 بار تشکر شده در 68 بست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همگی.

با چند روز تاخیر سفرنامه خودم را مینویسم و امیدوارم ادای دین کوچکی باشه به مهاجرسرا.
من برای 13 جون مصاحبه داشتم. حدود 20 روز قبلش از دکتر برای 11 جون وقت گرفتم. بلیط را برای 11 تا 14 جون از ایران ایر گرفتم 389 هزار تومان. کمی به عمد معطل کردم وگرنه ارزونتر هم میشد بلیط گرفت. برای هتل با شیدا تور تماس گرفتم که 40 دلار سینگل بیوک ارشان را قیمت داد. چون خیلی بد ارزش تعریف میکنند من دو روز مانده به پرواز از جزیره بهشت برای یک شب بیوک ارشان را رزرو کردم. آژانسهای دیگر 45 دلار و جزیره بهشت 42 دلار قیمت میداد که گفتم من 40 دلار قیمت دارم از شیدا تور و جزیره بهشت هم نهایتا همین قیمت برام رزرو کرد، گفتم آنجا یک هتل مناسب تر پیدا میکنم که راستش آنجا برنامه ام فشرده بود و وقت و حوصله اش هم نبود که نهایتا دو شب دیگر هم بیوک ارشان موندم.
از پرواز راضی بودم، بعد از خروج از فرودگاه در منتهی الیه سمت راست اتوبوس بلدیة EGO منتظر شماسات تا بات 5 لیر و 25 قروش (اونهایی که 5/5 دادند، 25 قروش ضرر کردند) در مدت حدود یک ساعت شما را به کیزیلا (ماه طلائی - قزل آی) برسونه. این اتوبوسها از 6 صبح کار میکنند و برای برگشت هم میتونید در همان ایستگاه کیزیلا که پیاده شدید ، سوار شده و به فرودگاه بروید.
بعد از پیاده شدن چون محل دقیق هتل را نمیدونستم و از طرفی عجله داشتم به مطب دکتر برسم تاکسی گرفتم، راننده 7 لیر و من 5 لیر را پیشنهاد

دادم که نهایتا ایشون پیروز شدند، بعد که سوار شدم تازه معلوم شد که اصلا راننده نمیدونه هتل کجاست، سر چی با من چونه میزد نمیدونم ، به کمک جی پی اس مسیر را پیدا کرد و متوجه شد که نزدیک تر از آن چیزی بوده که تصور میکرد و موقع پیاده شدن همون 5 لیر را از من گرفت!!! این برخورد کاملا برخلاف تصور من از راننده تاکسی ترک بود.
از هتل تا مطب دکتر در دوزن لب 7 Duzen Labartory لیر با تاکسی آب میخوره.
ابتدا به طبقه 4 میروید با نشان دادن پاس و دو عدد عکس به طبقه 5 راهنمایی میشوند . در این طبقه آزمایش خون و عکس سینه انجام میشود. مطب پر از ایرانی بود که مصاحبت با یک زن و شوهر ایرانی استاد دانشگاه و همچنین جناب شریعت که به همراه همسر و مادرشون آنجا بودند برای من غنیمت بود. نمیدونم بعد از تست خون قیافه من چی نشون میداد که آقای شریعت به زور پسته و نون قندی به من دادند و آقای استاد دانشگاه هم

مدام به من دلداری میدادند که طوری نیست 😊 😊
50 دلار که بدهید به علاوه یک لیر، پنج لیر به شما بر میگرددند که این هزینه تست خون و عکسبرداری است ، جالب اینکه پرستار حتی در بیشتر مواقع رگ هر دو دست شما را آس و لاش میکند چون حتی خون گرفتن را به خوبی بلد نیست ، یک کلمه انگلیسی نمیداند ولی 50 دلار اینکار هزینه دارد که واقعا باعث تاسف است.

بعد از طی این مراحل مجدد به طبقه 4 میروید و بعد از انتظار بسته به شلوغی یا خلوتی مطب ویزیت میشوید که 70 دلار به تنهایی هزینه دارد.
بر خلاف سفرنامه سالهای قبل، منشی دکتر رابطه بسیار خوبی با لیدر ها دارد و به همین دلیل کار این افراد زودتر انجام میشود، البته اگر مسن نیستید توصیه نمیکنم لیدر بگیرید و پول به این مفتخور ها بدهید.
ویزیت خانم دکتر همچون سوالات شب اول قیر با خشونت و تند انجام شد. سوال از قد، وزن، سن، سابقه جراحی، تاتو، علائم مشخصه روی بدن، سرطان، سیگاری بودن و.... و در این بین: آبله مرغان که همه را منفی جواب میدهد جز این یکی. من چون تست آنتی بادی هم داشتم هیچ واکنشی دریافت نکردم و مجموعا با 120 دلار ناقابل و حدود 6 ساعت معطلی کار مدیکالم تمام شد.
پس از انجام مدیکال اگر حوصله دارید بعد از خروج از آسانسور دکتر برخلاف جهتی که آمدید به پشت ساختمان رفته و از آنجا به خیابان تونالی بروید و از کافه ها و رستورانها و مغازه ها دیدن کنید چون تا فردا ساعت سه عصر کار دیگری ندارید.

البته با وجود فستیوال خرید که در آنکارا برقرار بود و تخفیف (ایندیریم) کذاپی، قیمتها بسیار گران است ولی خوب تماشایش خرجی ندارد 🏛️
من از یک دکه روزنامه فروشی تعدادی مجله نشنال جئوگرافیک قدیمی خریدم که خالی از لطف نبود.
با ورود مجدد به هتل و نگاه خریدارانه تازه متوجه شدم که اینجا مسافرخانه میدان راه آهن خودمونه نه هتل، ولی جایی که مردمش اصلا انگلیسی نمیدانند داشتن یک رسپشن فارسی بلد و همچنین جمع ایرانی ها که همواره مشغول تحلیل و گفتگو هستند غنیمته. تازه من هم که قرار نبود جز برای خواب به هتل بیام، پس برای تمدی اقامت برای دو شب دیگر سوال کردم که 45 دلار قیمت داد، مجدد دست به دامن شیدا تور شدم و همان 40 دلار را برای این مسافرخانه ایرانی نشین پرداختم، البته اینترنت و ایرلس هم به راه بود!!!

خیابانهای اطراف بیوک ارشان همگی یا پیاده راه هستند (سمت چپ به سمت خیابان مشروطیت) یا ماشین کمی از آن عبور میکند و پر است از بارها و رستورانهایی که از غروب به بعد محل تجمع جوانان ترک است که دست در دست هم یا به پیاده روی مشغولند یا در کافه ای نشسته اند و سیگاری در دست (تقریبا بدون استثنا) به گفتگو و مغالزه میپردازند 😊 همچنین نوازندگان دوره گرد را میتوان دید که در گوشه ای با هنر نمایی به امرار معاش مشغولند، در آخر شب، برخی جوانان ترک با موتورهای بزرگ شبیه هارلی داویدسون با کله های تراشیده و کت چرم و بازوهای خالکوبی شده هم فراوانند که بی توجه به موسیقی دوره گردها - بعضا کولی ها که مشخص است بیش از یک ماه حمام نکرده اند- سر و صدای موتور سیکلت را به راه می اندازند.

اما از همه بیشتر صدای قهقهه دختران و پسران را از کافه ها میشوید ، تصور من از آنکارا شهری مرده و بی روح بود ولی آنچه دیدم برخلاف تصور من کاملا شاداب و سرزنده بود. مردمان ترک با آنکه انگلیسی نمیدانستند بسیار در کمک کردن به شما و راهنماییها و ایجاد ارتباط تلاش میکردند. من فقط سه روز در آنکارا اقامت داشتم و این مدت نمیتواند نمای درستی از مردم یک شهر به دست بدهد ولی چون مدت زیادی به قدم زنی مشغول بودم و بارها سوار اتوبوس شدم برایم جالب بود که حتی یک مورد بحث و جدل لفظی یا دعوا ندیدم.
نمیگویم با یک شهر کاملا اروپایی طرفید ولی میگویم طی این چند سال اخیر بسیار از نظر فرهنگی و اجتماعی ترقی کرده اند.

یکی از کوچه پس کوچه ها بود. کلی زیر آفتاب راه رفتیم تا این مرکز تست را پیدا کردیم. تست را انجام دادیم آن هم با کلی آرتیست بازی. چرا؟ معلوم است بیمارستان پاسپورت ها را بیش خودش نگه داشته بود تا ما پس از انجام تست برای ادامه کارمان به بیمارستان برگردیم. حالا این مرکز فسقلی می گفت بدون پاسپورت که نمی توانیم تست انجام بدهیم. خدا خیرش بدهد یک خانم خیلی چاقی آنجا بود که آدم خیلی مهربان و خوبی بود به بیمارستان زنگ زد و تلفنی مشخصات پسر را از آنها پرسید و به خورده هم بهشان غر زد و تست را انجام داد و قرار شد نتیجه را تا جمعه 3 (روز بعد) بدهد. خودمان هم دوباره پس از تست به بیمارستان آمدیم و بقیه کارها را انجام دادیم. همه اینها از ساعت یک بعد از ظهر تا ساعت 5/5 عصر طول کشید. به هر حال از این به بعد بنظرم حتما دوستانی که برای معاینات به استانبول می آیند و بچه دارند از قبل در مورد تست سل هماهنگ کنند. چون ما الکی الکی مجبوریم کلی هزینه اضافی و اقامت اجباری داشته باشیم ولی خوب اگر مثبت نگاه کنیم هوای استانبول خوب و جشنواره خرید هم به راه و جیب ما هم!!!!

همگی موفق باشید سعی می کنم از آغاز حرکت تا به حال را بیشتر برایتان شرح بدهم. خیلی اتفاقات با حالی برایمان افتاده.... تا بعد.



ارسالها: 101
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 0
تشکر: 207
488 بار تشکر شده در 90 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلامی دوباره

مصاحبه:

ما ساعت 8:30 مصاحبه داشتیم. (البته وقت همه 8:30 یا 9 بود)
ساعت 8:35 رسیدیم دم در سفارت و پاسپورتارو دادیم و اشتباهی که کردیم این بود که موقع تحویل پاسپورت نگفتم که ما کیس لاتاری داریم. اون مامور نامردی نکرد و اسم من و همسر رو جزو 5 خانواده آخر صدا زد. وقتی رفتیم پرسید که برای ویزای توریستی اومدین دیگه؟! منم گفتم نه بابا ما لاتاری بودیم. ایشونم فرمودن که من باید موقع تحویل دادن می گفتم و از ما خواست باز صبر کنیم!! تا اینکه آخرین نفر صدامون زد!! رفتیم مدارکو تحویل دادیم و زبان انگلیسی رو انتخاب کردیم برای مصاحبه (چون بعضی از دوستان اینجا گفته بودن که کسانی که مصاحبه انگلیسی دارن ممکنه زودتر از بقیه نوبتشون بشه و اتفاقا ما رو خیلی زود برای انگشت نگاری و پرداخت پول خواستن! ولی چشمتون روز بد نبینه بعد ما فکر کنم 1 نفر مونده بود برای مصاحبه!!
مصاحبه کوتاه بود و ما همون اول برگه آبی رو بغل دست آفیسر دیدیم!
قبلا شرح مصاحبه رو براتون نوشتم.

الانم که فرم 9 سوالی رو پر کردیم و فرستادیم و منتظریم بعد یک ماه اسممونو تو سایت چک کنیم.

اگر سوالی بود در خدمتم.



ارسالها: 55
تاریخ عضویت: Sep 2011
رتبه: 0
تشکر: 103
274 بار تشکر شده در 54 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

خوب نوبت من شد، تنها راه تشکر از مهاجرسرا به نظر من نوشتن سفرنامه هستش، بقیه سفرنامه ها که به من خیلی کمک کرد. همان زمان که تاریخ مصاحبه مشخص شد رفتیم بلیط ترکیش خریدیم، تهران-استانبول-آنکارا-تهران که حدودا نفری 460 هزار تومن شد، برای دختر 21 ماهه هم 68 هزار تومن. اول بگم که ترجمه کلیه مدارک بدون مهر دادگستری، کارت واکسن از هلال احمر اصفهان بدون مهر پاستورتهران، پرینت 12 ماهه بانک به مبلغ 50 میلیون تومن انجام داده بودیم، چون از دکتر آنکارا و اتفاقاتی که ممکن است برای دخترمان رخ دهد نگران بودیم ترجیحا تلفنی نوبت از بیمارستان آمریکایی استانبول گرفتیم، هم خیالمان راحت باشه، هم یک تفریحی کرده باشیم. پرواز ساعت 5:30 بود و ما 2:30 فرودگاه بودیم که با انبوهی از آدم با صفهای طولانی مواجه شدیم، خلاصه اینکه خسته و کوفته با یک بچه کوچیک به زور بعد 3 ساعت پای هواپیما بودیم، کالسکه کمک خیلی زیادی هم اینجا هم در کل مسافرت کرد. هتل استانبول فرونیا شبی 125 دلار و هتل آنکارا، بست هتل شبی 110 دلار خودمون تلفنی و ایمیلی رزرو کرده بودیم، همه بهمون گفته بودن با بچه کمتر از 4 ستاره نرید. خلاصه رسیدیم هتل استانبول توی میدون تقسیم، وسایل رو گذاشتیم داخل اتاق، هتل تمیز با پرسنل بسیار خوبی بود. ساعت 13 نوبت بیمارستان داشتیم، بیمارستان نبود بگو هتل! خوشحال رفتیم قسمت مربوطه کارت واکسیناسونهای خودمون و ترجمه کوچولو را دادیم، قد، وزن، فشار، خون از ما و قد و وزن از دخترمون، بعد رفتیم پیش دکتر، معاینه کرد و چند پرسش، برگه واکسن هم کامل قبول کرد و چیزی نزد اما قسمت تراژدی کار.....

گفت بچه 4 تا واکسن می خواهد!!! ما تو ایران نداریم، فکرش رو بکنید! با یکیش 2 روز تب داشتیم! حالا 4 تا! خود دکتر تا قیافه های ما رو دید، گفت استانداردهای آمریکا میگه نیاز است، در ضمن همون واکسن های خودتونم خیلی ها صورتی مهر میکنند!! یعنی آگه حرف بزنی از خودتونم میره را هوا! خلاصه فرار شد 2 تا امروز و 2 تا دیگه رو فردا که جواب آماده می شه بزیم، آن بیمارستان قشنگ دیگه حالا تبدیل شده بود به زشتترین مکانی که رفت بودیم، بگذریم 300 لیر برای هر نفر و 450 لیر برای بچه گرفتن، و به خاطر ترس از تب کردن بچه 3 شب بدی را گذروندیم خدارو شکر تب نکرد اما خیلی به ما سخت گذشت. پرواز آنکارا خوب بود هتل هم با پرسنل مودب و مسلط به انگلیسی همه جوهره کمک میکردند. صبح فردا رفتیم سفارت، شلوغ بود اما به سرعت کار میکردند. تحویل اصل مدارک، انگشت نگاری، تحویل 990 دلار و اینجا بود که پرونده خودمون و برگه آبی وسطش رو دیدم! مصاحبه سریع با این سوالات: علت معافی؟ علت عدم انجام طرح دانشگاه؟ و از خانمم در مورد زمینه تحقیقات دانشگاهی اش پرسید و بعد گفت نیاز به یک سری مراحل اداری دارد 2 ماهه دیگه سایت و چک کنید. حالا هم داریم تو آنکارا میگردیم. آگه سوالی بود در خدمتم.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام خدمت دوستان گل مهاجر سرایی، همونطور که تو پست قبلی گفتم ما امروز 20 جون مصاحبه داشتیم البته پرواز ما 18 جون ساعت 5 صبح با ایران ایر بود که تاخیر نداشت و دقیقاً سر ساعت پرواز کردا ساعت 2 رفتیم فرودگاه که توی فرودگاه یکی از دوستان خوبم خیلی به ما کمک کرد و کلی انرژی مثبت داد ساعت 7 صبح به وقت آنکارا رسیدیم و 10:30 رفتیم پیش دکتر اونگان البته در ایران ما تمام واکسن هارو زده بودیم ولی هم من و هم خانمم هرکدوم 2 تا واکسن نوش جان کردیم که شد 440 \$ و با عکس ریه و آزمایش خون شد 535 \$ فرداش ساعت 15 رفتم و نتایج رو از منشی دکتر گرفتم لازم بگم منشی دکتر انگلیسی زیاد بلد نیست که البته این موضوع تو ترکیه به امر عادیه ولی و در حدی که کار خودش رو راه بندازه حالا چه با اشاره و یا چند تا لغت با مراجعین ارتباط برقرار می کنه. روز چهارشنبه ساعت 8:30 ما مصاحبه داشتیم. واز ساعت 7:15 ما دم در سفارت بودیم نفر 8 یا 9 که بعد از تحویل پاسپورت به نگهبان ، خواندن اسامی و بازدید بدنی وارد حیاط معروف شدیم. به خانمی اونجا نشستیم و مدارکتون رو ازتون میگیره و یک شماره بهتون میده بهتره اونجا مدارک زیادی بهش ندید چون وقتی وارد میشین اولین مرحله تکمیل مدارک و اونجا راحت تر و بادقت بیشتری این کار انجام میشه. بعد از گرفتن شماره باید از در معروف تقی عبور کنید و از اینجا انتظار شروع میشه شاید اول کمی تو سالن استرس داشته باشید ولی برخورد کارکنان و آشنایی با جو اونجا باعث میشه به کل استرس از یاد بره. یه نکته دیگه اگر می توانید مدارک اصلی تون رو طبقه بندی کنید مثل شناسنامه، کارت ملی ، آخرین مدرک تحصیلی، دیپلم و مدارک مالی که تمام اینها مربوط به فرد برنده می باشد البته مدرک تحصیلی منم خواست و فقط یه نگاه به اون کرد و مدارک خانمم که برنده اصلی بود رو ازمون گرفت. و دوباره انتظار تا شمارمون رو تابلو دیجیتالی وسط سالن افتاد برای باجه 7 که انگشت نگاری بود. سپس اسامون رو صدازد (البته با لهجه ترکی) برای پرداخت پول که برای 2 نفر شد 660 \$ و بالاخره رسید به خان آخر و مصاحبه که ما فارسی انتخاب کرده بودیم. یه پسر 38 39 ساله آمریکائی و بسیار خوش اخلاق که موهاش کوتاه کوتاه بود با لبخند به ما خوش آمد گفت. خوش اومدید

به خانمم: کجا کار میگردید - خانه دار بودم

تو آمریکا کجا میخواهید برید؟- جواب ما

مرسی

و ازمن: شغلت رو برام توضیح بده؟ - توضیحات من (شغل کاملاً" خصوصی با 9 سال سابقه)

عنوان تحصیلی شما رو چجوری مینویسن؟ - من رو یه کاغذی که اون بهم داده بود به انگلیسی براش نوشتم و وقتی کاغذ بهش دادم یه نگاهی کرد و زد زیر خنده و گفت انگلیسیش رو میدونم فارسی بنویس که من به فارسی نوشتم دکتر دامپزشک هستم

و در باره اسپانسرمون پرسید که چه نسبتی باهاش داره- جواب من

و در نهایت با یه لبخند گفت مدارک شما کامله و از نظر من هیچ مشکلی ندارید یه قبض سفید رنگ داد و گفت برید یو پی اس آدرس بدید تا ویزاها تون رو بفرستیم.

چند تا نکته دوستان :

1- مدارک اضافی براشون نفرستید چون ما این کار رو کردیم و حدود 40 تا 50 صفحه مدرک اضافی به ما برگردوند که این باعث سر درگمی مسئول تنظیم اسناد (بادجه 12) بود 2- تمکین مالی خیلی براشون مهمه من چند تا سند خانه (2تا) و یه سند ماشین براشون ترجمه کرده بودم که هیچ کدومو نگاه نکرد فقط مدارک اسپانسرمون رو دید و ازمون پرسید که میرید پیش او و من گفتم نه. اسپانسر ما هم آخرین مالیات پرداختی خودش رو با نامه اشتغال به کار و موجودی بانکی فرم های ای 134 هم برای من هم برای همسرم و کپی پاسپورت پرآمون فرستاده بود. امید وارم شاهد ویزای یک ضرب تمامی دوستان باشم

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

آقا این آرمان جان چه پاقدمی داره!

ساعت 10:30 صبح بود که تا بهم پ خ داد که بیاد بشینیم با هم توی لابی گپ بزنینم، بیک UPS اومد.

یعنی یه بابای نتراشیده نخراشیده ای اومد و یک بسته پلاستیکی قرمز دستش بود. دیدم نه یونیفرمی نه کلاسی ... توی سایت چک کردم دیدم، ماشین 4 تا خیابون بالاتر هنوز. گفتم نه بابا این با ما نیست.

منظور اینکه "من و این همه خوشبختی محاله!!!"

شروع کرد با رسپشن حرف زدن و هی اسم روی بسته را می خونند و تازه من صد بار هم به یارو رسپشنی گفته بودم که منتظر بیکم. تقریباً داشت ردش می کرد که ما همپی کسای اینجا نداریم. فضولیم گل کرد و رفتم اسم خودم را گفتم و پرسیدم یوپی اس؟ گفت آره ولی برای تو چیزی نداریم. پر رو پر رو شرع کردم به خوندن روی بسته. دیدم اسم خانمم!

گفتم بیم با! 1 ساعته ما رو علاف کردی، قلمون اومده تو گلومون! اول باور نمی کرد. چون من خیلی بهش بی محلی کرده بودم. ولی بالاخره رسید را دادم و بسته را پاره کرد. خدا قسمت همه محبان حضرتش بکنه! چشممون افتاد به مدارک و پاکت زرد گوشه بریده و پاسها و ویزاها را چک کرد و داد و 5 لیر انعام دادیم و تشکر و

همین موقع بود که آرمان و یک خانواده ایرانی دیگه رسیدند و تبریک و

بعدهش سریع دویدم دفتر مرکزی ترکیش. روبروی سفارت از هتل ریکسوس یک کم به سمت مطب دکتر اونگان پلاک 211. نفسم گرفت. بلیط را برای امشب به تهران عوض کردم. حالا ببینید چه فیلمی سرمون در آوردند.

میگه کلاس بلیط به جوریه که شما باید حتما 3 روز توی ترکیه بمونی ولی حالا که داری میری صدو خورده ای لیر بابت اون، نمی دونم سی و چند تا بابت چی چی! و ... با ماست موسیر و نوشابه 197 لیر ازمون گرفت و بلیط را به امشب تغییر داد. اینو گفتم که در جریان باشید. سرتون را درد آوردم! با هتل هم تسویه کردم و الان آخرین جرعه های اینترنت هتل را دارم می نوشم و دیگه علافی تا ساعت 11 و پرواز به سوی وطن. خودمونیم دل تنگی هم عجب داغون می کنه! 😞 کی می خواهد بره ینگه دنیا! خدایا صبری بده. به امید موفقیت همه دوستان

shadin_n
عضو فعال
☆☆☆☆

ارسالها: 116
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 6540
530 بار تشکر شده در 99 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام من امروز مصاحبه داشتم زیاد سوال ازم نپرسید فقط گفت شما کارتو ن تو شرکتی گفتم نه من خودم خصوصی واسه خودم کار می کنم با سهمیه طراحی و نظارت، گفت این سهمیه یعنی چی من نمی فهمم منم گفتم یعنی مثلا سالی چندتا خونه با چقدر متر از می تونیم امض کنیم، بد دوباره گفت شرکتی دارین گفتم نه مثلا شما میخواین خونه بسازین میاین پیش من من براتون طراحی میکنم نظارت، بعدش گفت چه نوع ساختمونی می سازی اداری یا مسکونی، منم باز قضیه رو جدی نکردم گفتم همین خونه های معمولی... خلاصه گفت شما ویزاتون آمادهست فقط 2 تا مدرک و برامون بیارین همین فردا هم ویزا میگیرین اونم پرینت بانکیم که مال بانک ملت بودو گفت این جوری نیست باید سربرگش رنگی باشه و مهره برجسته بخوره ه که من چون شهرستان بودم متاسفانه اینجا خوب راهنماییم نکردند 😞 و دیگه اینکه برگه حضانت دخترمو گفت برید و یه برگ بیارین که باباش بنویسه من موافق اومدن دخترم به آمریکا هستم، دیگه هیچ مشکلی ندارین فردا هم بیارین مدارک آمادهست، حالا من می خوام بدونم که اگه مدارک هم آماده کردیم و آوردیم همون لحظه بهمون میگم که این مدارک درستیه؟ چه جوری مطمئن بشیم مثلا باز پرینت بانکی یا متن حضانت مشکلی نداره تا دوباره هی نریم این همه راهو بر نگردیم؟ من اسپنسر داشتم اما نشونشون نادم خانم گفت همین برگه حساب مالیتون مبلغش کافیه (50 ملیون واسه 2 نفر) فقط سربرگشو عوض کنین

ساری
عضو فعال
☆☆☆☆

ارسالها: 61
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 1
تشکر: 948
412 بار تشکر شده در 55 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همگی، خوبید؟ 😊 ببخشید دیر دارم می نویسم دوروبرم شلوغ بود نمیشد پیام هم اینکه خودمم یه ذره تبلیغ میومد دروغ نگم 🙏 دیگه از اون روز قسم خوردم هی دارم همی—نخور راست میگم 🙏🙏

منم هفته ی پیش مصاحبه داشتم و فردا صبحش ویزامو گرفتم. یعنی کمتر از 24 ساعت. همه ی مراحل بسیار بسیار بسیار و بار هم بسیااااااا راحت بود.

در مورد روز مصاحبه: من اولین نفر بودم. مراحل به جای 3 تا شده 4 تا! یه بار اولش صدا میزنن باجه 11 یا 12 که میپرسه چیزی تو فرم ها هست که بخوای عوض کنی، منم با اینکه چند جا رو قصد داشتم بگم عوض کنن اما نمیدونم چرا هول شدم و گفتم نه چیزی نیست 😊 بعدم که انگشت نگاری و بعد صندوق و آخر هم مصاحبه. من 8:30 رفتم داخل، 10:15 هم خارج شدم.

سوال خاصی ازم نپرسید فقط اینکه کجا میخوای بری؟ خرج زندگیتو کی میده؟ بقیه ی اعضای خونوادتون چیکار میکنن؟ و درسیت اینجا کی تموم میشه؟ و آخرش پرسید چرا گفتی که فامیلیت اشکال داره؟ منم گفتم اشکال نگارشیه! من دوست دارم با OU بنویسم اما پاسپورتم با 00 بودش که اطلاع دادم.

بعدم شروع به تایپ کردن کرد و یه مقوای مستطیلی کوچیک سفید رنگ برداشت نصفشو پاره کرد و بهم داد گفت برو یو پی اس. نکات:

- * من حساب بانکیم 16000 دلار بود!! 😊 اما سند یه ملک در شهرستان هم داشتم. (rip3 عزیز پیشنهاد خوبی دادن اینکه برم با همین پول حالا یه ذره بالا پایش کنم و یه حساب دیگه باز کنم و اون رو هم ببرم اما متاسفانه وقت نشد، اگه وقت دارین به این پیشنهاد خوب هم فکر کنین 😊)
- * ترجمه هام نصفیش مهر دادگستری داشت نصفیش نداشت.
- * کارت ملی رو اصلا نخواست و خودمم بهش گفتم، گفت نه نمیخوایم.
- * گواهی بانکی رو دوبار بهشون دادم یکی فرستاده بودم یکی هم اون روز دادم بهش، الانم تو اون پاکت زرد رو به زور از گوشش نگاه کردم خنگا دوتاشو گذاشتن 🙏
- * سفر هم به مکه داشتم اما چون فرم یک صفحه ای رو فرستاده بودم پس جایی ازش ننوشته بودم اما اونا هم که مطمئن میدونستن چیزی نپرسیدن راجیش.
- * مدارک اصل ترجمه ها رو فرستاده بودم با اون کپی که خود دارالترجمه پشتش میزنه.
- * کپی پاسپورت رو برابر اصل نکرده بودم ولی مثل پاسپورت کرده بودمش یعنی وسط منگنه زده بودم.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

آها به چیز دیگه، حالا هی تیکه تیکه حرف یادم میاد! ما برگشتمون برای 5 شنبه یعنی روز مصاحبه بود، بعد روز قبلش رفتیم گفتیم میخوایم 2شنبه رو زرو کنیم، ممکنه فردا نشه بریم، گفت باشه اما نفری 350 دلار جریمه داره! ما هم گفتیم جهنم و ضرر، کاری نمیشه کرد دیگه، زرو کن. گفت تا فردا ساعت 1 وقت دارین بیاین قطعیش کنین. منم فرداش که 10:15 کارم تموم شد سریع رفتیم اونجا و اون خانوم دیروزه نبود و به خانوم دیگه بودن، گفتیم دیرو زرو کردیم اینم برگش، گفتش نفری 185 دلار بدین!!!! ما هم خدا رو شکر کنان جریمه رو که کمتر شده بود رو دادیم و بلیط رو برای دوشنبه کردیم. آقا فرداش زد و صبح جمعه پاسپورتم اومد، (سایت یو پی اس رو چک که میکردم برای من رو هنوز وارد هم نکرده بودن!!) سریع دوباره رفتیم ترکیش گفتیم واسه امشب یا فردا شب عوضش کنین! این سری به خانوم دیگه بودن، و ابشون گفتن نفری 440 لیر بدین به روی چشم!!! ما هم همینجوری که دهنمون باز مونده بود از این همه تفاوت قیمت، بیخیال شدیم! چون ارزش نداشت، به سری جرمه بلیط و هزینه اضافی هتل رو داده بودیم 😞 دیگه این یکی رو کوتاه اومدیم و 4 روز بیکار بودیم تو اون شهر و آخراش فرصت ضد افسردگی میخوردیم!! 😊 در زمینه ی هواپیما پیشنهاد میدم با ایران ایر بگیرین که جریمش کمتره.

هر چی بود به خیر و خوشی گذشت و پرونده ی مقدمه ی این مهاجرت بسته شد، و تازه اصل ماجرا و سختیاش شروع شد 😊 توکل به خدا. راستی کسی که با من مصاحبه کرد اون خانومه جوونه بودن، بعد اون روز همه آبی گرفتن به جز من و به نفر دیگه. دیگه همین دیگه 😊

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام بالاخره نوبت ما هم شد امروز اومدیم آنکارا کارهای مدیکال انجام شد نمی دونم خانم دکتر امروز یکم عصبانی بود اولش من این کارت واکسن های پاستور رو قبول ندارم اگر نسخه اروچینال کارت واکسن رو داری بده که من کفتم ندارم فقط همین را دارم بعد گفت دلیل اینکه من این کارت را قبول ندارم اینکه برای همه که این کارت را دارن یک روز خاص را زده برای MMR اول و این نمی تونه درست باشه یعنی همه توی این روز این واکسن را زدن! این حرف را به یکی دیگه از بچه ها که با هم بودیم زده بود و اون دوستمون توضیح داده بود که اینگار بطور همزمان در یک محدوده زمانی انجام شده در یک روز نبوده و برای همین یک تاریخ را برای همه ذکر میکنن بهر حال نظر دکتر اینه و بحث کردن باهاش فایده نداره، هم به من و هم خانمم واکسن زده بعد نوبت کو چولو شد که هفت ماههست هست ازش آزمایش خون و عکس نگرفتن ولی دکتر معاینه کرد و یک واکسن تزریقی و یک واکسن خوراکی شاملش شده خلاصه اینکه برای دکتر 480 دلار و عکس و آزمایش خون 95 دلار دادیم در مجموع 575 دلار هزینه مدیکال شد. فردا یعنی جمعه ساعت 3 باید برای گرفتن جواب بریم مطب. یک موضوع که خوبه همه بهش توجه داشته باشن اینه که وقتی دکتر در مورد سوابق بیماری ها و عمل سوال میکنه سعی کنید همه چیز را بهش بگین من شاهد بودم یک خانمی وقتی ازش سوال شده بود گفته بود عملی نداشتم بعد دکتر عصبانی شد و گفت دماغت رو عمل کردی چرا نمی گی فکر کنم دلیل اینکه وقتی اومد منو معاینه کنه عصبانی بود همین بود به تاکید می گفت هر گونه سابقه عمل را باید بگی من خودم یکبار در کودکی به دلیل مشکل ریه چند روز بستری بودم که بهش گفت م عمل لیزیک چشم هم که قبلا انجام داده بودم هم کفتم و در پرونده یادداشت کرد.

مصاحبه ما روز دوشنبه هست به امید موفقیت برای همه دوستان برامون دعا کنید اگر هم سولی بود در خدمتیم

E: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

دوستان سلام

ما امروز صبح وارد آنکارا شدیم و تست های مدیکال رو هم انجام دادیم. چند نکته رو به نظرم بد نیست بدویند:

- اگر با ترکیش میاید یعنی باید حدود ساعت 2 نصف شب فرودگاه امام باشید و وقتی می رسید هم 6.30 صبح هست... اگر دنبال کارها برید تا ظهر طول می کشه... خلاصه اینکه حداقل یک روز کامل خواب ندارید. من شخصا 36 ساعت بیدار بودم!

- ما قرار بود از فرودگاه با تاکسی بریم هتل.. البته نهایتا با اتوبوس اگو رفتیم و خیلی هم راحت. فقط اینکه اتوبوس جاهای زیادی توقف داشت و نسبتا طول کشید و البته بجای 70 لیر نفری 5.25 لیر دادیم تا کیزیلای

- همونطور که دوست خوبم mojtaba_k هم اشاره کردن، خانم دکتر جدیدا به MMR گیر میده. من کلی باهاش صحبت کردم. به شدت از خانم دکتر

طاهر نژاد (پاستور تجربیش) شاکی بود. می گفت این تاریخی که برای همه می زنه تو سال 2003 الکیه و... من برایش توضیح دادم که دکتر پاستور دروغ نمیگه و این به طرح ملی واکسیناسیون بوده. بهش گفتم دکتر کار غیر حرفه ای نمی کنه و مثلاً خود من با وجود اینکه بهش گفته بودم آبله گرفته ام ولی گفته بود حتما باید تست آنتی بادی هم بدم که ترکیه قبول کنن... خلاصه از این حرفها... خانم دکتر اونگان گفت من هم نمی گم آدم بدیه میدونم با هدف کمک به افراد این کار رو می کنه ولی کارش درست نیست. خلاصه من سعی کردم تا حدودی این ذهنیت منفیش نسبت به پاستور و خانم دکتر طاهر نژاد رو کم کنم. اما بهر حال به MMR بیخودی هم به من و خانمم تزریق کرد ولی دخترم (45 روزه) هیچ واکسنی نخورد. البته به اون هم گیر داد و گفت که سری دوم هپاتیت رو چرا نزده؟ گفتم سر دو ماهگی می زنه. گفت ظاهراً برنامه واکسن شما در ایران متفاوت... OK مشکلی نیست. ما برای دکتر و واکسن 310 دلار دادیم (سه نفر) البته 95 دلار هم برای عکس و خون. راستی، تست آنتی بادی رو نه تنها قبول ندارن بلکه به شما اجازه نمیدن اصلاً نشون دکتربد!

- کالسه که برای بچه دارها خیلی کمک بزرگیه. البته باید سبک و تاشو باشه.

- من تا قبل از سوار شدن به هواپیما استرس داشتم.. ولی به محض رسیدن به فرودگاه اسن بوگا آرامش عجیبی بهم دست داد. به نظرم بیشترش بخاطر خوندن سفرنامه های دوستان قبلی بوده! و شاید هم خلوتی و آرامش فرودگاه موثر بود (برعکس فرودگاه امام که غلغله بود) البته من همیشه فکر می کردم که چون حافظه خوبی ندارم این جزئیات سفرنامه ها به دردم نمی خوره... ولی دقیقاً برعکس شد. از لحظه رسیدن به آنکارا تا همین حالا موارد زیادی بوده که سفرنامه ها و تجربیات دوستان قبلی کمک کرده... یه چیز جالب اینکه سوار اتوبوس که بودم تابلوی یه فروشگاه رو دیدم که برام آشنا بود: DeFacto بعد یادم اومد که بله این رو چند تا از بچه ها معرفی کرده بودن تو سفرنامه هاشون... و خیلی جالب بود که این جزئیات برام تداعی می شد...

اتفاقات و نکات روزهای بعد رو هم حتماً خواهم نوشت. الان ساعت 1:45 به وقت آنکارا 3:15 به وقت ایران... میرم که بخوابم

:Update

بخش دوم سفرنامه:

<http://mohajersara.com/thread-4682-post-...#pid186205>

ارسالها: 152
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 666
909 بار تشکر شده در 144 پست

 **majid89**
عضو فعال


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام

بخش اول سفرنامه من اینجا است: <http://mohajersara.com/thread-4682-post-...#pid184967>

و اما بخش دوم سفرنامه:

مصاحبه:

=====

ما دیروز صبح پیاده از هتل (سیاوا) رفتیم سفارت. اونجا برای ما که بچه داشتیم اولویت قائل شدن و زودتر رفتیم تو. جو سالن خیلی جالب بود و با اون ذهنیت خوفناکی که من داشتم متفاوت بود. آدمهای مختلف ایرانی و ترک، پیر و جوان و با تیپهای مختلف اونجا بودن... سالن شلوغ بود و یه جورایی همهمه بود. تنها مورد استرس زای سالن به نظرم روش اعلام شماره بود و دیگر هیچ. شما مجبورید با شنیدن صدای بوق مانتیور رو نگاه کنید و ببینید شماره شما اعلام شده یا نه.

مراحل کار یکی یکی انجام شد تا رسید به زمان مصاحبه. در این هنگام بود که دخترم که تا اون موقع آرام و ساکت بود زد زیر گریه و سفارت رو گذاشت رو سرش!

مصاحبه ما با یه خانم مو مشکلی بود که خیلی هم خوش برخورد و مهربون بود. اولش وقتی بی تابی بچه رو دید گفت اگر کالسه دارید بذارید توی کالسه... بعد از مراسم قسم خوردن سوالات زیر رو پرسید:

از خانمم:

شغل شما چیه؟ خانه دار

از من:

شغل شما چیه؟ مهندس نرم افزار

همیشه همین بوده: غیر از شرکت فعلی تو شرکتهای دیگه ای هم بوده ام

دقیقاً چیکار می کنید؟ برنامه نویسی

چه برنامه هایی می نویسید؟ حسابداری، انبارداری و..

از خانمم:

اونجا کجا می رید؟ من جواب دادم اونجا تو ایالت... یه فامیل داریم که البته نمی ریم اونجا... میریم حوالی سن فرانسیسکو و سیلیکون ولی که کار نرم افزار زیاده.

از من:

شما به چه دلیل معاف شدی؟ معافیت پزشکی، چشم. که البته بعدش عمل لیزیک کرده ام...

آفیسر کارت معافیم رو گرفت جلوم و پرسید میشه به من نشون بدی کجای کارت معافیت این رو نوشته؟ من گفتم علت معافی رو نمی نویسن و فقط

می نویسه به دلیل ماده .. بند ...
آفیسر گفت ترجمه کارت رو فرستادی؟ گفتم بله

در این هنگام رفت و از توی مدارک پیداش کرد و نگاهش کرد. بعد رفت سراغ کامپیوترش و مشغول تایپ شد (با شاید جستجو!) و به چند دقیقه ای مشغول بود. در تمام این مدت کوچولو داشت گریه می کرد و ما سعی داشتیم آرومش کنیم...

بعد دیدم رفت کارت موقوایی سفید رو برداشت و نصفش کرد و...
بعد دوباره میکروفن رو باز کرد (تو اون مدت که تایپ میکرد قطع بود) و گفت این اصل مدارک... پاسپورت ها می مونه پیش ما.
من با خوشحالی گفتم برگه سفید! اون هم با لیخند تایید کرد.

بعد رفتم باجه یو پی اس و به متصدی بد اخلاقش 51 لیر دادم و اون هم رسید داد. ازش پرسیدم چند رو زطول می کشه گفت 3 تا 5 روز.

تغییر بلیت هواپیما

=====

بعد برگشتیم هتل و من (به همراه یکی از دوستان که آبی گرفتن) رفتم دفتر ترکیش برای تغییر بلیت از دوشنبه (روز مصاحبه) به پنجشنبه.
گفتن که نفری 300 دلار باید اضافه بدیم! جالب اینجاست که کل بلیت های سه نفر ما حدود 350 دلار شده بود! من بعد از کمی پرس و سوال و حساب کتاب دیدم چاره ای نیست و گفتم باشه..

بعد از چند دقیقه طرف گفت قیمت در حال تغییره و الان برای دو نفر باید 840 دلار اضافه بدید!!!!
اینجا دیگه من از کوره در رفتم و کلی شاکی شدم و البته قبول نکردم...

بعد رفتم نمایندگی ماهان و به بلیت برا پنجشنبه رزرو کردم که البته نمی دونم تا اون موقع پاس ها به دستمون می رسه یا مجبوریم تا دوشنبه بمونیم.

توصیه من به دوستان اینه که حتی المقدور ترکیش نگیرن چون نه تنها پروازش تفاوت خاصی نمیکنه بلکه بدشون هم نمیداد توریستهای ایرانی که مجبورن و تو مملکتشون گیر افتادن رو سرکیسه کنن.
تصور کنین من بلیتهای رفت و برگشت برای دو نفر و به بچه رو حدود 770 تومن گرفتم و حالا برای تغییر تاریخ مجبور بودم 1,600 جریمه بدم! که خیلی احمقانه به نظر می رسه!

خرید در آنکارا

=====

اگر به آنکامال رفتید حتما طبقه زیر همکف رو بريد. اونجا دو تا مغازه خوب و با قیمت های مناسب هست:

:DeFacto

این فروشگاه خیلی بزرگه و شاید به اندازه یه پاساژ جنس توش باشه. زنانه و مردانه و با کیفیت خوب. همین لباسها رو توی تهران حداقل به سه برابر قیمت به شما میدن.

:LC WAIKIKI

این فروشگاه لباس بچه داره از نوزادی تا 12-13 ساله که کیفیت و قیمت مناسبی دارن

ما یه روز کامل با بچه تو آنکامال بودیم و بیشترش رو توی همین دو مغازه سیری کردیم.

برای ناهار رفتیم اج دی اسکندر. این غذا با روغن داغ سرو میشه که شما می تونین موقعی که گارسون مربوطه میاد کنار میزتون تا روغن بریزه بگین نریزه.. چون خود کبابها به اندازه کافی چرب هستن. البته قبل از روغن یه جور سس گوجه میززن روش که اون خوبه و خوشمزه اش می کنه.
بخاطر همین روغن یکبار غذاي ما رو عوض کردن... چون من گفتم روغن نمی خواستم..

با آرزوی موفقیت و ویزای یکضرب (یا دوضرب) برای همه دوستان مهاجرسرایي
مجید

ارسالها: 755

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 10

تشکر: 20248

5478 بار تشکر شده در 665 پست

 SH1A2R3


شایرا



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا



میبینم که جای شایراتون اینجا خالیه
راستشو بگین دلتون برام تنگ نشده؟

میرسیم به **قسمت دوم سفرنامه** ما امروز صبح با ترکیش به استانبول و از اونجا هم با 2 ساعت استاپ به انکارا اومدیم. پروازمون نیم ساعت تاخیر داشت. (من برای 3 نفر 1500000 لیلیت تهیه کرده بودم). خداییش دیشب 2 ساعت خوابیدم ولی اول دوست داشتم به سر پیام اینجا بعد برم لالا...

ما مجبور شدیم با وسایلامون مستقیم از فرودگاه به مطب دکتر رفتیم. با تاکسی 70 لیر شد. راننده تا دم مطب یکریز حرف زد و ما دیگه هنگ کرده بودیم...
تو دور ورودی مطب رو که دیدم برام کاملا آشنا بود. دست دوستان درد نکنه. انگار برای بار دوم بود میرفتم. همه چی برام آشنا بود. اول چمدونها رو همون

پایین سپردیم به به خانم خوشگله. بعد رفتیم طبقه 4 پاسها و عکس رو گرفت و راهی طبقه 5 کرد. اونجا آزمایش خون و عکس سینه گرفته شد من خیلی بد رگم ولی خداییش خیلی خوب خونگیری کرد.

90\$ ناقابل پرید.

دوباره طبقه 4 و انتظار برای معاینه. خانم دکتر تنها بود و شوهرشون نبودن بهمین خاطر کارها به کندی پیش میرفت.

بالاخره نوبت ما شد. اول همسرم بعد من و دخترم. من خودمو که معرفی کردم کلی تحویل گرفت و شوخی کرد. واکسن هم برام نزد. من همه رو مو به مو ایران زده بودم و کارتم کامل بود. همسرم هم واکسن نخورد. نوبت رسید به دخترم که من گفتم ابله مران نگرفته و من خیلی دوست دارم واکسن بزنه. نگاه به کارت کرد و گفت ام ام ار هم بزنه خوبه منم گفتم سلامتی بچه ام از هر چیزی مهمتره. اگه لازمه بزنین. دخترم با 2 واکسن وتست سل اومد بیرون.

قرار شده دوشنبه بریم مطب دکتر تا جای تست رو زیارت کنه. 380\$ دادیم.



همسر بنده گرفته تخت خوابیده منم خیلی خوابم میاد. با اجازتون میرم بخوابم عصر میرم فستیوال گردی...
بچه ها دعا کنین. من این چند شبه فقط خواب ویزای یکضرب دیدم....

ارسالها: 9
تاریخ عضویت: Jun 2012
رتبه: 0
تشکر: 18
127 بار تشکر شده در 9 پست

K1-2012

عضو



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

نمایش شماره ها دارای هیچ ترتیب خاصی نیست... در مرحله اول باجه مورد نظر از شما میخواهد که اگر موردی هست که نیاز به تصحیح میباشد انجام دهید... در مرحله دوم شماره شما جهت انگشت نگاری اعلام میشود که ابتدا 4 انگشت دست چپ و سپس 4 انگشت دست راست و در انتها دو شصت به طور همزمان.

مرحله 3 ساده ترین مرحله (دریافت پول)

مرحله 4 مصاحبه میباشد... دوستان من به شخصه تا قبل از ورود به سفارت استرس شدیدی داشتم ولی به محض ورود به آن جو کلیه استرس ها بر طرف میشود پس به خود استرس بی مورد وارد نکنید (هرچند همیشه!!)

18 JUN سفارت شلوغ بود به همین دلیل پس از گذراندن 3 مرحله مصاحبه من و یک سری از دوستان به 2 بعدازظهر واگذار شد... به دلیل معافی مصاحبه من بیشتر روی موضوع شغل متمرکز بود و سر انجام پس از 3 دقیقه مصاحبه برگه آبی را دریافت کردم و به انتظار آینده میمانم. خوشحال هستم که تجربه این سفر را در اختیار دوستان قرار میدهم.

ارسالها: 621
تاریخ عضویت: Aug 2011
رتبه: 6
تشکر: 4498
3451 بار تشکر شده در 577 پست

rip3

عضو با سابقه



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

leila20 (Jun-23-2012 08:18 AM) **نوشته است:** ببخشید اینجا سوال میپرسم. این قضیه سربرگ رنگی و مهر برجسته چیه؟ من فقط 1 پرینت موجودی ساده گرفتم دادم برای ترجمه. تازه معادل دلاری پولم هم توش ذکر نشده. یعنی ایراد داره؟

دوستان ببخشید که توی این تایپیک جواب میدم، چون سوالشون مهم بود و ممکنه به مشکل بخورن اینجا جواب میدم

شما باید از بانک نامه تمکن مالی به زبان انگلیسی رو درخواست می کردید.

یه برگه که تاریخ افتتاح حساب و موجودیتون رو به انگلیسی نوشته و مهر بین الملل برجسته روش خورده.

هر بانکی این برگه رو به یه شکلی میده، ولی همشون باید لاتین باشن. مثلا برگه تمکن مالی بانک پارسیان این شکلیه :



Parsian Bank

In the name of God

Date : 12.3.2012

Ref. : [REDACTED]

To whom it may concern,

Subject: Account Balance Statement

This is to certify that [REDACTED] holds the following account(s) with our bank.
Account(s) details:

	Account no.	Account type	Opening date	Remaining Balance
1	[REDACTED]	SHORT TERM DEPOSIT	2004/8/28	454,510,980
Total Balance		454,510,980 IRR AT 11/3/2012		

Account(s) turnover for the requested period:

	Account no.	From	To	Credit	Debit
1	[REDACTED]	2011/9/12	2012/3/11	672,928,236	218,530,760

(1 USD = 12260 IRR. Rials as the reference rate of today)

This certificate is issued as a matter of information only by the request of the above said person(s) and holds no liabilities and/or responsibilities whatsoever for this bank and /or its officers.

Yours Faithfully,
BOLVAR KESHAVARZ BRANCH.

Signature



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سفر نامه :

آوریل بود که شماره من کارنت شده بود و تاریخ مصاحبه ام توی سایت آنکارا معلوم شد و نامه یا ایمیل دوم رو دریافت کردم... بالا فاصله مقدمات سفر رو انجام دادم.. پیدا کردن بلیط ارزون و هتل و ... از چند تا آژانس قیمت گرفتیم و بلیط ترکیش تهران-آنکارا رفت و برگشت 397000 تومان و خریدم 2 ماه قبل از مصاحبه! بعد گشتم دنبال هتل و باهاشون نامه نگاری کردم تا هتل اوزلیهان که اتاق سینگل 36 دلار بود رو رزرو کردم. بعد هم که یکسری کارای اداری مثل ترجمه مدارک و... تقریباً 20 روز قبل مصاحبه همه چیز آماده بود و مدارک رو با DHL پست کردم تا 2 هفته قبل از مصاحبه دست سفارت رسیده باشه.

1- پرواز من 15 جون ساعت 5 صبح بود... تو کامنت ها خونده بودم زود برید فرودگاه شلوغه و از این حرفها منم ساعت 1 فرودگاه بودم و تقریباً 3-4 ساعت بیکار که گفتم برم رو صندلی های مخصوص استراحت کنم که نشند... شب قبلشم خوابیده بودم!!! خلاصه سوار هواپیما شدیم و به وقت محلی ساعت 6:30 رسیدم آنکارا و بارم رو تحویل گرفتم هرچی دنبال اتوبوس EGO گشتم نبود فقط کلی تاکسی بود با HAVAS ... انگلیسی ترکی فارسی هر چی پرسیدم گفتن فقط همین HAVAS هست که میره اولوس... پیش خودم گفتم بابا من مطمئنم باید به مدل اتوبوس دیگه باشه... بگذریم سوار شدیم و 10 لیر دادم تا اولوس ... البته این و بگم وقتی اتوبوس راه افتاد من اتوبوس های EGO رو دیدم که 100-200 متر جلوتر ایستگاهشون بود و اشتباه من این بود که فکر میکردم این اتوبوس ها سمت چپ درب فرودگاه هستنند... نگو سمت راست بودن! از اولوس هم به تاکسی گرفتم تا کیزیلای 10 لیر... گفت تا دم هتل 15 لیر... منم گفتم نمیخواه از میدان کیزیلای تا هتل و پیاده میرم... رفتیم رفتیم رفتیم تا رسیدم هتل و گفتم رزرو کرده بودم و گفت 12 به بعد اتاق رو تحویل میدن من هم گفتم اشکالی نداره من وقت مدیکال دارم میرم برمیکردم فقط وسایلم رو نگه دارید... مدارک مورد نظر برای مدیکال رو برداشتم رفته پای پیاده به سمت مطب خیلی راحت پیدا کردم چون انقدر سفر نامه خونده بودم انگار چند سال اونجا زندگی کرده بودم... ساعت 8:30 تو مطب بودم که گفتن منشی 9 میاد... با به خانم که با مادرشون اومده بود صحبت کردیم تا 9 و بعد پاسپورت و گرفت و گفت برو طبقه بالا آزمایش خون و عکس قفسه سینه اونجا هم به 1 ساعتی کارم طول کشید بعد گفت برو پایین تا دکتر ویزیت

کنه نشستیم اونجا تا نوبتم بشه که همونجا با چندتا از بچه های مهاجرسرا آشنا شدیم از نزدیک 😊 و بالاخره دکتر که سوال کرد چند سالته؟ چی خوندی؟ ازدواج؟ سیگار؟ بیماری خاص؟ بچه؟ آبله مرغان؟ که من گفتم بله 8 سال پیش گرفتم و بعد هم معاینه بدنی و پرسید قد و وزن چقدره... بعد پشتش و کرد سرنگ و بر کرد اومد بزنه گفتم این چیه؟ که جواب نداد... گفت واکسن آبله رو میزنی یا تست میدی؟ همون داستان تکراری که حرفای ما و تست پاستور قبول نداره... گفتم اصلاً بحث نکنم، بهش گفتم کدوم و پیشنهاد میکنید؟؟؟ گفت برو تست بده... دوباره رفته طبقه بالا و تست ازم گرفتن و بعدش منشی گفت کی مصاحبه داری؟ گفتم 3شنبه .. گفت اوکی دوشنبه 3 به بعد بیا جوابت رو بگیر... (واکسنی که بهم زد TD بود و هزینه ها \$210 شد)

از مطب اومدم بیرون ساعت تقریباً 11-12 بود که گفتم از خیابان پشت مطب تونالی هیل برگردم هتل.... جاتون خالی اومدم اومدم اومدم بر از مغازه و نگاه کردم گفتم ای بابا من اینقدر موقع رفتن به مطب راه نرفته بودم پس چرا نمیرسم به خیابان هتل؟!!!! نقشه رو در آوردم دیدم بله!!محو تماشای مغازه ها شدن همانا و خیابان رو رد کردن همان!! کلی را اومدم سربالایی تا رسیدم هتل... دیگه داشتم از خستگی میمردم... 2 روز بود خوابیده بودم... به کوچولو استراحت کردم و بعدش رفتم بیرون تا ساعت 7-8 شب و اومدم هتل با چند نفر از بچه هایی که اونجا بودن آشنا شدم و دیگه کلی



دوست و آشنا پیدا کردم
16و17 جون بیکار بودم واسه خودم رفته گشتم و دور زدم .

18 جون رفته جواب مدیکال رو گرفتم.

19 جون روز مصاحبه بود شب که اصلاً خوابم نبرد در صورتی که اصلاً هم استرس نداشتم تا اینکه يك ساعت زودتر از زمانی که ساعت رو کوک کرده بودم بیدار شدم و مدارک رو چک کردم گذاشتم داخل کیف تا برم سفارت... ساعت 7 رفته صبحانه خوردم و 7:30 از هتل با یکی از بچه ها اومدم به سمت سفارت 7:40 دقیقه دم سفارت ایستادیم تا به خانمی که لباس فرم تنش بود اومد و گفت پاسپورت... بعد از 5-6 دقیقه اسامون و خوند یکی یکی رفتیم پشت درب ورودی... اونجا کیف رو باید از دستگاه رد میکردیم.. من هیچی با خودم نبرده بودم خودم بودم و مدارکم... دوباره وارد حیاط شدم و تو صف ایستادم تا یکی یکی بریم داخل... نوبتم شد خانمی که مدارک رو میگرفت فارسی دونه دونه مدارک رو ازم خواست که من اونجا فقط شناسنامه و پاسپورتم رو و مدارک تحصیلی رو بهش دادم... فقط فوق لیسانسم رو گرفتم... و گفتم بقیه چیزا رو با پست فرستادم. گفت برو داخل سالن و یه شماره بجه بهم بده... اونجا بود که فضای اونجا من و گرفت... دینگ دینگ اون صفحه که شماره ها روش میوفتاد... اون ترک ها هم که چپ و راست میرفتن دم بجه و به کارت سفید و بعد یو پی اس... کلی نشستم تا بالاخره شمارم ظاهر شد رفتم دم باده گفت این قسمتی که صورتی رنگه بر کن... در مورد سابقه کارم بود... (این باده مخصوص اصلاحات بود که من نفهمیده بودم فکر کردم فقط همونی که آفیسر گفت بر کن رو باید اصلاح میکردم... نگو گر هر ایرادی اشکالی اصلاحی هست میشه همونجا انجام داد) بعدش نامه بانکم رو نشون داد گفت این تمکن مالی هست؟ که گفتم بله و اومدم نشستم ... دوباره دینگ دینگ دینگ و بعد 30-40 دقیقه دوباره شمارم اومد رو صفحه... رفتم برای انگشت نگاری و گفت عالی بهشینید و منتظر باشید... منم نشستم و چشم از صفحه بر نمیداشتم... هر بار که شماره میوفتاد من برگه ای که شمارم روش نوشته بود و نگاه میکردم... اصلاً دست خودم نبود با وجود اینکه شماره رو حفظ بودم... که یکدفعه اسمم رو صدا کردن که برم صندوق... اونجا گفت میتونید 330 دلار بدید؟ گفتم بله (تو

دلم گفتم!!!! مگه میشه نداد؟! شما الان جون هم بخوای من دو دستي تقدیم میکنم 😊) بعد به کارت بهم داد که اسم و شماره ام روش بود گفت برید 1:30 بیايد... من خوشحال شدم گفتم برم بیرون یکم هوا بخورم داشتم دق میکردم... خلاصه اومدم هتل تا ساعت 1 و بعدش راه افتادم به سمت سفارت... دم درب ورودی اون کارت رو نشون دادم و گفت برو داخل سالن بشین... 1:20 بود که وارد سالن شدم تا ساعت 3:15 بود که شمارم رو روی صفحه دیدم و رفتم برای مصاحبه...یه خانم بود آفیسری که قرار بود مصاحبه کنه... نفس نمیکشیدم فکر کنم قلمم هم از کار افتاده بود اما همه چیز تحت کنترل بود و خیلی آرام و جوری که انگار همه چیز آرومه من چقدر خوشحالم با به لیخند سلام و احوال پرسى آفیسر شروع شد که من گفتم قبل قسم خوردن یه چیزایی هست که باید اصلاح بشه...گفت مگه اصلاح نکردی وقتی دفعه اول صدات کردن گفتم نه... گفت اوکی فرم هارو داد و من تاریخ فارغ التحصیلیم رو اصلاح کردم و بعد گفتم یه موردی هست که باید بهتر نشون بدم... من توی پاسپورتم محل تولدم به این شکل نوشته شده ولی تو ترجمه ها به یه شکل دیگه و مترجم به این نکته اشاره کرده.. گفت ببینم... پاسپورت و ترجمه ها رو برداشت رفت پیش به آقای دیگه که فقط من سر این آقا رو میدیدم و پشتش به من بود... و فقط با سر علامت میداد مثل خودمون که میخواهیم بگیم نه و سرمون رو میبریم بالا... برگه ها رو داد به آفیسر و آفیسر برگشت پشت میز برای ادامه کار... گفتم الان میگه نه و قابل قبول نیست... که برگشت گفت مشکلی نیست اما خندش گرفته بود که چرا دارالترجمه همچین اشتباهی کرده...شروع کرد یه چیزی تایپ کرد و گفت قسم میخوری منم گفتم بله... و بعد سوالات...اونجا فوق لیسانس خوندی... اونجا چیکار میخوای بکنی؟ کدوم شهر؟ کارت چیه؟ دقیقاً چیکار میکنی؟ اونجا میبری کسی رو داری؟ و فقط همین... دوباره با به همکارش صحبت کرد اما اینبار میکروفن رو قطع کرد و همینجا بود که من تازه نگاهم به پرونده افتاد... برگه آبی توش بود... گفتم ای بابا اما بازم به روی خودم نیاوردم و تمام مدت مصاحبه از اول تا آخر با به لیخند بر لب به سوالاتش جواب دادم... صادقانه... کامل... بدون ابهام... بعد که سوالاتش تموم شد

دست کرد زیر میز به کارت سفید در آورد و اسمم رو نوشت و گفت برو یو پی اس.... همونجا بود که من شروع کردم به نفس کشیدن تازه.... باجه یو پی اس کارت رو گرفت و آدرس محل اقامت و 17 لیر... گفتم چقدر زمان میبره برسه دستم؟ گفت 3-4 روز.... گفتم وای نه من پنجشنبه بلیط دارم... گفت سعی میکنیم برسه دستتون اما قول نمیدم... گفت امروز که هیچی اگر فردا ویزاتون و پاسپورتتون رو از سفارت بگیریم. پس فردا صبح میاد هتل و به دستتون میرسه....

اومدم بیرون انقدر خوشحال بودم که نمیدونستم چیکار کنم.. بخندم گریه کنم چیغ بکشم....رفتم هتل و خوشحال و خندان به خانواده زنگ زدم و بقیه روز و رفتم خوش گذروم و خرید کردم ... 😊

شرایطم هم : مجرد-30 ساله- فوق لیسانس- کار آزاد- تمکن مالی 33 میلیون- بدون اسپانسر
20 جون سایت و چک کردم برای دنبال کردن پاسپورت که دیدم از سفارت تحویل پست شده و بچه ها گفتن مطمئنا فردا میرسه دستت... برای همین دیگه نرفتم برای تغییر بلیط... و کل روز رو رفتم گشتم....

21 جون صبح بیدار شدم و چون ساعت 12 باید اتاق و تحویل میدادم شروع کردم به جمع کردن وسایلم... حدودای ساعت 11 بود که تلفن اتاق زنگ خورد و بهم گفتن پاسپورت.. کام... هنوز جمله تموم نشده بود من پایین بودم 😊 آقای پستیچی بسته ام رو تحویل داد و منم به 5 لیر بهش انعام دادم و اونجا بود که تازه خوشحال شدم وقتی ویزا رو دیدم و گریه ام گرفته بود.... اما گریه نکردم... 😊
وسایلم هم جمع کردم و گذاشتم داخل اتاق یکی از دوستانی که اونجا باهاش آشنا شده بودم و با هتل توصیه کردم بعدشم رفتم گشت و خرید و نهار و... تا عصر حدودای ساعت 7:30 - 8 که به تاکسی گرفتم به سمت فرودگاه

یکسری نکات: آنکارا به نظرم شهر خوبی اومد... آرام بدون استرس و رنگارنگ... اطراف هتل من پر بود از رستوران و کافی شاپ و مرکز خرید و ... بیشتر وقتم و اونجا بودم محیط گرمی داشت....
من زیاد به دنبال خرید نبودم .. برای همین زیاد جاهای مختلف نرفتم... فقط مرکز خرید کیزیلای و جپا و کنت پارک و خیابون های اطراف هتل... هیچ جای دیگه هم نرفتم... اما خیلی بهم خوش گذشت... چندتا از بچه های مهاجر سرا رو دیدم و باهاشون آشنا شدم که امیدوارم موفق باشن هر جا که هستنند 😊

این بود سفر نامه من... اگر ابهامی سوالی چیزی بود بپرسید !

ارسالها: 71

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 32

277 بار تشکر شده در 52 پست



Amir Hussein

عضو فعال



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

خروج از کشور

این قسمت رو می نویسم واسه کسانی که مثل من مشمول خدمت هستن. من تازه فارغ التحصیل لیسانس بودم و توی 6 ماهه ی معافیت موقت بعد از تحصیل که گویا الان شده 1 سال. واسه خروج از کشور من از دانشگاه "مدیترانه ی شرقی" در قبرس شمالی که تمامی مدارکش مورد تایید وزارت علوم بود، پذیرش گرفتم (باید حتما واسه خروج، مورد تایید باشه). به واسطه ی اون پذیرش موفق به دریافت پاسپورت و اجازه ی خروج شدم. برای پذیرش به خاطر تاخیری که اقدام داشتم، از یه موسسه کمک گرفتم که اشتباه بود، چون بعدا متوجه شدم دانشگاه به راحتی از وبسایت پذیرش می داده، چرا ه دانشگاه مدیترانه ی شرقی ظرفیتش تکمیل نیست و هر سال نیاز به دانشجوی داره. دو ترم اونجا درس خوندم تا نوبت مصاحبه رسید. قبرس شمالی تا آنکارا 1 ساعت با هواپیما طی می شه. بعد از گرفتن گرین کارد هم قصد دارم به ایران برگردم و دوباره به واسطه ی معافیت تحصیلی خارج شم که بعید می دونم مشکلی پیش بیاد. البته هر سال حداکثر 2 بار و به مدت 3 ماه می تونم پیام کشورم. بعله، واسه برگشتن من به خونه ی خودم هم تعیین تکلیف می کنن، به من ایرانی می گن چند بار در سال حق داری بیای ایران، چرا؟ چون دانشجوی خارج هستم. عجیبه که حتی در قبال احمقانه ترین قوانین سکوت می کنیم و بعد عادت.

هتل

من هتل اوزیلهان رو واسه تمامی سفرهام به آنکارا انتخاب کردم، بسیار راضی بودم. همیشه لوکس می گرفتم که واقعا تفاوت قیمتش با عادی کمه. اتاق های لوکس، تمیز، دنج و دوست داشتنی هستند. عزیزانی که اونجا کار می کنن گرم و صمیمی هستند. اگر سطح توقع بالایی از هتل دارین، و عادت به هتل های 4 ستاره به بالا کردین، اوزیلهان رو پیشنهاد نمی کنم. از اینترنت هتل دفعه ی اول که اومدم خیلی راضی بودم، این دفعه اصلا خوب نبود، همش قطع و وصل می شد.

مدیکال

مدیکال رو نیازی نیست مفصل بنویسم، چون بارها قبلا قید شده. من 1 ماه قبل از مصاحبه رفتم پیش دکتر اونگان، در تمامی مراحل تنها بودم و همه چیز خیلی روون و راحت پیش رفت. من کارت بین المللی واکسن نداشتم، از ایران کارت های ساده ی واکسنایی که زده بودم رو برام با ترجمه هاشون فرستادن، که ازم قبول کردن. 2 تا واکسن هم نداشتم که واسم زدن.

مصاحبه

تمامی مراحل دقیقا مثل سفرنامه های قبلی است.
شرایط من : خدمت نرفتم، دانشجوی قبرس(اقامت تا زمان مصاحبه چند روز از 6 ماه بیشتر شد و گواهی پلیس رو بردم، که ازمم خواستن)، کار دولتی نداشتم، اسپانسر و تمکن مالی : 38 میلیون در بانک ایران و 8 هزار دلار در بانک قبرس
آفیسر من مرد جوان ریش قرمزی بود که بسیار خندان و صمیمی بود. این جا متن دقیق مصاحبه رو می دارم که دقیق تر بفهمین جریان چیه و ابهامتون کمتر شه.
آفیسر: سلام

من: صبح به خیر

- صبح به خیر

- خوب، تو در ایران توی کانون فیلم و تیاتر دانشگاه فعالیت داشتی؟

- آره

- چی کار می کردی اونجا؟

- جشنواره تیاتر، فیلم

- با اومدن دولت جدید به مشکل بر نخوردین؟

- چرا، با اومدن دولت جدید مرزها و سانسورها خیلی بیشتر شد.....

- آره می فهمم که زمان خاتمی شرایط راحت تر بود

- فیلم جدایی نادر از سیمین رو من خیلی دوس داشتم، تعجب می کنم چه طور همچین فیلمی از فیلتر حکومت ایران رد شد

- فیلم پیام سیاسی نداشت

- آره، ولی به کمی داشت، (فکر) البته راس می گی.

- من شک ندارم همین جوریم فیلم به سختی از فیلترهای موجود گذشته.

- (تایید) من صحنه ی آخر فیلم رو خیلی دوست داشتم

- شکسته شدن شیشه؟

- نه توی دادگاه

- آها، (تایید) این که نمیدونی چی می شه..

- آره دقیقا

- خدمت سربازیم نرفتی؟

- نه من همیشه دانشجویی نیاز نیست بری، سربازی در ایران واسه من خدمت به مردم نبود، خدمت به سیستمی بود که من

اعتقادی بهش نداشتم

- (تایید) البته، می فهمم

- (بالا آوردن برگه ی آبی) خوب، تو آمریکا کجا می ری؟ لاید لوس آنجلس

- می رم نیویورک،

- اوه، نیویورک! چه عالی

- (با دیدن برگه ی آبی و لبخندی تلخ) البته اگر تایید بشم

- نه، تو هیچ مشکلی نداری، پروندتم کامله اینا به سری مراحل اداریه که طی 1 تا 2 ماه تموم می شه

- تشکر به ترکی (واقعا نمی دونم چرا ترکی تشکر کردم، احتمالا از عادت) گودیای

- (لبخند) با بای

بعد از مصاحبه به من ایمیل داده شد که وقتی مراحل اداریتون تموم شد به ترجمه از شناسنامه هم با خودتون بیارین.

نزدیک 2 ماه بعد مراحل اداری من تموم شد، ساعت 1 پاس رو تحویل دادم الانم آنکارا هستم و منتظر ویزا. یه بار پاسپورت بدون ویزا برگرشت، با این توضیح که ترجمه ی شناسنامه از تمامی صفحات کپی نداشته. خود ترجمه از تمام صفحات بود، اما کپی ها از تمام صفحات نبود، چون همه خالی بودن مترجم کپی نکرده بود. من هم دوباره با کمی دردسر مترجمی رو در آنکارا پیدا کردم و همین جا دوباره ترجمه کردم و دادم به سفارت. همین نیم ساعت پیش ویزا به دستم رسید و این سفر به پایان رسید. از 10 ماه پیش واسه این روز برنامه ریزی کردم، و امروز شادمانی و رهایی عجیبی دارم.

بلیط:

من بلیط رو از ترکیش ایر خواهم گرفت، استانبول به نیویورک. نکته ی مهمی رو این جا متذکر می شم واسه دوستانی که می خوان پرواز شون به آمریکا واسه صرفه ی اقتصادی بیش از یک توقف در مسیر داشته باشه. اگر داخل اروپا بیش از 1 توقف داشته باشین، پروازتون نیاز به ویزای شنگن پیدا می کنه و همون موقع سوار شدن برتون می گردونن، این اتفاق واسه یکی از دوستان همین دیروز افتاد. متاسفانه ایران در قبال ویزای شنگن قرمز رنگه، به این معنی که حتی واسه ی گذر داخلی موقت هم ویزا می خواد.

یادآوری:

* حتی اگر یک روز از 6 ماه اقامتتون در کشور دیگه ای گذشته باشه، نیاز به گواهی پلیس دارین و شوخی نیست
* کپی تمام صفحات شناسنامه باید با ترجمه باشه، حتی اگه خالی باشن

حرف آخر:

استرس تنها نتیجه ای که واستون داره اینه که حضور ذهن رو ازتون می گیره، اعصابتون رو ضعیف می کنه، خستتون می کنه، استرس رو نه تشدیدش کنین نه باهانش بکنین، بپذیرینش و با آرامش باهانش صلح کنین. فراموش نکنین که پرونده ی شما یکی از هزاران پرونده ست و هر روز صدها نفر مصاحبه می شن. و هیچ نگرش خاصی نسبت به شما وجود نداره. شما برای اونا یه پرونده هستین، یه سری مراحل اداری داره پروندتون. همین، نه چیزی بیشتر، نه چیزی کمتر.

به هر کجا می رم، هزاران، بلکه میلیون ها ایرانی مهاجر می بینم. جایی از جهان نیست که ما به اونجا فرار نکرده باشیم. گویا حاضریم هر جایی باشیم جز توی خونمون. چه بر سر ما آوردن، و خود با سستی و خودپرستی چه بر سر خودمون آوردیم که اینجوی آواره ی هر مرز و بومی شدیم؟ من وطن پرست نیستم، مرزهای جغرافیایی واسه من خط و خطوطی بیشتر نیستن، و تمامی نژادها رو از خود می بینم. انسان رو در هر شکل و شمایل یا رنگی دوست دارم. اما من یه خونه داشتم، یه خونه که دوستش داشتم، من معتقدم ما هر کجای جهان هم باشیم در قبال این خونه مسئولیم، چه بخوایم، چه نخوایم. کشور من اونقدر این اواخر واسه من غریب شده بود که حتی از در خونه بیرون نمی یومدم، اما کودکی من، بوی کوچه هاش و همون مردمی که همه این روزا جمعشون می زنن و همشون و یه جا به خربت و تعصب محکوم می کنن تا ابد قسمتی از وجود من باقی خواهند موند.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان

روز سوم سفر ما امروز با نیکو و همسر نازنینشون آشنا شدیم. که واقعا از آشنا شدن با ایشان خیلی خوشحالیم. و امروز پس از صرف صبحانه زودم بیرون و پس از رفتن به پارک گوگولو رفتیم واسه ناهار و امروز عصر هم میخوایم بریم انکامل گردی. دوستان در مورد هتل باید بگم این دیپس هاستل برای مجردها خوبه ولی برای خانواده ها چندان جای دلپذیری نیست. ما رفتیم هتل مراد و اونجا واقعا خیلی بهتر بود و برای فردا رزرو کردیم. از فردا میخوایم بریم اونجا. امروز چون پول اینجا رو دادیم مجبوریم بمونیم. ما با کمک نیکو ی عزیز هتل 220 لیر رو برای 3 نفر 100 لیر گرفتیم. من میخوام فردا که رفتم باهاشون صحبت میکنم و جریان مهاجرسرا رو براشون میگم و راضیشون میکنم که هر کس اونجا بره با رمز شایرا هتل رو براشون ارزون حساب کنه. فردا حتما این کار رو واسه دوستای گلم که بعد از ما میان خواهیم کرد. واقعا هتل شیک و تروتیمیزی بود با کادر مهربون که انگلیسی بلدن. البته من مشکل زبان ترکی با اینها ندارم. ولی برای دوستان هتل مراد رو توصیه میکنم. شماره و اداری اینترنتی شو براتون مینویسم. حالا میرم بخوابم که عصر با نیکو و همسر نازنینش قرار داریم. جای همتون خالی 😊

ارسالها: 55
تاریخ عضویت: Sep 2011
رتبه: 0
تشکر: 64
283 بار تشکر شده در 44 پست

Superman
عضو فعال
★★★★★

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام و تشکر خدمت همه دوستان و مدیران محترم سایت مهاجرسرا...

به دلیل امتحانات و یه سری مسائل دیگه نوشتن سفرنامه یه مقدار طول کشید... یه مقدار طولانیه ولی امیدوارم برای دوستان مفید واقع بشه... 😊

شرایط من : پسر - مجرد - دانشجو - معاف - بدون شغل - بدون اسپانسر - مدت اقامت ترکیه 1 هفته

من دوشنبه صبح (June 11) وقت دکتر داشتم به همین دلیل پروازم رو ایران ایر گرفتم که همون روز ساعت 5:30 بود. پرواز خوب بود و تاخیر زیادی نداشت. هوا خیلی خوب و خنک بود. از فرودگاه هم ترانسفر داشتیم که مارو (همچنین دوستان دیگه رو که تو یه پرواز بودیم) به هتل رسوندن. (یه چیزی بگم که اونجا انگلیسی بلد نیستن در این حد بگم که رسیدن هتل به زور انگلیسی صحبت می کرد اگه واستون ممکن هست یه مقدار ترکی یاد بگیرین خوبه و اینکه دوستانی که تنها میرن اونجا نگران تنهایی نباشید منم تنها بودم ولی اونجا با دوستان خوبی آشنا شدم که اکثراً مهاجر سرایی بودن و اکثراً واسه ویزا اومده بودن و می تونید باهاشون هماهنگ بشید)... هتل من الیت بود و برای 3 شب گرفته بودم که شبی 100 تومان واسم تموم شد. اتاقی که داشتم بد نبود ولی تو همون هتل دوستانی بودن که از اتاقاشون راضی نبودن... البته حق داشتن چون امکانات اتاقاش با هم فرق داشت مثلاً بعضی اتاق ها کولر داشت و بعضی اتاق ها پنکه هم نداشت...!!! اینترنتش به راه بود و فضای لابی بیرون هتل کنار پیاده رو هم خوب بود. ولی در کل اکثراً خیلی راضی نبودن... البته تو اون منطقه و اطراف سفارت هتل های خیلی زیادی وجود داره دوستانی که تصمیم دارن مدت طولانی بمونن آنکارا میتونن هتلشون رو 3 روزه بگیرن که اگه راضی نبودن اونجا جاشون رو عوض کنن. خلاصه بعد رسیدن به هتل چون قبل ساعت 12 رسیدیم اتاق ها حاضر نبودن. اونجا با یه آقا و خانم که زن و شوهر بودن آشنا شدم و با هم راهی دکتر شدیم... زیاد با هتل فاصله نداشت پیاده 15 دقیقه ولی خوب خستگی پرواز و گرمای هوا رو هم حساب کنید... دکتر خیلی شلوغ بود و 99% ایرانی بودن که البته همه لاتاری نبودن. کارای پزشکی به ترتیب تو دو طبقه 4 و 5 انجام میشه. تو طبقه 4 دو تا منشی چاق (که یکی پیرتر و بد اخلاق تر هست) کارها رو انجام میدن و میفرستن اتاق دکتر. تو طبقه 5 هم آزمایش خون و عکس از قفسه سینه انجام میشه که البته واسه من و چند تا از دوستان به علت شلوغی بر عکس انجام شد. هزینه های دکتر : \$70 ویزیت + \$70 واکسن ابله (که نمی دونم واسه چی خوردم) + 87 لیر یا 45 \$ برای خون و قفسه سینه... خیلی کارمون طول کشید و خانم دکتر دیر به دیر مریض صدا میزد تقریباً تا ساعت 3 کارم طول کشید... واسه مایعنه هم زیاد طول نکشید یه سری سوال و یه واکسن... بعدشم گفتن برو فردا ساعت 3 جوابتون حاضره که اگه مصاحبتون چند روز دیگه باشه ممکن دیرتر بهتون بدن... از دکتر رفتم به سمت دفتر ایران ایر که روبه روی سفارت هست تا تاریخ بلیط برگشتم رو عوض کنم که بدون پرداخت هزینه ای انجام شد... برگشتم هتل تا فردا ساعت 3 که با یکی دیگه از دوستان رفتیم و جواب آزمایش ها رو گرفتیم که شامل 1 پاکت + یه کاغذ (اگه واکسن نزده باشین) + 1 سی دی که همشون به هم منگنه بودن ولی شما باید جدا شون کنین و پاکت رو به سفارت تحویل بدین (***) حواستون باشه که نه پاکت و نه سی دی رو باز نکنید (***) مصاحبه من فردا صبح بودش. اون روز یه چرخی تو شهر زدیم و فردا صبح عازم سفارت شدم...

مصاحبه من ساعت 8:30 بود و من هم اون ساعت اونجا بودم ولی به دوستان توصیه میکنم زودتر برن... جلو در سفارت شلوغ بود و 2 تا نگهبان ترک دم در بودند. من جلو صف رفتم و پاسپورتم رو نشون دادم. نگهبان لیستی داشت که فکر کنم شماره تمام کسانی هست که اون روز مصاحبه دارن. بعد از دیدن پاسپورتم منو سریع فرستاد تو... بعد از چک شدن وسایل به فضای پشت سفارت رسیدم که 2 تا صف داشت یکی واسه ایرانی ها و یکی دیگه اتباع ترک... داخل صف هم یکی از دوستان رو دیدم که تا آخر مصاحبه با هم بودیم... خلاصه وارد سفارت شدیم و بعد از تحویل یه سری مدارک که ازتون خواستن و گرفتن شماره وارد سالن انتظار سفارت شدیم...

(یه نکته ای رو بگم که ممکنه دوستان تا لحظه ورود به سفارت استرس داشتن باشن ولی بعد از ورود به سالن انتظار از استرستون کم میشه چون جو اونجا طوری که تا خدا گاه با چند نفر آشنا میشین پس زیاد نگران نباشین...) بعد ورود و نشستن منتظر موندیم تا شمارمونو اعلام کنن که روی مانیتور و با صدای زنگ اعلام می شد... اینم بگم که صدلی های انتظار رویوی باجه ها (حتی باجه مصاحبه) هستش و شما وارد جای بسته یا اتاقی نمیشید. اعلام شماره ها ترتیب خاصی نداشت و به صورت رندوم بود... معمولاً شماره ها 3 بار اعلام میشه.. شماره منم به همین شکل شد که اولین بار مدارکم

چک شد که آیا می خواهم فرمی رو عوض کنم یا نه که منم از قبل پرینت داشتم و گفتم بله و پرینت برگه رو بهش دادم و نیازی به درست کردن با خودکار نبود. دفعه دوم انگشت نگاری انجام شد و دفعه سوم فرم خدمت واسه آمریکا (البته سرپازیشون اجباری نیستش ولی باید بر شه) که واسه افراد 18 تا 25 سال هست و من از اینجا برده بودم رو امضا کردم و به همراه پول مصاحبه از من گرفت و کارتی بهم داد که برم و ساعت 1 برگردم که تا ساعت 11 طول کشید که برگشتم هتل و نزدیکای ساعت 1 برگشتم سفارت... چند دقیقه بیرون در موندیم و بعد اجازه دادن بریم تو سالن انتظار... داخل سالن خلوت بود و چند نفر که صبح دیده بودمشون هنوز اونجا بودن و داشتن مصاحبه می شدن. منتظر نشستیم تا شمارمون رو اعلام کنن (همون شماره ای که صبح گرفته بودیم) با دوستان 2 ساعتی نشستیم تا ساعت 3:30 که اولین شماره لاتاری که 400 تا 500 بود اعلام شد (تا اون موقع از کیس های

لاتاری کسی مصاحبه نشد) تو اون لحظه استرس زیاد شده بود 😊 مصاحبه های لاتاری اون روز رو به خانم انجام میداد... نزدیکای ساعت 4:20 بود که شماره من اعلام شد و رفتم... باجه 5... خانم خوش رویی بود و فارسی هم خوب صحبت می کرد... سوگند یاد کردم و بعد سوالاتی پرسید که فکر کنم خودتون بهتر بدونید... درباره اینکه اونجا کسی دارم یا نه... می خواهم برم اونجا چی کار... شغل پدر مادر... پولی که تو حساب گذاشته بودم ... کارت سرپازی... و تاریخ تولدم که موقع ثبت نام لاتاری به تاریخ دیگه زده بودم که بهش گفتم اشتباه شده 😊 هر سوالی که می پرسید تند تند به چیزایی تو کامپیوترش تایپ می کرد...

در طول مصاحبه 2 تا چیز بهم استرس وارد می کرد... اول برگه آبی که کناره مدارکم بود و هر چند لحظه یک بار دستش رو می برد روش و منم پیش خودم میگفتم که دیگه آبی گرفتم ولی خوشبختانه اینطور نشد... 😊

دوم کارت سرپازی بود که من چون واسه تعویض اقدام کرده بودم همراهم نبود و فکر می کردم مشکل ساز بشه که خدا رو شکر این هم نشد... ازم کارت معافیتم رو خواست که من براش توضیح دادم و با دیدن برگه تعویض کارتم قبول کرد... اینم بگم چون میدونم سوال خیلی ها هست من مدارک اسپانسر رو براشون نفرستاده بودم و با خودم برده بودم صفارت که اگه لازم شد نشون بدم که

اصلاً لازم نشد...!!! فقط منتش موند گردنم... 😊 خلاصه بعد همه این اتفاق ها گفتش که چند لحظه منتظر باشم که رفت نمی دونم کجا و بعد از برگشتن بهم گفت که بهتون یه کارت میدم که بدین به UPS که اونجا خیالم راحت شد... یه موضوعی که برام جالب بود این بود که از شروع مصاحبه ها نتیجه یکی در میان آبی سفید بود که نمیدونم چه حکمتی داشت... 😊

کارت و آدرس هتل رو به همراه 17 لیر به UPS دادم که آقا گفت 3 تا 5 روز طول میکشه که من گفتم پروازم زودتر هستش و اون گفت Ok... 😊 و بعدش به همراه دوستم که بعد از من مصاحبه داشت و متاسفانه آبی گرفت برگشتم هتل... چون آدرس همین هتل رو داده بودم مجبور شدم 4 شب دیگه تو همون هتل بمونم که شبی 45\$ تمام شد.

از فردا هم تو سایت چشم انتظاره آقای UPS بودیم که کی میاد. که پس فردا صبح تو سایت چک کردم که زده بود بسته واسه رسیدن به مقصد از پست خارج شده که بعدش اودم پایین و تو لابی منتظر شدم که یه آقای با کلاه و ساک به دست وارد هتل شد و محموله من و 2 تا از دوستان دیگه که اونام سفید گرفته بودن رو آورد و ماموریت انجام شد... 😊

اما درباره آنکارا گردی... همان طور که دوستان هم گفتن الان اونجا فستیوال هست ولی با تخفیفی که به جنس ها خورده باز نسبتاً گرون هستش (البته به نظر من) ولی خوب تو فروشگاه ها یه چرخی بزنید شاید چیزی پیدا کردید... مرکز خرید آنکامال رو تونستید برید خوبه... همه چی داره... واسه رفتن به اونجا کیزیلای سوار مترو بشید و آکاپرو پیاده بشید از ایستگاه مترو که برین بیرون میبیننش چون خیلی بزرگه... البته راهای دیگه هم داره ولی به نظر من این راحت تره...

مقبره آتاتورک هم جالب و دیدنی هست اونجا رو هم ببینید... چون من و دوستم پیاده و از روی GPS رفتیم اونجا طریقه رفتن با اتوبوس یا تاکسی رو نمیدونم ولی دوستان دیگه بلدن. پیاده از میدون آتاتورک 25 دقیقه پیاده روی داره که بازم گرمای هوا رو روش حساب کنید... مسجد مال تپه و کوکا تپه هم خیلی قشنگ بود. کوکا تپه زیرش یه فروشگاه بزرگ بود و چون به هتل نزدیک بود و 2 تا خیابون فاصله داشت من 3 باری رفتم اونجا 😊 خلاصه این جور شد که این شد و بعد از این برنامه ها برگشتیم سر جای اولمون... 😊

بخشید اگه کم کاستی داره یا طولانی شده... اگه دوستان سوالی دارن از طریق پیام خصوصی در خدمتتون هستم... با تشکر از همه دوستانی که چه از طریق سایت و چه تو ترکیه منو یاری کردن و با آرزوی موفقیت برای همه دوستان مهاجر سرپازی...

ارسالها: 755
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 10
تشکر: 20248
5478 بار تشکر شده در 665 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

دوستان ما امروز به اتفاق نیکو وهمسرشون رفتیم آنکامال. قیمتها بدک نبود ولی برای ما مهاجرها که باید بآرویندیل بریم امریکا خرید کردن از اینجا مفهوم نداره. ولی به دیدنش می ارزه. تا آخر شب اونجا بودیم با متروی قرمز برگشتیم. الان پاهام داره میترکه. ولی کلی کیف کردیم. سایت هتل مراد:

<http://www.muratotelankara.com>

ارسالها: 179
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0





تشکر: 4254
1217 بار تشکر شده در 156 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

SH1A2R3(Jun-24-2012 12:32 AM) **نوشته است:** دوستان ما امروز به اتفاق نیکو وهمسرشون رفتیم انکامل.قیمتها بدک نبود ولی برای ما مهاجرها که باید بااروبندیل بریم امریکا خرید کردن از اینجا مفهوم نداره.ولی به دیدنش می ارزه.تا اخر شب اونجا بودیم با متروی قرمز برگشتیم.الان پاهام داره میتکه.ولی کلی کیف کردیم.
سایت هتل مراد:

<http://www.muratotelankara.com>

شایرا خانم

اگه گشتن تو مال ها رو مثل باقی خانم ها دوست دارین ، بهتون cepa یا چپا رو پیشنهاد میکنم.
با اتوبوسهای اگو میتونین براختی برین اونجا .یه ازای هر نفر یه کارت میخرین که میتونین رفت و برگشت ازش استفاده کنین.هزینه هر کارت 3.5 لیره.البته تو این هوای گرم توصیه میکنم حتما موقع سوار شدن دقت داشته باشین که اتوبوس مورد نظر کولر داشته باشه .چون امکان داره گرما اذیتتون کنه.اگه اشتباه نکرده باشم اتوبوسهای 127 میرین اونجا.از خیابون مشروطیت این اتوبوس ها رو سوار میشین سه تا مال در کنار هم و یه شهر بازی جلوش هست.
خوش باشین

ارسال: #1652

ارسالها: 70
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 205
1217 بار تشکر شده در 60 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام! با اینکه میدونم یکم دیر شده ولی سفرنامه ام رو براتون مینویسم، امیدوارم که مفید باشه برای دوستان خوب مهاجرسرا.
اول از پروازمون براتون میگم، ما یکشنبه 10 جون با ترکیش ایرلاین به آنکارا پرواز داشتیم، ساعت 5:00 صبح و ساعت 8:30 هم رسیدیم.از فرودگاه هم با سرویس ترنسفر آژانس رفتیم به هتل الیت.هتل خوبی بود؛ و خیابون های اطرافش پر از رستوران و میشه گفت نزدیک به همه جا! 😊 یکشنبه به استراحت گذشت . 2-3 هفته قبل از پرواز برای دوشنبه ساعت 11 صبح از طریق سایت دکتر اونگان وقت گرفته بودم، از هتل پیاده حدود 20 دقیقه تا کلینیک طول میکشه. رفتم طبقه 4، دیدم همه دوستانی که دیروز تو هواپیما دیدم اونجا هستن 😊 رفتم پیش خانم منشی، 2تا عکس ازم گرفت با پاسپورت، برگه appointment confirmation رو که میخواستم بهش بدم گفت no paper. تو دلم گفتم بچه پروا! من این همه زحمت کشیدم وقت گرفتم! یه برگه بهم داد رفتم طبقه بالا برای Blood test & X-ray. پاسپورت و برگه رو دادم به منشی طبقه بالا و منتظر موندم.خیلی شلوغ بود؛ بعد 1 ساعت و... صدام کرد همراه یک پرستار رفتم برای آزمایش خون و بعد از اون هم صدام کرد و رفتم برای تسویه، 47.50 لیر بهش دادم و گفت همینجا منتظر بمون برای X-ray. بعد از چند دقیقه هم رفتم برای X-ray. منشی دکتر گفت برو ساعت 3.30 بیا برای معاینه. یکم زودتر رسیدم منو فرستاد طبقه پایین استراحت کنم تا ساعت 3.30 بشه. بعدش که رفتم بالا منو صدا کرد واسه معاینه چند دقیقه ای منتظر دکتر بودم؛ اومد و تند تند یه سری سوال کرد؛ میزان تحصیلات، رشته، سابقه بیماری خاص، جراحی، دیابت، بیماری قلبی، قد و وزن و... . بعدش هم یه واکسن بهم زد خودش که نگفت چیه منم نرسیدم، ولی تو برگه ای که بعدا بهم دادن رو که دیدم، Varicella بود. با اینکه آبله مرعون گرفته بودم! اینجا که از یک خانوم دکتر پرسیدم گفت احتمالا واکسن آبله مرعون بزرگسالان بوده. اومدم بیرون \$140 دادم به خانوم منشی و گفت فرداش ساعت 3 برم جواب و بگیرم. سه شنبه جواب رو گرفتم .
ایندفعه راس ساعت 3 اونجا بودم 😊

سفرات با کلینیک فاصله زیادی نداره، سر راهتون سفارتو میبینید.

من چهارشنبه مصاحبه داشتم.ساعت 7.30 رفتم جلوی درب سفارت، بعد از چک شدن پاسپورت و بعدش هم وسایلم و خودم، وارد حیاط شدم. اونجا (یک نفر یک نفر) از طریق صفی که متعلق به کیس های لاتاری بود رفتم و اصل مدارک رو تحویل اون خانوم دادم که معرف حضور همه هست 😊 داخل سالن منتظر موندم تا شمارم اعلام شد، رفتم باجه مربوطه و گفتن که ایا میخوام تغییری تو فرم هام ایجاد کنم یا نه، دوباره دیگه هم برای انگشت نگاری و پرداخت پول صدام کردن. بعدش بهم گفتن که برو و ساعت 1 دوباره بیا(همراه با یک کارت). وقتی برگشتم داخل سالن منتظر موندم تا نوبتم بشه . بعد از یه مقدار انتظار رفتم برای مصاحبه.پرونده من پیچیده نبود؛ بدون سابقه کار، 21ساله، با گواهی تمکن مالی و اسپانسر و مونث.اون خانوم بسیار خوشرو، مهربون و مودب ازم پرسید دانشجو هستی، تا حالا کار کردی، تا حالا U.S بودی، کدوم ایالت میری، و بعدش هم یک کارت سفید بهم داد و گفت



که برو UPS. و اینگونه من یک ضرب گرفتم! 😊
UPS هم پاسپورت و ویزارو فرداش به دستم رسوند.

اما چند تا نکته! اونجا با یک گوشی یا هر چیزی که GPS داشته باشه به راحتی هر آدرسی رو پیدا میکنید. برای کارهای پزشکی هم هرچند هرچی زودتر برسید کارتون زودتر تموم میشه اما به هر حال شما از قبل وقت بگیرید، چون اونجا زوجی بودند که وقت نگرفته بودند با اینکه زود اومده بودن ولی

مجبور شدند آخرین نفر برن برای آزمایش ها. برای مصاحبه هم استرس نداشته باشید 😊 همونطوری باشید که همیشه هستین، به سوال هایی که ممکنه ازتون بپرسند هم فکر نکنید.البته اینا همش نظر شخصی منه 😊



برای من کل مراحل مصاحبه خیلی باحال بود و بهم خیلی خوش گذشت، یکی دیگه از روزهای خوب زندگیم بود که هیچوقت فراموشش نمیکنم 😊
امیدوارم برای همه شما دوستای خوم هم همینطور بشه.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

اندکی این مثنوی تاخیر شد
 سفرنامه آنکارا- قسمت دوم

همانطور که گفتم من دوشنبه به آنکارا رسیدم و همانروز کارهای پزشکی انجام شد، روز بعد جواب دکتر آماده بود و روز بعد-چهارشنبه 13 June- راس ساعت 8 صبح جلوی سفارت بودم. نگهبان ترک هر چند دقیقه می آید و کیسهای گرین کارت را صدا میزند و سپس شما را به صفی برای ورود به اتاق بازرسی بدنی راهنمایی میکند. در این جا باز هم حق تقدم با ترکهاست، زن و شوهر ایرانی با کودکی در کالسکه مدتها در صف بودند ولی نگهبان ترک ابتدا هموطن های خودش را راه میدهد. البته در داخل سفارت صف ایرانی ها و ترکها جداسست و از این بابت بعدا عقب نخواهید افتاد ولی اصلا حس خوبی را تجربه نمیکند. نوعی درجه دو بودن یا چیزی شبیه به این. پس از عبور از گیت بازرسی موبایل را تحویل میدهید. با کیف شکا کاری ندارند و



میتوانید کیف یا کوله خود را به داخل ببرید که از این بابت بسیار لطف بزرگی در حق من یکی شد که عرض خواهم کرد چرا در حیاط کوچک سفارت صف ایرانی ها در کنار دیوار تشکیل میشود، پیش از آن پس از عبور از گیت از شما سوال میکنند برای گرین کارت آمده اید؟ و شما از درب سمت راست اتاق بازرسی وارد حیاط میشوید.

سپس یک به یک پیش خانم فارسی زبان میروید تا اصل مدارک را تحویل داده و شماره -نوبت- دریافت کنید. ابتدا شماره شما اعلام شده و به باجه 11 یا 12 میروید، از شما خواسته میشود اگر تغییر یا اصلاحی در فرمها دارید انجام دهید ولی امضا نکنید. سپس انگشت نگاری و سپس پرداخت 330 دلار. در اینجا از من و سایر کیسهای لاتاری و دانشجویی خواسته شد تا ساعت 1 بعد از ظهر برای مصاحبه مراجعه کنند.

مصاحبه حدود ساعت 30/2 بر اساس نوبت های صبح شروع شد. بین هر مصاحبه حدود 10 دقیقه زمان بود که پیدا بود آفیسر مشغول مطالعه کیس بعدی است. در این مدت من از مصاحبت Superman که با او از مطب دکتر آشنا شده بودم و atisland بهره مند شدم که هر دو هم یک ضرب ویزا گرفتند.

من و سویر من برای گذران وقت به شرط بندی بر روی نتیجه مصاحبه افراد مشغول بودیم و کلا فضای بدون استرس و شادی را تجربه کردیم، در رفتن زیب شلوار من در مراجعه به دستشویی هم بهانه خوبی برای با هم خندیدن ما بود و خاطره شد تصور خودم با کت و شلوار و کراوات با

زیب شلواری که در بدترین زمان ممکن در خاک کشور بیگانه در برود و دست شما را در پوست گردو بگذارد هنوز هم برایم خنده دار است. اینجا بود که کیف مدارکم به دادم رسید و باعث شد تا جوری قضیه را رفع و رجوع کنم . پیشنهاد میکنم شما هم چنین کیفی همراه داشته باشید که



کار از محکم کاری عیب نمیکند کار از محکم کاری عیب نمیکند

من نفر آخر لاتاری انروز بودم. مکالمه خانم آفیسر با جزئیات به نحو زیر بود:

آفیسر: ابتدا باید از شما بخواهم دست راستتون را بالا ببرید و قسم بخورید که هر چه در فرمها نوشتید و اینجا بیان میکنید حقیقته.

من: قسم میخورم.

آفیسر: شما سربازی رفتید؟

من: خیر، خریدم

-: میتونم کارت شما را ببینم؟

*: بفرمایید.

-: یعنی شما هیچ دوره نظامی ندیدید؟

*: خیر

-: شغلتنو چی هست:

*: بازرگان چای

-: یعنی چه کار میکنید؟

*: از برخی کشورها چای وارد میکنم.

-: از کجا ها؟

*: این اواخر از ویتنام

-: پس زیاد به ویتنام سفر میکنید؟ (من تو فرم آنکارا گفته بودم فقط یکبار به ویتنام رفتم)

*: خیر، فقط یکبار

-: چای سبز / سبز / سبز؟ چون شرق آسیا چای سبز مصرف میکنند(من به عنوان مستند ادعا، بارنامه چای سیاه آخرین محموله را ارسال کرده بودم)

*: خیر، چای سیاه. در شرق آسیا مصرف عمده چای سبز است ولی در ایران چای سیاه

-: حتما انواعی دارد، میتونید توضیح بدید؟

*: - پاسخ من-

-: بسیار خوب، میتونم اصل نامه بانک را ببینم؟ (که تحویل دادم و به مهر برجسته دقت کرد)

-: من اصل این نامه را نگه میدارم

*: خواهش میکنم

و باقی سوالات در مورد جایی که میخواهید بروید و

بعدهم پس از تایپ چند کلمه مدت نسبتا زیادی به مونیتور چشم دوخت. (یکی از دوستان که ویزای شنگن گرفته بود و با همین صحنه مواجه شده بود

از آفیسر سوال کرده بود و پاسخ شنیده بود که " ما با بروکسل آنلاین در تماس هستیم")

به هر حال پس از مدتی برگه ابی را به من داد و گفت که مشکلی نیست و یکسری کارهای اداری هست که باید انجام بشه و

در مجموع مصاحبه بدون استرس و در فضای محترمانه انجام شد.

اینکه گفته میشود برگه ابی را در پرونده دیدم درست نیست. تعداد زیادی برگه ابی به صورت فرم خام در کنار کامپیوتر آفیسر بود و ربطی به پرونده به

خصوصی نداشت.

اگر در بیوک ارشان و هتلهای اطراف هستید، خیابان سلانیک (خیابان بیوک ارشان) را به سمت کیزیلائی بروید، پس از عبور از خیابان مشروطیت (اولین خیابان) ابتدا Cafe M را میبینید که من جای دلچسپی در آن نوشیدم و به شما هم پیشنهاد میکنم. سپس به مسیر خود ادامه دهید تا به خیابان اصلی که از کیزیلائی منشعب میشود برسید. اولاً روبروی شما صرافی است که نرخش بهتر از صرافی خیابان تونالی است. ثانیاً از بچه بلیط فروشی (بچه سبز کم رنگ کنار پل عابر پیاده) برای ناتاوگا بلیط رفت و برگشت بخرید. جلوی بچه ایستگاهی است که شما را به ناتاوگا میبرد. مردمان ترک مرتب در صف ایستاده اند و منتظر اتوبوس هستند. با آمدن اتوبوس هجوم نمی آورند. البته به بیرها احترام میگذارند. من چون مسیر را نمیدانستم در صندلی اول نشستم که متوجه شدم دور و برم همه زن هستند. زنها در انتهای اتوبوس هم بودند ولی کمتر مردی در ابتدای اتوبوس بود، که شرمنده به انتهای اتوبوس رفتم. از درب جلو سوار میشوند و از درب عقب پیاده. با آرامش.

ناتاوگا آخرین ایستگاه است. مرکز خرید مدرن با آکواریم و غرفه های بسیار بزرگ- تقریباً با اغراق شبیه KLCC در مالزی. با مارکها و قیمتهای نجومی. دوستان از غرفه های ارزان هم میگفتند که من به علت کمی وقت پیدا نکردم.

برای بازگشت همان جایی که پیاده شدید منتظر بایستید و مجدد سوار اتوبوس شوید. البته ایستگاه مترو هم هست که چون من نمیدانم کدام خط مترو است نمیتوانم راهنمایی کنم. مسیر اتوبوس برای آنکارا گردی هم مناسب است. چون مسیر بسیار طولانی است و بارها اتوبوس پر و خالی میشود و نهایتاً جایی خارج از شهر سر در میاورد.

فروشگاه زیر مسجد کوچه تپه: Koce tepe هم برای کسانی که دنبال باقلوا هستند یا اجناس با قیمت مناسب جای خوبی است. حتماً از خود مسجد هم دیدن کنید. تماشای دختران و پسران نشسته در حیاط مسجد یا زنان با پوشش امروزی که آزادانه برای ادا نماز به این مسجد می آیند و دقت در تجربه تساهل و تسامح جامعه ترک و پیشرفتهای مترتب بر آن مفید خواهد بود. مناسک بعد از نماز مغرب برای من که تجربه نماز اهل تسنن را در مکه و مدینه دارم بسیار جالب و جدید بود. همچنین کتیبه بزرگ "یا حضرت بلال حبشی" روبروی محراب، ستونهای عظیم و سقف بلند و زیبای مسجد از دیدنیهای آن است.

اگر مسجد برای شما جذابیت ندارد و بنده کنجاو را به فسق و فجور متهم نمیکند، بیرون مسجد به سمت هتل نوا پالاس بروید، نرسیده به هتل، سمت چپ یک نایت کلاب هست که بدون جیب پر پول نباید به آن وارد شد. بیت:

ز دست گوته خود زیر بارم/ که از بالا بلندان شرمسارم (حافظ)

البته ادبا منظور حافظ را از بالا بلندان نه ترکان شیرازی که مهرویان روس گفته اند. بیت:

من از مفصل این نکته مجملی گفتم/ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

تفسیر: یعنی قوانین سایت اجازه توضیح بیشتر از این نایت کلاب نمیدهد.

به امید موفقیت و شادکامی همه دوستان.

ارسالها: 94

تاریخ عضویت: Oct 2011

رتبه: 1

تشکر: 555

811 بار تشکر شده در 93 پست



عضو فعال



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

bakhshandehgy(Jun-25-2012 09:06 PM) نوشته است:

saher(Jun-25-2012 08:59 PM) نوشته است: سلام به همه دوستان عزیز

راستش وقتی که سفرنامه ها رو میخونم از یک موضوع خیلی تعجب میکنم!

موضوع اینه که چرا بعضی از دوستان با تور به مسافرت آنکارا برای مصاحبه نمیروند و خودشون اقدام به خرید بلیط و هتل میکنند.

اینجوری باعث میشه که در حدود 2 برابر هزینه کنند و تازه از تور لیدر و راهنما و ساپورت کننده... هم بی بهره اند.

توصیه: این یه سفر تقریباً اجباری - اداری هست و اگه دوستان از مزایای سفر تور مطلع باشند خیلی خوب هست که از تور استفاده کنند.

saher

ساحر جان سلام. تا اوونجایی که من میدونم آنکارا تور نداره و تمام آژانسها فقط بلیط هواپیما می گیرند و هتل رزرو می کنند و نهایتاً یه ترانسفر. البته این جملات رو من هم قبول نمی کردم ولی وقتی پرس و جو کردم - از تقریباً 10 تا آژانس - همه یه جورایی تایید کردندش.

bakhshandehgy عزیز منظور من هم از تور فقط همین سه مورد بود. یعنی: تهیه بلیط و رزرو هتل و نهایتاً یه ترانسفر.

اگه آژانس اینها را تهیه نماید با توجه به قراردادی که آژانس با هتلها و شرکتهای مسافرتی تهیه بلیط دارند ... قیمتھایشان نصف وقتی میشود که من به تھایی برای رزرو هتل و تهیه بلیط اقدام نمایم.

برای مقایسه میتوان از طریق اینترنت هزینه یک شب اقامت را مثلاً در هتل ددمان نگاه کنید. سپس آن را با قیمتی که آژانس برای یک شب میگوید مقایسه کنید!

همه صحبت بر سر همین هتل و بلیط است و فقط اسمش تور است.

ارسالها: 361
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 1
تشکر: 5520
2772 بار تشکر شده در 355 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

saher(Jun-25-2012 10:08 PM) **نوشته است:**

shawn(Jun-25-2012 09:17 PM) **نوشته است:**

saher(Jun-25-2012 08:59 PM) **نوشته است:** سلام به همه دوستان عزیز

توصیه: این یه سفر تقریبا اجباری - اداری هست و اگه دوستان از مزایای سفر تور مطلع باشند خیلی خوب هست که از تور استفاده کنند.

saher

سلام ولی من خودم اقدام کردم با بلیط ترکیش ایر و یه هتل که از اینجا رزرو کرده بودم البته رفتم اونجا خوشم نیومد روز اول رو پرداخت کردم رفتم یه هتل دیگه (هتل الیت) یک نفره ۴۵ دلار شبی بعدش خودم آنکارا رو گشتم یا پیاده یا با مترو ۴۶۰ هزار تومان بلیط ۳۰۰ دلار هم هتل ۳۰۰-۴۰۰ دلار هم خورد و خوراک و سوغاتی برای یک هفته حدود ۱۰۰۰ دلار خرجم شد. حالا با تور چند میشه؟

هتل ددمان کلاس A بهتر پیدا نمیشه و گرونترین هست.
برای دونفر و در مدت 8 روز و 9 شب با همه امکانات شد کمتر از 3000000 تومان

که توسط آژانس تهیه شده بود. برای شما تقریبا 2 میلیون شد و اگه 2 نفر بودید میشد 4 میلیون. ضمن اینکه هتل الیت نمیدونم که کیفیتش چه طور هست؟

خوب اگه دو نفر بودید میشد 1 میلیون تومان صرفه جویی برای یک سفر یه هفته ای. بد نیست. یه میلیون هم به میلیونه. ضمن اینکه خیالتون هم راحت تره.

ارادتمند شما
SAHER

سلام
ساحر جان اولاً دو نفر که دو برابر نمیشه، شما وقتی اتاق رو سینگل میگیرین باز هم یک اتاق کامل دارین و وقتی دابل میگیرین فقط فرقیش یک تخت بیشتره. برای همین اتاق دو نفره فقط کمی گرونتر از اتاق یک نفره است. بعد اینکه این این قیمت که آژانس از شما گرفته خیلی پایین نبوده و اگه خودتون مثلا از طریق سایت booking.com رزرو میکردین میشد ۱۲۰۲ یورو که با توجه به قیمت امروز یورو که بر اساس سایت mesghal.ir شده ۲۲۸۰ تومان (که البته تو این هفته کلی رفت بالا) قیمت برای این مدت میشه 2,860,760 تومان.

Dedeman Ankara ★★★★★

Akay Cad. Buklum Sok. No:1, 06660 Ankara ([Show map](#))

BOOK NOW

[See all reviews](#)



Good, 7.5

Score from 231 reviews

"Location of the Hotel is excellent. Rooms are comfortable and clean. Breakfast is excellent."

Mustafa, Adana
September 4, 2011



Located in a quiet residential neighborhood that is home to many embassies, the Dedeman Ankara hotel offers spacious rooms and free Wi-Fi, a health club and a Turkish bath.

All soundproofed rooms are furnished with a small seating area. They contain a cable TV, minibar and a safety deposit box. The private bathroom has a bathtub or modern shower cabin.

The wellness area includes a sauna and massage rooms. Guests can also chose to work out in the large and well-equipped gym or take a refreshing dip in the indoor swimming pool.

Dedeman's stylish Safir Restaurant with outdoor terrace serves a variety of Turkish specialties as well as international cuisine. The armchairs in the bar are a pleasant place to enjoy a drink.

Dedeman Ankara is 1 block from Akay Boulevard and the Parliament building. Esenboğa Airport is 31 km away and it is 8 km to the bus terminal. Free on-site private parking is available.

Hotel Rooms: 299, Hotel Chain: Dedeman Hotels.

Availability

Available rooms from **Sun 22 Jul 2012** to **Mon 30 Jul 2012**, for 8 nights ([Change dates](#))

Most recent booking for this hotel was made on June 25 at 14:47 from Turkey.

Room type	Conditions	Max	Price for 8 nights	No. rooms	Reservation
<p>Superior Room Prices are per room for 8 nights Included in room price: 8 % VAT.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • FREE cancellation 		€ 771.93	0	<p>Book now</p> <p>It only takes 2 minutes</p>
		single occupancy	€ 707.13	0	
	<ul style="list-style-type: none"> • FREE cancellation • Breakfast included 		€ 1202.04	0	
		single occupancy	€ 1029.24	0	

ارسالها: 379
تاریخ عضویت: Sep 2011
رتبه: 3
تشکر: 1268
2015 بار تشکر شده در 345 پست

parsy631
عضو با سابقه
★★★★★

frz61(Jun-26-2012 12:16 AM) نوشته است:

schaghayegh(Jun-26-2012 12:08 AM) نوشته است:

frz61(Jun-26-2012 12:01 AM) نوشته است: فکر کنم ما رکورد زدیم- این دکتر هیچ استاندارد برای خودش نداره که بتونی بفهمی چند تا واکسن می خوری- من جز آبله مرغان کارتم کامل کامل بود . تمامی واکسن ها با تمامی مراحل و همین طور همسر- برای همسرم یکی ولی برای من یک واکسن رو در سه نقطه به صورت مثلث تزریق کردو \$ 440 ناقابل \$95+ برای عکس و آزمایش خون گرفت



کلا کارش همینه.... باید تزریقاتی میشد جای دکتر



به نظر دوستان کجا برای خرید با قیمت های نسبتا مناسب و جنس های خوب خویه؟؟

دیروز وقت شد خیابان آتانورک را تا میدان کیزیلای و خیابان مشروطیت را به سمت بالا بروم. مغازه ها تخفیف های خوبی دارند. قیمت ها بیشتر برای لباس های زنانه مناسب است و لباس های مردانه با وجود تخفیف هنوز به نسبت ایران گران هستند. برای پسرم یک صندل از lc waikiki خریدم 73 لیر . خداییش در تهران خیلی گران تر از این است. کلا این فروشگاه تخفیف های خوبی داده . تی شرت پسرانه با جنس نسبتا خوب 12.5 لیره. نسبتا خوب است و چند تایی خریدیم. خودمان هنوز خرید نکرده ایم. تا دو روز دیگر آنکارا هستیم. کسی پیشنهاد خوبی برای مرکز خرید دارد ممنون می شوم. ضمنا ایستگاه مترو کیزیلای یک مرکز خرید دارد . مارک های متنوع هست ولی قیمت ها خوب نیست و بالاست. قیمت ها در آنکامال چطور است؟

ارسالها: 500
تاریخ عضویت: Mar 2012
رتبه: 2
تشکر: 420
2514 بار تشکر شده در 471 پست



خب نوبتی هم باشه نوبت ماست.....
امروز صبح با ترانزیت استانبول به اتفاق frz61 عزیز رسیدیم انکارا ... هواپیما ترکیش ... ایرپاس ۳۳۰ فوقالعاده....
ترانزیت استانبول خسته کننده شلوغ راهپیمایی طولانی بین دو ترمینال اصلا این پرواز رو پیشنهاد نمی کنم...سعی کنید از پرواز مستقیم استفاده کنید.
مستقیم با هاواش رفتیم تو شهر و تاکسی گرفتیم برا دکتر.... زبان هم که فقط لال بازی واقعا تعطیل هستند.
با چمدان رفتیم دکتر و تا ۱۲ کارا رو انجام داد، معاینه رو گفت برید ساعت ۵/۱ بیاید ۹۵ \$ دو نفر پیاده شدیم هتل رو هم که به لطف اژانس معروف ج. ب. تهران کنسل کرده بود در حالی که من ۲ ماه پیش پولشو داده بودم ، خیلی شیک گفت که هتل مسافر داره و اتاقش پر شده منم برای اینکه شنیده بودم خودمون با تخفیف می تویم بگیریم استقبال کرده بودم.... نتیجه اینکه اصلا به اژانس برای هتل اعتماد نکنید.....پس تو این به ساعت اومدیم کارای هتل رو انجام بدیم ، به لطف شایرا جان مستقیم اومدیم هتل و وسایل رو گذاشتیم و استراحت هتل مراد نزدیک دمان نوساز فوق العاده تمیز و دیزاین عالی بازم شایرا جان ممنون و بعش دوباره دکتر و معاینه و ۲۴۰ \$ ناقابل جمعا ۳۳۵ \$ پروندش بسته شد..... اقا عجب پولی چاپ میکنه !!!!..... دیگه از همونجا رفتیم آنکامال تا ساعت ۷ که جان داشتیم فقط لیر بخرد که گیر نکنید.. من یکی دو جا مجبور شدم از دست گرونتر بخرم. با تاکسی برگشتیم هتل ، که کلا با همون مترو برگردید هم ترافیک و هزینهش به نفع هست..... دیگه باید می خوابیدیم، تا اینجا ۲۵ ساعت بیداری بوده!! ولی ساعت ۱۰ زدیم بیرون و انکارا گردی که بقیه رو در سفرنامه بعدی تعریف می کنمجواب آزمایش ساعت ۲ فردا آماده میشه.
زبان انگلیسی در ترکیه به شدت غریبه !!! کلمات ترکی کمی اگه بلد باشین کارو را میندازه.
شهر انکارا قدیمی است و اصلا از مقایسه با شهر های توریستی خارج هست ممکنه تو ذوقتون بخوره!
توی دکتر کسانی هستند که کارا رو را میندازن! دلایلی میکنن که به نظرم برای بعضی که زبان بلد نیستن بد نیست اونا رو راهنمایی می کنن. پس کسی نگرانی نداشته باشه. البته خیلی راحتی هرکس خودش کاراشو بخواد می تونه انجام بده.... سوالی بود در خدمتیم 😊
با تشکر از شایرا ، frz61 و اقا محسن

ارسالها: 152
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 666
909 بار تشکر شده در 144 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

leila20 (Jun-26-2012 03:06 PM) **نوشته است:** آقا مجید تبریک میگم و براتون آرزوی موفقیت میکنم. فقط به چیز من نتونستم قسمت اول سفر نامه شما رو پیدا کنم. میشه لطف کنید در مورد هتل سیاو: فاصله تا سفارت قیمتش و از این جور چیزا بگید.

ممنون

بخش اول سفرنامه :

<http://mohajersara.com/thread-4682-post-...#pid184967>

هتل سیاو:

یک هتل کوچیک و نوساز حوالی خیابان آکای (نزدیک بقیه هتل ها مثل ددمان، اوزیلهان و..)

هزینه اتاق دوپلش شبی 120 لیر یا 70 دلار.

اتاق هاش شیک و تر و تمیزه اما به سری چیزهای ساده رو نداره. مثل اطو، صندوق (سیف باکس) و گهواره بچه البته این آخری رو بخاطر ما خریدن!

صیحانه ش ساده ست و خیلی تعریفی نداره. چند نوع پنیر و کره و خیار گوجه و زیتون و تخم مرغ + آبمیوه از نظر فاصله به سفارت نزدیکه 700-800 متر و ما با کالسکه بچه خیلی راحت رفتیم... تا مطب دکتر هم راه زیادی نیست (1.2 کیلومتر) ولی ما بخاطر بچه با تاکسی رفتیم.

کلا اینجا چون مرکز شهره تقریبا هرجا که بخواید بروید هزینه زیادی نداره با تاکسی 5، 6 یا 7 لیر

کلا مردم آنکارا انگلیسی به اندازه بز هم بلد نیستن 🇺🇸 و کارکنان هتل سیاو هم از این قاعده مستثنی نیستن اما یک کارمند اصلی پذیرش به اسم ایل کش هست که اون بلده ولی وقتی مثلا شبها نیست دیگه هیچ کس هیچی حالیش نیست. من اتاق های هتل Best رو دیدم و اصلا قابل مقایسه نبود با سیاو... تازه اونجا با تخفیف شبی 180 لیر بود. من سویت هتل ددمان رو هم دیدم که بزرگ بود و شیک و البته قیمتش هم 220 یورو بود! اتاقهای معمولی دوپل ددمان هم 150 یورو!! فکر کنم بخاطر تابستون یا فستیوال آنکارا یا هردوش قیمتهای هتل ها بالا رفته و البته ترکیش ایرلاینز هم که بدتر از همه.

در مجموع ما از هتل سیاو راضی هستیم و به دیگران پیشنهاد می کنیم.

یه چیزی هم یادم رفت بگم اینه که موبایل GPS دار به همراه نقشه آنکارا خیلی به درد می خوره و شما رو از آدرس پرسیدن و دنبال مرکز خرید و رستوران و... گشتن بی نیاز می کنه.

ارسالها: 755

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 10

تشکر: 20248

5478 بار تشکر شده در 665 پست

 SH1A2R3

شایرا

**RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا**

سلام دوستان

ما دیروز به مرکز خرید چپا رفتیم. من برای همه این مرکز رو توصیه میکنم به نظر من از انکامال هم بهتر بود. فقط دوره باید میدان کیزیلای اول خیابان مشروطیت روبروی سیمیت سارای با اتوبوس 534 برین درست روبروی چپا پیاده میکنه. همه مارکها هم اف 50% خوردن. امروز هم رفتیم اکواپارک که کلی استرس ریختیم بیرون. شایرایی پر استرس دیگه استرس انچنانی نداره. فقط سه تامونم سیاه سوخته شدیم. ما 2 هم در هتل مراد هستن و ما موفق به زیارت ایشان و همسر زیباشون شدیم.

ارسالها: 135

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 1080

1385 بار تشکر شده در 133 پست

 vm1974

عضو فعال

**RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا**

سلام بر همه دوستان

ما هم آبی شدیم و رفتیم که منتظر شیم! ورودمون به آنکارا جمعه 22 جون ساعت 7 بود با تاکسی 70 لیر دادیم و آمدم هتل آنکارا پلازا و بعد از چک این درهتل ساعت 9 رفتیم دکتر و تا ساعت 11 همه کارامون تموم شد. من و همسر یکی یک واکسن باضافه آزمایش برای آبله رو دادیم بچه ها هم یکیشون 1 واکسن و اون یکی هم 3 تا نوش جان کرد جمعا 980 دلار پیادمون کرد.

دوشنبه صبح بچه ها رو بردیم جای تست رو دکتر دید و گفت همه چی مرتبه و عصر من رفتم دکتر و جوابها رو گرفتم (برای گرفتن جوابها حتماهمه پاسپورتها را ببرید)

امروز صبح ساعت 7:40 یک تاکسی گرفتیم و 5 لیر دادیم و 7:45 دم در سفارت پیاده شدیم. یک صف بیشتر نبود و چون به خورده دیر اومده بودیم رفتیم پاسپورتها رو دادیم به نگهبان جلوی در.

بقیه مراحل تا دادن اصل مدرکها مثل بقیه سفرنامه هاست ضمنا مدارکی که ازتون میگیرند اینهاست:

پاسپورتها - شناسنامه - کارت ملی - مدرک تحصیلی برنده - سند ازدواج - گواهی بانک اگر قبلا نفرستادید- سند خونه / ماشین

بعد یک شماره دادند و رفتیم تو. سالن هوای مطبوع داشت و مملو از جمعیت بود. اول صدامون زدند باجه 11 برای اصلاح مدارک اونجا آدرسمون در امریکا را عوض کردیم. دوم صدامون زدند باجه 7 برای انگشت نگاری سوم رفتیم باجه 4 برای پول 1320 دلار ناقابل تقدیم کردم چهارم رفتیم باجه 6 برای مصاحبه با ریش قرمز! خیلی با حال بود و اول قسممون داد و بعدشم پرسید کارت چیه و ... منم توضیح دادم یکی دو جا رو گفت فارسیش رو نمیفهمه منم انگلیسی گفتم. بعد از همسر هم همین ها رو پرسید و گفت عالیه! نمیدونم چی رو ولی حتما عالی بود دیگه! فرمود که مدارک شما کامله و مراحل اداری باید انجام بشه از 1 ماه دیگه این سایت رو چک کن شماره ات رو دیدی بیا پاسها رو هم بیا ویزا رو ببر. همین! اصلا نگفت کچا میری با کی میری، پیش کی میری و چی کار میکنی اونجا ساعت 11 از در سفارت تشریف فرما شدیم بیرون و با یکی از عزیزان مهاجر سرا کلی بگو و بخند کردیم. راستی من سرپازی معاف بودم و لی شغلم نیمه دولتی بوده است. اسپانسر ندارم، جا و مکان هم برای زندگی تو امریکا رو نوشتم فعلا معلوم نیست.

روز شنبه 30 جون ساعت 11:30 شب پرواز برگشت با ترکیش داشتیم. پرواز به موقع بود ولی خلبان بسیار ناشی بود و بلند شدن و نشستش افتضاح بود که البته شاید بخاطر این باشه که من عادت به پرواز با خلبانهای ایرانی دارم که تو دنیا تک هستند. یکی از عزیزترین چمدانهای من رو هم تو بار شکسته اند و نهائیا من در آینده فقط آگه مجبور شم از ترکیش بلیط میگیرم. ساعت 5 صبح هم خونه رسیدم.

مجددا از همه مهاجر سرپازی های گل ممنونم.

ارسالها: 348
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 4
تشکر: 908
2262 بار تشکر شده در 322 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام به دوستان گرمی
با عرض معذرت از تاخیر 6 روزه ام، نوشتن سفرنامه ام رو شروع می کنم امید که مفید واقع بشه. خواهر من در استانبول زندگی می کنه به همین دلیل من مدیکالم رو در استانبول انجام دادم و برای مصاحبه یک سفر 1 روزه به آنکارا داشتم پس سعی می کنم سفرم رو با جزئیات بیشتر بیان کنم تا برای دوستانی که قصد دارن سفرشون رو از استانبول شروع کنن مفید باشه. ضمنا نکاتی که از نظرم مهم میاد رو بولد می کنم تا دوستانی که وقت زیاد ندارند و یا مثل من کمی تبیل هستند آن نکات رو مطالعه کنن.

[b] خلاصه شرایط:

سن: 30

مجرد

سرپازی: معافیت کفالت

تحصیلات: فوق لیسانس مهندسی صنایع

کار: شرکت خودم رو دارم

محل انجام مدیکال: استانبول

مدارک مالی: 24 میلیون حساب بانکی + ترجمه سند زمین

نتیجه مصاحبه: ویزای یکسرب

[b/]

تهیه بلیط هواپیما

بعد از مشخص شدن تاریخ مصاحبه ام که تقریبا 2 ماه قبل از مصاحبه ام بود اقدام به جمع آوری مدارک و تهیه بلیط کردم. قصد داشتم بلیط رفت و برگشت به استانبول تهیه کنم. نکته مهم اینکه پروازهایی که کانکشن دارند خیلی ارزونتتر از سایر پروازها هستند.
با مراجعه به سایت ترکیش ایرلاین پروازها با تاریخ مورد نظرم سرچ کردم، پروازی که انتخاب کردم به اینصورت بود: از تهران پرواز مستقیم به استانبول و پرواز برگشت 1 هفته بعد از استانبول به تهران که به استاپ 2 ساعته در آنکارا داشت. توجه کنید که این پرواز حدود 200 دلار از پرواز مستقیم و دو طرفه استانبول تهران کمتر بود.

مشخصات پرواز مورد نظرم (تاریخ پرواز و شماره پرواز و فرودگاه مقصد) رو یادداشت کردم و برای خرید با آژانسها سر زدم. خیلی از آژانسها پروازی که می خواستم رو نداشتن... توصیه می کنم به حرف آنها گوش ندید، بعضا به من می گفتن که پروازهایی که در سایت هستن رو فقط می تونید اینترنتی خرید کنید و آژانسها آن پروازها رو ندارند... با توصیه دوستانم به مراجعه به آژانس جزیره بهشت بلیط مورد نظرم رو خریدم که حتی ارزانتر از قیمتی که در سایت بود درآمد (410 هزار تومان) این قیمت حتی از قیمت اون زمان پروازهای ایران ایر و ماهان هم کمتر بود.

نکته مهم: استانبول درای 2 فرودگاه هست که اسم فرودگاه قسمت آسیایی اش Sabiha و فرودگاه اروپایی اش Ataturk هست. با توجه به اینکه بیمارستان آمریکایی که باید برای مدیکال به آنجا مراجعه کنید در قسمت اروپایی هست باید سعی کنید هتلتان و فرودگاه مقصد رو در قسمت اروپایی انتخاب کنید، در غیر اینصورت هزینه رفت و آمدتون بسیار بالا خواهد بود.

گرفتن وقت از بیمارستان

1 ماه قبل از مصاحبه ام مکاتبه ام توسط ایمیل برای گرفتن وقت از بیمارستان آمریکایی شروع کردم. با توجه به اینکه مصاحبه ام روز 5 شنبه بود تصمیم داشتم شب قبل از مصاحبه یعنی 4 شنبه شب از استانبول به سمت آنکارا حرکت کنم که صبح پنج شنبه آنکارا باشم. برای همین می خواستم 3 شنبه جواب مدیکالم حاضر باشه. به همین دلیل قصد داشتم که برای وقتم رو برای 2 شنبه (روز رسیدنم به استانبول) تنظیم کنم اما به من گفتن که برای 2 شنبه وقت ندارن و هر چه هم شرایطم رو توضیح دادم قبول نکردن که 2 شنبه وقت بدن به همین دلیل به دوستان توصیه می کنم که هر چه زودتر برای گرفتن وقت از بیمارستان اقدام کنن. بالاخره وقتم برای 3 شنبه تنظیم شد و تصمیم گرفتم همون روزی که جواب رو گرفتم به سمت

رفت و آمد در استانبول

حتما می دانید در ترکیه هزینه تاکسی زیاده، من از فرودگاه آتاتورک تا خانه خواهرم در منطقه Bahcesehir با فاصله کمتر از 15 دقیقه 45 لیر ناقابل رو به راننده محترم تقدیم کردم. برای هزینه کمتر شما باید از مترو و اتوبوس استفاده کنید. مترو و اتوبوس ها در استانبول تنها با کارت اعتباری قابل استفاده هستند بنابراین شما مجبورید یکی از این کارتها رو خریداری و شارژ کنید.

مدیکال

مسیرها: تا آنجایی که متوجه شدم (مطمئن نیستم) هر نقطه در قسمت اروپایی استانبول به سمت "مجیدیه کوی" (Mecidiye koy) و میدان "تکسیم" (Taksim) در استانبول خط اتوبوس دارد. شما اگر این محل ها بروید به راحتی می توانید خودتان رو به بیمارستان برسوید. بعد از رسیدن به یکی از این 2 محل، ایستگاه مترو را پیدا کنید. بعد از ورود با استفاده از تابلو های راهنما باید خطی را سوار شوید که به سمت ایستگاه "عثمان بی" (Osman bey) می رود. اگر از ایستگاه مجیدیه کوی سوار قطار شوید بعد از یک ایستگاه به "عثمان بی" می رسید. بعد از پیاده شدن با 5 تا 10 دقیقه پیاده روی به بیمارستان می رسید. آنجا باید از یکی بپرسید که از کجا بروید. بهتر است به جای انگلیسی صحبت کردن بگید: "آمریکن هاستانسی" یا اینکه روی په تیکه کاغذ بنویسید "Amerikan Hastanesi" تا بتوانید از این طریق از دیگران راهنمایی بگیرید و خودتون رو به بیمارستان برسوید.

بیمارستان: شما باید به قسمت Check up واقع در طبقه دوم بیمارستان برید. به نظر می یاد تنها راه ارتباطی شما با کارکنان و دکتر انگلیسی و یا ترکی استانبولی هست. در قسمت رسیدن 2 قطعه عکس، برگه حاوی کیس نامبر و پاسپورت رو از من خواستند و به فرم به من دادند تا پر کنم و خواستند که منتظر بمانم. در این حین از برکت مهاجرسرا دوست بسیار عزیزم جناب Parsy و همسر محترمشون رو زیارت کردم که دقیقی رو با هم همکلام شدیم. بعد از چند دقیقه انتظار اسمم رو صدا کردند پس از بینایی سنجی، تست خون و گرفتن قد و وزن کارت واکسنم رو تحویل دادم و دوباره به سالن انتظار برگشتم. بعد از مدت زمانی دکتر مجددا اسم من رو صدا کرد و من رو به اتاقشون راهنمایی کردند. سوالهایی رو به انگلیسی از من پرسیدند که عمدتا در مورد سوابق بیماری های خاص بود، من کلمه های تخصصی رو متوجه نمی شدم اما از آنجایی که سابقه بیماری ای ندارم همه رو با NO جواب می دادم. اگر شما خدای نکرده سابقه بیماری دارید باید اسم آن بیماری را به انگلیسی بلد باشید تا گیر نکنید. دوستان من واکسنهای دیفتری، کزاز، هپاتیت (2 مرحله)، آنفلوانزا و MMR رو زده بودم و تست آنتی بادی آبله مرغان رو با خودم برده بودم، به همین دلیل هیچ واکسنی تزریق نشد.

پس از انجام مراحل پزشکی هزینه آن را که 332 لیر (حدود 185 دلار) پرداخت کردم و گفتند که برای X-ray به طبقه منفی 1 برم. اونجا شما باید از طریق دستگاه (مثل بانک) شماره بگیرید و منتظر بمانید. پس از گرفتن X-ray کار شما در بیمارستان تمام است. اگر در روزی غیر از جمعه و شنبه به بیمارستان مراجعه کنید، فردای همون روز بعد از ساعت 4.5 بعد از ظهر می توانید نتیجه مدیکال رو دریافت کنید.

سفر به آنکارا با اتوبوس:

در ترکیه شرکتهای مسافری زیادی وجود دارند. به گفته خودشون شرکت ULUSOY بهترین است. من برای رفت از اتوبوسهای ULUSOY و برای برگشت از شرکت METRO استفاده کردم، بهتر است که بلیط رفت رو از یکی 2 روز قبل از سفر تهیه کنید و بلیط برگشت رو خریداری نکنید به این دلیل که اصلا معلوم نیست که کار شما در سفارت چقدر طول خواهد کشید در ضمن در ترمینال آنکارا اتوبوسها هر ساعت به سمت استانبول حرکت دارند. فقط باید توجه کنید که اتوبوسها در محل اقامت شما در استانبول برای پیاده کردن مسافر توقف داشته باشند. به نظر من تفاوت چندانی از نظر کیفیت و سرویس دهی بین آن دو شرکتی که اسم بردم وجود نداشت اما قیمت بلیط رفت 55 لیر و برگشت 45 لیر شد. تنها تفاوت آنها این بود که در اتوبوس اول صندلیهای تکی وجود داشت. در هر 2 اتوبوس مقابل هر مسافر LCD وجود داشت که شامل فیلمها، موزیکها و تلویزیون و اینترنت بود که شما رو در طول سفر سرگرم می کنه. اکثر اتوبوسها از جلو شرکت خودشون حرکت می کنند، بهتر است فاصله محل اقامتون تا آن شرکت رو در نظر بگیرید تا هزینه کمتری رو بابت حمل و نقل متقبل شوید.

دوستانی که قصد استفاده از اتوبوس برای مسافرت به آنکارا را دارند توجه کنند که حرکتتون از استانبول دیرتر از 12 شب نباشه. چون تنها 2 پل قسمت اروپایی و آسیایی استانبول رو به هم متصل می کنه و گاهی مواقع ترافیک سنگینی در آن ناحیه درست می شه. من حرکتم ساعت 12.5 شب بود و راس 8.5 جلو سفارت بودم و مسافرتم 7 ساعت طول کشید. این در حالی که زمان برگشتم 6 ساعت بود (به دلیل خلوت بودن پل)

نکته مهم: معمولا اتوبوسها در نقاطی از استانبول و آنکارا برای سوار کردن و پیاده کردن مسافرها توقف دارند. شما باید توجه کنید که اتوبوسان در آنکارا در ترمینال "آشتی" توقف داشته باشه. چون شما از آنجا به راحتی و با استفاده از مترو می تونید خودتون رو به ایستگاه کیزیلای که فاصله کمی با سفارت داره برسوید. از کیزیلای تا سفارت حدود 20 دقیقه پیاده روی داره، البته تاکسی ها هم دقیقا مقابل ایستگاه مترو کیزیلای حضور دارن.

سفارت

پس از 20 دقیقه پیاده روی از کیزیلای به سفارت رسیدم. وقت من ساعت 8:30 بود من هم راس 8:30 آنجا بودم، 2 صف تشکیل شده بود مهاجرتی و غیر مهاجرتی، یک آقای درشت هیکل ترک پاسپورتها رو می گرفت و بعد از مدتی بر می گشت و اسمها رو می خواند برای ورود. حدود 1 ساعت طول کشید تا اسم من رو بخونه. پس از عبور کیف از دستگاه و تحویل مویلم وارد شدم. یه در دیگه بود که جلوش صف درست شده بود و از تو به صورت الکترونیکی در رو باز می کردن و دونه دونه افراد وارد می شدند. بعد از ورود همون خانمی که معرف حضور همه دوستان هست از من 2 قطعه عکس، پاسپورت، اصل شناسنامه و اسناد مالی را خواست و یه شماره داد. در سالن 4 بار شماره من روی اون تابلو الکترونیکی ظاهر شد. یک بار از من خواسته شد اصل سند مالکیت و اصل کارت معافیت را ارائه بدم و همچنین اصلاحات روی فرمها رو انجام بدم. بار دوم اثر انگشت و بار سوم بول و از من خواستند که منتظر مصاحبه بمانم این در حالی بود که به بعضی ها که زودتر از من آمده بودند گفته بودند که بروند و ساعت 1:30 برگردند.

مصاحبه:

مصاحبه من با همون آقای معروف ریش قرمز بود و کلا 1 دقیقه هم طول نکشید، در مورد مدارک مالی(با اینکه گردش مالی در نامه آمده بود و معادل دلاری ذکر نشده بود) و کار و اینکه قصد دارم به کجا بروم هیچ سوالی پرسیده نشد.

آفیسر: آیا سوگند می خورید

من: سوگند می خورم...

آفیسر به انگلیسی: می تونی انگلیسی صحبت کنی

من: بله اما شاید نه خیلی روان

آفیسر: چرا پس مصاحبه فارسی انتخاب کردی

من: که در مورد سوالهای خاصی که ممکنه پرسیده بشه سو تفاهم پیش نیاد

آفیسر به فارسی: اوه چه جالب (خنده)... شما اینجا نوشتید که در دانشگاه... درس خونیدین، موضوع رساله کارشناسی ارشدت چی بود.

من: عنوان ترم رو مطرح کردم.

آفیسر: شما سرکاری معاف شدید؟

من: بله

آفیسر: یعنی با وثیقه خارج شدید؟ (شک ندارم که می خواست به دستی بزنه)
من: نه کسی که معاف شده قانونا پاسپورت داره و به راحتی می تونه از کشور خارج بشه.
آفیسر: تبریک می گم هیچ مشکلی وجود نداره فقط متاسفانه پاسپورت شما باید پیش ما بمونه تا ویزاتون صادر بشه. شما باید برید
UPS و ...

[b/]b: UPS نکته جالب اینکه هزینه UPS برای ارسال مدارک به آنکارا و استانبول تفاوتی نداره، و من همون 17 لیر رو پرداخت کردم.

دریافت ویزا: من 5 شنبه مصاحبه داشتم، کمتر از 48 ساعت بعد پاسپورت و سایر مدارکم با UPS به دستم رسید.
امیدوارم سفرنامه ام حاوی اطلاعات مفیدی برای دوستان باشه، خوشحال می شم اگر سوالی باشه جواب بدم.
موفق باشید.



ارسالها: 54
تاریخ عضویت: Jun 2009
رتبه: 2
تشکر: 3083
بار تشکر شده در 55 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

بالاخره بعد گذشت حدود 9 ماه از شروع مصاحبه های 2012 نوبت من شد که سفرنامه ام رو بنویسم
ما 25 جون ساعت 3.20 صبح با ترکیش پرواز داشتیم مسیر تهران-استانبول-آنکارا. من و همسر در این مسیر دو همسفر خوب داشتیم (maka و همسرشون) که سختی سفر در کنارشون کمتر شد. (دوستان عزیز در صورتی که واقعا مشکل محدود بودن وقت رو ندارید توصیه اکید می کنم از پرواز غیر مستقیم صرف نظر کنین چون خیلی خسته کننده بود)
مستقیم از فرودگاه آنکارا با اتوبوس های HAVAS رفتیم Uius و از اونجا با ساک رفتیم مطب دکتر. معاینات پزشکی و واکسن های بی حساب انجام شد و 540\$ پرداخت کردیم.
روز مصاحبه با شایرای عزیز آشنا شدیم
مصاحبه ما به عصر منتقل شد و بعد از انگشت نگاری و پرداخت پول گفتن ساعت 14.30 بیان.
دوباره رفیم و آفیسر ریش قرمزی فقط با کیس های تحصیلی و خانوادگی مصاحبه کرد (در نوبت عصر) و مصاحبه ما توسط آفیسر خانم انجام شد. شماره مدارک ما برای اصلاح اعلام نشده بود و قبل از قسم با یک مقدار زیادی گیج بازی اصلاحات رو انجام دادیم
بعد در مورد کار من (یک کار پارت تایم که اول تو فرم هام اضافه نکرده بودم چون از 2 سال کمتر بود و بعد از طریق ایمیل اطلاع داده بودم سوال پرسید) بعد از همسر که کارش چیه دقیق و محل کارش کجاس و دلیل معافیتش پرسید- اصلا از من در مورد کار دولتی ام نپرسید
قسمت اصلی ماجرا از موضوع پروژه تز من و همین طور همسر شروع شد ما براش کمی توضیح دادیم گفت من متوجه نمی شم می تونید به انگلیسی بگین ما هم گفتیم
بعد گفت تو آمریکا کسی رو دارین (جواب نه) کجا می خوابین برین (آستین یا دالاس) گفت من هم می خواستم با توجه به رشته تون همین رو پیشنهاد بدم
در آخر گفت مدارک شما کامله مراحل اداری باید طی بشه در 2-3 روز آینده فرم 9 سوالی براتون ارسال میشه-
هیچ سوالی هم در مورد مدارک مالی از ما نپرسید
موقع برگشت هم با دوستان مهاجرسرای زیادی آشنا شدم که چند تاشون مثل ما 9 سوالی گرفته بودن و مصاحبت با اونها از استرس ما کم کرد
برای همه از صمیم قلب آرزوی بهترین ها رو دارم و از همکاری و هم فکری که تا حالا داشتین بسیار متشکرم. و افتخار می کنم از این که دوستان مجازی دارم که واقعا باهاشون احساس صمیمیت می کنم و از این که می بینم وقتی هر موردی برای هر کیسی پیش میاد همه احساس می کنن کیس خودشون بوده بسیار خوشحالم



ارسالها: 500
تاریخ عضویت: Mar 2012
رتبه: 2
تشکر: 420
بار تشکر شده در 471 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به عزیزان
خب از حدودای ۱۰ شب پریشب فکر کنم باید تعریف کنم که زدیم بیرون برای آنکارا گردی و رفتیم میدان کیزیلای ... برای رفتن امد از gps موبایل خیلی راحت همه جا می تونید برید ... من هرچایی که به نظرم خوب بود هم بوك مارک می کردم که اگه خواستم برم دوباره بتونم 🙏 برای کسانی که دنبال حرکات موزون هستن !! بگم که دوشنبه که اول هفته میشه ترکا زود می خوابن... 🙏 برای چهارشنبه ، به بعد ... if , oro , Scape جاهای خوبشه!! که ما هنوز رفتیم اینا رو فعلا بوك مارک کردم..... خلاصه برگشتیم طرفای ساعت ۱۱ تو همون کوچه پس کوچه های نزدیک هتل که پر بار و کافه است تا ساعت تقریبا ۱ نشستیم که خیلی خوب بود.... حرکت به سمت هتل البته تو راه صدف سیاهها رو همون ۱ لیر زدیم ... که تجربه بدی

نود خیلی خاص هم نبود. هتل خوابیدیم صبح رفتیم تو ی خ تونالی باز نزدیک هتل هست که همه چیز هست خشک شویی ، کافی نت ، سوپر ، میوه فروشی و.... به مقدار لیر خریدیم ..برای خرید لیر بانک ها بیشترین ریت رو به شما میدن البته باید پاسپورت داشته باشین ، حدود ۵ کروش که البته خیلی نمیشه صرافی هم که همونجا تو تونالی جادسی (جادسی همون خیابون) هست . بعدشم رفتیم انکامال که خب مال بزرگ و خوبه هر چی بچرخین باز کمه ساعت ۲:۳۰ من تنها راه افتادم برای شناسایی سفارت و جواب دکتر جوابهارو گرفتم و برگشتم انکامال به همسر گرام ملحق شدم و ساعت ۵ هم همونجا سینما رفتیم که تجربه بدی نبود ولی خیلی گرون بود حدود ۲۲ درومد البته ۴ تاش ماله عینکهای 3دش بود...اونجا هم اومدیم هتل یکم استراحت و بعدش رفتیم به کیزیلا تا ساعتی ۱۰ هم اونجا چرخیدیم باید می رفتیم هتل صبح برای حمله به سفارت آماده شیم

شب هم با بچه ها قرار گذاشتیم هرکی زودتر بیدار شد بقیه رو بیدار کنه.....
صبح ساعت ۶:۳۰ شاپرا جان زنگ زد اتاق و دیدم اون حمله رو قبل از دستور شروع کرده..... خلاصه بریدیم پایین و صبحونه رو زدیم تاکسی به سمت سفارت..... اونجا هم frz61 اومدو بعد از حدود نیم ساعت در سفارت باز شد و صفها تشکیل شد اول په ماموری اومد پاس ها رو جمع کرد بعد

صدا کردن، اسم ما رو هم اول خوندن اقا رفتیم تو هیچکس نبود ... هنوز جارو برقی روشن بود داشتن جارو میکشیدن خلاصه نقصی مدارکو پولو بعدم مصاحبه.... ریش قرمزی با هدفون گندش سنم پرسید و بعدش گفت فرم ۱۸۱۰ رو براچی امضا کردین ؟ گفتم خودتون دپوز فرستادین ! گفت

یعنی به ایمیلتون چسبیده بود؟ گفتم بعله به ایمیل چسبیده بود!! خلاصه میکروفون قطع کرد و با همکاری صحبت کرد ... وگفت اینو شما لازم ندارین مربوط به شما نمیشه!!!! بعد گفت شما خیلی دقیق هستین !!! کلا راجع به کارم سوال کرد و خدمت رو گفت چرا معاف شدی؟ منم گفتم خریدم!!! پرسید چند خریدی؟ منم گفتمهمین! گفت پاسهای شما اینجا میمونه بعد به کارت کوچولو سفید دراورد و داد به ما رفتیم ups کارت هتل دادیم ۳۴ تا هم دادیم با دوستان خداحافظی کردیم و اومدیم بیرون !!!..... برگشتیم هتل و با anikoo عزیز رفتیم ترکیش که بلیطارو عوض کنیم دیدم قیمتهاش خیلی فضاییه پس بلیط رو بی خیال شدیم فعلا ماهان هم هرروز به تران از استانبول پرواز داره تصمیم گرفتیم ویزام اومد از ترمینال aište که هر ساعت به استانبول اتوبوس داره حرکت کنم و اونجا بپریم به تهران.....دیگه اومدم هتل وشاپرا و خانواده محترمشون رو دیدیم و گپی زدیم و رفتیم باسه استراحت..... ساعت ۶ هم با بچه ها رفتیم چپا مال که خیلی خوب بودشب هم که تو تراس هتل دورهمی را انداختیم که از

همش بهتر بود تا ساعتی ۲ دور هم بودیم..... برای بچه هایی که مصاحبه دارن توصیه می کنم به هتلی رو تو استانبول نشون کنن و ادرستشو با خودتون برن سفارت برا ویزا ادرس اونجا رو بدن و بعد مصاحبه با اتوبوس برن استانبول که هم جادش خوبه هم جاهای دیدنی زیاد داره هم هتلش

ارزون تره وقتشون خوب پر میشه.....ایشالله سرب بعد ویزا خواستیم اینکارو می کنیم.....
کلا مصاحبه فرمالیته است فقط میخوان شما رو بین و اصل مدارکو...

من تو فرمام اشتباه داشتم حتی تاریخ خدمتم رو ۱۰ سال اشتباه زده بودم برا خدمت yes زده بودم که چون معاف شده بودم تو فرمایی که شب مصاحبه پرینت کرده بودم n0 زدم اصلا نپرسید. برای شغل خانه دار n/a زده بودم ...مدرک پیش دانشگاهی رو داده بودم ، در حالی که زده بودم فوق دیپلم+ دانشجو ، کارت موقت دانشجوییم رو ترجمه کرده بودم کلا فقط چیزایی که خواسته بود رو ارائه دادم نه بیشتر...تمکن مالی بانک سامان فقط برای خودم تنها گرفتم حدود ۵۰ م هیچ برگه ای رو هم از اول توپرونده و دورو برش ندیدم.....!!
سوالاتی بود با کمال میل در خدمتم.. از همه دوستان مهاجرسرای میمونم که اطلاعات خوبی رو در اختیارم گذاشتن که خیلی ارزشمند بود برامانشالله بتونم با کمک به دوستان تازه وارد جبران کنم.

.....
همین الانم از لابی زنگ زدن ups اومد پاسامون رو دادن ... کمتر از ۲۴ ساعت !!!میخوایم حرکت کنیم به استانبول....

ارسالها: 61
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 566
408 بار تشکر شده در 54 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام
ما هم چهارشنبه 27 جون مصاحبه داشتیم و بابت تست سل دخترم بایستی چند روز زودتر به آنکارا میرفتیم. پنج شنبه 21جون با پرواز ایران ایر وارد آنکارا شده و به هتل ترنسفر شدیم. هتل هیلتون هتل خوب و تمیز با استخر و صبحانه تکمیل هست که برای کسی مثل من که بیمار هم بودم محل مناسبی برای استراحت بود .

بلافاصله به مطب دکتر مراجعه کردیم با اینکه ساعت 9:30 بود ولی جمعیت زیادی توی مطب بودند که انتظار برای معاینه رو به کابوس تبدیل کرده بود. خستگی مفرط بابت اینکه شب قبل نخوابیده بودیم و بیماری (سرماخوردگی شدید) و کلافه گی و عدم همکاری دخترم و همچنین عدم توجه منشیها به نوبت افراد و چندین مورد پارتی بازی ، روز افتتاحی رو برامون ساخت . کلا" تا ساعت 1:50 توی مطب بودیم. به گفته خانم دکتر نوبت دوم واکسن MMR به من و همسرم تزریق شد و باوجود اینکه همسرم آبله مرغان گرفته بود به واکسن آبله مرغان دیگه هم نوش جان کرد و بهمراه بقیه آزمایشات مجموعا" 800 دلار هزینه مدیکال شد!

روز مصاحبه حدود ساعت 8 جلوی سفارت بودیم. صف تشکیل شده و بترتیب همه وارد شدند. مراحل مصاحبه همونی هست که بارها و بارها و بارها خواندیم. فقط مدارک اسپانسر ما دیر بدستمون رسید و من نتونستم اونها رو با سایر مدارک به آنکارا پست کنم و مدارک رو همراه خودمون بردیم که اونجا ارائه بدیم. بعد از سوالات روتین که آفیسر از ما پرسید مثل بقیه دوستان به ما هم اعلام شد که مدارکتون تکمیل و مشکلی ندارید فقط از 2 یا 3 هفته دیگه سایت رو چک کنید. همسرم سوال کرد که آیا لازمه مدارک مربوط به اسپانسر رو بهتون ارائه بدیم؟ جواب آفیسر این بود که نه اصلا" نیازی نیست مدارک مالی شما تکمیل و هیچ نیازی به اسپانسر ندارید. من بارها توی این سایت خوانده بودم که داشتن اسپانسر از اهم واجباته و اگر نباشه خیلی بد میشه و ولی جواب آفیسر به ما نشون میداد که استقلال مالی خودمون اهمیت بیشتری داره.

به هر حال سفر به آنکارا رو اصلا" دوست نداشتم چون هم به بیماری گذشت و هم بی نتیجه بود و همچنان دست خالی هستیم و باز هم باید منظر

باشیم.
الان هم که چند ساعتیه که رسیدیم منزل و من میرم که کمی استراحت کنم.
روز خوش

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در انکارا

قسمت آخر سفرنامه:

به کجا رسیده بودیم؟؟؟ اها....

ما جمعا 470 دلار برای مدیکال دادیم و دکتر گفت باید 3 روز دیگه بیاین برای کنترل تست. ما هم رفتیم واسه انکارا گردی و با خانواده محترم انیکو کلی گشت و گذار داشتیم. دوشنبه رفتیم دکتر که جوابو نگاه کرد و گفت برید ساعت 4 عصر بیاین واسه جوابها. من گفتم من پزشکم میشه جوابارو خودمم بینم گفت نمیشه ولی کاملا سالمین. و ما هم عصر جوابارو گرفتیم. روز مصاحبه همونطوریکه ماکا2 فرمودن قرار گذاشتیم هر کی زود بیدار شد به اونیکو زنگ بزنه. شبش من تا آماده بشم و لباسهارو به اطوی بکشم دیگه دیر خوابیدم کل شب هم از استرس فقط خواب برگ قرمز دیدم. صبح با اضطراب بیدار شدم.



سریع به ماکا2 زنگ زدم و آماده حمله به سفارت...
 با تاکسی 6 لیر دادیم و 5 دقیقه ای رسیدیم دم سفارت .

دیدیم جلوتر از ما حمله شروع شده و ما بعد از 6-7 خانواده بودیم. چند دقیقه منتظر شدیم و پس از جدا شدن سف ترکها و گرین کارتیا پس از گرفتن پاسها و خوندن اسممون و گذشتن از در تق تقی معروف مدارک رو گرفتن و اصل کارت ملی و پایان خدمت رو نخواستن. به شماره دادن و رفتیم تو تازه داشتن جارو برفی رو خاموش میکردن. ما رفتیم اون صندلیهایی که عمود بر کانتر های مصاحبه بود نشستیم تا بهتر بتونیم



به همه چی تسلط داشته باشیم. هر چند دقیقه یکبار دینگی میکرد و سر های همه بالا میرفت برای خوندن شماره اعلام شده.



به ترتیب اول برای اصلاحات که با کلی گیج بازی انجام شد. و طرف رو حسابی تیلیط کردم. بعد برای انگشت نگاری که برای بچه ها نمیخواد.



بعد نوبت مرحله ای که هیچکی دوست نداره یعنی پول که 990 دلار ناقابل دادیم رفت که البته نوش جونشون
 ماکا 2 ویزای یکضرب گرفت (اولین مصاحبه شونده از گرین کارت) بعد به خانواده 3 نفری ابی گرفت. خانواده 3وم ما بودیم که با خانم مو مشکلی :
 اول سلام و خسته نباشین
 بعد گفت هر دو دکترین هان؟

قسم میخورین؟ ما هر سه دست بالا بریم خندید و گفت دخترتون نمیخواد قسم بخوره ولی از طرز قسم خوردن دخترم خوشش اومد و گفت اوکی هر سه قسم بخورین.



به شوهرم که برنده اصلیه گفت: تخصصتون مربوط به کجاست ؟ و روی بدنش نشون داد که اینجا؟ ما خندیدیم و گفتیم نه بالاتر پرسید: چه بیماریهایی رو معالجه میکنید؟ و همسرم شروع کرد به گفتن بیماریها.
 از من پرسید : شما هم در چه زمینه ای تخصص دارید . و....
 طرح گذروندین؟ پله کجا؟

لازم بذکر است که اسپانسر ما دقیقه نود مارو گال گذاشت و ما تمام داراییهامونو ترجمه کردیم و حساب بانکی حدود 160 میلیون برای هر کدوم.
 که هیچ سوالی در این زمینه نشد .



پرسید: کجا میخواید برید ما گفتیم کالیفرنیا گفت میخو. اید کار پزشکی بکنید؟ ما جواب دادیم بله که پزشکی...
 بعد با لبخند نجسب گفت شما پرونده تون کامله و نقص مدرک ندارین ولی برای پروسه اداری ما مجبوریم به سایت براتون معرفی کنیم که اونقدر اونجا



بچرخید تا شماره خوشگلتونو ببینید
 من پرسیدم: دخترم باید سپتامبر بره مدرسه من چیکارش کنم؟ گفت باا اونقدر طول نمیکشه شما سه هفته دیگه سایتو کنترل کنید.
 لازم به ذکره که مدارک من مهر دادگستری و وزارت خارجه رو نداشت و اصلا نیازی به اینها نیست.

در سالن هم با fr21 و همسر محترمشون آشنا شدیم.

پس از اومدن رفتیم بیرون و امروز هم پس از بدرقه ماکا2 رفتیم انیت کابیر که به نظر من حتما برید . من که کلی تحت تاثیر قرار گرفته بودم . و حتی چند



بار چشم خیس شد

اناتورک مرد بزرگی بود....

الانم که نیکو اینها رو بدرقه کردیم احساس تنهایی میکنیم. فرداشب برمیگردیم ایران. من پار دیگه بخوام برای ویزاها بیام انکارا میام هتل مراد که خیلی راضی بودیم. من در مورد مهاجرسرا براشون توضیح دادم . هر کسی از بچه ها خواست بیاد اینجا به من بگه من براشون ایمیل بزدم. تا حالا واسه 5 مهاجرسرایبی رزرو کردم. با قیمتی که به ما داده. آگه کمکی ازم واسه دوستام بریاد دریغ نمیکنم. چون شاید به خاطر شغلمه که کمک کردن رو دوست



دارم.

بازم سلام....
قسمت اخر

ساعت ۱۰ از لایبی زنگ زدن که ups اومده (کمتر از ۲۴ ساعت!!!) و رفتم پایین پاکتیش رو تحویل گرفتم که شایرا جان هم بودند و اونجا اسم منو که مامورش گفته بود سریع شماره اتاق رو داده بودن .. که باز هم ممنون شایرا خب دیگه وقت رفتن بود سریع جمع و جور کردیم و اتاق و تحویل دادیم و تاکسی به سمت فرودگاه ..می دونستم هر ساعت به استانبول پرواز داره ، حالا دنبال بلیط... چشمتون روز بد نبینه! همه پروازا فول ... با هزار این در اون در، هواپیمایی انادولو ساعت ۶ بعد از ظهر رو گرفتیم نفری ۲۴۰ لیر ، نشستیم تو یه کافه تا زمان پرواز هواپیما بویینگ ۷۳۰ بود ولی اینقدر تکون خورد که اقا زهره ترك شدیم.... خودشون بسم الله می گفتن ... رسیدیم استانبول دیدیم پرواز زاگرس ساعت ۹ شب ، برا تهران داره مسافر میگیره اینو میگن شانس 😊 ... چارتر بود و ايسادیم مسافراشو گرفتو دیدیم ۵ نفرشون هم نیومدن !!! اینم شانس دوم 😊 . بلیط با ۱۴۰ \$ صادر شد پریدیم توش ساعت ۱۲ تهران رسیدیم ، هواپیما md پروازش هم خوب بود!! البته جلوی هواپیما خوب بود صندلی های اخر ۱۰\$ هم نمی ارزید!! 😊 خلیانشم هم ایرانی نبود. موقع مهر خروج هم تو استانبول معطل شدیم چون مهر ورود رو توپاس همسرمر قبلا نزنده بودن، پلیس نمی دونم کجا زنگ می زد خلاصه حل شد و ما رو ول کرد ! ، گفتم حالا میگه غیر قانونی وارد شدین ولی خب حل شد. خودم فکر می کنم تو سفارت ویزا رو زدن رو مهره!!! حالا چند تا نکته:

تاریخ ویزاها رو از وقت دکترم ۶ ماه انقضا زده.
کرایه تاکسی تا فرودگاه آنکارا ۶۵ لیر.
بلیط آنکارا - تهران ، ترکیش مستقیم ساعت ۵ بعد از ظهر قیمت گرفتم نفری ۷۷۰ دلار!!! تازه با منت که ۳ تا جاداره.
بلیط استانبول - تهران پگاسوس نفری ۶۹۰ دلار!!
بلیط های داخلی پگاسوس از تو شهر و اینترنت قیمت هاش از فرودگاه خیلی کمتره. پای پرواز گرونتره!!
استانبول دو تا فرودگاه داره یکی saw یکی اتاتورک، باهم خیلی فاصله داره !! من اصلا نمی دونستم شانس اوردم پرواز زاگرس اونجا بود! تازه بخاطر اینکه از فرودگاه saw مسافراشو سوار میکرد تو هواپیما از مردم عذر خواست ، منم دلیلشو نفهمیدم . فکر کنم اومده بود اونجا مارو سوار کنه !!! 😊

با تشکر از رضا جان و خونواده عزیزشون ،
به امید هورا های هر چه زودتر محسن جان و همسرشون و ایلین جان و خونواده ، محمد جان و همسرشون و همه بچه هایی که در جمع منتظران هستن.

باران 90
عضو
☆☆☆

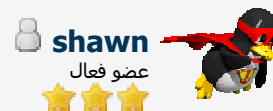
ارسالها: 20
تاریخ عضویت: Apr 2012
رتبه: 0
تشکر: 36
171 بار تشکر شده در 20 پست

سلام بچه ها اول بگم که خیلییی بیخشیید من زودتر میخاستم پیام که هم سفرنامه بنویسم هم خبر بدم چی شد ولی متاسفانه از آنکارا هرکاری کردم نتونستم وارد اکانتم بشم 😞 حتی وقتی برگشتم تهران هم رمزمو دیگه قبول نمیکرد ! منم که از فرودگاه رفتم سر جلسه امتحان 😊) هنوز هم پشت هم امتحان دارم خلاصه اینم اطلاعات امیدوارم مفید باشه
از تکرار بیرهیزم ، فقط دربارہ دکتر اینکه من هیچی واکسن نخوردم تست آبله مرغون رو تهران داده بودم که تو کارت واکسن وارد شده بود ، من خیلی تو مطب منتظر شدم و تقریبا جزو آخرین کسانی بودم که رفتم تو! دکتر حسابی خسته بود مخصوصا که یه خانواده 4 نفری با دوتا پسر بچه خیلییی شیطون قبل من بودن و همه رو اذیت کردن 😊 انگار حوصله فارسی حرف زدن نداشت گفت انگلیسی بلدی ؟ بعدش همه رو ازم انگلیسی پرسید اصلا فارسی حرف نزد! من هم جوابشو به فارسی میدادم هم انگلیسی. تند تند سابقه بیماری میپرسید و من میگفتم NO NO فقط سر آبله مرغون مچشو گرفتم 😊 پرسیدم این چیه؟ به فارسی گفت منم گفتم بچه بودم ، فرداش هم جواب آماده بود.
یک توصیه از فرودگاه مستقیم برید مطب وگرنه مثل من کلی تو مطب معطل میشدید.

روز مصاحبه دیر نرید ولی واقعا لازم هم نیست 7 اونجا باشید! خودتون رو خسته میکنین و درکل آماده باشید که کلی انتظار بکشید 😊 14 جون سفارت خیلی شلوغ بود اکثر ما بعد از انگشت نگاری و پرداخت پول برگه گرفتیم که 1:30 یا 2 برگردیم ، قبل از همه باجه ها شماره منو برای باجه رفع اشکال تو فرمها اعلام کردن که من میخواستم فقط آدرس آمریکا رو وارد کنم ولی خودشون از روی فرم آنکارا وارد کرده بودن ، اگر به شما هم برگه دادن که ظهر بیاد و جلو در نگهبان گیر داد که چرا پاسپورت ندارید هول نکنید بهش توضیح بدین پاس تو سفارته و با هر مدرکی که دستتون هست ثابت کنید همین فردی هستین که اسمش رو برگس اونم راهتون میده تو 😊 مثلا من همه مدارک اضافه ام مثل ترجمه دوم شناسنامه همرام بود. مصاحبه من باجه 5 بود که یه خانوم جوون بود، اول قسم بعد پرسید رشته ت چیه ؟ بری آمریکا چیکار میکنی؟ گفتم کارو زندگی و حتما هم درسمو ادامه میدم بعد بهش توضیح دادم که ترم اخرم و برگردم تهران امتحان میدم تموم میشه بعد لبخند زد گفت پس لیسانستو میگیری میری آمریکا و یه چیزایی تایپ کرد . بعد پرسید این ادرس کیت میشه؟ گفتم دوست خانوادگی پرسید تو تا حالا کار نداشتی دانشجو بودی حالا برای رفتنت به امریکا و خرج اول زندگیت کی خرجت رو میده ؟ گفتم پدرم ، پرسید چیکارن؟ منم کامل توضیح دادم دوباره همه چیو تایپ کرد بعد لبخند زدو یه کارت سفید درآورد 😊
بچه ها من با خواهرم رفته بودم که از کارای منم خبر نداشت فقط همراهم اومده بود که تنها نباشم من همه کارام رو خودم انجام دادم (به لطف راهنمایی و کمک خوب همه مهاجرسرایایی گل) همه چی منظم و روی قانونه همه توضیحات قبلی کامله و شما واقعا نیاز به کمک مشاور ندارین دلم میسوزه بیخود پول یه اینا میدین 😊 ببینید مثلا همون روز یه دختر خانوم بود که میتونست برگه سفید بگیره مشکل خاصی نداشت ولی اون مشاوره

که کلی هم پول ارزش گرفته بود بهش نگفته بود که مدرک پیش دانشگاهی موقت تو رو قبول نمیکنن!!! و الکی برگره آبی گرفت و نقص مدرک. و کلی باید هزینه میکرد و هرس میخورد تا مدارکشو کامل کنه و دوباره بیاد. آهان هتل من محله اولوس بود به همه جاهای دیدنی دسترسی خوبی داره و پر از هتله به چیزی شبیه میدان توپخونه خودمونه که همه توریستها میان اونجا هتل میگین نه نیاوران! ولی کیزلای به سفارت نزدیکتره 😊
 هر سوالی باشه در خدمتم سعی میکنم بین امتحانام سر بزمن 😊

ارسالها: 72
 تاریخ عضویت: May 2012
 رتبه: 0
 تشکر: 173
 673 بار تشکر شده در 72 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به تمام دوستانی که در این خانواده بزرگ (مهاجرسرا) عضو هستند
 سالیان سال بود زمانیکه دانشجوی دانشگاه تهران بودم برای لاتاری مدارک ارسال میکردم اون موقع ها با پست بود و من برای اینکه به وقت پستی که از ایران فرستاده میشه خیلی مورد توجه نباشه میدادم فامیلها در اونور برام ارسال میکردند سالهای آخر لیسانسم بود که دارم براتون میگم (-۱۳۷۵) آمریکا و لاتاری رو فراموش کردم منتها به خودم قول دادم که برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به هیچ وجه در ایران نمانم چون در انجام پایان نامه فوقم کمی تا قسمتی از نظر بودجه و مواد اذیت شدم خلاصه تا فوقم تموم شد اقدام کردم تا هرچه زودتر سربازیم رو برم و بتونم پاسپورت بگیرم در این حال تو مراکز آموزشی کنکوری کار میکردم و پس انداز تا برای رفتن مشکل مالی نداشته باشم سربازیم خدا رو شکر همین تهران بود و بعد از طی دوره آموزشی در ۰۱ به دانشگاه علوم پزشکی ارتش رفتم و اونجا در قسمت اداری-آموزشی دانشکده پزشکی مشغول کار و گذراندن دوران خدمت شدم سرتون رو درد نیارم تا کارت پایان خدمتم رو گرفتم سریع پریدم پاسپورتم رو گرفتم به امید رفتن

اما در این حین با یک انسان وارسته آشنا شدم که در مرکزشون مشغول به کار شدم کار در زمینه مورد علاقم با رضایت کامل شغلی (منظورم مالی نیست ها) محیط کار اصل کارم رو خیلی دوست داشتم و دارم و عاشقانه کارم رو دنبال کردم البته بعد از سربازیم به دوبار دیگه این برای لاتاری مدارکم رو ارسال کردم که خوب نتیجه ای نداشت منم دیگه چسبیدم به زندگی فعلم کار کار و کار و عاقبت تصمیم به ادامه تحصیل گرفتم الانم دانشجوی سال سوم دکترا در همان مرکز کاریم هستم و مشغول انجام پایان نامه.....
 سال ۲۰۱۱ بود که با کتاب راز آشنا شدم خوندنش خیلی برام جذاب بود آرزو و خواستم رو دوباره به یاد آوردم: شرکت در قرعه کشی لاتاری با کلی انرژی مثبت که میفرستم و حتما قبول میشم مدارکم رو ارسال کردم

و اما نتایج که خوب خودتون میدونید (البته ناگفته نماند تا اعلان نتایج من هرروز ایمیلی را که فراره به من خبر قبولی رو بده تصور میکردم) در مرحله اول که چک کردم دیدم قبول نشدم باورم نشد و بعد دریافت به ایمیل که اشتباه شده از تاریخ فلان دوباره در سایت کانفرمیشن نامبر خودتون رو چک کنید..... مطمئن بودم که اسمم خواهد بود و بود. دقیقا نیمه شعبان پارسال بود (۱۵ جولای) نتیجه رو دیدم زدم زیر گریه و رفتم امام زاده صالح نذرم رو ادا کردم کسی خونه نبود تنها بودم منم هم راحت گریه کردم و رفتم به هیچ کس هم هیچی نگفتم تا به هفته بعدش به خانواده و ریسم گفتم..... در عرض تقریبا یک هفته مدارک رو به KCC ارسال کردم (۲۴ جولای ارسال کردم و ۲۸ جولای به آمریکا رسیده بود)

انتظار برای کارت شدن و بعد تاریخ مصاحبه که در البته در این زمان کلیه مدارکم از دیپلم تا فوقم رو ترجمه هاش رو آماده کردم و بعدش ایمیل که برو سایت تاریخ مصاحبت رو چک کن ناگفته نماند که در مارچ کارت شدم و مصاحبم شدم ۲۴ می البته یک دو بار هم برای وضعیتیم به KCC ایمیل زدم که گفتند مدارکت رسیده و باید منتظر کارت شدن باشی و آدرس سایت رو برای چک کردن بهم دادن دیگه بعد از عید امسال ۲۰ اپریل مدارک رو به سفارت در آنکارا ارسال کردم (راستی ارسال هم با DHL بود هر دو و هرکدوم رو ۷۶ هزار پیاده شدم). وقت دکتر رو هم شنبه ۱۹ می گرفتم و بلیط رفتم رو جمعه ۱۸ می با ترکیش رفتم به آنکارا مستقیم پرواز خوبی بود بعد از رسیدنم اتوبوس های هاواش رفتم به سمت شهر و بعدش با تاکسی رفتم هتلی که قبلا تو کیزیلای رزور کرده بودم Deniz Atlanta hotel رسیدم رفتم اتاق رو گرفتم (افتضاح بود) رفتم صبحانه خوردم و رفتم از هتل بیرون برای مکان یابی (سفارت و دکنتر) در همین حال سر راه هتل الیت رو دیدم جاش بد نیست و نزدیکه رفتم اتاق گرفتم و اوادم به شب جریمه رو به هتل اولی دادم و کوچ کردم به هتل الیت در خیابان (Ongunlar Cd) بد نبود اتاقم راحت بود ۵ شب شد ۳۰۰ دلار صبحانه هم داشتم کامل بود انواع

پنیر نون میوه زیتون تخم مرغ سوسیس ایمیوه چای و قهوه دیگه اونجا تثبیت شدم <http://www.elitotel.com.tr> بعدش صبحا میومدم بیرون گردش در خیابان و مناطق دیدنی (موزه مراکز خرید و هر جایی که بنشه رفت آنکمال آنتیت کبیر برج آنکارا موزه دوران باستانشان مرکز خرید کیزیلای) بد نبود فرداش شنبه رفتم دکتر همون کارایی که همه میکنند عکس و نمونه خون ۴۷ دلار و بعد از ظهرش دکتر که بهم واکسن آبله مرغان رو زد (با اینکه گرفته بودم) و کلا ۱۴۰ دلار اونجا پیاده شدم (به خانم دکتر من رو معاینه کرد) منشی فرمودند دوشنبه ساعت ۲ بعد از ظهر بیا جوابت رو بگیر منم رفتم سر موقع همه چی آماده بود و گرفتم گفت سی دی و برگه مال خودت پاکت رو باز نکن برو سفارت تا حالا همه چی خوب بود دیگه از دوشنبه بعدظهر که جواب رو گرفتم تا ۵ شنبه صبح که مصاحبم باشه کاری نداشتیم. تو هتل بودم یا تو خیابانهای اطرافش چرخ میزدم تا اینکه ۵ شنبه صبح صبحانه خوردم و ۷:۲۰ رفتم سفارت تو صف ایستادم (نفر دوم بودم) و با چند تا ایرانی هم کلام شدم فقط اینکه نمیدونستم و با خودم لپ تاپ برده بودم مامور مربوطه گفت مگه سایت رو نخوندی گفتم راستش در این مورد چیزی ندیدم خلاصه گفتم آگه ایرادی نداره برم بزارم هتل بیا رفتم به به مامور دیگه گفت و اجازه داد که برم و سریع بیا منم به تاکسی گرفتم رفتم هتل همانجا تاکسی رو نگه داشتم و باهاش برگشتم ۱۰

دقیقه طول کشید اوادم و دیگه تو صف و ایستادم به ماموره گفتم و منو برد تو بازم دستگاه به کیفم گیر میداد یادم رفته بود موس را بردارم 😊 خلاصه موس و موبایل رو ازم گرفتند و رفتم تو شدم نفر ۴ یا ۵ دیگه تو صف بودیم تا رسیدیم به اون خانومه که گفت اصل مدارک رو بده مدارک مالی رو هم خواست گفتم که قبلا فرستادم (بانک پارسیان فرستاده بودم) فقط گفتم با خودم فرم اسپانسر دارم الان بدم به شما یا موقع مصاحبه بدم به آفیسر که گفت بده به من پرسیدند که مصاحبت انگلیسی باشه یا فارسی منم گفتم فرقی نداره بنابراین مصاحبم انگلیسی شد و شماره شد ۲۰۰. رفتم تو دیگه با چند تا ایرانی مشغول حرف زدن شدم به دختر خانم دانشجو که با مامانش اوامده بود البته مامانش دم در بود و خود دختر خانم کمی استرس داشت که ای وای اینو ندادم اونو ندادم کمی مشغول دلداری ایشون شدم به پسر جون دیگه بود که اصلا حرف نمیزد به زوج جوان ایرانی بودند که مصاحبش در حقیقت دیروز بود اما به دلیل اینکه مدارک رو ارسال نکرده بودند و با خودشون آورده بودند شده بودند امروز به زوج جوان با ۲ دختر بچه که همین Montazer59 مهاجرسرا هستند و دو سه زوج میانسال دیگه هم بودند که فکر میکنم یکیشون همین Bahbah مهاجرسرا باشند البته چون منم آدم کم حرفی هستم کلا فقط با همان دختر خانم دانشجو که کنارم بود حرف میزدیم ولی همه ایرانیها به جا جمع بودیم برام جالبه که همسر Bahbah فکر



کرده بود من ترکم میگفت دماغت مثل اینها کشیده است خلاصه دیگه منتظر بودیم دیگه اول انگشت نگاری (باجه ۷) بعدش پرداخت پول (۲۳۰ دلار) و بعدش اعلان برای مصاحبه به باجه ۵: به خانم جوان مو مشکی با خوشروی شروع به حرف زدن کرد بعد از قسم خوردن از نظر مالی از من سوالی نپرسید از نظر کاری ترم و کارهایی که میکنم رو پرسید (من یک محقق هستم و در یک مرکز غیر دولتی تا نیمه دولتی کار میکنم) و بعد گفت که الان ترم چیه منم برایش گفتم و گفتم که سال ۲ هستم پرسید که ادامه خواهی داد گفتم آگه بشه حتما پست داک خواهم گرفت و یکی دو ایالتی که استادای خوبی تو زمینه کاریم هستند برایش نام بردم و گفتم که البته هنوز اقدامی نکردم بعدش از اینکه رسیدی آمریکا کجا میری پرسید منم گفتم میرم پیش دادیم (همون اسپانسر) و بعدش میرم دنبال سرنوشت خدوم بعدش از سربازیم پرسید که گفتم دانشگاه علوم پزشکی آجا بودم گفتم چه کار میکردی منم گفتم فقط به سری کار اداری البته در این بین یک بار میکروفونش رو قطع کرده بود و درحال تایپ بود پروندم رو میزیش بود و برگه آبی هم بود (من اون موقع نمیدونستم که برگه آبی چیه) خلاصه گفتم که مشکلی نداری به سری کار اداری هست باید انجام بشه در ضمن به ایمیل با به سری سوال برات میاد که اونا رو جواب بده و برامون بفرست..... برگه آبی رو بهم داشت نشون میداد که اینجا تو این سایت یک ماه دیگه با این شماره چک کن که دید شمارم نوشته نشده با خودکار خودش نوشت (البته بقیه موارد هم دستی نوشته شده بود ها) و گفتم که ا یادشون رفته بنویسن و فرمودن به سلامت

منم برگه رو گرفتم اومدم به همون دختر خانم که باهاش حرف میزدیم گفتم به من گفت مشکلی نداری برو به سلامت بعدش آقای Bahbah گفت ا مبارکه به ضرب گرفتی (من این اصطلاحات رو نمیدونستم) و خانمشون گفت چه خوب که اف بی آی چک نخوردی و ازم شیرینی خواستند گفتم که حالا بیاید بیرون (من نمیدونستم که ممکنه همون روز ویزا بگیرم و فکر میکردم روال همین شکلیه که برا من طی شده بنابر این با خوشحالی اومدم هتل و به خونه هم خبر دادم که من ویزا گرفتم) بعدش رفتم بینم میشه بلیطم رو عوض کنم چون فردا شب پرواز داشتم که نمی آریزید بنابراین برای خدوم عشق و حال کردم البته در هتل کس گرین کارتی بود ولی نه لاتاری و روز آخری که داشتم میومدم به خانم لاتاری اومده بود خلاصه با برگه آبی و با خوشحالی اومدم ایران یادم رفت بگم من ۵شنبه صبح مصاحبه داشتم جمعه شب برگشت جمعه بعدازظهر تو فرودگاه که چک کردم دیدم ایمیل ۱۰ سوالی رو برام فرستاده بودند و ازم خواسته بودند که به همراه سی وی برایشون ارسال کنم منم دیگه گذاشتم پیام ایران جوابشون رو بدم

بعدش که اومدم داشتم برای فرم ۹ سوالی و اینکه چه جور پاسخ بدم سرچ میکردم که با این سایت آشنا شدم و ۲۸ می بود که عضو مهاجرسرا شدم و تازه فهمیدم که ای بابا برگه آبی یعنی چی و میتونه استرس دار باشه فرم رو به همراه سی وی فرستادم و دو بار پیگیری کردم با ایمیل سفارت و از طریق سایتشون اما جوابم رو ندادند بعدش اینکه خودشون در تاریخ ۶ جون جواب همون ارسال اولیم رو دادن که ایمیل شما دریافت شد و ما در حال بررسی وضعیت شما بر اساس اطلاعات ارسالیاتان هستیم . خلاصه دیگه معتاد این سایت مهاجرسرا شدم و هر روز که از سر کار میومدم خونه سایت رو بررسی میکردم اینجا بود که فهمیدم Montazer59 کی بوده

Bahbah کیه اما نفهمیدم Pinky کی بوده در روز مصاحبه (شاید همون دختر خانمی بوده که باهاش حرف میزدیم!!!) 😊 خلاصه اینکه سایت مهاجرسرا رو هر روز میومدم و سایت سفارت رو جمعه ها اونم بعدازظهر چک میکردم البته از هفته دوم به بعد و بعضی وقتها هم سایت سفارت رو دوشنبه ها نگاه میکردم امروز صبحم تو مهاجرسرا دیدم دازه در مورد کلیرنس آمارگیری میشه (یه تاپیک با این موضوع باز شده) که با خودم گفتم میشه بعدازظهر منم کلیر شده باشم و بتونم تو این آمارگیری شرکت کنم؟ 😊 بعد از خواب ظهر که بیدار شدم لپ تایم رو باز کردم دیدم به به تو صفحه مهاجرسرا هستم و صفحه کلیرنس و جناب t.r لطف کردند و شماره های آپدیت شده رو گذاشتن منم شمارم رو دیدم 😊

دوباره خونه تنها بودم زدم زیر گریه بعد رفتم سایت سفارت 😊 دوباره برگشتم مهاجرسرا امضا رو آپدیت کردم و زدم بیرون که برم نذر رو ادا کنم دوباره رفتم امامزاده صالح جای شما خالی 😊 (راستی ۵شنبه دیگه نیمه شعبانه بنابراین از روز دیدن قبولی در لاتاری تا جواب نهاییم تقریبا ۱ سال قمری طول کشیده 😊)

الانم که در خدمت شمام و اینو نوشتم و در حال برنامه ریزی (فکری) برای آیندم. با آرزوی بهترین ها برای همه دوستان مهاجرسرای

تو این یه ماه کلی مطلب اینجا یاد گرفتم و این یک ماه رو با این خانواده بزرگ زندگی کردم و سعی دارم که به نحو احسنتم دینم رو ادا کنم 😊

ارسالها: 379
تاریخ عضویت: Sep 2011
رتبه: 3
تشکر: 1268
2015 بار تشکر شده در 345 پست

parsy631
عضو با سابقه
★★★★★

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

قسمت نخست سفرنامه - تهران استانبول
سلام به همه دوستان گل مهاجرسرا و تشکر مخصوص از همراهان 2012 که الان بعد از یک سال همراهی احساس می کنم دوستان قدیمی و اعضای یک خانواده هستیم
راستش معرفت حکم می کنه یک تشکر ویژه هم از مدیران این سایت و دوستان قدیمی مخصوصا بعضی از بچه های 2011 یا سالهای قبل تر داشته باشم .دوستانی مثل یاشار و ماری عزیز یا هورنت و خیلی از دوستانی که الان اسمهاشون را یاد نمی یاد. تو این یکسال فراز و نشیب بودن شما ها کلی از بار استرس ما را کم کرد و به لطف شما و تجارب خوبی که منتقل کردید سفر خوبی داشتیم هر چند برای ما هم این سفر خالی از اتفاق نبود و چیزهایی هست که مایلیم به عنوان تجربه برای بقیه دوستان عنوان کنم. در این سفر شناس داشتم بعضی از دوستان عزیز 2012 -- funny گل که پسر بسیار نازنینی است و تحسین کرده و متشخص و واقعا ویزای یکضرب حق ایشان بود، vm1974 و خانواده محترمشان که در هتل آنکارا پلازا افتخار آشنایی با ایشان را پیدا کردم --frz61 و همسر خوبشان که در فرودگاه آنکارا و موقع برگشت ملاقات داشتیم و برخی دیگر از دوستان را ملاقات کنم که از همینجا به همه آنها سلامی دوباره دارم و برای همه شان آرزوی بهترین ها را در آمریکا دارم.
کمی از خودم بگم. من 41 ساله ، کارمند دولت ، کارشناسی ارشد منابع طبیعی ، انجام خدمت سربازی در سپاه ، متاهل و پدر یک فرزند پسر 9 ساله بسیار زیبا هستم که ممکن برخی از شما او را جلوی درب سفارت دیده باشید . او اوتیسم دارد و گاهی اوقات به دلیل شرایطی که دارد دلش می خواهد برخی کارها را به اصرار انجام بدهد یا بر عکس به هیچ قیمتی زیر بار انجام دادن برخی از کارها نمی رود. چرا این را گفتم چون بخشی از ماجرای سفرنامه ما به او مربوط می شود و شاید در سال های آینده و یا حتی امسال دوستانی باشند که شرایط مشابه ما را داشته باشند و بتوانند از تجربیات ما استفاده کنند.

سال ها بود که با توجه به شغل و خیلی از گرفتاری ها و به ویژه مسائل پسر دم و دماغی برای تغییرات بزرگ در زندگی نداشتم تا امسال که به اصرار همسر برای لاتاری ثبت نام کردم و بعد از بیش از 12 سال از گرفتن فوق لیسانس در آزمون ورودی دکترا هم ثبت نام کردم. 15 جولای 2011 هنگام غروب بود که داشتیم به اتفاق خانواده آماده می شدیم برای شام بریم خانه پدرم. سایت بشدت شلوغ بود و صفحه 2012 را باز نمی کرد. خواهر خانم که او هم لاتاری ثبت نام کرده بود تلفنی تماس گرفت. او قبول نشده بود و از ما راجع به نتیجه سوال کرد. گفتیم نمی دانیم. پشت تلفن شماره ثبت نام همسر را خواندم چک کرد دید قبول نشده بعد شماره من را وارد کرد چند لحظه صبر بعد سکوت. پرسیدم چی شد؟ گفت یک توضیحاتی آمده.



پرسیدم چی نوشته. خواند دیدیم انتخاب شده ام چنان فریادی زد که هر چی الان فکر می کنم می بینم بیچاره همسایه ها !! خلاصه تا سایت و دستور العمل ها را خواندم و فرم های 122 و 230 را پر کردیم شد 8 اگوست که با TNT و با هزینه 74 هزار تومان فرم ها را برای KCC فرستادیم.

این فرایند کارنت شدن را همه تان به خاطر دارید و واقعا داستانی بود و فکر کنم من یکی از فعال ترین اعضا در تایپ کارنت شدن بودم. به هر حال تاریخ مصاحبه ما برای 25 جون تعیین شد. ما به چند دلیل تصمیم گرفتیم بیمارستان آمریکایی استانبول را برای معاینات پزشکی انتخاب کنیم:

1- نسبت به یک مطب و لابراتوار فضای بزرگتری دارد و انتظار و در آنجا راحت تر است.

2- تراکم متقاضیان آنجا کمتر است و در نتیجه انتظار کوتاه تر.

3- با توجه به شرایط پسریم چنانچه به معاینات تخصصی نیاز می شد به هر حال بخش های لازم آنجا وجود داشت.

4 - تجارب دوستان قبلی از مراجعه به این بیمارستان.

با ایمیل از مسئول پذیرش برای 19 جون ساعت یک بعد از ظهر وقت گرفتیم. گرفتن وقت راحت است و صرفا با ارسال ایمیل و یا تماس تلفنی می توان این کار را انجام داد. فقط باید کمی زودتر این کار را انجام داد تا تاریخ مورد نظر شما پر نشده باشد چون تعداد پذیرش برای هر روز محدود و خیلی هم در این خصوص سخت گیر هستند. طی ایمیل از آنها سوال کردم که آیا می شود تست سل را در ایران انجام داد و نتیجه را برایتان آورد که در زمان صرفه جوی شود. پاسخ دادند خیر و لازم است همه کارها در بیمارستان انجام شود. ما هم پذیرفتیم.

برای خرید بلیط بعد از بررسی سایت ترکیش ایر لاین و تنظیم برنامه پرواز و شماره پرواز ها ، بلیط را از آژانسی که از سفرنامه های دوستان پیدا کرده بودم خریدم به قیمتی مناسب. مسیر تهران - استانبول - آنکارا- تهران برای هر نفر بزرگسال 415 هزار تومان و برای پسر 330 هزار تومان. لازم است بگویم پرواز داخلی استانبول به آنکارا خیلی متنوع و با قیمت های مختلف انجام می گیرد. پروازهای صبح اول وقت گران است ولی پروازهای بعد از ظهر ارزان می شود. و پروازی که ما گرفتیم تقریبا نفری 70 لیره شد کمی گران تر از قیمت بلیط اتوبوس. با توجه به تمام محاسنش.

پرواز رفت ساعت 3/35 صبح بود. باید حدود ساعت 12/30 می رسیدیم فرودگاه. ساعت 11 از سیر و سفر 1833- ماشین رزرو کردیم. سر ساعت دم در بودو تا فرودگاه امام خمینی 35 هزار تومان هزینه شد. راننده مودب و ماشین تویوتا کمری و خیلی تمیز بود. صندوق عقب این ماشین تا سه چمدان جا دارد. توصیه می کنیم با توجه به چند مرتبه جابجایی کسانی که مسیر مارا را برای سفر انتخاب می کنند دو چمدان بیشتر با خودشان نداشته باشند بیشترش واقعا دست و پا گیر است و البته هزینه بر. کنترل پاسپورت ها و مهر خروج در صف گیشه کنترل فرودگاه امام خمینی حدود یک ساعت طول کشید. پسریم خسته شده بود و خوابش می آمد و مرتب نق می زد. به هر حال راس ساعت به هواپیما متقل شدیم ولی با توجه به تاخیر تعدادی از مسافری پرواز با 50 دقیقه تاخیر در ساعت 4/15 انجام شد. این مسافری تاخیر دار نمی دانم از کدارم کشور بودند ولی زن های بسیار چاق و مردای بسیار بی ریختی که بلند بلند هم صحبت می کردند و لباس های راه راه شان و نق های پسریم من را بد جور ی یاد سوسن خانم انداخته بود!!!! ادامه دارد.....

ارسالها: 379
تاریخ عضویت: Sep 2011
رتبه: 3
تشکر: 1268
2015 بار تشکر شده در 345 پست

parsy631
عضو با سابقه

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

قسمت دوم سفرنامه تهران استانبول

صبحانه ترکیش ایرلاین تعریفی ندارد یا حداقل با دانه ما زیاد جور نبود. طول پرواز تا استانبول سه ساعت و نیم است و با توجه به اختلاف ساعت (1.5 ساعته) ساعت 6 صبح به وقت محلی در فرودگاه استانبول فرود آمدیم. فرودگاه آتاتورک که فرودگاه اصلی استانبول است در قسمت اروپایی استانبول واقع شده است. استانبول فرودگاه دیگری هم دارد که در قسمت آسیایی آن واقع شده و فرودگاه صیبا گوچن نام دارد که نخستین خلیات زن ترک بوده است و به افتخار او این نام را برای فرودگاه انتخاب کرده اند. شایان ذکر است برخی از پروازهای ایران نظیر هوایمایی زاگرس و یا پگاسوس به این فرودگاه می رود که کم از مرکز شهر دور است و باید کرایه نسبتا زیادی برای رسیدن به بخش اروپایی پرداخت لذا باید در انتخاب پروازها دقت لازم را در این خصوص به خرج داد. بیمارستان آمریکایی استانبول در شیشلی -نیشاناشی واقع شده است که 15 دقیقه با میدان تقسیم فاصله دارد و خیلی از مراکز درمانی خوب استانبول در این محل هستند. در خصوص هتلی که برای اقامت چند روزه در استانبول مناسب باشد خیلی حوصله به خرج دادم. بر خلاف هتل های آنکارا ، ستاره ها در استانبول معنا و مفهوم دارند و کلی فرق بین یک هتل چهار ستاره و سه ستاره هست. مکان هم خیلی مهم است چون استانبول هم شلوغ است و هم گران. کرایه رفت و آمد هم نسبتا زیاد است. با بررسی گوگل نزدیکترین هتل مناسب به بیمارستان یک هتل چهار ستاره بنام mim hotel پیدا کردم. آدرس سایت: <http://mimhotel.com/en/index.html> در تهران خیلی جاها آن را نمی شناختندو رزرو نمی کردند ولی همان آژانس معروف برای مدت 2 شب از قرار شبی 110 یورو برای اتاق سه تخته و با صبحانه آن را برای ما رزرو کرد و ووچر آن را از همین تهران گرفتیم. در فرودگاه استانبول حدود بیست پرواز هم زمان با ما فرود آمده بود و وقتی جلوی باجه کنترل رسیدیم با صفی طویل مواجه شدیم. پسریم خسته و بسیار ناآرام بود (قبلا شرایط او را توضیح داده ام). با کمال ناامیدی به افسری که در باجه دیپلماتیک مسئول بود گفتم پسریم اوتیسم دارد و نمی تواند در صفی طولانی منتظر بماند. پرسید کجاست؟ او را و مادرش را با انگشت از دور نشان دادم. گفت صدایشان کن. هر دورا به گیشه شیشه ای برد و در کمال تعجب با احترامی فوق تصور برایمان خارج از نوبت مهر ورود زد و باز هم پس از تشکر برای ورود به خاک ترکیه مارا از لاین سبز مشایعت نمود. واک بر ما. این ترکیه است؟؟؟؟!!!!

پس از گرفتن چمدان ها بیرون فرودگاه راه های مختلفی برای رسیدن به هتل داشتیم. اتوبوس های هاواش هست. مترو هم هست که تا آکسارای می رود و هزینه کمی داردولی برای رسیدن به شیشلی باید دو سه بار مترو عوض کنید که با چمدان و بچه و... نمی ارزد ولی تنها باشید می توانید این وسایل به خوبی استفاده کنید. اتوبوس ego هم هست. به هر حال تاکسی تا درب هتل بیش از 45 دقیقه طول کشیدو حدود 8 صبح هتل بودیم. کرایه تاکسی 45 لیره شد. تا یادم نرفته بگم در فرودگاه به میزان نیاز که پیشنهاد می کنم 200 دلار را حتما لیر بگیری. اگر همان روز وقت دکتر دارید تا 300 - 400 دلار در همان فرودگاه لیر بگیری. بانک ها قیمت های بهتری می دهند ولی پاسپورت می خواهند. از هتل بگویم پرسنل یونیفورم پوش ، هتل تمیز ، خنک و خوشبو با لابی راحت و مهمان نوازی عالی. برای 110 یورو واقعا می ارزید. به رسپشن گفتم می دانم چک این ساعت 2 است ولی... حرفم را قطع کرد گفت اتاقتان آماده است. آیا صبحانه خورده اید؟ گفتیم بله. رفتیم اتاق. کوچک ولی تمیز. دو تخت جدا و یک تخت کوچک. همسر و

پسرمر خوابیدند و من برای خرید برخی چیزها رفتم بیرون. قبل از رفتن دو تا خط ایرانسل اعتباری را هرکدام 10 هزار تومان شارژ کرده بودم و با خودمان داشتیم برای تماس های ضروری احتمالی. با یک تماس بین المللی به ایران 10 هزار تومان میبرد و اصلا خوب نیست. یا از رومینگ همراه اول استفاده کنید یا از سیم کارت های ترکسل که برای 500 دقیقه مکالمه و 1000 پیام کوتاه بیست و سه لیر می شود و البته باید آن را 20 لیر هم شارژ کنید که البته من از این ها نگرفتم و تا موقع آمدن از همراه اول با aveva استفاده کردم همه هزینه اش شده است 25 هزار تومان. البته برای تماس شماره هتل را داده بودم از ایران با ما تماس می گرفتند یا با کامپیوتر. به هرحال هتل برگشتم دیدم خانواده عزیز و گرامی از کوچکی اتاق گله مند هستند. ساعت 2 بعد از ظهر بود. به رسیپشن رفتم و گفتم اتاق درخواستی من سه تخته بوده چرا اتاق دوتخته داده اید؟ فوراً ما را به یک اتاق بزرگتر با سه تخت بزرگ منتقل کردند. انصافاً برخوردشان خوب بود.

طی مدت اقامت در استانبول جشنواره خرید بود و مراکز زیادی هم تیفیف های خوب دارند از جمله مرکز خرید جواهر که از هتل پیاده یک خیابان سربالایی تند بود از درکه هم تندتر به مدت نیم ساعت پیاده روی و با تاکسی هم 15 لیره. خیلی بزرگ و همه چیز داشت Cevahir Mall برای اطلاعات بیشتر جستجو کنید.

شب 18 جون را زودتر خوابیدیم و 19 صبح پس از صبحانه هتل که کامل بود و یک گشت کوچک به بیمارستان رفتیم. از هتل تا بیمارستان 10 دقیقه پیاده راه است. خیابان فراه ferah sokak پیاده به بالا 100 متری شیب دار است بعد شیب ملایم کمی جلوتر دست راستت بیمارستان آمریکایی استانبول بسیار شیک واقع شده است. البته این خیابان به سمت هتل یکطرفه بود و ما چون می خواستیم پیاده روی نکنیم مسیر 10 دقیقه پیاده را یک ربع با ماشین رفتیم و 20 لیر هم هزینه نمودیم از جیب مبارک!!!

جلوی درب بیمارستان یک گاو است که عینکی به چشم دارد و نمی دانم فلسفه گاو جلوی درب بیمارستان چیست؟ گیت ورودی وسایل را بازرسی می کنند بعد برای معاینه باید طبقه دوم برویم check up department. در بدو وارد پاسپورت ها ، 2 قطعه عکس و نتیجه تست سل پسرمر را خواستند. گفتیم مگر نرسیدیم گفتید باید همینجا انجام شود. خلاصه پس از کلی گفت و گو و تماس با مسئول پذیرش ما را به یک مرکز دولتی ارجاع کردند به نام verme savash در محله بشیکتاش . قرار شد برویم آنجا تست بدهیم و مجدداً برای ادامه معاینه بیاییم بیمارستان. دوست عزیزم funnybluesolea را همین جا ملاقات کردیم و کلی دیدن او برای ما انرژی مثبت آورد. از ایشان متشکرم. خلاصه تاکسی گرفتیم به مقصد بشیکتاش . 30 لیره مجبور شدیم پرداخت کنیم الکی . عصبی و خسته شده بودیم . تاکسی هم این مرکز را نمی شناخت و ما را کلی پایین تر از مرکز پایده کرد و مجبور شدیم حدود ساعت 3 بعد از ظهر کلی در آفتاب راه برویم تا این مرکز را پیدا کنیم. رفتیم داخل . سراغ خانمی را گرفتیم که آدرس داده بودند. گفت تست سل؟ خوب . پاسپورت پسران؟ گفتیم بیمارستان نگه داشته که بعد از انجام تست برویم. گفت نمی شود باید حتماً پاسپورت باشد. دیگه واقعا مستاصل شده بودیم. یک خانم چاقی بود کمی فهمیده و مهربان . تلفنی با بیمارستان تماس گرفت و مشخصات را پرسید و قرار شد موقع گرفتن جواب کپی پاسپورت را ببریم. قرار شد جواب را جمعه بعد از سه روز ساعت 10 صبح بدهند. همه این ها را بگذارد کنار این که این جماعت هیچکدامشان یک کلمه انگلیسی نمی دانست و من مجبور بودم با همه آنها ترکی شکسته ویسته ای که بدم صحبت کنم که کار را خیلی سخت می کرد.

دوباره تاکسی و برگشت به بیمارستان برای انجام بقیه کارها. همه چیز بر عکس ابتدای کار رویتن پیش رفت. ابتدا آزمایش خون خانم بعد من . از پسرمر خون نگرفت. بعد از کمی انتظار رفتیم اتاق فشارخون و قد و وزن و بعد دسته جمعی برای معاینات رفتیم داخل اتاق دکتر. دکتر جدی ولی وارد بنظر می رسید و برعکس قیافه جدی اش بسیار مهربان بود. کارت های واکسن زرد بین المللی پاستور و نتیجه آزمایش تست ابله مرغان را ایشان دادیم. گفت نتایج ایران بنظر زیاد دقیق نیست . آیا به شما واکسن هم زده اند که این کارت ها رابرایتان صادر کرده اند و من هم شرحی از فرآیند کارهای پزشکی مان دادم . انگلیسی اش خوب بود و کاملاً مسلط . شرحی از بیماری ها و داوهای که مصرف می کنیم پرسید. خانم پاسخ داد. تیترا ابله مرغان همسرم نشان می داد او در کودکی مبتلا شده و نیازی به هیچ واکسنی نداشت. از من پرسید کارت کودکی خود را هم داری. گفتم نه. پرسید پس این پاستور شما از کجا فهمیده شما در چه تاریخی واکسن سل زده اید. جواب دادم بر اساس اظهار شخصی و با توجه به واکسیناسیون اجباری در ایران. از من راجع به ابله مرغان پرسید . گفتم نگرفته ام و البته تست پاستور هم این را نشان می داد. از من پرسید اجازه می دهید به شما این واکسن را تزریق کنیم؟؟؟ من هم گفتم اگر لازم است حتماً. با لبخند!!!! برای پسرمر کلی وقت گذاشت. از تیم پزشکی ایران گزارشات لازم را گرفته بودیم همه به انگلیسی و شرح داروهای که مصرف می کند. همه را به دقت دیدو چند سؤال کرد که همه نشان از دقت و هوش بالای او داشت. برای پسرمر هم دو واکسن هیپاتیت آ و واکسن ابله مرغان تجویز کرد. دوباره رفتیم اتاق اولی برای تزریقات. پرستارها بشدت مهربان و مثل پروانه دور ما می چرخیدند بسیار کارشان را بلد بودند. تمام واکسن ها هم تاریخ 2012 داشت و برای ما کارت های مخصوص صادر کردند قرار شد روز جمعه سه روز بعد از ارائه نتایج تست سل پسرمر نتایج را بگیریم. هزینه معاینات و واکسن ها شد 500 دلار و 150 لیر ترک که نمی دانم چرا به این ترتیب گرفت ولی گفت حتماً باید 150 لیر ترکیه پرداخت شود لذا حتماً دوستان لیر به میزان لازم همراه داشته باشند. من به اندازه کافی نداشتم چون مجبور شده بودم کلی کرایه تاکسی پیش بینی نشده بدم. داخل بیمارستان بانک هست ولی تبدیل نمی کند. بیرون بیمارستان دست چپ به سمت بالا یک Doviz یا صرافی هست که به فاصله 7 دقیقه از بیمارستان پیاده است. انجام دادم و برگشتم.

بعد مراجعه به قسمت ایکس ری برای عکسبرداری از قفسه سینه و تمام. ادامه دارد.....

ارسالها: 379
تاریخ عضویت: Sep 2011
رتبه: 3
تشکر: 1268
2015 بار تشکر شده در 345 پست

 **parsy631**
عضو با سابقه


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

قسمت سوم - ادامه سفرنامه استانبول و آنکارا
استانبول شهری است پر از دیدنی و سفر به این شهر پتانسیل تبدیل شدن به یکی از بهترین سفرهای همه زندگی را دارد. برای تمدد اعصاب با مشورت همسرم و البته به پیشنهاد ایشان تصمیم گرفتیم تا زمان آماده شدن نتایج تستها و گزارش پزشکی به هتلی بنام Novotel که در محله زیتون بورنو Zeytinburnu ودر کنار دریای مرمره واقع شده است نقل مکان کنیم. این هتل را هم از تهران رزرو کرده بودیم به قیمت شبی 140 یورو برای اتاق سه تخته رو به دریا و صبحانه . این هتل در نیمه راه بازگشت به فرودگاه آتاتورک است و دارای همه امکانات یک هتل پنج ستاره است . گروه هتل های نووتل زنجیره ای است و در همه جهان هتل های وابسته دارد. هنگام اقامت در این هتل ار آکواریوم بزرگ استانبول در فلوریا (نزدیک فرودگاه آتاتورک) که از بزرگترین آکواریوم های جهان است ، گشت و بازدید آکسارای و منطقه سلطان احمد و البته شنا و خرید و جای همه دوستان خالی خیلی خوب بود و کلی از استرس ما را کم کرد و آماده شدیم برای سفر به آنکارا و مصاحبه. هر چند کمی دوری راه این هتل باعث شد هزینه های زیادی برای حمل و نقل بدهیم ولی واقعا ارزشش را داشت. اقامت ما از روز 20 تا 23 به مدت سه شب در این هتل انجام شد . صبح روز جمعه 22 جون هم پس از مراجعه به مرکز verem savash و دریافت نتیجه تست سل که 5 میلی متر و منفی اعلام شد آن را برای بیمارستان آمریکایی استانبول بردیم و نتایج را در سه

پاکت سفید خیلی مرتب به همراه سی دی ها و عکس های قفسه سینه تحویل گرفتیم . راجع به قیمت غذا هم کوتاه بگویم غذاهای ترکی واقعا لذیذ هستند مخصوصا در استانبول که رستوران ها و بسیار متنوع هستند. قیمت یک مک دونالد با سیب زمینی و نوشابه در جواهر مال حدود 11 لیره و در بیرون 9 لیره بود. غذاهای نووتل بسیار عالی بود. جوجه کباب شده با سس های متنوع و کباب های ترکی حدود 16 تا 30 لیره که البته یک پرس آن کاملا برای دو نفر کافی است.

روز شنبه ساعت 12 از نووتل چک آوت کردیم و با توجه به نزدیکی هتل به فرودگاه در کمتر از 20 دقیقه از قسمت پروازهای Domestic فرودگاه آتاتورک که با قسمت پروازهای International آن فرق دارد با هواپیمای ایرباس 200 هواپیمایی ترکیش ایرلاین به سمت آنکارا آمدیم. طول پرواز کمتر از یک ساعت و پرواز راس ساعت و با کیفیت خیلی خوبی انجام شد. جالب اینکه کیفیت صندلی ها و پذیرایی این پرواز داخلی از پرواز تهران استانبول ما خیلی بهتر بود. حدود ساعت 3 بعد از ظهر در فرودگاه Esenboga آنکارا فرود آمدیم . همانطور که بارها دوستان ما در سفر نامه های مختلف گفته اند راه های مختلفی برای رسیدن به شهر از این فرودگاه وجود دارد. نکته ای که توجهم را جلب کرد خلوتی بسیار زیاد این فرودگاه بود جوری که فقط 5 یا 6 نفر از در فرودگاه آمدیم بیرون و مرتبا فکر می کردیم داریم راه را اشتباه می رویم. سایت رسمی این فرودگاه : <http://www.esenbogaairport.com/en-:> EN/Pages/Main.aspx

هنگام خروج شما از درب فرودگاه اتوبوس های هاواش دست راست شما یک تابلو دارد که ساعات حرکت و هزینه هایش را نوشته است . اتوبوس های Ego هم هست ولی ما با استفاده از تجربیات قبلی دوستان و اینکه سه نفر بودیم یک تاکسی گرفتیم که صف آنها هم مثل قطار جلوی درب ورودی ایستاده است . با هزینه 70 لیر ما را تا درب آنکارا پلازا برد که در نزدیکی سفارت و همسایه هتل های ددمان و گلد و سگمان است. این هتل را با اتاق سه تخته و صبحانه از تهران شبی 120 دلار گرفته بودیم که وقتی آنجا رسیدیم دیدیم کمی گران گرفته ایم . با توجه به تعاریفی که از دوستان شنیده بودم انتظارم از این هتل بالاتر بود ولی با دیدن هتل کمی تو ذوقم خورد. آنچه خیلی در این هتل بارز بود این است که حتی رسیدن هم انگلیسی

درست نمی داند و در اولین تماس با آنها دو تا Pillow (بالش) خواستم بعد از حدود نیم ساعت دوتا یلو pilav برایم آوردند!!!! (😊)
حواستان باشد برخی آژانس ها در تهران با بیان اینکه ترانسفر بگیرد و ... کلی از شما پول می گیرند که واقعا ارزشش را ندارد . ما اشتباه کردیم از تهران سه تا 15 دلار برای ترانسفر یکطرفه دادیم که به دلایلی که بعدا می گویم از آن استفاده نکردیم .
ادامه دارد.....

ارسالها: 379
تاریخ عضویت: Sep 2011
رتبه: 3
تشکر: 1268
2015 بار تشکر شده در 345 پست

 **parsi631**
عضو با سابقه


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

IMMI(Jul-01-2012 09:30 AM) **نوشته است:**

parsi631(Jul-01-2012 09:17 AM) **نوشته است:** ادامه سفرنامه استانبول و آنکارا

.....
روز شنبه ساعت 12 از نووتل چک آوت کردیم و با توجه به نزدیکی هتل به فرودگاه در کمتر از 20 دقیقه از قسمت پروازهای Domestic فرودگاه آتاتورک که با قسمت پروازهای International آن فرق دارد با هواپیمای ایرباس 200 هواپیمایی ترکیش ایرلاین به سمت آنکارا آمدیم.
حواستان باشد برخی آژانس ها در تهران با بیان اینکه ترانسفر بگیرد و ... کلی از شما پول می گیرند که واقعا ارزشش را ندارد . ما اشتباه کردیم از تهران سه تا 15 دلار برای ترانسفر یکطرفه دادیم که به دلایلی که بعدا می گویم از آن استفاده نکردیم .
ادامه دارد.....

هزینه پرواز از استانبول به آنکارا نفري چقدر بود؟ چه ساعاتي پرواز داره؟ شما از تهران از طريق آژانس ها رزرو کرده بودین یا همونجا گرفتین؟

ما از تهران این پرواز را رزرو کرده بودیم. تاریخ پرواز شماره پرواز قیمت و را می توانید از سایت ترکیش ایرلاین برنامه ریزی کنید. در قسمت نخست سفرنامه استانبول به قیمت ها اشاره کرده ام. روزانه پروازهای زیادی از استانبول به آنکارا و بالعکس وجود دارد. پروازهای اول صبح و عصر حدود 6 بعد از ظهر گران تر هستند چون متقاضی بیشتری دارند ولی وسط روز ارزان تر است . ما پرواز ساعت 14 را گرفتیم حدود نفري 70 لیره . دفتر ترکیش تهران می توانید رزرو کنید.

ارسالها: 135
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 1080
1385 بار تشکر شده در 133 پست

 **vm1974**
عضو فعال


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

بازگشت به تهران
سلام

روز شنبه 30 جون ساعت 11:30 شب پرواز برگشت با ترکیش داشتیم . ساعت 13 هتل رو تحویل دادم . رسیدن میخواست 43 یورو اضافه بگیره که بهش گفتم ریز صورتحسابم رو بیا، خودش رو زد به زبون نفهمی که یعنی انگلیسیش خوب نیست و از این حرفها منم گفتم برو ریست رو بیا چون تا شب اینجا وای میسم که فکر نکنی میتونی ایرونی جماعت رو بجایی. یکهو زبونش راه افتاد و ریز صورتحساب رو آورد بعدش روی تمام چیزهایی که ازمن امضا نداشت خط زدم و نهایتا هیچی اضافه ندادم. این رو گفتم که بچه هایی که میروند هتل آنکارا پلازا هواسشون باشه که پول اضافه ازشون بگیرند.

پرواز به موقع بود ولی خلبان بسیار ناشی بود و بلند شدن و نشستنش افتضاح بود که البته شاید بخاطر این باشه که من عادت به پرواز با خلبانهای ایرانی دارم که تو دنیا تک هستند. یکی از عزیزترین چمدانهای من رو هم تو بار شکسته اند و نهایتا من در آینده فقط آگه مجبور شم از ترکیش بلیط میگیرم.
ساعت 5 صبح هم رسیدم خونه.

ارسالها: 379
تاریخ عضویت: Sep 2011
رتبه: 3
تشکر: 1268
2015 بار تشکر شده در 345 پست

 **parsy631**
عضو با سابقه


RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

قسمت چهارم و آخر سفرنامه -آنکارا
همانطور که در قسمت سوم سفرنامه نوشتیم به آنکارا پلازا رسیدیم . روز شنبه بود و ما می توانستیم یکشنبه را استراحت کنیم و دوشنبه 25 جون برای مصاحبه بریم سفارت. موقع رسیدن به هتل از بلوار آتاتورک و کندی مسیر سفارت را سنوال کرده بودم . از هتل ما بسیار نزدیک بود شاید کمتر از 10 دقیقه. بد نیست کمی راجع به قیمت های کالاهای ضروری هم بگم : قیمت آب معدنی کوچک در سوپر مارکت ها 50 کروش یا نیم لیتر هست ولی اکثر دکه های سرد ان را یک لیتر می فروشند. اب میوه پاکتی بزرگ 4 لیتره و کوچک آن 1.5 لیتره ، کوکا کولا یک لیتری 3 لیتره بعضی جاها 4 لیتره و 330 سی سی آن 1.5 تا 2 لیتره بود. کیک و تنقلات برای بچه ها را می توانید از مارک ulker با قیمت های 1 تا 2 لیتره از سوپر مارکت ها بگیرید. چیپس pringles اریجینال کوچک 2 لیتره و کلا تنقلات و خوراکی گران تر از ایران است.


روز مصاحبه صبح زود از خواب پا شدیم. با برنامه ریزی خوب همسر همه کارها و مدارک آماده بود و تمیز آنها را در پوشه های جداگانه گذاشته بودیم. دوش و صبحانه و حرکت به سوی سفارت. با تاکسی 6 لیتره از هتل به درب سفارت رسیدیم که در کوچه کناری بلوار اصلی است . حدود بیست نفری در صف بودند. ما اینکه ما ساعت 9 صبح مصاحبه داشتیم حدود ساعت 8/15 دقیقه آنجا بودیم. دو صف بود سمت چپ مخصوص لاتاری ها بود و سمت راستی بقیه انواع ویزاها. خلاصه پس از کمی تحمل پاسپورت ها را گرفت و پس از انطباق اسامی با لیستی که داشت و مارکر می کشید دانه دانه صدا می کرد و یک صف دیگر تشکیل می شد که برای کنترل وسائل از یک اتاقک نگهبانی عبور کنیم. بد نیست کسانی که بچه کوچک دارند با خودشان خوراکی و ... برای بچه ها بیاورند چون برای مدت 2 -4 ساعت باید صبر کنید تا فرآیند مصاحبه تکمیل شود که برای بچه های کوچک ممکن است کمی سخت باشد. لوازم الکترونیکی ، موبایل و لپ تاپ را راه نمی دهند. بعد از عبور از اتاقک نگهبانی وارد حیاط می شوید. دو بچه گربه در باغچه مجاور صفی





که داخل حیاط تشکیل شده بود بازی می کردند که با توجه به شرایط پسرم کلی با آنها سرگرم شد و باید از آنها تشکر ویژه ای داشته باشم!!! 😊😊
خانمی که فارسی خوب می داند و مهربان است تک تک مدارک افراد این صف را می گیرد و به آنها شماره می دهد و زبان مصاحبه را می پرسد. ما زبان فارسی را انتخاب کردیم و شماره مان 419 بود. مدارکی که از ما خواست اصل مدرک فوق لیسانس من ، اصل مدرک لیسانس ، اصل کارت پایان خدمت ، اصل سند ازدواج ، پاسپورت ها و شناسنامه ها و کارت های ملی ، اصل نامه های گواهی تمکن مالی بانک و اصل سند منزل بود که ترجمه کرده بودم . عکس را هم پرسید قبلا فرستاده اید یا نه ؟ گفتیم بلی. دیگر نخواست. قیمت گذاری منزل را هم خواستم بدم گفت لازم نیست. لازم است بگویم ما سه تا نامه بانک برای هر نفر جداگانه که جمع آنها 93 میلیون تومان می شد و سند ماشین و سند منزل را که به قیمت روز توسط بنگاه مسکنی که خانه را قولنامه کرده بودم با ارزش حدود 250 میلیون تومان ارائه کرده بودیم که در طول مصاحبه هم به آنها هیچ اشاره ای نشد. به خانمی که برای مصاحبه نوبت می داد یک نامه رسمی که از پیش آماده کرده بودم دادم که در آن خواهش کرده بودم با توجه به مشکل اوتیسم پسرم ما را زودتر مصاحبه کنند چون او طاقت انتظار خیلی طولانی را ندارد. همانطور که دوستان هم گفته اند یک مرحله به مراحل قبلی اضافه شده یعنی پس از حدود یک ساعت ابتدا ما را برای باجه 11 صدا زدند که اگر ایرادی در فرم ها دارید اصلاح کنید. دیدیم همه را خودشان قبلا با خودکار قرمز اصلاح کرده اند و به انگلیسی به خانم گفتم شما خودتان زحمتش را کشیده اید!! خندید و تشکر کرد. بعد از نیم ساعت برای پرداخت پول و باز بعد از یک ربع برای انگشت نگاری که شیوه آن را مرتب روی صفحه نمایشگر سفارت نمایش می دهند. تقریبا سه ساعتی از ورود ما به سفارت گذشته بود و سالن داشت خالی می شد و ما را صدا نمی زدند با هر دینگ سر ما به سمت نمایشگر برمی گشت و باز خبری نبود. ناگفته نماند که موقع پرداخت پول برگه آبی را لای پروند دیدم. خلاصه ما مانده بودیم و صندلی ها و پسرم هم خوابش برده بود که با دینگ نفر آخر بلند شد و وقتی دید کسی در سالن نمانده کیفیتش را برداشت و رفت به سمت درب خروج . همه خواهش ها و صحبت های ما برای منصرف نمودن حضرت آقا به جایی نرسید و ایشان پس از عبور از درب ورودی سفارت رفت در خیابان و پشت آن ستون های سنگی کوتاه که پشت آنها صف ورود به سفارت تشکیل می شود ایستاد. ساعت حدود 12 بود و حدود 50 نفری آمده بودند تا برای نوبت عصر داخل سفارت بشوند همه داشتند ماجرای ما و این فرزند دلبن را تماشا می کردند و البته خیلی هاشان هم کمک می کردند ایشان را قانع کنند بیاید داخل. خلاصه در همین زمان شماره ما اعلام شد با همان خانم آمریکایی مو مشککی که خیلی هم مهربان و خوشرو است . به او موضوع را توضیح دادم که پسرم رفته بیرون و خانم هم رفته اور را بیاورد. کمی با تعجب ولی با اغماض گفت اشکالی ندارد شما قسم بخورید که آنچه در فرم ها نوشته اید درست است . من قسم خوردم. بعد فرم هایم را داد امضا کنم و راجع به سوابق کاری ام ، سرپازی ، رشته تحصیلی ، اینکه در آمریکا کجا می خواهید اقامت کنید ، در آمریکا چه کار می خواهید بکنید سنوال کرد بعد گفت خانمتان بیاید فرم های خودش و پسران را امضا کند و مصاحبه کند . پسران را بیاورید باید او را یک لحظه بینم. امدم دیدم همسرم و تقزیا 20 نفری از دوستان ایرانی در صف هنوز دارند با پسرم کلنجار می روند . خلاصه خیلی استرس آور بود . خیلی ها باور نمی کردند ما داریم مصاحبه می شویم و تو خیابان هستیم!!! شاید بعضی از دوستان مهاجرسرایبی هم آنجا بوده باشند و ما را در این صحنه خنده دار - گریه دار دیده باشند. خلاصه همسرم دوان دوان رفت داخل و من عهده دار

وظیفه بردن آقا پسر به داخل . ماموریتی غیییییییییییییی ممکن!!! 😊
از همسرم هم سنوالاتی راجع به رشته تحصیلی و سوابق کاری اش پرسیده بود. و البته او توضیح داده بود. سریع برگشت و بالاخره با هم توانستیم پسر دوست داشتنی را ببریم داخل . حالا او با لبی خندان رفت جلوی خانم و با صدای بلند سلام کرد . خانم آفیسر از ما پرسید این پسران است ؟ با تعجب . او که خیلی خوشحال است !!! حالا بیا توضیح بده !! 😊😊 خلاصه گفت مدارک شما تکمیل است و از دو سه هفته دیگر شماره تان را در سایت چک کنید و هر وقت شماره تان را دیدید کافیست یکی بیاید ویزاها را بگیرد. این هم از نتیجه . آبی آبی .
با غر غر به پسرم برگشتیم هتل . دیدن خانواده دوست عزیز مهاجرسرایبی vm1974 و بعد دلداری خود ایشان در میدان آتاتورک کمی برایم التیام بود . از ایشان سپاسگزارم. برگشت را دو روز بعد از مصاحبه برای چهارشنبه 27 جون گرفته بودیم که به خوبی انجام شد و الان خانه هستیم و مثل بعضی از دوستان عزیز در حال انتظار.

دوست دارم راجع به آنکارا ، مراکز خرید و هم بنویسم ولی چون سفرنامه ام چند قسمتی و خیلی طولانی شده در پست های جداگانه با دوستان این قبیل اطلاعات را به اشتراک خواهیم گذاشت. در پایان از همه شما برای همه چیز متشکرم و امیدوارم همه دوستان منتظر زودتر کلیر بشوند. ارادتمند

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان خوب مهاجر سرایی  من این چند روز سرگرم تکمیل مدارک و ارسال آنها به آنکارا بودم که خدا رو شکر همه چیز به خوبی انجام شد. از جمله مدارک اسپانسر که خیلی نگران بودیم که به موقع به دستمون برسه که رسید و گواهی تمکن مالی هم هر جور شده بردم تهران و مهر برجسته خورد ولی سربرگ رنگی نداشتن! ولی حساب همسرم با وجود اینکه به ساختمان مرکزی و بین الملل مراجعه کردم مهر برجسته نداشتن ولی سربرگ رنگی داشتن! و ما به این نتیجه رسیدیم که هر بانک حتی شعبات بین الملل اصلی اونها قوانین و روش های خودشون رو دارن و اصلا نیازی نیست تمام گواهی تمکن مالی مهر برجسته و سر برگ رنگی داشته باشند! بلکه فقط لازمه اون فرمت مربوط به اون بانکی که گواهی می گیرید بر اساس قانون و نحوه کارشون باشه و خود افسر هم مطمئنن با نحوه گواهی های هر بانک اشناست!

اما متاسفانه برام مشکلی هم پیش اومد  اونم این که کارت ملی عزیز را به جایی که نمی دونم کجا گم کردم  حالا می خوام بدونم که موقع ارائه اصل مدرک برام مشکلی پیش نمی یاد؟ آیا اگر رسید درخواست صدور المثنی رو ارائه بدم قبول می کنند؟ و به خاطر این نقض مدرک نمی خوریم؟ البته برنده اصلی همسرم میباشد. اگر راه حلی هست ممنون می شم که راهنمایی کنید  با ارزوی ویزا چه به ضرب چه دو ضرب برای همه مهاجرسرای های گلم 

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان : من دیروز با پرواز ماهان امدم آنکارا برای گرفتن ویزا . پرواز خوبی بود حداقل بهتر از ترکیش بود . بلافاصله رفتم هتل مراد که شاپرا عزیز پیشنهاد داده بود ، اول قیمت بالا دادند ولی وقتی گفتم از طرف شاپرا معرفی شدم کلی تخفیف دادند . من یک نفرم ولی یک اتاقه دو تخته بهم دادند شبی ۹۰ لیر . هتل خیلی خوبه . جا داره یک تشکر ویژه از شاپرا عزیز داشته باشم . ضمنا اینجا یک مدیر خیلی خوب داره که خیلی مودبه و انگلیسی خیلی خوب حرف میزنه . ضمنا به من گفت که اگه یک خانواده ۴-۳ نفری سراغ داشتم ، آپارتمان ۳ خوابه مبله هم داره که با قیمت خوبی حاضره اجاره بده . اگر کسی خواست پیغام بده تا شماره اش رو بدم . اما دیروز از هتل رفتم سفارت . ساعت ۱۲،۴۵ آنجا بودم و ساعت یک یکی یکی رفتیم تو . برگه آبی و پاسپورتها رو دادم و بعد گفتند برم ups . اونجا ۵۱ لیر دادم و گفتند هتل منتظر باشم . گفتم منه بدبخت پنجشنبه بلیت برگشت دارم تورو خدا بیاد . گفتن سعی میکنیم . خلاصه الان نشستم تو لابی هتل و منتظر . خدائی سخته .

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

IMMI (Jul-03-2012 12:24 PM) نوشته است: من ایمیل زدم به بیمارستان آمریکایی استانبول، میگو روزهای 5شنبه و 2شنبه برای سفارت ویزیت ندارن!!!! دوستانی که چک آپ رفتن استانبول، احیانا این دو روز نرفتن؟؟؟

من اول درخواست کرده بودم دوشنبه 18 جون برم معاینه ولی با توجه به زمان رسیدنم به استانبول آن را به سه شنبه 19 جون تغییر دادم. برای دوشنبه آن وقت که ما می خواستیم بریم مشکلی نبود شاید روال جدیدی است . مطمئنی از پاسخی که دریافت کرده ای ؟ چه کسی نامه را امضا کرده است ؟ خانم گورچیان؟ کمکی خواستی در خدمتیم. موفق باشی

**RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا**

IMMI(Jul-03-2012 12:24 PM) **نوشته است:** من ایمیل زدم به بیمارستان آمریکایی استانبول، میگو روزهای 5شنبه و 2شنبه برای سفارت ویزیت ندارن!!!! دوستانی که چک آپ رفتن استانبول، احیانا این دو روز رفتن؟؟؟؟

من هم چهارشنبه 18 جولای میرسم استانبول، ایمیل زدم گفتن یا همون چهارشنبه یا جمعه میتونیم بهتون وقت بدیم، یعنی پنج شنبه نمیتونستن. من نزدیک دو ماه قبل زدم ایمیل رو و مطمئنا پنج شنبه وقتشون پر نبوده.

ارسالها: 402
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 3
تشکر: 575
بار تشکر شده در 392 پست

**RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا**

سفرنامه :

از شعبان تا شعبان :

15 جولای پارسال نتایج لاتاری اعلام شد و قبول شدیم چون اولین باری بود که لاتاری ثبت نام کرده بودیم عملاً هیچ اطلاعی از روند کار نداشتیم و تا به دو روزی گیج می زدیم و دور خودمون می چرخیدیم. در حال جستجو در گوگل در مورد گرین کارت بودم که با این سایت آشنا شدیم و خدا رو شکر با مطالعه و کمک دوستان فرمهای پر از غلطمون رو که هنوز نفرستاده بودیم اصلاح کردیم و با پست TNT خیابان وحیدی دستگردی (ظفر) به مبلغ 69000 تومان به KCC ارسال کردیم و یه هفته بعد با ارسال ایمیل تأییدیه رسیدن مدارک رو از KCC گرفتم.

بالاخره پس از 9 ماه انتظار برای ماه جون دعوت به مصاحبه شدیم. اولین کار جمع آوری مدارک و اقدام به ترجمه آنها بود. بعد شروع به تزریق واکسن نمودیم مرحله اول MMR رو در بیمارستان مهراد تزریق کردیم. سپس با راهنمایی poone59 عزیز واکسنهای مننژیت و آنفولانزا (نیازی نبود خودمون زدیم) رو در هلال احمر انقلاب تزریق کردیم یه کارت هم از اونجا گرفتیم که بریم پاستور. سه مرحله هپاتیت رو هم سال پیش زده بودیم. بعد به پاستور تجریش رفتیم اگه اشتباه نکنم واکسن کزاز و دیفتري رو هم اونجا تزریق کردیم به درخواست خودمون تست آنتی بادی آبله مرغون هم دادیم با اینکه هر دو تا مون تو بچگی گرفته بودیم. خانم دکتر طاهرنژاد هم کارت بین المللی ما رو تکمیل کردند و تحویلمون دادند. يك ماه مونده به وقت مصاحبه از سایت دکتر اونگان بطور جداگانه وقت معاینه گرفتیم که فرداش کانفرمیشن وقت برامون ایمیل شد. بلیط پرواز ترکیش و هتل ددمان رو هم از آژانس معروف ج.ب تهیه کردیم. مدارک لازم و ترجمه اونها رو هم 21 روز قبل از مصاحبه با پست DHL به سفارت در آنکارا پست کردیم و يك هفته بعد از رسیدن مدارک چهار تا ایمیل از سایت سفارت و ایمیل شخصی خودم برای سفارت فرستادم که بعد از 7 روز تأیید کردن که مدارکتون رسیده. ما اصل کلیه ترجمه ها به همراه همون کپی که دارالترجمه ضمیمه ترجمه ها کرده بود + کپی از تمامی صفحات پاسپورتمون رو فرستادیم که هزینه پست 78000 تومان شد و براساس سایت DHL سه روز بعد محموله در محل سفارت company stamp شده بود.

با پرواز ترکیش جمعه صبح وارد آنکارا شدیم و با استفاده از اتوبوسهای EGO در فرودگاه نزدیکی هتل پیاده شدیم و پس از طی يك سربالایی با شیبی

حدود 70 درجه 😊 ساعت 9:30 وارد هتل ددمان شدیم رسپشن محترم سریع به اتاق تحویلمون داد که يك تخت دابل و يك تك نفره داشت ، user name و password جهت استفاده از اینترنت هم گرفتیم . کلاً از سرویس دهی و نحوه برخورد کارکنان هتل ددمان خیلی راضی بودیم. روز اول رو به استراحت و گشت و گذار در خیابون کیزیلاي گذروندیم. صبح روز بعد هم به مطب دکتر اونگان رفتیم و پس از آزمایش خون و عکس از قفسه سینه جهت معاینه خدمت دکتر رسیدیم چیزی که جالبه من نمی دونستم دکتر تك نفری معاینه می کنه اول همسر رو برای معاینه صدا زدند و وقتی برگشت گفت دکتر یه واکسن MMR نوش جانم نمود بعد یه نفر دیگه رو صدا زد و بعد هم من رفتم که بعد از سوالات متداول دیدیم که دکتر يك واکسن MMR هم به من تزریق کرد این نکته رو بگم که ما مرحله دوم تست MMR رو چون تا زمان مصاحبه کمتر از يك ماه مونده بود تزریق نکرده بودیم و گفت باید واریسیلا هم بزیم که گفتیم دکتر من بچه بودم گرفتم اینم تست آنتی بادی گفت من هیچ تستی رو از ایران قبول نمی کنم و گفت باید مجدد تست آنتی بادی بدهید سپس ما مجدداً رفتیم و پس از پرداخت پول تست آنتی بادی دادیم. گفتند روز سه شنبه بعد از ظهر برای تحویل جواب بیایید مطب. کلاً اونروز ما 402 دلار به جیب دکتر واریز نمودیم. از دکتر اونگان اصلاً خوشم نیومد به نظرم ایرانیها رو حسابی می چابه . دو سه روزی رو به خرید کردن گذروندیم:

- دو بار به ANKAMALL رفتیم از متروی کیزیلاي سوار شدیم و در ایستگاه Akkopru پیاده شدیم از ایستگاه که بیاید بیرون آنکامال و فروشگاه Migros مشخصه . قیمت ها در آنکامال مناسب بود.

- مرکز خرید ARMADA از ایستگاه متروی کیزیلاي سوار Ankaray شدیم و در ایستگاه آشتی ASTI (همون ترمینال مسافر بري) پیاده شدیم با دلموش نفری دو لیره دم ARMADA پیاده شدیم . البته تابلوی به Fashion Outlet هم در نزدیکی ARMADA دیدم که چون توی برنامه نبود دیگه نرفتیم .

- دو باز هم به مرکز خرید جها (CEPA) و کنت پارک (KENT PARK) رفتیم که اونجا هم قیمتهاش خیلی مناسب بود مخصوصاً CEPA. بار اول : همون روزی که رفتیم ARMADA بعدش دوباره از دم اونجا سوار دلموش شدیم و نفری دو لیره دم (CEPA) و کنت پارک (KENT PARK) پیاده

شدیم این دو مرکز خرید بغل هم هستند .
بار دوم : در ابتدای خیابان مشروطیت ایستگاه اتوبوس هست . سوار دلموش هایی شدیم که اسم CEPA روش نوشته شده بود و با دو لیله اونجا پیاده شدیم .

- Optimum outlet که واقعاً ارزون بود مخصوصاً مغازه MANGO : از ایستگاه دم CEPA با نفری دو لیله رفتیم .
ولی از همون ایستگاه توی خیابون مشروطیت هم برای Optimum و هم برای ARMADA دلموش دیدم .
مرکز خرید KARUM در نزدیکی پارک kugulu اول خیابون ایران و مرکز خرید KIZILAY ، خیابون توانلی حیلمی و کیزیلاهی هم پر از مغازه بود . در ضمن بدلیل فستیوال خرید در آنکارا برنامه های متنوعی از شعبده بازی گرفته تا رقص و آواز و ... در همه این مراکز خرید اجرا می شد که خیلی جالب بودند . بالاخره روز مصاحبه فرا رسید و پس از تحویل پاسها و تحویل مدارک (اصل شناسنامه ها +2 قطعه عکس از هر نفر + اصل سند ازدواج + اصل آخرین مدرک

تحصیلی فرد برنده ، اصل کارت سربازی و اصل کارت ملی ها رو هم نخواستند) وارد سالن سفارت شدیم که واقعاً دست کمی از سیبری نداشت .
اعلام شماره به باجه اصلاح فرمها که ما موردی نداشتیم سپس انگشت نگاری و پرداخت 660 دلار و در نهایت مصاحبه با افسر ریش قرمز . پس از سلام و احوالپرسی با افسر گفتند که دستتون رو بالا ببرید و قسم بخورید و ما هم قسم خوردیم و فرمها رو امضا کردیم . من کنار میز افسر برگه های آبی رو دیدیم . کلاً 3-4 دقیقه بیشتر مصاحبه ما طول نکشید در مورد مدارک مالی و اینکه کجا می خواهید برید و اونجا می خواهید چی کار کنید و کسی رو اونجا دارید یا نه از ما هیچی نپرسید و فقط در مورد رشته تحصیلی و سربازی همسرم سوال پرسید و گفت امشب برای شما یه فرم 9 سوالی رو ایمیل می کنم و هر کدومتون جداگانه جواب بدید و همراه با CV تون برامون ایمیل کنید تا پروسه کلیرنس شما زود مراحل اداریش رو طی کنه بعد دو ماه دیگه این سایتی که توی برگه نوشته رو چک کنید و هر وقت شمارتون رو دیدید یکی تون بیاد و ویزاها رو بگیره بعد فقط فرم یک صفحه ای و کپی صفحات پاسهامون رو همراه با پوشه ای که براشون پست کرده بودیم بهمون پس داد . به نظر من افسر ریش قرمز خیلی محترم و خوش برخورد بود . نا امیدانه از دم باجه آمدیم کنار و دوباره کمی نشستیم و با بهت به صفتی که پشت باجه UPS توسط ترکها تشکیل شده بود نگاه می کردم که به راحتی آب

خوردن همشون ویزا می گیرن حتی توریستی هاشون و تا هتل به چرای این مسئله فکر می کردم . روز برگشت هم از دور میدان کیزیلاهی نبش خیابان آتاتورک نزدیک خروجی مترو کیزیلاهی سوار اتوبوسهای EGO442 شدیم به سمت فرودگاه نام ایستگاه HAVALIMANI (فرودگاه) هست روی تابلوی ایستگاه اتوبوس عکس هواپیما کشیده شده با نفری 5.5 لیر (پنج و نیم) . بیست دقیقه یکبار اتوبوس میاد . در اوج شلوغی خیابونها در عصر ما 45 دقیقه ای رسیدیم فرودگاه برای برگشت . ما دو عدد کوله پشتی و دو تا ساک تقریباً بزرگ چرخدار هم داشتیم . خیلی شلوغ نبود و صندلی خالی هم داشت . دقیقاً درب ورودی international departure فرودگاه Esenboga پیاده شدیم . نکته جالب این بود که ما خیلی زودتر از همسفرهایمان که در لابی هتل منتظر ترانسفر نشستیم بودند رسیدیم .



با آرزوی کلیه شدن هر چه زودتر تمامی دوستان

ارسالها: 85
تاریخ عضویت: Oct 2011
رتبه: 0
تشکر: 105
80 بار تشکر شده در 78 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

[quote='Us1346' pid='188142' dateline='1341305125']

سلام دوستان : من دیروز با پرواز ماهان امدم آنکارا برای گرفتن ویزا . پرواز خوبی بود حداقل بهتر از ترکیش بود . بلافاصله رفتم هتل مراد که شاپرا عزیز پیشنهاد داده بود ، اول قیمت بالا دادند ولی وقتی گفتم از طرف شاپرا معرفی شدم کلی تخفیف دادند . من یک نفرم ولی یک اتاقه دو تخته بهم دادند شبی ۹۰ لیر . هتل خیلی خوبه . جا داره یک تشکر ویژه از شاپرا عزیز داشته باشم . ضمناً اینجا یک مدیر خیلی خوب داره که خیلی مودبه و انگلیسی خیلی خوب حرف میزنه . ضمناً به من گفت که اگه یک خانواده ۴-۳ نفری سراغ داشتیم ، آپارتمان ۳ خوابه میله هم داره که با قیمت خوبی حاضره اجاره بده . اگر کسی خواست پیغام بده تا شماره اش رو بدم .
اما دیروز از هتل رفتم سفارت . ساعت ۱۲،۴۵ آنجا بودم و ساعت یک یکی یکی رفتیم تو . برگه آبی و پاسپورتها رو دادم و بعد گفتند برم ups . اونجا ۵۱ لیر دادم و گفتند هتل منتظر باشم . گفتم منه بدبخت پنجشنبه بلیت برگشت دارم تورو خدا بیاد . گفتن سعی میکنیم . خلاصه الان نشستیم تو لابی هتل و منتظر . خدائی سخته .

quot/]

دوستان عزیز:

خوشبختانه UPS روز چهارشنبه بسته حاوی پاسپورتها و سایر مدارک رو ساعت 10 صبح بهم تحویل داد و من یک نفس راحت کشیدم و پنجشنبه برگشتم تهران .

البته دوستانی زیادی هم ویزاشون نیامد و مجبور شدند که پروازشان رو تغییر بدن که 65 دلار بابت آن باید میدادند و هتلشون رو هم تمدید کنند که ناراحت کننده بود و خوشحالی ویزا رو از یادم برد .

ضمناً track number رو هر چی تو سایت ups وارد میکردم کار نمیکرد . بقیه دوستان هم همین مشکل رو داشتند .

100 متر پایینتر از هتل مراد دفتر UPS بود که با رسید بهتون میگه که پاسپورتها تو چه مرحله ای است .
راه بهتر اینه که از هتل هر 4 ساعت به UPS زنگ بزنید و با دادن track number وضعیت پاسپورتها رو آنلاین بهتون میدن . البته چون انگلیسی بلد نیستند از رسیدن هتل بخواهید اینکار رو براتون انجام بده .

اینم شمارههای ups .

3169022

4175989

4920494

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام خدمت همه دوستان گل مهاجرسرا
 ما هفته پیش مصاحبه داشتیم و من قصد ندارم سفرنامه بنویسم ولی برای ادای دین به این سایت و اعضای خویش به صورت تیر وار اتفاقات و نکاتی را که به نظر ممکن مفید باشه رو ذکر میکنم:

- 1- در مورد پرواز به نظر بنده گرفتن پروازهای چارتر علی رغم ارزونتر بودن خیلی ریسک داره مگر اینکه مطمئن باشید حتما ویزای یکضرب میگیرید یا حتما کیلیبر میخورید.
- 2- در خصوص ترانسفر فرودگاه هم بهترین گزینه استفاده از اتوبوسهای هاواش هست که از فرودگاه به چند نقطه داخل شهر ایستگاه دارند و از اون ایستگاهها هم به راحتی و خیلی ارزون تر میشه با تاکسی به هتل رفت.
- 3- در کل ما و دوستانی که با هم همسفر بودیم هیچ کدوم ترکی بلد نبودیم ولی خیلی راحت تونستیم با مترو و اتوبوس جابجا بشیم و کلی جا رفتیم و در کل هزینه خیلی کمی برای کرایه دادیم.
- 4- به نظر من مکان هتل خیلی مهمه، حتی ممکنه بعضی وقتا قیمت رو هم تحت الشعاع قرار بده، هتل ما رویال هتل بود که تو خیابون جانف کندی واقع هست و تا سفارت پیاده 2 دقیقه و تا مطب دکتر پیاده 7 دقیقه و تا میدان کزیلای پیاده 10 دقیقه راه هست. در کل سعی کنید هتل رو در محدوده میدان کزیلای انتخاب کنید به چند دلیل: اول اینکه میدان اصلی شهر هست و کلی مرکز خرید و رستوران و بانک و صرافی و . . . اونجا وجود داره. دوما آنکارا دو تا خط مترو داره که تقریبا تمام مسیرها رو پوشش میدند و میدان کزیلای مرکز تلاقی این دو خط مترو هست. سومما از همه جای آنکارا به میدان کزیلای اتوبوس وجود داره و تاکسی هم همیشه هست. چهارما اینکه به سفارت و مطب دکتر نزدیک هست.
- 5- هتل رو بهتر هست از آژانسهای ایران تهیه کنید چون برای مثال هتل رو من از ایران شبی 90 دلار رزور کردم ولی وقتی اونجا قیمت گرفتم بهم گفتن شبی 150 دلار و خودشون هم گفتن اگه از ایران بگیری ارزون تره (البته شاید چون الان های سیزن هست اینجوری باشه و تو زمستون قضیه فرق کنه)
- 6- دکتر اونگان دیگه به کل کارت واکسیناسیون پاستور رو قبول نداره و به همه واکسن ام ام آر رو میزنه اینکه حق داره یا نه رو من اظهار نظر نمیکنم ولی تقریبا و به طور میانگین نفری 250 دلار میشه که 45 دلار برای آزمایش خون و ایکسری میشه و 200 دلار هم برای معاینه و نوش جان کردن واکسنها زیاد هم فرق نمیکنه واکسنها رو زدی یا نه.
- 7- روز مصاحبه سعی کنید زود برید. حول و حوش ساعت 7 خوبه، چون به ازای هر یک کیسی که جلو تر از شما باشه تقریبا 20 دقیقه دیرتر کارتتون انجام میشه . ما خودمون و h-k عزیز صبح ساعت 6:45 جلوی سفارت بودیم که h-k نفر اول بود و ما کیس دوم که کارمون و به فاصله 20 دقیقه با هم تا ساعت 10 صبح تمام شد ولی یکی از دوستان که 8 اومده بودند کارشون ساعت 1:30 تمام شد. روز قبل از ما هم تقریبا همینجوری بود.
- 8- فرآیند مصاحبه خیلی راحت تر از اونیه هست که همه قبل از رفتن به اونجا تصور میکنیم و به نظر من این یکی از محدود مضرات عضویت در مهاجرسرا هست (البته این با مزایای مهاجرسرا اصلا قابل مقایسه نیست) که ایجاد استرس میکنه و فرآیند رو خیلی پیچیده نشون میده.
- 9- من تقریبا مطمئن شدم تا قبل از ورودمون به سفارت پرونده هامون رو نگاه هم نمیکنند. و آفیسر چند دقیقه قبل از مصاحبه مدارکمون رو بررسی میکنه و همه چیز قبل از مصاحبه معلومه و تصمیم برای یک ضرب بودن و یا خوردن کلیتر گرفته میشه مگر اینکه در حین مصاحبه آفیسر به یه تناقض برخورد کنه و روال عوض بشه. اولین سوالی که از من پرسیدند این بود: "شما مهندسی مکانیک خوندید؟" که من هم جواب دادم "خیر همونطور که تو فرما نوشتنم الکترونیک خوندم" یعنی آفیسر میخواست بدونه من فرما رو خودم پر کردم یا کسی دیگه و آیا کلا صادق هستم یا نه چون مطمئنا جواب درست این سوال رو میدونست و عمدی اینو پرسید.
- 10- یک نکته دیگه هم که من متوجه شدم ارسال مدارک اضافی یا خواسته نشده جز هزینه اضافی هیچ تاثیری در روند کار نداره و مدارک اضافی ما و همه کسانی رو که با مصاحبه داشتند بهمون برگردوندند.
- 11- در خصوص ترجمه هم فقط ترجمه رسمی کافیه
- 12- در خصوص نوع پوشش هم اصلا و به هیچ وجه هیچ تاثیری در روند کار نداره و به نظر من فقط ریلکس بودن و با اطمینان جواب دادن به آفیسر مهمه.
- 13- لباس گرم با خودتون برای سفارت همراه ببرید. هوای سالن رو خیلی سرد تنظیم میکنند.
- 14- ما مصاحبمون با آقای ریش قرمز بود و یه چیز جالب رو فهمیدیم که این آقا به همه کسانی که آبی گرفتند میگفت سایت رو یکی دو ماه دیگه چک کنید ولی اون خانم (که یکی از بچه ها میگفت لیبل اسمشوخوانده و اسمش نازنین هست) به همه میگفت 2 تا 3 هفته دیگه سایت رو چک کنند. اما در مورد کیس ما

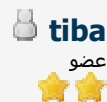
ما کیسمون دو نفر بود - برنده اصلی خودم بودم - لیسانس فنی - شاغل در یک شرکت خصوصی - سربازی ارتش - همسر هم شاغل در بخش خصوصی و لیسانس فنی - تمکن مالی 75 میلیون خودم 35 میلیون همسر + اسپانسر - ترجمه ها بعضی با مهر دادگستری و وزارت امور خارجه بعضی ترجمه رسمی و بعضی هم ترجمه دارالترجمه عادی نتیجه : دریافت برگه آبی سوالی بود خدمت دوستان گل هستم.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام واحترام
 ما امروز مصاحبه شدیم. نتیجه آبی
 برخی از نکات مهم:
 1. در مورد پرواز ما با ترکیش رفتیم. الان خواستم تاریخ رو برای سه نفر عوض کنم حدود 700 هزار تومان هزینه داشت!

2. در خصوص ترانسفر فرودگاه هم با اتوبوسهای havas با هزینه هر نفر 10 لیر به اولوس رفتیم و از اونجا با تاکسی که اون هم شد 10 لیر. اگر فکر میکنید که ترکها انگلیسی بلدند سخت در اشتباهید! ما سعی کردیم با کمک په کتاب ترکی در سفر کارمون رو راه بندازیم. که نتیجه هم داد.
 3. ما هتل سه ستاره‌ی ANKARA GOLD رو از سایت <http://www.bookikng.com> گرفتیم شبی 68 دلار. هتل خوبیه به سفارت و مطب دکتر نزدیکه.
 4. دکتر اونگان به ما واکسن ام آر رو زد و به بچه مون هم دو تا واکسن زد در مجموع شد 625 دلار (سه نفر)
 5. ما روز مصاحبه ساعت 8 صبح مقابل سفارت بودیم و ساعت 11 با برگه آبی اومدیم بیرون. از همسر که برنده بود در مورد شغلش پرسید و در مورد من هم گفت که سربازی رو چند خریدی؟ همین. بعدش گفت که بخاطر رشته تحصیلی همسر (فوق لیسانس اقتصاد) و شغلش (شغل دولتی) باید کیس شما رو بررسی کنیم.
 6. اگر بچه دارید حتما لباس گرم با خودتون در روز مصاحبه داشته باشید. ضمناً به میزان کافی اسباب بازی در سفارت هست که سر بچه ها رو گرم کنه.
 7. ما به روز هم به قونیه رفتیم. روزهای شنبه ساعت 9 تا 11 شب مراسم سماع در 250 متری مقبره مولانا برقرار است. می تونید با قطار سریع به قونیه برید.
 8. شهرسازی گجیلیک پارک ، روبروی ایستگاه قطار یا نزدیک اولوسه ، جای خوبیه.
- ما هم منتظر می مانیم.

ارسالها: 20
تاریخ عضویت: Jun 2012
رتبه: 0
تشکر: 219
248 بار تشکر شده در 20 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

hamedhamed(Jul-09-2012 05:20 PM) نوشته است:

tiba(Jul-09-2012 12:48 PM) نوشته است: با سلام واحترام

ما امروز مصاحبه شدیم. نتیجه آبی
برخی از نکات مهم:

1. در مورد پرواز ما با ترکیش رفتیم. الان خواستم تاریخ رو برای سه نفر عوض کنم حدود 700 هزار تومان هزینه داشت!
 2. در خصوص ترانسفر فرودگاه هم با اتوبوسهای havas با هزینه هر نفر 10 لیر به اولوس رفتیم و از اونجا با تاکسی که اون هم شد 10 لیر. اگر فکر میکنید که ترکها انگلیسی بلدند سخت در اشتباهید! ما سعی کردیم با کمک په کتاب ترکی در سفر کارمون رو راه بندازیم. که نتیجه هم داد.
 3. ما هتل سه ستاره‌ی ANKARA GOLD رو از سایت <http://www.bookikng.com> گرفتیم شبی 68 دلار. هتل خوبیه به سفارت و مطب دکتر نزدیکه.
 4. دکتر اونگان به ما واکسن ام آر رو زد و به بچه مون هم دو تا واکسن زد در مجموع شد 625 دلار (سه نفر)
 5. ما روز مصاحبه ساعت 8 صبح مقابل سفارت بودیم و ساعت 11 با برگه آبی اومدیم بیرون. از همسر که برنده بود در مورد شغلش پرسید و در مورد من هم گفت که سربازی رو چند خریدی؟ همین. بعدش گفت که بخاطر رشته تحصیلی همسر (فوق لیسانس اقتصاد) و شغلش (شغل دولتی) باید کیس شما رو بررسی کنیم.
 6. اگر بچه دارید حتما لباس گرم با خودتون در روز مصاحبه داشته باشید. ضمناً به میزان کافی اسباب بازی در سفارت هست که سر بچه ها رو گرم کنه.
 7. ما به روز هم به قونیه رفتیم. روزهای شنبه ساعت 9 تا 11 شب مراسم سماع در 250 متری مقبره مولانا برقرار است. می تونید با قطار سریع به قونیه برید.
 8. شهرسازی گجیلیک پارک ، روبروی ایستگاه قطار یا نزدیک اولوسه ، جای خوبیه.
- ما هم منتظر می مانیم.

سلام ببخشید چند تا سوال داشتم ازتون:

از آنکارا تا قونیه با قطار سریع و سیر چند ساعت طول کشید؟ هزینه بلیط قطار هر نفر چقدر هست؟ قونیه شب ماندید یا برگشتید آنکارا؟ از هزینه هتل های قونیه هم اطلاعی در دست دارید
و سوال آخرم اینکه قونیه به غیر از مقبره حضرت مولانا جای مهم گردشگری دیگه ای هم داره؟
ببخشید خیلی سوال پرسیدم

سلام

از ایستگاه قطار آنکارا اول باید بلیط تهیه کنید. 40 لیر رفت و برگشت معمولی و 60 لیر بلیط قسمت بیزینس (قسمت بیزینس تقریباً بهتره) شما رور با اتوبوس به سینجان می برند حدود 30 دقیقه طول می کشه
قطار هم 1.5 ساعت
شب موندیم چون برنامه سماع موقعی تموم می شه که دیگه قطار برگشت برنامه حرکت نداره (برنامه 9 تا حدود 11 شبه)
سعی کنید حداقل هتل 3 ستاره به بالا بگیرید البته اگر حساس هستید به تمیزی
نه تقریباً جای دیگری نداره تا جایی که من میدونم.
ممنون

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سفرنامه اول:

بادرودیه همه دوستان مهاجری عزیز
امروز دوشنبه ۱۹ تیر یابلیطی که حدود ۱/۵ ماه پیش از ایران ایر گرفتم ساعت ۳ صبح در فرودگاه امام بودیم (از تعریف دوستان که صف ها طولانی و شلوغه) که البته نیم ساعته کل کارهایمان انجام شد و دو ساعتی در فرودگاه بسیار بزرگ ول چرخیدیم (البته میدانید که چقدر جاهای دیدنی دارد و اصلا نگران نباشید حوصله اتان سر نمی رود).
تاساعت ۵/۱۵ بعلت تاخیر چند مسافر هواپیما بلند شد. اما این هواپیما بسیار جدید و مدرن (عمری بیشتر از عمر بنده داشت) با صندلی هایی که برای راحتی مسافری گرمی فاصله آنها را کاهش داده بودند با مهارت تمام خلبان (این را بخدا جدی میگویم) پرواز کردیم تا حدود ۲ ساعت بعد به فرودگاه آنکارا برسیم. با توجه به راهنمایی دوستان عزیزم و برنامه ریزی قبلی برای رفتن به هتل با اتوبوس های هاواش - در زمانی که از فرودگاه خارج شدیم گفتیم آخه تاکی خسیسی - سریع پریدیم در یک تاکسی و آدرس هتل و نقشه هتل در شهر را به راننده نشان دادیم و گفتیم سریعاً برو تا پیشیمان نشیدیم با اتوبوس برویم ولی چه کنیم که ۷۵ لیره هم پیداه شدیم.
اما هتل را که از طریق سایت گردی پیدا کرده بودیم حدود یک ماه پیش رزرو از طریق ایمیل کردیم. این هتل بنام eyuboglu است نزدیک ددمان. هتل بسیار عالی عالی است.
همین که ساعت ۷ وارد هتل شدیم ما را به اتاقمان راهنمایی کردند.
تاساعت ۸ استراحت و تصمیم گرفتیم که وقتی که از دکترانگان برای ساعت ۱۱ گرفتیم را بیخیال بشیم و برویم دکتر.
آروم آروم و قدم زنان در هوای بسیار مطبوع و صبحگاهی آنکارا بلوار آتاتورک را بالا رفتیم تا چشممان به جمال سفارت روشن شد و از آنجا هم به مطب دکتر عزیز.
خلاصه با راهنمایی دوستان قبلی و سفرنامه های قبل همه چیز آنقدر برایتان آشنا است انگار چند بار اینجا آمده اید.
ساعت ۸/۵۵ به دکتر رسیدیم که نفر دوم بودیم. در کمتر از دو ساعت کلیه کارهایمان انجام شد همه چیز از منشی دکتر که بسیار خوش اخلاق بودند. و آقای دکتر به من و خانم هم واکسن آبله مرغان هم زد و گفت این بخشنامه است که یا باید آزمایش بدهید یا واکسن. خلاصه مادومی را انتخاب کردیم. و باید فردا ساعت ۲ برویم جواب آزمایش را بگیریم.
در راه برگشت کمی پیاده روی و سرزدن به محوطه اطراف سفارت برای آشنایی و خوردن نهار در abba (جای همگی خالی) در هتل استراحت و عصر هم به دستور همسر گرمی (البته خودمانیم ما آقایون هم بدمان نمی آید. البته بین خودمان باشد). به مراکز خرید کیزیلای سرزدیم.
فردا بامین امروز (ساعت ۱/۴۵ سحر بوقت آنکارا) قرارمون این که برویم بسمت مقبره آتاتورک.
تاسفرنامه دوم شب و روز خوش
ما ۵شنبه صبح مصاحبه داریم منتظرانرژی ++++++ همه دوستان عزیزم هستیم. اگر بفرض محال بر گه آبی بگیریم میفهمم دوستان کم لطفی کردند.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام

من امروز مصاحبه داشتم و سفید گرفتم. سفرنامه وقتی بر کردم می نویسم که خدا بخواد: دي ولي چند تا نکته که ممکنه به درد کیس های شبیه من بخوره سریع میگویم:
۱- من ترجمه هام فقط مهر دادکستری داشت
۲- کپی passport اسپانسر نداشتم (بخشید من p ندارم: دي)
۳- اسپانسر من با ups مدارکم و نفرستاده بود
۴- دو تا غلط تو تاریخ مدارکم داشتم
۵- کپی passport خودم فقط از صفحه اول بود کپی برابر اصل و از این حرفا هم نداشتم
۶- فقط ترجمه صفحه ی اول شناسنامه
۷- کارت ملیم انقضاش گذشته بود ولی اصلا نگاه به کارتم نکرد
۸- ایمیل تایید رسیدن مدارک رو که به سفارت زده بودم جواب نداده بودن
در انتها هم بکم که من
لیسانس-مجرد- سربازی معاف هستم
یک زوج جوان بسیار رزورر مهربونم که اینجا منو از تنهایی در آوردن و اشنایی باهاشون باعث افتخار من بود هم امروز سفید گرفتن:-)



سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همه دوستان خویم در مهاجر سرا . بالاخره نوبت ما هم شد که تجربه سفرم به آنکارا را برای شما بنویسم البته امکان داره که کمی طولانی باشه اما سعی میکنم نکاتی که برای خودم جای ابهام داشت را برای همه دوستان یادداشت کنم تا راحت کارهای خودتون رو انجام بدن . دوستان عزیز من پس از کلی بررسی متوجه شدم که تور بهتر از بقیه موارد هست برای سفر به آنکارا با توجه به اینکه الان تعداد مسافران برای مصاحبه در سفارتهای مختلف زیاد شده مثل انگلستان و کانادا و امریکا تورها هم تصمیم گرفتن خدمات متفاوتی و قیمتهای ارزانهتری نسبت به قبل ارائه کنند من با استفاده از روزنامه و زنگ زدن به آژانسهای مختلف بالاخره یک آژانس مسافرتی که در میدان محسنی بود را پیدا کردم که تور آنکارا داشت چند تا هتل بهم پیشنهاد داد ولی خودش بهم هتل سیاو را توصیه کرد و من هم قبول کردم با این شرط که تور من باید 10 روز باشه بابت این تور هم از من 900 هزار تومان گرفت با این شرایط 10 شب و 11 روز پرواز ماهان مستقیم به آنکارا ترانسفر فرودگاهی آنکارا و یک روز گشت به همراه نهار به نظرم خوب بود شرایطش . روز دوشنبه 9 جولای وارد آنکارا شدم انصافاً هتل خوبی هست تمیز و نوساز اندازه اطاقش بد نیست صبحانه خیلی عالی نداره اما بد هم نیست اینترنت رایگان با یک سرعت نسبتاً خوبی هم داره گشت شهرش خوب بود نهار مناسبی هم داشت راستی ترانسفر فرودگاهی هم خیلی خوب بود تور لیدرما خانمی بود که با چند تور لیدر دیگه ایرانی در فرودگاه منتظر بودن بسته به نوع هتلی که از ایران انتخاب کرده بودی تور لیدر متفاوتی داشتی خلاصه دوستان روز سه شنبه صبح ساعت 9 مطابق وقت گرفته شده وارد مطب دکتر اونگان شدم البته بهتون بگم که وقت گرفتم فقط برای این هست که اسم شما اونجا باشه و الا ساعت مهم نیست قبل از من چند نفر آمده بودن که ساعت 12 و یک خانواده که ساعت 2 بعدازظهر وقت داشتن آمده بودن و چون قبل از من وارد شده بودن زودتر از ما رفتن پس وقت تعیین شده را زیاد ملاک قرار ندهید . مطب دکتر در جایی هست به نام کوگولو پارک یا پارک قوها که ملکه فرح پهلوی به شهردای آنکارا تقدیم کرده از هتل سیاو 25 دقیقه پیاده روی داره که خوب بود و خیلی راحت پیدا کردیم بعد از آزمایش خون و عکس قفسه سینه برای ساعت 3.30 گفت برگردین وقتی رفتیم دکتر منتظر ما بود بعد از زدن یک امپول و شک کردن به کارت واکسناسیون من آزمایش خون مجدد برام نوشت و کلا نفری 120 دلار مارا سارژ کرد آزمایش خون اولی نفری 68 لیر گرفته بود آزمایش دوم هم 64 لیر بعدش برگشتیم هتل و روز چهارشنبه ساعت 5.30 دوباره رفتیم پیش دکتر که منشی گفت شما مشکلی ندارید کارت واکسناسیون ما را گرفت و یک ورقه بجاش بهمون داد یک سدی که عکس قفسه سینه بود گفت سفارت این را لازم ندارم و موقع ورود به امریکا لازم میشه پس درش را باز نکنید و یک پاکت که نتیجه کل آزمایشات درش بود که را به ما داد خیلی تاکید داشت که درب این پاکت باز نشه تا نکنید و از این توصیه ها ما هم گوش کردیم و برگشتیم هتل تا روز دوشنبه 16 جولای که وقت مصاحبه داریم فرصت خوبی هست برای ریلکس شدن و آرامش . از جاهای دیدنی نوشتیم چون آنکارا جایی نداره و در ضمن هرکس خودش پیدا میکنه این جاها را .

روز دوشنبه بعد از مصاحبه قول میدم که قسمت دوم سفر نامه آنکارا را بنویسم براتون . فقط یک مطلب که یاد افتاد اینکه هتل اوزیلهان . ددمان . گولد . سیاو . ریکسون همه و همه باهم بین یک تا دو دقیقه فاصله ندارن و همه به سفارت و دکتر نزدیک هستند حالا بعضی دوستان مایل هستند که هزینه بیشتر کنند به خودشان بستگی دارن اما من ترجیح دادم که هزینه های اضافی را پس انداز کنم و در موقع ورود در امریکا هزینه کنم نه الان . برای همه دوستانم ارزوی موفقیت دارم و ازتون میخوام که برای من و خانواده ام دعا کنید که روز دوشنبه مصاحبه خوب و عالی داشته باشیم و یک ضرب ویزا بگیریم

ارسالها: 361
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 1
تشکر: 5520
2772 بار تشکر شده در 355 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام
اولا که از همگی ممنونم بابت انرژی های مثبتتون راجع به سفر اول از گرفتن بلیط شروع میکنم. اصلاً همین میتونه بنشه قسمت اول سفرنامه. برای بلیط از آژانس و خود دفتر ترکیش که سؤال کردم بالای 700 تومان قیمت میدادن برای تهران-استانبول-آنکارا-تهران. ایران ایر هم حدود 485 تومان میشد که که قسمت استانبول - آنکارا رو نداشت و پرواز داخلی رو یا باید جدا میگرفتم یا با اتوبوس میرفتم. یک کم تو اینترنت سرچ کردم، از سایت CheapoAir به این نتیجه رسید که اگه ترکیش رو تهران-آنکارا-استانبول-آنکارا-تهران بگیرم با اینکه یک پرواز اضافه میشه ولی ارزونتر در میاد. تو سایت خود ترکیش هم چک کردم دیدم اینجوری خیلی ارزونتره. یکی دو تا آژانس رفتم گفتن همیشه بلیط رو اینطوری صادر کرد چون تهران-استانبول پرواز مستقیم داره. زنگ زدم خود ترکیش، اونجا هم بهم گفتن این قیمت فقط برای وقتی که آنلاین بخواین از تو ساین خرید کنین و ما این قیمت نمیتونیم بدیم. آخرش زنگ زدم به آژانسی که همیشه ازش بلیط میگیرم و چون آشنا بود شماره پروازها رو ازم پرسید و زد تو سیستمش گفت درسته اینجوری میشه نفری 520 تومان، که همونجا هم برام صادر کرد. یعنی در واقع با 35 تومان بیشتر هم پرواز داخلی استانبول - آنکارا رو داریم هم با ترکیش میریم که هواپیماهاش از ایران ایر مسلماً بهتر و جدید تره. فقط امیدوارم مجبور به تغییر بلیط نشیم که اونجوری باید کلی خسارت بدیم.

برای هتل هم اول استانبول، میخواستیم حتما هتل نزدیک تقسیم بگیریم. با راهنمایی های funnybluesolea عزیز دیدم سفیران تراول قیمت هتل ها رو از همه جا بهتر میگه، ولی هتل های یک کم خوب خیلی گرون بود و هتل های پایین تر هم من زیاد دل خوشی ازشون نداشتم. دیگه داشتم هتل کاروانسرای رو میگرفتم (شبی 110 یورو) که دیدم سایت booking.com برای هتل ریکسوس الیسیوم که فکر کنم هتل خوبی باشه یک offer گذاشته، چهار شب حدود 500 یورو. همون رو از طریق سایت و با کردیت کارت رزرو کردم.

خوبی سایت booking.com اینه که از کردیت کارت فقط برای تضمین رزرو استفاده میکنه و پولی کم نمیکنه، پول رو نقدی به خود هتل میدیم. ضمناً تا یک روز قبل هم اگه کنسل کنین هیچ هزینه ای نداره. من هم برای استانبول هم برای آنکارا هر هتلی که خوشم میامد رو در صورتیکه امکان کنسل کردن بدون هزینه داشت رزرو میکردم که یک وقت پر نشه و بعداً بتونم تصمیم بگیرم.

فردا صبح میرسیم استانبول و برناممون اینه که با اتوبوس های هاواش تا تقسیم بریم، بعد کارهای چک این هتل رو انجام بدیم، اگه اتاق رو زودتر میدادن که میگیریم اگر نه هم وسایل رو میزاریم هتل، ساعت 1 بیمارستان وقت داریم که با مترو 2 ایستگاه با تقسیم فاصله داره.

برای آنکارا هم که مثل اکثر بچه های جولای شاپرای عزیز زحمت کشیدن وقتی آنکارا بودن هتل مراد رو برام رزرو کردن که درست شب قبل از مصاحبه یعنی یک شب میریم آنکارا، بلیط برگشت هم 5شنبه شب از آنکارا به تهران که امیدوارم با دو تا ویزای خوشگل وارد فرودگاه امام بشیم.

در مورد ارز مسافرتی فکر کنیم حق با شما دوستان باشه، شاید بهتر بود میگرفتیم و ریسک نمیکردیم، به خصوص با این طرح جدید مجلس برای حذف ارز مسافرتی، ولی دیگه کار از کار گذشته و امشب باید بریم فرودگاه و بانک جایی باز نیست که برم دنبالش.

راستی هنوز نه تنها چمدون نیستم، حتی به اینکه چه لباسهایی بردارم فکر هم نکردم 😊 الان میخوام زنگ بزوم سیر و سفر فرودگاه امام برای امشب درخواست ماشین کنم.

 mahyar66

عضو
☆☆☆

ارسالها: 33

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 97

311 بار تشکر شده در 32 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همه ی دوستان

بالاخره نوبت من شد که سفر نامه بنویسم و دینم رو به مهاجر سرا ادا کنم :دی! من بعد از رویت قبولی و این داستان ها و اومدن نامه ی دوم رفتم واسه واکسنام همه ی اونچیزایی که لازم بود و زدم و(MMR,TD,....) - آنفولانزا نزدیم فقط- تست آنتی بادی همه دادم و مدارکم هم بر اساس هرچی که خودشون گفته بودن تکمیل کردم نه کمتر نه بیشتر حالا واسه بعضی از دوستان که نگرانی دارن من لیست مدارکم در انتهای همین سفرنامه میزارم! مدارکم با آرامکس 40 روز مونده به مصاحبه پست کردم:دی! ولی بعدش هرچی ایمیل دادم به سفارت تایید نکردن رسیده(4 بار ایمیل به هردوتا آدرس سفارت زدم:دی) من نسخه ی دومی هم از ترجمه هام نداشتم فقط کپی هاش دستم بود خلاصه در تاریخ دوشنبه 9 جولای با ایران ایر که حدود 1 ماه پیشش به قیمت 398600 تومان! گرفته بودم عازم آنکارا شدم پرواز بدی نبود. بعد از رسیدن چون ترانسفر نداشتم اول رفتم free shop یکم خرید کردم و بعدم اومدم بیرون واستادم ببینم چی میشه!! چون پرواز ماهانم بعد از ما رسید دیگه فرودگاه پر بود از هموطن :دی! دیدم دو نفر دارن سر اینکه چی جورې برن هتل ozilhan با هم صحبت می کنن که منم خودمو پرت کردم وسط صحبتشون و خلاصه یکی دیگه ام پیدا شد و شدیم 4 نفر راه افتادیم سمت هتل 40-45 دقیقه ای تو راه بودیم و آخر سر هم نفری 15 لیر دادیم و پیاده شدیم. من هتل ozilhan تلفنی واسه يك هفته -دوشنبه تا دوشنبه- گرفته بودم رفتم داخل هتل و پول 3 روزشو پیش حساب کردم رفتم تو اتاق تمیز و خوبی بود و شدیداً واسه مجردها پیشنهاد می کنم پولشونو به هتلی بیشتر از این نندن:دی!

من ساعت 11 وقت دکتر داشتم که حدوداً 11:20 رسیدم دکتر دیگه دکتر تعریف نمی کنم همه می دونن چی میشه:دی! همه ی آزمایش های من شد 280 دلار-اینو بگم که تست آنتی بادی من منفی در اومد و علاوه بر پول تست، پول تزریق واکسن آبله هم داده که 80 دلار بود - دوشنبه برگشتم هتل و کلا خوابیدم 3 شبه صبح رفتم آنکامال که آدرسشو همه دارن ولی بازم می گم مترو کیزلای خط قرمز سوار شین ایستگاه چهارم به نام آکیرو پیاده شین:دی! همه ی فروشگاههاش با اینکه جشنوارشون تموم شده بود هنوز تخفیف داشتن و به نسبت همون برند ها تو ایران، واقعا ارزون بود. بعد از ظهرشم با دوتا از دوستای خوب مهاجرسرایي رفتم واسه جواب مدیکال. سه شبه هم این طوری تموم شد و 4 شبه هم دوباره آنکامال بودیمو جای شما خالی کلی خوش گذشت:دی! من 5 شبه صبح مصاحبه داشتم و شیش با اینکه فرص خوردم ولی درست حسابی خوابم نبرد. صبح ساعت 7 بیدار شدمو دوش گرفتم و صبحانه خوردم رفتم به سمت سفارت! ساعت 7:45 اینطورا بود که رسیدم سفارت دیدم چند نفری از جمله 2 خانواده ی ایرانی زودتر از من اونجا بودن-فقط واسه دوستانی که رو لباس حساسن بگم من می خواست formal بپوشم برم ولی اتو پیدا نکردم پیراهنمو اتو بزوم واسه همین جین پوشیدم :دی- ساعت هشت بود که کیس های لاتاری رو صدا زدن و گفتن تو صف واستین ما هم مثل بچه های حرف گوش کن واستادیم و پاسپورتارو تحویل دادیم و بعد یکی یکی صدامون زد و رفتیم تو از سکویرتی رد شدیم و باز واستادیم تو صف بعد اونجا یکی یکی می رفتیم تو و اصل مدارکو تحویل می دادیم نوبت من شدو رفتم تحویل دادم مدارکم و به من گفت اصل مدارک مالیت گفتم فرستادم و کپی هم ندارم:دی گفت اگر فرستادی عیبی نداره يك شماره به من داد(401)-مصاحبه فارسی انتخاب کردم- و رفتم تو سالن انتظار نشستم چند دقیقه بعد هم orchin عزیزو همسرشون اومدن داخل و نشستیم به حرف زدن تا یکم از استرسمون کم بشه. هواي داخل سفارت هم اصلا سرد نبود! شماره ی من خونده شد رفتم باجه ی 12 فرم های اولیه رو داد و گفت اگه اصلاحیه داری انجام بده منم گرفتم و دوتا تاریخ در حد 1 ماه اشتباه داشتم که درست کردم و دوباره شمارمو اومد رو تابلو رفتم فرمهای اصلاح شده رو تحویل دادم، دفعه دوم رفتم باجه ی 7 واسه انگشت نگاری دفعه ی سوم رفتم باجه ی 4 واسه دادن 330 دلار و دفعه ی چهارم رفتم باجه ی 6 واسه مصاحبه. مصاحبه(سوال هایی که پرسید و براتون می زارم):

1-سلام و احوال پرسید:دی!

2-قسم بخور

3-واسه چي مي خواي بري؟

4-اسپانسرت چه نسبتی داره؟

4/5-اسپانسرت کارش چیه؟

5-پروژه ی کارشناسیت چي بوده؟

6-می خواي با اسپانسرت با هم زندگی کنين؟!

7-سربازیت چي شده؟-گفتم معاف شدم اصل کارتمو دادم نگاه کردو و در مورد بند معافیت پزشکی سوال کرد-

بعد گفت باید میکروفون رو خاموش کنیم گفتم باشه. خاموش کردو به سري چیزا تایپ کرد و يك سري چیزا هم خوندم در ضمن برگه ی آبی در تمام مدت با اسم خودم کنار دستش بود-واسه اینه که اگر نقص مدرک داشته باشي اونو پر کنه و بهت بده- بعد میکروفونش رو روشن کرد و گفت شما هیچ مشکلی ندارين و يك برگه ی سفید در آورد تاریخ روش زد و بعدم گفت برين باجه ی UPS و در انتها هم گفت در آمریکا بهتون خوش بگذره. راستي اولش هم گفت تبریک می گم که لاتاری بردين:دی!

رفتم UPS کارت هتل یادم رفه بود بیارم اسم هتلو بهش گفتم و گفت تو history آدرس هتلتون هست:دی! دقیقاً پشت سر من هم مصاحبه Orchin عزیز و همسرشون هم تموم شد و اون ها هم خوشبختانه اومدن UPS حالا خودشون حتما مفصل واستون تعریف می کنن. امیدم بیرون رفتیم هتل یکم استراحت کردیم و رفتیم يك نهاری خوردیم-واقعا دقیقش یادم نیست که چي کار کردیم وگرنه می گفتم:دی- تا ساعت 9 بیرون بودم وقتی رسیدم هتل UPS چك کردم دیدم ساعت 4:46 دقیقه بستم picked up شده و 2-3 جای دیگه ام رفته بود:دی جمعه صبحم ساعت 11:15 اینطورا بود که بستم رسید و پاسپورتمو چك کردم چشمم به جمال ویزا روشن شد! دیگه از اون به بعدشم تا دوشنبه صبح ساعت هفت که پرواز داشتم سعی کردم خوش بگذروم:دی یکشنبه بعد از ظهرم به reception هتل گفتم ترانسفر سراغ نداري من زورم میاد 60-70 لیر تنهایی پول تاکسی بدم اونم يك کارت بهم داد و من زنگ زدم و گفت ساعت 4:30 میاد دنبالم 20 لیر هم هزینهش بود.ساعت 5 رسیدیم فرودگاه منم رفتم tax free که مالیات چیزهایی که خریدمو بگیرم که بهم گفتن هیچ کدوم از فاکتور هام tax free نیستن! با اینکه من به همه ی فروشگاه ها می گفتم من توریست هستمو بهم فاکتور tax free بدن! خلاصه سوار شدیمو سر ساعت بدون تاخیر(7:25) حرکت کردو به سلامتی رسیدیم تهران!

مدارک (اصل مدارک) که برده بودم اونهایی که با ستاره مشخص می کنم اصلا به دردم نخورد(دی):

- 1- شناسنامه
- 2- کارت ملی (*)
- 3- پاسپورت: دی
- 4- مدرک کارشناسی
- 4- مدرک دیپلم (*)
- 5- مدرک پیش دانشگاهی (*)
- 6- کارت معافیم

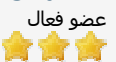
امیدوارم چیزهای به درد بخوری هم وسط چرندیاتی که گفتم پیدا بشه: دی! اگه سوالی بود در خدمتم



ارسالها: 33
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 9
33 بار تشکر شده در 33 پست

سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا (قسمت دوم)

سلام دوستان عزیز مهاجرسرای، در قسمت اول سفرنامه براتون تجربه دکتر را نوشتم و در این قسمت تجربه سفارت . یک روز قبل از مصاحبه رفتم و سفارت را پیدا کردم و از افسر جلوی در سوال کردم گفت که نیم ساعت قبلا وقت مصاحبه بیا ولی همه معمولا ساعت 8 اونجا هستند بعد به نوبت وقت وارد میشی بعد از درب اول که تمام تجهیزات الکترونیک رو ازتون میگیره وارد میشید (بهتر هست حتی کیف دستی با خودتون نبرید فقط پوشه مدارک و پول) پشت درب دوم بعد از نیم ساعت توقف هر خانواده یا هر کیس نامبر وارد میشد وقتی وارد شدیم اول مدارک اصل برنده را گرفت از قبیل شناسنامه و کارت ملی و اصل مدرک تحصیلی سند ازدواج بعد از همه همین مدارک را خواست و در نهایت پاکت دکتر را گرفت و یک شماره به ما داد وقتی وارد سالن شدیم منتظر شدیم که صدا کنند ما را اولین بار که صدا کرد بعد از نیم ساعت فقط یک سوال ساده پرسید : چیزی هست که بخواهید عوض کنید یا اتفاق جدیدی رخ داده که بخواهید اضافه کنید که گفتیم نه ، بشینید صدا میکنیم دوباره . بعد از یک ساعت باجه 7 صدا کرد رفتیم انگشت نگاری برای بچه های زیر 9 سال لازم نیست بعدش گفت بشینید صدا میکنیم ساعت 12 شده بود و حسابی کلافه بودم که صدا کرد و گفت کیس شما در حال بررسی هست یک کارت به ما داد و گفت میتونید برید و ساعت 3 بعد از ظهر برگردید . ساعت 3 دوباره آمدیم و تا 5 منتظر بودیم که صدا کرد و بعد شروع به سوال و جواب کرد یک خانم خیلی مودب و فارسی بلدی بود راستی یادم رفت بگم که دوستان جدید از کسی در مورد زبان سوال نمیکند همه کیس های لاتاری را به یک خانم می دهند که فارسی بلد هست و دانشجویان را سوال میکنن که مصاحبه کننده فارسی باشه یا انگلیسی . بعد از سلام و معرفی شروع کرد به این سوالات : چی خواندی در دانشگاه . الان چیکار میکنی . توضیح بده کمی در باره کارت . سربازی کجا بودی و چیکار میکردی از همسر هم همین سوالات را پرسید و در نهایت برای ما توضیح داد که شما همه مدارک را دارید و همه چیز هست بجز 2 مورد یکی چون من اقامت دبی را دارم باید از پلیس اونجا عدم سو پیشینه بگیرم که براش توضیح دادم من مراجعه کردم و گفتن که با نامه رسمی از طرف سفارت جواب میدن و اگر من جرمی مرتکب شده باشم در سایت هست اون را خط زد و کپی پاسپورت یا گرین کارت اسپانسر را خواست و یک ورقه ابی به ما داد و گفت که هر وقت که شماره شما در سایت بود با این مدرک به سفارت مراجعه کنید . ولی واقعا بگم دوستان من اصلا امیدی به این مطلب ندارم و با توجه به وقت کمی که باقی مانده بعید میدانم که نوبت به ما برسه برای اما همچنان منتظر هستیم . راستی دوستان سایتی که به من داده را هرچی میزنم نمیتوانم وارد بشم کسی هست که بتواند کمک کند و به من ادرس بده که من از کجا باید شماره ام را چک کنم ؟ ممنونم از همه دوستان عزیزی که قبلا سفرنامه نوشته بودن چون خیلی به من کمک کرد و از همه شما دوستان هم میخوام که همین کار را ادامه بدید که دیگر دوستان هم درست راهنمایی بشن و با آگاهی و مدارک کامل به سفارت مراجعه کنند.



ارسالها: 72
تاریخ عضویت: May 2012
رتبه: 0
تشکر: 173
673 بار تشکر شده در 72 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام
سفرنامه دوم: بعد از اینکه شماره بنده در سایت در تاریخ ۲۹ جون اعلام شد بالاخره تونستم برنامم رو ردیف کنم تا دوباره پیام آنکارا برای تحویل پاس و برگه ابی به سفارت محترم
این بار هم با ترکیش ایر اومدم هزینه بلیط رفت و برگشتم شد ۶۵۰۰۰۰ تومان. امروز صبح رسیدم هتل رو هم این بار ankara gold hotel رو گرفتیم از طریق سایت HRS بدون پرداخت هزینه ای رزرو کردم <http://www.hrs.com/web3> / شبی ۵۵ یورو (سینگلش) بدک نیست صبح زود رسیدم پروازم ساعت ۵ صبح از تهران بود باید ۶:۲۰ به وقت اینجا میرسیدیم که ۶ رسیدیم. اینبار به جای استفاده از اتوبوسهای هاواش با اتوبوسهای آگو اومدم خیلی خوب بود تا میدان کبزیلای اومدم و ۵/۲۵ لیر ترکیه دادم. از میدان هم به ۶ تا ۷ دقیقه پیاده روی تا رسیدم به هتل. خوب چون زود رسیدم اتاقم حاضر نبود تا ساعت ۹:۳۰ به اتاق جمع و جور در طبقه سوم بهم دادند. تازه صبحونه هم رفتم خوردم برای یک هتل ۲ ستاره بد نبود خوبیش این بود که میوه فراوان داشت.
ساعت ۱۲ راه افتادم به سمت سفارت خیلی شلوغ بود ولی کیس های مهاجرتی با برگه ابی فقط ۵ نفر بودیم مثل دفعه قبل اول ما رو فرستادن تو و دوباره اونجا به صف شدیم. یه کم معطل شدیم چون خانمه رفته بود نهار. دوباره تک تک در و گیج خوردن آدمها در باز کردن بالاخره من نفر سوم این صف

بودم رفتم تو برگه آبی و پاسپورت رو گرفت و اسمم رو روی یه برگه سفید نوشت و راهنماییم کرد به نمایندگی UPS. خیلی راحت رفتم تو اسمم رو وارد کرد آدرس رو ازم پرسید (راستی حتما کارت هتل را با خود ببرید) و بعد از گرفتن ۱۷ لیر (اینو فارسی فرمودند) بهم قبض داد و تمام. ۵ دقیقه بعدش تا رسیدم هتل مثل دیوونه ها رفتم سایت مربوطه و شمارم رو وارد کردم و خوب معلومه که نبود.



حالا دیگه منتظر UPS هستیم (میگم این پروسه گرین کارد چقدر انتظار داره ها)

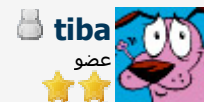
سوالی بود در خدمت هستم

به امید اینکه همه ۲۰۱۲ یا بدون دردسر ویزاهاشون رو بگیرن و به ینگه دنیا سفر کنند.

پیروز باشید

یادم رفت بگم هوا هم خیلی گرمه داغه داغه و البته خدا رو شکر تو اتاق هتل اسپیلیت هست.

ارسالها: 20
تاریخ عضویت: Jun 2012
رتبه: 0
تشکر: 219
248 بار تشکر شده در 20 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سفرنامه

با توجه به اینکه خواندن موارد مشابه ممکنست خسته کننده باشه من برخی از نکات مهم رو میگویم:

1- ما با پرواز ترکیش رفتیم. وقتی خواستیم تاریخ رو برای سه نفر عوض کنیم حدود 700 هزار تومان هزینه داشت. برای همین صرفه نظر کردیم و با اتوبوس به استانبول رفتیم .

2- در خصوص ترانسفر فرودگاه هم با اتوبوسهای havas با هزینه هر نفر 10 لیر به محله اولوس رفتیم و از اونجا با تاکسی که اون هم شد 10 لیر به هتل. ما هتل سه ستاره‌ی ANKARA GOLD رو از سایت <http://www.booking.com> گرفتیم هتل رو از سایت booking رزرو کرده بودم. شبی 68 دلار. هتل خوبیه به سفارت و مطب دکتر نزدیکه. البته به کسانی که در مورد تمیزی سخت گیر هستند توصیه می کنم حتما هتل 3 ستاره به بالا بگیرند.

3- انگلیسی ترکها خوب نیست. پس بهتره به کتاب ترکی در سفر تهیه کنید و بعضی از کلمات مهم رو یاد بگیرید. مطمئن باشید که نتیجه میده.

4- دکتر اونگان به ما واکسن ام آر زد و به بچه مون هم دو تا واکسن زد در مجموع شد 625 دلار برای سه نفر

5- ما روز مصاحبه ساعت 8 صبح مقابل سفارت بودیم و ساعت 11 با برگه آبی اومدیم بیرون. از همسرم که برنده بود در مورد شغلش پرسید و در مورد من هم گفت که سربازی رو چند خریدی؟ همین. بعدش گفت که بخاطر دولتی بودن شغل همسرم گفت باید کیس شما رو بررسی کنیم.

6- اگر بچه دارید حتما لباس گرم با خودتون در روز مصاحبه داشته باشید. ضمناً به میزان کافی اسباب بازی در سفارت هست که سر بچه ها رو گرم کنه.

7- ما به روز هم به قونیه رفتیم. روزهای شنبه ساعت 9 تا 11 شب مراسم سماع در 250 متری مقبره مولانا برقرار است. می تونید با قطار سریع به قونیه برید برنامه حرکت قطارهاش رو براتون گذاشتم. از ایستگاه راه آهن (گار) شما رو به سینجان می برند با اتوبوس (مجانی) بعد سوار قطار می شوید

با سرعت 250 کیلومتر به سمت قونیه می روید.

با برنامه رو ننوستم paste کنم!

8- شهرسازی گیجلیک پارک ، روبروی ایستگاه قطار یا نزدیک اولوسه ، جای خوبیه توصیه میکنم حتما برید. کنارش هم یه پارک که بعد از ظهرها برنامه رقص نور داره.

9- بع از مصاحبه با حالی خسته با اتوبوس به استانبول رفتیم. (از اتو گار)

استانبول هوای شرجی و گرمی داشت و از اون بدتر ترافیک خیلی سنگین! به طوری که از ابتدای ورودی شهر تا هتل (در محله تکسیم خیابان استقلال)

نزدیک 2 ساعت توی راه بودیم

اگر خواستید استانبول برید سعی کنید در همین خیابان هتل بگیرید. جای با صفایی است البته خیلی شلوغ

10- موقع برگشتن از استانبول هم از اتوگار با اتوبوس هاواش با نفری 10 لیر به فرودگاه رفتیم.

اگر سوالی بود در خدمتم

ارسالها: 212
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 2344
1572 بار تشکر شده در 197 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان بالاخره نوبت ما هم شد که سفرنامه بنویسیم

فعلاً قسمت اول

ما امروز پنجشنبه - 19 جولای- طبق برنامه ریزی قبلی و البته اطلاعات زیادی که از مهاجرسرا بدست آورده بودیم رسیدیم آنکارا . مصاحبه ما چهارشنبه

25 جولای است ولی سعی کردیم چند روز زودتر بیاییم که هم استراحتی کرده باشیم و هم کارها عجله ایی نباشه. پرواز ما با ترکیش بود کلا برای 10

روز و 9 شب هزینه بلیط + هتل ددمان و ترانسفر با دلار 1800 تومان شد 2700000 تومان که از آژانس معروف ج ... ب گرفته بودیم. پرواز خیلی خوب و

راحت بود و هیچ مشکلی در این خصوص نداشتیم. تا اینکه رسیدیم آنکارا. موقع تحویل گرفتن بارها چند تا چمدون مشابه چمدون ما بودند که متأسفانه

یه هموطن غیور 🇮🇷 چمدون مارو جای چمدون خودش وراثته بود و بدون این که چک کنه برده بود که بعد از کلی گشتن - نزدیک به 10 دقیقه - به جایی تو سالن پیداش کردیم که طرف اونجا ول کرده بود و رفته بود. نزدیک به دو ساعت هم منتظر بودیم تا بقیه افراد ی که با پرواز ماهان قرار بود برسند و به ما ملحق شن تا ترانسفر حرکت کنه که واقعا وقتمون تلف شد و بعضی از افراد عصبی شده بودن خلاصه به خیر گذشت و بعد از دو ساعت به سمت هتل راه افتادیم. 😊

تو هتل کلی منتظر شدیم که به ما اتاق بدن تا این که ساعت 11 به اتاق که همه چیزش - از یخچال گرفته تا کولر- مشکل داشت به ما دادن و چون ما می خواستیم بریم مطب دکتر اونگان و عجله داشتیم فقط مشکلات اتاق رو گفتیم و اونها هم گفتن تا شما برمی گردین همه چیزو درست می کنن و شما هم نگران نباشین.

وقت ما برای فردا صبح بود ولی گفتیم که بریم شاید قبول کردن که البته اوون منشی واقعا خوش اخلاق و مهربونش قبول کرد و ما شروع کردیم به آزمایشها که برای عکس و آزمایش خون نفری 50 دلار گرفتن و گفتن که برید و ساعت 16:30 بیاین دکتر جون بینتون. ما هم برگشتیم هتل که هم استراحتی کرده باشیم و هم به ووسایلمون به سرو سامانی بدیم که جاتون خالی تا ساعت 16 من نزدیک به 2 کیلو عرق کردم چون هم کولر خراب بود و هم یخچال. خلاصه بعد از کلی غر زدن سرشون برگشتیم مطب دکتر.

دکتر امروز حال و حوصله نداشت تریپش عصبی بود و به همه چیز گیر می داد و ما تو ایران همه واکسنها رو زده بودیم و حتی تست آبله مرغون هم داده بودیم که تو کارت زرد وارد شده بود از طرفی برگه آزمایش آبله مرغون رو که انستیتو پاستور انجام داده بودیم هم برده بودیم که دکتر گفت Dr. Ongan

Never never Accept Pastour Institute خلاصه به واکسن آبله مرغون به بنده و یکی هم به اعیال که واقعا رو سر ما جا دارن 😊😊😊 - ایشون برنده اصلی هستن- زد و کلا با ویزیتش 300 دلار از ما گرفت که با پول عکسها و آزمایش خون کلا 400 دلار ناقابل پیاده شدیم. البته همسر محترمه کلی



بخت کرده بود ولی من تصور کردم که صدقه به دلار دادیم. بعدش برگشتیم هتل که دیدم کلا اتاق رو عوض کردن.



دوستان تا حالا اینا رو داشته باشین فعلا داریم میریم آنکارا گردی بقیش برای بعد.

ارسالها: 265
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 2
تشکر: 229
1423 بار تشکر شده در 241 پست

 **jordanir**
عضو با سابقه
★★★★★

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

مرحبا به همگی از آنکارا شهر زبان بین المللی ایما و اشاره آقا جان بنده که چند وقت دیگه زبان بریل هم اینجا یاد میگیرم. ولی خارج از شوخی خیلی آدمای باصفای داره همانطور که انتظارش هم داشتیم. البته این کلیه و همه جا آدم ... وجود داره مثلا همینجا تک و توک ناکسی هایی که فکر میکنن خیلی زرنگ هستن که مثلا فوق فوقش ۵ تا ۱۰ لیر تو به مسیر میخوان بیشتر بگیرن. دیگه جانم براتون بگه بنده میخوام یواش یواش بریم که آماده شم بریم برای مطب خانم بچه ها که خوابین! بنده هم که با لباس رسمی شورت (به جان خودم پاچه داره) و زیرپوش خواب روی لبه تخت نشستم. بچه های هاسل هم خوابین و هنوز خبری نیست. فکر کنم همون ۹ صبحانه را آماده کند. البته با هم نداریم کلی با هم رفیق شدیم اگه نشد خیالی نیست خودم میرم دست بکار میشم ما و اونا نداره. دیشب رفتیم پارک قو جاتون خالی خیلی با صفا بود خانواده کلی حال کردند. ولی اونجا چیزی نخوردیم حس ششم شکم جان گفت خوب نیست ما هم اطاعت کردیم اومدیم خیابان پایینی چون گلم گشنش بود برگر کینگ چیکن تندر سفارش دادیم که خیلی هم مالی نبود البته زیاد گرسنه نبودیم ما ولی بستنیش چسبید به همه. دیپس هاسل تنها مشکلی که داره نبود سیستم سرمایشه که الان تو گرمای آنکارا خیلی اذیت میکنه. البته آدمهای سخت گیر اینجا اذیت میشن چون جو جو هاسل هست دیگه ما که کلی خندیدیم که بعدا مفصل براتون میگم ولی اگر نکته سنج و سخت گیر هستید جو هاسل اینجا دقیقا سیستم استرالیاییه. همه با هم ندارند که من خیلی دوست دارم. حالا یکی من رو بلند کنه بره مطب دکتر. خوبه زنگ بزنم اون بیاد. بقیه را بعدا باز مینویسم. فعلا برم بیرون ببینم صبحانه را مرام کششون کنم یا درست میکنن.

ارسالها: 360
تاریخ عضویت: May 2012
رتبه: 1
تشکر: 492
2144 بار تشکر شده در 348 پست

 **hadiseh.t**
عضو با سابقه
★★★★★

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

(Jul-22-2012 03:29 PM) **mrr777** نوشته است:

(Jul-22-2012 12:27 PM) **shadin_n** نوشته است: سلام ،، منم بعد دادن مدارک ناقصم ویزارو دیروز گرفتم، در ویزای دخترم در قسمت Annotation نوشته valid only if Acc/FTJ Mother Class A or B (TB) Reg . ATTN. of USZPHS at POE این به نظر شما یعنی چی؟

احتمالا منظورشان اینه که در صورتی دخترتون می تونه وارد آمریکا بشه که همراه با مادرش باشه.

بله دقیقا همینجای جای نگرانی نیست.



ارسالها: 31
تاریخ عضویت: Apr 2012
رتبه: 0
تشکر: 579
231 بار تشکر شده در 30 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همه دوستان گل مهاجر سرایی میخوام سفرنامه مو با یکم تاخیر براتون بنویسم امیدوارم مفید باشه .
پرواز : ایران ایر برای 2 نفر + یک بچه زیر 12 سال 1117000 تومان رفت و برگشت یکماه قبل از مصاحبه خریدم (ایران ایر برای تغییر تاریخ برگشت هیچ مبلغی از ما نگرفت) . پرواز فقط دوشنبه ها و پنج شنبه ها رفت به وقت ایران 5:30 صبح برگشت 7:30 صبح به وقت آنکارا
هتل : آنکارا پلازا - 4 ستاره A- با صبحانه - اینترنت - بسیار تمیز - اتاق استاندارد دو تخته + یک تخت برای بچه شبی 120 دلار - ترانسفر نفری 30 دلار (اگه بیشتر از 3 نفر هستید ترانسفر نمی صرفه و بهتر اینه که با تاکسی برید تا هتل 70 تا 75 لیر میگیرن) . هتل تا سفارت تقریبا 10 دقیقه پیاده - تا مطب دکتر تقریبا 10 تا 15 دقیقه پیاده - تا میدان کیزلای تقریبا 15 دقیقه پیاده . با تاکسی 7 تا 8 لیر تا مطب یا میدان کیزلای . 5 لیر تا سفارت .
ما کلا 17 شب آنکارا بودم که سه شب آخر چون هتل پلازا جا نداشت مجبور شدم هتل و عوض کنم رفتیم هتل etap bulvar شبی 70 دلار 3 ستاره ولی هتل نوساز و نسبت به قیمتش خیلی مناسب بود موقعیتش هم نزدیک میدان کیزلای بود به چند دقیقه به مطب و سفارت دورتر بود ولی قیمتش خیلی مناسبتر بود .

مدیکال : ما برای اینکه بچه کوچیک داشتیم چند روز زودتر رفتیم . (خواستون به تعطیلات رسمی باشه)

- بالغین دو روز کاری نیاز دارن
- بچه های 2 تا 15 سال 4 روز کاری برای تست سل وقت لازم دارن .
- روز پنج شنبه تست سل رو از بچه ها نمیگیرن چون یکشنبه تعطیله و دکتر نمیتونه بچه ها رو برای تشخیص ببینه .
- بچه ها عکس قفسه سینه ندارن و تست خون هم نمیگیرن.
- منشی ساعت 9 میاد . ما اولین نفر رسیدیم . اول پاسپورت ها و 2 قطعه عکس ازم گرفت بعد تک تک صدا زد جای خالی امضاء توی پاسپورت رو گفت امضاء کنید یه برگه با پاسپورتا داد گفت برید طبقه پنجم برای تست خون و عکس . طبقه پنجم پاس و نامه و کیس نامبر و گرفت و بعد از چند دقیقه صدا زد و یه برگه داد برای تست خون و بعد عکس و 95 دلار گرفت برای دو نفر . اول خون دادیم و بعد عکس . بعد رفتیم پایین که منشی گفت برید و ساعت 4:30 برگردید برای معاینه دکتر .

ساعت 4:30 رفتیم مطب دکتر . طبقه چهارم . پاسپورت ها و کارت واکسن پاستور و دادیم منشی . چند دقیقه بعد صدا زد . خانم دکتر اونگان بود .
سئوالات : شغل - سابقه جراحی و بستری - سابقه ناراحتی روانی - اعتیاد - لک یا خالکوبی روی بدن - آبله مرغان (اگر گرفتید جاش و روی بدن باید نشون بدید) آزمایش آنتی بادی ایران رو قبول نمیکنه .

بعد معاینه کرد قلب - شکم - کلیه و واکسن mmr رو با توجه به اینکه 50 روز قبل از مصاحبه زده بودیم بهمون زد . تو کارت واکسن پاستور 2 دوره ثبت شده بود که وقتی گفتیم زدم گفت باید سه مرحله بزنی تا کامل بشه . تست سل رو روی دست بچمون انجام داد و 350 دلار دادیم . منشی گفت که سه روز بعد ساعت 4:30 بیاید تا خانم دکتر دست بچه رو ببینه که ما رفتیم و مشکلی نبود و جواب هر سه تامون و بهمون داد که شامل سی دی عکس قفسه سینه و برای هر نفر یک پاکت و یک برگه جواب آزمایشات که روی پاکت منگنه شده . فقط پاکت و روز مصاحبه بردیم سفارت .
تو مطب با بقیه صحبت نکنید چون منشی دائم تذکر میده و دوربین های سفارت رو نشون میده البته همه میدونن که این فقط به این خاطر که اطلاعات بهم ندیم و بیشتر زمانی اتفاق میفته که یکی از اتاق معاینه میاد بیرون و با بقیه حرف میزنه .

روز مصاحبه : ساعت 6:30 جلوی در سفارت بودیم نفر دوم . نگهبان پاسپورتامونو گرفت با لیستش چک کرد بعد اسمامونو صدا زد و به داخل راهنمایی کرد . بعد از گذشت از حراست و بازرسی بدنی به درب بعدی راهنمایی شدیم . یه خانومی که فارسی صحبت میکنه اصل یه سری مدارک و ازمون خواست . بعد پرسید مصاحبه فارسی یا انگلیسی که ما گفتیم فارسی و بعد به شماره داد و راهنمایی کرد به سمت سالن انتظار .

اینقدر که دوستان میگن سالن سرد نبود و معمولی بود . برای بچه ها وسایل بازی هست و سرگرم میشن .
شماره ها روی یه صفحه نمایشگر و آلارمی که داره دائما در حال تغییره و با هر صدا تمام سرها به سمتش بر میگردد . روی صفحه ال سی دی هم دائما طرز انگشت نگاری و آموزش میده و اعلام میکنه که 3 تا 5 روز کاری طول میکشه که UPS پاس ارو از سفارت بگیره و به دست شما برسونه . ما اول راهنمایی شدیم به باجه اصلاح فرمها که من آدرس us و عوض کردم . اصل کارت معافیت هم خواست که بهش دادم . بعد دوباره انتظار و باجه انگشت نگاری . بعد دوباره انتظار تا پرداخت پول . و بعد انتظار تا اعلام شماره برای مصاحبه با آفیسر . آفیسر یه خانم خوش برخورد بود بچمون و دید و گفت برو بازی کن . بعد ازمون خواست تا قسم بخوریم ما هم که تو باجه قبلی فرمامونو اصلاح کرده بودیم با خیال راحت قسم خوردیم . از من پرسید :

تا حالا US رفتی ؟

کجا کار میکنی ؟

شغل چیه ؟

چیکار میکنی ؟

از اول همین جا کار میکردی ؟

چند نفر کارمند دارید ؟

چطوری معاف شدی ؟

در US کجا میخوای بری؟

از همسرم :

کجا کار میکنی ؟
چیکار میکنی ؟

بعد همینطور که تایپ میکرد و سوالاتش تموم شد گفت شما مشکلی ندارید و همه چیزتون درسته یه برگه سفید برداشت اسم منو نوشت و از وسط نصف کرد و بهم داد . مدارک اضافی و اصل مدارک رو هم بهمون برگردوند . منم خیلی ریلکس رفتم گوشه سالن که کارمند UPS بود برگ رو بهش دادم و اون هم اسمم و تو لیست نگاه کرد و 45 لیر ازم گرفت و یه قبض بهم داد . واقعا خیلی خودمو کنترل کردم که خوشحالیمو اونجا نشون ندیم .

نکته :

- به نظر من لباس مناسب برای روز مصاحبه مهمه و میتونه اثر خوبی داشته باشه . ولی همه جور تیپی میبینید .
- ما صبح زود رفتیم و ساعت 10:30 کارمون تموم شد .
- وقتی میرید به باجه UPS دقت کنید که اسم همه همراهها رو تو لیستش تیک کنه و هزینه پست رو درست حساب کنه اول به من گفت 17 لیر بده و چون میدونستم هزینه ارسال 3 تا پاسپورت بیشتر میشه گفتم ما سه نفریم و دوباره لیست شو چک کرد و اسم همراهامم تیک زد .
- خیلی خیلی حواستون به جوابی که به آفیسر میدید باشه یه موقع کلمه یا توضیح اضافه و بی موردی ندید که گیجش کنید یا نسبت به جوابتون حساسش کنید . با کلمات خیلی ساده جوابای کوتاه و سلیس بدید . اون میخواد جواباتونو با اطلاعاتی که فرستادید چک کنه و نباید مغایرتی داشته باشه حالا اگه مغایرتی هست موقع اصلاح فرما و قبل از قسم خوردن بهش اشاره کنید و بعد قسم بخورید.
ما سه شنبه مصاحبه شدیم و من فکر میکردم تا چهارشنبه عصر ویزامون میاد اما مجبور شدیم تا چهارشنبه هفته بعد آنکارا بمونیم یعنی هشت روز بعد از روز مصاحبه ساعت حدودا 11 صبح به دستمون رسید . که من مجبور شدم دو بار تاریخ برگشت مونو عوض کنم . منظورم اینه که حواستون به بلیط برگشتتون باشه این روزا سفارت خیلی شلوغه . پروازایی مثل ترکیش بابت تغییر یا کنسل بلیط خیلی پول میگیرن .
دوستان ، کارمند UPS خیلی بی احتیاط بسته رو باز میکنه تا پاسپورت و از تو بسته بیاره بیرون و بعد از دیدن شماره پاس از شما رسید بگیره حواستون باشه که قبل از باز کردن بسته بهش تذکر بدید . چون تو هتل شنیدیم که UPS موقع باز کردن بسته یه نفر پاکت شو پاره کرده بود و حالا شما حساب کنید که چطوری باید به سفارت ثابت کنه که UPS این کارو کرده .

از جاهای دیدنی و خوراکی و خرید که دوستان قبلا زحمت کشیدن و نوشتن دیگه زیاده گویی نمیکنم .
آرزو میکنم که تمام دوستانی که منتظر کلیر شدن هستن زودتر کلیر بشن و دوستانی هم که مصاحبه دارن خبرای خوب بدن .
از عزیزان hvm ، ماندانا ، alirezagh, parstrader, frozen mind, hoda2012, arman_m, ehsan1095, که جواب سوالمو دادن و راهنماییم کردن تشکر میکنم و دوستانی که با اطلاعات خوبشون تو پست ها کمک کردن . اگر سوالی بود در خدمتم . شاد باشید .

 **amirhoseain**

عضو
☆☆☆

ارسالها: 42
تاریخ عضویت: Oct 2008
رتبه: 0
تشکر: 7
196 بار تشکر شده در 37 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام به همه دوستان
من از طرف خانواده خانومم می نوشتم!
مصاحبتون 19 جولای بود!
برگه آبی، هیچ سوالی به غیر از معافیت و شغل پدر خانومم نپرسیده!
علت برگه آبی هم به خاطر مریزی پدر خانومم بود که باید آزمایشاتش انجام بشه که 2 ماه طول می کشه!
هیچ برگه سوالی هم بهشون ندادن!
هتلمون سورملی بود که به نظر من مزخرفه! 3 ستاره هم اضافه است واسش!
امیدوارم همه جا همیشه همین طور متحد و دلسوز هم باشیم!

 **khabaloo**

عضو فعال
☆☆☆

ارسالها: 130
تاریخ عضویت: Mar 2010
رتبه: 9
تشکر: 561
1097 بار تشکر شده در 156 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

با سلام و عرض ادب به همه و با آرزوی موفقیت برای تک تک شماها
من برنده لاتاری نیستم، برای ویزای دانشجویی اقدام کرده بودم که به نکات جالبی برخورددم و دلم نیومد اینجا مطرح نشه و یه کم هم درد دل که باز هم همینجا سنگ صبور دازه نه جای دیگه
شاید به خاطر آفیسری که من رو مصاحبه کرد(از حرف های آخر مصاحبه متوجه میشین) باید این هارو بگم
ماجرای رفتن به سفارت و اقدام برای ویزای آمریکا برای من از زمانی شروع شد که دوست دخترم که آمریکایی بود برگشت به سرزمین گل و بلبل و من هم مصمم شدم که برم، هر چند درست بعد از گرفتن پذیرش من گذاشت رفت و پشت سرش رو هم نگاه نکرد و منم تا مدت ها دیگه نمی دونستم چرا اصلا اقدام کردم.
بعد از دریافت فرم دانشجویی از دانشگاه با بی حوصلگی رفتم ایش بانکسی و مبلغ رزرو وقت رو که 20 دلار و تب بانکسی هزینه مصاحبه برای ویزای جی 1- 180 دلار بود رو دادم و برگشتم شرکت، هوای این روزهای استانبول هم چیزی از جهنم کم نداره
2 روز مونده بود به مصاحبه یه بار دیگه مدارک لازم رو بررسی کردم دیدم به به SIVIS رو پرداخت نکردم و فرم DS-160 رو هم با چند تا اشتباه پر کردم خلاصه سریع سیویس رو پرداخت کردم فرم رو تصحیح کردم و یک ساعت مونده به تعطیل شدن Call Center (ساعت 5 بعد از ظهر) تماس گرفتم و گفتم من توکی اپلیکشنم اشتباه دارم و لطف کنین این جدید رو با قبلیه عوض کنین، مشکلی نبود.
بعد هم سایت پگاسوز رو باز کردم و آرزونترین بلیطی که گیرم اومد رو گرفتم 150 لیره رفت و برگشت
فردای اون روز مدارکو چپوندم تو کیفم و راهی تقسیم شدم و با اتوبوس هاواتاش راه افتادم سمت فرودگاه صبیحا، ترافیک بود و خوشبختانه Voice

Recorder ام که پر موزیک بود رو ته کیفم کشف کردم و شروع کردم به گوش دادن و Day dream کردن و چرت زدن، چند باری سفر در تاریخ هم داشتیم، مثل اولین باری که از ایران خارج شدم و 16 سالم بود و تا 4 سال بعدش خونادم رو ندیدم، مثل آهنگ هایی که میخوند و انگار از زبون من عشق از دست رفته رو مخاطب قرار میداد

How can I forget you
Memories come and go
You're all I've ever wanted
You're all I've ever known
Can I be happy
Living with your ghost
The pictures tell the story
I took them off the wall
It's hard enough to get through
I still can feel the fall
?Do you even think of me at all

I want you
Only you

سوهان روحی شده بود، بعضی وقت ها که آدم بین مرز خواب و بیداری و مستی بیشتر میتونه جای زخم هایی که خورده رو روی روحش حس کنه

I could start it over
And find somebody new
A beautiful distraction
Just a hand to hold on to
But if you ask me
?Would that love be true

No, I want you
Only you

نکست رو میزنم، آهنگ بعدی شروع نرمی داره ولی باز تراژدی میشه

Laid our blessings on the ground
The softening of sound
Draws us closed again

Stay, stay and watch the coals
Till they cease to glow
Like empty promises

?Why, Why did you go, why did you go away

There's nothing I can say
Nothing I can do
To bring you back again

This of life I know is true
It's all a falling through
And so I reach for you

حوصله این یکی رو دیگه واقعا ندارم، خاموش میکنم و چشم هامو رو هم میذارم، یکی رو شونه هام میزنه و میفهمم که رسیدیم تو فرودگاه تازه یادم میفته که به سعید زنگ نزدم که میام آنکارا، گوشه نوبکیای فکسنی رو برمیدارم و زنگ میزنم، دیگه دارم از جواب دادنش نا امید میشم که با صدای کلفت و نخراشیدش جواب میده متاسفانه رفته آلابیا، ظاهرا به همجواری حور و پری ها و تا آخر هفته هم برنمیگرده، خداحافظی میکنم، کیفم رو باز میکنم و آیفون قدیمی رو که هر وقت دلش بخواد کار میکنه رو درمیام که خوشبختانه کار میکنه هنوز دورش ننداختم، پر عکس هاش و تکست هاش بود و من هم نه توان نگاه کردن به اونهارو داشتم نه توان انداختنش رو زود به وایرلس فرودگاه وصل شدم و بوکینگ دات کام رو باز کردم و ارزون ترین هتلی که به سفارت هم نزدیک بود رو بوک کردم 15 یورو پرواز آن تایم انجام میشه به فرودگاه Esenboga میرسیم، جای تر و تمیز و خیلی خلوتیه در مقایسه با استانبول، سوار هاواش میشم و به طرف شهر میرم بعد هم با تاکسی به هتل میرسیم که من دهانم باز میمونه که همچین هتل درب و داغونی چطوری در سایت بوکینگ ریجستر شده اتاف 3 در 3 و کلا آشغال خلاصه شب شده و بعد از 5-6 بار عوض کردن کانال های ترکی خاموشی میدم و می خوابم فردا صبح مدارک رو برای آخرین بار چک میکنم دوش میگیرم و اصلاح میکنم و بعد از صبحونه که بد هم نیست از رسپشن هتل که سیبل هاش تقریبا دهنش رو مخفی کرده چند تا سوال میپرسم و راهی میشم

به ساختمان سفارت که میرسم احساس میکنم اینجا ترکیه نیست، که تو به وجب خاک آلونک های چند طبقه ای زده باشن میرم سمت در ورودی که چشمم به دیدار خیل عزیز هموطنان گرامی که صف بستن روشن میشه و همه از هم پرس و جو میکنن بیشتر کیس لاتاری بودن و خانواده ای، به حرفاشون گوش میکردم تا اینکه نمودنم چیکاره سفارت اومد و به ترکی گفت ساعت هشت و نیم هشت و چهل و پنج بیان ما هم یاسمون رو دادیم رفت

چند تا از خانم های ترک با لچک تشریف آورده بودن و از سر و وضعشون مشخص بود از کجاها اومدن ولی از اینجا چطور سرآوردن رو خدا میدونه

یه دختر خانم ایرانی هم بود که با پدرش اومده بود اون هم کیس دانشجویی بود ولی اف 1، یه بلوز شلوار قهوه ای رنگ پوشیده بود که من رو یاد لباس رسمی سودانی ها مینداخت، خجالتی بود و معلوم بود خیلی استرس داره (که بعدا متوجه شدم ویزاشو با موفقیت گرفته)

خلاصه قرعه به نام من درویدم و رفتم تو، بعد از سکیوریتی چک و بند تنبون باز کردن و غیره رفتم تو حیاط که دیدم باز ایرانی های عزیز توی حیاط هم صف بستن و من در این فکر بودم که این صف ها انگار تمومی ندارن

مدارکمو به باجه تو حیاط دادم، خانمی که مدارک رو میگرفت انگلیسی با لهجه ترکی صحبت میکرد که معلوم میکرد ترک هستن و دست آخر گفت شما میتونین مستقیم برین داخل و من مستنبت شدم که صف داخل حیاط مربوط به عزیزان لاتاری برده بود

به تیکه کاغذی که دستم داده بودن نگاه کردم، شماره 309 زیرش هم نوشته بود انگلیش

بغل یه آقای جوان ایرانی نشستم که معلوم شد کیس نامزدی هستن و 2 سال پیش اقدام کردن

از روی مدارک یکی از منتظران سالن دستگیرم شد که هم دانشگاهی هستیم رفتم جلو چاق سلامتی کردم و ایشون هم اینقد نزاکت داشت که بیاد کنار من بشینه و خلاصه شماره من اومد و رفتم برای فینگر پرینت که یه خانوم آمریکاییه زیبا بودن و زود تموم شد و گفتن دوباره بشینین تا دوباره شمارتون بیاد

دوباره شماره من اومد و این بار حواسم جاهی دیگه ای بود و دوست ایرانی کیس نامزدی گفتن نوبت شماست

دم باجه که رفتم یه افسر آمریکایی با یه ته ریش قرمز و ظاهری مرتب نشسته بودن که ظاهرا من اولین مراجعشون بودم از صورتش دستگیرم شد که آدم زیرکیه

Me: Hello and good morning
 ?Him: Heey you good morning how are you
 ?Me: Fabulous, how about you
 Him: looking at my files, I'm not bad thanks for asking
 ... I was looking at your application and it was quiet interesting, i see you have been in several countries and now Turkey
 Me: smiling yeah I've been always interested in the middle east i tried to learn their languages, religion, culture and etc
 ?Him: Well tell me about your program how did you decide to participate in this program and what are your goals
 Me: Well actually my coordinator told me about it and i thought it would be a great opportunity for me to discover US and also i'm writing my thesis about the national identities in the middle east which aren't really stable and the American national identity which is fairly stable and this program helps me to make a comparison between the two
 Him: Wow that's fascinating, you have a great career too
 Me: Thanks a lot
 ?Him: Do you have your transcripts with you
 ?Me: Of course here they are. do you wanna check out my undergraduate transcripts as well
 Him: No i just wanna get sense of what you are studying
 !Me: Okay
 !Him looking at the computer: I see you appleid for the lottery
 Me: Yeah
 ?Him: Whyyyy
 ...Me: Well it was a good opprtunity to go to the states and it was free so
 Him smiling: Right

(چکیده مصاحبه بود)

بعدشم گفت من پاسپورت رو نگه میدارم و همین شماره ای که دستت هست رو به این گیشه پست یو پی اس بده که بعد از 2 روز پاسپورت رو به آدرست پست کنیم شما هم میتونین با کارت اقامت ترکیه برگردین استانبول که این قسمت رو به فارسی گفت و من هم به انگلیسی گفتم به به فارسیم که بلدین امیدوارم در ایران آینده شما سفیر بشین ایشون هم بر منو نگاه کرد و با لحنی صادقانه گفت من اگه ایران بتونم برم راضیم که رفتگر هم بشم و من در حیرت و نابوری با خنده گفتم Come on now که آقای نیکولاس جنتلمن و ایران دوست هم بای دادن و میکروفون رو خاموش کردن و من هم رفتم گیشه یو پی اس و به خاطر اینکه پول نقد نداشتم رفتم بیرون از ای تی ام پول گرفتم و برگشتم و بعد از پروسه بند تنبون کشون دوباره رفتم داخل و تا رسیدم دیدم رسید رو آماده کرده و آدرسم رو از روی کارتی که بهش داده بودم نوشته

من هم 15 لیر دادم (که اگه میدونستم 15 لیر هست مجبور نمی شدم برم بیرون)

خلاصه رفتم با دوست ایرانی کیس نامزدی و هم دانشگاهیم خداحافظی کردم که یه آقای دانشجوی دیگه با حرارات خاصی اومدن سلام کردن و گفتن ویزای دانشجویی گرفتین؟ منم گفتم بله ایشالا شما هم موفق باشین و از در سفارت زدم بیرون تو عوالم خوشحالی و نا امیدکی سیر میکردم و خیابون رو گز میکردم که یادم اومد کارت حافظه ای که تو جیبم بود رو فراموش کردم از سکیوریتی پس بگیرم دوباره رفتم دم در و کارتی که دستم داده بودن رو نشون دادم در باز شد و امانتی رو گرفتم و اومدم بیرون

دم در 2 تا خانم با شوق و ذوق و نگرانی زیادی اومدن سوال کردن که چطوری بوده و غیره که من هم گفتم حتی مدارک بانکیم رو چک نکردن و راحت بوده و ایشون نشونی پسرشون رو دادن که متوجه شدم همون آقای دانشجوی خنده رو بودن که از اظهارات مامان مشخص شد که دانشجوی شریف هستن و از مغز های فراری و من در این فکر بودم که ماشالا همه یه کس و کاری دارن که بیاد باهاشون و نگرانشون باشه فقط این وسط من چغندر بودم

خلاصه گفتم نگران نباشین از شریف اگه باشن قبولن ایشون هم خدا خدا گویان از من دور شدن

من هم سرو ته کردم طرف هتل، وسایلم رو برداشتم به پدر گرامی هم خبر فتح الفتوح رو دادم که سرشون شلوغ بود و قرار شد بعدا صحبت کنیم

تاکسی - هاواش - فرودگاه اسنوگا - فرودگاه صیجا - هاواتاش - دخترهای خوشگل هم سفر من - آهنگ میکونوس از فلیت فاکسس - چرت - شلوغی بیمزه استانبول - تقسیم - مترو - مجیدیه کوی - خونه



ارسالها: 1,073
تاریخ عضویت: May 2012
رتبه: 16
تشکر: 12728
بار تشکر شده در 1046 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام بر دوستان عزیز 2012،
سعید آقای ما یک اقدامی انجام دادند در خصوص گردآوری مشخصات هتل‌های ترکیه در یک جدول. منبع اطلاعاتی‌شون هم سفرنامه شما عزیزان 2012 هستش.

من فکر کردم با توجه به اینکه بعضی از شما عزیزان هم هنوز سفر به ترکیه برای مصاحبه یا گرفتن ویزا رو در پیش دارید، شاید بتونید از این جدول استفاده کنید.

در صورت تمایل به لینک زیر مراجعه کنید:

<http://mohajersara.com/thread-5313-post-...#pid194645>



به امید ویزای یکضرب برای همه شما عزیزان.

ارسالها: 49
تاریخ عضویت: May 2012
رتبه: 4
تشکر: 1041
بار تشکر شده در 50 پست



RE: انتظار برای مصاحبه برندگان لاتاری ۲۰۱۲

سلام به همگی

بالاخره ورژن اولیه جدول اطلاعات هتل های آنکارا با بررسی سفرنامه حدود 80 برنده 2012 بازگشته از مصاحبه آماده شد. هدف از این کار جمع بندی اطلاعات هسته و گریخته در لا به لای سفرنامه ها و کمک به تصمیم گیری دوستان در زمینه انتخاب هتل بوده است. همانطور که خواهید دید هتل های ددمان، اوزیلهان و الیت پالس به ترتیب با 14، 10 و 7 مورد مراجعه، بیشترین طرفدار را داشته اند.

توضیحات زیر در مورد جدول ضروری هستند:

1- تمام اطلاعات مندرج در جدول برگرفته از پست های کاربران است و هیچ گونه اطلاعات اضافی توسط اینجانب به جدول وارد نشده است. در صورت داشتن هر گونه سوال در مورد وضعیت هتل ها،

لطفاً توسط پیام خصوصی یا ایمیل با کاربر مربوطه تماس بگیرید.

2- ستون سوم از سمت راست: عدد 12 به معنی سفرنامه 2012 و عدد داخل پرانتز به معنی صفحه ای است که سفرنامه مزبور تا تاریخ حاضر در تاپیک مربوطه قرار داشته است. متأسفانه اگر پستی توسط مدیر تاپیک حذف شود تمام صفحات به هم خورده و برای پیدا کردن سفرنامه باید پست های کاربر را سرچ نمایید.

3- در ستون چهارم و پنجم از سمت راست (هزینه هر شب اقامت): T= تومان، D= دلار، L= لیر، E= یورو هستند.

4- در ستون ششم از سمت راست (ارتباط با کارکنان): + = امکان پذیر با زبان فارسی یا انگلیسی، - = عدم امکان برقراری ارتباط مناسب.

5- در ستون های هفتم و هشتم از سمت راست (رفتن به دکتر و سفارت): (to) walk = W = قدم زدن = پیاده رفتن، T = رفتن با تاکسی. البته قرار بود افشین عزیز از روی گوگل مپ فاصله هتل ها تا مطب دکتر و سفارت را استخراج کنند و در اختیار دوستان قرار دهند. این دو ستون از این لحاظ مهمند که شاید شما بتوانید برای یک هتل بهتر و نزدیک سفارت و دکتر هزینه بیشتری متحمل بشید و در عوض در هزینه رفت و آمد با تاکسی صرفه جویی کنید. همچنین برای کسانی که بچه کوچک دارند اهمیت زیادی دارد.

6- در ستون های نهم تا سیزدهم از سمت راست: + = رضایتبخش، وجود دارد، - = عدم رضایت، وجود ندارد. گرمایش به معنی تنظیم رضایت بخش دما توسط تجهیزات گرمایشی و سرمایشی است. تجهیزات اضافه شامل وسایل تهیه چای، اتو، سشوار و ... هستند که ظاهراً در بعضی هتل ها وجود ندارند.

7- ستون چهاردهم از سمت راست شامل موارد ریزی است که در سایر ستون ها طبقه بندی نمی شده است.

8- ستون پانزدهم از سمت راست و بسایر هتل به نقل از کاربر مربوطه است. اینجانب از جستجوی و بسایت ها و درج آن در جدول خودداری کردم تا کلیه اطلاعات آن نقل شده از کاربران باشد.

9- محل های خالی نشاندهنده عدم ارائه اطلاعات توسط کاربر هست. انشاءالله در زمان مقرر و مناسب بچه های 2013 طوری برنامه ریزی خواهند کرد که هنگام نوشتن سفرنامه برای هر قسمت از سفر مثلاً نوع پرواز و قیمت، اقامت هتل، مدیکال، سفارت، اماکن گردشگری و رستورانها، یو پی اس و غیره از یک فرمت یکسان و توافقی استفاده کنند. در صورت موافقت و اجرای چنین طرحی کاملترین نوع سفرنامه از ابتدا تا کنون نوشته خواهد شد و برای استفاده آیندگان به یادگار خواهد ماند.

10- مصاحبه های بچه های 2012 همچنان ادامه دارد و این جدول طبق سفرنامه های ایشان به روز خواهد شد.

یک جمله کلیشه ای حال به هم زن در آخر : در صورت داشتن هر گونه انتقاد یا پیشنهادی لطفاً از طریق ایمیل یا پیام خصوصی اینجانب را مطلع کنید. همچنین است اگر بنا به هر دلیلی قادر به دانلود جدول نیستید که در اینصورت برایتان ایمیل خواهم نمود.

همچنان در حال گشت و گذار در سفر نامه ها و جمع آوری نکات ریز و کاربردی هستم تا انشاءالله پس از اتمام پروسه 2012 به صورت یکجا و دسته بندی شده در اختیار دوستان علاقمند قرار دهم. به امید کارنت شدن هر چه سریعتر همه.

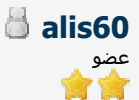
ارادتمند همیشگی: سعید

لینک دانلود 1

لینک دانلود 2

بگین آتاتورک بولوارى - مشروطيت با ***ره م و بعد آتاک ايچى (با انگشت هم ميتونين ۲ را نشون بدين). ما تركى بلد نبوديم كه شديم. انو من ديدم ولى خودم آورده بودم. ضمنا آتاک ۲ از طرف كيزلاى كه بياييد يك طرفه است ولى براى بعضى مسيرها بهتره و هزينه تا***ى رو كم ميكنه. و از اونجا كه هاسل دم كوچه است پلاك سوم راحت ميتونيد سر كوچه وياده شين. از بالا يعنى سمت مشروطيت اگه اوميدن هم كه بهش بگين آخر كوچه.

يخچال و گاز و فريرز و وسايل آشپزخانه (البته ما قابلمه كوچيك آورديم به شما هم پيشنهاد ميدم اگه بچه كوچيك دارين بيارين) صبحانه خوب ولى من اكثرا نميخورم چون ميرم بيرون. صبحانه ساعت ۹ آماده است ولى من چون ندارم خودم براى كوچولو ميرم ۵ يا ۶ درست ميكنم. شب بعضى وقت ها با بچه ها دور هم ميشينيم و با ترك هم بسيار گرم گرفتيم. همه هم تو اين محله عاشق كوچولو شدن از به مغازه آب پرتغال گيرى و دانه (كياب تركى) فروشيه وقتى رد ميشين يه پسره است ميبيره ماچش ميكنه يه پرتغال هم بهش ميده خلاصه اوضاعى داريم اينجا. ديروز تو كيزلاى سنتر ديديم نيستش دو تا دختره برش داشته بودن برده بودن تو مغازه. توى نايك هم ديديم نيست يكيشون برش داشته بود هوايما بازى ميكرد براش. خلاصه ترك ها تو بچه دارى خيلى كممون كردن.



ارسالها: 12
تاريخ عضويت: Jul 2011
رتبه: 0
تشكر: 361
بار تشكر شده در 12 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنكارا

سلام، پس از بازگشت غرور آفرين به ميهن لازم دونستم تا خلاصه اى از سفر خودمو به آنكارا حضور دوستان عزيز تقديم كنم. بامداد پنجشنبه 29 تير: فرودگاه امام: بسيار شلوغ و اعصاب خوردكن! (من واقعا تعجب ميكنم كه چرا توى اون بيابون كه چندين هزار هكتار زمين بدون استفاده افتاده، همه مسافرا بايد از يه گيت 50 سانتى رد بشن؟!!!) پرواز تركيش: سر وقت + پذيرايى متوسط + مهموندارى مهربون فرودگاه آنكارا: شيك، تميز، مدرن و خلوت رفتن به هتل: اتوبوس Havas و تاكسى (در ترمينال اتوبوسها) به مقصد هتل پلازا و مستقر شدن در اتاق (ساعت 8:15) هتل: اتاق سينگل با ابعاد مناسب، شيبى 70 دلار ناقابل، تميز و نسبتا نو، صبحانه نسبتا خوب (تا حدى هم ميشه گفت متوسط)، اينترنت بيسيم داخل اتاق با سرعت در حد المپيك (تا 200 كيلو بايت بر ثانيه) مطب دكتر: انجام آزمايش و عكس و معاينه و واكسن (م م ر ، آبله مرغون) در يك چشم بهم زدن و پياده شدن مبلغ 435 لير.

باقى روز: فرو رفتن به خواب زمستونى و شناسايى منطقه سفارت جمعه، شنبه و يكشنبه: زير و رو كردن كيزيلاى و خيابوناي اطراف، مراكز ankamal, cepa, kentpark، موزه تمدن (مدنى) آناتولى و همچنين خالى نمودن عقده هاى اينترنتى (از جمله دانلود بيش از 6 گيگابايت كليپ از youtube)

يكشنبه شب: جمع كردن وسايل و چمدون، مرور مدارك و تلاش مذبوحانه (تا صبح) جهت فرو رفتن به خواب كه كاملا بى نتيجه ماند. دو شنبه 2 مرداد (23 جولاي): ورود به خاك آمريكا (سفارت) ساعت 8:05 و تسليم مدارك و دريافت شماره بار اول: دريافت سند مالكيت و پاين خدمت (باجه 10)، بار دوم (باجه 4): دريافت پول (در اين حين اونچنان غرق صحبت با يكى از دوستان مهاجر سرا شده بودم كه شمارمو چند بار اعلام كرده بودن و در نهايت وقتى كه متوجه شدم و رفتم دم باجه، خانمه به شوخى گفتش كه فكر كردم پشيمون شدى و رفتى!) . بار سوم (باجه 7 - يه خانم جوون بودش): اول گفتش كه انگشتانو بنديز رو دستگاه. بعد يه دفعه پرسيد " شما در آمريكا چكار ميخواى بكنى؟" يه كمى هم مثل آدم آهنى صحبت ميكرد. خلاصه آقا! ما زمانى فهميديم داريم مصاحبه ميشيم كه طرف از ما سوگندو گرفته بود و كلا ما رو تخليه اطلاعاتى كرده بود. سوالاشم اين بود: چرا سربازى رفتى سپاه؟! (دقيقا همينجورى پرسيد) اونجا چكار ميكردى؟ (حالا بيا و توضيح بده...) ايران چه شركتى كار ميكنى؟ زمينه كاريت چيه؟ آمريكا كجا ميخواى كار كنى؟ با كى ميخواى زندگى كنى؟ موضوع پاين نامت چى بود؟ چقدر پول تو بانك دارى؟ در نهايت هم گفتش كه فعلا بچه! برو رد كارت تا بعد ببينيم چى ميشه...

اون روز بنده 7 عدد كيس لاتارى رو رصد كردم (با خودم البته) كه چهارتاشون قبل از من مصاحبه شدن و همگى آبى گرفتن. خلاصه اينكه با دلى آرام و قلبى مطمئن سفارتو ترك كردم و اومدم هتل (ظهر شده بود). اتاق و چمدونو تحويل دادمو و عازم مقبره آتاتورك anitkabir شدم. تا عصر كه برگشتم هتلو و بعد فرودگاه و بالاخره دم صبح رسيدم خونه.

در حال حاضر برداشت من اينه كه درصد كمى موفق به دريافت ويزا بدون گذراندن دوره كليرنس ميشن، براى مثال خانم ميانسالى كه در فرودگاه با هاش صحبت كردم، با وجود اينكه خانه دار بودش و براى ويزا توريستى اقدام كرده بود هم از اين پروسه در امان نمونه بود. بهر حال من هم مثل همه دوستان بسيار اميدوار هستم، هر چند كه همه ميدونيم كه گرفتن ويزا تازه اول كار....

مخلص همه دوستان



ارسالها: 189
تاريخ عضويت: Jul 2011
رتبه: 2
تشكر: 153
بار تشكر شده در 186 پست

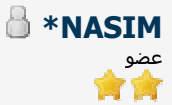
RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنكارا

MAHDI2012(Jul-27-2012 07:53 AM) **نوشته است:** سلام ..دوستانى كه زمينى انكارا رفتند لطف كنند ايا سفر به انكارا با اتوبوس مشگلى نداره. من با خانواده هستم .البته با توجه به گرانى ارز و مشكلات ديگه ...ممنون ميشم از لطف دوستان

با سلام
من به نوبه خودم اصلا اتوبوس رو پيشنهاد نميكنم. چون خيلى اذيت كننده هستش. دو تا كار ميتونين بكنين. يكى اينكه با قطار برين كه از لحاظ مالى

خیلی باصرفه هستش و حدودا از تهران تا آنکارا 60 ساعت طول میکشه ولی خیلی باحاله و اصلا خسته نمیشی. ما دو بار با قطار رفتیم و خیلی هم حال کردیم. دومی اینه که بلیط هواپیمای از شهر وان ترکیه به آنکارا بگیرین. از مرز رازی تا وان صد کیلومتره و این روش با صرفه ترین و سریعترین راه هستش. ما همیشه از این روش استفاده میکنیم. فقط دقت کنید که بلیط هواپیما رو برای بعد از ظهر بگیرید و خودتون هم صبح زود اقدام به خروج از مرز کنید تا بتونید به پرواز برسید. والسلام علیکم ورحمت الله و برکات.

ارسالها: 5
تاریخ عضویت: May 2012
رتبه: 0
تشکر: 27
78 بار تشکر شده در 5 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام
دوستان من سفرنامه با جزئیات نمی نویسم چون بسیاری از مراحل تکراری هستند و مکررا مطرح شدند و نیازی نمی بینم که دقیق بنویسم که چه ساعتی به دکتر رسیدم و چند نفر قبل از من بودند و روز مصاحبه انگشت نگاری چطور انجام شد و غیره، چون مطمئنا دوستان مهاجرسرایبی بهتر از من می دانند. گشت و گذار و خرید در آنکارا و چه گفتم- چه شنیدم هم که امریست شخصی و عموما گره ای از کار دیگری باز نمی کند، هرچند بعضی از دوستان می نویسند اما من فقط نکاتی را می نویسم که برای کسانی که بعد از این به مصاحبه می روند می تواند مفید باشد.

نکته اول در مورد مدیکال بود. دکترهای پاستور در مورد واکسن MMR با اطمینان هر چه تمام می گویند که تاریخ واکسن MMR اصلا مهم نیست و همین که شما دو دوز دریافت کرده باشید کافیست ولو در کودکی و اینکه من نه تنها در کودکی که در 15 و 19 سالگی هم این واکسن را دریافت کرده بودم باعث شد خانم دکتر در شعبه پاستور تجربش همان دو نوبت را بپذیرند و بگویند تزریق نکن. البته پزشک های دیگر هم این مسئله که MMR با گذشت زمان نیازی به تجدید ندارد را تصدیق کردند و من هم به طبع تزریق نکردم اما... روز مدیکال آقای دکتر با این استدلال که تاریخ واکسن MMR قدیمی ست یک واکسن MMR به من تزریق کرد و در ازای آن 50 دلار گرفت. در نتیجه پیشنهاد می کنم علی رغم اینکه پرسنل پاستور تزریق مجدد MMR را توصیه نمی کنند و اطمینان می دهند که نیاز ندارید، شما حتما تزریق کنید، تردید نکنید که تزریق کنید خیلی بهتر است. هم از لحاظ هزینه و هم از این نظر که اگر مثل من بدتتان نسبت به واکسن واکنش نشان داد حداقل ایران هستید، در منزل خودتان و کنار خانواده و سفر آنکارا را با بیماری سپری نمی کنید.

مورد بعدی اینکه هرچند در این سایت به کرات در مورد داشتن یا نداشتن اسپانسر بحث شده و من شخصا طرفدار نداشتن اسپانسر بودم و البته هستم اما... این تجربه من شاید برای کسانی که شرایط مشابهی دارند راهگشا باشد. من روزی که مصاحبه شدم، آفیسر که یک خانم جوان و خوش برخورد بود هیچ سوال جدی ای از من نپرسید. بیشتر حالت یک گپ دوستانه داشت. فقط در مورد رشته ام پرسید و اینکه تو که دانشجوی فوق هستی تا 6 ماه آینده فارغ التحصیل می شوی یا نه؟ که در جواب اطمینان دادم که من ناچارم تا SEP 21 دفاع کنم و اصلا دانشگاه اجازه تمدید پایان نامه به من نخواهد داد دیگر که گفت عالیست. کمی در مورد اینکه در آمریکا می خواهی در زمینه مربوط به رشته ات کار کنی یا نه پرسید و در مورد این گپ زدیم و اینکه چرا فکر می کنی شرایط کار در رشته خودت در آمریکا بهتر از ایران خواهد بود که من دلایل منطقی و محکمه پسندی داشتم، همین. واقعا بیشتر از مصاحبه شباهت به گپ داشت و من هم فوق العاده آرام بودم اما برگه آبی را روی میز می دیدم. تنها سوال جدی که از من پرسید این بود که پدر، مادر، خواهر یا برادر در آمریکا داری و من جواب دادم نه. کمی به گپ زدن ادامه داد و بعد برگه آبی را برداشت. مظلومانه پرسیدم FBI CHECK می خورم؟ لبخند زد و گفت نه، شرایط تو کاملا OK هست و نیازی نیست و می توانی ویزا را خیلی زود و بدون مراحل اداری دریافت کنی بعد از اینکه یک اسپانسر در آمریکا معرفی کردی! برگه آبی مربوط به کلیرنس نبود، فقط نقص مدرک بود و مدارک مربوط به اسپانسر را تیک زده بود. پرسیدم مدارک من رو کامل دیدید؟ من سند ملک به نام در تهران و گواهی بانکی ارائه دادم (قیمت ثبت شده داخل سندم هم 550 میلیون تومان است و حساب بانکی ام هم 40 میلیون و 500 هزار و خرده ای موجودی داشت) پرسیدم این برای زندگی یک نفر کافی نیست؟! گفت چرا حتما هست اما تو خانمی، جوانی، مجردی و آمریکا خانواده نداری و ما می خواهیم مطمئن باشیم که اگر روزی نیاز داشته باشی کسی در آمریکا هست که از هر نظر حمایت کند، وقتی گفت از هر نظر حس کردم شاید مسئله کاملا هم بعد اقتصادی نیست. به هر حال گفتم OK، برگه آبی را گرفتم و خداحافظی.

بنابراین پیشنهاد می کنم در مورد اسپانسر ریسک نکنید، به ویژه اگر شرایط مشابه من دارید، اگر مجرد هستید، مونث هستید و سنتان کمتر از 30 سال است و در آمریکا خانواده درجه 1 ندارید فقط روی تمکن شخصی حساب نکنید، البته مطمئنا کسانی با همین شرایط یا حتی با مدارک مالی ضعیفتر هم بودند، هستند و خواهند بود که بدون اسپانسر ویزا گرفتند، می گیرند و خواهند گرفت اما... من یکی از آنها نبودم. در حالیکه تقریبا مطمئن بودم که مدارک مالی ام به اندازه کافی قوی است و من هیچ نیازی به اسپانسر ندارم اما... واقعیت این است که داشتم و حتی متوجه نشدم که چرا؟! به هر حال ناچار شدم هزینه بیشتری برای اقامت مجدد در آنکارا، برگشت به سفارت و دریافت ویزا متحمل شوم.

در نتیجه به جای نوشتن سفرنامه توصیه نامه می نویسم:

1- MMR را حتما در ایران تزریق کنید، حتی اگر کل پرسنل پاستور، هلال احمر و دکتر خانوادگی تان گفتند لازم نیست شما بروید و تزریق کنید چون در آنکارا سلیقه دکتر تعیین کننده است. هزینه واکسن خیلی بیشتر از ایران است و مهمتر اینکه اگر بدتتان نسبت به واکسن واکنش نشان دهد که من اینطور بودم سفر آنکارا به کامتان تلخ می شود.

2- اگر این امکان برایتان وجود دارد که اسپانسر داشته باشید حتما خواهش کنید مدارک مربوطه را برایتان بفرستند و حتی اگر مثل من مخالف داشتن اسپانسر هستید و علاقمندید که با تمکن شخصی اقدام کنید، می توانید مدارک اسپانسر را از 15 روز قبل به سفارت نفرستید، با خودتان ببرید و حتی صبح روز مصاحبه هم با سایر مدارک تحویل مامور سفارت ندهید اما حتما همراهتان باشد که اگر مورد مشابهی پیش آمد و آفیسر تاکید کرد که نیاز به داشتن اسپانسر دارید، بلافاصله ارائه دهید و همان روز به UPS مراجعه کنید و سفرتان را طبق برنامه ریزی قبلی خودتان و با هزینه و استرس کمتر پیش ببرید تا مثل من مجبور به مراجعه مجدد نشوید.

شاد باشید.

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

سلام دوستان خوب مهاجر سرایی
اینم سفرنامه من برای ادای دینم به مهاجرسرا چون خیلی خیلی راهنمایی دوستان به دردم خورد .
و تشکر ویژه از شایرای عزیز دارم به خاطر دلسوزی و کمک به بچه‌های سایت . کلی بچه معروف شده تو انکارا از کارمندای هتل تا عباس لیدر اسمشو میدونستن شایرای عزیز امیدوارم در تمام مراحل زندگیت موفق باشی .
دوست ندارم تکراری بنویسم پس مهم هاشو مینویسم
پروازمون ایران ایر و این بود یکم بیشتر گرفتیم ولی می ارزید چون ما کلا 3 روز اونجا بودیم و اگه یکضرب میگرفتیم بیشتر میمونیدیم هتل هم هتل murat که دست شایرا جون درد نکته برامون رزرو کرده بود .
دکتر هم که همه میدونین خیلی پولکی هست و ردخور نداره به واکسن حداقل به همه میزنه . ما تست انتی بادی تو ایران ندادیم شوهرم جای جوش ابله داشت و من هم هیچ علامتی نداشتم و اصلا نمیدونستم که ابله گرفتم یا نه ؟ به همسرم گفتم جای جوش نشون بده و خودم میخواستم بگم که نگرفتم که واکسن بخورم.
بعد از اینکه خانم دکتر همسرم رو معاینه کرد با اینکه جای جوشها رو نشون داد بازم برایش تست انتی بادی نوشت و به واکسن mmm که تو ایران شوهرم زده بود دوباره برایش زد و بعد نوبت من شد . نمیدونم چرا وقتی ازم سوال کرد ابله گرفتی یهو گفتم مامانم میگه گرفتم ولی جای جوش ندارم . برای منم تست انتی بادی نوشت و به واکسن که خودش میگفت دیفتری و کزاز هست زد خدا رو شکر وقتی دوتامون تست انتی بادی دادیم هر دو مثبت شد و دیگه واکسن نخوردیم .
کلا هزینه دکترمون \$440 شد
حالا مصاحبه تکراریها رو نمیگم ما نفر اول بودیم وشمارمون 400 بود .
سوالات مصاحبه کننده خانم

اول باید قسم بخورید. باشه میخوریم
از همسرم :شغلتون ؟ ازاده
دقیقا چیکار میکنید ؟ جواب همسرم
شغلتون چی بود ؟ جواب همسرم
رشته تحصیلی تون چی بود ؟.....الکترونیک
تخصص دارید ؟..... نه الکترونیک عمومی
سربازی ؟.....معافم
برای چی ؟؟.....کفالت
میشه کارتتون رو ببینم ؟؟؟.....بله بفرما
شما خانم خانه داری؟؟؟.....بله
رشتتون چیه ؟؟؟.....نساجی
بعد میکروفون رو خاموش کرد با یه نفر کنارش بود کیس ما رو نشون داد بعد میکروفون رو روشن کرد از همسرم پرسید مغازه مال خودتونه دیگه ؟ همسرم گفت بله دوباره میکروفون خاموش شد
بعد دیدم دستش داره میره طرف برگه ابی خیلی ناراحت شدم شروع کرد به نوشتن برگه ابی
بعد گفت مراحل اداری دارین چند هفته دیگه سایتو چک کنید
منم گفتم آخه چرا.....
گفت مهم نیست مراحل اداری هست دیگه
اینم سرنوشت ما

تجربه من که شاید بدرد دیگران بخوره

1. من همسرم دیپلم کار و دانش بود و لیسانس دانشگاه آزاد رو داشت اصلا از ما نپرسیدن که چرا همسرت 3 ساله دیپلم گرفته فقط آخرین مدرک تحصیلی رو دادم
2. کیس شما فقط از طریق نوشتناتون برسی میشه و اونا مبنا رو میذارن که شما هرچی نوشتی راست میگی

در ضمن اونجا ما داریا عزیز و خانومشون و لایلا 20 و خانواده محترمشون وبخشنندگی و کیانای عزیز که بهشون واقعا تبریک میگم رو زیارت کردیم البته با شادین عزیز هم تلفنی صحبت کردم .وموقع برگشت تو فرودگاه a.r.a.s.h1 و همسرشون رو زیارت کردیم امیدوارم همگی زود زود کلیر بشیم و بریم برای گرفتن ویزا
اگه سوالی بود در خدمتم

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

از اونجایی که من تاحالا خیلی توی مهاجرسرا فعال نبودم و نتونستم خیلی عضو مفیدی باشم، به همین دلیل حس می کنم حداقل کاری که میتونم واسه ادای دینم به مهاجرسرا بکنم همین سفر نامه نوشتنه. در ضمن سعی می کنم سریعا بعد از هر مرحله سفرنامه بنویسم که هم خوندنش راحت باشه، هم من جزئیاتش رو قاطی نکنم. خیلی هم آدم دست به قلمی نیستم به بزرگواری خودتون ببخشید.

قسمت اول: مدیکال

ما روز ۲۶ جولای با پرواز ۵ صبح ایران ایر از فرودگاه امام به آنکارا پرواز داشتیم. من کیسم به نفرس ولی از اونجایی که فصل تعطیلات بود و آب و هوا هم مناسب بود خانواده هم تصمیم گرفتن با من بیان تا هم هوای منو داشته باشن، هم خودشون به تفریحی کرده باشن. در کل ما ۳ نفر بزرگسال بودیم و یه کوچولوی ۶ ساله هم همراهمون داشتیم.

پروازمون با کمتر از چند دقیقه تاخیر انجام شد و به تعدادی هم صندلی خالی مونده بود. که من از اونجایی که تحت هیچ شرایطی توانایی نشسته خوابیدن رو ندارم رفتم به ردیف خالی پیدا کردم و اونجا نشستیم به امید به استراحت هرچند کوتاه مدت.

وقتی به فرودگاه آنکارا رسیدیم قصد داشتیم با تاکسی به سمت مطب دکتر حرکت کنیم چون می خواستیم بعد از دکتر بریم استانبول، توی آنکارا از ۲۹ جولای هتل رزرو کردیم، که اونم شاپرا حان زحمت هتل مراد رو کشیده بود واسه مون. توی سالن تحویل بار به آقای مو سفید به اسم مجید بود که می گفت سرویس ایران ایر هست که از تاکسی ارزون تر میشه. اول می گفت نفری ۲۰ لیر منم که از بچه های اینجا شنیده بودم با تاکسی ۷۰ لیر هزینه داره، یه خورده باهش چونه زدم و قرار شد مارو با ۵۰ لیر تا مطب دکتر برسونه. سوار یه ون شدیم و جلوی پارک فو که کنار مطب دکتر هستش پیاده شدیم، یه خورده توی پارک نشستیم چون صبح بود و همه مغازه ها تعطیل بودن. مطب دکتر هم پرسیدم گفتن ساعت ۹ باز میشه من رفتم یه کافی نت گیر آوردم و پرینت از نامه وقت دکتر گرفتم و یه خورده هم توی پارک نشستیم و بعدش رفتم مطب دکتر طبقه ۴ پذیرش شدم، پاسپورت و ۲ قطعه عکس ازم خواست و گفت برم طبقه ۵ تا نوبتم شه، بعد از ۲ نفر رفتم واسه عکس قفسه سینه و تست خون، نکته جالب حضور فعال عباس لیدر توی مطب دکتر بود، دمش گرم واسه خرید سیم کارت ترک سل به دادم رسیدی دی.

۴۷.۵ دلار بابت عکس و تست خون پرداخت کردم و یه کاغذ دادن که برم طبقه ۴ دوباره، منم رفتم پیش اون خانم تبله، اونم اسمم رو پرسید گفت ساعت سه و نیم برگردم واسه معاینه. هرچی ام اصرار کردم که می خوام برم استانبول و علاف میشم کوتاه نیومد.

دیگه از حدود ساعت ۱۰ تا سه و نیم به گشتن خیابون های اطراف و نهار گذشت.

سه و نیم رفتم مطب دکتر اینبار فقط یه خانم که کیسش گرین کارت نبود قبل از من بود. رفتم توی اتاق معاینه منتظر دکتر شدم، بعد از حدود ۱۰ دقیقه آقای دکتر وارد اتاق شدند و ازم راجع به جراحی های قبلی سوال کرد و بعد گفت برم رو تخت واسه معاینه، بعد از معاینه نشست پای کامپیوترش و هی گیر داده بود تو یه دارویی چیزی مصرف کردی، منم کلا توی عمرم ۲ بار مسکن خوردم، اینم هی گیر داده بود و بیخیال نمی شد. دیگه مودبانه و در کمال احترام و اسبش توضیح دادم اونم یه سری چیزا توی پرونده نوشت و کارت واکسنم رو یکم زیر و رو کرد، همه چیم کامل بود غیر از آبله مرغان، که اونم گرفته بودم وقتی بچه بودم اثرشم موجود بود.

بدون اینکه هیچی بپرسه رفت یه سرنگ در آورد و اومد که بزنه گفتم چیه گفت آبله مرغان گفتم گرفتم اینم اثرشه، گفت ما این چیزا رو قبول نداریم یا باید تست بدی یا واکسن، منم دیگه پیگیر نشدم، گفتم بزنه بهتره.

بهم گفت فردا بعد از ظهر بیا نتیجه مدیکالت حاضره، منم گفتم نیستم فردا، فرار شد دوشنبه که روز قبل از مصاحبه همیشه بگیرم جوابشو.

بعد از اینکه کارامون تموم شد رفتم ترمینال آشتی بلیط استانبول گرفتم. اولین اتوبوسش یه کلاس معمولی بود که فقط صندلی هاش مانیتور داشت و جالب ترین نکتش پذیرایی در طول مسیر بود. از اول تا آخر مسیر مهماندار در حال پذیرایی بود. توی اتوبوس هم چون کمبود خواب داشتم رفتم ته اتوبوس چنندا صندلی خالی بود، اونجا دراز کشیدم. بلیط اتوبوس نفری ۲۰ لیر بود حدود ۶ ساعت هم مسیروش طول میکشه.

از اینترنت ترمینال یه هتل نزدیک دریا توی قسمت اروپایی استانبول گیر آوردم. حدود ساعت ۱ صبح رسیدیم هتل و تا یکشنبه استانبول می مونیم.

قسمت بعدی رو هم سعی میکنم بعد از مصاحبه بنویسم. ایشالا که خوش خبر باشم. :دی

اینم شرایط پرونده منه:

جنسیت: پسر

سن: ۲۱

وضعیت تاهل: مجرد

وضعیت تحصیلی: دانشجوی ترم ۶ کارشناسی ولی بیش از ۳ ترم مونده و نمی خوام ادامه بدم اگه ویزا بگیرم.

وضعیت سربازی: اجازه خروج موقت، شرایط معافیت پزشکی هم دارم، اما هنوز اقدام نکردم.

مصاحبه: ۳۱ جولای.

شرایط مالی: بدون اسپانسر، حدود ۶۰ میلیون تمکن مالی از بانک صادرات.

دوستان خواهش میکنم دعا کنید به ضرب بگیرم.

ارسالها: 24

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 58

135 بار تشکر شده در 16 پست

 Erfaanism

عضو



[Jul-28-2012 01:00 PM) ASALI نوشته است:]

امیدوارم سفر بهتون خوش بگذره و ویزا رو هم دریافت کنید. میشه بگید هتل استانبول رو شبی چند گرفتید؟

اینجا قیمت هتلهاش خیلی بالاس، ما به هتل گیر آوردیم که خودش خیلی بزرگ و لوکس نیست، ولی اتاقش و جاش خوبه.

ما با کلی چونه زدن و تخفیف شبی ۱۵۰ لیر گرفتیم.

[quote/]

دوست عزیز اسم هتل چیه ؟

[quote/]

آستانه لایف

<http://www.asitanehotel.com>

 **babak4835**

عضو



ارسالها: 9

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 0

تشکر: 19

80 بار تشکر شده در 9 پست

سلام به همه دوستان

من یک از برندگان ۲۰۱۲ هستم از تجربیات همه دوستان از یک سال پیش تا کنون بسیار استفاده کردم. وظیفه خدوم میدونم برای آگاهی بقیه دوستان تجربیات خودم را هر چند تکراری بنویسم. من ۲۷ جولای مصاحبه داشتم من و همسر من و ۱ پسر کوچولو شیطون ۱۱ ماهه من و همسر من کار دولتی داشتیم. کارهای پزشکی را از ۴ روز قبل انجام دادیم ساعت ۸/۳۰ صبح اونجا بودیم یکم صبر کردیم تا پرسنل اومدن همه ریلکس با حوصله اومدن توی آزمایشگاه و یکی یک چای ریختند و نیم ساعت بعد با حوصله شروع به کار کردند. ۹۵ دلار بابت ۲ آزمایش و عکس قفسه سینه که واقعا مسخره بود اونقدر پرسنل اونقدر بی خیال ویی استرس هستنند که کارهای به این سادگی برای کلا ۷ نفر تا بعد از ظهر طول کشید من خدوم توی بیمارستان کار میکنم و کاملا به این امور واردم واقعا نسبت به ایران خیلی شلن

بگذریم. بعد از آزمایش و عکس قفسه سینه باز از طبقه ۵ به طبقه ۴ اومدیم برسیم خدمت دکتر اونگان بعد از سوالات معمول با فارسی دست و پا شکسته ۲ تا واکسن به من ۲ تا به خانومم ۲ تا به پسر کوچولو. ما همه واکسن ها را زده بودیم ولی این دوستانمون برای ایرانی ها کیسه دوخته هزینه کارهای پزشکی ۹۵ ۵۷۰ دلار شد یک خانواده ۴ نفری بعد از ما بهش گفتند که چرا اینقدر پول میگیری خیلی بهش بر خورده بوده و به خانوم گفته توی آزمایشت کدین هست و برو به آزمایش مجدد بده که کاملا معلوم بوده می خواسته بترسوندشون. وبعد حدود ۸۰۰ دلار گرفته به نظر من به عنوان یه همکار کاملا دکتر اونگان عزیز شاید هستنند .

بگذریم تا سه شنبه کاری نداشتیم جز الافی توی شهر . مقبره اتاتورک را به همه توصیه میکنم یا به قول ترکها. انیت کبیر. موزه و قلعه انکارا هم برای دیدن بد نیست راستی یه مسجد با لاتر از هتل ما_ هتل اتاپ بلوار ۵ دقیقه پیاده روی که به نام حاجی تپه مسجد دیدنی بود. در مورد هتل هتل اتاپ بلوار هتل خوبی بود که با چونه شبی ۶۰ دلار برای هر شب بود جای نزدیک به دکتر ۱۵ دقیقه تا سفارت ۱۰ دقیقه پیاده بود. کلی غذا فروشی هم دور و بر هست حتما غذا هاشون را امتحان کنید . مصاحبه =

ساعت ۸ از هتل بیرون زدیم و پیاده ۱۰/۸ به سفارت رسیدیم صف ترکها و افرادی که ویزای توریستی میخواستند جدا بود که با خوندن مطالب دوستان میدونستم جدا از اونها سمت راست وایسادم من نفر دوم بودم و ۰ دقیقه بعد نگهبان اومد بیرون پاسها را گرفت و بعد از ۱۰ دقیقه رفتیم تو پشت در تق تقی که دوستان قبلا گفته بودند و ۱۰ دقیقه بعد باز رفتیم تو خانومه پشت در مدارک اصلی را ازمون گرفت و به شماره داد بقیه مراحل مثل همه دوستان اول انگشت نگاری بعد ۹۹۰ دلار نا قابل بعد مصاحبه با خانوم افسر مو مشکلی خوش اخلاق سوالات:

۱_ کارتون دولتی . بله

۲_ سربازی کجا بودی.

۳_ امریکا کجا میخوای بری

۴_ از خانومم هم همین سوالها

۴_ کل مصاحبه ۲ دقیقه و برگه ابی

امیدوارم که این مطالب تکراری به درد دوستان که یک سال است از مطالبشون استفاده کردم بخوره.

کلا مصاحبه فرمالیته است نسبت به سوالاتی که از بقیه کیسهای مهاجرتی و یا نوریسته می شه خیلی مسخره است خلاصه اصلا فکرش را هم نکنید

ارسالها: 67

تاریخ عضویت: Feb 2012

رتبه: 0

تشکر: 1081

873 بار تشکر شده در 67 پست

 **a.r.a.s.h1**

عضو فعال



سلام دوستان بالاخره نوبت ما هم شد که سفرناممون رو بنویسیم 😊 البته با کمی تاخیر!
 ما 19 جولای با پرواز ایران ایر به سمت آنکارا رفتیم و فرودگاه هم بسیار شلوغ بود با صف های طولانی! ما در آخرین روز تصمیم گرفتیم که ارز مسافرتی رو بگیریم چون با پرس وجو از چند بانک متوجه شدیم به ویزاهای مهاجرتی ارز دولتی تعلق نمی گیره البته ما متاسفانه دیر اقدام کردیم و تا کارهای مربوط رو انجام دادیم سیستم بانک بسته شد 😞

ولی خوشبختانه در فرودگاه از بانک سامان تونستیم ارز دولتی رو بگیریم 😊
 پرواز به موقع و بدون تاخیر انجام شد دوست عزیز مهاجرسرای Jordanir رو هم تو پرواز دیدیم و خدا رو شکر کوچولو شون هم خواب بودن وگرنه خدا میدونست ما کجا سقوط میکردیم 😞

ما در همون روز نوبت دکتر داشتیم که صبح CXR و blood test رو انجام دادیم و عصر هم برای معاینه و مراسم واکسن خوری نزد دکتر اونگان رفتیم 🏥 به ما هم نفری دو تا واکسن زد یکی ابله مرغان و دیگری TDOP که جمعا هزینه مدیکالمون شد 530 دلار ناقابل! دکتر اونگان در نگاه اول به نظر ادم عصبی می اومد ولی بعدش با ما کلی شوخی کرد و وقتی فهمید که از همکاریاشون هستیم از ما خواستن بین واکسن ابله مرغان و تستش یکی رو

انتخاب کنیم! ما هم ترجیح دادیم واکسن رو بزنییم تا کمتر معطل بشیم 😊
 در مطب دکتر هم دوست دیگر مهاجرسرای اگه اشتباه نکنم بخشندگی عزیز و خانومشون رو دیدیم.
 اما در مورد آنکارا زیاد جای تفریحی نداشت ما در مدت 1 هفته اقامت کلی حوصلمون سر رفت و ما به مقبره اتاتورک _انکامل_ مرکز خرید کیزیل و شهربازی که رقص نور همراه با اب ان جالب بود به سری برنامه تفریحی دیگه که در شهربازی اجرا شد مثل اکروبات بازی افریقایی ها و رقص سماع و گروه کر و به خواننده ترک که صدایی شبیه محمد نوری خودمان داشت! به کافه با موسیقی زنده رفتیم. چون آنکارا شهر کافه هست و تا چشم کار می کنه اونجا کافه میبینید و قهوه های خوشمزه ایی داره! از نظر غذا هم اسکندر کباب رو در انکامل خوردیم که خیلی چسبید و دونه کباب _صدف_ ساندویچ بیفتک و پیتزا که همگی شون لذیذ و خوشمزه بود حتما امتحان کنید 😊

اما از هم اینها بگذریم روز مصاحبه 23 جولای بود و ما ساعت 8 دم در سفارت بودیم و در یک صف جدا ایستادیم بعد از تحویل پاس ، چند دقیقه بعد اسامون رو صدا کردن و وارد سفارت شدیم از مراحل چک امنیتی هم رد شدیم و همون خانوم که معرف حضورتون هست مدارک رو ازمون خواست و ما هم همون چیزی رو که می خواست تحویل دادیم. (پاس _شناسنامه _بسنند ازدواج _ آخرین مدرک تحصیلی فرد برنده _مدارک مالی از جمله سند خونه و ماشین و گواهی تمکن مالی _مدارک اسپانسر و پاکت های پزشکی) بعد به شماره به ما داد و ما وارد به سالن شدیم که صندلی ها پشت به باجه مصاحبه و رویروی تابلو اعلام شماره می باشه که ما به توصیه دوستان نزدیک باجه های 5 و 6 نشستیم تا ببینیم چه خبره 😊

خیلی دوست داشتیم که داریا عزیز رو در سفارت ملاقات کنیم که متاسفانه نتونستیم پیداشون کنیم 😊
 4 مرحله برای ما 2 مرحله شده بود بار اول برای پرداخت پول و اصلاح فرمها که البته خودشان با کمال دقت فرمها رو اصلاح کردن و ما فقط تایید کردیم! بار دوم هم برای انگشت نگاری و هم برای مصاحبه !

ابتدا قسم و سپس سوال ها از همسر راجع به کارش و اینکه اونجا چیکار می خواد بکنه و نسبت اسپانسر که البته به ما گفت که با توجه به مدارک مالی تون نیازی به اسپانسر نیست ولی با این وجود مدارک اسپانسر رو ازمون گرفت. در مورد اینکه اونجا کجا می خواهید برید ایا فامیل دارید؟..... در مورد سربازی و اینکه چرا می خواهید امریکا برید؟ و از من هم راجع تحصیلاتم و کارم و اینکه ایا می خواهید همین شغلتون رو ادامه بدید و شغلتون خیلی به درد اونجا می خوره و به شما نیاز هست و در نهایت ما هم به جمع منتظران پیوستیم البته برگه ابی رو از همون اول موقع پرداخت پول در پرونده

دیدم و در اخر به ما گفت در امریکا بهتون خوش بگذره 😊
 اما ما چون انتظار ویزای یک ضرب رو داشتیم کمی جا خوردیم!
 من چند تا سوال داشتم اینکه افسر ما اون خانوم خوش اخلاقه بود و در اخر به ما گفت از یکی دو ماه دیگه سایت رو چک کنین و بعد دوباره گفت از 3 تا 4 هفته دیگه ! این یعنی چی؟ و ایا برای کلیرنس شدنمون فقط تا اخر سپتامبر یعنی 11 مهر فرصت داریم؟ ودر برگه ابی نوشته که ممکنه سهمیه ویزا تموم بشه و سفارت هیچ مسئولیتی در این باره نداره؟ خیلی نگران هستیم لطفا برامون دعا کنین.
 در اخر هم از ماندنای عزیز و همسرشون تشکر می کنم که در فرودگاه همدیگرو ملاقات کردیم و کلی به ما قوت قلب دادن و برای ویزای یک ضرب به Jordanir عزیز تبریک می گیم.
 به امید هر چه زودتر کلیر شدن همه منتظران.

ارسالها: 81
 تاریخ عضویت: Aug 2011
 رتبه: 0
 تشکر: 2523
 440 بار تشکر شده در 78 پست

کبانا
 عضو فعال
 ★★☆☆

سلام بر همه ی دوستان مهاجرسرای 😊
 نوبتی هم باشه نوبت ماست ، که سفرناممون را برای ادای دین به این سایت بنویسیم که در طول این یک سال همیشه راهنما و همراه ما بوده به شکلی که ما احساس می کردیم ، قبلا تمام مسیر را طی کرده ایم. از تمام مسایل تکراری پرهیز می کنم و سعی می کنم نکات مهم را عنوان کنم

ما روز یکشنبه با پرواز ترکیش ساعت ۸ صبح وارد آنکارا شدیم و در هتل segmen اقامت داشتیم .
 یک هتل کاملا متوسط اما برای ما ۴ نفر مقرون به صرفه بود (شبی ۱۰۰ دلار) ، دوشنبه صبح برای آزمایشات پزشکی راهی مطب دکتر شدیم ، عکس و آزمایش خون را صبح انجام دادیم ، و معاینات پزشکی دکتر بعد از ظهر ساعت ۲ انجام شد ، به ۳ نفرمون واکسن زد بدون اینکه هیچ سوالی ازمون بپرسه و برای پسر یک اسپری به دهانش زد که ما خودمان هم دلیلش را نفهمیدیم ، جمعا ۸۰۰ دلار پیاده شدیم . بعد از ظهر سی دی عکس ریه را به

دوستان این هتل به هتل تازه ساز و با دکوراسیون زیبا و مدرن و کاملا تمیزه. همیشه گفت هتلیه در حد هتل های 4 ستاره اروپا و فراتر از 5 ستاره ایران. هتل کلا حدود 27 اتاق و 10 سویت داره و سونای خشک و بخار- حمام ترکیب و جکوزی تمیز و کاملا رایگان داره. ماساژ و SPA نیز با مبلغ هر 30 دقیقه 50 لیر که برای مسافری 20 درصد و بنا به توافق قبل از رزرواسیون برای ما 30 درصد تخفیف داشت. صبحانه رو همیشه گفت فوق العاده عالی بود ولی کاملا قابل قبول بود شامل 7-8 نوع پنیر 4-5 نوع کالباس سوسیس 5-6 نوع زیتون انواع برگه ها مثل انجیر و زرد آلو و بقیه چیزهای معمول مثل املت آبیوه و ...

دستشویی و حمام نیز کاملا تمیز هست.

خود هتل هم در به محل کاملا ساکت قرارداره که دور و برش همه چیز از قبیل بقالی سوپر مارکت رستوران خشکشویی و ... وجود داره خود هتل هم رستوران و بار 24 ساعته داره.

اینترنت رایگان در اتاقها و لابی برقراره ولی در داخل اتاق وایرلس گاهی دچار مشکل میشه و باید از کابل استفاده کرد(که البته خود هتل میده). قیمت اتاق و سویت رو در سایتهای رزرواسیون به ترتیب 80 یورو و 100 یورو ذکر کرده ولی اینو در نظر داشته باشین که اون سایتهای هتل ها پورسانت میگیرند پس برای ما کزیمم تخفیف خودتون مستقیما با هتل تماس بگیرید. ما به محض اینکه تاریخ مصاحمون معلوم شده که حدود به ماه قبل از سفرمون بود از طریق ایمیل بهمون پیشنهاد همون 80 یورو رو برای اتاق عادی دادند ولی با تماس تلفنی توافق کردند که برای 8 شب سویت رو به قیمت هر شب 60 یورو رزرو کردندو برای رزرواسیون هم نیازی به پرداخت پول نبود(در همینجا از همه دوستان خواهش میکنم بخاطر از دست نرفتن اعتماد نسبت به بقیه ایرانیان اگر پس از رزرو تصمیم به تعویض هتل گرفتن حتما رزرواسیون رو کنسل کنن. در کنار همه خوبیها هتل به سری معایب هم داشت که میشه به کوچک بودن یخچال درون اتاق- انگلیسی ندونستن کادر خدماتی _فاصله داشتن تا محل دکتر و سفارت(کرایه تاکسی تا محل دکتر 11 لیر و تا سفارت 13.5 لیر) اشاره کرد.

برای اطلاعات بیشتر میتونین به سایت خود هتل <http://www.no19hotel.com/english.php> مراجعه کنین.

ارسالها: 179
تاریخ عضویت: Jul 2011
رتبه: 0
تشکر: 1799
1192 بار تشکر شده در 163 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

قسمت دوم سفرنامه- دکتر اونگان (با نگارش همسر بانو)

- 1- حتما کارت واکسن را در ایران و ترجیحا در مکانی غیر از پاستور مثلا نزد یک پزشک متخصص عفونی که کارت بین المللی داشته باشه کامل کنین.
- 2- حتما توجه داشته باشین که MMR برای بانوان می بایست در دونوبت و سرخک- سرخچه در یک نوبت با تاریخ اخیر گرفته شده باشد. (بانوان باردار حتما به ممنوعیت تزریق بعضی واکسنها توجه داشته باشند و بارداربودنشون رو در موارد تزریق واکسن و رادیوگرافی متذکر شون)
- 3- در صورت که قبلا آبله مرغان گرفته اید یا مطلع هستین که تیتراژ بالایی دارین حتما از دکتر بخواهین که تست بگیره همانطور که من و همسر ازش خواستیم و با خوشرویی پذیرفت. هزینه انجام تست هر نفر 35 دلار شد.
- 4- استنباط ما از دکتر و همسرش کلا این بود که آدمهای شیادی نبودند و فقط به انستیتو پاستور بی اعتماد بودند و در صورتی که از موردی اطمینان حاصل کنند منطقا آنرو می پذیرند. ما چون ساکن تهران نبودیم و کارتمون رو به پزشک متخصص عفونی خصوصی تکمیل کرده بود همه واکسنها رو ازمون پذیرفتن و فقط در مورد آبله مرغان ازمون تست گرفتند.
- 5- به سوالاتی که دکتر میپرسه با تامل و کمی مکث جواب بدین. این شاید بتونه به جلب اعتمادش کمک کنه.

ارسالها: 55
تاریخ عضویت: May 2012
رتبه: 0
تشکر: 21
361 بار تشکر شده در 50 پست



RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

قسمت اول سفرنامه:

سلام. حالا که تایپک ها برگشتن، بذارین من هم یک نیمچه سفرنامه ای بنویسم. اول نمیخاستم بنویسم. چون تکرار مکررات بود. اما خب یکسری تجاربی داشتیم که دیدم بد نیست دوستان بدونن.

اول از همه مشخصات کیس ما:
برنده سال 2012 که تازه ماه may 2012 متوجه برنده شدنمون شدیم.

برنده اصلی خانومم بود. دانشجو و فاقد شغل
من هم سربازی معاف، شغل دولتی، کارمند پتروشیمی
مهندس صنایع. دانشجوی فوق لیسانس

عدم ارایه اسپانسر و تمکن مالی 29 میلیون خانم و 37 میلیون خودم
ما دوشنبه 16 مرداد مصاحبه داشتیم.

حدوداً 7 مرداد بود که تور رو از تهران نهایی کردیم. ما چون از یکطرف دید خوبی نسبت به دکتر آنکارا نداشتیم و هم اینکه تا حالا استانبول نرفته بودیم و خانواده هم میخواستن مارو همراهی کنند، تصمیم گرفتیم اول بریم استانبول و بعد بیایم آنکارا. توری که از تهران گرفتیم، از آژانس گردشگران گرفتیم، چهارشنبه 10 مرداد با پرواز کیش ایر رفتیم استانبول، 3 شب (یعنی تا 13 مرداد) در هتل گلدن ایچ 2 اقامت داشتیم. بعد 13 مرداد ساعت 12 شب با اتوبوس اومدیم آنکارا و 14 مرداد اول صبح در هتل ددمان مقیم شدیم. 4 شب هتل ددمان گرفته بودیم. برگشتمون هم چون احتمال گرفتن ویزا میدادیم، برای 5 شنبه 19 مرداد ماهان گرفته بودیم. هزینه تور با پرواز کیش ایر رفت، ماهان برگشت، 3 شب استانبول گلدن ایچ 2 و 4 شب آنکارا ددمان شد یک میلیون هفتاد هزار تومان. به نظر خیلی خوب برامون در اومد.

استانبول پروازمون تو منطقه آسیای فرود اومد. پرواز کیش ایر معمولی بود. اما خب قیمتش خوب بود، 220 هزار. از فرودگاه با اتوبوس HAVATAS رفتیم میدان تقسیم پیاده شدیم. نفری 12 لیر گرفت. میدان تقسیم هم تا هتل 4 دقیقه راه بیشتر نبود. ساعت 7.30 از ایران پریدیم، حدود ساعت 9.30 دیگه از فرودگاه استانبول اومدیم بیرون و ساعت 11 تو هتل بودیم. حاضر شدیم و ساعت 12.30 رفتیم به سمت کلینیک. کلینیک رو از 3 هفته قبل از طریق ایمیل رزرو کرده بودیم. بیمارستان آمریکایی استانبول روزهای 3 شنبه و 4 شنبه برای آزمایشات سفارت وقت میده. 5 شنبه ها نمیده. برای همین ما 4 شنبه رفتیم استانبول. از میدان تقسیم مترو سوار شدیم و یک ایستگاه بالاتر، ایستگاه عثمان بی، پیاده شدیم. اونجا کمی گیج شدیم، اما بالاخره مسیر رو پیداش کردیم. وقتمون ساعت 1 بود که ما 1.30 رسیدیم. رفتیم طبقه دوم بیمارستان، قسمت check up، اونجا گفتیم که وقت گرفتیم، یک لیست در آورد و چک کرد که اسممون باشه (که بود). نفری یک فرم پر کردیم که فقط مشخصاتمون بود.

چند دقیقه منتظر شدیم، تا اینکه صدامون کردن برای دکتر. اول من رفتم. یکسری سوال به انگلیسی پرسید:

بیماری خاصی نداری؟

تو این مدت اخیر خوراکی خوب بوده؟

اخیرا خوابت چطور بوده؟

حساسیت دارویی خاصی نداری؟

داروی خاصی مصرف نمی کنی؟

عمل جراحی خاصی نداشتی؟

البته این سوال ها رو توی همون فرم اولیه نوشته بود که ما اصلاً دقت نکرده بودیم، وگرنه بهتر جواب میدادیم.

رسید به مرحله واکسن ها. گفت کارت واکسن داری؟ که من کارت واکسنی که از پاستور گرفته بودیم رو دادم بهش. گفت اصل کارت ها رو هم میخاد. بهش توضیح دادم که تو پاستور برای صادر کردن این کارت، اصل کارت ها رو ازمون گرفته. گفت کارت واکسن های بچگیت رو میخام. گفتم ندارمشون. 30 ساله گذشته. نگهشون نداشتیم. گفت ایرادی نداره. کارت رو چک کرد، گفت واکسن td رو غیر از دو ماه پیش که زدی، سال 1999 زدی، یعنی توی 10 سال اخیر فقط یکبار زدی. اما باید 3 بار میزدی. گفتم موقع استخدامم در سال 2007 هم زدم اما اینجا نیومده. گفت خب همیشه 2 بار. یکبار دیگه هم باید میزدی. چیزی نداشتیم بگم. قبول کردم و نوشت که بزمن. بعد معاینه بدنی شدم و برد من رو به یک بخش دیگه معرفی کرد. اونجا قد و وزن و بینایی سنجی شدم و آزمایش خون گرفته شد و در نهایت واکسن رو خانومه زد. بعد گفت کارت واکسن رو بده که توش بنویسم. وقتی دادم داشت نگاه میکرد، گفت تو که تازه 3 روز پیش واکسن td زدی، کارت رو نگاه کردم و تازه یادم اومد که تو پاستور مسئول واکسن گفت که برای اینکه مشکلی برات پیش نیاد، یک مورد اضافه برات مهر میکنم به تاریخ 8 مرداد. اصلاً یادم نبود. اما در هر صورت واکسن رو خوردم. برای خانومم هم همین واکسن td رو زد. بعد رفتیم پیش پذیرش و بهمون یک برگه داد که بریم برای ایکس ری. همونجا هم صورت حساب داد که حساب کنیم. مبلغ 400 دلار برای دو نفر پرداخت کردیم. حدود 25 دلار برای هر واکسن حساب کرده بود. گفت هم لیر میتونین بدین (738 لیر) هم دلار. ما دلار دادیم. اما بعداً فهمیدیم که نرخ برابری رو پایین حساب کرده که اگه ما لیر میدادیم حدود 11 لیر به نفعمون میشد. رفتیم طبقه زیر زمین عکس گرفتیم و بدون اینکه مبلغی بدیم رفتیم بیرون. حدود ساعت 3 کارمون تموم شده بود. برگشتیم هتل و استراحت

فرداش هم ساعت 5.30 رفتیم جواب رو گرفتیم. 3 روز رفتیم استانبول گردی و کلی به گردش و تفریح گذشت.

13 مرداد که شنبه میشد ظهر هتل رو تحویل دادیم و وسایل رو تحویل هتل دادیم و رسید گرفتیم و گفتیم شب میایم بر میداریم وسایل رو. بعدشم رفتیم بازم گشتیم. دیگه ساعت 10 شب برگشتیم هتل، وسایل رو برداشتیم و با اتوبوس از میدان تقسیم رفتیم اتوگار. اونجا بلیط برای آنکارا گرفتیم. با اتوبوس vip تک صندلی، ساعت 23.30 رفتیم آنکارا. قیمت بلیط 47 لیر بود که ما با کمی چونه برای 4 نفر 130 لیر دادیم. حدود 33 لیر هر نفر. اتوبوسش خوب بود. اینترنت و ایرلس و بوفه و پتو و بالشت و مونیتر پشت صندلی و تمیز و مرتب. ساعت 6.00 رسیدیم ترمینال آشتی آنکارا. اونجا مترو سوار شدیم و رفتیم کیزیلای پیاده شدیم. پیاده رفتیم هتل ددمان که نزدیک میدان بود. اما حدود 10 دقیقه پیاده روی داشت. 7 هتل بودیم و سریع اتاق رو تحویل دادن. هتل تمیز و خوبی بود. (البته هست چون هنوز ما تو هتلیم)

یکشنبه صبح وارد هتل شدیم. تا ساعت 11 استراحت کردیم و طبق برنامه قبلی با خانواده راهی پارک آبی شدیم. رفتیم کنار پارک میدان کیزیلای، خیابون روبروی برگر کینگ، دقیقاً کنار ایستگاه اتوبوس ها یک خیابون هست به نام kumrular. کمی داخل خیابون یک ون پارک آبی ایستاده بود. سوار اون شدیم و ساعت 1 راه افتاد به مقصد پارک آبی. رفتیم پارک و اونجا تا ساعت 6 بودیم. هرچند که پارکش در مقابل پارکهای آبی دبی و مالزی و حتی پارک های آبی ایران، کوچیک تر بود، اما برای تمدد اعصاب و تفریح بد نبود. طراوت خاصی بهمون داد. ساعت 6.30 هم شاد و خوشحال با همو ماشین های ون پارک برگشتیم کیزیلای و تاکسی گرفتیم و رفتیم هتل. شب از هتل رفتیم تا سفارت که مسیر رو شناسایی کنیم. از هتل ددمان پیاده حدود 8 دقیقه تا سفارت راه بود. شب لباس ها رو آماده کردیم و چون خسته بودیم، یک خواب راحت تا صبح روز مصاحبه.

تا اینجا شو ناخاسته زیاد و مفصل نوشتیم، فعلاً همینجا باشه تا بقیه اش رو مرحله بعد بگم. اما مرحله بعد سفرنامه به این طول و درازی نیست.



ارسالها: 61
تاریخ عضویت: May 2012
رتبه: 0
تشکر: 87
385 بار تشکر شده در 60 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

بچه ها ما دیشب دیر وقت فرم 9 سوالی رو فرستادیم صبح امروز جواب اومد که فرم رسیده و در حال بررسیه امیدوار باشید که انشاءالله همگی زود کلیر میشین

As a part of your administrative processing, you are requested to provide our office the following information/

1. Your name, case number and other family members who will be traveling with you .

2. State whether you plan to permanently live in the United States or travel back and forth between your country of origin and the U.S .
Please provide the name of the port of entry at which you plan to enter the U.S. with your immigrant visa

3. List your research and/or business interests and whether you intend to continue this line of research or business in the U.S .
If you do plan to continue, state how and where. (The street address(es), Web site address(es), phone numbers of, and points of contact at, the organizations, institutes, and/or companies the applicant intends to visit in the United States (applicants going to academic institutions or conferences should give the name of an academic contact, not the name of the foreign student advisor

4. Please list detailed descriptions of your proposed research or works plans in the U.S., if any and also please include a statement of purpose of your travel to the U.S

5. List your entire employment background .
(List the most recent employment first and include specific duties and responsibilities)

6. Please list your entire educational background, including dates attended, degrees received, projects worked on, names of professors you worked with, and any publications you wrote. Please provide

(Complete list of publications of the applicant (and, if accompanying please provide your spouse's publications too-
List of references in your country of birth or residence -
-

7. List all overseas travel you have made, most recent trip first .

8. Name who or which organization will be funding your travel to the United States. Please provide
;Letters of invitation from the United States sponsor-

;Letters of recommendation from a United States source or from abroad-

;Letters of support from the financial sponsor-

9. Export license number (or, if pending, an export license application number) covering the activity in the United States (if relevant and available)

Please refer to our web-site http://turkey.usembassy.gov/contact_with_e-mail3.html to provide our office this information as

soon as possible . If you will have difficulty to send an attachment through the above link you may send your message to the e-mail

address ca-ankara@state.gov . (Your subject line must read "IV Admin Processing" (no space between letters

Please also attach an electronic copy of your CV (and if your spouse is accompanying you, please provide your spouse's résumé too) to your e-mail

,Thank you

Immigrant Visa Unit

US Embassy, Ankara

 schaghayegh

عضو با سابقه



ارسالها: 383

تاریخ عضویت: Jul 2011

رتبه: 4

تشکر: 1796

2577 بار تشکر شده در 363 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

ASALI(Aug-16-2012 07:22 PM) نوشته است:

hadiseh.t(Aug-16-2012 05:17 PM) نوشته است:

zavieh(Aug-16-2012 01:58 PM) نوشته است: سلام

مسافرت به آنکارا با تور به صرفه تر نیست؟
الان هتل اوزیلهان و ددمان هر کدام دوتخته شبی چقدره؟

من بهتون پیشنهاد میکنم برید هتل مرات اوزیلهان وسایل سرمایشی نداره

رمز شایرا رو خیلی جاها خوندم ... باید از خودش بیرسم؟؟؟ یا بقیه هم در جریان هستن ؟ فقط در مورد هتل مرات اوزیلهان جواب میده؟؟؟

ASALI جان هتل مرات و اوزیلهان 2 هتل مجزا هستند.... شایرا جان هم لطف کردند با مدیر مرات صحبت کردند تا به بچه هایی که با اسم ایشان مراجعه میکنند نرم تر برخورد کنند و قیمت بالا نبرونن 😊

 parsy631

عضو با سابقه



ارسالها: 379

تاریخ عضویت: Sep 2011

رتبه: 3

تشکر: 1268

2015 بار تشکر شده در 345 پست

RE: سفرنامه و تجربه مصاحبه در آنکارا

به همه دوستان عزیز از هتل گلد آنکارا سلام می کنم
من و یکی از دوستان و همراهان خوب مهاجرسرا از روز یکشنبه 12 اگوست با پرواز چارتر ماهان و با رزرو هتل گلد به مدت یک هفته به آنکارا آمدیم و الان 4 روز است اینجا هستیم . چند نکته :

روز دوشنبه ساعت 11 صبح جلوی سفارت بودیم . حدود ساعت یک ما را صدا زدند و پاسپورت ها را تحویل دادیم و با پرداخت نفری 17 لیر قبض ups گرفتیم .

برعکس ماه های قبل با توجه به شلوغی سفارت رسیدن ویزاها معمولا بیش از 2 روز طول می کشد .

توصیه : اقامت را بیش از سه روز برنامه ریزی کنید . کسانی که روی دوشنبه تا پنجشنبه برنامه ریزی کنند اکثرا به مشکل می خوردن . پس زمان بیشتری برای سفر در نظر بگیرید .

ما روز پنجشنبه ساعت 30/12 ویزاهای عزیز را دریافت کردیم . خانواده دوست عزیز مهاجرسرای ؛ خاوران و همسرشان که با ما پاسپورت دادند روز چهارشنبه ویزا گرفتند و برخی دیگر از دوستان تا جمعه یعنی امروز هم ویزایشان نیامده .

اینجا خیلی از دوستان مهاجرسرا را می بینیم و کلی خوشحال هستیم و خاطرات را مرور می کنیم . اتفاقات خوب و بد زیادی هم هست که کم کم برایتان می نویسم . درود بر همه دوستان - ارادتمند پرسام